متن و ترجمه

کتاب نفیس

فروع کافی

جلد دوم

تألیف

محدّث عالی مقام ثقة الاسلام محمّد یعقوب کلینی رازی رحمه الله

ترجمه: گروه مترجمان

اشراف و ویرایش: محمّد حسین رحیمیان

فهرست موضوعات

کتاب نماز
(۱۹ـ۵۰۹)

بخش یکم

فضیلت نماز ۲۱

بخش دوم

کسی که از نماز خود مواظبت کند... . ۲۶

بخش سوّم

وجوب نماز......................... ۳۵

بخش چهارم

اوقات نماز......................... ۴۰

بخش پنجم

وقت نماز ظهر و عصر.............. ۴۴

بخش ششم

وقت نماز مغرب و عشا............ ۴۹

بخش هفتم

وقت نماز صبح.................... ۵۷

بخش هشتم

تعیین وقت نماز.................... ۶۰

بخش نهم

جمع بین دو نماز.................. ۶۵

بخش دهم

نمازهایی که می‌توان در همهٔ اوقات خواند ۶۷

بخش یازدهم

خواندن نافله... . . . . ۶۹

بخش دوازدهم

کسی که بخوابد و نماز نخواند... . . . . ۷۳

بخش سیزدهم

بنای مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله ۸۳

بخش چهاردهم

وسیله حایل بین نمازگزار و رهگذر. . . ۸۶

بخش پانزدهم

زنی که در برابر مرد نماز می‌گزارد... . ۸۹

بخش شانزدهم

خشوع در نماز و مکروه بودن بازی کردن ۹۱

بخش هفدهم

گریه و دعا در نماز ۹۶

بخش هیجدهم

آغاز اذان و اقامه.... . . . . ۹۸

بخش نوزدهم

کلامی که به هنگام ورود و خروج در مسجد گفت ۱۱۱

بخش بیستم

آغاز نماز، حدّ تکبیر.... . . . . ۱۱۳

بخش بیست و یکم

قرائت قرآن ۱۲۰

بخش بیست و دوم

سوره‌هایی که دارای سجده واجبند . ۱۳۰

بخش بیست و سوّم

قرائت و تسبیح در دو رکعت آخر. . . ۱۳۲

بخش بیست و چهارم

رکوع و تسبیح و دعای رکوع و ذکر پس از آن. ۱۳۳

بخش بیست و پنجم

سجده، تسبیح، دعای سجدهٔ...... ۱۳۷

بخش بیست و ششم

کمترین تسبیحی که در رکوع و سجود کفایت می‌کند................. ۱۵۵

بخش بیست و هفتم

چیزهایی که می‌توان بر آن‌ها سجده کرد... .... ۱۵۸

بخش بیست و هشتم

نهادن پیشانی بر زمین ۱۶۴

بخش بیست و نهم

ایستادن و نشستن در نماز ۱۶۷

بخش سی‌ام

تشهّد در دو رکعت اوّل و رکعت چهارم وسلام دادن ۱۷۳

بخش سی و یکم

قنوت در نماز واجب و نافله....... ۱۷۷

بخش سی و دوم

دعا و تعقیب بعد از نماز.......... ۱۸۲

بخش سی و سوم

کسی که پیش از سلام حدثی از او سر زند........................ ۱۹۵

سی و چهارم

سهو در آغاز نماز............... ۱۹۶

بخش سی و پنجم

سهو در قرائت.................. ۱۹۷

بخش سی و ششم

سهو در رکوع.................. ۱۹۸

بخش سی و هفتم

سهو در سجود ۲۰۰

بخش سی و هشتم

سهو در دو رکعت اول ۲۰۱

بخش سی و نهم

سهو در نماز صبح، مغرب و جمعه . ۲۰۳

بخش چهلم

سهو در رکعت سوّم و چهارم ۲۰۵

بخش چهل و یکم

کسی که در رکعت چهار و پنجم شک کند... .... ۲۱۰

بخش چهل و دوم

کسی که در نماز سخن بگوید..... ۲۱۲

بخش چهل و سوم

کسی که در همهٔ نمازهایش شک می‌کند... .... ۲۱۸

بخش چهل و چهارم

چه مقدار از نماز سهوکننده پذیرفته می‌شود. ۲۳۱

بخش چهل و پنجم

باطل شدن نماز به وسیلهٔ خنده... . ۲۳۵

بخش چهل و ششم

سلام کردن بر نمازگزار و حکم عطسه در نماز. ۲۳۹

بخش چهل و هفتم

کشتن گزندگان در حال نماز. ۲۴۱

بخش چهل و هشتم

بنای مساجد و احکام آن. ۲۴۳

بخش چهل و نهم

فضیلت و برتری نماز جماعت..... ۲۵۰

بخش پنجاهم

نماز پشت سر کسی که به او اقتدا نمی‌شود ۲۵۵

بخش پنجاه و یکم
امام جماعتی که اقتدای به او مکروه است... ۲۵۹

بخش پنجاه و دوم
مردی که به زنان پیشنمازی کند... ۲۶۲

بخش پنجاه و سوّم
نماز در پشت سر کسی که به او اقتدا می‌شود... ۲۶۳

بخش پنجاه و چهارم
کسی که برای گروهی بدون طهارت امامت نماید... ۲۶۵

بخش پنجاه و پنجم
شخصی که به تنهایی نماز می‌خواند... ۲۶۷

بخش پنجاه و ششم
شخصی که قسمتی از نماز خود را با امام درک می‌نماید... ۲۷۱

بخش پنجاه و هفتم
شخصی که در اثنای نماز به صف جماعت می‌پیوندد... ۲۷۸

بخش پنجاه و هشتم
نماز در کعبه، بالای آن... ۲۸۳

بخش پنجاه و نهم
نماز خواندن در یک لباس... ۲۹۵

بخش شصتم
لباسی که نماز در آن مکروه ولباسی که مکروه نیست... ۳۰۲

بخش شصت و یک
حکم نماز در لباس نجس دانسته یا ندانسته... ۳۱۹

بخش شصت و دوّم
شخصی که در حال دهان بسته، یا خضاب کرده نماز می‌گزارد... ۳۲۷

بخش شصت و سوّم
نماز کودکان... ۳۲۹

بخش شصت و چهارم
چگونگی نماز پیران و بیماران ۳۳۱

بخش شصت و پنجم
نماز شخص بی هوش و بیمار... ۳۳۶

بخش شصت و ششم
فضیلت روز و شب جمعه. ۳۳۸

بخش شصت و هفتم
آرایش و آراستن در روز جمعه ۳۴۵

بخش شصت و هشتم
وجوب نماز جمعه... ۳۴۹

بخش شصت و نهم
وقت نماز جمعه و وقت نماز عصر در روز جمعه ۳۵۲

بخش هفتادم
مهّیا شدن امام جمعه برای نماز جمعه... ۳۵۴

بخش هفتاد و یکم
قرائت در نمازهای روز و شب جمعه ۳۶۳

بخش هفتاد و دوم
قنوت در نماز جمعه و دعای آن ۳۶۶

بخش هفتاد و سوم
کسی که نماز جمعهٔ به امام از او فوت شود ۳۶۷

بخش هفتاد و چهارم
نافلهٔ روز جمعه ۳۶۸

بخش هفتاد و پنجم
احادیثی چند دربارهٔ جمعه ۳۶۹

بخش‌های مربوط به احکام نماز در سفر

بخش هفتاد و ششم

وقت نماز در سفر و حکم جمع بین دو نماز. ۳۷۴

بخش هفتاد و هفتم

مقدار مسافتی که نماز در آن قصر می‌شود. ۳۷۷

بخش هفتاد و هشتم

کسی که می‌خواهد سفر کند..... . . . . . ۳۸۰

بخش هفتاد و نهم

مسافری که به شهری می‌آید تا چند روز باید نماز را شکسته بخواند؟ ۳۸۳

بخش هشتادم

نماز ناخدایان، چهارپاداران، شکارچیان... . . . . ۳۸۵

بخش هشتاد و یکم

مسافری که در نماز به شخص غیر مسافر اقتدا می‌کند ۳۹۰

بخش هشتاد و دوّم

نماز نافله در سفر. ۳۹۱

بخش هشتاد و سوم

نماز در کشتی ۳۹۵

بخش هشتاد و چهارم

نمازهای نافله ۳۹۷

بخش هشتاد و پنجم

تقدیم و تأخیر نمازهای نافله... . . . . . ۴۱۵

بخش هشتاد و ششم

نماز خوف و ترس. ۴۲۴

بخش هشتاد و هفتم

نماز در هنگام حملهٔ دشمن... . . . . . . ۴۲۸

بخش هشتاد و هشتم

نـماز عـید فطر و عـید قربان و خطبهٔ آن‌ها ۴۳۱

بخش هشتاد و نهم

نماز طلب باران ۴۳۶

بخش نودم

نمازگرفتن خورشید و ماه ۴۳۹

بخش نود و یکم

نماز تسبیح ۴۴۴

بخش نود و دوم

نماز حضرت فاطمه علیها السلام و نماز ترغیب دیگری ۴۴۹

بخش نود و سوّم

نماز استخاره.................. ۴۵۴

بخش نود و چهارم

نماز برای درخواست روزی ۴۶۲

بخش نود و پنجم

نماز حاجت ۴۶۸

بخش نود و ششم

نماز کسی که از چیزی بترسد....... ۴۷۷

بخش نود و هفتم

نماز کسی که ارادهٔ سفر دارد........ ۴۷۸

بخش نود و هشتم

نماز شکر و سپاسگزاری ۴۷۹

بخش نود و نهم

نماز کسی که بخواهد زن خود را به خانه آورد...................... ۴۸۰

بخش صدم

چند حدیث بی‌نظیر ۴۸۲

بخش صد و یکم

مساجد کوفه ۵۰۰

بخش صد و دوّم

فضیلت مسجد بزرگ کوفه... . . . . ۵۰۲

بخش صد و سوم

فضیلت مسجد سهله. ۵۰۸

کتاب زکات
(۵۱۱ـ ۶۷۸)

بخش یکم
وجوب زکات و حقوق واجب... ۵۱۳

بخش دوّم
عدم پرداخت زکات ۵۲۹

بخش سوّم
علت وضع زکات ۵۳۹

بخش چهارم
آن‌چه بر خدا و اهل بیت او به عنوان زکات مقرّر کرده‌اند ۵۴۲

بخش پنجم
زکات حبوبات و غلّات ۵۴۴

بخش ششم
سبزیجات و گیاهانی که زکات واجب ندارد ۵۴۷

بخش هفتم
کمترین نصاب زکات محصولات. ۵۵۰

بخش هشتم
زکات در خرما در یک سال یک مرتبه است......................... ۵۵۵

بخش نهم
زکات طلا و نقره ۵۵۶

بخش دهم
زیور آلات، سکه‌های غیر رایج طلا، نقره و جواهرات زکات ندارند ۵۶۱

بخش یازدهم
زکات مال غائب، قرض و ودیعه . ۵۶۴

بخش دوازدهم

زمان پرداخت زکات ۵۷۱

بخش سیزدهم

شرط پرداخت زکات در ضمن معامله........................ ۵۷۶

بخش چهاردهم

حکم مالی که در دست صاحبش یک سال دست نخورده می‌ماند........ ۵۷۷

بخش پانزدهم

مالی را انسان پس از پرداخت زکات آن استفاده می‌کند................. ۵۸۴

بخش شانزدهم

حکم کسی که کالایی را می‌خرد و ضرر می‌کند و حکم مضاربه ۵۸۵

بخش هفدهم

حیواناتی که زکاتشان واجب است و آن‌چه که واجب نیست........... ۵۹۰

بخش هیجدهم

زکات شتر.................. ۵۹۴

بخش نوزدهم

زکات گاو.................. ۵۹۷

بخش بیستم

زکات گوسفند................ ۵۹۸

بخش بیست و یکم

آدابی که مأمور دریافت زکات باید مراعات کند ۶۰۰

بخش بیست و دوّم

زکات مال یتیمان.............. ۶۰۲

بخش بیست و سوّم

زکات اموال برده، مکاتب و دیوانه....................... ۶۱۱

بخش بیست و چهارم

حکم آن‌چه که سلطان به عنوان خراج می‌گیرد........................ ۶۱۵

بخش بیست و پنجم

حکم کسی‌که مخارج خانواده برعهدهٔ اوست....................... ۶۱۷

بخش بیست و ششم

حکم شخصی که به گمان خود به تنگدستی زکات می‌پردازد... ...... ۶۲۰

بخش بیست و هفتم

زکات فقط باید به اهل ولایت پرداخت شد........................ ۶۲۱

بخش بیست و هشتم

پرداخت زکات از جانب مرده ... ۶۲۳

بخش بیست و نهم

کمترین و بیشترین مبلغ پرداختی از زکات ۶۲۷

بخش سی‌ام

پرداخت هزینه خانواده... .... ۶۲۹

بخش سی و یکم

اولوّیت برخی از کسانی که زکات دریافت می‌کنند بر دیگران............. ۶۳۱

بخش سی و دوّم

رجحان خویشاوندان در پرداخت زکات و... .... ۶۳۳

بخش سی و سوّم

چند حدیث نادر............ ۶۳۶

بخش سی و چهارم

حکم زکاتی که از شهری به شهر دیگر ارسال می‌شود................ ۶۴۰

بخش سی و پنجم

حکم کسی که زکات را مأمور می‌دهد... .... ۶۴۲

بخش سی و ششم

وقتی به کسی زکات پرداخت شد... ۶۴۷

بخش سی و هفتم

انسان از زکات حج انجام می‌دهد یا برده آزاد می‌کند ۶۴۸

بخش سی و هشتم

قرض، به جای زکات است ۶۵۱

بخش سی و نهم

قصاص زکات با قرض ۶۵۳

بخش چهلم

حکم کسی که از پرداخت زکات فرار می‌کند ۶۵۴

بخش چهل و یکم

کسی که از قیمت زکاتش می‌پردازد ۶۵۵

بخش چهل و دوم

کسی که اخذ زکات بر او حلال است و کسی که حلال نیست و مال کمی دارد ۶۵۶

بخش چهل و سوم

کسی که زکات بر او حلال است... ۶۵۷

بخش چهل و چهارم

(حصاد و جداد) خوشه چینی و برداشت محصول ۶۶۶

بخش چهل و پنجم

زکات کسانی که باید جزیه دهند . ۶۶۸

بخش چهل و ششم

چند حدیث کمیاب. ۶۷۲

بخش چهل و هفتم

چند روایت نکته دار ۶۷۶

كِتَابُ

الصَّلاَةِ

کتاب

نماز

(۱)

بَابُ فَضْلِ الصَّلاَةِ

قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكُلَيْنِيُّ مُصَنِّفُ هَذَا الْكِتَابِ رَحِمَهُ اللهُ:

١ ـ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام عَنْ أَفْضَلِ مَا يَتَقَرَّبُ بِهِ الْعِبَادُ إِلَى رَبِّهِمْ وَ أَحَبِّ ذَلِكَ إِلَى اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَا هُوَ؟

فَقالَ: مَا أَعْلَمُ شَيْئاً بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ الصَّلاَةِ. أَ لَا تَرَى أَنَّ الْعَبْدَ الصَّالِحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ عليه‌السلام قَالَ: ﴿وَ أَوْصانِي بِالصَّلاةِ وَ الزَّكاةِ ما دُمْتُ حَيًّا﴾.

بخش یکم
فضیلت نماز

محمّد بن یعقوب کلینی رحمه‌الله نگارندهٔ این کتاب گوید:

۱ ـ محمّد بن یحیی از احمد بن محمّد بن عیسی از حسن بن محبوب از معاویة بن وهب به من نقل کرد که معاویة بن وهب گوید: از امام صادق عليه‌السلام پرسیدم:

برترین چیزی که بندگان بدان وسیله به پروردگارشان تقرّب می‌جویند و نیز دوست داشتنی‌ترین آن‌ها نزد خداوند متعال چیست؟

فرمود: من چیزی را بعد از معرفت به خدا نمی‌شناسم که بهتر از نماز باشد. مگر نمی‌بینی که بندهٔ صالح خدا، عیسی بن مریم عليه‌السلام گفته است: «و (پروردگارم) مرا تا زنده‌ام به نماز و زکات سفارش فرمود».

٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ زَيْدٍ الشَّحَّامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ الصَّلاَةُ، وَ هِيَ آخِرُ وَصَايَا الْأَنْبِيَاءِ عليهم السلام فَمَا أَحْسَنَ الرَّجُلَ يَغْتَسِلُ أَوْ يَتَوَضَّأُ فَيُسْبِغُ الْوُضُوءَ، ثُمَّ يَتَنَحَّى حَيْثُ لاَ يَرَاهُ أَنِيسٌ، فَيُشْرِفُ عَلَيْهِ وَ هُوَ رَاكِعٌ أَوْ سَاجِدٌ. إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا سَجَدَ فَأَطَالَ السُّجُودَ نَادَى إِبْلِيسُ: يَا وَيْلاَهْ! أَطَاعَ وَ عَصَيْتُ وَ سَجَدَ وَ أَبَيْتُ.

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْوَشَّاءِ قَالَ: سَمِعْتُ الرِّضَا يَقُولُ:

أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هُوَ سَاجِدٌ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿وَ اسْجُدْ وَ اقْتَرِبْ﴾.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ يَزِيدَ بْنِ خَلِيفَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يَقُولُ:

---

٢ ـ زید شحّام گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

محبوبترین اعمال نزد خداوند عزّوجلّ نماز است، و آن آخرین سفارش پیامبران عليهم السلام است، چقدر نیکوست مرد غسل کند، یا به طور تمام و کمال وضو بگیرد، آن‌گاه به گوشه‌ای رود؛ چنان‌که هیچ کسی او را نبینند، پس خداوند بر او نظر افکند، در حالی که او در رکوع و یا در سجود است. همانا بنده چون به سجده رود و آن را طولانی کند، ابلیس فریاد زند: وای بر من که او فرمانبرداری کرد و من نافرمانی کردم، او سجده نمود و من از سجده خودداری کردم.

٣ ـ وشّاء گوید: از امام رضا عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

نزدیکترین حالات بنده به خداوند عزّوجلّ حالتی است که او در سجده است و دلیل آن، فرمایش خداوند عزّوجلّ است که می‌فرماید: «سجده کن و تقرّب یاب».

۴ ـ یزید بن خلیفه گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

إِذَا قَامَ الْمُصَلِّي إِلَى الصَّلاَةِ نَزَلَتْ عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ مِنْ أَعْنَانِ السَّمَاءِ إِلَى أَعْنَانِ الْأَرْضِ، وَ حَفَّتْ بِهِ الْمَلاَئِكَةُ، وَ نَادَاهُ مَلَكٌ: لَوْ يَعْلَمُ هَذَا الْمُصَلِّي مَا فِي الصَّلاَةِ مَا انْفَتَلَ.

٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

إِذَا قَامَ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ فِي صَلاَتِهِ نَظَرَ اللهُ إِلَيْهِ ـ أَوْ قَالَ أَقْبَلَ اللهُ عَلَيْهِ ـ حَتَّى يَنْصَرِفَ، وَ أَظَلَّتْهُ الرَّحْمَةُ مِنْ فَوْقِ رَأْسِهِ إِلَى أُفُقِ السَّمَاءِ، وَ الْمَلاَئِكَةُ تَحُفُّهُ مِنْ حَوْلِهِ إِلَى أُفُقِ السَّمَاءِ، وَ وَكَّلَ اللهُ بِهِ مَلَكاً قَائِماً عَلَى رَأْسِهِ يَقُولُ لَهُ: أَيُّهَا الْمُصَلِّي! لَوْ تَعْلَمُ مَنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ وَ مَنْ تُنَاجِي مَا الْتَفَتَّ وَ لَا زِلْتَ مِنْ مَوْضِعِكَ أَبَداً.

٦ ـ أَبُو دَاوُدَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

الصَّلاَةُ قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ.

چون نمازگزار به نماز ایستد، مهر و رحمت بر او از اطراف آسمان به سوی اطراف زمین فرود آید، فرشتگان او را احاطه کنند، و فرشته‌ای او را ندا کند: اگر این نمازگزار می‌دانست چه ارزش و مقامی در نماز است، آن را به پایان نمی‌برد.

۵ ـ ابو حمزه گوید: امام باقر عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

هرگاه بندهٔ مؤمن برای نمازش برخیزد، خداوند به او نظر کند ـ یا این که فرمود: خداوند به او روی آورد ـ تا این که از نماز فارغ شود، و رحمت خداوند از بالای سر او تا کرانه‌های آسمان بر او سایه افکند، و فرشتگان، پیرامون او را تا کرانه‌های آسمان فرا گیرند، و خداوند فرشته‌ای را بر بالای سر او بگمارد که ایستاده باشد و به او گوید: ای نمازگزارا! اگر می‌دانستی چه کسی به تو نظر می‌کند و چه کسی را می‌خوانی، هرگز نمازت را به پایان نمی‌بردی و همیشه در جایگاه نماز می‌ماندی.

۶ ـ محمّد بن فضیل گوید: امام رضا عليه السلام فرمود:

نماز وسیله تقرّب هر پرهیزکار است.

۷ ـ عَنْهُ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام.

صَلاَةٌ فَرِيضَةٌ خَيْرٌ مِنْ عِشْرِينَ حَجَّةً وَ حَجَّةٌ خَيْرٌ مِنْ بَيْتٍ مَمْلُوءٍ ذَهَباً يُتَصَدَّقُ مِنْهُ حَتَّى يَفْنَى.

۸ ـ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:

مَرَّ بِالنَّبِيِّ صلى الله عليه وآله رَجُلٌ وَ هُوَ يُعَالِجُ بَعْضَ حُجُرَاتِهِ.

فَقالَ: يَا رَسُولَ اللهِ! أَ لَا أَكْفِيكَ.

فَقالَ: شَأْنَكَ! فَلَمَّا فَرَغَ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: حَاجَتُكَ؟

قَالَ: الْجَنَّةُ.

فَأَطْرَقَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله.

ثُمَّ قَالَ: نَعَمْ، فَلَمّا وَلَّى، قَالَ لَهُ: يَا عَبْدَ اللهِ! أَعِنَّا بِطُولِ السُّجُودِ.

---

۷ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

یک نماز فریضه از انجام بیست حج بهتر است، و یک حج بهتر از خانه‌ای پر از طلا است که انسان آن را صدقه دهد تا چیزی از آن نماند.

۸ ـ عبد اللّٰه بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

مردی از کنار پیامبر صلى الله عليه وآله گذر می‌کرد، حضرتش یکی از اتاق‌های خود را تعمیر می‌کرد.

آن مرد گفت: ای رسول خدا! آیا کمک نمی‌خواهید؟

فرمود: باشد! هنگامی که مرد از کار فارغ شد، پیامبر خدا صلى الله عليه وآله به او فرمود: حاجت تو چیست؟

گفت: بهشت.

رسول خدا صلى الله عليه وآله سر به زیر افکند، پس از لحظه‌ای فرمود: باشد. هنگامی که آن مرد پشت کرد که برود به او فرمود: ای بندهٔ خدا! سجده‌ات را طولانی کن تا مرا در استجابت دعایم ـ که بهشت را برای تو از خدا خواسته‌ام ـ یاری کنی.

۹ ـ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله:

مَثَلُ الصَّلاَةِ مَثَلُ عَمُودِ الْفُسْطَاطِ إِذَا ثَبَتَ الْعَمُودُ نَفَعَتِ الْأَطْنَابُ وَ الْأَوْتَادُ وَ الْغِشَاءُ، وَ إِذَا انْكَسَرَ الْعَمُودُ لَمْ يَنْفَعْ طُنُبٌ وَ لَا وَتِدٌ وَ لَا غِشَاءٌ.

۱۰ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ الْيَمَانِيِّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ فِي قَوْلِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿إِنَّ الْحَسَنٰاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئٰاتِ﴾.

قَالَ: صَلاَةُ الْمُؤْمِنِ بِاللَّيْلِ تَذْهَبُ بِمَا عَمِلَ مِنْ ذَنْبٍ بِالنَّهَارِ.

۱۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ:

مَنْ قَبِلَ اللهُ مِنْهُ صَلاَةً وَاحِدَةً لَمْ يُعَذِّبْهُ، وَ مَنْ قَبِلَ مِنْهُ حَسَنَةً لَمْ يُعَذِّبْهُ.

---

۹ ـ عبید بن زراره گوید: امام صادق عليه‌السلام می‌فرماید: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

نماز همچون ستون خیمه است که هرگاه ستون پای بر جا و ثابت باشد، طناب‌ها، میخ‌ها و پردهٔ خیمه فایده دارد، و هرگاه آن ستون بشکند، دیگر نه طناب، نه میخ و نه پردهٔ خیمهٔ هیچ کدام فایده‌ای ندارند.

۱۰ ـ راوی گوید: امام صادق عليه‌السلام در مورد گفتار خداوند عزّوجلّ که می‌فرماید: «البتّه حسنات و نیکوکاری‌ها، زشتکاری‌ها را محو می‌سازد» فرمود:

مراد از حسنات، نماز شب مؤمن است که گناهان روز را از بین می‌برد.

۱۱ ـ حفص بختری گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

خداوند از هر فردی که یک نماز را بپذیرد، او را عذاب نخواهد فرمود، و خداوند از فردی که یک حسنه قبول فرماید، او را عذاب نخواهد کرد.

۱۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَيْفٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: حَدَّثَنِي مَنْ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يَقُولُ:

مَنْ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ يَعْلَمُ مَا يَقُولُ فِيهِمَا انْصَرَفَ وَ لَيْسَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللهِ ذَنْبٌ.

۱۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله:

الصَّلاَةُ مِيزَانٌ، مَنْ وَفَّى اسْتَوْفَى.

(۲)
بَابُ مَنْ حَافَظَ عَلَى صَلاَتِهِ أَوْ ضَيَّعَهَا

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ:

كُنْتُ صَلَّيْتُ خَلْفَ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام بِالْمُزْدَلِفَةِ. فَلَمَّا انْصَرَفَ الْتَفَتَ إِلَيَّ فَقَالَ:

---

۱۲ ـ سیف گوید: کسی که از امام صادق عليه السلام شنیده بود به من گفت: آن حضرت می‌فرمود:

هر کس دو رکعت نماز به جای آورد و بداند که در آن دو رکعت چه می‌گوید، از نماز فارغ شود در حالی که میان او و خدایش گناهی نباشد.

۱۳ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود:

نماز همچون ترازوست، پس هر کس آن را تمام و کمال بپردازد و حق آن را به جای آورد، به تمام و کمال پاداش دریافت خواهد کرد.

بخش دوم
کسی که از نماز خود مواظبت کند، یا این که آن را ضایع و تباه سازد

۱ ـ ابان بن تغلب گوید: در مزدلفه (مشعر الحرام) پشت سر امام صادق عليه السلام نماز به جای آوردم. وقتی حضرتش نماز را به پایان رساند، رو به من کرد و فرمود:

يَا أَبَانُ! الصَّلَوَاتُ الْخَمْسُ الْمَفْرُوضَاتُ، مَنْ أَقَامَ حُدُودَهُنَّ وَ حَافَظَ عَلَى مَوَاقِيتِهِنَّ لَقِيَ اللهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَهُ عِنْدَهُ عَهْدٌ يُدْخِلُهُ بِهِ الْجَنَّةَ، وَ مَنْ لَمْ يُقِمْ حُدُودَهُنَّ وَ لَمْ يُحَافِظْ عَلَى مَوَاقِيتِهِنَّ لَقِيَ اللهَ وَ لَا عَهْدَ لَهُ، إِنْ شَاءَ عَذَّبَهُ وَ إِنْ شَاءَ غَفَرَ لَهُ.

۲ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمانِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ:

صَلَّيْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام الْمَغْرِبَ بِالْمُزْدَلِفَةِ. فَلَمَّا انْصَرَفَ أَقَامَ الصَّلاَةَ وَ صَلَّى الْعِشَاءَ الآخِرَةَ لَمْ يَرْكَعْ بَيْنَهُمَا. ثُمَّ صَلَّيْتُ مَعَهُ بَعْدَ ذَلِكَ بِسَنَةٍ، فَصَلَّى الْمَغْرِبَ ثُمَّ قَامَ فَتَنَفَّلَ بِأَرْبَعِ رَكَعَاتٍ ثُمَّ أَقَامَ فَصَلَّى الْعِشَاءَ الآخِرَةَ. ثُمَّ الْتَفَتَ إِلَيَّ فَقَالَ:

ای ابان! هر که حدود نمازهای پنجگانهٔ واجب را بر پا دارد و مراقب اوقات آنها باشد، در روز قیامت در حالی خداوند را ملاقات خواهد کرد، که برای او در پیشگاه خدا امان نامه‌ای خواهد بود که او را وارد بهشت کند، و کسی که حدود آنها را بر پا ندارد و مراقب اوقات آنها نباشد، خدای را در حالی ملاقات خواهد کرد که هیچ امان نامه‌ای نخواهد داشت و خداوند اگر خواهد او را عذاب کند و اگر خواهد بیامرزد.

۲ ـ ابان گوید: خدمت امام صادق عليه السلام نماز مغرب را در مزدلفه خواندم و چون نماز را تمام نمود، اقامه نماز را گفت و نماز عشا را خواند و مابین آنها نماز دیگری نخواند.

سال دیگری با حضرتش نماز مغرب را خواندم، حضرتش برخاست و چهار رکعت نماز مستحبی خواند، آنگاه اقامه نماز را گفت و نماز عشا را خواند، سپس رو به من کرد و فرمود:

يَا أَبَانُ! هَـذِهِ الصَّـلَوَاتُ الْـخَمْسُ الْـمَفْرُوضَاتُ مَـنْ أَقَـامَهُنَّ وَ حَـافَظَ عَـلَى مَوَاقِيتِهِنَّ لَقِيَ اللهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَهُ عِنْدَهُ عَهْدٌ يُدْخِلُهُ بِهِ الْجَنَّةَ، وَ مَنْ لَمْ يُـصَلِّهِنَّ لِمَوَاقِيتِهِنَّ وَ لَمْ يُحَافِظْ عَلَيْهِنَّ فَذَاكَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ غَفَرَ لَهُ وَ إِنْ شَاءَ عَذَّبَهُ.

٣ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمانِ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: قِيلَ لَهُ وَ أَنَا حَاضِرٌ: الرَّجُلُ يَكُونُ فِي صَـلاَتِهِ خَالِياً فَيَدْخُلُهُ الْعُجْبُ.

فَقالَ: إِذَا كَانَ أَوَّلَ صَلاَتِهِ بِنِيَّةٍ يُرِيدُ بِهَا رَبَّهُ فَلاَ يَضُرُّهُ مَا دَخَلَهُ بَعْدَ ذَلِكَ فَلْيَمْضِ فِي صَلاَتِهِ وَ لْيَخْسَأِ الشَّيْطَانَ.

٤ ـ جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عُثْمانَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ:

ای ابان! هر که حدود نمازهای پنجگانهٔ واجب را بر پا دارد و مراقب اوقات آن‌ها باشد، در روز قیامت در حالی خداوند را ملاقات خواهد کرد که برای او در پیشگاه خدا امان نامه‌ای خواهد بود که او را وارد بهشت کند، و کسی که حدود آن‌ها را بر پا ندارد و مراقب اوقات آن‌ها نباشد، خدای را در حالی ملاقات خواهد کرد که هیچ امان نامه‌ای نخواهد داشت و خداوند اگر خواهد او را عذاب کند و اگر خواهد بیامرزد.

۳ـ یونس بن عمّار گوید: من در خدمت امام صادق عليه السلام بودم که به حضرتش گفته شد: شخصی در نماز است و ذهن او خالی از هر فکر است، ولی ناگاه عجب و خودپسندی او را فرا می‌گیرد.

فرمود: اگر از ابتدای نماز قصد تقرّب به پروردگار در نیّت او بوده است، چنین حالی به او ضرری نمی‌رساند، نماز خود را ادامه دهد و شیطان را از خود براند.

۴ ـ ابوبصیر گوید: از امام باقر عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

كُلُّ سَهْوٍ فِي الصَّلاَةِ يُطْرَحُ مِنْهَا غَيْرَ أَنَّ اللهَ تَعَالَى يُتِمُّ بِالنَّوَافِلِ، إِنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلاَةُ فَإِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ مَا سِوَاهَا، إِنَّ الصَّلاَةَ إِذَا ارْتَفَعَتْ فِي أَوَّلِ وَقْتِهَا رَجَعَتْ إِلَى صَاحِبِهَا وَ هِيَ بَيْضَاءُ مُشْرِقَةٌ تَقُولُ: حَفِظْتَنِي حَفِظَكَ اللهُ.

وَ إِذَا ارْتَفَعَتْ فِي غَيْرِ وَقْتِهَا بِغَيْرِ حُدُودِهَا رَجَعَتْ إِلَى صَاحِبِهَا وَ هِيَ سَوْدَاءُ مُظْلِمَةٌ تَقُولُ: ضَيَّعْتَنِي ضَيَّعَكَ اللهُ.

۵ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ قَالَ:

سَأَلْتُ عَبْداً صَالِحاً عليه‌السلام عَنْ قَوْلِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ ﴿الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلاتِهِمْ ساهُونَ﴾.

قَالَ: هُوَ التَّضْيِيعُ.

هر غفلتی در نماز از ارزش آن می‌کاهد، ولی خداوند به وسیلهٔ نمازهای نافله آن را تکمیل می‌کند.

همانا نخستین چیزی که بنده را به آن محاسبه می‌کنند، نماز است که اگر قبول شود، اعمال دیگر نیز قبول می‌شود.

به راستی که اگر نماز در اوّل وقت بالا رود، چون به صاحبش باز گردد، سفید و نورانی است، و می‌گوید: مرا حفظ کردی، خدا تو را، حفظ کند و اگر در غیر وقت و بدون رعایت حدودش خوانده شود. به صاحبش در حالی که، سیاه و تاریک است باز گردد و می‌گوید: مرا ضایع نمودی، خداوند تو را ضایع نماید.

۵ ـ محمّد بن فضیل گوید: از امام کاظم عليه‌السلام دربارهٔ گفتار خدای تعالی که می‌فرماید: «آنان که نسبت به نماز خود سهو کننده و غفلت ورزند» سؤال کردم.

فرمود: همان ضایع کردن نماز است.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: بَيْنَا رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله جَالِسٌ فِي الْمَسْجِدِ إِذْ دَخَلَ رَجُلٌ فَقَامَ يُصَلِّي فَلَمْ يُتِمَّ رُكُوعَهُ وَ لَا سُجُودَهُ.

فَقالَ صلى الله عليه وآله: نَقَرَ كَنَقْرِ الْغُرَابِ لَئِنْ مَاتَ هَذَا وَ هَكَذَا صَلاَتُهُ لَيَمُوتَنَّ عَلَى غَيْرِ دِينِي.

٧ ـ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ:

لَا تَتَهَاوَنْ بِصَلاَتِكَ، فَإِنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله قَالَ عِنْدَ مَوْتِهِ: لَيْسَ مِنِّي مَنِ اسْتَخَفَّ بِصَلاَتِهِ، لَيْسَ مِنِّي مَنْ شَرِبَ مُسْكِراً لَا يَرِدُ عَلَيَّ الْحَوْضَ لَا وَ اللهِ.

٨ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

لَا يَزَالُ الشَّيْطَانُ ذَعِراً مِنَ الْمُؤْمِنِ مَا حَافَظَ عَلَى الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ، فَإِذَا ضَيَّعَهُنَّ تَجَرَّأَ عَلَيْهِ فَأَدْخَلَهُ فِي الْعَظَائِمِ.

۶ـ زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

روزی رسول خدا صلى الله عليه وآله در مسجد نشسته بود که مردی وارد شد و مشغول نماز گشت در حالی که رکوع و سجود آن را درست به جای نمی‌آورد.

آن حضرت فرمود: آن مرد همانند کلاغ منقار زد. اگر او بمیرد و نمازش این گونه باشد، بر غیر دین من مرده است.

۷ـ زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

نماز خود را سبک مشمار، چرا که رسول خدا صلى الله عليه وآله به هنگام وفات خویش فرمود: هر کس نماز خود را سبک شمارد، از من نیست و هر کس نوشابهٔ مست کننده‌ای بنوشد، از من نیست و در کنار حوض کوثر بر من وارد نخواهد شد. هرگز! به خدا سوگند!

۸ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام می‌فرماید: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

شیطان همیشه از مؤمن خائف و ترسناک است تا زمانی که به نمازهای پنجگانهٔ خود مواظبت نماید. اگر آن‌ها را ضایع کند، شیطان بر او دلیر شود و او را در گناهان کبیره داخل سازد.

۹ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

وَ اللهِ! إِنَّهُ لَيَأْتِي عَلَى الرَّجُلِ خَمْسُونَ سَنَةً وَ مَا قَبِلَ اللهُ مِنْهُ صَلاَةً وَاحِدَةً، فَأَيُّ شَيْءٍ أَشَدُّ مِنْ هَذَا.

وَ اللهِ! إِنَّكُمْ لَتَعْرِفُونَ مِنْ جِيرَانِكُمْ وَ أَصْحَابِكُمْ مَنْ لَوْ كَانَ يُصَلِّي لِبَعْضِكُمْ مَا قَبِلَهَا مِنْهُ لِاسْتِخْفَافِهِ بِهَا إِنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَا يَقْبَلُ إِلَّا الْحَسَنَ فَكَيْفَ يَقْبَلُ مَا يُسْتَخَفُّ بِهِ.

۱۰ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا قَامَ الْعَبْدُ فِي الصَّلاَةِ فَخَفَّفَ صَلاَتَهُ قَالَ اللهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِمَلاَئِكَتِهِ: أَمَا تَرَوْنَ إِلَى عَبْدِي كَأَنَّهُ يَرَى أَنَّ قَضَاءَ حَوَائِجِهِ بِيَدِ غَيْرِي أَمَا يَعْلَمُ أَنَّ قَضَاءَ حَوَائِجِهِ بِيَدِي.

---

۹ ـ عیص بن قاسم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

به خدا سوگند! بسا پنجاه سال از عمر کسی می‌گذرد و خداوند یک نماز از او قبول نمی‌کند. آیا چه چیزی از این بدتر است؟!

به خدا سوگند! شما از همسایگان و دوستان خود کسانی را می‌شناسید که اگر برای بعضی از شما نماز می‌خواند، به خاطر سبک شمردن آن، از او نمی‌پذیرفت. خداوند جز (عمل) خوب قبول نمی‌کند، پس چگونه می‌پذیرد عملی را که سبک شمرده شده باشد؟!

۱۰ ـ هشام بن سالم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه بنده به نماز ایستد ونماز خود را سبک به جای آورد، خداوند تبارک و تعالی به فرشتگان خود می‌فرماید: آیا به بندهٔ من نگاه نمی‌کنید؟! گویی او گمان می‌کند که بر آوردن حاجت‌های او به دست غیر من است، آیا او نمی‌داند که بر آوردن حاجت‌های او به دست من است؟!

۱۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِذَا مَا أَدَّى الرَّجُلُ صَلاَةً وَاحِدَةً تَامَّةً قُبِلَتْ جَمِيعُ صَلاَتِهِ، وَ إِنْ كُنَّ غَيْرَ تَامَّاتٍ وَ إِنْ أَفْسَدَهَا كُلَّهَا لَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ شَيْءٌ مِنْهَا وَ لَمْ يُحْسَبْ لَهُ نَافِلَةٌ وَ لَا فَرِيضَةٌ، وَ إِنَّمَا تُقْبَلُ النَّافِلَةُ بَعْدَ قَبُولِ الْفَرِيضَةِ وَ إِذَا لَمْ يُؤَدِّ الرَّجُلُ الْفَرِيضَةَ لَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ النَّافِلَةُ، وَ إِنَّمَا جُعِلَتِ النَّافِلَةُ لِيَتِمَّ بِهَا مَا أُفْسِدَ مِنَ الْفَرِيضَةِ.

۱۲ ـ وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ حَرِيزٍ عَنِ الْفُضَيْلِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ ﴿الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوٰاتِهِمْ يُحٰافِظُونَ﴾.

قَالَ: هِيَ الْفَرِيضَةُ.

قُلْتُ: ﴿الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلاتِهِمْ دٰائِمُونَ﴾.

قَالَ: هِيَ النَّافِلَةُ.

---

۱۱ ـ زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

هرگاه فردی یک نماز کامل به جای آورد، همهٔ نمازهای او قبول می‌شود، اگر چه کامل نباشند، و اگر همهٔ آن‌ها را تباه کند، چیزی از نمازهایش قبول نمی‌شود و هیچ نماز نافله و فریضه برای او منظور نمی‌گردد، و نماز نافله فقط بعد از پذیرفته شدن نماز فریضه پذیرفته می‌شود و اگر کسی فریضه را ادا نکند، نافله از او پذیرفته نمی‌شود؛ زیرا نافله فقط برای تکمیل فریضه‌ای است که تباه شده است.

۱۲ ـ فضیل گوید: از امام باقر عليه السلام در مورد گفتار خداوند عزّوجلّ که می‌فرماید: «کسانی که بر نمازهای خویش مراقب و مواظبند» پرسیدم.

فرمود: منظور از آن، نماز فریضه است.

گفتم: منظور از «کسانی که بر نمازهای خود مداومت کنندگانند» چیست؟

فرمود: منظور نماز نافله است.

١٣ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿إِنَّ الصَّلاةَ كانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتاباً مَوْقُوتاً﴾.

قَالَ: كِتَاباً ثَابِتاً، وَ لَيْسَ إِنْ عَجَّلْتَ قَلِيلاً أَوْ أَخَّرْتَ قَلِيلاً بِالَّذِي يَضُرُّكَ مَا لَمْ تُضَيِّعْ تِلْكَ الْإِضَاعَةَ، فَإِنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ لِقَوْمٍ: ﴿أَضاعُوا الصَّلاةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهَواتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا﴾.

١٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

أَيُّمَا مُؤْمِنٍ حَافَظَ عَلَى الصَّلَوَاتِ الْمَفْرُوضَةِ فَصَلَّاهَا لِوَقْتِهَا فَلَيْسَ هَذَا مِنَ الْغَافِلِينَ.

---

۱۳ ـ داوود بن فرقد گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: منظور از فرمایش خدای تعالی که می‌فرماید: «همانا نماز بر مؤمنان واجب و دارای اوقات معین است» چیست؟

فرمود: یعنی نوشته‌ای ثابت است و این طور نیست که اگر مقدار اندکی از وقت (فضیلت) آن را پیش و پس اندازی به تو ضرری رساند، تا زمانی که آن را ضایع نکرده باشی؛ زیرا خداوند عزّوجلّ دربارهٔ گروهی می‌فرماید: «نماز را ضایع کردند و از شهوات پیروی نمودند و به زودی که در وادی گمراهی خواهند افتاد.»

۱۴ ـ راوی گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

هر مؤمنی که از نمازهای فریضه خود مراقبت کند و آن‌ها را در وقت خود به جای آورد، از غافلان نخواهد بود.

۱۵ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ السَّرَّاجِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الْأَوَّلُ عليه السلام: إِنَّهُ لَمَّا حَضَرَ أَبِيَ الْوَفَاةُ قَالَ لِي:

يَا بُنَيَّ! إِنَّهُ لَا يَنَالُ شَفَاعَتَنَا مَنِ اسْتَخَفَّ بِالصَّلَاةِ.

۱٦ ـ مُحَمَّدٌ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عليهما السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

لِكُلِّ شَيْءٍ وَجْهٌ وَ وَجْهُ دِينِكُمُ الصَّلَاةُ فَلَا يَشِينَنَّ أَحَدُكُمْ وَجْهَ دِينِهِ، وَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَنْفٌ، وَأَنْفُ الصَّلَاةِ التَّكْبِيرُ.

---

۱۵ ـ ابو بصیر گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

هنگامی که وقت وفات پدرم فرا رسید. به من فرمود:

ای فرزندم! همانا شفاعت ما خاندان به کسی که نماز را سبک شمارد، نخواهد رسید.

۱۶ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش امام باقر عليه السلام نقل می‌کند که حضرتش می‌فرماید: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

برای هر چیز چهره‌ای است و چهرهٔ دین شما نماز است، و نباید کسی از شما چهرهٔ دین خود را زشت نماید، و برای هر چیز بینی است و بینی نماز (یا ابتدای آن) تکبیر است.

(۳)
بَابُ فَرْضِ الصَّلاَةِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَمَّا فَرَضَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ الصَّلاَةِ.

فَقالَ: خَمْسُ صَلَوَاتٍ فِي اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ.

فَقُلْتُ: فَهَلْ سَمَّاهُنَّ وَ بَيَّنَهُنَّ فِي كِتَابِهِ.

قَالَ: نَعَمْ، قَالَ اللهُ تَعَالَى لِنَبِيِّهِ صلى الله عليه وآله **﴿أَقِمِ الصَّلاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلىٰ غَسَقِ اللَّيْلِ وَ دُلُوكُهَا زَوَالُهَا﴾** فَفِيمَا بَيْنَ دُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ أَرْبَعُ صَلَوَاتٍ سَمَّاهُنَّ اللهُ وَ بَيَّنَهُنَّ وَ وَقَّتَهُنَّ وَ غَسَقُ اللَّيْلِ هُوَ انْتِصَافُهُ.

بخش سوم
وجوب نماز

۱ ـ زراره گوید: از امام باقر عليه السلام دربارهٔ نمازهایی که خداوند عزّ و جلّ واجب فرموده پرسیدم.

فرمود: پنج نماز در شبانه روز واجب است.

گفتم: آیا در کتاب خود آن‌ها را نام برده و بیان فرموده است؟

فرمود: آری، خداوند تعالی به پیامبر خود صلى الله عليه وآله فرمود: «نماز را از ابتدا دلوک وزوال خورشید تا انتهای تاریکی شب به پادار» و دلوک خورشید زوال آن است. پس فاصلهٔ بین دلوکِ خورشید تا منتهای تاریکی شب، وقت چهار نماز است (نماز ظهر، عصر، مغرب و عشا) که آن‌ها را نام برده و بیان فرموده و وقتشان را مقرر ساخته است و غسقِ شب، نیمهٔ شب است.

ثُمَّ قالَ: تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: ﴿وَ قُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كٰانَ مَشْهُوداً﴾ فَهَذِهِ الْخَامِسَةُ.

وَ قَالَ اللهُ تَعَالَى فِي ذَلِكَ: ﴿أَقِمِ الصَّلاةَ طَرَفَيِ النَّهٰارِ﴾ وَ طَرَفَاهُ الْمَغْرِبُ وَ الْغَدَاةُ ﴿وَزُلَفاً مِنَ اللَّيْلِ﴾ وَ هِيَ صَلاَةُ الْعِشَاءِ الآخِرَةِ.

وَ قَالَ تَعَالَى: ﴿حٰافِظُوا عَلَى الصَّلَوٰاتِ وَ الصَّلاةِ الْوُسْطىٰ﴾ وَ هِيَ صَلاَةُ الظُّهْرِ، وَ هِيَ أَوَّلُ صَلاَةٍ صَلّاهَا رَسُولُ اللهِ ﷺ وَ هِيَ وَسَطُ النَّهَارِ، وَ وَسَطُ الصَّلاَتَيْنِ بِالنَّهَارِ صَلاَةِ الْغَدَاةِ وَ صَلاَةِ الْعَصْرِ.

وَ فِي بَعْضِ الْقِرَاءَةِ: «حٰافِظُوا عَلَى الصَّلَوٰاتِ وَ الصَّلاةِ الْوُسْطىٰ صَلاَةِ الْعَصْرِ وَ قُومُوا لِلّٰهِ قٰانِتِينَ».

سپس خداوند تبارک و تعالی فرمود: «و نماز صبح را در طلیعهٔ صبحگاه به جای آور که نماز صبح مشهود و در دید فرشتگان شب و روز است» پس این هم پنجمین نماز.

و باز دربارهٔ نماز و اوقات آن خدای تعالی فرموده است: «نماز را در دو طرف روز به جای آور» و آن دو طرف، مغرب و صبح است «و در زمان نزدیکی از شب به روز» و مراد از آن نماز عشا است.

و باز فرموده است: «پیوسته بر نمازها و ترتیب، شرایط و آداب نمازهای پنجگانه ـبه خصوص نماز میانی راـ مواظبت نمایید» و مراد از نماز میانی، نماز ظهر است و آن نخستین نمازی است که رسول خدای ﷺ به جای آورد، و نیز از آن جهت آن را میانی می‌نامند که میان دو نماز روز قرار دارد که عبارتند از نماز صبح و نماز عصر.

حضرتش فرمود: در بعضی از قرائت‌ها چنین خوانده شده است: «پیوسته مراقب نمازهای پنجگانه ـبه خصوص نماز میانه ـ یعنی ظهر و نماز عصرـ باشید و با فروتنی برای خداوند به پای ایستید».

قَالَ: وَ نَزَلَتْ هَذِهِ الآيَةُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ رَسُولُ اللهِ ﷺ فِي سَفَرِهِ، فَقَنَتَ فِيهَا رَسُولُ اللهِ ﷺ وَ تَرَكَهَا عَلَى حَالِهَا فِي السَّفَرِ وَ الْحَضَرِ وَ أَضَافَ لِلْمُقِيمِ رَكْعَتَيْنِ وَ إِنَّمَا وُضِعَتِ الرَّكْعَتَانِ اللَّتَانِ أَضَافَهُمَا النَّبِيُّ ﷺ يَوْمَ الْجُمُعَةِ لِلْمُقِيمِ، لِمَكَانِ الْخُطْبَتَيْنِ مَعَ الْإِمَامِ. فَمَنْ صَلَّى يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِي غَيْرِ جَمَاعَةٍ فَلْيُصَلِّهَا أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ كَصَلاَةِ الظُّهْرِ فِي سَائِرِ الْأَيَّامِ.

۲ ـ وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

كَانَ الَّذِي فَرَضَ اللهُ عَلَى الْعِبَادِ مِنَ الصَّلاَةِ عَشْرَ رَكَعَاتٍ وَ فِيهِنَّ الْقِرَاءَةُ وَ لَيْسَ فِيهِنَّ وَهْمٌ ـ يَعْنِي سَهْواً ـ فَزَادَ رَسُولُ اللهِ ﷺ سَبْعاً وَ فِيهِنَّ الْوَهْمُ، وَ لَيْسَ فِيهِنَّ قِرَاءَةٌ.

فرمود: این آیه در روز جمعه نازل شد و رسول خدا ﷺ در سفر بود و در آن نماز، قنوت خواند و آن را در سفر و حضر به همان حال خود گذاشت، ولی برای کسی که مقیم است و در سفر نیست دو رکعت دیگر افزود، و البتّه آن دو رکعت که پیامبر ﷺ برای مقیم در روز جمعه اضافه فرمود، به جای آن دو خطبه‌ای است که همراه با امام خوانده می‌شود. پس هر کس در روز جمعه بخواهد به تنهایی و در غیر جماعت آن را به جا آورد، باید چهار رکعت بخواند ـ مانند نماز ظهر در سایر روزهای هفته ـ

۲ ـ زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

نمازی که خداوند عزّ و جلّ بر بندگان واجب فرموده، ده رکعت است که در آنها حمد خوانده می‌شود و وهم ـ یعنی سهو ـ در آن راه ندارد. پس رسول خدا ﷺ هفت رکعت دیگر بر آنها افزود که در آنها سهو هست و در آنها قرائت نیست.

۳ـ وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:
فَرَضَ اللهُ الصَّلاَةَ وَ سَنَّ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله عَشَرَةَ أَوْجُهٍ: صَلاَةَ الْحَضَرِ وَ السَّفَرِ، وَ صَلاَةَ الْخَوْفِ عَلَى ثَلاَثَةِ أَوْجُهٍ، وَ صَلاَةَ كُسُوفِ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ، وَ صَلاَةَ الْعِيدَيْنِ وَ صَلاَةَ الاِسْتِسْقَاءِ وَ الصَّلاَةَ عَلَى الْمَيِّتِ.

٤ ـ حَمَّادٌ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي قَوْلِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿إِنَّ الصَّلاةَ كٰانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتٰاباً مَوْقُوتاً﴾ أَيْ مَوْجُوباً.

٥ ـ حَمَّادٌ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ الْفَرْضِ فِي الصَّلاَةِ.
فَقَالَ: الْوَقْتُ وَ الطَّهُورُ وَ الْقِبْلَةُ وَ التَّوَجُّهُ وَ الرُّكُوعُ وَ السُّجُودُ وَ الدُّعَاءُ.
قُلْتُ: مَا سِوَى ذَلِكَ.
قَالَ: سُنَّةٌ فِي فَرِيضَةٍ.

۳ـ زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:
خداوند نماز را واجب ساخت، و رسول خدا صلى الله عليه وآله ده نوع نماز به سنّت گذارد: نماز حضر و سفر، نماز خوف ـ که بر سه وجه خوانده می‌شود ـ نماز گرفتن خورشید و ماه، نماز عید فطر و عید قربان، نماز در خواست باران، و نماز میّت.

۴ ـ زراره گوید: امام باقر عليه السلام دربارهٔ فرمایش خدای تعالی که می‌فرماید: «همانا نماز بر مؤمنان نوشته‌ای است واجب و معیّن و دارای اوقات مشخص» فرمود: یعنی واجب شده است.

۵ ـ زراره گوید: از امام باقر عليه السلام در مورد واجبات نماز پرسیدم.
فرمود: وقت، طهارت، قبله، توجّه، رکوع، سجود و دعا (یعنی قنوت).
پرسیدم: اعمال دیگر چه؟
فرمود: آن اعمال، مستحباتی هستند که در ضمن واجب آمده‌اند.

٦ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: لِلصَّلاَةِ أَرْبَعَةُ آلَافِ حَدٍّ.

وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: لِلصَّلاَةِ أَرْبَعَةُ آلَافِ بَابٍ.

٧ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

عَشْرُ رَكَعَاتٍ رَكْعَتَانِ مِنَ الظُّهْرِ وَ رَكْعَتَانِ مِنَ الْعَصْرِ وَ رَكْعَتَا الصُّبْحِ وَ رَكْعَتَا الْمَغْرِبِ وَ رَكْعَتَا الْعِشَاءِ الآخِرَةِ لَا يَجُوزُ الْوَهْمُ فِيهِنَّ، وَ مَنْ وَهَمَ فِي شَيْءٍ مِنْهُنَّ اسْتَقْبَلَ الصَّلاَةَ اسْتِقْبَالاً، وَ هِيَ الصَّلاَةُ الَّتِي فَرَضَهَا اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ فِي الْقُرْآنِ وَ فَوَّضَ إِلَى مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله فَزَادَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله فِي الصَّلاَةِ سَبْعَ رَكَعَاتٍ، وَ هِيَ سُنَّةٌ لَيْسَ فِيهَا قِرَاءَةٌ، إِنَّمَا هُوَ تَسْبِيحٌ وَ تَهْلِيلٌ وَ تَكْبِيرٌ وَ دُعَاءٌ، فَالْوَهْمُ إِنَّمَا يَكُونُ فِيهِنَّ، فَزَادَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله فِي صَلاَةِ الْمُقِيمِ غَيْرِ الْمُسَافِرِ رَكْعَتَيْنِ فِي الظُّهْرِ وَ الْعَصْرِ وَ الْعِشَاءِ الآخِرَةِ وَ رَكْعَةً فِي الْمَغْرِبِ لِلْمُقِيمِ وَ الْمُسَافِرِ.

۶ـ حمّاد بن عیسی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

برای نماز چهار هزار حد و مرز است.

در روایت دیگری آمده است: برای نماز چهار هزار باب (مسأله) است.

۷ـ زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

ده رکعت نماز ـ دو رکعت از ظهر، دو رکعت از عصر، دو رکعت صبح، دو رکعت مغرب و دو رکعت از عشا ـ است که شکی در آنها روا نیست و هر کس در آنها شک نمود، باید نماز را از سر گیرد، این رکعات، نمازی هستند که خداوند عزّ و جلّ در قرآن آنها را بر مؤمنان واجب فرموده است.

آن‌گاه خداوند حکم آنها را بر حضرت محمّد صلی الله علیه و آله واگذارد، و حضرتش صلی الله علیه و آله هفت رکعت بر نماز افزوده که سنّت است و در آنها قرائت نیست، بلکه تسبیح، تهلیل، تکبیر و دعاست و شک در آنها راه دارد. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله برای مقیم (یعنی غیر مسافر) دو رکعت در ظهر، عصر و عشا، و یک رکعت در مغرب برای مقیم و مسافر افزود.

۸ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

الصَّلاَةُ ثَلاَثَةُ أَثْلاَثٍ: ثُلُثٌ طَهُورٌ، وَ ثُلُثٌ رُكُوعٌ، وَ ثُلُثٌ سُجُودٌ.

(٤)

بَابُ الْمَوَاقِيتِ أَوَّلِهَا وَ آخِرِهَا وَ أَفْضَلِهَا

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: كُنْتُ قَاعِداً عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام أَنَا وَ حُمْرَانُ بْنُ أَعْيَنَ. فَقَالَ لَهُ حُمْرَانُ: مَا تَقُولُ فِيما يَقُولُ زُرَارَةُ وَ قَدْ خَالَفْتُهُ فِيهِ؟

فَقالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام: مَا هُوَ؟

قَالَ: يَزْعُمُ أَنَّ مَوَاقِيتَ الصَّلاَةِ كَانَتْ مُفَوَّضَةً إِلَى رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله هُوَ الَّذِي وَضَعَهَا.

---

۸ ـ حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

نماز دارای سه ثلث است: یک ثلث آن، طهارت (وضو، غسل یا تیمم)، یک ثلث آن رکوع، و یک ثلث دیگر، سجود است.

بخش چهارم

اوقات نماز و نخستین و آخرین وقت آن و نیز وقت فضیلت آن

۱ ـ زراره گوید: من و حمران بن اعین خدمت امام صادق عليه السلام بودیم که حمران به حضرتش عرض کرد: نظر شما دربارهٔ سخن زراره که من با او مخالفت کرده‌ام، چیست؟

فرمود: نظر او چیست؟

گفت: گمان می‌کند که اوقات نماز به پیامبر خدا صلى الله عليه وآله واگذار شده و پیامبر صلى الله عليه وآله آن‌ها را وضع کرده است.

فَقالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام: فَمَا تَقُولُ أَنْتَ؟

قُلْتُ: إِنَّ جَبْرَئِيلَ عليه‌السلام أَتَاهُ فِي الْيَوْمِ الْأَوَّلِ بِالْوَقْتِ الْأَوَّلِ، وَ فِي الْيَوْمِ الْأَخِيرِ بِالْوَقْتِ الْأَخِيرِ. ثُمَّ قالَ جَبْرَئِيلُ عليه‌السلام: مَا بَيْنَهُمَا وَقْتٌ.

فَقالَ: أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام: يَا حُمْرَانُ! إِنَّ زُرَارَةَ يَقُولُ: إِنَّ جَبْرَئِيلَ عليه‌السلام إِنَّمَا جَاءَ مُشِيراً عَلَى رَسُولِ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله وَ صَدَقَ زُرَارَةُ، إِنَّمَا جَعَلَ اللهُ ذَلِكَ إِلَى مُحَمَّدٍ صلى‌الله‌عليه‌وآله فَوَضَعَهُ وَأَشَارَ جَبْرَئِيلُ عليه‌السلام بِهِ عَلَيْهِ

۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلّانٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى؛ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ رِبْعِيِّ بْنِ عَبْدِ اللهِ عَنْ فُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام قَالَ:

إِنَّ مِنَ الْأَشْيَاءِ أَشْيَاءَ مُوَسَّعَةً وَ أَشْيَاءَ مُضَيَّقَةً، فَالصَّلاَةُ مِمَّا وُسِّعَ فِيهِ تُقَدَّمُ مَرَّةً وَتُؤَخَّرُ أُخْرَى، وَ الْجُمُعَةُ مِمَّا ضُيِّقَ فِيهَا، فَإِنَّ وَقْتَهَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ سَاعَةُ تَزُولُ وَ وَقْتَ الْعَصْرِ فِيهَا وَقْتُ الظُّهْرِ فِي غَيْرِهَا.

امام صادق عليه‌السلام فرمود: تو چه می‌گویی؟

عرض کردم: جبرئیل عليه‌السلام در روز اوّل، وقت اوّل و در روز آخر، وقت آخر را نزد او آورد، سپس جبرئیل عليه‌السلام گفت: میان آن دو وقت نماز است.

امام صادق عليه‌السلام فرمود: ای حمران! زراره راست گفته است؛ زیرا خداوند آن را به پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله واگذارد و او آن را وضع کرد و جبرئیل اوقات مورد خواست خداوند را بر او اشاره کرد (و حضرت طبق خواست خدا آن را تعیین نمود).

۲ ـ فضیل بن یسار گوید: امام باقر عليه‌السلام فرمود:

اعمالی هستند که (وقت آنها) وسیع واعمالی هستند که (وقت آنها) تنگ است، و نماز از اعمالی است که (وقت آن) وسیع است. گاهی در وقت خود و گاهی به تأخیر می‌افتد، و وقت نماز جمعه تنگ است؛ زیرا وقت آن در روز جمعه، همان هنگام زوال خورشید، و وقت نماز عصر در روز جمعه، همان وقت نماز ظهر در غیر جمعه است.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمانِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

لِكُلِّ صَلاَةٍ وَقْتَانِ وَ أَوَّلُ الْوَقْتِ أَفْضَلُهُ وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَجْعَلَ آخِرَ الْوَقْتَيْنِ وَقْتاً إِلَّا فِي عُذْرٍ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ ـ أَوِ ابْنِ وَهْبٍ ـ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

لِكُلِّ صَلاَةٍ وَقْتَانِ، أَوَّلُ الْوَقْتِ أَفْضَلُهُمَا.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: أَصْلَحَكَ اللهُ! وَقْتُ كُلِّ صَلاَةٍ أَوَّلُ الْوَقْتِ أَفْضَلُ أَوْ أَوْسَطُهُ أَوْ آخِرُهُ؟

فَقَالَ: أَوَّلُهُ، إِنَّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه و آله قَالَ: إِنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُحِبُّ مِنَ الْخَيْرِ مَا يُعَجَّلُ.

---

۳ ـ عبداللّٰه بن سنان گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

برای هر نماز دو وقت است و نخستین وقت آن بهتر است، و کسی نباید که آخر وقت را وقت نماز قرار دهد، مگر آن که عذر موجّهی داشته باشد.

۴ ـ معاویة بن عمّار ـ یا وهب ـ گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

برای هر نماز دو وقت است، نخستین وقت، برترین وقت‌هاست.

۵ ـ زراره گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: خداوند کارهای شما را اصلاح فرماید! آیا نخستین وقت نماز بهتر است، یا وسط و یا آخر آن؟

فرمود: نخستین آن، همانا رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: به راستی خدای عزّ و جلّ عمل نیکی را که زودتر انجام شود، دوست می‌دارد.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ قُتَيْبَةَ الْأَعْشَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ فَضْلَ الْوَقْتِ الْأَوَّلِ عَلَى الآخِرِ كَفَضْلِ الآخِرَةِ عَلَى الدُّنْيَا.

٧ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

لَفَضْلُ الْوَقْتِ الْأَوَّلِ عَلَى الْأَخِيرِ خَيْرٌ لِلرَّجُلِ مِنْ وَلَدِهِ وَ مَالِهِ.

٨ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:

اعْلَمْ أَنَّ أَوَّلَ الْوَقْتِ أَبَداً أَفْضَلُ فَعَجِّلْ بِالْخَيْرِ مَا اسْتَطَعْتَ، وَ أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَا دَاوَمَ الْعَبْدُ عَلَيْهِ وَ إِنْ قَلَّ.

٩ ـ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ وَ غَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام:

مَنِ اهْتَمَّ بِمَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ لَمْ يَسْتَكْمِلْ لَذَّةَ الدُّنْيَا.

---

۶ ـ قتیبه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

فضیلت اوّل وقت بر آخر آن، به سان فضیلت جهان آخرت بر دنیاست.

۷ ـ بکر بن محمّد ازدی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

بی شک برتری و فضیلت اوّل وقت بر آخر وقت (برای ادای نماز) برای انسان از فرزندان و مالش بهتر است.

۸ ـ زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

بدان که اوّل وقت همیشه بهتر است، پس بشتاب برای نیکی به اندازه‌ای که بتوانی، و دوستدارترین اعمال در نزد خداوند عزّ و جلّ آن است که بنده بر آن مداومت نماید، ولو اندک باشد.

۹ ـ منصور بن حازم ـ یا راوی دیگری ـ گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

امام علی بن الحسین عليهما السلام فرموده است: هر کس بر اوقات نماز اهمیّت قائل شود، لذّت دنیا را به طور کامل درک نخواهد کرد.

(۵)
بَابُ وَقْتِ الظُّهْرِ وَ الْعَصْرِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ يَزِيدَ بْنِ خَلِيفَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: إِنَّ عُمَرَ بْنَ حَنْظَلَةَ أَتَانَا عَنْكَ بِوَقْتٍ.

فَقالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام: إِذاً لَا يَكْذِبُ عَلَيْنَا.

قُلْتُ: ذَكَرَ أَنَّكَ قُلْتَ: إِنَّ أَوَّلَ صَلاَةٍ افْتَرَضَهَا اللهُ عَلَى نَبِيِّهِ صلى الله عليه وآله الظُّهْرُ وَ هُوَ قَوْلُ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿أَقِمِ الصَّلاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ﴾ فَإِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ لَمْ يَمْنَعْكَ إِلَّا سُبْحَتُكَ، ثُمَّ لَا تَزَالُ فِي وَقْتٍ إِلَى أَنْ يَصِيرَ الظِّلُّ قَامَةً وَ هُوَ آخِرُ الْوَقْتِ، فَإِذَا صَارَ الظِّلُّ قَامَةً دَخَلَ وَقْتُ الْعَصْرِ فَلَمْ يَزَلْ فِي وَقْتِ الْعَصْرِ حَتَّى يَصِيرَ الظِّلُّ قَامَتَيْنِ وَ ذَلِكَ الْمَسَاءُ.

فَقالَ: صَدَقَ.

بخش پنجم
وقت نماز ظهر و عصر

۱ ـ یزید بن خلیفه گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: عمر بن حنظله از جانب شما برای ما وقتی را (برای نماز) معیّن کرده است.

فرمود: او بر ما دروغ نمی‌بندد.

گفتم: او می‌گوید که شما فرموده‌اید: اوّلین نمازی را که خداوند بر پیامبرش صلى الله عليه وآله واجب فرمود، نماز ظهر است که این معنای فرمایش خدای تعالی است که می‌فرماید: «برپا دارید نماز را در هنگام زوال خورشید»[1] و چون زوال آفتاب شد، چیزی جز (هشت رکعت) نافله مانع تو نیست، و پس از آن در وقت فضیلت ظهر هستی تا این که سایهٔ به اندازهٔ قامت (شاخص) برسد و آن، آخر وقت فضیلت ظهر است، و چون سایه قامت (شاخص) به اندازه خود شاخص شد، وقت عصر داخل می‌شود و پس از آن در وقت فضیلت عصر می‌باشی تا آن که سایهٔ شاخص دو برابر آن شود و آن، آخر روز است.

امام عليه السلام در پاسخ فرمود: او راست گفته است.

---

۱ ـ سورهٔ اسراء، آیهٔ ۸۰.

٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ دَخَلَ وَقْتُ الظُّهْرِ إِلَّا أَنَّ بَيْنَ يَدَيْهَا سُبْحَةً، وَ ذَلِكَ إِلَيْكَ إِنْ شِئْتَ طَوَّلْتَ وَ إِنْ شِئْتَ قَصَّرْتَ.

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ ذَرِيحٍ الْمُحَارِبِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: مَتَى أُصَلِّي الظُّهْرَ؟

فَقَالَ: صَلِّ الزَّوَالَ ثَمَانِيَةً ثُمَّ صَلِّ الظُّهْرَ ثُمَّ صَلِّ سُبْحَتَكَ طَالَتْ أَوْ قَصُرَتْ ثُمَّ صَلِّ الْعَصْرَ.

٤ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ وَ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ وَ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالُوا: كُنَّا نَقِيسُ الشَّمْسَ بِالْمَدِينَةِ بِالذِّرَاعِ.

---

۲ ـ عمر بن حنظله گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هنگامی که زوال آفتاب شود (یعنی آفتاب از خط نصف النهار بگذرد) وقت نماز ظهر فرا می‌رسد، مگر وقت نافله که پیش از آن است، و این به اختیار توست که خواندن نافله را طولانی و یا کوتاه کنی.

۳ ـ ذریح محاربی گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: چه زمانی نماز ظهر را بخوانم؟

فرمود: به هنگام زوال، هشت رکعت به جای آور، سپس نماز ظهر را بخوان، و پس از آن، نافلهٔ خود را بخوان، خواه طولانی و خواه کوتاه، سپس نماز عصر را به جای آور.

۴ ـ حارث بن مغیره، عمر بن حنظله و منصور بن حازم گویند: ما در مدینه آفتاب را با ذراع می‌سنجیدیم.

فَقالَ: أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام: أَ لاَ أُنَبِّئُكُمْ بِأَبْيَنَ مِنْ هَذَا إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ فَقَدْ دَخَلَ وَقْتُ الظُّهْرِ إِلَّا أَنَّ بَيْنَ يَدَيْهَا سُبْحَةً، وَ ذَلِكَ إِلَيْكَ إِنْ شِئْتَ طَوَّلْتَ وَ إِنْ شِئْتَ قَصَّرْتَ.

وَ رَوَى سَعْدٌ عَنْ مُوسَى بْنِ الْحَسَنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ اللُّؤْلُؤِيِّ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ النَّضْرِيِّ وَ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ عَنْ مَنْصُورٍ مِثْلَهُ وَ فِيهِ:

إِلَيْكَ فَإِنْ كُنْتَ خَفَّفْتَ سُبْحَتَكَ فَحِينَ تَفْرُغُ مِنْ سُبْحَتِكَ، وَ إِنْ طَوَّلْتَ فَحِينَ تَفْرُغُ مِنْ سُبْحَتِكَ.

۵ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ فَقَدْ دَخَلَ وَقْتُ الصَّلاَتَيْنِ إِلَّا أَنَّ هَذِهِ قَبْلَ هَذِهِ.

امام صادق عليه السلام فرمود: آیا شما را به واضح‌تر از این آگاه نسازم؟ هنگام زوال آفتاب، وقت نماز ظهر فرا می‌رسد و پیش از آن، وقت نافله است، و این به اختیار توست که اگر بخواهی نافله را طولانی انجام دهی و اگر بخواهی کوتاه.

همانند این روایت را منصور نقل کرده و افزوده: به اختیار توست. پس اگر نافلهٔ خود را کوتاه انجام دادی، هر زمانی که از نافله فارغ می‌شوی وقت نماز داخل می‌شود، و اگر نافله را طولانی انجام دادی باز هم وقت نماز زمانی است که از نافله فارغ می‌شوی.

۵ ـ عبید بن زراره گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هنگامی که زوال آفتاب شد، وقت دو نماز (ظهر و عصر) فرا می‌رسد، جز آن که وقت یکی از آن دو، پیش از وقت دیگری است (یعنی نماز ظهر پیش از نماز عصر است).

وَ رَوَى سَعْدٌ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ الْبَرْقِيِّ وَ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ جَمِيعاً عَنِ الْقَاسِمِ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ مِثْلَهُ، وَ فِيهِ:

دَخَلَ وَقْتُ الظُّهْرِ وَ الْعَصْرِ جَمِيعاً. وَ زَادَ: ثُمَّ أَنْتَ فِي وَقْتٍ مِنْهُمَا جَمِيعاً حَتَّى تَغِيبَ الشَّمْسُ.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ الْبَجَلِيِّ عَنْ سَالِمٍ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلَهُ إِنْسَانٌ وَ أَنَا حَاضِرٌ. فَقالَ: رُبَّمَا دَخَلْتُ الْمَسْجِدَ وَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا يُصَلُّونَ الْعَصْرَ، وَ بَعْضُهُمْ يُصَلُّونَ الظُّهْرَ.

فَقالَ: أَنَا أَمَرْتُهُمْ بِهَذَا، لَوْ صَلَّوْا عَلَى وَقْتٍ وَاحِدٍ عُرِفُوا فَأُخِذَ بِرِقَابِهِمْ.

همانند این روایت را قاسم نقل کرده و در آن آمده است: وقت نماز ظهر و عصر با هم فر امی‌رسد. و این عبارت را نیز افزوده که: سپس تو در وقت هر دو نماز هستی تا این که خورشید پنهان شود.

۶ـ سالم گوید: من در خدمت امام صادق علیه السلام بودم که کسی از امام علیه السلام پرسید: گاهی که وارد مسجد می‌شوم و می‌بینم اصحابمان نماز عصر را به جای می‌آورند و بعضی از آن‌ها نماز ظهر می‌خوانند!

فرمود: من خود ایشان را به این کار فرمان داده‌ام، چون اگر در یک وقت نماز بخوانند، تشیّع آنان آشکار می‌شود و آنها را دستگیر می‌کنند.

۷ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَالِحِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَمَّا جَاءَ فِي الْحَدِيثِ أَنْ صَلِّ الظُّهْرَ إِذَا كَانَتِ الشَّمْسُ قَامَةً وَ قَامَتَيْنِ وَ ذِرَاعاً وَ ذِرَاعَيْنِ وَ قَدَماً وَ قَدَمَيْنِ مِنْ هَذَا وَ مِنْ هَذَا؟ فَمَتَى هَذَا؟ وَ كَيْفَ هَذَا وَ قَدْ يَكُونُ الظِّلُّ فِي بَعْضِ الْأَوْقَاتِ نِصْفَ قَدَمٍ؟

قَالَ: إِنَّمَا قَالَ: ظِلُّ الْقَامَةِ وَ لَمْ يَقُلْ: قَامَةُ الظِّلِّ، وَ ذَلِكَ أَنَّ ظِلَّ الْقَامَةِ يَخْتَلِفُ مَرَّةً يَكْثُرُ وَ مَرَّةً يَقِلُّ، وَ الْقَامَةُ قَامَةٌ أَبَداً لَا يَخْتَلِفُ.

ثُمَّ قَالَ: ذِرَاعٌ وَ ذِرَاعَانِ وَ قَدَمٌ وَ قَدَمَانِ، فَصَارَ ذِرَاعٌ وَ ذِرَاعَانِ تَفْسِيرَ الْقَامَةِ وَ الْقَامَتَيْنِ فِي الزَّمَانِ الَّذِي يَكُونُ فِيهِ ظِلُّ الْقَامَةِ ذِرَاعاً وَ ظِلُّ الْقَامَتَيْنِ ذِرَاعَيْنِ، فَيَكُونُ ظِلُّ الْقَامَةِ وَ الْقَامَتَيْنِ وَ الذِّرَاعِ وَ الذِّرَاعَيْنِ مُتَّفِقَيْنِ فِي كُلِّ زَمَانٍ مَعْرُوفَيْنِ مُفَسَّراً أَحَدُهُمَا بِالْآخَرِ مُسَدَّداً بِهِ.

فَإِذَا كَانَ الزَّمَانُ يَكُونُ فِيهِ ظِلُّ الْقَامَةِ ذِرَاعاً كَانَ الْوَقْتُ ذِرَاعاً مِنْ ظِلِّ الْقَامَةِ، وَ كَانَتِ الْقَامَةُ ذِرَاعاً مِنَ الظِّلِّ. فَإِذَا كَانَ ظِلُّ الْقَامَةِ أَقَلَّ أَوْ أَكْثَرَ كَانَ الْوَقْتُ مَحْصُوراً بِالذِّرَاعِ وَ الذِّرَاعَيْنِ، فَهَذَا تَفْسِيرُ الْقَامَةِ وَ الْقَامَتَيْنِ وَ الذِّرَاعِ وَ الذِّرَاعَيْنِ.

۷ـ راوی گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد آن چیزی که در حدیث آمده پرسیدم که نماز ظهر را هنگامی که سایهٔ شاخص یک قامت و دو قامت، یک ذراع و دو ذراع و یک قدم و دو قدم باشد بخوان که این (حکم اول) چیست؟ و آن (حکم دوم) چیست؟ چگونه چنین امری ممکن است در حالی که گاهی سایهٔ (شاخص) نصف قدم می‌باشد؟

فرمود: در حدیث فقط فرموده: سایهٔ قامت (یعنی شاخص) و نفرموده: قامت (یعنی قد و اندازهٔ) سایه؛ زیرا سایهٔ قامت در هر فصلی متفاوت است. گاهی زیاد و گاهی کم می‌شود، ولی قامت همیشه یک مقدار است و کم و زیاد نمی‌شود.

سپس فرمود: یک ذراع و دو ذراع و یک قدم و دو قدم. پس یک ذراع و دو ذراع تفسیر یک قامت و دو قامت است، در زمانی که سایهٔ یک قامت، یک ذراع و سایهٔ دو قامت، دو ذراع باشد، پس سایهٔ یک قامت و دو قامت با سایهٔ یک ذراع و دو ذراع در هر زمانی با یکدیگر متفقند و هر دو معلومند و هر کدام از آن دو به دیگری تعبیر شده و به آن استوار است.

پس هرگاه سایهٔ شاخص یک ذراع شود، وقت زوال از سایهٔ شاخص یک ذراع و شاخص نیز یک ذراع از سایه خواهد شد، و اگر سایهٔ شاخص کمتر (از یک ذراع) و یا بیشتر باشد، وقت زوال محصور به یک ذراع و دو ذراع است. پس این تفسیر یک قامت و دو قامت و یک ذراع و دو ذراع است.

۸ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمانِ عَنْ مِسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ قَالَ:

إِذَا صَلَّيْتَ الظُّهْرَ فَقَدْ دَخَلَ وَقْتُ الْعَصْرِ إِلَّا أَنَّ بَيْنَ يَدَيْهَا سُبْحَةً، فَذَلِكَ إِلَيْكَ إِنْ شِئْتَ طَوَّلْتَ وَ إِنْ شِئْتَ قَصَّرْتَ.

(٦)

بَابُ وَقْتِ الْمَغْرِبِ وَ الْعِشَاءِ الآخِرَةِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَشْيَمَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

وَقْتُ الْمَغْرِبِ إِذَا ذَهَبَتِ الْحُمْرَةُ مِنَ الْمَشْرِقِ، وَ تَدْرِي كَيْفَ ذَاكَ؟

قُلْتُ: لَا.

---

۸ ـ مسمع بن عبدالملک گوید: حضرتش فرمود:

هرگاه نماز ظهر را خواندی، وقت نماز عصر داخل شده است، جز این که پیش از آن، وقتی است مخصوص نافله، و آن هم به اختیار توست، اگر خواستی طولانی و اگر خواستی کوتاه بخوان.

بخش ششم

وقت نماز مغرب و عشا

۱ ـ یکی از اصحاب ما گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

وقت نماز مغرب هنگامی است که سرخی غروب از مشرق برود و آیا می‌دانی چگونه چنین می‌شود؟ و علتش چیست؟

گفتم: نه.

قَالَ: لِأَنَّ الْمَشْرِقَ مُطِلٌّ عَلَى الْمَغْرِبِ هَكَذَا وَ رَفَعَ يَمِينَهُ فَوْقَ يَسَارِهِ، فَإِذَا غَابَتْ هَاهُنَا ذَهَبَتِ الْحُمْرَةُ مِنْ هَاهُنَا.

٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِذَا غَابَتِ الْحُمْرَةُ مِنْ هَذَا الْجَانِبِ ـ يَعْنِي مِنَ الْمَشْرِقِ ـ فَقَدْ غَابَتِ الشَّمْسُ مِنْ شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا.

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي وَلَّادٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

إِنَّ اللهَ خَلَقَ حِجَاباً مِنْ ظُلْمَةٍ مِمَّا يَلِي الْمَشْرِقَ وَ وَكَّلَ بِهِ مَلَكاً، فَإِذَا غَابَتِ الشَّمْسُ اغْتَرَفَ ذَلِكَ الْمَلَكُ غُرْفَةً بِيَدِهِ ثُمَّ اسْتَقْبَلَ بِهَا الْمَغْرِبَ يَتْبَعُ الشَّفَقَ وَ يُخْرِجُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ قَلِيلاً قَلِيلاً وَ يَمْضِي فَيُوَافِي الْمَغْرِبَ عِنْدَ سُقُوطِ الشَّفَقِ، فَيُسَرِّحُ [فِي] الظُّلْمَةِ، ثُمَّ يَعُودُ إِلَى الْمَشْرِقِ، فَإِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ نَشَرَ جَنَاحَيْهِ فَاسْتَاقَ الظُّلْمَةَ مِنَ الْمَشْرِقِ إِلَى الْمَغْرِبِ حَتَّى يُوَافِيَ بِهَا الْمَغْرِبَ عِنْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ.

فرمود: برای این که مشرق بر مغرب بدین‌گونه ـ و دست راست خود را بر بالای دست چپ خویش برد ـ مشرف است، چون خورشید از اینجا (که دست چپ است) غایب شود، سرخی از اینجا (که دست راست است) برود.

۲ ـ برید بن معاویه گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

اگر سرخی از این طرف ـ یعنی از مشرق ـ برود، پس خورشید از شرق و غرب زمین پنهان شده است.

۳ ـ ابو ولّاد گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

خداوند پرده‌ای از تاریکی در آن‌جایی که متّصل به مشرق است آفریده و فرشته‌ای را بر آن گمارده است، پس هرگاه خورشید پنهان شود، آن فرشته یک مشت از آن تاریکی را برمی‌گیرد و با آن به استقبال مغرب می‌رود و در حالی که از پیش شفق می‌رود و شفق کم کم از مقابل او خارج می‌شود و آن فرشته می‌رود تا این که هنگام فرو رفتن شفق به مغرب می‌رسد و در تاریکی سیر می‌کند، سپس به سوی مشرق باز می‌گردد، و چون فجر طلوع کرد، آن فرشته دو بال خود را پهن می‌کند و تاریکی را از مشرق به سوی مغرب می‌راند تا این که به هنگام طلوع خورشید آن را به مغرب می‌رساند.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

وَقْتُ سُقُوطِ الْقُرْصِ وَ وُجُوبِ الْإِفْطَارِ أَنْ تَقُومَ بِحِذَاءِ الْقِبْلَةِ وَ تَتَفَقَّدَ الْحُمْرَةَ الَّتِي تَرْتَفِعُ مِنَ الْمَشْرِقِ، فَإِذَا جَازَتْ قِمَّةَ الرَّأْسِ إِلَى نَاحِيَةِ الْمَغْرِبِ فَقَدْ وَجَبَ الْإِفْطَارُ وَ سَقَطَ الْقُرْصُ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:

وَقْتُ الْمَغْرِبِ إِذَا غَابَ الْقُرْصُ، فَإِنْ رَأَيْتَ بَعْدَ ذَلِكَ وَ قَدْ صَلَّيْتَ فَأَعِدِ الصَّلَاةَ وَ مَضَى صَوْمُكَ وَ تَكُفُّ عَنِ الطَّعَامِ إِنْ كُنْتَ أَصَبْتَ مِنْهُ شَيْئاً.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ يَزِيدَ بْنِ خَلِيفَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: إِنَّ عُمَرَ بْنَ حَنْظَلَةَ أَتَانَا عَنْكَ بِوَقْتٍ.

---

۴ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

وقت غروب آفتاب و واجب شدن افطار (روزه‌دار) هنگامی است که چون مقابل قبله بایستی و سرخی را که از مشرق بلند می‌شود، جویا شوی، سرخی از بالای سر به سوی مغرب رود. در این هنگام افطار واجب شده و آفتاب فرو رفته است.

۵ ـ زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

وقت مغرب زمانی است که قرص خورشید ناپدید شود، پس اگر بعد از نماز خواندن دوباره خورشید را دیدی باید دوباره نماز بخوانی، ولی اگر افطار کرده بودی، روزه‌ات صحیح است و اگر در حال افطار، خورشید را دیدی، باید از خوردن خودداری کنی.

۶ ـ یزید بن خلیفه گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: عمر بن حنظله از جانب شما وقت نماز را برای ما معیّن کرده است.

قَالَ: فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام: إِذاً لَا يَكْذِبُ عَلَيْنَا؟

قُلْتُ: قَالَ: وَقْتُ الْمَغْرِبِ إِذَا غَابَ الْقُرْصُ إِلَّا أَنَّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله كَانَ إِذَا جَدَّ بِهِ السَّيْرُ أَخَّرَ الْمَغْرِبَ وَ يَجْمَعُ بَيْنَهَا وَ بَيْنَ الْعِشَاءِ.

فَقَالَ: صَدَقَ وَ قَالَ: وَقْتُ الْعِشَاءِ حِينَ يَغِيبُ الشَّفَقُ إِلَى ثُلُثِ اللَّيْلِ، وَ وَقْتُ الْفَجْرِ حِينَ يَبْدُو حَتَّى يُضِيءَ.

۷ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

وَقْتُ الْمَغْرِبِ إِذَا غَرَبَتِ الشَّمْسُ فَغَابَ قُرْصُهَا.

۸ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زَيْدٍ الشَّحَّامِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ وَقْتِ الْمَغْرِبِ.

امام صادق عليه السلام فرمود: او بر ما دروغ نمی‌بندد.

گفتم: او می‌گوید: وقت نماز مغرب، وقتی است که قرص خورشید ناپدید شود، ولی هرگاه رسول خدا صلى الله عليه وآله در سفر برای رفتن شتاب داشت، نماز مغرب را به تأخیر می‌انداخت و آن را با نماز عشا جمع می‌کرد.

امام فرمود: راست گفته است.

آن‌گاه فرمود: وقت نماز عشا زمانی است که سرخی مغرب پنهان شود تا یک سوّم از شب، و وقت نماز صبح، وقتی است که فجر ظاهر شود تا هنگامی که خورشید طلوع کند.

۷ ـ عبداللّه بن سنان گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

هنگام نماز مغرب، وقتی است که خورشید غروب کند و قرص آن پنهان شود.

۸ ـ زید شحّام گوید: از امام صادق عليه السلام دربارهٔ وقت مغرب پرسیدم.

فَقالَ: إنَّ جَبْرَئِيلَ عليه السلام أَتَى النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله لِكُلِّ صَلاَةٍ بِوَقْتَيْنِ غَيْرَ صَلاَةِ الْمَغْرِبِ، فَإِنَّ وَقْتَهَا وَاحِدٌ وَ وَقْتَهَا وُجُوبُهَا.

۹ ـ وَ رَوَاهُ عَنْ زُرَارَةَ وَ الْفُضَيْلِ قَالاَ. قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:

إِنَّ لِكُلِّ صَلاَةٍ وَقْتَيْنِ غَيْرَ الْمَغْرِبِ، فَإِنَّ وَقْتَهَا وَاحِدٌ وَ وَقْتَهَا وُجُوبُهَا وَ وَقْتَ فَوْتِهَا سُقُوطُ الشَّفَقِ.

وَ رُوِيَ أَيْضاً: أَنَّ لَهَا وَقْتَيْنِ آخِرُ وَقْتِهَا سُقُوطُ الشَّفَقِ.

وَ لَيْسَ هَذَا مِمَّا يُخَالِفُ الْحَدِيثَ الْأَوَّلَ «إِنَّ لَهَا وَقْتاً وَاحِداً» لِأَنَّ الشَّفَقَ هُوَ الْحُمْرَةُ، وَ لَيْسَ بَيْنَ غَيْبُوبَةِ الشَّمْسِ وَ بَيْنَ غَيْبُوبَةِ الشَّفَقِ إِلَّا شَيْءٌ يَسِيرٌ، وَ ذَلِكَ أَنَّ عَلاَمَةَ غَيْبُوبَةِ الشَّمْسِ بُلُوغُ الْحُمْرَةِ الْقِبْلَةَ، وَلَيْسَ بَيْنَ بُلُوغِ الْحُمْرَةِ الْقِبْلَةَ وَ بَيْنَ غَيْبُوبَتِهَا إِلَّا قَدْرُ مَا يُصَلِّي الْإِنْسَانُ صَلاَةَ الْمَغْرِبِ وَ نَوَافِلَهَا إِذَا صَلَّاهَا عَلَى تُؤَدَةٍ وَ سُكُونٍ، وَ قَدْ تَفَقَّدْتُ ذَلِكَ غَيْرَ مَرَّةٍ، وَ لِذَلِكَ صَارَ وَقْتُ الْمَغْرِبِ ضَيِّقاً.

فرمود: جبرئیل علیه السلام برای پیامبر صلی الله علیه وآله برای هر نمازی دو وقت معیّن کرد، جز نماز مغرب که وقت آن یکی است، و وقت آن هنگام فرو رفتن خورشید است.

۹ ـ زراره و فضیل گویند: امام باقر علیه السلام فرمود:

برای هر نمازی دو وقت است، جز نماز مغرب که وقت آن یکی است و وقت آن، هنگام فرو رفتن خورشید و وقت فوت آن، هنگام فرو رفتن سرخی است.

هم چنین روایت شده که نماز مغرب دارای دو وقت است و وقت آخر آن، هنگام فرورفتن سرخی است.

[نگارنده گوید:] این حدیث با حدیث پیش ـ که می‌گفت: مغرب یک وقت دارد ـ مخالفتی ندارد؛ زیرا شفق، همان سرخی است و میان غایب شدن آفتاب و غایب شدن سرخی، زمان اندکی فاصله است، چرا که علامت غایب شدن آفتاب این است که سرخی به قبله برسد و میان رسیدن سرخی به قبله و میان غایب شدن آن فاصله‌ای نیست مگر به اندازه‌ای که کسی نماز مغرب و نافله‌های آن را با تأنّی و به آرامی بخواند، و من بارها آن را ملاحظه کرده‌ام و به همین دلیل وقت نماز مغرب تنگ است.

۱۰ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ قَالَ: سَأَلَ عَلِيُّ بْنُ أَسْبَاطٍ أَبَا الْحَسَنِ عليه‌السلام وَ نَحْنُ نَسْمَعُ الشَّفَقُ الْحُمْرَةُ أَوِ الْبَيَاضُ.

فَقالَ: اَلْحُمْرَةُ لَوْ كَانَ الْبَيَاضُ كَانَ إِلَى ثُلُثِ اللَّيْلِ.

۱۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَجَّالِ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام مَتَى تَجِبُ الْعَتَمَةُ؟

قَالَ: إِذَا غَابَ الشَّفَقُ وَ الشَّفَقُ الْحُمْرَةُ.

فَقالَ عُبَيْدُ اللهِ: أَصْلَحَكَ اللهُ! إِنَّهُ يَبْقَى بَعْدَ ذَهَابِ الْحُمْرَةِ ضَوْءٌ شَدِيدٌ مُعْتَرِضٌ.

فَقالَ: أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام: إِنَّ الشَّفَقَ إِنَّمَا هُوَ الْحُمْرَةُ وَ لَيْسَ الضَّوْءُ مِنَ الشَّفَقِ.

---

۱۰ ـ ابن فضّال گوید: ما در حضور امام رضا عليه‌السلام بوديم كه على بن اسباط پرسيد: آيا شفق آن، سرخى است يا سفيدى؟

فرمود: سرخى است. اگر سفيدى بود تا يک سوم از شب به طول مى‌كشيد.

۱۱ ـ عمران بن على حلبى گويد: از امام صادق عليه‌السلام پرسيدم: نماز عشا چه وقت واجب مى‌شود؟

فرمود: هرگاه شفق پنهان شد و شفق عبارت از سرخى است.

عبيداللّٰه گفت: خداوند كار شما را اصلاح كند! پس از فرو رفتن سرخى در عرض افق روشنايى شديدى مى‌ماند.

فرمود: شفق همان سرخى است و آن روشنايى، از شفق نيست.

۱۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا غَرَبَتِ الشَّمْسُ دَخَلَ وَقْتُ الصَّلاَتَيْنِ إِلَّا أَنَّ هَذِهِ قَبْلَ هَذِهِ.

۱۳ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبَانٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

لَوْ لَا أَنْ أَشُقَّ عَلَى أُمَّتِي لَأَخَّرْتُ الْعِشَاءَ إِلَى ثُلُثِ اللَّيْلِ.

وَ رُوِيَ أَيْضاً: إِلَى نِصْفِ اللَّيْلِ.

۱٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمانَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ:

وَقْتُ الْمَغْرِبِ فِي السَّفَرِ إِلَى رُبُعِ اللَّيْلِ.

---

۱۲ ـ زراره گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

چون آفتاب غروب کند، وقت دو نماز داخل شده است، جز این که یکی از آن دو، پیش از دیگری است (یعنی نماز مغرب قبل از عشا است).

۱۳ ـ ابو بصیر گوید: امام باقر عليه السلام می‌فرماید: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

اگر بر اُمّتم سخت نمی‌شد، نماز عشا را تا یک سوم از شب به تأخیر می‌انداختم.

هم چنین روایت شده: تا نصف شب (به تأخیر می‌انداختم).

۱۴ ـ عمر بن یزید گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

وقت نماز مغرب در سفر تا یک چهارم از شب ادامه دارد.

۱۵ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الرَّيَّانِ قَالَ:
كَتَبْتُ إِلَيْهِ الرَّجُلُ يَكُونُ فِي الدَّارِ تَمْنَعُهُ حِيطَانُهَا النَّظَرَ إِلَى حُمْرَةِ الْمَغْرِبِ وَ مَعْرِفَةَ مَغِيبِ الشَّفَقِ وَ وَقْتِ صَلاَةِ الْعِشَاءِ الآخِرَةِ مَتَى يُصَلِّيهَا؟ وَ كَيْفَ يَصْنَعُ؟
فَوَقَّعَ عليه السلام: يُصَلِّيهَا إِذَا كَانَ عَلَى هَذِهِ الصِّفَةِ عِنْدَ قَصْرَةِ النُّجُومِ وَ الْمَغْرِبَ عِنْدَ اشْتِبَاكِهَا وَ بَيَاضُ مَغِيبِ الشَّمْسِ قَصْرَةُ النُّجُومِ إِلَى بَيَانِهَا.

١٦ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ:
كَتَبْتُ إِلَى الرِّضَا عليه السلام ذَكَرَ أَصْحَابُنَا أَنَّهُ إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ فَقَدْ دَخَلَ وَقْتُ الظُّهْرِ وَ الْعَصْرِ وَ إِذَا غَرَبَتْ دَخَلَ وَقْتُ الْمَغْرِبِ وَ الْعِشَاءِ الآخِرَةِ إِلَّا أَنَّ هَذِهِ قَبْلَ هَذِهِ فِي السَّفَرِ وَ الْحَضَرِ وَ أَنَّ وَقْتَ الْمَغْرِبِ إِلَى رُبُعِ اللَّيْلِ.
فَكَتَبَ: كَذَلِكَ الْوَقْتُ، غَيْرَ أَنَّ وَقْتَ الْمَغْرِبِ ضَيِّقٌ وَ آخِرُ وَقْتِهَا ذَهَابُ الْحُمْرَةِ وَ مَصِيرُهَا إِلَى الْبَيَاضِ فِي أُفُقِ الْمَغْرِبِ.

---

۱۵ ـ علی بن ریّان گوید: به امام عليه السلام نوشتم: مردی در خانه‌ای است که دیوارهای خانه مانع از دیدن سرخی مغرب هستند و او نمی‌تواند غایب شدن شفق و وقت نماز عشا را در یابد. او کی باید نماز بخواند؟ و چه باید بکند؟

امام عليه السلام نوشت: چون چنین حالتی دارد، هنگامی که ستارگان، آسمان را فرا گرفتند، نماز عشا را بخواند و نماز مغرب را به هنگام نمودار شدن بعضی از ستارگان بخواند، و نشانهٔ سفیدی مغرب، نمودار شدن ستارگان تا آشکار شدن آن‌هاست.

۱۶ ـ اسماعیل بن مهران گوید: به امام رضا عليه السلام نوشتم: دوستان ما (در روایات خود از ائمّه عليهم السلام) ذکر کرده‌اند: هرگاه زوال آفتاب شد، وقت نماز ظهر و عصر است، و هرگاه آفتاب غروب کند، وقت نماز مغرب و عشا فرا رسیده است، جز آن که یکی از آن دو پیش از دیگری است، چه در سفر باشد و چه در حضر، و به راستی که وقت مغرب تا یک چهارم از شب ادامه دارد.

امام عليه السلام نوشت: درست است، مگر مغرب که وقت آن تنگ است و وقت آخر آن، فرو رفتن سرخی و باز گشت آن به سفیدی، در اُفق مغرب است.

(۷)

بَابُ وَقْتِ الْفَجْرِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ قَالَ:

كَتَبَ أَبُوالْحَسَنِ بْنُ الْحُصَيْنِ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي عليه السلام مَعِي: جُعِلْتُ فِدَاكَ! قَدِ اخْتَلَفَتْ مُوَالُوكَ فِي صَلَاةِ الْفَجْرِ، فَمِنْهُمْ مَنْ يُصَلِّي إِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ الْأَوَّلُ الْمُسْتَطِيلُ فِي السَّمَاءِ، وَ مِنْهُمْ مَنْ يُصَلِّي إِذَا اعْتَرَضَ فِي أَسْفَلِ الْأُفُقِ وَ اسْتَبَانَ وَ لَسْتُ أَعْرِفُ أَفْضَلَ الْوَقْتَيْنِ فَأُصَلِّيَ فِيهِ، فَإِنْ رَأَيْتَ أَنْ تُعَلِّمَنِي أَفْضَلَ الْوَقْتَيْنِ وَ تَحُدَّهُ لِي وَ كَيْفَ أَصْنَعُ مَعَ الْقَمَرِ وَ الْفَجْرُ لَا يَتَبَيَّنُ مَعَهُ حَتَّى يَحْمَرَّ وَ يُصْبِحَ؟ وَ كَيْفَ أَصْنَعُ مَعَ الْغَيْمِ؟ وَ مَا حَدُّ ذَلِكَ فِي السَّفَرِ وَ الْحَضَرِ فَعَلْتُ إِنْ شَاءَ اللهُ؟

بخش هفتم
وقت نماز صبح

۱ ـ علی بن مهزیار گوید: ابوالحسن بن حصین نامه‌ای به امام جواد عليه السلام نوشت و آن را توسط من ارسال کرد، در آن نامه نوشت.

قربانت گردم! دوستان شما در وقت نماز صبح با یکدیگر اختلاف دارند. بعضی از آنان به هنگام طلوع فجر اول که در آسمان مانند عمود باریک و بلند است، نماز می‌خواند، و بعضی از آن‌ها وقتی که فجر در پایین افق پهن می‌شود و نمایان می‌گردد، نماز می‌خوانند و من نمی‌دانم کدام یک از این دو وقت بهتر است تا در آن نمازگزارم، اگر صلاح می‌دانید لطف بفرمایید و مرا از بهترین این دو وقت آگاه سازید و آن را برای من روشن کنید و بفرمایید هنگامی که شب مهتابی است، چگونه فجر را تشخیص دهم؟ زیرابا وجود ماه تشخیص فجر برایم امکان ندارد، مگر زمانی که افق سرخ شود و صبح گردد، و به هنگام ابری بودن هوا چه کنم؟ و در سفر و حضر تشخیص وقت فجر اوّل و دوّم چگونه است؟ ان شاء اللّه راهنمایی خواهید فرمود.

فَكَتَبَ عليه السلام بِخَطِّهِ وَ قَرَأْتُهُ: الْفَجْرُ - يَرْحَمُكَ اللهُ - هُوَ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ الْمُعْتَرِضُ لَيْسَ هُوَ الْأَبْيَضَ صُعَدَاءَ، فَلاَ تُصَلِّ فِي سَفَرٍ وَ لَا حَضَرٍ حَتَّى تَتَبَيَّنَهُ، فَإِنَّ اللهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَجْعَلْ خَلْقَهُ فِي شُبْهَةٍ مِنْ هَذَا، فَقَالَ: ﴿كُلُوا وَ اشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ﴾، فَالْخَيْطُ الْأَبْيَضُ هُوَ الْمُعْتَرِضُ الَّذِي يَحْرُمُ بِهِ الْأَكْلُ وَ الشُّرْبُ فِي الصَّوْمِ، وَ كَذَلِكَ هُوَ الَّذِي تُوجَبُ بِهِ الصَّلاَةُ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: أَخْبِرْنِي بِأَفْضَلِ الْمَوَاقِيتِ فِي صَلاَةِ الْفَجْرِ.

فَقَالَ: مَعَ طُلُوعِ الْفَجْرِ، إِنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: ﴿وَ قُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُوداً﴾.

يَعْنِي: صَلاَةَ الْفَجْرِ تَشْهَدُهُ مَلاَئِكَةُ اللَّيْلِ وَ مَلاَئِكَةُ النَّهَارِ، فَإِذَا صَلَّى الْعَبْدُ الصُّبْحَ مَعَ طُلُوعِ الْفَجْرِ أُثْبِتَتْ لَهُ مَرَّتَيْنِ أَثْبَتَهَا مَلاَئِكَةُ اللَّيْلِ وَ مَلاَئِكَةُ النَّهَارِ.

امام عليه السلام به خط مبارک خویش -که خود خوانده‌ام- نوشت:

خداوند به تو رحمت کند! فجر همان رشتهٔ سفید پهن است نه رشته عمود بالا رونده. پس در سفر و حضر نماز مخوان تا زمانی که آن فجر صادق برای تو آشکار شود؛ زیرا خداوند تبارک و تعالی مخلوق خود را در چنین موضوعی در شک قرار نداده و فرموده است: «بخورید و بیاشامید، تا روشنی سپیده به مانند رشته‌ای سپید در سراسر افق پدید آید، و از رشتهٔ سیاه تاریکی باقیماندهٔ شب جدا گردد» رشتهٔ سفید، آن رشتهٔ پهنی است که با پدیدار شدن آن، خوردن و آشامیدن در حال روزه حرام می‌شود، و نیز با آن، نماز صبح واجب می‌شود.

۲ - اسحاق بن عمّار گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: مرا از بهترین اوقات نماز صبح آگاه سازید.

فرمود: با طلوع فجر، خداوند عزّوجلّ می‌فرماید: «نماز صبح را به جای آور که آن مشهود است» یعنی نماز صبح مشهود فرشتگان شب و روز است و هر دو در آن وقت حاضرند، و چون بنده نماز صبح خود را با طلوع فجر (یعنی در اوّل وقت آن) به جای آورد، پاداش آن را برایش دو بار می‌نویسند: یک بار فرشتگان شب، بار دیگر فرشتگان روز.

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

الصُّبْحُ هُوَ الَّذِي إِذَا رَأَيْتَهُ مُعْتَرِضاً كَأَنَّهُ بَيَاضُ سُورَى.

٤ ـ عَلِيٌّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ يَزِيدَ بْنِ خَلِيفَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: وَقْتُ الْفَجْرِ حِينَ يَبْدُو حَتَّى يُضِيءَ.

٥ ـ عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ: وَقْتُ الْفَجْرِ حِينَ يَنْشَقُّ الْفَجْرُ إِلَى أَنْ يَتَجَلَّلَ الصُّبْحُ السَّمَاءَ، وَ لَا يَنْبَغِي تَأْخِيرُ ذَلِكَ عَمْداً، لَكِنَّهُ وَقْتٌ لِمَنْ شُغِلَ أَوْ نَسِيَ أَوْ نَامَ.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ حَفْصٍ الْمَرْوَزِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عليه السلام قَالَ:

---

۳ ـ علی بن عطیّه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

صبح صادق آن است که وقتی نگاه می‌کنی، عرض اُفق روشن شده باشد و روشنی آن همچون سفیدی رودخانهٔ سورا [1] است.

۴ ـ یزید بن خلیفه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

وقت نماز صبح، وقتی است که فجر ظاهر شود تا هنگامی که خورشید طلوع کند.

۵ ـ حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

وقت نماز صبح از زمانی است که فجر شکافته شود تا هنگامی که روشنایی آسمان را فرا گیرد و شایسته نیست که کسی از روی عمد نماز صبح را به تأخیر اندازد، ولی تأخیر، برای کسی است که (به کاری ضروری) مشغول باشد، یا فراموش کند و یا بخوابد.

۶ ـ سلیمان بن حفص مروزی گوید: امام علی هادی عليه السلام فرمود:

---

۱ ـ سورا، رودخانه‌ای در کشور عراق است.

إِذَا انْتَصَفَ اللَّيْلُ ظَهَرَ بَيَاضٌ فِي وَسَطِ السَّمَاءِ شِبْهُ عَمُودٍ مِنْ حَدِيدٍ تُضِيءُ لَهُ الدُّنْيَا فَيَكُونُ سَاعَةً ثُمَّ يَذْهَبُ وَ يُظْلِمُ فَإِذَا بَقِيَ ثُلُثُ اللَّيْلِ ظَهَرَ بَيَاضٌ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ فَأَضَاءَتْ لَهُ الدُّنْيَا فَيَكُونُ سَاعَةً ثُمَّ يَذْهَبُ وَ هُوَ وَقْتُ صَلاَةِ اللَّيْلِ، ثُمَّ يُظْلِمُ قَبْلَ الْفَجْرِ ثُمَّ يَطْلُعُ الْفَجْرُ الصَّادِقُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ.

قَالَ: وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يُصَلِّيَ صَلاَةَ اللَّيْلِ فِي نِصْفِ اللَّيْلِ فَذَلِكَ لَهُ.

(۸)

بَابُ وَقْتِ الصَّلاَةِ فِي يَوْمِ الْغَيْمِ وَ الرِّيحِ وَ مَنْ صَلَّى لِغَيْرِ الْقِبْلَةِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّلاَةِ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ إِذَا لَمْ تُرَ الشَّمْسُ وَ لَا الْقَمَرُ وَ لَا النُّجُومُ.

قَالَ: اجْتَهِدْ رَأْيَكَ وَ تَعَمَّدِ الْقِبْلَةَ جُهْدَكَ.

آن‌گاه که نیمه شب فرا رسد، در میان آسمان رشته سفیدی همانند ستون آهنی آشکار می‌شود که دنیا را روشن می‌کند و آن روشنایی یک ساعت دوام دارد، سپس می‌رود و دنیا تاریک می‌شود، و چون یک سوم از شب می‌ماند، از ناحیهٔ مشرق سفیدی آشکار می‌شود که زمین را روشن می‌کند و مدت آن یک ساعت است، سپس می‌رود و آن وقت هنگام نماز شب است. سپس پیش از طلوع فجر هوا تاریک می‌شود و آن‌گاه از طرف مشرق فجر صادق طلوع می‌کند،

حضرتش فرمود: هرکه بخواهد نماز شب را در نیمهٔ شب بخواند، جایز است.

بخش هشتم
تعیین وقت نماز در روز ابری و وزش باد و حکم کسی که به غیر قبله نماز خوانده است

۱ ـ سماعه گوید: از امام علیه‌السلام دربارهٔ اوقات نماز در شب و روزی که نه خورشید دیده می‌شود، نه ماه و نه ستارگان، سؤال کردم.

فرمود: کوشش خود را به کار ببند و برای یافتن قبله نیز کوشش کن.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ الْفَرَّاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ: قَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا: رُبَّمَا اشْتَبَهَ الْوَقْتُ عَلَيْنَا فِي يَوْمِ الْغَيْمِ.

فَقالَ: تَعْرِفُ هَذِهِ الطُّيُورَ الَّتِي عِنْدَكُمْ بِالْعِرَاقِ يُقَالُ لَهَا: الدِّيَكَةُ؟

قُلْتُ: نَعَمْ.

قَالَ: إِذَا ارْتَفَعَتْ أَصْوَاتُهَا وَ تَجَاوَبَتْ فَقَدْ زَالَتِ الشَّمْسُ. أَوْ قَالَ: فَصَلِّهْ.

۳ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ:

إِذَا صَلَّيْتَ وَ أَنْتَ عَلَى غَيْرِ الْقِبْلَةِ فَاسْتَبَانَ لَكَ أَنَّكَ صَلَّيْتَ عَلَى غَيْرِ الْقِبْلَةِ وَأَنْتَ فِي وَقْتٍ فَأَعِدْ، فَإِنْ فَاتَكَ الْوَقْتُ فَلاَ تُعِدْ.

۴ـ وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام فِي رَجُلٍ صَلَّى الْغَدَاةَ بِلَيْلٍ غَرَّهُ مِنْ ذَلِكَ الْقَمَرُ وَ نَامَ حَتَّى طَلَعَتِ الشَّمْسُ فَأُخْبِرَ أَنَّهُ صَلَّى بِلَيْلٍ.

قَالَ: يُعِيدُ صَلاَتَهُ.

---

۲ ـ ابو عبدالله فرّا گوید: مردی از شیعیان به امام صادق عليه‌السلام عرض کرد: چه بسا اتّفاق می‌افتد که در روزهای ابری، وقت نماز برای ما مشتبه می‌شود.

فرمود: آیا پرندگانی را که خودتان در عراق دارید و به آن خروس می‌گویند، می‌شناسی؟

گفتم: آری.

فرمود: هرگاه آواز آن‌ها بلند شد و همگی به آواز در آمدند و به یکدیگر جواب دادند، زوال آفتاب شده است. یا این که فرمود: در آن وقت نماز بخوان.

۳ ـ عبد الرحمان بن ابی عبدالله گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

هرگاه بر غیر قبله نماز گزاردی و بعد برای تو روشن شد که بر غیر قبله نماز گزارده‌ای، اگر در وقت نماز بودی، نماز را اعاده کن، ولی اگر وقت گذشته بود، اعاده لازم نیست.

۴ ـ زراره گوید: امام باقر عليه‌السلام دربارهٔ مردی که در شب مهتابی به گمان این که صبح شده نماز می‌خواند، سپس می‌خوابد و آفتاب طلوع می‌کند و به او خبر می‌دهند که نماز خود را در شب خوانده است، فرمود:

باید نماز خود را اعاده کند.

۵ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ النَّوْفَلِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ رَجُلٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: إِنِّي رَجُلٌ مُؤَذِّنٌ، فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْغَيْمِ لَمْ أَعْرِفِ الْوَقْتَ.

فَقَالَ: إِذَا صَاحَ الدِّيكُ ثَلاَثَةَ أَصْوَاتٍ وِلاَءً فَقَدْ زَالَتِ الشَّمْسُ وَ قَدْ دَخَلَ وَقْتُ الصَّلاَةِ.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ يَحْيَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبِلاَدِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ صَلَّى فِي غَيْرِ وَقْتٍ فَلاَ صَلاَةَ لَهُ.

٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:

يُجْزِئُ التَّحَرِّي أَبَداً إِذَا لَمْ يَعْلَمْ أَيْنَ وَجْهُ الْقِبْلَةِ.

---

۵ ـ حسین بن مختار گوید: مردی به امام صادق عليه السلام عرضه داشت: من اذان‌گو هستم. هر وقت هوا ابری می‌شود، وقت را تشخیص نمی‌دهم، وظیفهٔ من چیست؟

فرمود: هرگاه خروس سه مرتبه پی در پی بانگ بر داشت، آفتاب از خط نصف النهار گذشته و وقت نماز ظهر شده است.

۶ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر کس در خارج از وقت نماز گزارد، نمازش باطل است.

۷ ـ زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

هرگاه کسی نمی‌داند که قبله کدام طرف است، کوشش در تحصیل جهت آن، برای او کافی است.

۸ ـ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارٍ السَّابَاطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ فِي رَجُلٍ صَلَّى عَلَى غَيْرِ الْقِبْلَةِ فَيَعْلَمُ وَ هُوَ فِي الصَّلاَةِ قَبْلَ أَنْ يَفْرُغَ مِنْ صَلاَتِهِ. قَالَ:

إِنْ كَانَ مُتَوَجِّهاً فِيمَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ فَلْيُحَوِّلْ وَجْهَهُ إِلَى الْقِبْلَةِ سَاعَةَ يَعْلَمُ وَ إِنْ كَانَ مُتَوَجِّهاً إِلَى دُبُرِ الْقِبْلَةِ فَلْيَقْطَعِ الصَّلاَةَ، ثُمَّ يُحَوِّلُ وَجْهَهُ إِلَى الْقِبْلَةِ ثُمَّ يَفْتَتِحُ الصَّلاَةَ.

۹ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ الرَّجُلُ يَكُونُ فِي قَفْرٍ مِنَ الْأَرْضِ فِي يَوْمِ غَيْمٍ فَيُصَلِّي لِغَيْرِ الْقِبْلَةِ ثُمَّ يُضْحِي فَيَعْلَمُ أَنَّهُ صَلَّى لِغَيْرِ الْقِبْلَةِ كَيْفَ يَصْنَعُ؟

قَالَ: إِنْ كَانَ فِي وَقْتٍ فَلْيُعِدْ صَلاَتَهُ وَ إِنْ كَانَ مَضَى الْوَقْتُ فَحَسْبُهُ اجْتِهَادُهُ.

---

۸ ـ عمّار ساباطی گوید: امام صادق عليه السلام دربارهٔ کسی که بر غیر قبله نمازگزارده و در حال نماز پیش از آن که فارغ شود، می‌فهمد که بر غیر قبله نمازگزارده است، فرمود:

اگر روی او متوجّه ما بین مشرق و مغرب باشد، بایستی صورت خود را در همان لحظه‌ای که متوجّه می‌شود، به سوی قبله بگرداند، ولی اگر پشت به قبله بود، باید نماز را رها کند و صورت خود را به سوی قبله بگرداند و نماز را از سر گیرد.

۹ ـ سلیمان بن خالد گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: مردی در بیابان بی آب و علف در روزی که هوا ابری است بر غیر قبله نماز می‌گزارد، سپس ابر برطرف می‌شود و می‌داند که بر غیر قبله نمازگزارده است، وظیفهٔ او چیست؟

فرمود: اگر در وقت نماز است، آن را اعاده می‌کند، و اگر وقت گذشته است، کوشش او برای وی کفایت می‌کند.

۱۰ ـ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ قِبْلَةِ الْمُتَحَيِّرِ.

فَقَالَ: يُصَلِّي حَيْثُ يَشَاءُ.

وَ رُوِيَ أَيْضاً: أَنَّهُ يُصَلِّي إِلَى أَرْبَعِ جَوَانِبَ.

۱۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ رَبَاحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا صَلَّيْتَ وَ أَنْتَ تَرَى أَنَّكَ فِي وَقْتٍ وَ لَمْ يَدْخُلِ الْوَقْتُ فَدَخَلَ الْوَقْتُ وَ أَنْتَ فِي الصَّلاَةِ فَقَدْ أَجْزَأَتْ عَنْكَ.

۱۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ هَلْ كَانَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله يُصَلِّي إِلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ؟

قَالَ: نَعَمْ.

فَقُلْتُ: أَ كَانَ يَجْعَلُ الْكَعْبَةَ خَلْفَ ظَهْرِهِ؟

---

۱۰ ـ زراره گوید: از امام باقر عليه السلام دربارهٔ کسی که نمی‌داند قبله کدام سمت است، پرسیدم.

فرمود: به هر طرف که بخواهد می‌تواند، نماز بخواند.

هم چنین روایت شده است: به هر چهار جانب نماز بخواند.

۱۱ ـ اسماعیل بن رباح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه به گمان رسیدن وقت به نماز ایستادی، ولی وقت داخل نشده بود و در اثنای نماز، وقت داخل گشت، آن نماز از تو کفایت می‌کند.

۱۲ ـ حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله به سوی بیت المقدس نماز می‌گزارد؟

فرمود: آری.

عرض کردم: آیا آن حضرت کعبه را پشت سر خود قرار می‌داد؟

فَقالَ: أَمَّا إِذَا كَانَ بِمَكَّةَ فَلاَ، وَ أَمَّا إِذَا هَاجَرَ إِلَى الْمَدِينَةِ فَنَعَمْ حَتَّى حُوِّلَ إِلَى الْكَعْبَةِ.

(۹)

بَابُ الْجَمْعِ بَيْنَ الصَّلاَتَيْنِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

صَلَّى رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله بِالنَّاسِ الظُّهْرَ وَ الْعَصْرَ حِينَ زَالَتِ الشَّمْسُ فِي جَمَاعَةٍ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ وَ صَلَّى بِهِمُ الْمَغْرِبَ وَ الْعِشَاءَ الآخِرَةَ قَبْلَ سُقُوطِ الشَّفَقِ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ فِي جَمَاعَةٍ، وَ إِنَّمَا فَعَلَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله لِيَتَّسِعَ الْوَقْتُ عَلَى أُمَّتِهِ.

فرمود: تا زمانی‌که حضرتش در مکّه بود، چنین نمی‌کرد، ولی چون به مدینه هجرت فرمود، چنین کرد تا زمانی که روی آن حضرت به جانب کعبه گردانیده شد (یعنی قبله از بیت المقدس به سوی کعبه تغییر یافت).

بخش نهم
جمع بین دو نماز

۱ ـ زراره گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

رسول خدا صلى الله عليه وآله نماز ظهر و عصر را هنگام زوال آفتاب، بدون علّت با مردم به جماعت خواند و نماز مغرب و عشا را نیز پیش از ناپدید شدن سرخی، بدون علّت با ایشان به جماعت به جای آورد، و این کار را رسول خدا صلى الله عليه وآله انجام داد تا اُمّت را در وسعت قرار دهد.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ:

شَهِدْتُ الْمَغْرِبَ لَيْلَةً مَطِيرَةً فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللهِ ﷺ فَحِينَ كَانَ قَرِيباً مِنَ الشَّفَقِ نَادَوْا وَ أَقَامُوا الصَّلاَةَ، فَصَلَّوُا الْمَغْرِبَ ثُمَّ أَمْهَلُوا بِالنَّاسِ حَتَّى صَلَّوْا رَكْعَتَيْنِ، ثُمَّ قَامَ الْمُنَادِي فِي مَكَانِهِ فِي الْمَسْجِدِ فَأَقَامَ الصَّلاَةَ فَصَلَّوُا الْعِشَاءَ ثُمَّ انْصَرَفَ النَّاسُ إِلَى مَنَازِلِهِمْ، فَسَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ ذَلِكَ .

فَقالَ: نَعَمْ، قَدْ كَانَ رَسُولُ اللهِ ﷺ عَمِلَ بِهَذَا.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَيْفٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

إِذَا جَمَعْتَ بَيْنَ الصَّلاَتَيْنِ فَلاَ تَطَوَّعْ بَيْنَهُمَا.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمانَ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ حَكِيمٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام يَقُولُ: الْجَمْعُ بَيْنَ الصَّلاَتَيْنِ إِذَا لَمْ يَكُنْ بَيْنَهُمَا تَطَوُّعٌ فَإِذَا كَانَ بَيْنَهُمَا تَطَوُّعٌ فَلاَ جَمْعَ.

---

۲ ـ عبداللّٰه بن سنان گوید: در یک شب بارانی برای نماز مغرب در مسجد رسول خدا ﷺ حاضر شدم. نزدیک به شفق بود که اذان گفتند و نماز برپا شد. نماز مغرب را خواندند، آن‌گاه به مردم مهلت دادند تا دو رکعت نافله را نیز خواندند، سپس مؤذّن برخاست و در همانجا قد «قامت الصلاة» گفت و مردم نماز عشا را به جای آوردند، سپس به خانه‌های خود باز گشتند.

از امام صادق عليه السلام دربارهٔ این ماجرا پرسیدم.

فرمود: آری، رسول خدا ﷺ نیز چنین می‌کرد.

۳ ـ محمّد بن حکیم گوید: از امام کاظم عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

هرگاه بین دو نماز را جمع کردی (مثلاً نماز مغرب و عشا را با هم به جای آوردی) نافله‌ای در میان آن دو نخواهد بود.

۴ ـ محمّد بن حکیم گوید: از امام کاظم عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

جمع بین دو نماز آن وقتی است که نافله‌ای در بین آن دو نباشد و هرگاه بین آن دو نافله‌ای باشد، جمع نخواهد شد.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي زَكَرِيَّا عَنْ أَبَانٍ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ: صَلَّى بِنَا أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام الظُّهْرَ وَ الْعَصْرَ عِنْدَ مَا زَالَتِ الشَّمْسُ بِأَذَانٍ وَ إِقَامَتَيْنِ وَ قَالَ: إِنِّي عَلَى حَاجَةٍ فَتَنَفَّلُوا.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَبَّاسٍ النَّاقِدِ قَالَ: تَفَرَّقَ مَا كَانَ فِي يَدِي وَ تَفَرَّقَ عَنِّي حُرَفَائِي، فَشَكَوْتُ ذَلِكَ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام.

فَقَالَ لِي: اجْمَعْ بَيْنَ الصَّلاَتَيْنِ الظُّهْرِ وَ الْعَصْرِ تَرَى مَا تُحِبُّ.

(١٠)
بَابُ الصَّلاَةِ الَّتِي تُصَلَّى فِي كُلِّ وَقْتٍ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ هَاشِمٍ أَبِي سَعِيدٍ الْمُكَارِي عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

---

۵ ـ صفوان جمّال گوید: امام صادق عليه السلام به هنگام زوال آفتاب، نماز ظهر و عصر را با ما به یک اذان و دو اقامه به جای آورد و فرمود:

من کاری فوری دارم، نافلۀ خود را به جا آورید.

۶ ـ عبّاس ناقد گوید: تمام اموال و دارایی من از دستم رفت و شریکانم نیز از من جدا شدند. از حال خود به امام حسن عسکری عليه السلام شکوه کردم.

حضرتش به من فرمود: بین دو نماز ظهر و عصر را جمع کن، آن‌چه را دوست داری خواهی دید.

بخش دهم
نمازهایی که می‌توان در همۀ اوقات خواند

۱ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

خَمْسُ صَلَوَاتٍ تُصَلِّيهِنَّ فِي كُلِّ وَقْتٍ صَلاَةُ الْكُسُوفِ، وَ الصَّلاَةُ عَلَى الْمَيِّتِ وَ صَلاَةُ الْإِحْرَامِ، وَ الصَّلاَةُ الَّتِي تَفُوتُ، وَ صَلاَةُ الطَّوَافِ مِنَ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ، وَ بَعْدَ الْعَصْرِ إِلَى اللَّيْلِ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ وَ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يَقُولُ:

خَمْسُ صَلَوَاتٍ لَا تُتْرَكُ عَلَى كُلِّ حَالٍ: إِذَا طُفْتَ بِالْبَيْتِ، وَ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تُحْرِمَ، وَ صَلاَةُ الْكُسُوفِ، وَ إِذَا نَسِيتَ فَصَلِّ إِذَا ذَكَرْتَ، وَ صَلاَةُ الْجِنَازَةِ.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

أَرْبَعُ صَلَوَاتٍ يُصَلِّيهِنَّ الرَّجُلُ فِي كُلِّ سَاعَةٍ: صَلاَةٌ فَاتَتْكَ فَمَتَى مَا ذَكَرْتَهَا أَدَّيْتَهَا، وَ صَلاَةُ رَكْعَتَيِ الطَّوَافِ الْفَرِيضَةِ، وَ صَلاَةُ الْكُسُوفِ، وَ الصَّلاَةُ عَلَى الْمَيِّتِ. هَؤُلَاءِ تُصَلِّيهِنَّ فِي السَّاعَاتِ كُلِّهَا.

پنج نماز است که در هر ساعتی، یا هر موقع از شب و روز می‌توانی آنها را بخوانی: نماز خورشید گرفتگی، نماز میّت، نماز احرام، نمازی که قضا شده است و نماز طواف که نماز طواف را از طلوع فجر تا دمیدن آفتاب و بعد از عصر تا شب می‌توان خواند.

۲ ـ معاویة بن عمّار گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

پنج نماز است که در هیچ حال ترک نمی‌شود: نماز طواف خانهٔ خدا، نماز احرام، نماز کسوف، نمازی که فراموش کردی، و نماز میّت.

۳ ـ زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

چهار نماز است که شخص در هر ساعتی می‌تواند آنها را بخواند: نمازی که از دست داده‌ای، پس هرگاه به خاطرت رسید آن را به جا می‌آوری؛ دو رکعت نماز طواف واجب؛ نماز خورشید گرفتگی و نماز میّت، این نمازها را در هر ساعتی می‌توان خواند.

(۱۱)
بَابُ التَّطَوُّعِ فِي وَقْتِ الْفَرِيضَةِ وَ السَّاعَاتِ الَّتِي لَا يُصَلَّى فِيهَا

۱ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قَالَ لِي: أَتَدْرِي لِمَ جُعِلَ الذِّرَاعُ وَ الذِّرَاعَانِ؟

قَالَ: قُلْتُ: لِمَ؟

قَالَ: لِمَكَانِ الْفَرِيضَةِ لَكَ أَنْ تَتَنَفَّلَ مِنْ زَوَالِ الشَّمْسِ إِلَى أَنْ يَبْلُغَ ذِرَاعاً فَإِذَا بَلَغَ ذِرَاعاً بَدَأْتَ بِالْفَرِيضَةِ وَ تَرَكْتَ النَّافِلَةَ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ مِنْهَالٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الْوَقْتِ الَّذِي لَا يَنْبَغِي لِي [أَنْ يَتَنَفَّلَ] إِذَا جَاءَ الزَّوَالُ؟

قَالَ: ذِرَاعٌ إِلَى مِثْلِهِ.

بخش یازدهم
خواندن نماز نافله در وقت نماز فریضه و ساعاتی که در آن نماز نافله خوانده نمی‌شود

۱ ـ زراره گوید: امام صادق عليه السلام به من فرمود:

آیا می‌دانی برای چه (از اوّل زوال برای نافله) یک ذراع (و از اوّل وقت عصر برای نافله) دو زراع قرار داده شده است؟

گفتم: برای چه؟

فرمود: برای اهمیّت دادن به نماز فریضه که تو می‌توانی نماز نافله را از زوال خورشید تا وقتی که به یک ذراع برسد، بخوانی و چون به یک ذراع رسید، نماز واجب را شروع و نماز نافله را رها کنی.

۲ ـ منهال گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: وقتی که به هنگام زوال شایسته نیست نماز نافله به جای آورم کدام وقت است؟

فرمود: از وقتی که سایهٔ شاخص به یک ذراع برسد تا وقتی که سایه به اندازهٔ خودش شود.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَأْتِي الْمَسْجِدَ وَ قَدْ صَلَّى أَهْلُهُ أَيَبْتَدِئُ بِالْمَكْتُوبَةِ أَوْ يَتَطَوَّعُ؟

فَقالَ: إِنْ كَانَ فِي وَقْتٍ حَسَنٍ فَلاَ بَأْسَ بِالتَّطَوُّعِ قَبْلَ الْفَرِيضَةِ، وَ إِنْ كَانَ خَافَ الْفَوْتَ مِنْ أَجْلِ مَا مَضَى مِنَ الْوَقْتِ فَلْيَبْدَأْ بِالْفَرِيضَةِ، وَ هُوَ حَقُّ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ، ثُمَّ لْيَتَطَوَّعْ بِمَا شَاءَ أَلَا هُوَ مُوَسَّعٌ أَنْ يُصَلِّيَ الْإِنْسَانُ فِي أَوَّلِ دُخُولِ وَقْتِ الْفَرِيضَةِ النَّوَافِلَ إِلَّا أَنْ يَخَافَ فَوْتَ الْفَرِيضَةِ، وَ الْفَضْلُ إِذَا صَلَّى الْإِنْسَانُ وَحْدَهُ أَنْ يَبْدَأَ بِالْفَرِيضَةِ إِذَا دَخَلَ وَقْتُهَا لِيَكُونَ فَضْلُ أَوَّلِ الْوَقْتِ لِلْفَرِيضَةِ وَ لَيْسَ بِمَحْظُورٍ عَلَيْهِ أَنْ يُصَلِّيَ النَّوَافِلَ مِنْ أَوَّلِ الْوَقْتِ إِلَى قَرِيبٍ مِنْ آخِرِ الْوَقْتِ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ: أُصَلِّي فِي وَقْتِ فَرِيضَةٍ نَافِلَةً؟

قَالَ: نَعَمْ فِي أَوَّلِ الْوَقْتِ إِذَا كُنْتَ مَعَ إِمَامٍ تَقْتَدِي بِهِ فَإِذَا كُنْتَ وَحْدَكَ فَابْدَأْ بِالْمَكْتُوبَةِ.

---

۳ ـ سماعه گوید: از حضرتش پرسیدم: مردی وارد مسجد می‌شود و اهل مسجد نماز خوانده‌اند، آیا می‌تواند شروع به نماز فریضه کند، یا باید نافله را به جای آورد؟

فرمود: اگر وقت خوب و وسعت داشته باشد. پس عیب ندارد که پیش از نماز واجب به نماز نافله مشغول شود و اگر بیم دارد که وقت از دست برود، در این صورت باید نافله را به تأخیر اندازد و نماز فریضه را آغاز نماید که آن حق خداوند ﷻ است. آن‌گاه نافله را هرچه خواست به جای آورد، و انسان می‌تواند در اوّل داخل شدن وقت نماز فریضه، نماز نافله را بخواند، مگر آن که بیم دارد نماز واجب از او فوت شود و هنگامی که انسان به تنهایی نماز می‌خواند، بهتر است که اگر وقت فریضه داخل شده، با نماز فریضه آغاز کند تا این که فضیلت اوّل وقت برای نماز فریضه باشد، و بر او ممنوع نیست که از اوّل وقت تا نزدیک به آخر وقت، نماز نافله بخواند.

۴ ـ اسحاق بن عمّار گوید: به امام علیه السلام عرض کردم: آیا در وقت نماز فریضه می‌توانم، نماز نافله بخوانم؟

فرمود: آری، در اول وقت، در صورتی که بخواهی نماز خود را با جماعت بخوانی، ولی اگر خواستی خود به تنهایی نماز بخوانی، ابتدا به نماز واجب کن.

۵ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: إِذَا دَخَلَ وَقْتُ الْفَرِيضَةِ أَتَنَفَّلُ أَوْ أَبْدَأُ بِالْفَرِيضَةِ؟

فَقَالَ: إِنَّ الْفَضْلَ أَنْ تَبْدَأَ بِالْفَرِيضَةِ وَ إِنَّمَا أُخِّرَتِ الظُّهْرُ ذِرَاعاً مِنْ عِنْدِ الزَّوَالِ مِنْ أَجْلِ صَلَاةِ الْأَوَّابِينَ.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: إِذَا دَخَلَ وَقْتُ الْفَرِيضَةِ أَتَنَفَّلُ أَوْ أَبْدَأُ بِالْفَرِيضَةِ؟

قَالَ: إِنَّ الْفَضْلَ أَنْ تَبْدَأَ بِالْفَرِيضَةِ.

٧ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا أَنَّهُمْ سَمِعُوا أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ.

كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام لَا يُصَلِّي مِنَ النَّهَارِ حَتَّى تَزُولَ الشَّمْسُ، وَ لَا مِنَ اللَّيْلِ بَعْدَ مَا يُصَلِّي الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ حَتَّى يَنْتَصِفَ اللَّيْلُ.

---

۵ ـ محمّد بن مسلم گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: هرگاه وقت نماز فریضه فرا رسید آیا می‌توانم نماز نافله بخوانم، یا ابتدا به نماز فریضه نمایم؟

فرمود: بهتر این است که ابتدا نماز فریضه را انجام دهی، و این که نماز ظهر (در غیر روز جمعه) یک ذراع از زوال تأخیر انداخته شده به خاطر نماز اوّابین (توبه کنندگان) است.

۶ ـ محمّد بن مسلم گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: هرگاه وقت نماز فریضه فرا رسید، آیا می‌توانم نماز نافله بخوانم، یا نماز واجب را آغاز کنم؟

فرمود: بهتر آن است که نماز واجب را آغاز کنی.

۷ ـ عمر بن اُذینه گوید: عدّه‌ای از یاران ما از امام باقر عليه السلام شنیدند که حضرتش فرمود:

امیر مؤمنان علی صلوات الله علیه همواره در روز تا هنگام زوال آفتاب نماز نمی‌گزارد و شب را نیز بعد از نماز عشا تا نیمه شب نمازی به جای نمی‌آورد.

مَعْنَى هَذَا أَنَّهُ لَيْسَ وَقْتَ صَلاَةِ فَرِيضَةٍ وَ لَا سُنَّةٍ، لِأَنَّ الْأَوْقَاتَ كُلَّهَا قَدْ بَيَّنَهَا رَسُولُ اللهِ ﷺ فَأَمَّا الْقَضَاءُ قَضَاءُ الْفَرِيضَةِ وَ تَقْدِيمُ النَّوَافِلِ وَ تَأْخِيرُهَا فَلاَ بَأْسَ.

۸ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: الْحَدِيثُ الَّذِي رُوِيَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: «أَنَّ الشَّمْسَ تَطْلُعُ بَيْنَ قَرْنَيِ الشَّيْطَانِ».

قَالَ: نَعَمْ، إِنَّ إِبْلِيسَ اتَّخَذَ عَرْشاً بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ، فَإِذَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ وَ سَجَدَ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ النَّاسُ قَالَ إِبْلِيسُ لِشَيَاطِينِهِ: إِنَّ بَنِي آدَمَ يُصَلُّونَ لِي.

۹ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَسْلَمَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الثَّانِي عليه السلام: أَكُونُ فِي السُّوقِ فَأَعْرِفُ الْوَقْتَ وَ يَضِيقُ عَلَيَّ أَنْ أَدْخُلَ فَأُصَلِّيَ.

قَالَ: إِنَّ الشَّيْطَانَ يُقَارِنُ الشَّمْسَ فِي ثَلاَثَةِ أَحْوَالٍ: إِذَا ذَرَّتْ وَ إِذَا كَبَّدَتْ، وَ إِذَا غَرَبَتْ فَصَلِّ بَعْدَ الزَّوَالِ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يُرِيدُ أَنْ يُوقِعَكَ عَلَى حَدٍّ يُقْطَعُ بِكَ دُونَهُ.

[نگارنده گوید:] معنای حدیث شریف این است که این دو وقت، نه وقت نماز فریضه است و نه وقت نماز مستحبی؛ زیرا رسول خدا ﷺ اوقات همهٔ نمازها را بیان فرموده است، و امّا نماز قضا ـ قضای نماز فریضه ـ و پیش انداختن نافله‌ها و به تأخیر انداختن آن‌ها اشکالی ندارد.

۸ ـ پدر علی بن ابراهیم در روایت مرفوعه‌ای گوید: مردی به امام صادق عليه السلام عرض کرد: حدیثی از امام باقر عليه السلام روایت شده که «خورشید میان دو شاخ شیطان طلوع می‌کند» (آیا صحیح است)؟

فرمود: آری، به راستی که ابلیس میان آسمان و زمین برای خود تختی دارد و چون آفتاب طلوع کند و در آن هنگام مردم سجده کنند، ابلیس به شیاطین خود گوید: فرزندان آدم برای من نماز می‌گزارند.

۹ ـ حسین بن اسلم گوید: به امام رضا عليه السلام عرضه داشتم: در بازار مشغول تجارتم و وقت نماز فرا می‌رسد، ولی بر من دشوار است که به اندرون (یا به جای نماز خود) روم و نماز بخوانم.

فرمود: همانا شیطان در سه وقت با آفتاب همراه می‌شود: به هنگام بر آمدن و بلند شدن آفتاب، به هنگام رسیدن به نصف النهار، و هنگام غروب آن. پس تو نماز خود را پس از زوال آفتاب بخوان؛ زیرا شیطان می‌خواهد تو را به راهی وارد کند که از راه حق خارج شوی.

(۱۲)

بَابُ مَنْ نَامَ عَنِ الصَّلاَةِ أَوْ سَهَا عَنْهَا

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِذَا نَسِيتَ صَلاَةً أَوْ صَلَّيْتَهَا بِغَيْرِ وُضُوءٍ وَ كَانَ عَلَيْكَ قَضَاءُ صَلَوَاتٍ فَابْدَأْ بِأَوَّلِهِنَّ فَأَذِّنْ لَهَا وَ أَقِمْ ثُمَّ صَلِّهَا ثُمَّ صَلِّ مَا بَعْدَهَا بِإِقَامَةٍ إِقَامَةٍ لِكُلِّ صَلاَةٍ.

وَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: وَ إِنْ كُنْتَ قَدْ صَلَّيْتَ الظُّهْرَ، وَ قَدْ فَاتَتْكَ الْغَدَاةُ فَذَكَرْتَهَا فَصَلِّ الْغَدَاةَ أَيَّ سَاعَةٍ ذَكَرْتَهَا وَ لَوْ بَعْدَ الْعَصْرِ وَ مَتَى مَا ذَكَرْتَ صَلاَةً فَاتَتْكَ صَلَّيْتَهَا.

بخش دوازدهم

حکم کسی که بخوابد و نماز نخواند یا این که آن را فراموش نماید

۱ ـ زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

هرگاه نمازی را فراموش کردی، یا بدون وضو به جای آوردی و چند نماز قضا نیز بر گردن تو بود، پس اوّلین آن‌ها را شروع کن، و برایش اذان و اقامه بگو و آن را بخوان، و نمازهای بعدی را با اقامه بخوان، یعنی برای هر نماز یک اقامه.

زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

و اگر نماز ظهر را خوانده باشی و نماز صبح از تو فوت شده باشد و به یادت آمد که نماز صبح را نخوانده‌ای، هر وقت به یادت آمد، اگرچه بعد از نماز عصر باشد، آن را به جای آور، و هر زمانی که به خاطرت رسید، نمازی از تو فوت شده است، همان وقت آن را به جای آور.

وَ قَالَ: إِنْ نَسِيتَ الظُّهْرَ حَتَّى صَلَّيْتَ الْعَصْرَ فَذَكَرْتَهَا وَ أَنْتَ فِي الصَّلاَةِ أَوْ بَعْدَ فَرَاغِكَ فَانْوِهَا الْأُولَى ثُمَّ صَلِّ الْعَصْرَ، فَإِنَّمَا هِيَ أَرْبَعٌ مَكَانَ أَرْبَعٍ، فَإِنْ ذَكَرْتَ أَنَّكَ لَمْ تُصَلِّ الْأُولَى وَ أَنْتَ فِي صَلاَةِ الْعَصْرِ وَ قَدْ صَلَّيْتَ مِنْهَا رَكْعَتَيْنِ فَانْوِهَا الْأُولَى ثُمَّ صَلِّ الرَّكْعَتَيْنِ الْبَاقِيَتَيْنِ وَ قُمْ فَصَلِّ الْعَصْرَ وَ إِنْ كُنْتَ قَدْ ذَكَرْتَ أَنَّكَ لَمْ تُصَلِّ الْعَصْرَ حَتَّى دَخَلَ وَقْتُ الْمَغْرِبِ وَ لَمْ تَخَفْ فَوْتَهَا فَصَلِّ الْعَصْرَ، ثُمَّ صَلِّ الْمَغْرِبَ.

وَإِنْ كُنْتَ قَدْ صَلَّيْتَ الْمَغْرِبَ، فَقُمْ فَصَلِّ الْعَصْرَ وَ إِنْ كُنْتَ قَدْ صَلَّيْتَ مِنَ الْمَغْرِبِ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ ذَكَرْتَ الْعَصْرَ فَانْوِهَا الْعَصْرَ، ثُمَّ قُمْ فَأَتِمَّهَا رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ سَلِّمْ ثُمَّ تُصَلِّي الْمَغْرِبَ.

فَإِنْ كُنْتَ قَدْ صَلَّيْتَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ وَ نَسِيتَ الْمَغْرِبَ فَقُمْ فَصَلِّ الْمَغْرِبَ وَ إِنْ كُنْتَ ذَكَرْتَهَا وَ قَدْ صَلَّيْتَ مِنَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ رَكْعَتَيْنِ أَوْ قُمْتَ فِي الثَّالِثَةِ فَانْوِهَا الْمَغْرِبَ، ثُمَّ سَلِّمْ ثُمَّ قُمْ فَصَلِّ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ.

هم چنین فرمود: هرگاه نماز ظهر را فراموش کردی و نماز عصر را خوانده‌ای یا در حین نماز عصر به خاطرت رسید، نیّت خود را به ظهر بر گردان و پس از آن نماز عصر را بخوان، زیرا این چهار رکعت به جای آن چهار رکعت محسوب می‌شود، و اگر به خاطرت رسید که نماز ظهر را به جای نیاورده‌ای در حالی که به نماز عصر مشغول هستی و دو رکعت از آن را خوانده‌ای نیّت نماز ظهر کن، سپس دو رکعت مانده را بخوان و آن‌گاه برخیز و نماز عصر را به جای آور.

و اگر به یادت آمد که نماز عصر را نخوانده‌ای در حالی که وقت مغرب نیز فرا رسیده ـ البته برای نماز مغرب وقت کافی باشد و از فوت آن بیم نداشتی ـ نماز عصر را بخوان و پس از آن نماز مغرب را به جای آور.

و اگر مغرب را خوانده بودی، بر خیز و نماز عصر را به جای آور، و اگر از مغرب دو رکعت خوانده‌ای و نماز عصر به یاد تو آمد، پس به نماز عصر نیّت کن و برخیزد و رکعت دیگر نیز بخوان، سپس سلام بده، آن‌گاه نماز مغرب را به جای آور.

و اگر نماز عشا را خوانده‌ای، ولی مغرب را فراموش کرده‌ای، برخیز و نماز مغرب را بخوان، امّا اگر زمانی نماز مغرب به یاد تو بیاید که از نماز عشا دو رکعت خوانده‌ای، یا برای رکعت سوم برخاسته‌ای، نیّت را به نماز مغرب بر گردان و سلام بده، آن‌گاه برخیز و نماز عشا را به جای آور.

وَ إِنْ كُنْتَ قَدْ نَسِيتَ الْعِشَاءَ الآخِرَةَ حَتَّى صَلَّيْتَ الْفَجْرَ فَصَلِّ الْعِشَاءَ الآخِرَةَ وَ إِنْ كُنْتَ ذَكَرْتَهَا وَ أَنْتَ فِي رَكْعَةِ الْأُولَى أَوْ فِي الثَّانِيَةِ مِنَ الْغَدَاةِ فَانْوِهَا الْعِشَاءَ ثُمَّ قُمْ فَصَلِّ الْغَدَاةَ وَ أَذِّنْ وَ أَقِمْ وَ إِنْ كَانَتِ الْمَغْرِبُ وَ الْعِشَاءُ الآخِرَةُ قَدْ فَاتَتَاكَ جَمِيعاً فَابْدَأْ بِهِمَا قَبْلَ أَنْ تُصَلِّيَ الْغَدَاةَ ابْدَأْ بِالْمَغْرِبِ، ثُمَّ الْعِشَاءِ الآخِرَةِ.

فَإِنْ خَشِيتَ أَنْ تَفُوتَكَ الْغَدَاةُ إِنْ بَدَأْتَ بِهِمَا فَابْدَأْ بِالْمَغْرِبِ ثُمَّ بِالْغَدَاةِ ثُمَّ صَلِّ الْعِشَاءَ، فَإِنْ خَشِيتَ أَنْ تَفُوتَكَ الْغَدَاةُ إِنْ بَدَأْتَ بِالْمَغْرِبِ فَصَلِّ الْغَدَاةَ ثُمَّ صَلِّ الْمَغْرِبَ وَ الْعِشَاءَ ابْدَأْ بِأَوَّلِهِمَا، لِأَنَّهُمَا جَمِيعاً قَضَاءٌ أَيَّهُمَا ذَكَرْتَ فَلاَ تُصَلِّهِمَا إِلَّا بَعْدَ شُعَاعِ الشَّمْسِ.

قَالَ: قُلْتُ: لِمَ ذَاكَ؟

قَالَ: لِأَنَّكَ لَسْتَ تَخَافُ فَوْتَهَا.

و هرگاه نماز عشا را فراموش کردی و نماز صبح را خوانده‌ای، چون از نماز صبح فارغ شدی، نماز عشا را بخوان، اما اگر در رکعت اوّل یا در رکعت دوم نماز صبح، نماز عشا به یاد تو آمد، از همانجا نیّت عشا کن، سپس بر خیز و نماز صبح را به جای آور و اذان و اقامه نیز بگو.

و اگر نماز مغرب و عشا هر دو از تو فوت شد، پیش از آن که نماز صبح را بخوانی دو نماز را شروع کن، ابتدا نماز مغرب سپس نماز عشا و اگر بیم داشتی که نماز صبح از تو فوت می‌شود و نماز مغرب و عشا را شروع کرده بودی، ابتدا نماز مغرب را بخوان، سپس نماز صبح و پس از آن نماز عشا را.

هرگاه بیم داشتی که اگر نماز مغرب را شروع کنی نماز صبح از تو فوت شود، نماز صبح را بخوان، سپس نماز مغرب و عشا را به جای آور، و نخستین آن دو را شروع کن، چون هر دو نماز قضا هستند، و هر کدام از نماز مغرب و عشا که به یاد تو آمد، آن‌ها را مخوان مگر بعد از شعاع آفتاب.

راوی گوید: پرسیدم: این تأخیر برای چیست؟

فرمود: برای این که از فوت آن‌ها بیمی نداری.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ الظُّهْرَ حَتَّى دَخَلَ وَقْتُ الْعَصْرِ.

قَالَ: يَبْدَأُ بِالظُّهْرِ وَ كَذَلِكَ الصَّلَوَاتُ تَبْدَأُ بِالَّتِي نَسِيتَ إِلَّا أَنْ تَخَافَ أَنْ يَخْرُجَ وَقْتُ الصَّلاَةِ فَتَبْدَأُ بِالَّتِي أَنْتَ فِي وَقْتِهَا ثُمَّ تُصَلِّي الَّتِي نَسِيتَ.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ صَلَّى بِغَيْرِ طَهُورٍ أَوْ نَسِيَ صَلَوَاتٍ لَمْ يُصَلِّهَا أَوْ نَامَ عَنْهَا.

فَقالَ: يَقْضِيهَا إِذَا ذَكَرَهَا فِي أَيِّ سَاعَةٍ ذَكَرَهَا مِنْ لَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ، فَإِذَا دَخَلَ وَقْتُ الصَّلاَةِ وَ لَمْ يُتِمَّ مَا قَدْ فَاتَهُ فَلْيَقْضِ مَا لَمْ يَتَخَوَّفْ أَنْ يَذْهَبَ وَقْتُ هَذِهِ الصَّلاَةِ الَّتِي قَدْ حَضَرَتْ وَ هَذِهِ أَحَقُّ بِوَقْتِهَا فَلْيُصَلِّهَا فَإِذَا قَضَاهَا فَلْيُصَلِّ مَا فَاتَهُ مِمَّا قَدْ مَضَى وَ لَا يَتَطَوَّعْ بِرَكْعَةٍ حَتَّى يَقْضِيَ الْفَرِيضَةَ كُلَّهَا.

---

۲ ـ ابوبصیر گوید: از حضرتش سؤال کردم: کسی که نماز ظهر را فراموش کرده تا این که وقت نماز عصر فرا رسیده است (چه وظیفه‌ای دارد؟).

فرمود: باید ابتدا نماز ظهر را بخواند، هم چنین است نمازهای دیگر، که باید ابتدا آن نمازی را که فراموش کرده‌ای به جای آوری، مگر آن که بترسی که وقت نمازی که در وقت آن هستی تمام شود و در این حالت، ابتدا باید نمازی را که در وقت آن هستی بخوانی و پس از آن، نمازی را که فراموش کرده‌ای بخوانی.

۳ ـ زراره گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدند: کسی که بدون طهارت نماز می‌خواند، یا چند نماز را فراموش می‌کند و آن‌ها را به جای نمی‌آورد و یا خوابش می‌برد و آن‌ها را نمی‌خواند (چه حکمی دارد؟).

فرمود: هر زمانی که به خاطرش برسد، باید در همان وقت ـ از شب یا روز ـ قضای آن را به جای آورد، امّا اگر وقت نماز همان روز فرا رسید و هنوز نماز قضای خود را تمام نکرده، تا زمانی که نمی‌ترسد وقت این نماز تمام شود، باید نماز قضا را به جای آورد. زیرا این نمازی که اکنون وقت آن فرا رسیده به وقت خود سزاوارتر است که ابتدا آن را به جای آورد، سپس بقیّهٔ نمازهای قضای خود را بخواند، و تا زمانی که نماز قضا دارد، نباید حتّی یک رکعت نماز نافله بخواند تا تمام نمازهای قضای خود را به جای آورد.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ جَمِيعاً عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِذَا فَاتَتْكَ صَلاَةٌ فَذَكَرْتَهَا فِي وَقْتِ أُخْرَى فَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّكَ إِذَا صَلَّيْتَ الَّتِي فَاتَتْكَ كُنْتَ مِنَ الْأُخْرَى فِي وَقْتٍ فَابْدَأْ بِالَّتِي فَاتَتْكَ، فَإِنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: ﴿أَقِمِ الصَّلاَةَ لِذِكْرِي﴾.

وَ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّكَ إِذَا صَلَّيْتَ الَّتِي فَاتَتْكَ فَاتَتْكَ الَّتِي بَعْدَهَا فَابْدَأْ بِالَّتِي أَنْتَ فِي وَقْتِهَا فَصَلِّهَا، ثُمَّ أَقِمِ الْأُخْرَى.

٥ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللهِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ صَلاَةً حَتَّى دَخَلَ وَقْتُ صَلاَةٍ أُخْرَى.

---

۴ ـ زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

هرگاه نمازی از تو فوت شد و در وقت نمازی دیگر به خاطرت رسید که آن نماز را نخوانده‌ای، پس اگر می‌دانی که هرگاه قضای نماز فوت شده را به جای آوری هنوز برای این نماز که در وقت آن هستی وقتی می‌ماند، ابتدا نماز قضای خود را به جای آور، زیرا که خداوند عزوجل می‌فرماید: «نماز را برای یاد من برپای دار» (۱).

و هرگاه دانستی که اگر نماز قضا را به جای آوری، این نمازی را که در وقت آن هستی، از تو فوت می‌شود، ابتدا نمازی را که در وقت آن هستی، به جای آور، سپس نماز دیگر را به جای آور.

۵ ـ عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: فردی که نماز را فراموش می‌کند، سپس وقت نمازی دیگر فرا می‌رسد (چه وظیفه‌ای دارد؟).

---

۱ ـ سورهٔ طه، آیهٔ ۱۴.

فَقالَ: إِذَا نَسِيَ الصَّلاَةَ أَوْ نَامَ عَنْهَا صَلَّى حِينَ يَذْكُرُهَا فَإِذَا ذَكَرَهَا وَ هُوَ فِي صَلاَةٍ بَدَأَ بِالَّتِي نَسِيَ وَ إِنْ ذَكَرَهَا مَعَ إِمَامٍ فِي صَلاَةِ الْمَغْرِبِ أَتَمَّهَا بِرَكْعَةٍ ثُمَّ صَلَّى الْمَغْرِبَ ثُمَّ صَلَّى الْعَتَمَةَ بَعْدَهَا، وَ إِنْ كَانَ صَلَّى الْعَتَمَةَ وَحْدَهُ فَصَلَّى مِنْهَا رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ ذَكَرَ أَنَّهُ نَسِيَ الْمَغْرِبَ أَتَمَّهَا بِرَكْعَةٍ فَيَكُونُ صَلاَةُ الْمَغْرِبِ ثَلاَثَ رَكَعَاتٍ ثُمَّ يُصَلِّي الْعَتَمَةَ بَعْدَ ذَلِكَ.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه‌السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ الظُّهْرَ حَتَّى غَرَبَتِ الشَّمْسُ وَ قَدْ كَانَ صَلَّى الْعَصْرَ.

فَقالَ: كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه‌السلام ـ أَوْ كَانَ أَبِي عليه‌السلام ـ يَقُولُ: إِنْ أَمْكَنَهُ أَنْ يُصَلِّيَهَا قَبْلَ أَنْ يَفُوتَهُ الْمَغْرِبُ بَدَأَ بِهَا وَ إِلَّا صَلَّى الْمَغْرِبَ ثُمَّ صَلاّهَا.

فرمود: هرگاه نماز را فراموش کرد، یا خوابش برد و آن را به جای نیاورد، هر وقت به یادش آمد، آن را به جای آورد. اگر هنگامی که مشغول نماز دیگری بود، به یادش آمد که نمازی از او فوت شده است، آن نماز فوت شده را شروع کند، و اگر در نماز جماعت بود و نماز مغرب می‌خواند و به یادش آمد (که نماز عصر را نخوانده) یک رکعت دیگر بخواند (تا چهار رکعت شود)، سپس نماز مغرب و پس از آن نماز عشا را بخواند، و اگر به تنهایی مشغول به نماز عشا بود و دو رکعت از آن را خوانده بود و به خاطرش رسید که مغرب را نخوانده است، یک رکعت دیگر بخواند تا سه رکعت نماز مغرب محسوب شود، و پس از آن، نماز عشا را به جای آورد.

۶ ـ صفوان بن یحیی گوید: از امام کاظم عليه‌السلام در مورد کسی پرسیدم که نماز ظهر را فراموش کرده و آفتاب نیز غروب نموده، ولی نماز عصر خویش را خوانده است.

فرمود: همواره امام باقر ـ یا پدرم عليهما‌السلام [1] ـ فرموده است: اگر برای چنین کسی امکان دارد قضای نماز ظهر را پیش از آن که نماز مغرب فوت شود بخواند، وگرنه اوّل نماز مغرب را بخواند و بعد باید آن نماز را بخواند.

---

۱ ـ به نظر می‌رسد تردید از راوی باشد.

۷ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ:
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ أَمَّ قَوْماً فِي الْعَصْرِ فَذَكَرَ وَ هُوَ يُصَلِّي أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ صَلَّى الْأُولَى.

قَالَ: فَلْيَجْعَلْهَا الْأُولَى الَّتِي فَاتَتْهُ وَ لْيَسْتَأْنِفْ بَعْدُ صَلَاةَ الْعَصْرِ وَ قَدْ مَضَى الْقَوْمُ بِصَلَاتِهِمْ.

۸ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يُصَلِّيَ الصُّبْحَ حَتَّى طَلَعَتِ الشَّمْسُ.

---

۷ ـ حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام دربارهٔ مردی که در نماز عصر، امام جماعت است و در حال نماز به خاطرش می‌رسد که نماز ظهر را نخوانده است ،پرسیدم.

فرمود: باید آن را نماز ظهر خویش قرار دهد که از او فوت شده و پس از آن، نماز عصر را بخواند و مردم نیز نماز خود را خوانده‌اند. (ضرری به آنان وارد نیست).

۸ـ سماعة بن مهران گوید: از امام (صادق عليه السلام یا امام کاظم عليه السلام) پرسیدم دربارهٔ مردی که فراموش می‌کند نماز صبح را بخواند و آفتاب طلوع کند.

قَالَ: يُصَلِّيهَا حِينَ يَذْكُرُهَا فَإِنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ رَقَدَ عَنْ صَلاَةِ الْفَجْرِ حَتَّى طَلَعَتِ الشَّمْسُ ثُمَّ صَلاَّهَا حِينَ اسْتَيْقَظَ، وَ لَكِنَّهُ تَنَحَّى عَنْ مَكَانِهِ ذَلِكَ ثُمَّ صَلَّى.

فرمود: هر وقت به خاطرش رسید، آن را بخواند؛ زیرا رسول خدا ﷺ از نماز صبح خوابش برد و آفتاب طلوع کرد و پس از آن که بیدار شد، قضای آن را به جای آورد، ولی از آن مکان به مکان دیگر رفت، سپس آن را به جای آورد. (۱)

۱ ـ علّامهٔ مجلسی رحمه‌الله در توضیح این روایت می‌نویسد: قضیهٔ این گونه خوابیدن پیامبر ﷺ را که منجر به فوت نماز صبح شده خاصه و عامه نقل کرده‌اند و این از قبیل سهو نیست...این که از رسول خدا ﷺ نمازی قضا شده باشد، مخالف عقل و نقل است؛ زیرا مقام آن حضرت که همواره در حال حضور بوده و حتی در خواب نیز خویش را در پیشگاه الهی حاضر می‌دیده است، بالاتر از آن است که نمازی به علت غلبهٔ خواب از حضرتش قضا شود.
با توجّه به سخنی که آن بزرگوار فرموده است: «چشمانم می‌خوابد، ولی قلبم همواره بیدار است.» چنین روایاتی قابل تأمّل است که چنین نسبتی به پیامبر خدا ﷺ که معصوم علی الاطلاق بوده و حتی نماز شب نیز برایشان واجب است، وارد می‌کند؟ البته در روایت بعدی خواب ماندن پیامبر ﷺ توجیه شده و علت و سببی عقلایی برایش ذکر شده است، ولی در هر صورت چنین روایاتی قابل تأمّل و تأویل است.

۹ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ سَعِيدٍ الْأَعْرَجِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يَقُولُ:

نَامَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله عَنِ الصُّبْحِ، وَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنَامَهُ حَتَّى طَلَعَتِ الشَّمْسُ عَلَيْهِ، وَ كَانَ ذَلِكَ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ لِلنَّاسِ. أَ لَا تَرَى لَوْ أَنَّ رَجُلاً نَامَ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ لَعَيَّرَهُ النَّاسُ وَ قَالُوا: لَا تَتَوَرَّعُ لِصَلَوَاتِكَ فَصَارَتْ أُسْوَةً وَ سُنَّةً.

فَإِنْ قَالَ رَجُلٌ لِرَجُلٍ نِمْتَ عَنِ الصَّلَاةِ.

قَالَ: قَدْ نَامَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله فَصَارَتْ أُسْوَةً وَ رَحْمَةً رَحِمَ اللهُ سُبْحَانَهُ بِهَا هَذِهِ الْأُمَّةَ.

۱۰ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ وَ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي قَوْلِ اللهِ تَبَارَكَ اسْمُهُ: ﴿إِنَّ الصَّلاةَ كانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتاباً مَوْقُوتاً﴾.

---

۹ ـ سعید اعرج گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

روزی رسول خدا صلى الله عليه وآله خوابش برد و نماز صبح را نخواند و خداوند عزّوجلّ رسول خود را به خواب برد تا آفتاب بر او طلوع کرد، این از رحمت او برای مردم بود. آیا نمی‌بینی که اگر مردی بخوابد و آفتاب طلوع کند، مردم او را سرزنش نموده می‌گویند: نسبت به نمازهای خود پرهیزکار نیستی؟ این قضا شدن نماز پیامبر صلى الله عليه وآله الگو و سنّتی شد که اگر کسی به دیگری بگوید: خوابت برد و نماز نخواندی، در پاسخ او گوید: رسول خدا صلى الله عليه وآله نیز خوابش برد. پس این مهر و رحمتی از سوی خداوند سبحان برای این اُمّت است.

۱۰ ـ زراره و فضیل گویند: امام باقر عليه السلام دربارهٔ فرمایش خدای والا نام که می‌فرماید: «همانا نماز بر مؤمنان نوشته‌ای معیّن و لازم است» فرمود:

قَالَ: يَعْنِي مَفْرُوضاً، وَ لَيْسَ يَعْنِي وَقْتَ فَوْتِهَا إِذَا جَازَ ذَلِكَ الْوَقْتُ ثُمَّ صَلَّاهَا لَمْ تَكُنْ صَلاَتُهُ هَذِهِ مُؤَدَّاةً، وَ لَوْ كَانَ ذَلِكَ لَهَلَكَ سُلَيْمانُ بْنُ دَاوُدَ عليه السلام حِينَ صَلَّاهَا لِغَيْرِ وَقْتِهَا، وَ لَكِنَّهُ مَتَى مَا ذَكَرَهَا صَلاَّهَا.

قَالَ: ثُمَّ قَالَ: وَ مَتَى اسْتَيْقَنْتَ أَوْ شَكَكْتَ فِي وَقْتِهَا أَنَّكَ لَمْ تُصَلِّهَا أَوْ فِي وَقْتِ فَوْتِهَا أَنَّكَ لَمْ تُصَلِّهَا صَلَّيْتَهَا، فَإِنْ شَكَكْتَ بَعْدَ مَا خَرَجَ وَقْتُ الْفَوْتِ فَقَدْ دَخَلَ حَائِلٌ، فَلاَ إِعَادَةَ عَلَيْكَ مِنْ شَكٍّ حَتَّى تَسْتَيْقِنَ، فَإِنِ اسْتَيْقَنْتَ فَعَلَيْكَ أَنْ تُصَلِّيَهَا فِي أَيِّ حَالٍ كُنْتَ.

۱۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ نَامَ عَنِ الْعَتَمَةِ فَلَمْ يَقُمْ إِلَّا بَعْدَ انْتِصَافِ اللَّيْلِ.

قَالَ: يُصَلِّيهَا وَ يُصْبِحُ صَائِماً.

يعنى واجب شد. و منظور از موقوت، اين نيست كه اگر از آن وقت مقرّر بگذرد و فوت شود، ديگر نتوان آن را تدارک كرد و اگر پس از آن وقت آن را به جا آورند، ديگر قبول نباشد كه اگر چنين بود به طور حتم مى‌بايست سليمان بن داوود عليه السلام هلاک مى‌شد، چون او در غير وقت، نماز را به جاى آورد، ولى او چون به يادش آمد، آن را به جاى آورد.

سپس فرمود: و هرگاه در وقت نماز يقين كردى، يا شک كردى كه آن را به جا نياورده‌اى و يا بعد از فوت وقت آن، يقين كردى كه آن را نخوانده‌اى، بايد آن را به جاى آورى، ولى اگر پس از فوت وقت، شک كردى كه آيا آن را به جا آورده‌اى يا نه، چون مانع (كه همان خارج شدن از وقت نماز است) ايجاد شده، اعاده بر تو لازم نيست، مگر آن كه يقين كنى، و هرگاه يقين كردى در هر حال كه باشى، بر تو لازم است آن را به جاى آورى.

۱۱ ـ راوى گويد: امام صادق عليه السلام دربارهٔ كسى كه بخوابد و نماز عشا را نخواند و از خواب برنخيزد مگر بعد از نيمه شب، فرمود:

بايد آن نماز را قضا كند و آن روز را روزه بگيرد.

(۱۳)
بَابُ بِنَاءِ مَسْجِدِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ وَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ علیه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

إِنَّ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله بَنَى مَسْجِدَهُ بِالسَّمِيطِ، ثُمَّ إِنَّ الْمُسْلِمِينَ كَثُرُوا فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللهِ! لَوْ أَمَرْتَ بِالْمَسْجِدِ فَزِيدَ فِيهِ.

فَقَالَ: نَعَمْ.

فَأَمَرَ بِهِ فَزِيدَ فِيهِ وَ بَنَاهُ بِالسَّعِيدَةِ، ثُمَّ إِنَّ الْمُسْلِمِينَ كَثُرُوا فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللهِ! لَوْ أَمَرْتَ بِالْمَسْجِدِ فَزِيدَ فِيهِ؟

فَقَالَ: نَعَمْ.

بخش سیزدهم
بنای مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله

۱ ـ عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله مسجد خود را با خشت پخته بنا کرد و چون مسلمانان زیاد شدند، گفتند: ای رسول خدا! آیا ممکن است دستور فرمایی مسجد را بزرگتر کنند؟

فرمود: آری.

آن‌گاه امر فرمود تا بنای آن را اضافه کردند و دیوار آن را با یک خشت و نیم بالا آورد، و چون باز هم مسلمانان زیاد شدند، آن‌ها خواستار توسعه مسجد شدند، وگفتند: ای رسول خدا! آیا ممکن است دستور فرمایی مسجد را توسعه دهند؟

فرمود: آری.

فَأَمَرَ بِهِ فَزِيدَ فِيهِ وَ بَنَى جِدَارَهُ بِالْأُنْثَى وَ الذَّكَرِ، ثُمَّ اشْتَدَّ عَلَيْهِمُ الْحَرُّ، فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللهِ! لَوْ أَمَرْتَ بِالْمَسْجِدِ فَظُلِّلَ .

فَقَالَ: نَعَمْ.

فَأَمَرَ بِهِ فَأُقِيمَتْ فِيهِ سَوَارٍ مِنْ جُذُوعِ النَّخْلِ ثُمَّ طُرِحَتْ عَلَيْهِ الْعَوَارِضُ وَ الْخَصَفُ وَ الْإِذْخِرُ، فَعَاشُوا فِيهِ حَتَّى أَصَابَتْهُمُ الْأَمْطَارُ فَجَعَلَ الْمَسْجِدُ يَكِفُ عَلَيْهِمْ، فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللهِ! لَوْ أَمَرْتَ بِالْمَسْجِدِ فَطُيِّنَ .

فَقَالَ: لَهُمْ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله: لَا ، عَرِيشٌ كَعَرِيشِ مُوسَى علیه السلام.

امر کرد تا مسجد را بزرگتر کنند و دیوار آن را با دو خشت به صورت نر و ماده بنا کرد، و چون گرما بر مردم شدت گرفت، گفتند: ای رسول خدا! آیا می‌شود دستور فرمایی برای مسجد سایه‌بانی درست کنند؟

فرمود: آری!

سپس امر فرمود تا در مسجد ستون‌هایی از تنه‌های درخت خرما بر پای داشتند و سقف آن را با بافته‌هایی از برگ درخت خرما و گیاه اذخر [1] پوشانیدند، و در آن به سر می‌بردند تا این که هنگام بارندگی شد و از سقف مسجد آب می‌چکید، گفتند: ای رسول خدا! آیا می‌شود دستور دهی پشت بام مسجد راگل اندود کنند؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نه،این خانهٔ چوبی است مانند خانهٔ چوبی موسی علیه السلام (که محل عبادت او بود).

---

۱ ـ گیاهی است خوشبو.

فَلَمْ يَزَلْ كَذَلِكَ حَتَّى قُبِضَ رَسُولُ اللهِ ﷺ وَ كَانَ جِدَارُهُ قَبْلَ أَنْ يُظَلَّلَ قَامَةً، فَكَانَ إِذَا كَانَ الْفَيْءُ ذِرَاعاً وَ هُوَ قَدْرُ مَرْبِضِ عَنْزٍ صَلَّى الظُّهْرَ وَ إِذَا كَانَ ضِعْفَ ذَلِكَ صَلَّى الْعَصْرَ.

وَ قَالَ: السَّمِيطُ لَبِنَةٌ لَبِنَةٌ وَ السَّعِيدَةُ لَبِنَةٌ وَ نِصْفٌ وَ الذَّكَرُ وَ الْأُنْثَى لَبِنَتَانِ مُخَالِفَتَانِ.

٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ ﷺ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَسْجِدِ الَّذِي أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى.

قَالَ: مَسْجِدُ قُبَا.

٣ ـ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ وَ غَيْرُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ قَالَ: حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ أُكَيْلٍ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى مَوْلَى آلِ سَامٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ ﷺ: كَمْ كَانَ مَسْجِدُ رَسُولِ اللهِ ﷺ؟

قَالَ: كَانَ ثَلَاثَةَ آلَافٍ وَ سِتَّمِائَةِ ذِرَاعٍ تَكْسِيراً.

مسجد به همان صورت بود تا این که رسول خدا ﷺ رحلت فرمود، و پیش از آن که برای آن سایه‌بان بسازند، دیوار آن یک قامت بود، و عادت آن حضرت این بود که هرگاه سایهٔ دیوار به قدر یک ذراع ـ که به اندازه خوابگاه بُز ماده است ـ می‌شد نماز ظهر را می‌خواند، و چون به قدر دو ذراع می‌شد، نماز عصر را به جا می‌آورد.

سپس امام صادق ﷺ ادامه داد: سمیط یک خشت یک خشت قرار دادن است، و سعیده یک خشت و نیم، و نر و ماده، دو خشت مخالف یکدیگر قرار دادن است.

۲ ـ حلبی گوید: از امام صادق ﷺ پرسیدم: مقصود از مسجدی که بر اساس تقوا و پرهیزکاری بنا نهاده شده، کدام مسجد است؟

فرمود: مسجد قُباست.

۳ ـ عبدالاعلی گوید: به امام صادق ﷺ عرض کردم: مساحت مسجد رسول خدا ﷺ چقدر بوده است؟

فرمود: سه هزار و ششصد ذراع مربع.

(١٤)
بَابُ مَا يَسْتَتِرُ بِهِ الْمُصَلِّي مِمَّنْ يَمُرُّ بَيْنَ يَدَيْهِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله يَجْعَلُ الْعَنَزَةَ بَيْنَ يَدَيْهِ إِذَا صَلَّى.

٢ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ طُولُ رَحْلِ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله ذِرَاعاً، وَ كَانَ إِذَا صَلَّى وَضَعَهُ بَيْنَ يَدَيْهِ يَسْتَتِرُ بِهِ مِمَّنْ يَمُرُّ بَيْنَ يَدَيْهِ.

٣ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ هَلْ يَقْطَعُ صَلَاتَهُ شَيْءٌ مِمَّا يَمُرُّ بَيْنَ يَدَيْهِ.

بخش چهاردهم
وسیله حایل بین نمازگزار و رهگذر

۱ ـ معاویة بن وهب گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

همواره رسول خدا صلى الله عليه وآله آن‌گاه که نماز می‌گزارد، نیزه‌ای کوچک در برابر خود قرار می‌داد.

۲ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

بلندی پالان شتر رسول خدا صلى الله عليه وآله یک ذراع بود و هرگاه به نماز می‌ایستاد، آن را در برابر خود قرار می‌داد و میان خود و کسی که از برابرش می‌گذشت، حایل می‌نمود.

۳ ـ ابن ابی یعفور گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا موجودی که از برابر نمازگزار می‌گذرد، آیا نماز او را قطع می‌کند؟

فَقالَ: لَا يَقْطَعُ صَلاَةَ الْمُؤْمِنِ شَيْءٌ، وَ لَكِنِ ادْرَءُوا مَا اسْتَطَعْتُمْ.

وَ فِي رِوَايَةِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

لَا يَقْطَعُ الصَّلاَةَ شَيْءٌ لَا كَلْبٌ وَ لَا حِمَارٌ وَ لَا امْرَأَةٌ، وَ لَكِنِ اسْتَتِرُوا بِشَيْءٍ، فَإِنْ كَانَ بَيْنَ يَدَيْكَ قَدْرُ ذِرَاعٍ رَافِعاً مِنَ الْأَرْضِ فَقَدِ اسْتَتَرْتَ.

قَالَ الْكُلَيْنِيُّ رحمه الله: وَ الْفَضْلُ فِي هَذَا أَنْ تَسْتَتِرَ بِشَيْءٍ وَ تَضَعَ بَيْنَ يَدَيْكَ مَا تَتَّقِي بِهِ مِنَ الْمَارِّ، فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَلَيْسَ بِهِ بَأْسٌ لِأَنَّ الَّذِي يُصَلِّي لَهُ الْمُصَلِّي أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِمَّنْ يَمُرُّ بَيْنَ يَدَيْهِ، وَ لَكِنْ ذَلِكَ أَدَبُ الصَّلاَةِ وَ تَوْقِيرُهَا.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ رَفَعَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

دَخَلَ أَبُو حَنِيفَةَ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فَقَالَ لَهُ: رَأَيْتُ ابْنَكَ مُوسَى عليه السلام يُصَلِّي وَ النَّاسُ يَمُرُّونَ بَيْنَ يَدَيْهِ فَلاَ يَنْهَاهُمْ وَ فِيهِ مَا فِيهِ.

فرمود: هیچ چیز نماز مؤمن را قطع نمی‌کند، ولی تا می‌توانید پیش روی خود را با فاصله انداختن چیزی حایل کنید.

در روایت ابن سکان آمده است: ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

اگر سگ یا الاغی در پیش نمازگزار باشد، نمازش باطل نمی‌شود و نیز اگر زنی از پیش نمازگزار مرد بگذرد، نمازش صحیح است و قطع نمی‌شود، ولی اگر در پیش وی زمین به قدر یک ذراع بلند باشد، میانشان فاصله افتاده (و این بهتر است).

کلینی رحمه الله می‌گوید:

در این موارد خوب است که به هنگام نماز چیزی را در برابر خویش قرار دهی که تو را بپوشاند و از کسی که می‌گذرد، مخفی نماید، و اگر این کار را هم انجام ندهی، اشکالی ندارد؛ زیرا کسی که نمازگزار برای او نماز می‌خواند از کسی که در برابر او می‌گذرد، به او نزدیکتر است، ولی البتّه این استتار و پوشش، ادب نماز و تعظیم و بزرگداشت آن است.

۴ ـ محمّد بن مسلم گوید: ابوحنیفه خدمت امام صادق عليه السلام رسید و به آن حضرت گفت: فرزندت موسی عليه السلام را دیدم که نماز می‌گزارد و مردم از برابر او می‌گذشتند و او آن‌ها را از این کار باز نمی‌داشت و این کار از جانب او قصور و کوتاهی است.

فَقالَ: أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام: ادْعُوا لِي مُوسَى.

فَدُعِيَ. فَقالَ لَهُ: يَا بُنَيَّ! إِنَّ أَبَا حَنِيفَةَ يَذْكُرُ أَنَّكَ كُنْتَ تُصَلِّي وَ النَّاسُ يَمُرُّونَ بَيْنَ يَدَيْكَ فَلَمْ تَنْهَهُمْ.

فَقالَ: نَعَمْ يَا أَبَةِ! إِنَّ الَّذِي كُنْتُ أُصَلِّي لَهُ كَانَ أَقْرَبَ إِلَيَّ مِنْهُمْ، يَقُولُ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾.

قَالَ: فَضَمَّهُ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام إِلَى نَفْسِهِ. ثُمَّ قَالَ: يَا بُنَيَّ! بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي! يَا مُوَدَّعَ الْأَسْرَارِ!

وَ هَذَا تَأْدِيبٌ مِنْهُ عليه السلام لَا أَنَّهُ تَرَكَ الْفَضْلَ.

امام صادق عليه السلام فرمود: موسی را نزد من فراخوانید.

وقتی آمد به او فرمود: ای فرزندم! ابوحنیفه می‌گوید: تو نماز می‌گزاردی و مردم از برابرت می‌گذشتند و تو آن‌ها را باز نمی‌داشتی.

عرضه داشت: آری، ای پدر! زیرا کسی که من برای او نماز می‌گزاردم، از مردم به من نزدیکتر بود؛ همچنان که خداوند عزّ و جلّ می‌فرماید: «و ما از رگ گردن به او نزدیکتریم».

راوی گوید: امام صادق عليه السلام او را به آغوش کشید سپس فرمود: ای فرزندم! پدر و مادرم به فدای تو باد! ای جایگاه امانت‌ها و رازهای الهی.

[نگارنده گوید]: این عمل امام کاظم عليه السلام برای تأدیب ابوحنیفه بود، نه این که آن حضرت به واقع استتار را که بهتر بود، ترک کرده است [1].

---

۱ ـ صاحب «وافی» رحمه الله می‌نویسد: حدیث بیانگر عدم نهی و بازداری عبور مردم است نه ترک استتار...

(۱۵)
بَابُ الْمَرْأَةِ تُصَلِّي بِحِيَالِ الرَّجُلِ وَ الرَّجُلِ يُصَلِّي وَ الْمَرْأَةُ بِحِيَالِهِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فِي الْمَرْأَةِ تُصَلِّي إِلَى جَنْبِ الرَّجُلِ قَرِيباً مِنْهُ.

فَقَالَ: إِذَا كَانَ بَيْنَهُمَا مَوْضِعُ رَحْلٍ فَلاَ بَأْسَ.

۲ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي وَ الْمَرْأَةُ بِحِذَاهُ يَمْنَةً أَوْ يَسْرَةً.

قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ إِذَا كَانَتْ لَا تُصَلِّي.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فِي الرَّجُلِ وَ الْمَرْأَةِ يُصَلِّيَانِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ الْمَرْأَةُ عَنْ يَمِينِ الرَّجُلِ بِحِذَاهُ.

بخش پانزدهم
زنی که برابر مرد نماز می‌گزارد و مردی که نماز می‌گزارد و زن در برابر اوست

۱ ـ حریز گوید: امام صادق علیه السلام دربارهٔ زنی که در کنار مرد و نزدیک او نماز می‌گزارد، فرمود:

اگر فاصلهٔ میان آن‌ها به اندازهٔ جای پالان شتر باشد، اشکالی ندارد.

۲ ـ عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید: از امام صادق علیه السلام دربارهٔ مردی که نماز می‌خواند و زنی در برابر و در سمت راست و یا چپ اوست پرسیدم.

فرمود: اگر آن زن، در حال نماز خواندن نباشد، اشکالی ندارد.

۳ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام در این که آیا مرد و زن در یک زمان می‌توانند با هم نماز بخوانند به گونه‌ای که زن در سمت راست مرد و موازی او باشد؟

قَالَ: لَا، إِلَّا أَنْ يَكُونَ بَيْنَهُمَا شِبْرٌ أَوْ ذِرَاعٌ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي فِي زَاوِيَةِ الْحُجْرَةِ وَ امْرَأَتُهُ أَوِ ابْنَتُهُ تُصَلِّي بِحِذَاهُ فِي الزَّاوِيَةِ الْأُخْرَى.

فَقَالَ: لَا يَنْبَغِي لَهُ ذَلِكَ، فَإِنْ كَانَ بَيْنَهُمَا شِبْرٌ أَجْزَأَهُ.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ وَ الْمَرْأَةِ يَتَزَامَلَانِ فِي الْمَحْمِلِ يُصَلِّيَانِ جَمِيعاً.

فَقَالَ: لَا، وَ لَكِنْ يُصَلِّي الرَّجُلُ، فَإِذَا صَلَّى صَلَّتِ الْمَرْأَةُ.

٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ إِدْرِيسَ بْنِ عَبْدِ اللهِ الْقُمِّيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي وَبِحِيَالِهِ امْرَأَةٌ قَائِمَةٌ عَلَى فِرَاشِهَا جَنْبَتِهِ.

فَقَالَ: إِنْ كَانَتْ قَاعِدَةً فَلَا يَضُرُّهُ، وَ إِنْ كَانَتْ تُصَلِّي فَلَا.

فرمود: نه، مگر آن که میان آن‌ها به اندازهٔ یک وجب، یا یک ذراع فاصله باشد.

۴ ـ محمّد بن مسلم گوید: از امام (باقر یا امام صادق علیهما السلام) پرسیدم: مردی که در گوشهٔ اتاق نماز می‌خواند و همسر یا دختر او نیز در گوشهٔ دیگر اتاق، موازی او نماز می‌خواند (چگونه است).

فرمود: این کار برای او شایسته نیست. پس اگر میان آن‌ها به اندازهٔ یک وجب فاصله باشد، او را کفایت می‌کند.

محمّد بن مسلم گوید: از حضرتش پرسیدم: مرد و زنی که در یک کجاوه می‌باشند، آیا می‌توانند با هم نماز بخوانند؟

فرمود: نه، ولی ابتدا مرد نماز خود را بخواند و چون تمام کرد، آن‌گاه، زن نماز خود را به جای آورد.

۵ ـ ادریس بن عبداللّه قمی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردی نماز می‌گزارد، در حالی که زنی در کنار او ایستاده است، (چه حکمی دارد؟)

فرمود: اگر زن نشسته است ضرری به نماز نمی‌رساند، ولی اگر مشغول به نماز است، مرد نباید در چنین حالی نماز بخواند.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ رِبَاطٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله يُصَلِّي وَ عَائِشَةُ نَائِمَةٌ مُعْتَرِضَةٌ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ هِيَ لَا تُصَلِّي.

٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فِي الرَّجُلِ يُصَلِّي وَ الْمَرْأَةُ تُصَلِّي بِحِذَاهُ أَوْ إِلَى جَانِبِهِ.

فَقَالَ: إِذَا كَانَ سُجُودُهَا مَعَ رُكُوعِهِ فَلاَ بَأْسَ.

(١٦)

بَابُ الْخُشُوعِ فِي الصَّلاَةِ وَ كَرَاهِيَةِ الْعَبَثِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ:

---

۶ ـ یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

رسول خدا صلى الله عليه و آله نماز می‌خواند در حالی که عایشه نماز نمی‌خواند ودر برابر حضرتش به خواب رفته و بر روی زمین دراز کشیده بود.

۷ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام دربارۀ مردی که نماز می‌خواند و زنی در برابر او ـ یا در کنار او ـ نماز می‌گزارد، فرمود:

در صورتی که سجدۀ زن با رکوع مرد همراه باشد، اشکالی ندارد.

بخش شانزدهم

خشوع در نماز و مکروه بودن بازی کردن

۱ ـ زراره گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: إِذَا قُمْتَ فِي الصَّلاَةِ فَعَلَيْكَ بِالْإِقْبَالِ عَلَى صَلاَتِكَ، فَإِنَّمَا يُحْسَبُ لَكَ مِنْهَا مَا أَقْبَلْتَ عَلَيْهِ وَ لَا تَعْبَثْ فِيهَا بِيَدِكَ وَ لَا بِرَأْسِكَ وَ لَا بِلِحْيَتِكَ، وَ لَا تُحَدِّثْ نَفْسَكَ وَ لَا تَتَثَاءَبْ وَ لَا تَتَمَطَّ وَ لَا تُكَفِّرْ، فَإِنَّمَا يَفْعَلُ ذَلِكَ الْمَجُوسُ، وَ لَا تَلَثَّمْ وَ لَا تَحْتَفِزْ وَ لَا تَفَرَّجْ كَمَا يَتَفَرَّجُ الْبَعِيرُ وَ لَا تُقْعِ عَلَى قَدَمَيْكَ، وَ لَا تَفْتَرِشْ ذِرَاعَيْكَ وَ لَا تُفَرْقِعْ أَصَابِعَكَ، فَإِنَّ ذَلِكَ كُلَّهُ نُقْصَانٌ مِنَ الصَّلاَةِ.

وَ لَا تَقُمْ إِلَى الصَّلاَةِ مُتَكَاسِلاً وَ لَا مُتَنَاعِساً وَ لَا مُتَثَاقِلاً، فَإِنَّهَا مِنْ خِلاَلِ النِّفَاقِ، فَإِنَّ اللهَ سُبْحَانَهُ نَهَى الْمُؤْمِنِينَ أَنْ يَقُومُوا إِلَى الصَّلاَةِ وَ هُمْ سُكَارَى، يَعْنِي سُكْرَ النَّوْمِ وَ قَالَ لِلْمُنَافِقِينَ: ﴿وَ إِذٰا قٰامُوا إِلَى الصَّلاٰةِ قٰامُوا كُسٰالىٰ يُرٰاؤُنَ النّٰاسَ وَ لا يَذْكُرُونَ اللّٰهَ إِلّٰا قَلِيلاً﴾.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبِي الْحَسَنِ الْفَارِسِيِّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

هرگاه به نماز می‌ایستی، بر تو باد که با حضور قلب بدان متوجّه باشی؛ زیرا همان مقدار که بدان متوجّه باشی، برای تو منظور می‌گردد، و در هنگام نماز با دست، سر و محاسن خود بازی مکن، و با خود گفت وگو مکن، خمیازه مکش و دست بسته، یا دست به سینه نماز مگزار که این کار را مجوس انجام می‌دهند، و دهان بند مزن و بر سر دو پا منشین، و فراخ مشو، همچنان‌که شتر فراخ می‌شود، و سرین را بر دو قدم خویش مگذار، و دو بازوی خود را بر زمین مگستران، و انگشتانت را مشکن، زیرا همه این‌ها موجب کاستی نماز است.

و از روی کسالت، تنبلی، خواب آلودگی و سنگینی برای نماز بر مخیز؛ زیرا این امور از خصلت‌های نفاق است و خداوند سبحان مؤمنان را نهی فرموده از این که در حال مستی ـ یعنی مستی خواب ـ به نماز ایستند و دربارهٔ منافقان می‌فرماید: «و هرگاه به نماز بر خیزند از روی کسالت و تنبلی بر می‌خیزند و عمل خود را به مردم می‌نمایانند و خدا را یاد نمی‌کنند مگر اندکی»

۲ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله: إِنَّ اللهَ كَرِهَ لَكُمْ أَيَّتُهَا الْأُمَّةُ أَرْبَعاً وَ عِشْرِينَ خَصْلَةً، وَ نَهَاكُمْ عَنْهَا كَرِهَ لَكُمُ الْعَبَثَ فِي الصَّلاَةِ.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ علیه السلام قَالَ:

إِذَا كُنْتَ دَخَلْتَ فِي صَلاَتِكَ فَعَلَيْكَ بِالتَّخَشُّعِ وَ الْإِقْبَالِ عَلَى صَلاَتِكَ، فَإِنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: ﴿الَّذِينَ هُمْ فِي صَلاتِهِمْ خاشِعُونَ﴾.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ؛ وَ أَبُو دَاوُدَ جَمِيعاً عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي جَهْمَةَ عَنْ جَهْمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ علیه السلام قَالَ:

كَانَ أَبِي علیه السلام يَقُولُ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیهما السلام إِذَا قَامَ فِي الصَّلاَةِ كَأَنَّهُ سَاقُ شَجَرَةٍ لَا يَتَحَرَّكُ مِنْهُ شَيْءٌ إِلَّا مَا حَرَّكَهُ الرِّيحُ مِنْهُ.

٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ رِبْعِيِّ بْنِ عَبْدِ اللهِ عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ علیه السلام قَالَ:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند بیست و چهار خصلت را برای شما ـ ای اُمت ـ ناخوش داشته و شما را از آن بازداشته که در نماز به خود مشغول باشید و با خود بازی کنید.

۳ ـ حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه شروع به نماز کردی، بر تو باد که با خشوع بوده و به آن متوجّه باشی، زیرا که خداوند عزّ و جلّ می‌فرماید: «به‌تحقیق آن مؤمنانی رستگارند که در نماز خویش خاشع و فروتنند».

۴ ـ جهم بن حمید گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: پدر بزرگوارم علیه السلام می‌فرمود:

علی بن الحسین علیهما السلام چنان بود که هرگاه به نماز می‌ایستاد، همانند تنهٔ درختی بود که عضوی از او حرکت نمی‌کند، مگر آن‌چه باد به حرکت وا می‌دارد.

۵ ـ فضیل بن یسار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام إِذَا قَامَ فِي الصَّلاَةِ تَغَيَّرَ لَوْنُهُ، فَإِذَا سَجَدَ لَمْ يَرْفَعْ رَأْسَهُ حَتَّى يَرْفَضَّ عَرَقاً.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِذَا اسْتَقْبَلْتَ الْقِبْلَةَ بِوَجْهِكَ فَلاَ تُقَلِّبْ وَجْهَكَ عَنِ الْقِبْلَةِ فَتَفْسُدَ صَلاَتُكَ، فَإِنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ لِنَبِيِّهِ صلى الله عليه وآله فِي الْفَرِيضَةِ: ﴿فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ﴾ وَ اخْشَعْ بِبَصَرِكَ وَ لَا تَرْفَعْهُ إِلَى السَّمَاءِ، وَ لْيَكُنْ حِذَاءَ وَجْهِكَ فِي مَوْضِعِ سُجُودِكَ.

٧ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمانَ عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام أَنَّهُ قَالَ فِي الرَّجُلِ يَتَثَاءَبُ وَ يَتَمَطَّى فِي الصَّلاَةِ.

قَالَ: هُوَ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ لَا يَمْلِكُهُ.

هرگاه علی بن الحسین علیهما السلام به نماز می‌ایستاد رنگش تغییر می‌کرد و چون به سجده می‌رفت، سر خود را بر نمی‌داشت تا این که عرق از آن جاری می‌شد.

۶ ـ زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

هرگاه روی خود را به سوی قبله کردی، از آن روی مگردان که این کار، نمازت را تباه می‌سازد، همانا خداوند عزّ و جلّ دربارهٔ نماز واجب به پیامبر خود صلی الله علیه وآله فرمود: «ای پیامبر! به هنگام نماز روی خود را به جانب مسجد الحرام بگردان و شما ـ ای امت محمّد! ـ هر جا که هستید روی خویش را بدان جانب کنید» و چشم خود را فرو انداز و آن را به جانب آسمان بلند مکن و باید نظرت به پیش و به جایگاه سجود باشد.

۷ ـ فضیل بن یسار گوید: امام (باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام) دربارهٔ کسی که در حال نماز خمیازه می‌کشد، فرمود:

این کار از شیطان است و شیطان مالک مقدّمات آن نمی‌شود.

۸ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي الْوَلِيدِ قَالَ:

كُنْتُ جَالِساً عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فَسَأَلَهُ نَاجِيَةُ أَبُو حَبِيبٍ، فَقَالَ لَهُ: جَعَلَنِي اللهُ فِدَاكَ! إِنَّ لِي رَحًى أَطْحَنُ فِيهَا، فَرُبَّمَا قُمْتُ فِي سَاعَةٍ مِنَ اللَّيْلِ فَأَعْرِفُ مِنَ الرَّحَى أَنَّ الْغُلاَمَ قَدْ نَامَ فَأَضْرِبُ الْحَائِطَ لِأُوقِظَهُ.

قَالَ: نَعَمْ أَنْتَ فِي طَاعَةِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ تَطْلُبُ رِزْقَهُ.

۹ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا قُمْتَ فِي الصَّلاَةِ فَلاَ تَعْبَثْ بِلِحْيَتِكَ وَ لَا بِرَأْسِكَ وَ لَا تَعْبَثْ بِالْحَصَى وَ أَنْتَ تُصَلِّي إِلَّا أَنْ تُسَوِّيَ حَيْثُ تَسْجُدُ، فَإِنَّهُ لَا بَأْسَ.

۸ـ ابو ولید گوید: خدمت امام صادق عليه السلام نشسته بودم که ناجیه ابو جبیب به حضرتش عرض کرد: خداوند مرا قربانت گرداند! من آسیایی دارم که در آن گندم آرد می‌کنم. گاهی در بعضی از ساعات شب (برای نماز) بر می‌خیزم و (در حال نماز) از صدای آسیا متوجّه می‌شوم که غلام خوابیده است. به دیوار می‌زنم تا او را بیدار کنم، آیا می‌توانم چنین کنم؟

فرمود: آری، تو در طاعت خدای عزّ و جلّ در پی طلب روزی او هستی.

۹ ـ احمد بن محمّد در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هنگامی که برای نماز برخاستی با محاسن و سر خود بازی مکن و چون در نماز هستی با سنگ ریزه بازی مکن (چون در گذشته زمین برخی از مساجد سنگریزه بود) مگر آن که بخواهی جای سجدهٔ خود را هموار کنی که در این صورت اشکالی ندارد.

(۱۷)
بَابُ الْبُكَاءِ وَ الدُّعَاءِ فِي الصَّلاَةِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

يَنْبَغِي لِمَنْ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ إِذَا مَرَّ بِآيَةٍ مِنَ الْقُرْآنِ فِيهَا مَسْأَلَةٌ أَوْ تَخْوِيفٌ أَنْ يَسْأَلَ اللهَ عِنْدَ ذَلِكَ خَيْرَ مَا يَرْجُو وَ يَسْأَلَهُ الْعَافِيَةَ مِنَ النَّارِ وَ مِنَ الْعَذَابِ.

۲ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمانَ عَنْ سَعِيدٍ بَيَّاعِ السَّابِرِيِّ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: أَ يَتَبَاكَى الرَّجُلُ فِي الصَّلاَةِ؟

فَقالَ: بَخْ بَخْ وَ لَوْ مِثْلَ رَأْسِ الذُّبَابِ.

بخش هفدهم
گریه و دعا در نماز

۱ ـ سماعه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

شایسته است کسی که قرآن می‌خواند، هرگاه به آیه‌ای می‌رسد که در آن آیه، سخن از درخواست یا وعیدی باشد از خداوند بهترین چیزی را که امید دارد بخواهد و از حضرتش درخواست عافیت از آتش و عذاب نماید.

۲ ـ سعید گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: آیا کسی می‌تواند در نماز حال گریه داشته باشد؟

فرمود به! به! اگر چه به اندازهٔ سر مگسی اشک بریزد.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ مَعَ الْإِمَامِ فَيَمُرُّ بِالْمَسْأَلَةِ أَوْ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ جَنَّةٍ أَوْ نَارٍ.

قَالَ: لَا بَأْسَ بِأَنْ يَسْأَلَ عِنْدَ ذَلِكَ وَ يَتَعَوَّذَ فِي الصَّلاَةِ مِنَ النَّارِ وَ يَسْأَلَ اللهَ الْجَنَّةَ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ ذِكْرِ السُّورَةِ مِنَ الْكِتَابِ يَدْعُو بِهَا فِي الصَّلاَةِ مِثْلَ: **﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾**.

فَقَالَ: إِذَا كُنْتَ تَدْعُو بِهَا فَلاَ بَأْسَ

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

كُلُّ مَا كَلَّمْتَ اللهَ بِهِ فِي صَلاَةِ الْفَرِيضَةِ فَلاَ بَأْسَ.

---

۳ ـ حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که با امام جماعت نماز می‌خواند و امام جماعت، آیه‌ای می‌خواند که در آن از خداوند چیزی خواسته شده، یا ذکری از بهشت و دوزخ آمده است (آیا می‌تواند از خدا درخواست کند یا به او پناه ببرد؟).

فرمود: اشکالی ندارد که در آنجا از خداوند مسألت کند و از آتش دوزخ به خداوند پناه جوید و از خداوند بهشت را در خواست نماید.

۴ ـ زراره گوید: از امام صادق عليه السلام دربارهٔ سوره‌ای از قرآن مانند **﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾** که به عنوان دعا خوانده می‌شود، پرسیدم.

فرمود: اگر به عنوان دعا آن را بخوانی، اشکالی ندارد.

۵ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

در نماز واجب، به هر کلامی که به واسطه آن با خداوند سخن گویی، ایرادی ندارد.

(۱۸)

بَابُ بَدْءِ الْأَذَانِ وَ الْإِقَامَةِ وَ فَضْلِهِمَا وَ ثَوَابِهِمَا

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ وَالْفَضْلِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

لَمَّا أُسْرِيَ بِرَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله إِلَى السَّمَاءِ فَبَلَغَ الْبَيْتَ الْمَعْمُورَ وَ حَضَرَتِ الصَّلَاةُ فَأَذَّنَ جَبْرَئِيلُ وَ أَقَامَ فَتَقَدَّمَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله وَ صَفَّ الْمَلَائِكَةُ وَ النَّبِيُّونَ خَلْفَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

لَمَّا هَبَطَ جَبْرَئِيلُ عليه السلام بِالْأَذَانِ عَلَى رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله كَانَ رَأْسُهُ فِي حِجْرِ عَلِيٍّ عليه السلام فَأَذَّنَ جَبْرَئِيلُ عليه السلام وَ أَقَامَ فَلَمَّا انْتَبَهَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله قَالَ: يَا عَلِيُّ! سَمِعْتَ؟

بخش هیجدهم

آغاز اذان و اقامه و فضیلت و پاداش آن دو

۱ ـ زراره و فضل گویند: امام باقر عليه السلام فرمود:

هنگامی که رسول خدا صلى الله عليه وآله به سوی آسمان به معراج رفت، چون به بیت المعمور رسید و وقت نماز فرارسید، جبرئیل اذان و اقامه گفت. پس رسول خدا صلى الله عليه وآله جلو ایستاد و فرشتگان و پیامبران در پشت سرش صف کشیدند.

۲ ـ منصور بن حازم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هنگامی که جبرئیل عليه السلام از آسمان با اذان بر رسول خدا صلى الله عليه وآله فرود آمد، سر مبارک آن حضرت بر دامان علی عليه السلام بود. جبرئیل اذان و اقامه گفت، هنگامی که رسول خدا صلى الله عليه وآله از خواب بیدار شد، فرمود: ای علی! آیا آن‌چه جبرئیل گفت، شنیدی؟

قَالَ: نَعَمْ.

قَالَ: حَفِظْتَ؟

قَالَ: نَعَمْ.

قَالَ ادْعُ بِلاَلاً فَعَلِّمْهُ.

فَدَعَا عَلِيٌّ عليه السلام بِلاَلاً فَعَلَّمَهُ.

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمانَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ الْجُعْفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ:

الْأَذَانُ وَ الْإِقَامَةُ خَمْسَةٌ وَ ثَلاَثُونَ حَرْفاً فَعَدَّ ذَلِكَ بِيَدِهِ وَاحِداً، وَاحِداً الْأَذَانَ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ حَرْفاً، وَ الْإِقَامَةَ سَبْعَةَ عَشَرَ حَرْفاً.

٤ ـ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يَقُولُ:

الْأَذَانُ مَثْنَى مَثْنَى وَ الْإِقَامَةُ مَثْنَى مَثْنَى.

علی عليه السلام پاسخ داد: آری.

فرمود: آیا حفظ کردی؟

عرضه داشت: آری.

فرمود: بلال را فرا خوان و اذان را به او بیاموز.

علی عليه السلام بلال را خواند و اذان را به او آموخت.

۳ ـ اسماعیل جعفی گوید: از امام باقر عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

اذان و اقامه، سی و پنج حرف است. حضرتش آن را با دست مبارک خود یک به یک برشمرد، اذان هجده و اقامه هفده حرف است.

۴ ـ صفوان جمّال گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

اذان دو جمله، دو جمله است و اقامه نیز دو جمله دو جمله است.

۵ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ:

يَا زُرَارَةُ! تَفْتَتِحُ الْأَذَانَ بِأَرْبَعِ تَكْبِيرَاتٍ وَ تَخْتِمُهُ بِتَكْبِيرَتَيْنِ وَ تَهْلِيلَتَيْنِ.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ التَّثْوِيبِ فِي الْأَذَانِ وَ الْإِقَامَةِ.

فَقَالَ: مَا نَعْرِفُهُ.

٧ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:

إِذَا أَذَّنْتَ فَأَفْصِحْ بِالْأَلِفِ وَ الْهَاءِ وَ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله كُلَّمَا ذَكَرْتَهُ أَوْ ذَكَرَهُ ذَاكِرٌ فِي أَذَانٍ وَ غَيْرِهِ.

---

۵ ـ زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

ای زراره! اذان را با چهار تکبیر شروع می‌کنی و آن را با دو تکبیر و دو تهلیل (لا اله الا اللّٰه) به پایان می‌بری.

۶ ـ معاویة بن وهب گوید: از امام صادق عليه السلام دربارهٔ تثویب [1] در اذان و اقامه پرسیدم فرمود: آن را (از اذان و اقامه) نمی‌دانیم.

۷ ـ زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

هرگاه مؤذّن شدی، الف و های آن را نیکو بیان‌کن و بر پیامبر صلوات فرست هرگاه که از آن حضرت نام می‌بری، یا گوینده‌ای از نام آن بزرگوار در اذان یا غیر اذان یاد می‌کند.

---

۱ ـ این عمل از بدعت‌های عمر است، و منظور از تثویب، همان جملهٔ متعارف میان اهل سنّت است که در اذان صبح به جای «حیّ علی خیر العمل» می‌گویند: «الصلاة خیرٌ من النوم»؛ یعنی نماز خواندن بهتر از خفتن است.

۸ـ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا أَذَّنْتَ وَ أَقَمْتَ صَلَّى خَلْفَكَ صَفَّانِ مِنَ الْمَلاَئِكَةِ وَ إِذَا أَقَمْتَ صَلَّى خَلْفَكَ صَفٌّ مِنَ الْمَلاَئِكَةِ.

۹ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ أَيُجْزِئُ أَذَانٌ وَاحِدٌ؟

قَالَ: إِنْ صَلَّيْتَ جَمَاعَةً لَمْ يُجْزِئْ إِلَّا أَذَانٌ وَ إِقَامَةٌ، وَ إِنْ كُنْتَ وَحْدَكَ تُبَادِرُ أَمْراً تَخَافُ أَنْ يَفُوتَكَ يُجْزِئُكَ إِقَامَةٌ إِلَّا الْفَجْرَ وَ الْمَغْرِبَ، فَإِنَّهُ يَنْبَغِي أَنْ تُؤَذِّنَ فِيهِمَا وَ تُقِيمَ مِنْ أَجْلِ أَنَّهُ لَا يَقْصُرُ فِيهِمَا كَمَا يَقْصُرُ فِي سَائِرِ الصَّلَوَاتِ.

۱۰ـ أَبُو دَاوُدَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: أَيَتَكَلَّمُ الرَّجُلُ فِي الْأَذَانِ؟

---

۸ ـ حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

چون اذان و اقامه می‌گویی، دو صف از فرشتگان پشت سر تو به نماز می‌ایستند، و اگر فقط اقامه بگویی یک صف از فرشتگان پشت سر تو نماز می‌گزارند.

۹ ـ ابو بصیر گوید: از امام (باقر یا امام صادق عليهما السلام) پرسیدم: آیا یک اذان کفایت می‌کند؟

فرمود: اگر نماز را با جماعت بخوانی، فقط یک اذان و یک اقامه، کفایت می‌کند، ولی اگر به صورت فرادیٰ و تنهایی نماز می‌گزاری و کاری داری که می‌ترسی فوت شود، اقامه کفایت می‌کند، مگر در نماز صبح و مغرب که شایسته است در آن اذان و اقامه بگویی؛ چون این دو نماز مانند نمازهای دیگر قصر نمی‌شوند.

۱۰ ـ عمرو بن ابی نصر گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: آیا انسان می‌تواند به هنگام اذان گفتن با دیگری سخن بگوید؟

قَالَ: لَا بَأْسَ.
قُلْتُ: فِي الْإِقَامَةِ.
قَالَ: لَا.

۱۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: لَا بَأْسَ أَنْ يُؤَذِّنَ الرَّجُلُ مِنْ غَيْرِ وُضُوءٍ وَ لَا يُقِيمُ إِلَّا وَ هُوَ عَلَى وُضُوءٍ.

۱۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَالِحِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ يُونُسَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَنْتَهِي إِلَى الْإِمَامِ حِينَ يُسَلِّمُ.

قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ أَنْ يُعِيدَ الْأَذَانَ فَلْيَدْخُلْ مَعَهُمْ فِي أَذَانِهِمْ، فَإِنْ وَجَدَهُمْ قَدْ تَفَرَّقُوا أَعَادَ الْأَذَانَ.

۱۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارٍ السَّابَاطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: سُئِلَ عَنِ الْأَذَانِ هَلْ يَجُوزُ أَنْ يَكُونَ مِنْ غَيْرِ عَارِفٍ؟

فرمود: اشکالی ندارد.
گفتم: در اقامه چطور؟
فرمود: نه.

۱۱ ـ حلبی (که از راویان امام صادق عليه السلام است) گوید:
اشکالی ندارد که کسی بدون وضو اذان بگوید، ولی اقامه را جز با وضو نگوید.

۱۲ ـ ابوبصیر گوید: از امام عليه السلام پرسیدم: کسی که در نماز جماعت به هنگام سلام دادن امام می‌رسد (چه حکمی دارد؟)

فرمود: بر او لازم نیست که اذان را اعاده کند، بلکه همان اذان آنان برای او نیز محسوب است، ولی اگر دید که آن‌ها متفرّق شده‌اند، باید اذان را اعاده کند.

۱۳ ـ عمّار ساباطی گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد اذان سؤال شد که آیا از غیر شیعه صحیح است؟

قَالَ: لَا يَسْتَقِيمُ الْأَذَانُ وَ لَا يَجُوزُ أَنْ يُؤَذِّنَ بِهِ إِلَّا رَجُلٌ مُسْلِمٌ عَارِفٌ، فَإِنْ عَلِمَ الْأَذَانَ فَأَذَّنَ بِهِ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ عَارِفاً لَمْ يُجْزِ أَذَانُهُ وَ لَا إِقَامَتُهُ وَ لَا يُقْتَدَى بِهِ.

وَ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يُؤَذِّنُ وَ يُقِيمُ لِيُصَلِّيَ وَحْدَهُ فَيَجِيءُ رَجُلٌ آخَرُ فَيَقُولُ لَهُ: نُصَلِّي جَمَاعَةً فَهَلْ يَجُوزُ أَنْ يُصَلِّيَا بِذَلِكَ الْأَذَانِ وَ الْإِقَامَةِ؟

قَالَ: لَا، وَ لَكِنْ يُؤَذِّنُ وَ يُقِيمُ.

١٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ فِي الرَّجُلِ يَنْسَى الْأَذَانَ وَ الْإِقَامَةَ حَتَّى يَدْخُلَ فِي الصَّلَاةِ.

قَالَ: إِنْ كَانَ ذَكَرَ قَبْلَ أَنْ يَقْرَأَ فَلْيُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله وَ لْيُقِمْ وَ إِنْ كَانَ قَدْ قَرَأَ فَلْيُتِمَّ صَلَاتَهُ.

١٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

فرمود: اذان جایز نمی‌باشد، مگر از کسی که مسلمان و عارف به امام علیه السلام باشد. پس اگر کسی اذان را بداند و بگوید، ولی عارف و شیعه نباشد، اذان و اقامهٔ او درست نیست و به او نمی‌توان اقتدا کرد.

و از آن حضرت سؤال شد دربارهٔ شخصی که اذان و اقامه می‌گوید تا به تنهایی نماز بخواند، سپس مرد دیگری می‌آید و به او می‌گوید: نمازمان را به جماعت بخوانیم. آیا جایز است که آن دو با همان اذان و اقامه نماز بخوانند؟

فرمود: نه، بلکه اذان و اقامه دیگری باید بگوید.

۱۴ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام صادق علیه السلام در مورد کسی که اذان و اقامه را فراموش کرده و شروع به نماز می‌کند، فرمود:

اگر پیش از قرائت به یاد آورد، پس باید بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات فرستد و اقامه گوید، ولی اگر شروع به قرائت کرده، باید نمازش را تمام کند.

۱۵ ـ زراره گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

مَنْ سَهَا فِي الْأَذَانِ فَقَدَّمَ أَوْ أَخَّرَ عَادَ عَلَى الْأَوَّلِ الَّذِي أَخَّرَهُ حَتَّى يَمْضِيَ عَلَى آخِرِهِ.

١٦ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ.

يُؤَذِّنُ الرَّجُلُ وَ هُوَ جَالِسٌ وَ لَا يُقِمْ إِلَّا وَ هُوَ قَائِمٌ وَ تُؤَذِّنُ وَ أَنْتَ رَاكِبٌ وَ لَا تُقِمْ إِلَّا وَ أَنْتَ عَلَى الْأَرْضِ.

١٧ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: يُؤَذِّنُ الرَّجُلُ وَ هُوَ عَلَى غَيْرِ الْقِبْلَةِ.

قَالَ: إِذَا كَانَ التَّشَهُّدُ مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ فَلَا بَأْسَ.

١٨ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الْمَرْأَةِ عَلَيْهَا أَذَانٌ وَ إِقَامَةٌ؟

قَالَ: لَا.

هر کس در اذان شک کند، یا بخش‌های آن را پس و پیش بگوید، باید به همان بخش اوّل که آن را به تأخیر انداخته، باز گردد و اذان را تا آخر ادامه دهد.

۱۶ ـ احمد بن محمّد بن ابی نصر گوید: امام رضا عليه السلام فرمود:

انسان می‌تواند در حال نشسته اذان بگوید، ولی نباید اقامه بگوید، مگر به حالت ایستاده، انسان می‌تواند در حالی که سواره است، اذان گوید، ولی اقامه را نگو، مگر در حالی که روی زمین هستی.

۱۷ ـ حلبی گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: آیا کسی می‌تواند به غیر جهت قبله اذان بگوید؟

فرمود: اگر شهادتین آن رو به قبله باشد، اشکالی ندارد.

۱۸ ـ جمیل بن درّاج گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا گفتن اذان و اقامه برای زن لازم است؟

فرمود: نه.

۱۹ ـ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمانَ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يَقُولُ:

إِقَامَةُ الْمَرْأَةِ أَنْ تُكَبِّرَ وَ تَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ، وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ.

۲۰ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي هَارُونَ الْمَكْفُوفِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

يَا أَبَا هَارُونَ! الْإِقَامَةُ مِنَ الصَّلَاةِ فَإِذَا أَقَمْتَهُ فَلَا تَتَكَلَّمْ وَ لَا تُومِ بِيَدِكَ.

۲۱ ـ وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ سُلَيْمانَ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

لَا يُقِمْ أَحَدُكُمُ الصَّلَاةَ وَ هُوَ مَاشٍ وَ لَا رَاكِبٌ وَ لَا مُضْطَجِعٌ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَرِيضاً، وَ لْيَتَمَكَّنْ فِي الْإِقَامَةِ كَمَا يَتَمَكَّنُ فِي الصَّلَاةِ، فَإِنَّهُ إِذَا أَخَذَ فِي الْإِقَامَةِ فَهُوَ فِي الصَّلَاةِ.

---

۱۹ ـ ابو مریم انصاری گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

اقامهٔ زن این است که تکبیر بگوید و بگوید: **اشهد ان لا اله الا اللّٰه و اَنّ محمّداً عبده و رسوله**.

۲۰ ـ ابو هارون مکفوف گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

ای ابا هارون! اقامه از نماز است و هرگاه اقامه گفتی ـ یا این که **قد قامت الصلاة** گفتی ـ دیگر سخن مگو و با دست به چیزی اشاره مکن.

۲۱ ـ سلیمان بن صالح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هیچ یک از شما در حال راه رفتن، سواره و خوابیده نباید اقامه بگوید، مگر آن که مریض باشد، و باید بدن در حال گفتن اقامه آرام باشد؛ همچنان که در حال نماز آرام است؛ زیرا هرگاه اقامه شروع می‌شود، گویی انسان در حال نماز است.

۲۲ ـ اَلْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُعَاذِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ الْمَسْجِدَ وَ هُوَ لَا يَأْتَمُّ بِصَاحِبِهِ وَ قَدْ بَقِيَ عَلَى الْإِمَامِ آيَةٌ، أَوْ آيَتَانِ فَخَشِيَ إِنْ هُوَ أَذَّنَ وَ أَقَامَ أَنْ يَرْكَعَ فَلْيَقُلْ: «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ، قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ، اللهُ أَكْبَرُ، اللهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ» وَ لْيَدْخُلْ فِي الصَّلَاةِ.

۲۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الْأَذَانِ قَبْلَ الْفَجْرِ.

فَقَالَ: إِذَا كَانَ فِي جَمَاعَةٍ فَلَا، وَ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ فَلَا بَأْسَ.

۲۴ ـ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

الْقُعُودُ بَيْنَ الْأَذَانِ وَ الْإِقَامَةِ فِي الصَّلَاةِ كُلِّهَا إِذَا لَمْ يَكُنْ قَبْلَ الْإِقَامَةِ صَلَاةٌ يُصَلِّيهَا.

---

۲۲ ـ معاذ بن کثیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه کسی وارد مسجد شود، و هنوز به امام جماعت اقتدا نکرده، و از قرائت امام یک ـیا دو ـ آیه مانده باشد و بترسد که اگر اذان و اقامه بگوید، امام به رکوع می‌رود، بایستی فقط بگوید: «**قد قامت الصلاة، قد قامت الصلاة، اللّه اکبر، اللّه اکبر، لا اله الّا اللّه**» و شروع به نماز کند.

۲۳ ـ حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام دربارهٔ اذان پیش از طلوع فجر پرسیدم.

فرمود: چنین اذانی در نماز جماعت جایز نیست، ولی در نماز فرادی اشکالی ندارد.

۲۴ ـ احمد بن محمّد بن ابی نصر گوید: امام رضا عليه السلام فرمود:

نشستن میان اذان و اقامه در همهٔ نمازهاست، در صورتی که پیش از اقامه، نمازی به جا نیاورده باشد.

۲۵ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ: أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام كَانَ يُؤَذِّنُ وَ يُقِيمُ غَيْرُهُ.

وَ قَالَ: كَانَ يُقِيمُ وَ قَدْ أَذَّنَ غَيْرُهُ.

۲٦ ـ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ السَّرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ:

الْأَذَانُ تَرْتِيلٌ وَ الْإِقَامَةُ حَدْرٌ.

۲۷ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ:

ثَلَاثَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى كُثْبَانِ الْمِسْكِ؛ أَحَدُهُمْ مُؤَذِّنٌ أَذَّنَ احْتِسَاباً.

۲۸ ـ مُحَمَّدٌ عَنْ أَحْمَدَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِبْنِ سُوَيْدٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْحَلَبِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام يَقُولُ:

الْمُؤَذِّنُ يُغْفَرُ لَهُ مَدَى صَوْتِهِ وَ يَشْهَدُ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ سَمِعَهُ.

---

۲۵ ـ اسماعیل بن جابر گوید:

امام صادق عليه‌السلام اذان می‌گفت و کسی دیگر اقامه را می‌گفت.

وی ادامه داد و گفت: گاهی آن حضرت اقامه می‌گفت و کسی دیگر پیش از آن، اذان می‌گفت.

۲۶ ـ حسن بن سری گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

اذان باید به آرامی و تأنّی باشد ولی اقامه، با شتاب.

۲۷ ـ ابن ابی نجران در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام عليه‌السلام فرمود:

سه نفرند که در روز قیامت بر بالای توده‌های مشکند: یکی از آن‌ها مؤذّنی است که برای پاداش جهان آخرت اذان گفته باشد.

۲۸ ـ محمّد بن مروان گوید: از امام صادق عليه‌السلام شنیدم که می‌فرمود:

مؤذّن آمرزیده می‌شود، به همان مقداری که صدایش به اطراف می‌رود، و هر چیزی که صدای او را می‌شنود به نفع او گواهی می‌دهد.

۲۹ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ رِبْعِيِّ بْنِ عَبْدِ اللهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

كَانَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله إِذَا سَمِعَ الْمُؤَذِّنَ يُؤَذِّنُ قَالَ مِثْلَ مَا يَقُولُهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ.

۳۰ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ النَّضْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ سَمِعَ الْمُؤَذِّنَ يَقُولُ: «**أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللهِ**».

فَقَالَ: مُصَدِّقاً مُحْتَسِباً «**وَ أَنَا أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله، وَ أَكْتَفِي بِهِمَا عَمَّنْ أَبَى وَ جَحَدَ وَ أُعِينُ بِهِمَا مَنْ أَقَرَّ، وَ شَهِدَ**» كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ عَدَدُ مَنْ أَنْكَرَ وَ جَحَدَ وَ مِثْلُ عَدَدِ مَنْ أَقَرَّ وَ عَرَفَ.

۳۱ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

۲۹ـ محمّد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

هرگاه رسول خدا صلى الله عليه وآله صدای اذان را می‌شنید، هر جمله‌ای را که مؤذّن می‌گفت بازگو می‌فرمود.

۳۰ـ حارث نضری گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر کس بشنود که مؤذّن می‌گوید: «**أشهد أن لا إله إلّا اللّه و أشهد أنّ محمّداً رسول اللّه**» و او نیز از روی تصدیق و ثواب بگوید: «**وأنا أشهد أن لا إله إلّا اللّه وأشهد أنّ محمّداً رسول اللّه صلى اللّه عليه وآله و اكتفى بهما، عمّن أبى و جحد وأعين بهما من أقرّ وشهد**» بهرهٔ او از پاداش به تعداد همهٔ کسانی است که آن را انکار و رد کنند، و به شمار آنان که به این کلام اقرار می‌کنند وآن را می‌شناسند و شهادت می‌دهند.

۳۱ـ عبد اللّه بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

كَانَ طُولُ حَائِطِ مَسْجِدِ رَسُولِ اللهِ ﷺ قَامَةً، فَكَانَ يَقُولُ ﷺ لِبِلاَلٍ: إِذَا دَخَلَ الْوَقْتُ يَا بِلاَلُ! اعْلُ فَوْقَ الْجِدَارِ وَ ارْفَعْ صَوْتَكَ بِالْأَذَانِ، فَإِنَّ اللهَ قَدْ وَكَّلَ بِالْأَذَانِ رِيحاً تَرْفَعُهُ إِلَى السَّمَاءِ، وَ إِنَّ الْمَلاَئِكَةَ إِذَا سَمِعُوا الْأَذَانَ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ قَالُوا: هَذِهِ أَصْوَاتُ أُمَّةِ مُحَمَّدٍ ﷺ بِتَوْحِيدِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِأُمَّةِ مُحَمَّدٍ ﷺ حَتَّى يَفْرُغُوا مِنْ تِلْكَ الصَّلاَةِ.

۳۲ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَسَدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَقْطَانَ رَفَعَهُ إِلَيْهِمْ عليهم السلام قَالَ:

يَقُولُ الرَّجُلُ إِذَا فَرَغَ مِنَ الْأَذَانِ وَ جَلَسَ: «**اللَّهُمَّ اجْعَلْ قَلْبِي بَارّاً، وَ عَيْشِي قَارّاً، وَ رِزْقِي دَارّاً، وَ اجْعَلْ لِي عِنْدَ قَبْرِ نَبِيِّكَ ﷺ قَرَاراً وَ مُسْتَقَرّاً**».

بلندی دیوار مسجد رسول خدا ﷺ به اندازه یک قامت انسان بود. هنگامی که وقت نماز فرا می‌رسید، آن حضرت به بلال می‌فرمود:

ای بلال! بر بالای دیوار رو و صدای خود را به اذان بلند کن؛ که خداوند بر اذان بادی گمارده است که آن را به سوی آسمان بالا برد.

و آن‌گاه که فرشتگان صدای اذان را از اهل زمین می‌شنوند، می‌گویند: این آواز اُمّت محمّد ﷺ است که به توحید و یگانگی خداوند ﷻ دست برداشته‌اند. پس برای اُمّت محمّد ﷺ طلب آمرزش می‌کنند تا از آن نماز فارغ شوند.

۳۲ـ جعفر بن محمّد بن یقطان در روایت مرفوعه‌ای از ائمهٔ معصومین علیهم السلام نقل می‌کند که حضرتش فرمود:

هرگاه کسی پس از اذان بنشیند وبگوید:

«بار خدایا! دل مرا فرمانبردار، زندگی مرا همیشگی قرار ده، به روزی من توسعه بده وبرای من در نزد قبر پیامبرت ﷺ قراری همیشگی و دایم مقرّر فرما».

٣٣ـ عَلِيُّ بْنُ مَهْزِيَارَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ: حَدَّثَنِي هِشَامُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ أَنَّهُ شَكَا إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه‌السلام سُقْمَهُ، وَ أَنَّهُ لَا يُولَدُ لَهُ وَلَدٌ.

فَأَمَرَهُ أَنْ يَرْفَعَ صَوْتَهُ بِالْأَذَانِ فِي مَنْزِلِهِ.

قَالَ: فَفَعَلْتُ، فَأَذْهَبَ اللهُ عَنِّي سُقْمِي وَ كَثُرَ وَلَدِي.

قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ رَاشِدٍ: وَ كُنْتُ دَائِمَ الْعِلَّةِ مَا أَنْفَكُّ مِنْهَا فِي نَفْسِي وَ جَمَاعَةِ خَدَمِي وَ عِيَالِي، فَلَمَّا سَمِعْتُ ذَلِكَ مِنْ هِشَامٍ عَمِلْتُ بِهِ، فَأَذْهَبَ اللهُ عَنِّي وَ عَنْ عِيَالِيَ الْعِلَلَ.

٣٤ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ:

لَوْ أَنَّ مُؤَذِّناً أَعَادَ فِي الشَّهَادَةِ وَ فِي «**حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ**» أَوْ «**حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ**» الْمَرَّتَيْنِ وَ الثَّلَاثَ، وَ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ إِذَا كَانَ إِنَّمَا يُرِيدُ بِهِ جَمَاعَةَ الْقَوْمِ لِيَجْمَعَهُمْ لَمْ يَكُنْ بِهِ بَأْسٌ.

۳۳ـ محمّد بن راشد گوید: هشام بن ابراهیم برای من نقل کرد که به امام رضا عليه‌السلام از بیماری خود و از این که دارای فرزند نمی‌شود، شکوه کرد.

حضرتش به او امر فرمود که در خانهٔ خود صدایش را به اذان بلند نماید.

گوید: این کار را انجام دادم و خداوند بیماری را از بدنم بیرون برد و فرزندان بسیاری به من عنایت فرمود.

محمّد بن راشد گوید: من نیز همیشه بیمار بودم، و هیچ‌گاه بیماری از من جدا نمی‌شد. همین‌طور عدّه‌ای از خدمتکارانم و خانواده‌ام پیوسته بیمار بودند.

وقتی این خبر را از هشام شنیدم، خود بدان عمل کردم و خداوند بیماری را از من و خانواده‌ام برطرف ساخت.

۳۴ـ ابو بصیر گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

اگر مؤذّنی شهادتین و «**حي علی الصلاة**» و یا «**حي علی الفلاح**» را باز گوید و دو سه بار و بیشتر از آن تکرار کند، در صورتی که قصدش این باشد که مردم را جمع کند، اشکالی ندارد.

۳۵ ـ جَماعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ سُلَيْمانَ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

أَذِّنْ فِي بَيْتِكَ، فَإِنَّهُ يَطْرُدُ الشَّيْطَانَ وَ يُسْتَحَبُّ مِنْ أَجْلِ الصِّبْيَانِ.

(۱۹)
بَابُ الْقَوْلِ عِنْدَ دُخُولِ الْمَسْجِدِ وَ الْخُرُوجِ مِنْهُ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَالِحِ بْنِ سَعِيدٍ الرَّاشِدِيِّ عَنْ يُونُسَ عَنْهُمْ عليهم السلام قَالَ: قَالَ:

الْفَضْلُ فِي دُخُولِ الْمَسْجِدِ أَنْ تَبْدَأَ بِرِجْلِكَ الْيُمْنَى إِذَا دَخَلْتَ وَ بِالْيُسْرَى إِذَا خَرَجْتَ.

۲ ـ عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ فَصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله وَ إِذَا خَرَجْتَ فَافْعَلْ ذَلِكَ.

۳۵ ـ سلیمان جعفری (که از راویان امام کاظم و امام رضا علیهما السلام است) گوید: از امام عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

در خانهٔ خود اذان بگو؛ زیرا که اذان شیطان را می‌راند و به خاطر این که شیطان به کودکان ضرری نرساند، گفتن اذان در خانه مستحب و پسندیده است.

بخش نوزدهم
کلامی که باید به هنگام ورود و خروج در مسجد گفت

۱ ـ یونس بن عبدالرحمان از ائمه علیهم السلام نقل کرده که حضرتش فرمود:

بهتر است به هنگام ورود به مسجد با پای راست وارد شوی و برای خارج شدن با پای چپ شروع کنی.

۲ ـ عبد اللّه بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه وارد مسجد شدی، بر پیامبر صلى الله عليه و آله صلوات بفرست، و به هنگام خروج نیز چنین کن.

۳ ـ وَ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانٍ وَ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَا: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

إِذَا قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ فَقُلِ: «**اللَّهُمَّ إِنِّي أُقَدِّمُ إِلَيْكَ مُحَمَّداً صلى الله عليه وآله بَيْنَ يَدَيْ حَاجَتِي وَ أَتَوَجَّهُ بِهِ إِلَيْكَ فَاجْعَلْنِي بِهِ وَجِيهاً عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ اجْعَلْ صَلَاتِي بِهِ مَقْبُولَةً وَ ذَنْبِي بِهِ مَغْفُوراً وَ دُعَائِي بِهِ مُسْتَجَاباً، إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ**».

٤ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْهَاشِمِيِّ عَنْ أَبِي حَفْصٍ الْعَطَّارِ شَيْخٍ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمُ الْمَكْتُوبَةَ وَ خَرَجَ مِنَ الْمَسْجِدِ فَلْيَقِفْ بِبَابِ الْمَسْجِدِ ثُمَّ لْيَقُلِ: «**اللَّهُمَّ دَعَوْتَنِي فَأَجَبْتُ دَعْوَتَكَ وَ صَلَّيْتُ مَكْتُوبَتَكَ وَ انْتَشَرْتُ فِي أَرْضِكَ كَمَا أَمَرْتَنِي، فَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَمَلَ بِطَاعَتِكَ، وَ اجْتِنَابَ سَخَطِكَ، وَ الْكَفَافَ مِنَ الرِّزْقِ بِرَحْمَتِكَ**».

---

۳ ـ ابان و معاوية بن وهب گويند: امام صادق عليه السلام فرمود:

هنگامی که به نماز برخاستی بگو: «**اللَّهُمَّ إِنِّي أُقَدِّمُ إِلَيْكَ مُحَمَّداً صلى الله عليه وآله بَيْنَ يَدَيْ حَاجَتِي وَ أَتَوَجَّهُ بِهِ إِلَيْكَ فَاجْعَلْنِي بِهِ وَجِيهاً عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ اجْعَلْ صَلَاتِي بِهِ مَقْبُولَةً وَ ذَنْبِي بِهِ مَغْفُوراً وَ دُعَائِي بِهِ مُسْتَجَاباً، إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ**».

۴ ـ ابو حفص عطّار ـ پيرمردی از اهل مدينه ـ گويد: از امام صادق عليه السلام شنيدم که می‌فرمود:

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هرگاه يکی از شما نماز واجب می‌خواند و از مسجد خارج می‌شود، خوب است بر در مسجد بايستد و بگويد: «**اللَّهُمَّ دَعَوْتَنِي فَأَجَبْتُ دَعْوَتَكَ وَ صَلَّيْتُ مَكْتُوبَتَكَ وَ انْتَشَرْتُ فِي أَرْضِكَ كَمَا أَمَرْتَنِي، فَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَمَلَ بِطَاعَتِكَ، وَ اجْتِنَابَ سَخَطِكَ، وَ الْكَفَافَ مِنَ الرِّزْقِ بِرَحْمَتِكَ**».

(۲۰)
بَابُ افْتِتَاحِ الصَّلاَةِ وَ الْحَدِّ فِي التَّكْبِيرِ وَ مَا يُقَالُ عِنْدَ ذَلِكَ

۱ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام قَالَ:

تَرْفَعُ يَدَيْكَ فِي افْتِتَاحِ الصَّلاَةِ قُبَالَةَ وَجْهِكَ وَ لاَ تَرْفَعْهُمَا كُلَّ ذَلِكَ.

۲ـ وَ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِذَا قُمْتَ فِي الصَّلاَةِ فَكَبَّرْتَ، فَارْفَعْ يَدَيْكَ وَ لاَ تُجَاوِزْ بِكَفَّيْكَ أُذُنَيْكَ. أَيْ: حِيَالَ خَدَّيْكَ.

۳ـ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ:

أَدْنَى مَا يُجْزِئُ مِنَ التَّكْبِيرِ فِي التَّوَجُّهِ تَكْبِيرَةٌ وَاحِدَةٌ، وَ ثَلاَثُ تَكْبِيرَاتٍ أَحْسَنُ وَ سَبْعٌ أَفْضَلُ.

بخش بیستم
آغاز نماز، حدّ تکبیر و آن چه که به هنگام تکبیر گفته می‌شود

۱ـ زراره گوید: امام (باقر یا امام صادق علیهما السلام) فرمود:

هنگام شروع نماز، دست‌های خود را تا رو به روی چهرهٔ خود بالا ببر و آن‌ها را از برابر رویت بالاتر مبر.

۲ـ زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

هرگاه به نماز ایستادی و تکبیر گفتی، دست‌هایت را بالا ببر و دو کف دست خود را از گوش‌هایت ـ یعنی از گونه‌هایت ـ بالاتر مبر.

۳ـ زراره گوید: حضرتش فرمود یک تکبیر برای شروع نماز کافی است و سه تکبیر نیکوتر و هفت تکبیر بهتر است.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا كُنْتَ إِمَاماً أَجْزَأَتْكَ تَكْبِيرَةٌ وَاحِدَةٌ، لِأَنَّ مَعَكَ ذَا الْحَاجَةِ وَ الضَّعِيفَ وَ الْكَبِيرَ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

التَّكْبِيرُ فِي صَلاَةِ الْفَرْضِ الْخَمْسِ الصَّلَوَاتِ خَمْسٌ وَ تِسْعُونَ تَكْبِيرَةً مِنْهَا تَكْبِيرَاتُ الْقُنُوتِ خَمْسَةٌ.

٦ ـ وَ رَوَاهُ أَيْضاً عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ:

وَ فَسَّرَهُنَّ فِي الظُّهْرِ إِحْدَى وَ عِشْرِينَ تَكْبِيرَةً، وَ فِي الْعَصْرِ إِحْدَى وَ عِشْرِينَ تَكْبِيرَةً، وَ فِي الْمَغْرِبِ سِتَّ عَشْرَةَ تَكْبِيرَةً، وَ فِي الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ إِحْدَى وَ عِشْرِينَ تَكْبِيرَةً، وَ فِي الْفَجْرِ إِحْدَى عَشْرَةَ تَكْبِيرَةً، وَ خَمْسَ تَكْبِيرَاتِ الْقُنُوتِ فِي خَمْسِ صَلَوَاتٍ.

---

۴ ـ معاویة بن عمّار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه امام جماعت بودی یک تکبیر برای نمازت کافی است؛ زیرا کسانی با تو نماز می‌خوانند کار دارند، و ضعیف و ناتوان و پیر هستند.

۵ ـ معاویة به عمّار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

تکبیر در نماز واجب ـ نمازهای پنج‌گانهٔ روزانه ـ نود و پنج تکبیر است که پنج تکبیر از آن‌ها تکبیرهای قنوت‌های پنج گانه است.

۶ ـ در روایت دیگری از عبداللّٰه بن مغیره این‌گونه نقل شده است که حضرتش تکبیرها را چنین تفسیر کرده است:

در نماز ظهر، بیست و یک تکبیر، در نماز عصر بیست و یک تکبیر، در نماز مغرب شانزده تکبیر، در نماز عشا بیست و یک تکبیر، و در نماز صبح یازده تکبیر، و پنج تکبیر در قنوت نمازهای پنج گانه.

۷ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ:

إِذَا افْتَتَحْتَ الصَّلاَةَ فَارْفَعْ كَفَّيْكَ، ثُمَّ ابْسُطْهُمَا بَسْطاً، ثُمَّ كَبِّرْ ثَلاَثَ تَكْبِيرَاتٍ ثُمَّ قُلِ: «**اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي، فَاغْفِرْ لِي ذَنْبِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ**».

ثُمَّ تُكَبِّرُ تَكْبِيرَتَيْنِ، ثُمَّ قُلْ: «**لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ وَ الْخَيْرُ فِي يَدَيْكَ وَ الشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ وَ الْمَهْدِيُّ مَنْ هَدَيْتَ لَا مَلْجَأَ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ سُبْحَانَكَ وَ حَنَانَيْكَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ سُبْحَانَكَ رَبَّ الْبَيْتِ**».

ثُمَّ تُكَبِّرُ تَكْبِيرَتَيْنِ، ثُمَّ تَقُولُ: «**وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ حَنِيفاً مُسْلِماً وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلاَتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ بِذَلِكَ أُمِرْتُ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ**».

ثُمَّ تَعَوَّذْ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، ثُمَّ اقْرَأْ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ.

۷ـ حلبی گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

چون نماز را شروع کردی، دستان خود را بالا ببر، سپس کف دستان خود را به طور کامل بازکن و سه بار تکبیر بگو و بعد این دعا را بخوان: «**اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي، فَاغْفِرْ لِي ذَنْبِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ**».

آن‌گاه دو تکبیر بگو، سپس بخوان: «**لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ وَ الْخَيْرُ فِي يَدَيْكَ وَ الشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ وَ الْمَهْدِيُّ مَنْ هَدَيْتَ لَا مَلْجَأَ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ سُبْحَانَكَ وَ حَنَانَيْكَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ سُبْحَانَكَ رَبَّ الْبَيْتِ**».

سپس دو بار تکبیر بگو، آن‌گاه بگو: «**وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ حَنِيفاً مُسْلِماً وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلاَتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ بِذَلِكَ أُمِرْتُ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ**».

سپس از شیطان رانده شده پناه ببر و سورهٔ فاتحه را بخوان.

۸ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام يَوْماً: يَا حَمَّادُ! تُحْسِنُ أَنْ تُصَلِّيَ؟

قَالَ: فَقُلْتُ: يَا سَيِّدِي! أَنَا أَحْفَظُ كِتَابَ حَرِيزٍ فِي الصَّلاَةِ.

فَقالَ: لَا عَلَيْكَ يَا حَمَّادُ! قُمْ فَصَلِّ.

قَالَ: فَقُمْتُ بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَوَجِّهاً إِلَى الْقِبْلَةِ فَاسْتَفْتَحْتُ الصَّلاَةَ فَرَكَعْتُ وَ سَجَدْتُ.

فَقالَ: يَا حَمَّادُ! لَا تُحْسِنُ أَنْ تُصَلِّيَ مَا أَقْبَحَ بِالرَّجُلِ مِنْكُمْ يَأْتِي عَلَيْهِ سِتُّونَ سَنَةً، أَوْ سَبْعُونَ سَنَةً فَلاَ يُقِيمُ صَلاَةً وَاحِدَةً بِحُدُودِهَا تَامَّةً.

قَالَ حَمَّادٌ: فَأَصَابَنِي فِي نَفْسِي الذُّلُّ، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَعَلِّمْنِي الصَّلاَةَ.

---

۸ ـ حمّاد بن عیسی گوید: روزی امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای حمّاد! نماز را خوب بلدی؟

گفتم: ای سرورم! من کتاب حریز را که در بارهٔ نماز است، حفظ نموده‌ام.

امام علیه السلام فرمود: اشکالی ندارد، ای حمّاد! برخیز و نماز بخوان.

حمّاد گوید: من در برابر آن حضرت برخاستم و رو به قبله نمودم و آغاز به نماز کردم و رکوع و سجود به جای آوردم.

پس از این که آن حضرت نماز مرا ملاحظه کرد، فرمود: ای حمّاد! تو نماز خوب نخواندی، چقدر زشت است برای شیعه‌ای شصت ـ یا هفتاد ـ سال از عمر او بگذرد و یک نماز را با رعایت همهٔ حدود آن به جا نیاورده باشد.

حمّاد گوید: از این سخن امام، احساس شرمندگی کردم و گفتم: فدایت گردم! نماز را به من بیاموز.

فَقَامَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ مُنْتَصِباً، فَأَرْسَلَ يَدَيْهِ جَمِيعاً عَلَى فَخِذَيْهِ قَدْ ضَمَّ أَصَابِعَهُ وَ قَرَّبَ بَيْنَ قَدَمَيْهِ حَتَّى كَانَ بَيْنَهُمَا قَدْرُ ثَلَاثِ أَصَابِعَ مُنْفَرِجَاتٍ وَ اسْتَقْبَلَ بِأَصَابِعِ رِجْلَيْهِ جَمِيعاً الْقِبْلَةَ لَمْ يُحَرِّفْهُمَا عَنِ الْقِبْلَةِ وَ قَالَ بِخُشُوعٍ: «**اللهُ أَكْبَرُ**» ثُمَّ قَرَأَ الْحَمْدَ بِتَرْتِيلٍ وَ ﴿**قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ**﴾.

ثُمَّ صَبَرَ هُنَيَّةً بِقَدْرِ مَا يَتَنَفَّسُ، وَ هُوَ قَائِمٌ ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ حِيَالَ وَجْهِهِ وَ قَالَ: «**اللهُ أَكْبَرُ**» وَ هُوَ قَائِمٌ ثُمَّ رَكَعَ وَ مَلَأَ كَفَّيْهِ مِنْ رُكْبَتَيْهِ مُنْفَرِجَاتٍ وَ رَدَّ رُكْبَتَيْهِ إِلَى خَلْفِهِ حَتَّى اسْتَوَى ظَهْرُهُ حَتَّى لَوْ صُبَّ عَلَيْهِ قَطْرَةٌ مِنْ مَاءٍ أَوْ دُهْنٍ لَمْ تَزُلْ لِاسْتِوَاءِ ظَهْرِهِ وَ مَدَّ عُنُقَهُ وَ غَمَّضَ عَيْنَيْهِ، ثُمَّ سَبَّحَ ثَلَاثاً بِتَرْتِيلٍ. فَقَالَ: «**سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ**».

امام صادق عليه السلام برخاست و رو به قبله ایستاد و قامت خود را راست گرفت و دست‌های خود را به طور کامل بینداخت تا بر ران‌هایش قرار گرفت، و بعد انگشتان دست را به هم چسبانید، و دو پای خود را نزدیک به هم گذاشت، تا به اندازهٔ سه انگشت باز میان دو پا فاصله ماند. آن گاه انگشتان پای را به طور کامل متوجّه قبله ساخت و پای را از قبله به چپ و راست منحرف نکرد و با حال خشوع گفت: «**اللّه اکبر**» سپس سورهٔ حمد را به ترتیل قرائت فرمود، و به همین ترتیب سورهٔ ﴿**قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ**﴾ را خواند.

سپس به اندازهٔ یک نفس کشیدن صبر کرد و در حالی که ایستاده بود، دست‌های خود را تا رو به روی صورت بلند کرد و گفت: «**اللّه اکبر**»، و همچنان ایستاده بود. سپس به رکوع رفت و دست‌ها را چنان بر زانوان گذاشت که گودی دو کف دست را برجستگی زانوها پر کرد، و انگشتانش گشوده بود، و زانوان را با فشاری به عقب زد تا پشت مبارکش صاف و مسطح شد، چنان که اگر قطره‌ای آب، یا روغنی بر پشت آن حضرت می‌ریختند، از جای خود حرکت نمی‌کرد.

حضرتش گردنش را کشید و چشمانش را بست. سپس سه بار با ترتیل و آرامی و شمرده تسبیح فرمود و گفت: «**سبحان ربی العظیم و بحمده**».

ثُمَّ اسْتَوَى قَائِماً فَلَمَّا اسْتَمْكَنَ مِنَ الْقِيَامِ قَالَ: «**سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ**». ثُمَّ كَبَّرَ وَ هُوَ قَائِمٌ وَ رَفَعَ يَدَيْهِ حِيَالَ وَجْهِهِ ثُمَّ سَجَدَ وَ بَسَطَ كَفَّيْهِ مَضْمُومَتَيِ الْأَصَابِعِ بَيْنَ يَدَيْ رُكْبَتَيْهِ حِيَالَ وَجْهِهِ. فَقَالَ: «**سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ**» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

وَ لَمْ يَضَعْ شَيْئاً مِنْ جَسَدِهِ عَلَى شَيْءٍ مِنْهُ وَ سَجَدَ عَلَى ثَمَانِيَةِ أَعْظُمٍ الْكَفَّيْنِ وَ الرُّكْبَتَيْنِ وَ أَنَامِلِ إِبْهَامَيِ الرِّجْلَيْنِ وَ الْجَبْهَةِ وَ الْأَنْفِ وَ قَالَ: سَبْعَةٌ مِنْهَا فَرْضٌ يُسْجَدُ عَلَيْهَا وَ هِيَ الَّتِي ذَكَرَهَا اللهُ فِي كِتَابِهِ.

فَقَالَ: ﴿**وَ أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَداً**﴾ وَ هِيَ الْجَبْهَةُ وَ الْكَفَّانِ وَ الرُّكْبَتَانِ وَ الْإِبْهَامَانِ وَ وَضْعُ الْأَنْفِ عَلَى الْأَرْضِ سُنَّةٌ.

و بعد حضرتش راست ایستاد، و چون به طور کامل به حالت ایستاده و مستقیم قرار گرفت، فرمود: «**سمع الله لمن حمده**».

آن گاه در حالی که ایستاده بود، دست‌های خود را تا نزدیک صورت خویش بلند کرد و همزمان با این حرکت، فرمود: «**الله اکبر**».

و بعد به سجده رفت و دو کف دست خود را در حالی که انگشتانش به هم چسبیده بود، مقابل زانوان، نزدیک صورت خویش بلند کرد و سه بار فرمود: «**سبحان ربی الأعلی وبحمده**» و سجده را چنان به جا آورد که هیچ عضوی از اعضای خود را بر عضو دیگری تکیه نداد و هنگام سجده هشت موضع را بر زمین نهاده بود: دو کف دست، دو زانو، دو شست پا، پیشانی و بینی، و فرمود: هفت موضع از این اعضا، واجب است که با آن‌ها سجده شود و این اعضا همان است که خدا درکتاب خود ذکر کرده و فرموده: «و به راستی سجده‌گاه از آن خداوند است. پس هرگز با وجود خدا کسی را فرانخوانید». سجده‌گاه‌ها عبارتند از: پیشانی، دو کف دست، دو زانو، دو شست پا. و بینی بر خاک نهادن سنّت است.

ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ السُّجُودِ، فَلَمَّا اسْتَوَى جَالِساً قَالَ: «**اللّهُ أَكْبَرُ**» ثُمَّ قَعَدَ عَلَى فَخِذِهِ الْأَيْسَرِ وَ قَدْ وَضَعَ ظَاهِرَ قَدَمِهِ الْأَيْمَنِ عَلَى بَطْنِ قَدَمِهِ الْأَيْسَرِ وَ قَالَ: «**أَسْتَغْفِرُ اللّهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ**».

ثُمَّ كَبَّرَ وَ هُوَ جَالِسٌ وَ سَجَدَ السَّجْدَةَ الثَّانِيَةَ وَ قَالَ كَمَا قَالَ فِي الْأُولَى، وَ لَمْ يَضَعْ شَيْئاً مِنْ بَدَنِهِ عَلَى شَيْءٍ مِنْهُ فِي رُكُوعٍ وَ لَا سُجُودٍ وَ كَانَ مُجَنِّحاً وَ لَمْ يَضَعْ ذِرَاعَيْهِ عَلَى الْأَرْضِ.

فَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ عَلَى هَذَا وَ يَدَاهُ مَضْمُومَتَا الْأَصَابِعِ وَ هُوَ جَالِسٌ فِي التَّشَهُّدِ، فَلَمَّا فَرَغَ مِنَ التَّشَهُّدِ سَلَّمَ. فَقالَ: يَا حَمَّادُ! هَكَذَا صَلِّ.

سپس سر از سجده بر داشت و وقتی نشست فرمود: «**اللّه اکبر**».

آن گاه بر ران چپ خود نشست بدین شکل که پشت پای راستش را درون پای چپ ـ یا کف پای چپ ـ قرار داد، و در این حال فرمود: «**استغفراللّه رَبی و أتوب إلیه**» و در همان حال که نشسته بود، فرمود: «اللّٰه اکبر» و به سجدهٔ دوم رفت، و همان افعال و اقوالی را که در سجده‌های اول انجام داده بود به جای آورد و در رکوع و سجود هر عضوی از بدنش را بر عضوی دیگر نگذارد، بلکه به صورت بال‌وار بود بازوان خود را از دو طرف شانه گشوده و بالاتر از زمین نگه داشته و بر زمین نگذاشته بود.

به این ترتیب آن حضرت دو رکعت نماز خواند و انگشتان دو دستش به هم چسبیده بود و در حال تشهّد نیز نشسته بود، و چون از تشهّد فارغ شد، سلام داد و بعد فرمود: ای حمّاد! این چنین نماز بخوان.

(۲۱)
بَابُ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: إِذَا قُمْتُ لِلصَّلاَةِ أَقْرَأُ ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ﴾ فِي فَاتِحَةِ الْقُرْآنِ؟
قَالَ: نَعَمْ.
قُلْتُ: فَإِذَا قَرَأْتُ فَاتِحَةَ الْقُرْآنِ أَقْرَأُ ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ﴾ مَعَ السُّورَةِ؟
قَالَ: نَعَمْ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي عِمْرَانَ الْهَمْدَانِيِّ قَالَ:
كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَا تَقُولُ فِي رَجُلٍ ابْتَدَأَ بِـ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ» فِي صَلاَتِهِ وَحْدَهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ، فَلَمَّا صَارَ إِلَى غَيْرِ أُمِّ الْكِتَابِ مِنَ السُّورَةِ تَرَكَهَا. فَقَالَ الْعَبَّاسِيُّ: لَيْسَ بِذَلِكَ بَأْسٌ.
فَكَتَبَ بِخَطِّهِ: يُعِيدُهَا مَرَّتَيْنِ عَلَى رَغْمِ أَنْفِهِ. يَعْنِي الْعَبَّاسِيَّ.

بخش بیست و یکم
قرائت قرآن

۱ ـ معاویة بن عمّار گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: هرگاه برای نماز برخاستم، ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ﴾ را در سورهٔ حمد بخوانم؟
فرمود: آری.
عرض کردم: چون حمد را خواندم، آیا با سوره نیز ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ﴾ را بخوانم؟
فرمود: آری.

۲ ـ یحیی بن ابی عمران همدانی گوید: طی نامه‌ای به امام جواد عليه السلام نوشتم: فدایت شوم! چه می‌فرمایید دربارهٔ کسی که در نماز خود، فقط در سورهٔ حمد ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ﴾ می‌گوید و چون به سوره می‌رسد، آن را ترک می‌کند که عباسی [1] در این باره گفته است که اشکالی ندارد.
حضرت با خط مبارک خویش نوشت: بر خلاف سخن او، «بسم‌الله» در هر دو مورد خوانده شود.

---

۱ ـ عباسی، همان هشام بن ابراهیم عبّاسی است که با امام رضا و امام جواد عليهما السلام مخالف بوده است.

۳ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيّ عَنْ عَبَّادِ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ عَمْرِو بْنِ مُصْعَبٍ عَنْ فُرَاتِ بْنِ أَحْنَفَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

أَوَّلُ كُلِّ كِتَابٍ نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ ﴿**بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ**﴾، فَإِذَا قَرَأْتَ ﴿**بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ**﴾ فَلاَ تُبَالِي أَلَّا تَسْتَعِيذَ، وَ إِذَا قَرَأْتَ ﴿**بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ**﴾ سَتَرَتْكَ فِيما بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: الْقِرَاءَةُ فِي الصَّلاَةِ فِيهَا شَيْءٌ مُوَقَّتٌ؟

قَالَ: لَا، إِلَّا الْجُمُعَةَ تَقْرَأُ فِيهَا الْجُمُعَةَ وَ الْمُنَافِقِينَ.

٥ ـ عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا كُنْتَ خَلْفَ إِمَامٍ فَقَرَأَ الْحَمْدَ وَ فَرَغَ مِنْ قِرَاءَتِهَا فَقُلْ أَنْتَ: «**الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ**»، وَ لَا تَقُلْ: آمِينَ.

۳ـ فرات بن احنف گوید: از امام باقر عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

آغاز هر کتابی که از آسمان نازل شده ﴿**بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ**﴾ است و چون «بسم اللّٰه الرحمان الرحیم» را خواندی، اگر استعاذه نکنی اشکالی ندارد، و هرگاه ﴿**بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ**﴾ را خواندی، از آن‌چه در میان آسمانها و زمین است تو را حفظ می‌کند.

۴ ـ محمّد بن مسلم گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: آیا در قرائت نمازهای یومیه سوره‌های معیّنی باید خوانده شود؟

فرمود: نه، مگر در نماز جمعه که در این نماز، باید سورهٔ جمعه و منافقین خوانده شود.

۵ ـ جمیل گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه پشت سر امام جماعت نماز می‌خوانی، و امام، سورهٔ حمد را می‌خواند و از قرائت آن فارغ می‌شود، بگو: «**الحمدللّٰه ربّ العالمین**» و «آمین» نگو.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ وَ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام قَالَ:

لَا يُكْتَبُ مِنَ الْقِرَاءَةِ وَ الدُّعَاءِ إِلَّا مَا أَسْمَعَ نَفْسَهُ.

٧ـ أَبُو دَاوُدَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ حَسَنٍ الصَّيْقَلِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام: أَيُجْزِئُ عَنِّي أَنْ أَقْرَأَ فِي الْفَرِيضَةِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَحْدَهَا إِذَا كُنْتُ مُسْتَعْجِلاً، أَوْ أَعْجَلَنِي شَيْءٌ.

فَقَالَ: لَا بَأْسَ.

٨ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ:

صَلَّى بِنَا أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام الْمَغْرِبَ، فَقَرَأَ بِالْمُعَوِّذَتَيْنِ فِي الرَّكْعَتَيْنِ.

٩ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ:

۶ـ زراره گويد: امام باقر عليه‌السلام فرمود:

از قرائت و دعا هيچ چيز به حساب شخص نگاشته نمی‌شود مگر آن‌چه که خود آن را بشنود.

۷ـ حسن صيقل گويد: به امام صادق عليه‌السلام عرض كردم: آيا كافی است كه در نماز واجب در صورتی كه عجله دارم يا كاری فوری برايم پيش آمده، فقط سورهٔ حمد را بخوانم؟

فرمود: اشكالی ندارد.

۸ ـ صفوان جمّال گويد: امام صادق عليه‌السلام نماز مغرب را با جماعت بر ما اقامه نمود و در دو ركعت (اوّل و دوم) معوذتين (يعنی سورهٔ فلق و ناس) را خواند.

۹ ـ عبد اللّه بن سنان گويد: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

يَجُوزُ لِلْمَرِيضِ أَنْ يَقْرَأَ فِي الْفَرِيضَةِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَحْدَهَا، وَ يَجُوزُ لِلصَّحِيحِ فِي قَضَاءِ صَلاَةِ التَّطَوُّعِ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ.

۱۰ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِنَّمَا يُكْرَهُ أَنْ يُجْمَعَ بَيْنَ السُّورَتَيْنِ فِي الْفَرِيضَةِ، فَأَمَّا النَّافِلَةُ فَلاَ بَأْسَ.

۱۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى بِإِسْنَادٍ لَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

يُكْرَهُ أَنْ يُقْرَأَ ﴿**قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ**﴾ فِي نَفَسٍ وَاحِدٍ.

۱۲ ـ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

لَا تَقْرَأْ فِي الْمَكْتُوبَةِ بِأَقَلَّ مِنْ سُورَةٍ وَ لَا بِأَكْثَرَ.

۱۳ ـ أَبُو دَاوُدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يَقُولُ:

بیمار می‌تواند در نماز واجب، فقط سورهٔ حمد را بخواند، و برای غیر بیمار نیز جایز است که در قضای نمازهای نافلهٔ شبانه روز خود فقط سورهٔ حمد را بخواند.

۱۰ ـ زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

مکروه است که در نماز واجب، دو سوره با هم خوانده شود، اما در نماز نافله اشکالی ندارد.

۱۱ ـ محمّد بن یحیی با اسناد خود گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

مکروه است که ﴿**قل هو الله احد**﴾ به یک نفس در نماز خوانده شود.

۱۲ ـ منصور بن حازم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

در نماز واجب از یک سوره کمتر و یا بیشتر مخوان.

۱۳ ـ صفوان جمّال گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

صَلاَةُ الْأَوَّابِينَ الْخَمْسُونَ كُلُّهَا بـ ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾.

١٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي هَارُونَ الْمَكْفُوفِ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام ـ وَ أَنَا حَاضِرٌ ـ كَمْ يُقْرَأُ فِي الزَّوَالِ؟

فَقالَ: ثَمَانِينَ آيَةً.

فَخَرَجَ الرَّجُلُ فَقالَ: يَا أَبَا هَارُونَ! هَلْ رَأَيْتَ شَيْخاً أَعْجَبَ مِنْ هَذَا الَّذِي سَأَلَنِي عَنْ شَيْءٍ فَأَخْبَرْتُهُ وَ لَمْ يَسْأَلْنِي عَنْ تَفْسِيرِهِ؛ هَذَا الَّذِي يَزْعُمُ أَهْلُ الْعِرَاقِ أَنَّهُ عَاقِلُهُمْ يَا أَبَا هَارُونَ! إِنَّ الْحَمْدَ سَبْعُ آيَاتٍ وَ ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ ثَلاَثُ آيَاتٍ، فَهَذِهِ عَشْرُ آيَاتٍ وَ الزَّوَالَ ثَمَانُ رَكَعَاتٍ، فَهَذِهِ ثَمَانُونَ آيَةً.

١٥ ـ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِئَابٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ هَلْ يَقْرَأُ الرَّجُلُ فِي صَلاَتِهِ وَ ثَوْبُهُ عَلَى فِيهِ؟

قَالَ: لَا بَأْسَ بِذَلِكَ إِذَا أَسْمَعَ أُذُنَيْهِ الْهَمْهَمَةَ.

نماز توّابین (توبه کنندگان) پنجاه رکعت است که همهٔ آنها با ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ خوانده می‌شود.

۱۴ ـ ابوهارون مکفوف گوید: در خدمت امام صادق عليه السلام حضور داشتم که شخصی از حضرتش پرسید: در نافلهٔ ظهر چند آیه باید خواند؟

فرمود: هشتاد آیه.

مرد بیرون رفت. امام عليه السلام فرمود: ای ابا هارون! آیا پیر مردی عجیبتر از این شخص دیده‌ای؟ چیزی از من پرسید و به او پاسخ دادم، امّا تفسیر آن را از من نپرسید! مردم عراق گمان می‌کنند که او عاقلترین آنهاست.

ای ابا هارون! به راستی که سورهٔ حمد هفت آیه و ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ سه آیه است که در مجموع ده آیه می‌شوند، و نافلهٔ ظهر هشت رکعت است. پس این هشتاد آیه شد.

۱۵ ـ حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا کسی می‌تواند در حالی که لباسش روی دهانش را گرفته، نماز گزارد؟

فرمود: اشکالی ندارد، در صورتی که گوش‌هایش، صدایش را بشنوند.

١٦ ـ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام:

يُجْزِئُكَ مِنَ الْقِرَاءَةِ مَعَهُمْ مِثْلُ حَدِيثِ النَّفْسِ.

١٧ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ:

تَلْبِيَةُ الْأَخْرَسِ وَ تَشَهُّدُهُ وَ قِرَاءَتُهُ لِلْقُرْآنِ فِي الصَّلَاةِ تَحْرِيكُ لِسَانِهِ وَ إِشَارَتُهُ بِإِصْبَعِهِ.

١٨ ـ وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام أَنَّهُ قَالَ فِي الرَّجُلِ يَنْسَى حَرْفاً مِنَ الْقُرْآنِ فَيَذْكُرُ وَ هُوَ رَاكِعٌ هَلْ يَجُوزُ لَهُ أَنْ يَقْرَأَ فِي الرُّكُوعِ؟

قَالَ: لَا، وَ لَكِنْ إِذَا سَجَدَ فَلْيَقْرَأْ.

---

۱۶ ـ راوی گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

هنگام نماز خواندن با آنها (سنّی‌ها) صدایت برای قرائت، به همان اندازه‌ای که خودت می‌شنوی، کافی است.

۱۷ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

لبّیک گفتن شخص گنگ و لال، تشهّد و قرآن خواندن او در نماز، حرکت دادن زبان و اشارهٔ با انگشتان اوست.

۱۸ ـ عمّار بن موسی گوید: امام صادق عليه‌السلام دربارهٔ کسی که حرفی از قرآن را (در قرائت نماز) فراموش می‌کند و در حال رکوع به یادش می‌آید، در این که آیا برای او جایز است که در رکوع آن را بخواند یا نه؟ فرمود:

نه، ولی چون سجده رفت، آن را بخواند.

١٩ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُبْدُوسٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَاوِيَةَ عَنْ أَبِي عَلِيِّ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه‌السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنَّكَ كَتَبْتَ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ الْفَرَجِ تُعَلِّمُهُ أَنَّ أَفْضَلَ مَا تَقْرَأُ فِي الْفَرَائِضِ بِـ ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ﴾ وَ ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ وَ إِنَّ صَدْرِي لَيَضِيقُ بِقِرَاءَتِهِمَا فِي الْفَجْرِ.

فَقالَ عليه‌السلام: لَا يَضِيقَنَّ صَدْرُكَ بِهِمَا، فَإِنَّ الْفَضْلَ ـ وَ اللهِ ـ فِيهِمَا.

٢٠ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ:

صَلَّيْتُ خَلْفَ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام أَيَّاماً فَكَانَ إِذَا كَانَتْ صَلَاةٌ لَا يُجْهَرُ فِيهَا جَهَرَ بِـ ﴿بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ﴾ وَ كَانَ يَجْهَرُ فِي السُّورَتَيْنِ جَمِيعاً.

٢١ ـ وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿وَ لا تَجْهَرْ بِصَلاتِكَ وَ لا تُخافِتْ بِها﴾.

قَالَ: الْمُخَافَتَةُ مَا دُونَ سَمْعِكَ، وَ الْجَهْرُ أَنْ تَرْفَعَ صَوْتَكَ شَدِيداً.

---

١٩ ـ ابو على بن راشد گويد: به امام على النقى عليه‌السلام عرض كردم: فدايت شوم! شما به محمّد بن فرج نوشته‌ايد و به او تعليم داده‌ايد كه بهترين سوره‌اى كه در نمازهاى واجب خوانده مى‌شود، ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ﴾ و ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ است و سينهٔ من به هنگام خواندن اين دو سوره در نماز صبح تنگ مى‌شود.

فرمود: سينهٔ تو براى خواندن اين دو سوره تنگ نشود، زيرا به خدا سوگند كه فضيلت در اين دو سوره است.

٢٠ ـ صفوان جمّال گويد: مدّتى به امامت امام صادق عليه‌السلام نماز گزاردم. حضرتش در نمازهايى كه قرائت در آنها آهسته است، در هر دو سوره ﴿بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ﴾ را بلند مى‌خواند.

٢١ ـ سماعه گويد: از امام عليه‌السلام دربارهٔ فرمايش خداى تعالى كه مى‌فرمايد: «صداى خود را به نماز بلند نكن و آهسته هم نخوان» پرسيدم.

فرمود: آهسته آن است كه خود نيز نشنوى، و بلند خواندن آن است كه آواز خود را سخت بلند كنى.

۲۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ: حَدَّثَنِي مُعَاذُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ علیه‌السلام أَنَّهُ قَالَ:

لَا تَدَعْ أَنْ تَقْرَأَ بِـ ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ وَ ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ فِي سَبْعِ مَوَاطِنَ: فِي الرَّكْعَتَيْنِ قَبْلَ الْفَجْرِ، وَ رَكْعَتَيِ الزَّوَالِ، وَ رَكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ، وَ رَكْعَتَيْنِ مِنْ أَوَّلِ صَلَاةِ اللَّيْلِ، وَ رَكْعَتَيِ الْإِحْرَامِ، وَ الْفَجْرِ إِذَا أَصْبَحْتَ بِهَا، وَ رَكْعَتَيِ الطَّوَافِ.

وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: أَنَّهُ يُبْدَأُ فِي هَذَا كُلِّهِ بِـ ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ وَ فِي الرَّكْعَةِ الثَّانِيَةِ بِـ ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ إِلَّا فِي الرَّكْعَتَيْنِ قَبْلَ الْفَجْرِ، فَإِنَّهُ يُبْدَأُ بِـ ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ ثُمَّ يُقْرَأُ فِي الرَّكْعَةِ الثَّانِيَةِ بِـ ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾.

۲۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللهِ علیه‌السلام عَنِ الرَّجُلِ يَؤُمُّ الْقَوْمَ فَيَغْلَطُ.

قَالَ: يَفْتَحُ عَلَيْهِ مَنْ خَلْفَهُ.

---

۲۲ ـ معاذ بن مسلم گوید: امام صادق علیه‌السلام فرمود:

در هفت موضع، خواندن ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ و ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ را ترک مکن: در دو رکعت نافلهٔ صبح، دو رکعت نافلهٔ ظهر، دو رکعت نافلهٔ مغرب، دو رکعت اوّل نماز شب، دو رکعت احرام، دو رکعت نافلهٔ نماز صبح ـ اگر فجر را با آن دو آغاز کنی ـ و دو رکعت طواف.

و در روایت دیگری آمده: تمام نمازهای مذکور با ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ آغاز شود و در رکعت دوم ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ خوانده شود، مگر در دو رکعت نافلهٔ صبح که با ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ آغاز گردد، سپس در رکعت دوم، ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ خواند شود.

۲۳ ـ محمّد بن مسلم گوید: از امام صادق علیه‌السلام پرسیدند: کسی که بر گروهی امامت می‌کند و راه قرائت بر او بسته می‌شود (یعنی فراموش می‌کند یا به غلط می‌افتد چه وظیفه‌ای دارد؟).

فرمود: کسی که پشت سر اوست، باید راه را بر او بگشاید (یعنی به یاد او بیاورد و یا غلط او را اصلاح کند).

٢٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ فِي الرَّجُلِ يُصَلِّي فِي مَوْضِعٍ ثُمَّ يُرِيدُ أَنْ يَتَقَدَّمَ.

قَالَ: يَكُفُّ عَنِ الْقِرَاءَةِ فِي مَشْيِهِ حَتَّى يَتَقَدَّمَ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي يُرِيدُ ثُمَّ يَقْرَأُ.

٢٥ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: الرَّجُلُ يَقُومُ فِي الصَّلاَةِ فَيُرِيدُ أَنْ يَقْرَأَ سُورَةً فَيَقْرَأُ ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ وَ ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾.

فَقالَ: يُرْجَعُ مِنْ كُلِّ سُورَةٍ إِلَّا مِنْ ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ وَ مِنْ ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾.

٢٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ عَنْ صَابِرٍ مَوْلَى بَسَّامٍ قَالَ:

أَمَّنَا أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام فِي الصَّلاَةِ الْمَغْرِبِ. فَقَرَأَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ. ثُمَّ قَالَ: هُمَا مِنَ الْقُرْآنِ.

---

۲۴ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام در مورد کسی که در مکانی نماز می‌خواند و می‌خواهد در همان حال نماز، اندکی به جلو حرکت کند، فرمود:

باید در هنگام راه رفتن، از قرائت دست بکشد تا آنجا که می‌خواهد پیش برود، سپس قرائت را ادامه دهد.

۲۵ ـ عمرو بن ابی نصر گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: شخصی به نماز می‌ایستد و می‌خواهد سوره‌ای بخواند، ولی (از روی اشتباه) سورهٔ ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ و ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ را می‌خواند.

فرمود: از هر سوره‌ای که از روی اشتباه آن را شروع کرده، باید باز گردد، مگر سورهٔ ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ وَ ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾.

۲۶ ـ صابر گوید: نماز مغرب را به امامت امام صادق عليه السلام خواندیم، حضرتش دو سورهٔ معوذتین (سورهٔ فلق و ناس) را خواند، سپس فرمود:

این دو سوره از سوره‌های قرآنند [1].

---

۱ ـ این سخن در ابطال گفتار جماعتی از عامّه است که این دو سوره را از قرآن نمی‌دانند.

۲۷ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يُسْمِعَ مَنْ خَلْفَهُ وَ إِنْ كَثُرُوا؟

فَقَالَ: لِيَقْرَأْ قِرَاءَةً وَسَطاً، يَقُولُ اللهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: ﴿وَ لا تَجْهَرْ بِصَلاتِكَ وَ لا تُخافِتْ بِها﴾.

۲۸ ـ عَلِيٌّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الَّذِي لَا يَقْرَأُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ فِي صَلَاتِهِ.

قَالَ: لَا صَلَاةَ لَهُ إِلَّا أَنْ يَبْدَأَ بِهَا فِي جَهْرٍ أَوْ إِخْفَاتٍ.

قُلْتُ: أَيُّهُمَا أَحَبُّ إِلَيْكَ إِذَا كَانَ خَائِفاً أَوْ مُسْتَعْجِلاً يَقْرَأُ بِسُورَةٍ أَوْ فَاتِحَةِ الْكِتَابِ؟

قَالَ: فَاتِحَةَ الْكِتَابِ.

---

۲۷ ـ عبداللّه بن سنان گويد: به امام صادق عليه السلام عرض كردم: آيا بر امام جماعت لازم است كه صداى قرائت خود را به‌گوش كسانى كه پشت سر او هستند برساند، گرچه بسيار باشند؟

فرمود: بايد قرائت را با صداى متوسّط بخواند، زيرا خداوند تبارک و تعالى مى‌فرمايد: «نمازت را بلند مخوان، و بسيار آهسته نيز مخوان».

۲۸ ـ محمّد بن مسلم گويد: از آن حضرت (امام باقر يا امام صادق عليهما السلام) پرسيدم: كسى كه در نماز خود سوره حمد را نمى‌خواند (چه حكمى دارد؟)

فرمود: نمازى براى او نيست، مگر اين كه در نمازهاى جهرى و يا اخفاتى نماز را با سورهٔ حمد شروع كند.

عرض كردم: به نظر شما اگر از چيزى بترسد، يا عجله داشته باشد، بهتر است كدام يک را بخواند: حمد يا سوره‌اى ديگر را؟

فرمود: سورهٔ حمد را بخواند.

(۲۲)
بَابُ عَزَائِمِ السُّجُودِ

۱ ـ جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا قَرَأْتَ شَيْئاً مِنَ الْعَزَائِمِ الَّتِي يُسْجَدُ فِيهَا فَلاَ تُكَبِّرْ قَبْلَ سُجُودِكَ، وَ لَكِنْ تُكَبِّرُ حِينَ تَرْفَعُ رَأْسَكَ وَ الْعَزَائِمُ أَرْبَعٌ: حم السَّجْدَةُ، وَ تَنْزِيلٌ، وَ النَّجْمُ، وَ ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ﴾.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ:

إِذَا قُرِئَ شَيْءٌ مِنَ الْعَزَائِمِ الْأَرْبَعِ فَسَمِعْتَهَا فَاسْجُدْ، وَ إِنْ كُنْتَ عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ، وَ إِنْ كُنْتَ جُنُباً، وَ إِنْ كَانَتِ الْمَرْأَةُ لَا تُصَلِّي، وَ سَائِرُ الْقُرْآنِ أَنْتَ فِيهِ بِالْخِيَارِ، إِنْ شِئْتَ سَجَدْتَ، وَ إِنْ شِئْتَ لَمْ تَسْجُدْ.

بخش بیست و دوم
سوره‌هایی که دارای سجده واجب هستند

۱ ـ عبد اللّه بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه آیه‌ای را که سجده دارد، خواندی، پیش از سجده تکبیر نگو، ولی هنگامی که سر از سجده بر داشتی، تکبیر بگو، و سوره‌هایی که آیهٔ سجده دارند، چهار سوره هستند: حم سجده، تنزیل (الم سجده)، نجم و «اقرأ باسم ربّك».

۲ ـ ابو بصیر گوید: امام عليه السلام فرمود:

هرگاه آیه سجده داری از سوره‌های چهارگانه خوانده شود و آن را بشنوی، سجده کن گرچه وضو نداشته باشی، اگر چه جنب باشی و هم چنین است اگر زنی (به علت حیض یا نفاس) نماز نمی‌خواند، ولی آن آیه را بشنود، و در سوره‌های دیگر قرآن اختیار داری، اگر خواستی سجده کن و اگر نخواستی سجده نکن.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ سَمِعَ السَّجْدَةَ تُقْرَأُ.

قَالَ: لَا يَسْجُدُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مُنْصِتاً لِقِرَاءَتِهِ مُسْتَمِعاً لَهَا، أَوْ يُصَلِّيَ بِصَلَاتِهِ،فَأَمَّا أَنْ يَكُونَ يُصَلِّي فِي نَاحِيَةٍ وَ أَنْتَ تُصَلِّي فِي نَاحِيَةٍ أُخْرَى فَلاَ تَسْجُدْ لِمَا سَمِعْتَ.

٤ ـ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمانَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

إِنْ صَلَّيْتَ مَعَ قَوْمٍ فَقَرَأَ الْإِمَامُ ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ أَوْ شَيْئاً مِنَ الْعَزَائِمِ وَ فَرَغَ مِنْ قِرَاءَتِهِ وَ لَمْ يَسْجُدْ فَأَوْمِ إِيمَاءً، وَ الْحَائِضُ تَسْجُدُ إِذَا سَمِعَتِ السَّجْدَةَ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يَقْرَأُ بِالسَّجْدَةِ فِي آخِرِ السُّورَةِ.

قَالَ: يَسْجُدُ ثُمَّ يَقُومُ فَيَقْرَأُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ ثُمَّ يَرْكَعُ وَ يَسْجُدُ.

---

۳ ـ عبداللّٰه بن سنان گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد کسی که آیهٔ سجده را می‌شنود، پرسیدم.

فرمود: سجده لازم نیست، مگر این که در حال سکوت قرائت قاری را بشنود، یا این که با او (به جماعت) نماز می‌گزارد، اما اگر قاری در گوشه‌ای نماز می‌خواند و تو در گوشه‌ای دیگر، برای آن‌چه که شنیده‌ای، سجده لازم نیست.

۴ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

اگر با گروهی نماز گزاردی و امام جماعت ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ یا آیه‌ای از سوره‌های سجده دار را خواند و از قرائت خود فارغ شد و سجده نکرد، پس تو با اشاره سجده کن، و زن حائض نیز هرگاه آیهٔ سجده را بشنود، باید سجده کند.

۵ ـ حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد کسی که آیهٔ سجده را در آخر سوره می‌خواند، سؤال شد.

فرمود: به سجده می‌رود، سپس بر می‌خیزد و حمد را می‌خواند و پس از آن به رکوع می‌رود و سجده می‌کند.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام قَالَ:
لَا تَقْرَأْ فِي الْمَكْتُوبَةِ بِشَيْءٍ مِنَ الْعَزَائِمِ، فَإِنَّ السُّجُودَ زِيَادَةٌ فِي الْمَكْتُوبَةِ.

(٢٣)
بَابُ الْقِرَاءَةِ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ وَ التَّسْبِيحِ فِيهِمَا

١ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الْقِرَاءَةِ خَلْفَ الْإِمَامِ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ.
فَقَالَ: الْإِمَامُ يَقْرَأُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ مَنْ خَلْفَهُ يُسَبِّحُ، فَإِذَا كُنْتَ وَحْدَكَ فَاقْرَأْ فِيهِمَا، وَ إِنْ شِئْتَ فَسَبِّحْ.

---

۶ ـ زراره از امام (باقر یا امام صادق علیهما السلام) روایت کرده که حضرتش فرمود:
در نمازهای واجب، هیچ یک از سوره‌هایی را که سجده دارند، مخوان؛ زیرا که سجده در نمازهای واجب باعث زیاد شدن (ارکان نماز) می‌شود.

بخش بیست و سوم
قرائت و تسبیح در دو رکعت آخر

۱ ـ معاویة بن عمّار گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد قرائت پشت سر امام جماعت در دو رکعت آخر پرسیدم.

فرمود: باید امام جماعت سورهٔ حمد را بخواند و کسی که پشت سر اوست، تسبیح بگوید، امّا اگر تنها و فرادا نماز بخوانی، در آن دو رکعت حمد را بخوان و اگر خواستی تسبیح بگو.

٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: مَا يُجْزِئُ مِنَ الْقَوْلِ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ.
قَالَ: أَنْ تَقُولَ: «**سُبْحَانَ اللهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَ اللهُ أَكْبَرُ**» وَ تُكَبِّرُ وَ تَرْكَعُ.

(٢٤)

بَابُ الرُّكُوعِ وَ مَا يُقَالُ فِيهِ مِنَ التَّسْبِيحِ وَ الدُّعَاءِ فِيهِ وَ إِذَا رَفَعَ الرَّأْسَ مِنْهُ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ وَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَرْكَعَ فَقُلْ وَ أَنْتَ مُنْتَصِبٌ: «**اللهُ أَكْبَرُ**».

---

٢ ـ زراره گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: در دو رکعت آخر چه ذکری کفایت می‌کند؟
فرمود: این که بگویی: «**سبحان اللّٰه و الحمدللّٰه و لا اله الاّ اللّٰه واللّٰه اکبر**»، سپس تکبیر می‌گویی و به رکوع می‌روی.

بخش بیست و چهارم

رکوع و تسبیح و دعای رکوع و ذکر پس از آن

١ ـ زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:
چون خواستی به رکوع بروی، در حالی که راست ایستاده‌ای بگو: «**اللّٰه اکبر**».

ثُمَّ ارْكَعْ وَ قُلْ: «**اللَّهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ وَ لَكَ أَسْلَمْتُ وَ بِكَ آمَنْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَ أَنْتَ رَبِّي خَشَعَ لَكَ قَلْبِي وَ سَمْعِي وَ بَصَرِي وَ شَعْرِي وَ بَشَرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ مُخِّي وَ عِظَامِي وَ عَصَبِي وَ مَا أَقَلَّتْهُ قَدَمَايَ غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ وَ لَا مُسْتَكْبِرٍ وَ لَا مُسْتَحْسِرٍ» سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ**». ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فِي تَرْتِيلٍ.

وَ تَصُفُّ فِي رُكُوعِكَ بَيْنَ قَدَمَيْكَ تَجْعَلُ بَيْنَهُمَا قَدْرَ شِبْرٍ وَ تُمَكِّنُ رَاحَتَيْكَ مِنْ رُكْبَتَيْكَ وَ تَضَعُ يَدَكَ الْيُمْنَى عَلَى رُكْبَتِكَ الْيُمْنَى قَبْلَ الْيُسْرَى وَ بَلِّغْ بِأَطْرَافِ أَصَابِعِكَ عَيْنَ الرُّكْبَةِ وَ فَرِّجْ أَصَابِعَكَ إِذَا وَضَعْتَهَا عَلَى رُكْبَتَيْكَ وَ أَقِمْ صُلْبَكَ وَ مُدَّ عُنُقَكَ، وَ لْيَكُنْ نَظَرُكَ بَيْنَ قَدَمَيْكَ.

ثُمَّ قُلْ: «**سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ**». وَ أَنْتَ مُنْتَصِبٌ قَائِمٌ: «**الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ أَهْلَ الْجَبَرُوتِ وَ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْعَظَمَةُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ**» تَجْهَرُ بِهَا صَوْتَكَ، ثُمَّ تَرْفَعُ يَدَيْكَ بِالتَّكْبِيرِ وَ تَخِرُّ سَاجِداً.

سپس به رکوع برو و بگو: «**اللَّهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ وَ لَكَ أَسْلَمْتُ وَ بِكَ آمَنْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَ أَنْتَ رَبِّي خَشَعَ لَكَ قَلْبِي وَ سَمْعِي وَ بَصَرِي وَ شَعْرِي وَ بَشَرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ مُخِّي وَ عِظَامِي وَ عَصَبِي وَ مَا أَقَلَّتْهُ قَدَمَايَ غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ وَ لَا مُسْتَكْبِرٍ وَ لَا مُسْتَحْسِرٍ سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ**».

سپس سه مرتبه شمرده و با تأمّل می‌گویی: «**سبحان ربّي العظيم و بحمده**».

و میان دو قدم خود را در رکوع برابرکن و فاصلهٔ میان آنها را به اندازهٔ یک وجب قرار ده و دو کف خود را بر زانوان خویش بگذار و دست راست پیش از دست چپ بر آن بگذار و اطراف انگشتان خود را به اطراف زانو برسان، و چون انگشتان خود را بر زانوان خود گذاری، آنها را بازکن و پشت خود را راست گردان و گردن خویش را بِکش و باید نگاه و نظر تو در میان دو قدم تو باشد.سپس (در حالی که از رکوع بر می‌خیزی) بگو: «**سمع الله لمن حمده**» در حالی که راست ایستاده‌ای (می‌گویی: ««**الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ أَهْلَ الْجَبَرُوتِ وَ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْعَظَمَةُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ**» که صدای خود را به هنگام گفتن آن، بلند می‌کنی، سپس دست‌های خود را به تکبیر بلند می‌نمایی و به سجده می‌افتی.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام فَقُلْتُ: مَا يَقُولُ الرَّجُلُ خَلْفَ الْإِمَامِ إِذَا قَالَ: «**سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ**» ؟

قَالَ: يَقُولُ: «**الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ**»، وَ يَخْفِضُ مِنْ صَوْتِهِ.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:

إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَرْكَعَ وَ تَسْجُدَ فَارْفَعْ يَدَيْكَ وَ كَبِّرْ ثُمَّ ارْكَعْ وَ اسْجُدْ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام مَنْ لَمْ يُقِمْ صُلْبَهُ فِي الصَّلَاةِ فَلَا صَلَاةَ لَهُ.

---

۲ ـ جمیل بن درّاج گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: وقتی امام جماعت می‌گوید: «**سمع الله لمن حمده**» مأمون باید چه بگوید؟

فرمود: آهسته می‌گوید: «**الحمدلله ربّ العالمین**».

۳ ـ زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

هرگاه خواستی به رکوع بروی و سجده کنی، دست‌های خود را بلند کن و تکبیر بگو، سپس رکوع و سجده کن.

۴ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

امیرمؤمنان علی صلوات الله علیه فرمود: هر کس در نماز پشت خود را راست نکند، او را نماز کاملی نیست.

۵ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ قَالَ:

رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام يَرْكَعُ رُكُوعاً أَخْفَضَ مِنْ رُكُوعِ كُلِّ مَنْ رَأَيْتُهُ يَرْكَعُ، وَكَانَ إِذَا رَكَعَ جَنَّحَ بِيَدَيْهِ.

٦ ـ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ مِنَ الرُّكُوعِ فَأَقِمْ صُلْبَكَ فَإِنَّهُ لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَا يُقِيمُ صُلْبَهُ.

٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ السِّنْدِيِّ بْنِ الرَّبِيعِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي مَنْزِلِهِ بِالْمَدِينَةِ. فَقَالَ مُبْتَدِئاً:

مَنْ أَتَمَّ رُكُوعَهُ لَمْ تَدْخُلْهُ وَحْشَةٌ فِي الْقَبْرِ.

٨ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ هِشَامٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يُجْزِئُ عَنِّي أَنْ أَقُولَ مَكَانَ التَّسْبِيحِ فِي الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ: «**لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَ اللهُ أَكْبَرُ**» ؟

قَالَ: نَعَمْ.

---

۵ ـ اسماعیل بن بزیع گوید:

ابا الحسن عليه السلام را دیدم که در رکوع از همه بیشتر خم می‌شد و عادت آن حضرت بود که هرگاه به رکوع می‌رفت، بر دو کف دست خود تکیه می‌کرد.

۶ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

چون سر را از رکوع برداشتی، پشت خود را راست گردان؛ زیرا کسی که در این حال پشت خود را راست نکند، او را نمازی نیست.

۷ ـ سعید بن جناح گوید: در مدینه در خانۀ امام باقر عليه السلام در خدمت آن حضرت بودم که ابتداءً فرمود:

کسی که رکوع خود را کامل کند، در قبر وحشت و ترس بر او وارد نشود.

۸ ـ هشام گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا کفایت می‌کند که در رکوع و سجود به جای تسبیح «**لا اله الا اللّٰه و اللّٰه اکبر**» بگویم؟

فرمود: آری.

۹ـ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ قَالَ:
رَآنِي أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام بِالْمَدِينَةِ، وَ أَنَا أُصَلِّي وَ أَنْكُسُ بِرَأْسِي وَ أَتَمَدَّدُ فِي رُكُوعِي.
فَأَرْسَلَ إِلَيَّ: لَا تَفْعَلْ.

(۲۵)
بَابُ السُّجُودِ وَ التَّسْبِيحِ وَ الدُّعَاءِ فِيهِ فِي الْفَرَائِضِ وَ النَّوَافِلِ وَ مَا يُقَالُ بَيْنَ السَّجْدَتَيْنِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:
إِذَا سَجَدْتَ فَكَبِّرْ وَ قُلِ: «**اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَ بِكَ آمَنْتُ وَ لَكَ أَسْلَمْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَ أَنْتَ رَبِّي سَجَدَ وَجْهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ وَ شَقَّ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ تَبَارَكَ اللهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ**».

---

۹ ـ علی بن عقبه گوید: امام کاظم عليه السلام مرا در مدینه دید که نماز می‌گزارم و سر خود را زیر می‌افکندم و در رکوع خود را می‌کشیدم.
آن حضرت برای من پیغام فرستاد که چنین مکن.

بخش بیست و پنجم
سجده، تسبیح، دعای سجدهٔ نمازهای واجب و مستحب و آن چه میان دو سجده گفته می‌شود

۱ ـ حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
هرگاه سجده کردی، تکبیر بگو و این دعا را بخوان: «**اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَ بِكَ آمَنْتُ وَ لَكَ أَسْلَمْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَ أَنْتَ رَبِّي سَجَدَ وَجْهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ وَ شَقَّ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ تَبَارَكَ اللهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ**».

ثُمَّ قُلْ: «**سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ**»، ثَلاَثَ مَرَّاتٍ.

فَإِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ فَقُلْ بَيْنَ السَّجْدَتَيْنِ: «**اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي وَ أَجِرْنِي وَ ادْفَعْ عَنِّي إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ تَبَارَكَ اللهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ**».

۲ ـ جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حَفْصٍ الْأَعْوَرِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ عَلِيٌّ عليه السلام إِذَا سَجَدَ يَتَخَوَّى كَمَا يَتَخَوَّى الْبَعِيرُ الضَّامِرُ. يَعْنِي بُرُوكَهُ.

۳ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ قَالَ:

رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام إِذَا سَجَدَ يُحَرِّكُ ثَلاَثَ أَصَابِعَ مِنْ أَصَابِعِهِ وَاحِدَةً بَعْدَ وَاحِدَةٍ تَحْرِيكاً خَفِيفاً كَأَنَّهُ يَعُدُّ التَّسْبِيحَ، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ.

سپس سه بار بگو: «**سبحان ربی الاعلی و بحمده**» و چون سر را از سجده برداشتی بگو: «**اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي وَ أَجِرْنِي وَ ادْفَعْ عَنِّي إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ تَبَارَكَ اللهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ**».

۲ ـ حفص اعور گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

حضرت علی صلوات الله علیه را رسم چنان بود که چون سجده می‌کرد، اعضای خود را از یکدیگر دور می‌داشت، همچنان که شتر لاغر به هنگام خوابیدن چنین می‌کند.

۳ ـ محمّد بن اسماعیل گوید: امام رضا عليه السلام را دیدم که هرگاه به سجده می‌رفت، سه انگشت از انگشتان خویش را یکی پس از دیگری، آهسته تکان می‌داد، گویی تسبیح را می‌شمرد، سپس سر از سجده برمی‌داشت.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْأَحْوَلِ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَذَّاءِ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ وَ هُوَ سَاجِدٌ: «**أَسْأَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ إِلَّا بَدَّلْتَ سَيِّئَاتِي حَسَنَاتٍ، وَ حَاسَبْتَنِي حِسَاباً يَسِيراً**».

ثُمَّ قَالَ فِي الثَّانِيَةِ: «**أَسْأَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ إِلَّا كَفَيْتَنِي مَؤُونَةَ الدُّنْيَا وَ كُلَّ هَوْلٍ دُونَ الْجَنَّةِ**».

وَ قَالَ فِي الثَّالِثَةِ: «**أَسْأَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ لَمَّا غَفَرْتَ لِيَ الْكَثِيرَ مِنَ الذُّنُوبِ وَ الْقَلِيلَ وَ قَبِلْتَ مِنِّي عَمَلِيَ الْيَسِيرَ**».

ثُمَّ قَالَ فِي الرَّابِعَةِ: «**أَسْأَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ لَمَّا أَدْخَلْتَنِي الْجَنَّةَ وَ جَعَلْتَنِي مِنْ سُكَّانِهَا وَ لَمَّا نَجَّيْتَنِي مِنْ سَفَعَاتِ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ وَ صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ**».

---

۴ ـ ابو عبیدهٔ حذّاء گوید: از امام باقر عليه السلام شنیدم که در سجده (نخست) می‌فرمود: «**أَسْأَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ إِلَّا بَدَّلْتَ سَيِّئَاتِي حَسَنَاتٍ، وَ حَاسَبْتَنِي حِسَاباً يَسِيراً**».

سپس در سجدهٔ دوم می‌فرمود: «**أَسْأَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ إِلَّا كَفَيْتَنِي مَؤُونَةَ الدُّنْيَا وَ كُلَّ هَوْلٍ دُونَ الْجَنَّةِ**».

آنگاه در سجدهٔ سوم می‌فرمود: «**أَسْأَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ لَمَّا غَفَرْتَ لِيَ الْكَثِيرَ مِنَ الذُّنُوبِ وَ الْقَلِيلَ وَ قَبِلْتَ مِنِّي عَمَلِيَ الْيَسِيرَ**».

سپس در سجده چهارم می‌فرمود: «**أَسْأَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ لَمَّا أَدْخَلْتَنِي الْجَنَّةَ وَ جَعَلْتَنِي مِنْ سُكَّانِهَا وَ لَمَّا نَجَّيْتَنِي مِنْ سَفَعَاتِ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ وَ صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ**».

۵ ـ جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سُلَيْمانَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام عَنِ الرَّجُلِ يَذْكُرُ النَّبِيَّ صلى‌الله‌عليه‌وآله وَ هُوَ فِي الصَّلاَةِ الْمَكْتُوبَةِ إِمَّا رَاكِعاً وَ إِمَّا سَاجِداً، فَيُصَلِّي عَلَيْهِ وَ هُوَ عَلَى تِلْكَ الْحَالِ؟

فَقالَ: نَعَمْ، إِنَّ الصَّلاَةَ عَلَى نَبِيِّ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله كَهَيْئَةِ التَّكْبِيرِ وَ التَّسْبِيحِ وَ هِيَ عَشْرُ حَسَنَاتٍ يَبْتَدِرُهَا ثَمَانِيَةَ عَشَرَ مَلَكاً أَيُّهُمْ يُبَلِّغُهَا إِيَّاهُ.

٦ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ سَيَابَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام: أَدْعُو وَ أَنَا سَاجِدٌ؟

فَقالَ: نَعَمْ، فَادْعُ لِلدُّنْيَا وَ الآخِرَةِ فَإِنَّهُ رَبُّ الدُّنْيَا وَ الآخِرَةِ.

٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ:

---

۵ ـ عبداللّه بن سلیمان گوید: از امام صادق عليه‌السلام پرسیدم: کسی که در نماز واجب، پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله را یاد می‌کند و در حالی که در رکوع و یا سجده است، بر آن حضرت صلوات می‌فرستد که آیا چنین کاری جایز است؟

فرمود: آری، همانا صلوات بر پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مانند تکبیر تسبیح است و آن ده حسنه دارد و هجده فرشته بر یکدیگر پیشی می‌گیرند تا آن صلوات را نزد پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله برسانند.

۶ ـ عبدالرحمان بن سیابه گوید: به امام صادق عليه‌السلام عرض کردم: آیا می‌توانم در حال سجده دعا بخوانم؟

فرمود: آری، برای دنیا و جهان آخرت دعا کن؛ زیرا که خداوند، پروردگار دنیا و جهان آخرت است.

۷ ـ جمیل بن درّاج گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ رَبِّهِ إِذَا دَعَا رَبَّهُ وَ هُوَ سَاجِدٌ، فَأَيَّ شَيْءٍ تَقُولُ إِذَا سَجَدْتَ؟

قُلْتُ: عَلِّمْنِي جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَا أَقُولُ.

قَالَ: قُلْ: «**يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ وَ يَا مَلِكَ الْمُلُوكِ وَ يَا سَيِّدَ السَّادَاتِ وَ يَا جَبَّارَ الْجَبَابِرَةِ وَ يَا إِلَهَ الآلِهَةِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ**» وَ افْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا.

ثُمَّ قُلْ: «**فَإِنِّي عَبْدُكَ نَاصِيَتِي فِي قَبْضَتِكَ**».

ثُمَّ ادْعُ بِمَا شِئْتَ وَ اسْأَلْهُ، فَإِنَّهُ جَوَادٌ وَ لَا يَتَعَاظَمُهُ شَيْءٌ.

۸ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

صَلَّى بِنَا أَبُو بَصِيرٍ فِي طَرِيقِ مَكَّةَ. فَقَالَ وَ هُوَ سَاجِدٌ وَ قَدْ كَانَتْ ضَلَّتْ نَاقَةٌ لِجَمَّالِهِمْ: اللَّهُمَّ رُدَّ عَلَى فُلَانٍ نَاقَتَهُ.

نزدیکترین حالات بنده به پروردگار، هنگامی است که در سجده باشد و پروردگار خویش را بخواند. تو در سجده چه می‌گویی؟

عرض کردم: فدایت شوم!، مرا یاد دهید که چه بگویم.

فرمود: بگو: «**يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ وَ يَا مَلِكَ الْمُلُوكِ وَ يَا سَيِّدَ السَّادَاتِ وَ يَا جَبَّارَ الْجَبَابِرَةِ وَ يَا إِلَهَ الآلِهَةِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ**» و حاجت مرا روا کن.

سپس بگو: «**فإنّي عبدك ناصيتي في قبضتك**»

پس از آن برای هرچه می‌خواهی دعا کن و آن را از خداوند بخواه، زیرا که او بخشنده است و هیچ حاجتی را بزرگ نشمارد.

۸ ـ محمّد بن مسلم گوید: در راه مکّه ابوبصیر در نماز بر ما امامت کرد. شتری از ساربان گم شده بود. ابوبصیر در سجدهٔ نماز گفت: «بار خدایا! شتر فلانی را به او باز گردان».

قَالَ مُحَمَّدٌ: فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فَأَخْبَرْتُهُ.

قَالَ: وَ فَعَلَ؟

قُلْتُ: نَعَمْ.

قَالَ: وَ فَعَلَ؟

قُلْتُ: نَعَمْ.

قَالَ: فَسَكَتَ.

قُلْتُ: فَأُعِيدُ الصَّلاَةَ؟

قَالَ: لاَ.

۹ـ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

من خدمت امام صادق عليه السلام شرف‌یاب شدم و جریان را باز گفتم.

فرمود: ابو بصیر چنین کرد؟!

گفتم: آری.

باز پرسید: و چنین کرد؟!

گفتم: آری.

آن حضرت ساکت شد، عرض کردم: آیا باید نماز را اعاده کنم؟

فرمود: نه.

۹ـ اسحاق بن عمّار گوید: امام صادق عليه السلام به من فرمود:

إِنِّي كُنْتُ أُمَهِّدُ لِأَبِي فِرَاشَهُ فَأَنْتَظِرُهُ حَتَّى يَأْتِيَ، فَإِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ وَ نَامَ قُمْتُ إِلَى فِرَاشِي، وَ إِنَّهُ أَبْطَأَ عَلَيَّ ذَاتَ لَيْلَةٍ فَأَتَيْتُ الْمَسْجِدَ فِي طَلَبِهِ، وَ ذَلِكَ بَعْدَ مَا هَدَأَ النَّاسُ، فَإِذَا هُوَ فِي الْمَسْجِدِ سَاجِدٌ وَ لَيْسَ فِي الْمَسْجِدِ غَيْرُهُ، فَسَمِعْتُ حَنِينَهُ وَ هُوَ يَقُولُ:

«سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي حَقّاً حَقّاً سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعَبُّداً وَ رِقّاً.

اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفْهُ لِي اللَّهُمَّ قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ وَ تُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ».

۱۰ ـ أَحْمَدُ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي جَرِيرٍ الرَّوَّاسِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى عليه‌السلام وَ هُوَ يَقُولُ:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ الْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ» يُرَدِّدُهَا».

بستر پدربزرگوارم را می‌گسترانیدم و منتظر می‌شدم تا باز گردد، و چون آن حضرت باز می‌گشت و در بستر خود می‌آرمید، من نیز به بستر خویش می‌رفتم تا این که شبی آمدنش دیر شد. به دنبالش به سوی مسجد شتافتم و این در زمانی بود که همه مردم در منزل خود استراحت می‌کردند. آن حضرت را دیدم که در مسجد به سجده افتاده و جز او کسی در مسجد نبود و ناله‌اش را شنیدم در حالی که می‌گفت:

«سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي حَقّاً حَقّاً سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعَبُّداً وَ رِقّاً.

اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفْهُ لِي اللَّهُمَّ قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ وَ تُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ».

۱۰ ـ ابوجریر رواسی گوید: از امام کاظم عليه‌السلام شنیدم که می‌فرمود:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ الْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ» و این دعا را تکرار می‌فرمود:

۱۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ هِلاَلٍ قَالَ:

شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام تَفَرُّقَ أَمْوَالِنَا وَ مَا دَخَلَ عَلَيْنَا.

فَقالَ: عَلَيْكَ بِالدُّعَاءِ وَ أَنْتَ سَاجِدٌ، فَإِنَّ أَقْرَبَ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى اللهِ وَ هُوَ سَاجِدٌ.

قَالَ: قُلْتُ: فَأَدْعُو فِي الْفَرِيضَةِ وَ أُسَمِّي حَاجَتِي؟

فَقالَ: نَعَمْ، قَدْ فَعَلَ ذٰلِكَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله فَدَعَا عَلَى قَوْمٍ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَسْمَاءِ آبَائِهِمْ وَ فَعَلَهُ عَلِيٌّ عليه السلام بَعْدَهُ.

۱۲ ـ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

---

۱۱ ـ عبداللّٰه بن هلال گوید: به امام صادق عليه السلام از پراکنده شدن و از بین رفتن اموالمان و سختی و شدّتی که بر ما وارد شده بود، شکایت کردم.

فرمود: بر تو باد به دعا کردن در حالی که در سجده‌ای، زیرا نزدیکترین حالات بنده به خداوند، سجده است.

عرض کردم: آیا در نماز واجب هم می‌توانم دعا کنم و حاجت خود را نام ببرم؟

فرمود: آری، رسول خدا صلى الله عليه و آله چنین کرد و گروهی را نفرین نمود و آن‌ها و پدرانشان را نام برد، و علی عليه السلام نیز پس از آن حضرت چنین کرد.

۱۲ ـ ابو بصیر گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

كَانَ رَسُولُ اللهِ ﷺ عِنْدَ عَائِشَةَ ذَاتَ لَيْلَةٍ فَقَامَ يَتَنَفَّلُ، فَاسْتَيْقَظَتْ عَائِشَةُ فَضَرَبَتْ بِيَدِهَا فَلَمْ تَجِدْهُ، فَظَنَّتْ أَنَّهُ قَدْ قَامَ إِلَى جَارِيَتِهَا، فَقَامَتْ تَطُوفُ عَلَيْهِ، فَوَطِئَتْ عُنُقَهُ ﷺ وَ هُوَ سَاجِدٌ بَاكٍ يَقُولُ:

«سَجَدَ لَكَ سَوَادِي وَ خَيَالِي وَ آمَنَ بِكَ فُؤَادِي أَبُوءُ إِلَيْكَ بِالنِّعَمِ وَ أَعْتَرِفُ لَكَ بِالذَّنْبِ الْعَظِيمِ عَمِلْتُ سُوءاً وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ إِلَّا أَنْتَ أَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَ أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَ أَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ نَقِمَتِكَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لَا أَبْلُغُ مَدْحَكَ وَ الثَّنَاءَ عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ».

فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ: يَا عَائِشَةُ! لَقَدْ أَوْجَعْتِ عُنُقِي، أَيَّ شَيْءٍ خَشِيتِ أَنْ أَقُومَ إِلَى جَارِيَتِكِ؟

۱۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:

شبی رسول خدا ﷺ نزد عایشه بود. حضرتش برای نافله بر خاست و عایشه از خواب بیدار شد به جای رسول خدا ﷺ دست زد و آن حضرت را نیافت. گمان کرد که آن حضرت نزد کنیز او رفته است. پس برخاست و به دنبالش گشت که پایش به گردن آن حضرت اصابت کرد. حضرتش در سجده گریان بود و می‌فرمود:

«سَجَدَ لَكَ سَوَادِي وَ خَيَالِي وَ آمَنَ بِكَ فُؤَادِي أَبُوءُ إِلَيْكَ بِالنِّعَمِ وَ أَعْتَرِفُ لَكَ بِالذَّنْبِ الْعَظِيمِ عَمِلْتُ سُوءاً وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ إِلَّا أَنْتَ أَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَ أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَ أَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ نَقِمَتِكَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لَا أَبْلُغُ مَدْحَكَ وَ الثَّنَاءَ عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ».

و چون فارغ شد، فرمود: ای عایشه! گردن مرا به درد آوردی! از چه چیزی ترسیدی؟ آیا از این که نزد کنیز تو بروم؟!

۱۳ ـ ابو حمزه گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

مَنْ قَالَ فِي رُكُوعِهِ وَ سُجُودِهِ وَ قِيَامِهِ: «**صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ**» كَتَبَ اللهُ لَهُ بِمِثْلِ الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ وَ الْقِيَامِ.

١٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ:
رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام وَ قَدْ سَجَدَ بَعْدَ الصَّلَاةِ، فَبَسَطَ ذِرَاعَيْهِ عَلَى الْأَرْضِ وَ أَلْصَقَ جُؤْجُؤَهُ بِالْأَرْضِ فِي دُعَائِهِ.

١٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ يَحْيَى بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ خَاقَانَ قَالَ:
رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ الثَّالِثَ عليه السلام سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ فَافْتَرَشَ ذِرَاعَيْهِ فَأَلْصَقَ جُؤْجُؤَهُ وَ بَطْنَهُ بِالْأَرْضِ، فَسَأَلْتُهُ عَنْ ذَلِكَ.
فَقَالَ: كَذَا نُحِبُّ.

١٦ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ قَالَ: حَدَّثَنِي بَعْضُ أَصْحَابِنَا قَالَ: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ الْأَوَّلُ عليه السلام إِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنْ آخِرِ رَكْعَةِ الْوَتْرِ قَالَ:

هر کس در رکوع، سجود و قیامش بگوید: «**صلّی اللّه علی محمّد و آل محمّد**» خداوند پاداشی مانند پاداش همان رکوع، سجود و قیام برای او بنویسد.

۱۴ ـ جعفر بن علی گوید: امام کاظم علیه السلام را دیدم که بعد از نماز، سجده نمود و بازوان و سینهٔ خویش را بر زمین پهن کرد و دعا نمود.

۱۵ ـ عبدالرحمان بن خاقان گوید: امام هادی علیه السلام را دیدم که سجدهٔ شکر به جای آورد و بازوان خود را گسترد و سینه و شکم خویش را بر زمین چسبانید. من از حضرتش دربارهٔ آن حالت پرسیدم.

فرمود: ما چنین (سجده‌ای را) دوست می‌داریم.

۱۶ ـ یکی از اصحاب ما گوید: رسم امام کاظم علیه السلام چنین بود که هرگاه سر از رکوع آخر نماز وتر بر می‌داشت، می‌گفت:

«**هَذَا مَقَامُ مَنْ حَسَنَاتُهُ نِعْمَةٌ مِنْكَ وَ شُكْرُهُ ضَعِيفٌ وَ ذَنْبُهُ عَظِيمٌ وَ لَيْسَ لَهُ إِلَّا دَفْعُكَ وَ رَحْمَتُكَ، فَإِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ عَلَى نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ**صلی‌الله‌علیه‌وآله: ﴿كَانُوا قَلِيلاً مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ وَ بِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾ **طَالَ هُجُوعِي وَ قَلَّ قِيَامِي وَ هَذَا السَّحَرُ وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ لِذَنْبِي اسْتِغْفَارَ مَنْ لَمْ يَجِدْ لِنَفْسِهِ ضَرّاً وَ لَا نَفْعاً وَ لَا مَوْتاً وَ لَا حَيَاةً وَ لَا نُشُوراً**».

ثُمَّ يَخِرُّ سَاجِداً عليه‌السلام.

۱۷ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ جُنْدَبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْمَاضِيَ عليه‌السلام عَمَّا أَقُولُ فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ، فَقَدِ اخْتَلَفَ أَصْحَابُنَا فِيهِ.

فَقَالَ: قُلْ وَ أَنْتَ سَاجِدٌ: «**اللَّهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ وَ أُشْهِدُ مَلَائِكَتَكَ وَ أَنْبِيَاءَكَ وَ رُسُلَكَ وَ جَمِيعَ خَلْقِكَ أَنَّكَ اللهُ رَبِّي وَ الْإِسْلَامَ دِينِي وَ مُحَمَّداً نَبِيِّي وَ عَلِيّاً...**» وسه مرتبه بگو: وَ فُلَاناً وَ فُلَاناً إِلَى آخِرِهِمْ **أَئِمَّتِي بِهِمْ أَتَوَلَّى وَ مِنْ عَدُوِّهِمْ أَتَبَرَّأُ**». «**اللَّهُمَّ إِنِّي أَنْشُدُكَ دَمَ الْمَظْلُومِ**» ـ ثَلَاثاً ـ

«**هَذَا مَقَامُ مَنْ حَسَنَاتُهُ نِعْمَةٌ مِنْكَ وَ شُكْرُهُ ضَعِيفٌ وَ ذَنْبُهُ عَظِيمٌ وَ لَيْسَ لَهُ إِلَّا دَفْعُكَ وَ رَحْمَتُكَ، فَإِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ عَلَى نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ**صلی‌الله‌علیه‌وآله: ﴿كَانُوا قَلِيلاً مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ وَ بِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾ **طَالَ هُجُوعِي وَ قَلَّ قِيَامِي وَ هَذَا السَّحَرُ وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ لِذَنْبِي اسْتِغْفَارَ مَنْ لَمْ يَجِدْ لِنَفْسِهِ ضَرّاً وَ لَا نَفْعاً وَ لَا مَوْتاً وَ لَا حَيَاةً وَ لَا نُشُوراً**».

سپس حضرتش به سجده می‌افتاد، درود خدا بر او باد.

۱۷ ـ عبدالله بن جندب گوید: از امام کاظم علیه‌السلام پرسیدم: در سجدهٔ شکر چه بگویم؛ زیرا یاران ما در آن اختلاف نظر دارند؟

فرمود: در حالی که در سجده‌ای سه مرتبه بگو: «**اللَّهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ وَ أُشْهِدُ مَلَائِكَتَكَ وَ أَنْبِيَاءَكَ وَ رُسُلَكَ وَ جَمِيعَ خَلْقِكَ أَنَّكَ اللهُ رَبِّي وَ الْإِسْلَامَ دِينِي وَ مُحَمَّداً نَبِيِّي وَ عَلِيّاً...**» وائمه علیهم‌السلام را تا آخرین فرد نام ببر وبگو «**أَئِمَّتِي بِهِمْ أَتَوَلَّى وَ مِنْ عَدُوِّهِمْ أَتَبَرَّأُ**».

وسه مرتبه بگو: «**اللَّهُمَّ إِنِّي أَنْشُدُكَ دَمَ الْمَظْلُومِ**».

«**اللّٰهُمَّ إِنِّي أَنْشُدُكَ بِإِيوَائِكَ عَلَى نَفْسِكَ لِأَوْلِيَائِكَ لِتُظْفِرَنَّهُمْ بِعَدُوِّكَ وَ عَدُوِّهِمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ. اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ**» ـ ثَلاَثاً ـ ثُمَّ ضَعْ خَدَّكَ الْأَيْمَنَ عَلَى الْأَرْضِ وَ تَقُولُ: «**يَا كَهْفِي حِينَ تُعْيِينِي الْمَذَاهِبُ وَ تَضِيقُ عَلَيَّ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَ يَا بَارِئَ خَلْقِي رَحْمَةً بِي وَ قَدْ كَانَ عَنْ خَلْقِي غَنِيّاً صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ**».

ثُمَّ ضَعْ خَدَّكَ الْأَيْسَرَ وَ تَقُولُ: «**يَا مُذِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ وَ يَا مُعِزَّ كُلِّ ذَلِيلٍ قَدْ وَ عِزَّتِكَ بَلَغَ بِي مَجْهُودِي**» ـ ثَلاَثاً ـ.

ثُمَّ تَقُولُ: «**يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا كَاشِفَ الْكُرَبِ الْعِظَامِ**» ـ ثَلاَثاً ـ ثُمَّ تَعُودُ لِلسُّجُودِ فَتَقُولُ مِائَةَ مَرَّةٍ: «**شُكْراً شُكْراً**»، ثُمَّ تَسْأَلُ حَاجَتَكَ إِنْ شَاءَ اللهُ تَعَالَى.

۱۸ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ حَفْصٍ الْمَرْوَزِيِّ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه‌السلام فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ. فَكَتَبَ إِلَيَّ مِائَةَ مَرَّةٍ: «**شُكْراً شُكْراً**»، وَ إِنْ شِئْتَ: «**عَفْواً عَفْواً**».

«**اللّٰهُمَّ إِنِّي أَنْشُدُكَ بِإِيوَائِكَ عَلَى نَفْسِكَ لِأَوْلِيَائِكَ لِتُظْفِرَنَّهُمْ بِعَدُوِّكَ وَ عَدُوِّهِمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ. اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ**» ـ سه مرتبه ـ سپس گونهٔ راست خویش بر زمین گذار و بگو: «**يَا كَهْفِي حِينَ تُعْيِينِي الْمَذَاهِبُ وَ تَضِيقُ عَلَيَّ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَ يَا بَارِئَ خَلْقِي رَحْمَةً بِي وَ قَدْ كَانَ عَنْ خَلْقِي غَنِيّاً صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ**».

سپس گونهٔ چپ خود را بر خاک می‌گذاری و سه مرتبه می‌گویی: «**يَا مُذِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ وَ يَا مُعِزَّ كُلِّ ذَلِيلٍ قَدْ وَ عِزَّتِكَ بَلَغَ بِي مَجْهُودِي**» سپس سه مرتبه می‌گویی: «**يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا كَاشِفَ الْكُرَبِ الْعِظَامِ**».

آن گاه به سجده بازگشته و صد بار می‌گویی: «**شكراً شكراً**»، سپس حاجت خویش را می‌طلبی، ان شاء اللّٰه تعالی.

۱۸ ـ سلیمان بن حفص مروزی گوید: به امام کاظم علیه‌السلام دربارهٔ سجدهٔ شکر نامه‌ای نوشتم. حضرتش در پاسخ نوشت: صد بار «**شكراً شكراً**» و اگر خواستی «**عفواً عفواً**» بگو.

۱۹ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمانَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ:

خَرَجْتُ مَعَ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليهما السلام إِلَى بَعْضِ أَمْوَالِهِ، فَقَامَ إِلَى صَلاَةِ الظُّهْرِ، فَلَمَّا فَرَغَ خَرَّ لِلَّهِ سَاجِداً فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ بِصَوْتٍ حَزِينٍ وَ تَغَرْغَرُ دُمُوعُهُ: **«رَبِّ عَصَيْتُكَ بِلِسَانِي وَ لَوْ شِئْتَ وَ عِزَّتِكَ لَأَخْرَسْتَنِي وَ عَصَيْتُكَ بِبَصَرِي وَ لَوْ شِئْتَ وَ عِزَّتِكَ لَأَكْمَهْتَنِي وَ عَصَيْتُكَ بِسَمْعِي وَ لَوْ شِئْتَ وَ عِزَّتِكَ لَأَصْمَمْتَنِي وَ عَصَيْتُكَ بِيَدِي وَ لَوْ شِئْتَ وَ عِزَّتِكَ لَكَنَّعْتَنِي وَ عَصَيْتُكَ بِرِجْلِي وَ لَوْ شِئْتَ وَ عِزَّتِكَ لَجَذَمْتَنِي وَ عَصَيْتُكَ بِفَرْجِي وَ لَوْ شِئْتَ وَ عِزَّتِكَ لَعَقَمْتَنِي وَ عَصَيْتُكَ بِجَمِيعِ جَوَارِحِي الَّتِي أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ وَ لَيْسَ هَذَا جَزَاءَكَ مِنِّي»**.

قَالَ: ثُمَّ أَحْصَيْتُ لَهُ أَلْفَ مَرَّةٍ وَ هُوَ يَقُولُ: **«الْعَفْوَ الْعَفْوَ»**.

قَالَ: ثُمَّ أَلْصَقَ خَدَّهُ الْأَيْمَنَ بِالْأَرْضِ فَسَمِعْتُهُ وَ هُوَ يَقُولُ بِصَوْتٍ حَزِينٍ: **«بُؤْتُ إِلَيْكَ بِذَنْبِي عَمِلْتُ سُوءاً وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ غَيْرُكَ يَا مَوْلَايَ»** ـ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ـ

---

۱۹ ـ محمّد بن سلیمان از پدرش روایت کرده که گوید: با امام کاظم علیه السلام به یکی از باغ‌هایش رفتیم، هنگام ظهر برای نماز ظهر برخاست و چون فارغ شد در پیشگاه خداوند به سجده افتاد. شنیدم که با ناله‌ای اندوهگین و با اشکی که همراه با گرفتگی گلویش بود، عرضه می‌داشت: **«رَبِّ عَصَيْتُكَ بِلِسَانِي وَ لَوْ شِئْتَ وَ عِزَّتِكَ لَأَخْرَسْتَنِي وَ عَصَيْتُكَ بِبَصَرِي وَ لَوْ شِئْتَ وَ عِزَّتِكَ لَأَكْمَهْتَنِي وَ عَصَيْتُكَ بِسَمْعِي وَ لَوْ شِئْتَ وَ عِزَّتِكَ لَأَصْمَمْتَنِي وَ عَصَيْتُكَ بِيَدِي وَ لَوْ شِئْتَ وَ عِزَّتِكَ لَكَنَّعْتَنِي وَ عَصَيْتُكَ بِرِجْلِي وَ لَوْ شِئْتَ وَ عِزَّتِكَ لَجَذَمْتَنِي وَ عَصَيْتُكَ بِفَرْجِي وَ لَوْ شِئْتَ وَ عِزَّتِكَ لَعَقَمْتَنِي وَ عَصَيْتُكَ بِجَمِيعِ جَوَارِحِي الَّتِي أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ وَ لَيْسَ هَذَا جَزَاءَكَ مِنِّي»**.

شمردم، حضرتش هزار مرتبه فرمود: **«العفو العفو»**.

سپس گونهٔ راست خود را بر زمین نهاد و شنیدم که با ناله‌ای اندوهگین سه مرتبه گفت: **«بُؤْتُ إِلَيْكَ بِذَنْبِي عَمِلْتُ سُوءاً وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ غَيْرُكَ يَا مَوْلَايَ»**.

ثُمَّ أَلْصَقَ خَدَّهُ الْأَيْسَرَ بِالْأَرْضِ فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ: «**ارْحَمْ مَنْ أَسَاءَ وَ اقْتَرَفَ وَ اسْتَكَانَ وَاعْتَرَفَ**» ـ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ـ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ.

۲۰ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! هَذَا الَّذِي ظَهَرَ بِوَجْهِي يَزْعُمُ النَّاسُ أَنَّ اللهَ لَمْ يَبْتَلِ بِهِ عَبْداً لَهُ فِيهِ حَاجَةٌ.

فَقَالَ: لَا، قَدْ كَانَ مُؤْمِنُ آلِ فِرْعَوْنَ مُكَتَّعَ الْأَصَابِعِ، فَكَانَ يَقُولُ هَكَذَا وَ يَمُدُّ يَدَهُ وَ يَقُولُ: ﴿**يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ**﴾.

قَالَ: ثُمَّ قَالَ لِي: إِذَا كَانَ الثُّلُثُ الْأَخِيرُ مِنَ اللَّيْلِ فِي أَوَّلِهِ فَتَوَضَّأْ ثُمَّ قُمْ إِلَى صَلَاتِكَ الَّتِي تُصَلِّيهَا، فَإِذَا كُنْتَ فِي السَّجْدَةِ الْأَخِيرَةِ مِنَ الرَّكْعَتَيْنِ الْأَوَّلَتَيْنِ فَقُلْ وَ أَنْتَ سَاجِدٌ: «**يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا سَامِعَ الدَّعَوَاتِ يَا مُعْطِيَ الْخَيْرَاتِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْطِنِي مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ الآخِرَةِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ اصْرِفْ عَنِّي مِنْ**

سپس گونهٔ چپ خود را بر زمین گذارد و شنیدم که سه مرتبه گفت: «**ارْحَمْ مَنْ أَسَاءَ وَ اقْتَرَفَ وَ اسْتَكَانَ وَ اعْتَرَفَ**»، سپس سر مبارکش را از زمین برداشت.

۲۰ ـ یونس بن عمّار گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: فدایت شوم! این بیماری که در صورت من پیدا شده، مردم می‌پندارند که خدای هر که از بندگانش را که دوست دارد، بدان گرفتار نمی‌کند.

فرمود: نه، چنین نیست. مؤمن آل‌فرعون [۱]، سرانگشتانش ریخته بود و چنین می‌کرد ـو دستش را دراز می‌کرد ـ و می‌گفت: «ای قوم! از پیامبران پیروی کنید».

یونس گوید: سپس به من فرمود: چون یک سوم پایانی شب فرا رسید، در ساعت اوّل آن برخیز و وضو بساز و به نمازی که می‌خوانی بپرداز (مقصود نماز شب است). وقتی به سجده آخر از دو رکعت اول (از هشت رکعت نماز شب) رسیدی، در حال سجده بگو: «**يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا سَامِعَ الدَّعَوَاتِ يَا مُعْطِيَ الْخَيْرَاتِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْطِنِي مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ الآخِرَةِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ اصْرِفْ عَنِّي مِنْ**

---

۱ ـ با توجّه به روایتی که در جلد دوم اصول کافی: ص ۲۵۴ ح ۱۲ گذشت. او صاحب یاسین بود، نه مؤمن آل‌فرعون و طبق روایتی، مؤمن آل‌فرعون از پیشی گیرندگان به ایمان بوده است...

شَرِّ الدُّنْيَا وَ الآخِرَةِ مَا أَنَا أَهْلُهُ وَ أَذْهِبْ عَنِّي هَذَا الْوَجَعَ وَ تُسَمِّيهِ، فَإِنَّهُ قَدْ غَاظَنِي وَ أَحْزَنَنِي». وَ أَلِحَّ فِي الدُّعَاءِ.

قَالَ: فَفَعَلْتُ فَمَا وَصَلْتُ إِلَى الْكُوفَةِ حَتَّى أَذْهَبَ اللهُ عَنِّي كُلَّهُ.

۲۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ سَعْدَانَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ يَقُولُ فِي سُجُودِهِ: «**سَجَدَ وَجْهِيَ الْبَالِي لِوَجْهِكَ الْبَاقِي الدَّائِمِ الْعَظِيمِ سَجَدَ وَجْهِيَ الذَّلِيلُ لِوَجْهِكَ الْعَزِيزِ سَجَدَ وَجْهِيَ الْفَقِيرُ لِوَجْهِ رَبِّيَ الْغَنِيِّ الْكَرِيمِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، رَبِّ أَسْتَغْفِرُكَ مِمَّا كَانَ وَ أَسْتَغْفِرُكَ مِمَّا يَكُونُ رَبِّ لَا تُجْهِدْ بَلَائِي، رَبِّ لَا تُشْمِتْ بِي أَعْدَائِي، رَبِّ لَا تُسِئْ قَضَائِي، رَبِّ إِنَّهُ لَا دَافِعَ وَ لَا مَانِعَ إِلَّا أَنْتَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ سَطَوَاتِكَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَمِيعِ غَضَبِكَ وَ سَخَطِكَ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ**».

شَرِّ الدُّنْيَا وَ الآخِرَةِ مَا أَنَا أَهْلُهُ وَ أَذْهِبْ عَنِّي هَذَا الْوَجَعَ وَ تُسَمِّيهِ، فَإِنَّهُ قَدْ غَاظَنِي وَ أَحْزَنَنِي»، و در دعا پافشاری کن.

یونس گوید: من طبق فرمایش مولایم انجام دادم، هنوز به کوفه نرسیده بودم که خداوند تمام آن بیماری را از من بر طرف فرمود.

۲۱ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام در سجدهٔ خود می‌گفت:

«**سَجَدَ وَجْهِيَ الْبَالِي لِوَجْهِكَ الْبَاقِي الدَّائِمِ الْعَظِيمِ سَجَدَ وَجْهِيَ الذَّلِيلُ لِوَجْهِكَ الْعَزِيزِ سَجَدَ وَجْهِيَ الْفَقِيرُ لِوَجْهِ رَبِّيَ الْغَنِيِّ الْكَرِيمِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، رَبِّ أَسْتَغْفِرُكَ مِمَّا كَانَ وَ أَسْتَغْفِرُكَ مِمَّا يَكُونُ رَبِّ لَا تُجْهِدْ بَلَائِي، رَبِّ لَا تُشْمِتْ بِي أَعْدَائِي، رَبِّ لَا تُسِئْ قَضَائِي، رَبِّ إِنَّهُ لَا دَافِعَ وَ لَا مَانِعَ إِلَّا أَنْتَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ سَطَوَاتِكَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَمِيعِ غَضَبِكَ وَ سَخَطِكَ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ**».

وَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَقُولُ وَ هُوَ سَاجِدٌ:

«ارْحَمْ ذُلِّي بَيْنَ يَدَيْكَ وَ تَضَرُّعِي إِلَيْكَ وَ وَحْشَتِي مِنَ النَّاسِ وَ آنِسْنِي بِكَ يَا كَرِيمُ وَ كَانَ يَقُولُ أَيْضاً وَعَظْتَنِي فَلَمْ أَتَّعِظْ وَ زَجَرْتَنِي عَنْ مَحَارِمِكَ فَلَمْ أَنْزَجِرْ وَ عَمَّرْتَنِي أَيَادِيَكَ فَمَا شَكَرْتُ عَفْوَكَ عَفْوَكَ يَا كَرِيمُ أَسْأَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ».

وَ كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ وَ هُوَ سَاجِدٌ:

«لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقّاً حَقّاً سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعَبُّداً وَ رِقّاً يَا عَظِيمُ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفْهُ لِي يَا كَرِيمُ يَا حَنَّانُ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَ جُرْمِي وَ تَقَبَّلْ عَمَلِي يَا كَرِيمُ يَا جَبَّارُ أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَخِيبَ أَوْ أَحْمِلَ ظُلْماً اللَّهُمَّ مِنْكَ النِّعْمَةُ وَ أَنْتَ تَرْزُقُ شُكْرَهَا وَ عَلَيْكَ يَكُونُ ثَوَابُ مَا تَفَضَّلْتَ بِهِ مِنْ ثَوَابِهَا بِفَضْلِ طَوْلِكَ وَ بِكَرِيمِ عَائِدَتِكَ».

۲۲ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ زِيَادِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام يَقُولُ فِي سُجُودِهِ:

امیر مؤمنان علی عليه السلام همواره در سجده می‌فرمود: «**ارْحَمْ ذُلِّي بَيْنَ يَدَيْكَ وَ تَضَرُّعِي إِلَيْكَ وَ وَحْشَتِي مِنَ النَّاسِ وَ آنِسْنِي بِكَ يَا كَرِيمُ وَ كَانَ يَقُولُ أَيْضاً وَعَظْتَنِي فَلَمْ أَتَّعِظْ وَ زَجَرْتَنِي عَنْ مَحَارِمِكَ فَلَمْ أَنْزَجِرْ وَ عَمَّرْتَنِي أَيَادِيَكَ فَمَا شَكَرْتُ عَفْوَكَ عَفْوَكَ يَا كَرِيمُ أَسْأَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ**».

و امام باقر عليه السلام در سجده می‌گفت: «**لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقّاً حَقّاً سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعَبُّداً وَ رِقّاً يَا عَظِيمُ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفْهُ لِي يَا كَرِيمُ يَا حَنَّانُ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَ جُرْمِي وَ تَقَبَّلْ عَمَلِي يَا كَرِيمُ يَا جَبَّارُ أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَخِيبَ أَوْ أَحْمِلَ ظُلْماً اللَّهُمَّ مِنْكَ النِّعْمَةُ وَ أَنْتَ تَرْزُقُ شُكْرَهَا وَ عَلَيْكَ يَكُونُ ثَوَابُ مَا تَفَضَّلْتَ بِهِ مِنْ ثَوَابِهَا بِفَضْلِ طَوْلِكَ وَ بِكَرِيمِ عَائِدَتِكَ**».

۲۲ ـ زیاد بن مروان گوید: امام کاظم عليه السلام همواره در سجدۀ خود می‌گفت:

«أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ حَرُّهَا لَا يُطْفَأُ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ جَدِيدُهَا لَا يَبْلَى وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ عَطْشَانُهَا لَا يَرْوَى وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ مَسْلُوبُهَا لَا يُكْسَى».

۲۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِئَابٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَذَّاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا قَرَأَ أَحَدُكُمُ السَّجْدَةَ مِنَ الْعَزَائِمِ فَلْيَقُلْ فِي سُجُودِهِ: **«سَجَدْتُ لَكَ تَعَبُّداً وَ رِقّاً لَا مُسْتَكْبِراً عَنْ عِبَادَتِكَ وَ لَا مُسْتَنْكِفاً وَ لَا مُتَعَظِّماً بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ»**.

۲۴ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الرَّيَّانِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: شَكَوْتُ إِلَيْهِ عِلَّةَ أُمِّ وَلَدٍ لِي أَخَذَتْهَا.

فَقَالَ: قُلْ لَهَا: تَقُولُ فِي السُّجُودِ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ: **«يَا رَبِّي يَا سَيِّدِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَافِنِي مِنْ كَذَا وَ كَذَا فَبِهَا نَجَا جَعْفَرُ بْنُ سُلَيْمَانَ مِنَ النَّارِ»**.

قَالَ: فَعَرَضْتُ هَذَا الْحَدِيثَ عَلَى بَعْضِ أَصْحَابِنَا.

فَقَالَ: أَعْرِفُ فِيهِ: **«يَا رَءُوفُ يَا رَحِيمُ يَا رَبِّي يَا سَيِّدِي افْعَلْ بِي...»** كَذَا وَ كَذَا.

«أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ حَرُّهَا لَا يُطْفَأُ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ جَدِيدُهَا لَا يَبْلَى وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ عَطْشَانُهَا لَا يَرْوَى وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ مَسْلُوبُهَا لَا يُكْسَى».

۲۳ ـ ابوعبیده حذّا گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه یکی از شما از آیات سجده را تلاوت کرد، باید در سجدهٔ خود بگوید: **«سَجَدْتُ لَكَ تَعَبُّداً وَ رِقّاً لَا مُسْتَكْبِراً عَنْ عِبَادَتِكَ وَ لَا مُسْتَنْكِفاً وَ لَا مُتَعَظِّماً بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ»**.

۲۴ ـ علی بن ریّان گوید: یکی از یاران ما گوید: خدمت امام صادق عليه السلام از بیماری کنیز خود شکایت کردم.

فرمود: به او بگو که بعد از هر نماز واجب، در سجده بگوید: **«يَا رَبِّي يَا سَيِّدِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَافِنِي مِنْ كَذَا وَ كَذَا فَبِهَا نَجَا جَعْفَرُ بْنُ سُلَيْمَانَ مِنَ النَّارِ»**.

و با همین دعا جعفر بن سلیمان از آتش نجات یافت.

راوی گوید: این حدیث را به یکی از یاران عرضه کردم.

او گفت: این را شنیده‌ام که در آن، این دعا نیز آمده است: **«يَا رَءُوفُ يَا رَحِيمُ يَا رَبِّي يَا سَيِّدِي افْعَلْ بِي...»** و حاجت خود را بیان کند.

۲۵ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ زِيَادٍ الْقَنْدِيِّ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام : عَلِّمْنِي دُعَاءً، فَإِنِّي قَدْ بُلِيتُ بِشَيْءٍ، وَ كَانَ قَدْ حُبِسَ بِبَغْدَادَ حَيْثُ اتُّهِمَ بِأَمْوَالِهِمْ.

فَكَتَبَ إِلَيْهِ: إِذَا صَلَّيْتَ فَأَطِلِ السُّجُودَ ثُمَّ قُلْ: «**يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ**» حَتَّى تَنْقَطِعَ النَّفَسُ.

ثُمَّ قُلْ: «**يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ كَثْرَةُ الدُّعَاءِ إِلَّا جُوداً وَ كَرَماً**» حَتَّى تَنْقَطِعَ نَفَسُكَ.

ثُمَّ قُلْ: «**يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ أَنْتَ أَنْتَ أَنْتَ الَّذِي انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ**».

قَالَ زِيَادٌ: فَدَعَوْتُ بِهِ، فَفَرَّجَ اللهُ عَنِّي وَ خَلَّى سَبِيلِي.

---

۲۵ ـ زیاد قندی گوید: طی نامه‌ای به امام کاظم عليه السلام نوشتم که دعایی به من بیاموزید، زیرا به بلایی گرفتار شده‌ام.

البته او به اتّهام برداشت از بیت المال در زندان بود.

آن حضرت برای او نوشت: چون نماز خواندی، سجدهٔ خود را طولانی کن، سپس بگو: «**يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ**» تا این که نفس تو تمام شود. پس از آن بگو: «**يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ كَثْرَةُ الدُّعَاءِ إِلَّا جُوداً وَ كَرَماً**».

سپس بگو: «**يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ أَنْتَ أَنْتَ أَنْتَ الَّذِي انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ**».

زیاد گوید: من آن دعا را خواندم، خداوند گره کار مرا گشود و از زندان رها شدم.

(٢٦)
بَابُ أَدْنَى مَا يُجْزِئُ مِنَ التَّسْبِيحِ فِي الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ وَ أَكْثَرِهِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عُثْمانَ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ قَالَ:

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه‌السلام: تَدْرِي أَيُّ شَيْءٍ حَدُّ الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ؟

قُلْتُ: لَا.

قَالَ: تُسَبِّحُ فِي الرُّكُوعِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: «**سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ**»، وَ فِي السُّجُودِ: «**سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ**» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

فَمَنْ نَقَصَ وَاحِدَةً نَقَصَ ثُلُثَ صَلَاتِهِ، وَ مَنْ نَقَصَ ثِنْتَيْنِ نَقَصَ ثُلُثَيْ صَلَاتِهِ، وَ مَنْ لَمْ يُسَبِّحْ فَلَا صَلَاةَ لَهُ.

بخش بیست و ششم
کمترین تسبیحی که در رکوع و سجود کفایت می‌کند

۱ ـ ابوبکر حضرمی گوید: امام باقر عليه‌السلام فرمود: آیا می‌دانی حد و اندازهٔ رکوع و سجود چه قدر است؟

عرض کردم: نه.

فرمود: در رکوع سه مرتبه می‌گویی: «**سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ**» و در سجده سه مرتبه می‌گویی: «**سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ**».

پس هر کس یک تسبیح کم کند، یک سوم از ثواب نمازش را کم کرده و هر کس دو تسبیح کم کند، دو سوم از ثواب نماز را کم کرده است و هر کس تسبیح نگوید، نماز (کاملی) برای او نیست.

۲ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ:

دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام وَ هُوَ يُصَلِّي، فَعَدَدْتُ لَهُ فِي الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ سِتِّينَ تَسْبِيحَةً.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ حُمْرَانَ وَ الْحَسَنِ بْنِ زِيَادٍ قَالَا:

دَخَلْنَا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام وَ عِنْدَهُ قَوْمٌ فَصَلَّى بِهِمُ الْعَصْرَ وَ قَدْ كُنَّا صَلَّيْنَا فَعَدَدْنَا لَهُ فِي رُكُوعِهِ «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ» أَرْبَعاً وَ ثَلَاثِينَ أَوْ ثَلَاثاً وَ ثَلَاثِينَ مَرَّةً.

وَ قَالَ أَحَدُهُمَا فِي حَدِيثِهِ: «وَ بِحَمْدِهِ» فِي الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ سَوَاءً هَذَا، لِأَنَّهُ عَلِمَ عليه السلام احْتِمَالَ الْقَوْمِ لِطُولِ رُكُوعِهِ وَ سُجُودِهِ، وَ ذَلِكَ أَنَّهُ رُوِيَ: «أَنَّ الْفَضْلَ لِلْإِمَامِ أَنْ يُخَفِّفَ وَ يُصَلِّيَ بِأَضْعَفِ الْقَوْمِ».

---

۲ ـ ابان بن تغلب گوید: خدمت امام صادق عليه السلام شرف‌یاب شدم، حضرتش نماز می‌گزارد. در رکوع و سجودش شمردم، شصت تسبیح گفت.

۳ ـ حمزة بن حمران و حسن بن زیاد گویند: خدمت امام صادق عليه السلام شرف‌یاب شدیم و گروهی در نزد آن حضرت بودند.

حضرت با ایشان نماز عصر را به جای آورد، و ما نماز عصر خود را خوانده بودیم. ما شمردیم، حضرتش در رکوع خود سی و چهار ـ یا سی و سه ـ مرتبه گفت: «**سبحان ربی العظیم**».

یکی از آن دو راوی در حدیث خود گوید: حضرتش «و بحمده» (یعنی «سبحان ربی العظیم و بحمده» و «سبحان ربی الاعلی و بحمده») را در رکوع و سجود به یک تعداد گفت؛ زیرا آن حضرت می‌دانست که این گروه توانایی طول رکوع و سجود را دارند، وگرنه روایت شده است که امام جماعت باید نماز خود را سبک کند و حال افراد ضعیف و ناتوان را مراعات نماید.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: أَدْنَى مَا يُجْزِئُ الْمَرِيضَ مِنَ التَّسْبِيحِ فِي الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ.

قَالَ: تَسْبِيحَةٌ وَاحِدَةٌ.

٥ ـ عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام: مَا مِنْ كَلِمَةٍ أَخَفَّ عَلَى اللِّسَانِ مِنْهَا وَ لَا أَبْلَغَ مِنْ «**سُبْحَانَ اللهِ**».

قَالَ: قُلْتُ: يُجْزِئُنِي فِي الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ أَنْ أَقُولَ مَكَانَ التَّسْبِيحِ: «**لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ اللهُ أَكْبَرُ**» ؟

قَالَ: نَعَمْ، كُلُّ ذَا ذِكْرُ اللهِ.

قَالَ: قُلْتُ: «**الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ**» قَدْ عَرَفْنَاهُمَا، فَمَا تَفْسِيرُ «**سُبْحَانَ اللهِ**»؟

قَالَ: أَنَفَةٌ لِلَّهِ، أَ مَا تَرَى الرَّجُلَ إِذَا عَجِبَ مِنَ الشَّيْءِ قَالَ: سُبْحَانَ اللهِ ؟!

---

۴ ـ معاوية بن عمّار گويد: به امام صادق عليه السلام عرض كردم: كمترين تعداد تسبيح در ركوع و سجود كه براى شخص بيمار كفايت مى‌كند، چه تعداد است؟

فرمود: يک تسبيح.

۵ ـ هشام بن حكم گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

هيچ كلمه‌اى بر زبان انسان، سبک‌تر و رساتر از «**سبحان اللّه**» نيست.

عرض كردم: آيا كفايت مى‌كند كه در ركوع و سجود به جاى «**سبحان اللّه**» بگويم: «**لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ اللهُ أَكْبَرُ**»؟

فرمود: آرى، همهٔ آن‌ها ذكر خداوند است.

گفتم: معناى «**الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ**» را دانستيم، تفسير «**سُبْحَانَ اللهِ**» چيست؟

فرمود: به معناى كمال تنزيه و پاک دانستن خداوند متعال از هر نقص و عيب است، آيا نمى‌بينى هنگامى كه شخصى از چيزى به شگفت مى‌آيد، مى‌گويد: «سبحان اللّه»؟!

٦ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ مَرْوَكِ بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: إِنِّي إِمَامُ مَسْجِدِ الْحَيِّ فَأَرْكَعُ بِهِمْ فَأَسْمَعُ خَفَقَانَ نِعَالِهِمْ وَ أَنَا رَاكِعٌ.

فَقَالَ: اصْبِرْ رُكُوعَكَ وَ مِثْلَ رُكُوعِكَ، فَإِنِ انْقَطَعَ وَ إِلَّا فَانْتَصِبْ قَائِماً.

(۲۷)

بَابُ مَا يُسْجَدُ عَلَيْهِ وَ مَا يُكْرَهُ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ الْفَضْلِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

لَا تَسْجُدْ إِلَّا عَلَى الْأَرْضِ، أَوْ مَا أَنْبَتَتِ الْأَرْضُ إِلَّا الْقُطْنَ وَ الْكَتَّانَ.

۶ـ یکی از یاران عبید گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: من امام مسجد قبیله‌ام هستم. هنگام نماز در حال رکوع، صدای پای اهل قبیله را می‌شنوم (که به نماز می‌آیند) در این حال باید چه کنم (صبر نمایم)؟

فرمود: به اندازهٔ ذکر رکوع همیشگی صبر کن، اگر به نماز رسید، چه بهتر وگر نه بلند شو.

بخش بیست و هفتم

چیزهایی که می‌توان بر آن‌ها سجده کرد و چیزهایی که سجده بر آن‌ها مکروه است

۱ـ فضل بن عبدالملک گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

فقط بر زمین یا بر چیزی که از زمین روییده است ـ جز پنبه و کتان ـ سجده بکن.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: أَسْجُدُ عَلَى الزِّفْتِ ـ يَعْنِي الْقِيرَ ـ؟

فَقَالَ: لَا، وَ لَا عَلَى الثَّوْبِ الْكُرْسُفِ، وَ لَا عَلَى الصُّوفِ، وَ لَا عَلَى شَيْءٍ مِنَ الْحَيَوَانِ، وَ لَا عَلَى طَعَامٍ، وَ لَا عَلَى شَيْءٍ مِنْ ثِمَارِ الْأَرْضِ، وَ لَا عَلَى شَيْءٍ مِنَ الرِّيَاشِ.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الْجِصِّ يُوقَدُ عَلَيْهِ بِالْعَذِرَةِ وَ عِظَامِ الْمَوْتَى ثُمَّ يُجَصَّصُ بِهِ الْمَسْجِدُ أَ يُسْجَدُ عَلَيْهِ؟

فَكَتَبَ عليه السلام إِلَيَّ بِخَطِّهِ: إِنَّ الْمَاءَ وَ النَّارَ قَدْ طَهَّرَاهُ.

---

۲ ـ زراره گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: آیا می‌توانم به قیر سجده کنم؟

فرمود: نه، و بر لباس پنبه‌ای و پشمی، بر چیزی از حیوان، بر خوراکی، بر چیزی از میوه‌های زمین و بر لباس‌های فاخر و زینتی نمی‌توان سجده کرد.

۳ ـ حسن بن محبوب گوید: از امام رضا عليه السلام پرسیدم: گچی که با نجاست آدمی و استخوان مردگان پخته می‌شود و به آنها آلوده می‌گردد، آن گاه مسجد را با آن گچ کاری می‌کنند، آیا بر آن می‌توان سجده کرد؟

آن حضرت عليه السلام با خط خویش در پاسخم نوشت: همانا آتش و آب آن را پاک کرده‌اند.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام دَعَا أَبِي بِالْخُمْرَةِ.

فَأُبْطِأَتْ عَلَيْهِ، فَأَخَذَ كَفّاً مِنْ حَصًى، فَجَعَلَهُ عَلَى الْبِسَاطِ ثُمَّ سَجَدَ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ وَ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام قَالَ:

لَا بَأْسَ بِالْقِيَامِ عَلَى الْمُصَلَّى مِنَ الشَّعْرِ وَ الصُّوفِ إِذَا كَانَ يَسْجُدُ عَلَى الْأَرْضِ، فَإِنْ كَانَ مِنْ نَبَاتِ الْأَرْضِ فَلَا بَأْسَ بِالْقِيَامِ عَلَيْهِ وَ السُّجُودِ عَلَيْهِ.

٦ ـ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ وَ غَيْرُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

لَا تَسْجُدْ عَلَى الْقِيرِ، وَ لَا عَلَى الصَّارُوجِ.

---

۴ ـ حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پدرم سجّادۀ حصیری خواست. ولی دیر برایش آوردند، آن حضرت مشتی سنگریزه برگرفت و آن را بر فرش گذارد، سپس سجده کرد.

۵ ـ فضیل بن یسار و برید بن معاویه از (امام باقر یا امام صادق عليهما السلام) روایت می‌کنند که حضرتش فرمود:

ایستادن بر سجّاده‌ای که از مو و از پشم باشد، اشکالی ندارد، در صورتی که بر زمین سجده کند، و اگر سجّاده از گیاهان زمین باشد، ایستادن و سجده کردن بر آن ایرادی ندارد.

۶ ـ عمرو بن سعید گوید: امام رضا عليه السلام فرمود:

بر قیر و نوره سجده نکن.

۷ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ غَيْرُهُ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الرَّيَّانِ قَالَ:
كَتَبَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا إِلَيْهِ بِيَدِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُقْبَةَ يَسْأَلُهُ ـ يَعْنِي أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام ـ عَنِ الصَّلاَةِ عَلَى الْخُمْرَةِ الْمَدَنِيَّةِ.
فَكَتَبَ: صَلِّ فِيهَا مَا كَانَ مَعْمُولاً بِخُيُوطَةٍ، وَ لَا تُصَلِّ عَلَى مَا كَانَ مَعْمُولاً بِسُيُورَةٍ.
قَالَ: فَتَوَقَّفَ أَصْحَابُنَا، فَأَنْشَدْتُهُمْ بَيْتَ شِعْرٍ لِتَأَبَّطَ شَرّاً الْعَدْوَانِيِّ: كَأَنَّهَا خُيُوطَةُ مَارِيّ تُغَارُ وَ تُفْتَلُ.
وَ مَارِيٌّ: كَانَ رَجُلاً حَبَّالاً، كَانَ يَعْمَلُ الْخُيُوطَ.
۸ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى بِإِسْنَادِهِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام:
السُّجُودُ عَلَى الْأَرْضِ فَرِيضَةٌ وَ عَلَى الْخُمْرَةِ سُنَّةٌ.
۹ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:
لَا تَسْجُدْ عَلَى الذَّهَبِ وَ لَا عَلَى الْفِضَّةِ.

---

۷ ـ علی بن ریّان گوید: یکی از دوستان ما نامه‌ای به امام باقر عليه السلام نوشت و آن را به دست ابراهیم بن عقبه برای آن حضرت فرستاد. در آن نامه از نماز بر سجّادۀ مدنی پرسیده بود.
حضرت در پاسخ نوشت: در صورتی که با نخ بافته شده باشد، بر آن نماز بخوان، ولی اگر از پوست، بافته شده باشد بر آن نماز نخوان

گوید: بیشتر یاران ما در به کار بردن سجاده توقّف کردند، به سبب این که استعمال «خیوط و سیور» بدون حرف «تاء» می‌باشد. من برای ایشان شعر تأبّط شرّاً عدوانی را خواندم که واژۀ «خیوط» با «تاء» به کار رفته است. مضمون آن این است: «گویا آن‌ها ریسمان‌های ماری‌اند که سخت و محکم بافته می‌شود» و ماری مردی ریسمان فروش بود که کار او تافتن ریسمان‌ها بود.

۸ ـ محمّد بن یحیی با سند خود نقل کند و گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: سجده کردن بر زمین واجب است و بر سجّاده مستحب است.

۹ ـ یونس بن یعقوب گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: بر طلا و نقره سجده نکن.

۱۰ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ عليهم السلام قَالَ:

لَا يَسْجُدُ الرَّجُلُ عَلَى شَيْءٍ لَيْسَ عَلَيْهِ سَائِرُ جَسَدِهِ.

۱۱ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللهِ عَنْ حُمْرَانَ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام قَالَ:

كَانَ أَبِي عليه السلام يُصَلِّي عَلَى الْخُمْرَةِ يَجْعَلُهَا عَلَى الطِّنْفِسَةِ، وَ يَسْجُدُ عَلَيْهَا، فَإِذَا لَمْ تَكُنْ خُمْرَةٌ جُعِلَ حَصًى عَلَى الطِّنْفِسَةِ حَيْثُ يَسْجُدُ.

۱۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام أَنَّهُ كَرِهَ أَنْ يُسْجَدَ عَلَى قِرْطَاسٍ عَلَيْهِ كِتَابَةٌ.

۱۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ الْعَمْرَكِيِّ النَّيْسَابُورِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي عَلَى الرَّطْبَةِ النَّابِتَةِ.

---

۱۰ ـ غیاث بن ابراهیم گوید: امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش عليه السلام از امیرمؤمنان علی عليه السلام نقل می‌کند که حضرتش فرمود:

انسان نباید بر چیزی سجده کند که باقی بدنش بر آن نباشد [۱].

۱۱ ـ حمران از (امام باقر یا امام صادق عليهما السلام) روایت کرده که فرمود:

پدر بزرگوارم بر روی سجّاده نماز می‌گزارد. سجاده را بر روی فرش پهن می‌کرد و بر آن سجده می‌کرد، و اگر سجّاده نبود، در محل سجده، سنگریزه می‌نهاد.

۱۲ ـ جمیل بن درّاج گوید:

امام صادق عليه السلام سجده کردن بر کاغذی را که بر آن چیزی نوشته باشد، مکروه می‌دانست.

۱۳ ـ علی بن جعفر گوید: از برادر خود، امام کاظم عليه السلام پرسیدم: می‌توان بر گیاهی که تازه روییده، نماز گزارد؟

---

۱ ـ طبق نقل شیخ طوسی رحمه الله در «تهذیب الأحکام» این روایت از روی تقیّه صادر شده است.

قَالَ: فَقَالَ: إِذَا أَلْصَقَ جَبْهَتَهُ بِالْأَرْضِ فَلاَ بَأْسَ.

وَ عَنِ الْحَشِيشِ النَّابِتِ الثَّيِّلِ وَ هُوَ يُصِيبُ أَرْضاً جَدَداً.

قَالَ: لَا بَأْسَ.

١٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ أَنَّ بَعْضَ أَصْحَابِنَا كَتَبَ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي عليه السلام يَسْأَلُهُ عَنِ الصَّلاَةِ عَلَى الزُّجَاجِ.

قَالَ: فَلَمَّا نَفَذَ كِتَابِي إِلَيْهِ تَفَكَّرْتُ وَ قُلْتُ: هُوَ مِمَّا أَنْبَتَتِ الْأَرْضُ وَ مَا كَانَ لِي أَنْ أَسْأَلَهُ عَنْهُ.

قَالَ: فَكَتَبَ إِلَيَّ: لَا تُصَلِّ عَلَى الزُّجَاجِ، وَ إِنْ حَدَّثَتْكَ نَفْسُكَ أَنَّهُ مِمَّا أَنْبَتَتِ الْأَرْضُ، وَ لَكِنَّهُ مِنَ الْمِلْحِ وَ الرَّمْلِ وَ هُمَا مَمْسُوخَانِ.

فرمود: چنانچه پیشانی به زمین بچسبد، اشکالی ندارد.

پرسیدم: آیا می‌توان بر علف و گیاه تازه یا چمن مرغزار نمازگزارد با وجود این که به زمین بدون آن نیز دسترسی داشت؟

فرمود: اشکالی ندارد.

۱۴ ـ محمّد بن حسین گوید: یکی از دوستان ما نامه‌ای به امام کاظم علیه السلام نوشت و از آن حضرت در مورد نماز بر شیشه پرسید.

گوید: چون نامه‌ام به سوی آن حضرت فرستاده شد، با خود فکر کردم و گفتم: شیشه از چیزهایی است که از زمین است و حکم سنگ را دارد و سجده بر آن جایز است و لازم نبود از آن حضرت بپرسم.

حضرتش در پاسخ نامهٔ من نوشت: بر شیشه نماز مگزار، گرچه پیش خود فکر کرده‌ای که از اجزای زمین است، چنین نیست، بلکه شیشه مانند نمک و ریگ است که مسخ شده و صورت اصلی خود را از دست داده‌اند.

(۲۸)
بَابُ وَضْعِ الْجَبْهَةِ عَلَى الْأَرْضِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

الْجَبْهَةُ كُلُّهَا مِنْ قُصَاصِ شَعْرِ الرَّأْسِ إِلَى الْحَاجِبَيْنِ مَوْضِعُ السُّجُودِ، فَأَيُّمَا سَقَطَ مِنْ ذَلِكَ إِلَى الْأَرْضِ أَجْزَأَكَ مِقْدَارُ الدِّرْهَمِ وَ مِقْدَارُ طَرَفِ الْأَنْمُلَةِ.

۲ ـ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ: أَخْبَرَنِي مَنْ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يَقُولُ:

لَا صَلاَةَ لِمَنْ لَمْ يُصِبْ أَنْفُهُ مَا يُصِيبُ جَبِينُهُ.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

بخش بیست و هشتم
نهادن پیشانی بر زمین

۱ ـ زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

تمام پیشانی از رستنگاه موی سر تا دو ابرو، جای سجده است. پس هر قسمت از آن که با زمین برخورد کند، اگر به اندازهٔ یک درهم یا به اندازهٔ یک بند انگشت باشد، کافی است.

۲ ـ عبداللّٰه بن مغیره گوید: یکی از راویانی که از امام صادق عليه السلام شنیده بود به من گفت: آن حضرت فرموده است:

نماز (کامل) ندارد کسی که (به هنگام سجده) بینی‌اش به آنجا که پیشانی‌اش می‌رسد، نرسد.

۳ ـ معاویة بن عمّار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

إِذَا وَضَعْتَ جَبْهَتَكَ عَلَى نَبَكَةٍ فَلاَ تَرْفَعْهَا، وَ لَكِنْ جُرَّهَا عَلَى الْأَرْضِ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ مَوْضِعِ جَبْهَةِ السَّاجِدِ يَكُونُ أَرْفَعَ مِنْ قِيَامِهِ.

قَالَ: لاَ وَ لَكِنْ يَكُونُ مُسْتَوِياً.

وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ: فِي السُّجُودِ عَلَى الْأَرْضِ الْمُرْتَفِعَةِ.

قَالَ: قَالَ: إِذَا كَانَ مَوْضِعُ جَبْهَتِكَ مُرْتَفِعاً عَنْ رِجْلَيْكَ قَدْرَ لَبِنَةٍ فَلاَ بَأْسَ.

٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ مُصَادِفٍ قَالَ: خَرَجَ بِي دُمَّلٌ فَكُنْتُ أَسْجُدُ عَلَى جَانِبٍ.

فَرَأَى أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام أَثَرَهُ. فَقَالَ: مَا هَذَا؟

فَقُلْتُ: لاَ أَسْتَطِيعُ أَنْ أَسْجُدَ مِنْ أَجْلِ الدُّمَّلِ، فَإِنَّمَا أَسْجُدُ مُنْحَرِفاً.

هرگاه پیشانی خود را بر زمینی که بلند و مرتفع باشد نهادی، پیشانی را بلند مکن، بلکه آن را بر زمین بکش (تا به جایی که هموار باشد برسد).

۴ ـ عبداللّٰه بن سنان گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا می‌شود جای پیشانی سجده کننده، از جای ایستادن او بلندتر باشد؟

فرمود: نه، باید برابر باشد.

و در روایت دیگر آمده است: از حضرتش در مورد سجده بر زمین بلند پرسیدند.

فرمود: هرگاه جای پیشانی تو به اندازهٔ یک خشت از جای دو پای تو بلندتر باشد، اشکالی ندارد.

۵ ـ مصادف گوید: بر پیشانی من دملی پدید آمد، از این رو بر یک سمتِ پیشانی سجده می‌کردم.

امام صادق عليه السلام مرا دید و فرمود: این چیست؟

گفتم: به خاطر دمل نمی‌توانم سجده کنم، ناچار چنین سجده می‌کنم.

فَقالَ لِي: لَا تَفْعَلْ، وَ لَكِنِ احْفِرْ حُفَيْرَةً فَاجْعَلِ الدُّمَّلَ فِي الْحُفْرَةِ حَتَّى تَقَعَ جَبْهَتُكَ عَلَى الْأَرْضِ.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بِإِسْنَادٍ لَهُ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَمَّنْ بِجَبْهَتِهِ عِلَّةٌ لَا يَقْدِرُ عَلَى السُّجُودِ عَلَيْهَا.

قَالَ: يَضَعُ ذَقَنَهُ عَلَى الْأَرْضِ إِنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: ﴿يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّداً﴾.

٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ:

رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام سَوَّى الْحَصَى حِينَ أَرَادَ السُّجُودَ.

٨ ـ مُحَمَّدٌ عَنِ الْفَضْلِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: الرَّجُلُ يَنْفُخُ فِي الصَّلَاةِ مَوْضِعَ جَبْهَتِهِ.

فَقالَ: لَا.

فرمود: چنین نکن، بلکه گودال کوچکی حفرکن و دمل را در آن قرار ده تا پیشانی‌ات به زمین برسد.

۶ ـ علی بن محمّد با سند خود گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد کسی که در پیشانی او عارضه‌ای است که نمی‌تواند بر آن سجده کند، پرسیدند.

فرمود: چانه خود را بر زمین بگذارد؛ زیرا خداوند عزّ و جلّ می‌فرماید: ﴿يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّداً﴾.

۷ ـ عبدالملک بن عمرو گوید: امام صادق عليه السلام را دیدم که به هنگام سجده، سنگریزه‌های سجده‌گاه را هموار می‌کرد.

۸ ـ محمّد بن مسلم گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: آیا کسی می‌تواند در نماز، جای پیشانی خود را فوت کند؟

فرمود: نه.

۹ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَسْجُدُ وَعَلَيْهِ الْعِمَامَةُ لَا يُصِيبُ وَجْهُهُ الْأَرْضَ.

قَالَ: لَا يُجْزِئُهُ ذَلِكَ حَتَّى تَصِلَ جَبْهَتُهُ إِلَى الْأَرْضِ.

(۲۹)

بَابُ الْقِيَامِ وَ الْقُعُودِ فِي الصَّلَاةِ

۱ ـ عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِذَا قُمْتَ فِي الصَّلَاةِ فَلَا تُلْصِقْ قَدَمَكَ بِالْأُخْرَى دَعْ بَيْنَهُمَا فَصْلاً إِصْبَعاً أَقَلُّ ذَلِكَ إِلَى شِبْرٍ أَكْثَرُهُ وَ اسْدِلْ مَنْكِبَيْكَ وَ أَرْسِلْ يَدَيْكَ وَ لَا تُشَبِّكْ أَصَابِعَكَ

---

۹ ـ عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی که سجده می‌کند و عمّامه به سر دارد و بدین سبب پیشانی او به زمین نمی‌رسد (چه حکمی دارد؟).

فرمود: تا پیشانی او به زمین نرسیده، سجدهٔ او درست نیست.

بخش بیست و نهم

ایستادن و نشستن در نماز

۱ ـ زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

چون به نماز ایستادی پای خود را به پای دیگر نچسبان و کمترین فاصلهٔ میان دو پا به اندازهٔ یک انگشت و بیشترین آن به اندازهٔ یک وجب است و کتف‌های خود را پایین بینداز و دست‌های خود را بیاویز و انگشتان خود را درهم مکن

وَ لْتَكُونَا عَلَى فَخِذَيْكَ قُبَالَةَ رُكْبَتَيْكَ، وَ لْيَكُنْ نَظَرُكَ إِلَى مَوْضِعِ سُجُودِكَ.

فَإِذَا رَكَعْتَ فَصُفَّ فِي رُكُوعِكَ بَيْنَ قَدَمَيْكَ تَجْعَلُ بَيْنَهُمَا قَدْرَ شِبْرٍ وَ تُمَكِّنُ رَاحَتَيْكَ مِنْ رُكْبَتَيْكَ وَ تَضَعُ يَدَكَ الْيُمْنَى عَلَى رُكْبَتِكَ الْيُمْنَى قَبْلَ الْيُسْرَى وَ بَلِّغْ أَطْرَافَ أَصَابِعِكَ عَيْنَ الرُّكْبَةِ وَ فَرِّجْ أَصَابِعَكَ إِذَا وَضَعْتَهَا عَلَى رُكْبَتَيْكَ، فَإِذَا وَصَلَتْ أَطْرَافُ أَصَابِعِكَ فِي رُكُوعِكَ إِلَى رُكْبَتَيْكَ أَجْزَأَكَ ذَلِكَ.

وَ أَحَبُّ إِلَيَّ أَنْ تُمَكِّنَ كَفَّيْكَ مِنْ رُكْبَتَيْكَ فَتَجْعَلَ أَصَابِعَكَ فِي عَيْنِ الرُّكْبَةِ وَ تُفَرِّجَ بَيْنَهُمَا وَ أَقِمْ صُلْبَكَ وَ مُدَّ عُنُقَكَ وَ لْيَكُنْ نَظَرُكَ إِلَى مَا بَيْنَ قَدَمَيْكَ.

فَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَسْجُدَ فَارْفَعْ يَدَيْكَ بِالتَّكْبِيرِ وَ خِرَّ سَاجِداً وَ ابْدَأْ بِيَدَيْكَ فَضَعْهُمَا عَلَى الْأَرْضِ قَبْلَ رُكْبَتَيْكَ تَضَعُهُمَا مَعاً وَ لَا تَفْتَرِشْ ذِرَاعَيْكَ افْتِرَاشَ السَّبُعِ ذِرَاعَيْهِ وَ لَا تَضَعَنَّ ذِرَاعَيْكَ عَلَى رُكْبَتَيْكَ.

و دستان خود را بر روی ران از جلو و امتداد زانوان قرار ده، و بایستی نگاهت به سجده‌گاهت باشد.

آن‌گاه که رکوع کردی، میان دو قدم خود را برابرکن و فاصلهٔ میان آنها را به اندازهٔ یک وجب قرار ده، و دو کف دست خود را به زانوان متّصل نما، و دست خود را بر -پیش از زانوی چپ- زانوی راست گذار، و اطراف انگشتان خود را به اطراف زانوان برسان، و چون انگشتان خود را بر زانوان نهادی آنها را باز کن، و چون اطراف انگشتان خود را در رکوع به زانوان خویش برسانی، برای تو کافی است.

نزد من بهتر این است که دو کف دست را بر دو زانوی خود بگذاری و انگشتان خود را به اطراف زانو برسانی و میان دو زانو را باز کنی، و پشت خود را راست گردانی و گردن خود را بکشی و نگاهت در میان دو قدمت باشد.

چون خواستی سجده کنی، دست‌های خود را به تکبیر بلندکن و سجده کنان بر زمین رو، و به دو دست خود شروع‌کن و آنها را با هم پیش از زانو بر زمین گذار، و بازوان خود را مانند درندگان بر زمین نگستران، و دو بازوی خود را بر زانوان و ران خود مگذار.

وَ فَخِذَيْكَ، وَ لَكِنْ تَجَنَّحْ بِمِرْفَقَيْكَ وَ لَا تُلْصِقْ كَفَّيْكَ بِرُكْبَتَيْكَ وَ لَا تُدْنِهِمَا مِنْ وَجْهِكَ بَيْنَ ذَلِكَ حِيَالَ مَنْكِبَيْكَ وَ لَا تَجْعَلْهُمَا بَيْنَ يَدَيْ رُكْبَتَيْكَ،وَ لَكِنْ تُحَرِّفُهُمَا عَنْ ذَلِكَ شَيْئاً وَ ابْسُطْهُمَا عَلَى الْأَرْضِ بَسْطاً وَ اقْبِضْهُمَا إِلَيْكَ قَبْضاً.

وَ إِنْ كَانَ تَحْتَهُمَا ثَوْبٌ فَلاَ يَضُرُّكَ وَ إِنْ أَفْضَيْتَ بِهِمَا إِلَى الْأَرْضِ فَهُوَ أَفْضَلُ وَ لَا تُفَرِّجَنَّ بَيْنَ أَصَابِعِكَ فِي سُجُودِكَ وَ لَكِنْ ضُمَّهُنَّ جَمِيعاً.

قَالَ: وَ إِذَا قَعَدْتَ فِي تَشَهُّدِكَ فَأَلْصِقْ رُكْبَتَيْكَ بِالْأَرْضِ وَ فَرِّجْ بَيْنَهُمَا شَيْئاً وَلْيَكُنْ ظَاهِرُ قَدَمِكَ الْيُسْرَى عَلَى الْأَرْضِ وَ ظَاهِرُ قَدَمِكَ الْيُمْنَى عَلَى بَاطِنِ قَدَمِكَ الْيُسْرَى وَ أَلْيَتَاكَ عَلَى الْأَرْضِ وَ طَرَفُ إِبْهَامِكَ الْيُمْنَى عَلَى الْأَرْضِ.

وَ إِيَّاكَ وَ الْقُعُودَ عَلَى قَدَمَيْكَ فَتَتَأَذَّى بِذَلِكَ وَ لَا تَكُنْ قَاعِداً عَلَى الْأَرْضِ فَتَكُونَ إِنَّمَا قَعَدَ بَعْضُكَ عَلَى بَعْضٍ فَلاَ تَصْبِرَ لِلتَّشَهُّدِ وَ الدُّعَاءِ.

و لكن دو آرنج خود را گشاده دار و دو كف دست خود را به دو زانو نچسبان و آن‌ها را نزديک صورت مگذار (بلكه) در جنب شانه‌هايت بگذار و آن‌ها را در جلوی زانو مگذار، ولی آن‌ها را اندكی از اين، عقب‌تر بياور و كف دستان را بر زمين پهن كن و در حال سجده آن‌ها را اندكی به خود نزديک گردان.

و اگر در زير دستان، جامه‌ای باشد، ضرری نمی‌رساند. ولی اگر دو دست را بر زمين رسانی بهتر است. در هنگام سجده انگشتان خود را باز مكن و آن‌ها را به يكديگر بچسبان.

حضرتش فرمود: و چون برای تشهّد می‌نشينی، دو زانو را بر زمين بچسبان و ميان آن‌ها را اندكی باز كن، ولی پشت پای چپت بر زمين باشد و پشت پای راستت بر درون پای چپت قرار بگيرد، و دو سرين تو و كنار انگشت شست پای راستت نيز بر زمين باشد.

بپرهيز از نشستن بر روی دو پای؛ زيرا اذيّت می‌شوی، و بر زمين نيز منشين و بايد كه بخشی از اعضای تو بر بخش ديگری باشد (يعنی دو سرين تو بر دو قدم تو باشد) كه در غير اين صورت نمی‌توانی برای تشهّد و دعا صبر كنی.

۲ ـ وَ بِهَذِهِ الْأَسَانِيدِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ:
إِذَا قَامَتِ الْمَرْأَةُ فِي الصَّلاَةِ جَمَعَتْ بَيْنَ قَدَمَيْهَا وَ لَا تُفَرِّجُ بَيْنَهُمَا، وَ تَضُمُّ يَدَيْهَا إِلَى صَدْرِهَا لِمَكَانِ ثَدْيَيْهَا، فَإِذَا رَكَعَتْ وَضَعَتْ يَدَيْهَا فَوْقَ رُكْبَتَيْهَا عَلَى فَخِذَيْهَا، لِئَلَّا تُطَأْطِئَ كَثِيراً فَتَرْتَفِعَ عَجِيزَتُهَا، فَإِذَا جَلَسَتْ فَعَلَى أَلْيَتَيْهَا لَيْسَ كَمَا يَقْعُدُ الرَّجُلُ.

وَ إِذَا سَقَطَتْ لِلسُّجُودِ بَدَأَتْ بِالْقُعُودِ بِالرُّكْبَتَيْنِ قَبْلَ الْيَدَيْنِ، ثُمَّ تَسْجُدُ لَاطِئَةً بِالْأَرْضِ، فَإِذَا كَانَتْ فِي جُلُوسِهَا ضَمَّتْ فَخِذَيْهَا وَ رَفَعَتْ رُكْبَتَيْهَا مِنَ الْأَرْضِ، وَ إِذَا نَهَضَتْ انْسَلَّتْ انْسِلاَلاً لَا تَرْفَعُ عَجِيزَتَهَا أَوَّلاً.

۳ ـ جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمانَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ:
لَا تُقْعِ بَيْنَ السَّجْدَتَيْنِ إِقْعَاءً.

---

۲ ـ زراره گويد: حضرتش فرمود: هنگامى كه زن به نماز مى‌ايستد، پايش را نزديک يكديگر گذارد و ميان آن‌ها فاصله نيندازد و دستانش را بر سينهٔ خود بر روى پستان‌هايش بچسباند، و چون به ركوع مى‌رود، دست‌هايش را بالاى زانوان، بر روى ران‌هاى خود گذارد تا زياد خم نشود كه نشيمنگاه او بالا بيايد، و چون خواست بنشيند، بايد بر نشيمنگاه نشيند، ولى نه چنان كه مردان مى‌نشينند.

و چون به سجده مى‌رود، بايد در نشستن به دو زانو پيش از دو دست شروع كند، آن‌گاه به سجده رود به گونه‌اى كه خود را به زمين بچسباند و به هنگام نشستن، ران‌هايش را به يكديگر بچسباند و دو زانوى خود را از زمين بلند كند، و چون مى‌خواهد بر خيزد، بدون آن كه خم شود سرين خود را بلند كند و بر خيزد.

۳ ـ ابوبصير گويد: امام صادق عليه‌السلام فرمود: ميان دو سجده، بر روى دو پنجهٔ پا منشين.

٤ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا سَجَدَتِ الْمَرْأَةُ بَسَطَتْ ذِرَاعَيْهَا.

٥ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَلًّى أَبِي عُثْمانَ عَنْ مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام إِذَا هَوَى سَاجِداً انْكَبَّ وَ هُوَ يُكَبِّرُ.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا سَجَدَ الرَّجُلُ ثُمَّ أَرَادَ أَنْ يَنْهَضَ فَلاَ يَعْجِنْ بِيَدَيْهِ فِي الْأَرْضِ، وَ لَكِنْ يَبْسُطُ كَفَّيْهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَضَعَ مَقْعَدَتَهُ عَلَى الْأَرْضِ.

٧ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ جُلُوسِ الْمَرْأَةِ فِي الصَّلاَةِ.

قَالَ: تَضُمُّ فَخِذَيْهَا.

---

۴ ـ ابن ابی یعفور گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هنگامی که زن سجده می‌کند، باید دو بازوی خود را بر زمین پهن کند.

۵ ـ معلّی بن خنیس گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که آن حضرت می‌فرمود:

علی بن الحسین عليهما السلام همواره آن‌گاه که به سجده می‌رفت، تکبیر می‌گفت.

۶ ـ حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه کسی به سجده می‌رود، چون بر می‌خیزد نباید به دستان خویش تکیه کند، ولی دو کف دست خود را بر زمین بگستراند، بدون آن که نشیمنگاه را بر زمین گذارد.

۷ ـ عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید: از آن حضرت (امام صادق عليه السلام) در مورد چگونگی نشستن زن در نماز پرسیدم.

فرمود: باید دو ران خود را به یکدیگر بچسباند.

۸ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ:

الْمَرْأَةُ إِذَا سَجَدَتْ تَضَمَّمَتْ، وَ الرَّجُلُ إِذَا سَجَدَ تَفَتَّحَ.

۹ ـ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: ﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحَرْ﴾.

قَالَ: «النَّحْرُ»: الِاعْتِدَالُ فِي الْقِيَامِ أَنْ يُقِيمَ صُلْبَهُ وَ نَحْرَهُ.

وَ قَالَ: لَا تُكَفِّرْ، فَإِنَّمَا يَصْنَعُ ذَلِكَ الْمَجُوسُ، وَ لَا تَلَثَّمْ وَ لَا تَحْتَفِزْ، وَ لَا تُقْعِ عَلَى قَدَمَيْكَ، وَ لَا تَفْتَرِشْ ذِرَاعَيْكَ.

---

۸ ـ یکی از اصحاب ما گوید: حضرتش فرمود:

هنگامی که زن سجده می‌کند، باید اعضای خود را به یکدیگر بچسباند و مرد به هنگام سجده باید اعضای خود را از یکدیگر باز نگاه دارد.

۹ ـ راوی گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم: منظور از گفتار خدا که می‌فرماید: «پس به پروردگارت نماز خوان و نحر کن» چیست؟

فرمود: منظور از «نحر»، اعتدال و راست شدن در هنگام ایستادن است که باید پشت خود را راست و مستقیم گیرد.

حضرتش فرمود: (در نماز) دست بر دست (یا دست بر سینه) مگذار؛ زیرا این، عملی است که مجوس انجام می‌دهند. دهان بند بر دهان خود مگذار، اعضای خود را به یکدیگر متّصل مکن، بر دو پاشنهٔ پا منشین و بازوان خویش را بر زمین نگستران.

(۳۰)
بَابُ التَّشَهُّدِ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَوَّلَتَيْنِ وَ الرَّابِعَةِ وَ التَّسْلِيمِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسَى عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه‌السلام عَنِ التَّشَهُّدِ.

فَقالَ: لَوْ كَانَ كَمَا يَقُولُونَ وَاجِباً عَلَى النَّاسِ هَلَكُوا، إِنَّمَا كَانَ الْقَوْمُ يَقُولُونَ أَيْسَرَ مَا يَعْلَمُونَ إِذَا حَمِدْتَ اللهَ أَجْزَأَ عَنْكَ.

۲ ـ وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مَنْصُورٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام: أَيَّ شَيْءٍ أَقُولُ فِي التَّشَهُّدِ وَ الْقُنُوتِ؟
قَالَ: قُلْ بِأَحْسَنِ مَا عَلِمْتَ، فَإِنَّهُ لَوْ كَانَ مُوَقَّتاً لَهَلَكَ النَّاسُ.

بخش سی‌ام
تشهّد در دو رکعت اوّل و رکعت چهارم وسلام دادن

۱ ـ بکر بن حبیب گوید: از امام باقر عليه‌السلام در مورد تشهّد پرسیدم.

فرمود: اگر آن چنان که مردم می‌گویند، بر مردم واجب بود، همه به هلاکت می‌افتادند، بلکه مردم باید آسان‌ترین آن‌چه را که می‌دانند بگویند و همین اندازه که خداوند را حمد و ثنا گویی کفایت می‌کند.

۲ ـ و در روایت دیگر، بکر بن حبیب گوید: به امام باقر عليه‌السلام عرض کردم: در تشهّد و قنوت چه بگویم؟

فرمود: بهترین چیزی را که می‌دانی بگو؛ زیرا اگر دعایی معیّن داشت مردم هلاک می‌شدند.

٣ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ طَلْحَةَ عَنْ سَوْرَةَ بْنِ كُلَيْبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ أَدْنَى مَا يُجْزِئُ مِنَ التَّشَهُّدِ.

فَقالَ: الشَّهَادَتَانِ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: أَقْرَأُ فِي التَّشَهُّدِ مَا طَابَ فَلِلَّهِ وَ مَا خَبُثَ فَلِغَيْرِهِ.

فَقالَ: هَكَذَا كَانَ يَقُولُ عَلِيٌّ عليه السلام.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

يَنْبَغِي لِلْإِمَامِ أَنْ يُسْمِعَ مَنْ خَلْفَهُ التَّشَهُّدَ وَ لَا يُسْمِعُونَهُ هُمْ شَيْئاً.

---

۳ ـ سورة بن کلیب گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم کمترین چیزی که در تشهّد باید گفت، چیست؟

فرمود: شهادتین.

۴ ـ یعقوب بن شعیب گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: آیا در تشهّد بخوانم: «ما طاب فَللّه وما خبث فلغیره»؟

فرمود: علی عليه السلام نیز چنین می‌فرمود.

۵ ـ حفص بن بختری گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

برای امام جماعت شایسته است که تشهّد را به‌گوش مأمومین برساند، و مأمومین نباید چیزی را به‌گوش او برسانند.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

كُلُّ مَا ذَكَرْتَ اللهَ بِهِ وَ النَّبِيَّ صلى الله عليه و آله فَهُوَ مِنَ الصَّلاَةِ وَ إِنْ قُلْتَ: «**السَّلاَمُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِينَ**» فَقَدِ انْصَرَفْتَ.

٧ ـ وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

إِذَا كُنْتَ فِي صَفٍّ فَسَلِّمْ تَسْلِيمَةً عَنْ يَمِينِكَ وَ تَسْلِيمَةً عَنْ يَسَارِكَ، لِأَنَّ عَنْ يَسَارِكَ مَنْ يُسَلِّمُ عَلَيْكَ، وَ إِذَا كُنْتَ إِمَاماً فَسَلِّمْ تَسْلِيمَةً وَ أَنْتَ مُسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةِ.

٨ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا انْصَرَفْتَ مِنَ الصَّلاَةِ فَانْصَرِفْ عَنْ يَمِينِكَ.

---

۶ ـ حلبی گوید: امام صادق عليه السلام به من فرمود:

هرچه (پس از تشهّد) خداوند و پیامبر صلى الله عليه و آله را یاد کنی جزو نماز محسوب می‌شود، و چون گفتی: «**السَّلاَمُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِينَ**» از نماز خارج می‌شوی.

۷ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

چون در میان صف نماز جماعت هستی، به سمت راست خود یک سلام گوی و یک سلام نیز به سمت چپ خود؛ زیرا که سمت چپت، کسی است که به تو سلام می‌کند، و اگر امام جماعت بودی در حالی که رو به قبله هستی، فقط یک سلام کافی است.

۸ ـ سماعه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: چون نماز را به پایان رساندی، از سمت راست خود به پایان ببر.

۹ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ عَنْبَسَةَ بْنِ مُصْعَبٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام عَنِ الرَّجُلِ يَقُومُ فِي الصَّفِّ خَلْفَ الْإِمَامِ وَ لَيْسَ عَلَى يَسَارِهِ أَحَدٌ كَيْفَ يُسَلِّمُ.

قَالَ: يُسَلِّمُ وَاحِدَةً عَنْ يَمِينِهِ.

۱۰ ـ وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام:

إِذَا قُمْتَ مِنَ الرَّكْعَةِ فَاعْتَمِدْ عَلَى كَفَّيْكَ وَ قُلْ: «**بِحَوْلِ اللهِ وَ قُوتِهِ أَقُومُ وَ أَقْعُدُ**»، فَإِنَّ عَلِيّاً عليه‌السلام كَانَ يَفْعَلُ ذَلِكَ.

۱۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام:

إِذَا جَلَسْتَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَوَّلَتَيْنِ فَتَشَهَّدْتَ ثُمَّ قُمْتَ فَقُلْ: «**بِحَوْلِ اللهِ وَ قُوتِهِ أَقُومُ وَ أَقْعُدُ**».

---

۹ ـ عنبسة بن مصعب گوید: از امام صادق عليه‌السلام پرسیدم: کسی که در صف نماز جماعت پشت سر امام ایستاده و در سمت چپ او کسی نیست، چگونه باید سلام گوید؟

فرمود: یک سلام به سمت راست خود بگوید.

۱۰ ـ ابو بکر حضرمی گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

هرگاه از رکعتی که تمام شده برخاستی به دو کف دست خود تکیه کن و برخیز و بگو: «**بِحَوْلِ اللهِ وَ قُوتِهِ أَقُومُ وَ أَقْعُدُ**»، زیرا علی عليه‌السلام این چنین می‌کرد.

۱۱ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود: هرگاه در دو رکعت آغازین نماز نشستی و تشهّد گفتی، سپس برخاستی بگو: «**بِحَوْلِ اللهِ وَ قُوتِهِ أَقُومُ وَ أَقْعُدُ**».

(۳۱)
بَابُ الْقُنُوتِ فِي الْفَرِيضَةِ وَ النَّافِلَةِ وَ مَتَى هُوَ؟ وَ مَا يُجْزِي فِيهِ؟

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ غَيْرُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ الْقُنُوتِ فِي الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ.

فَقالَ: اقْنُتْ فِيهِنَّ جَمِيعاً.

قَالَ: وَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام بَعْدَ ذَلِكَ عَنِ الْقُنُوتِ.

فَقالَ لِي: أَمَّا مَا جَهَرْتَ فَلاَ تَشُكَّ.

۲ ـ أَحْمَدُ عَنِ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ:

صَلَّيْتُ خَلْفَ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام أَيَّاماً، فَكَانَ يَقْنُتُ فِي كُلِّ صَلاَةٍ يَجْهَرُ فِيهَا وَ لَا يَجْهَرُ فِيهَا.

بخش سی و یکم
قنوت در نماز واجب و نافله، قنوت در کجا لازم است؟ و در آن چه باید گفت؟

۱ ـ محمّد بن مسلم گوید: از امام باقر عليه السلام در مورد قنوت نمازهای پنجگانه پرسیدم.

فرمود: در تمام آنها قنوت لازم است.

محمّد بن مسلم گوید: بعد از این، باز از امام صادق عليه السلام درمورد قنوت پرسیدم.

فرمود: در نمازهای جهری، تردیدی در لازم بودن آن نیست.

۲ ـ صفوان جمّال گوید: چند روزی پشت سر امام صادق عليه السلام نماز می‌خواندم، آن حضرت در هر نمازی قنوت می‌خواند، هم در نمازهایی که بلند می‌خواند و هم در نمازهایی آهسته می‌خواند.

۳ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الْقُنُوتِ.

فَقالَ: فِيما يُجْهَرُ فِيهِ بِالْقِرَاءَةِ.

قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: إِنِّي سَأَلْتُ أَبَاكَ عَنْ ذٰلِكَ، فَقالَ: فِي الْخَمْسِ كُلِّهَا.

فَقالَ: رَحِمَ اللهُ أَبِي! إِنَّ أَصْحَابَ أَبِي أَتَوْهُ فَسَأَلُوهُ فَأَخْبَرَهُمْ بِالْحَقِّ ثُمَّ أَتَوْنِي شُكَّاكاً فَأَفْتَيْتُهُمْ بِالتَّقِيَّةِ.

٤ ـ عَلِيٌّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

اقْنُتْ فِي كُلِّ رَكْعَتَيْنِ فَرِيضَةٍ أَوْ نَافِلَةٍ قَبْلَ الرُّكُوعِ.

٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْقُنُوتِ.

فَقالَ: فِي كُلِّ صَلاَةٍ فَرِيضَةٍ وَ نَافِلَةٍ.

۳ـ ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد قنوت پرسیدم.

فرمود: قنوت را باید در نماز جهری خواند.

به آن حضرت عرض کردم: روزی از پدر شما (امام باقر عليه السلام) دربارهٔ آن پرسیدم.

ایشان چنین فرمود: در تمام نمازهای پنجگانه باید قنوت خواند.

فرمود: خداوند پدرم را رحمت کند! اصحاب پدرم نزد حضرتش آمدند و در این مورد پرسیدند، آن حضرت آن‌چه را که حق و واقع بود، به آنان پاسخ داد، ولی من سؤال کنندگان را مشکوک یافتم و از روی تقیّه به آنان فتوی دادم.

۴ـ حارث بن مغیره گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

در هر نماز دو رکعتی ـ چه در نماز واجب و چه در نماز نافله ـ پیش از رکوع قنوت بخوان.

۵ـ عبدالرحمان بن حجّاج گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد قنوت پرسیدم.

فرمود: در هر نماز ـ چه واجب و چه نافله ـ لازم است.

٦ ـ وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ يُونُسَ عَنْ وَهْبِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:
مَنْ تَرَكَ الْقُنُوتَ رَغْبَةً عَنْهُ فَلاَ صَلاَةَ لَهُ.

٧ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
الْقُنُوتُ فِي كُلِّ صَلاَةٍ فِي الرَّكْعَةِ الثَّانِيَةِ قَبْلَ الرُّكُوعِ.

٨ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبَانٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْفَضْلِ قَالَ:
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الْقُنُوتِ وَ مَا يُقَالُ فِيهِ.
فَقَالَ: مَا قَضَى اللهُ عَلَى لِسَانِكَ، وَ لَا أَعْلَمُ لَهُ شَيْئاً مُوَقَّتاً.

٩ ـ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:
الْقُنُوتُ فِي الْفَرِيضَةِ الدُّعَاءُ وَ فِي الْوَتْرِ الِاسْتِغْفَارُ.

---

۶ ـ وهب بن عبدربّه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
هر که قنوت را به خاطر بی رغبتی ترک کند، نمازی ندارد.

۷ ـ زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:
قنوت در هر نماز در رکعت دوم و پیش از رکوع است.

۸ ـ اسماعیل بن فضل گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد قنوت و آن‌چه بایستی در آن خواند، پرسیدم.
فرمود: هرچه که خداوند بر زبانت جاری کرد، بگو و برای آن چیز معیّنی را سراغ ندارم.

۹ ـ عبدالرحمان بن ابی عبد اللّه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
قنوت در نماز واجب، دعاست و در نماز وتر استغفار.

۱۰ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: رَجُلٌ نَسِيَ الْقُنُوتَ فَذَكَرَهُ وَ هُوَ فِي بَعْضِ الطَّرِيقِ.

فَقَالَ: يَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ ثُمَّ لْيَقُلْهُ.

ثُمَّ قَالَ: إِنِّي لَأَكْرَهُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَرْغَبَ عَنْ سُنَّةِ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله أَوْ يَدَعَهَا.

۱۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ أَدْنَى الْقُنُوتِ.

فَقَالَ: خَمْسُ تَسْبِيحَاتٍ.

۱۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي خَلَفٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

يُجْزِئُكَ فِي الْقُنُوتِ: «**اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا وَ عَافِنَا وَ اعْفُ عَنَّا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ**».

---

۱۰ ـ زراره گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: شخصی قنوت را فراموش می‌کند و در بین راه به یادش می‌افتد (وظیفهٔ او چیست؟).

فرمود: رو به قبله کند و آن را به جای آورد.

سپس فرمود: دوست ندارم کسی نسبت به سنّت رسول خدا صلى الله عليه وآله بی میل شود، یا آن را ترک کند.

۱۱ ـ ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام دربارهٔ کمترین مقدار قنوت پرسیدم.

فرمود: پنج تسبیح است.

۱۲ ـ سعد بن ابی خلف گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

در قنوت کافی است که بخوانی:

«**اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا وَ عَافِنَا وَ اعْفُ عَنَّا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ**»؛

«بارخدایا! ما را بیامرز، بر ما رحمت فرما، ما را سلامت دار و از ما، در دنیا و جهان آخرت در گذر؛ زیرا تو بر هر چیز توانایی».

۱۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: مَا أَعْرِفُ قُنُوتاً إِلَّا قَبْلَ الرُّكُوعِ.

۱٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ: حَدَّثَنِي يَعْقُوبُ بْنُ يَقْطِينٍ قَالَ:

سَأَلْتُ عَبْداً صَالِحاً عليه السلام عَنِ الْقُنُوتِ فِي الْوَتْرِ وَ الْفَجْرِ وَ مَا يُجْهَرُ فِيهِ قَبْلَ الرُّكُوعِ أَوْ بَعْدَهُ.

فَقَالَ: قَبْلَ الرُّكُوعِ حِينَ تَفْرُغُ مِنْ قِرَاءَتِكَ.

۱٥ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ زِيَادٍ الْقَنْدِيِّ عَنْ دُرُسْتَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ:

الْقُنُوتُ فِي كُلِّ صَلَاةٍ فِي الْفَرِيضَةِ وَ التَّطَوُّعِ.

---

۱۳ ـ معاوية بن عمّار گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

من قنوتى را سراغ ندارم، مگر آن كه پيش از ركوع باشد.

۱۴ ـ يعقوب بن يقطين گويد: از عبد صالح عليه السلام در مورد قنوت در نماز وتر، نماز صبح و هر نماز جهرى پرسيدم كه آيا پيش از ركوع است، يا بعد از آن؟

فرمود: پيش از ركوع است، هنگامى كه از قرائت فارغ مى‌شوى.

۱۵ ـ محمّد بن مسلم گويد: امام عليه السلام فرمود:

قنوت در همهٔ نمازهاى واجب و نمازهاى نافله وارد است.

(۳۲)

بَابُ التَّعْقِيبِ بَعْدَ الصَّلاَةِ وَ الدُّعَاءِ

۱ ـ عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

لَا يَنْبَغِي لِلْإِمَامِ أَنْ يَنْتَقِلَ إِذَا سَلَّمَ حَتَّى يُتِمَّ مَنْ خَلْفَهُ الصَّلاَةَ.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَؤُمُّ فِي الصَّلاَةِ هَلْ يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يُعَقِّبَ بِأَصْحَابِهِ بَعْدَ التَّسْلِيمِ؟

فَقالَ: يُسَبِّحُ وَ يَذْهَبُ مَنْ شَاءَ لِحَاجَتِهِ وَ لَا يُعَقِّبُ رَجُلٌ لِتَعْقِيبِ الْإِمَامِ.

۲ ـ عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

بخش سی و دوم

دعا و تعقیب بعد از نماز

۱ ـ حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

برای امام جماعت شایسته نیست که چون سلام دهد از جای خود حرکت کند تا آن کسی که پشت سر اوست، نماز را تمام نماید.

حلبی گوید: از آن حضرت پرسیدم: آیا برای پیشنماز شایسته است که یاران خود را امر به تعقیب نماز کند؟

فرمود: تسبیح بگوید و هر که خواست برود و لازم نیست مأموم، همانند امام تعقیبات را انجام دهد.

۲ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

أَيُّمَا رَجُلٍ أَمَّ قَوْماً فَعَلَيْهِ أَنْ يَقْعُدَ بَعْدَ التَّسْلِيمِ وَ لَا يَخْرُجَ مِنْ ذَلِكَ الْمَوْضِعِ حَتَّى يُتِمَّ الَّذِينَ خَلْفَهُ الَّذِينَ سُبِقُوا صَلَاتَهُمْ ذَلِكَ عَلَى كُلِّ إِمَامٍ وَاجِبٌ إِذَا عَلِمَ أَنَّ فِيهِمْ مَسْبُوقاً، وَ إِنْ عَلِمَ أَنْ لَيْسَ فِيهِمْ مَسْبُوقٌ بِالصَّلَاةِ فَلْيَذْهَبْ حَيْثُ شَاءَ.

٣ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ صَلَّى صَلَاةً فَرِيضَةً وَ عَقَّبَ إِلَى أُخْرَى فَهُوَ ضَيْفُ اللهِ، وَ حَقٌّ عَلَى اللهِ أَنْ يُكْرِمَ ضَيْفَهُ.

٤ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْمُغِيرَةِ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يَقُولُ:

إِنَّ فَضْلَ الدُّعَاءِ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ عَلَى الدُّعَاءِ بَعْدَ النَّافِلَةِ كَفَضْلِ الْفَرِيضَةِ عَلَى النَّافِلَةِ.

هر که بر گروهی در نماز، امامت می‌کند، بر او لازم است که پس از سلام بنشیند و از جای خود بر نخیزد تا کسانی که بعداً رسیده‌اند نماز خود را تمام نمایند، این کار برای هر پیشنمازی واجب است در صورتی که بداند کسانی هستند که پس از او رسیده‌اند، ولی اگر بداند که چنین کسانی در میان نمازگزاران نیستند، می‌تواند برخیزد و هر جا خواست برود.

۳ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر کس نماز واجبی بخواند و تا وقت نماز بعدی تعقیب بخواند، مهمان خداست، و بر خداوند لازم است که مهمان خود را گرامی بدارد.

۴ ـ حسن بن مغیره گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

فضیلت دعای پس از نماز واجب، بر دعای پس از نماز نافله، مانند فضیلت نماز واجب بر نافله است.

قَالَ: ثُمَّ قَالَ: ادْعُهْ وَ لَا تَقُلْ قَدْ فُرِغَ مِنَ الْأَمْرِ، فَإِنَّ الدُّعَاءَ هُوَ الْعِبَادَةُ إِنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ داخِرِينَ﴾.

وَ قَالَ: ﴿ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾.

وَ قَالَ: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَدْعُوَ اللهَ فَمَجِّدْهُ وَ احْمَدْهُ وَ سَبِّحْهُ وَ هَلِّلْهُ وَ أَثْنِ عَلَيْهِ وَ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ ثُمَّ سَلْ تُعْطَ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

الدُّعَاءُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ أَفْضَلُ مِنَ الصَّلَاةِ تَنَفُّلاً.

٦ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام.

مَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عليها السلام قَبْلَ أَنْ يَثْنِيَ رِجْلَيْهِ مِنْ صَلَاةِ الْفَرِيضَةِ غَفَرَ اللهُ لَهُ وَ لْيَبْدَأْ بِالتَّكْبِيرِ.

راوی گوید: سپس حضرتش فرمود: دعا بخوان و نگو نماز پایان یافت، چرا که دعا، همان عبادت است، به راستی خداوند عزّ و جلّ می‌فرماید: «کسانی که از عبادت من استکبار می‌ورزند، به زودی با خواری وارد دوزخ خواهند شد».

و فرمود: «مرا بخوانید تا شما را استجابت نمایم».

و فرمود: هرگاه خواستی دعا کنی خدا را با عظمت یادکن و ستایش نما و او را تسبیح کن و تهلیل بگو و بر او ثناگو و بر پیامبر ﷺ درود فرست، آن‌گاه حاجت خود را بخواه تا روا شود.

۵ ـ زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

دعای پس از نماز واجب، بهتر از نماز نافله است.

۶ ـ عبد اللّٰه بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر کس خدا را با تسبیحات حضرت فاطمه زهرا عليها السلام تسبیح گوید، پیش از آن که از نماز واجب بر خیزد، خداوند او را بیامرزد، و بایستی با تکبیر شروع کند.

۷ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ سَبَّحَ اللهَ فِي دُبُرِ الْفَرِيضَةِ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عليها السلام الْمِائَةَ مَرَّةٍ وَ أَتْبَعَهَا بِـ«**لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ**» غَفَرَ اللهُ لَهُ.

۸ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُذَافِرٍ قَالَ: دَخَلْتُ مَعَ أَبِي عَلَى أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فَسَأَلَهُ أَبِي عَنْ تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عليها السلام.

فَقَالَ: «**اللهُ أَكْبَرُ**» حَتَّى أَحْصَاهَا أَرْبَعاً وَ ثَلَاثِينَ مَرَّةً.

ثُمَّ قَالَ: «**الْحَمْدُ لِلَّهِ**» حَتَّى بَلَغَ سَبْعاً وَ سِتِّينَ.

ثُمَّ قَالَ: «**سُبْحَانَ اللهِ**» حَتَّى بَلَغَ مِائَةً يُحْصِيهَا بِيَدِهِ جُمْلَةً وَاحِدَةً.

۹ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

---

۷ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر کس در پی هر نماز واجب خدا را با تسبیحات حضرت فاطمه زهرا عليها السلام ـ که صد مرتبه است ـ تسبیح گوید، سپس «**لااله الاّ اللّه**» بگوید، خداوند او را بیامرزد.

۸ ـ محمّد بن عذافر گوید: همراه پدرم خدمت امام صادق عليه السلام شرف‌یاب شدم. پدرم از آن حضرت در مورد تسبیحات حضرت فاطمه عليها السلام پرسید.

فرمود: «**اللّه اکبر**» و سی و چهار مرتبه شمرد.

سپس فرمود: «**الحمدللّه**» تا این که به شصت و هفت رسید (یعنی سی و سه مرتبه الحمدللّه گفت) پس از آن فرمود: «**سبحان اللّه**» تا به صد رسید (یعنی آن را نیز سی و سه مرتبه گفت) و همهٔ آن‌ها را به دست خود می‌شمرد.

۹ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

فِي تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عليها السلام يُبْدَأُ بِالتَّكْبِيرِ أَرْبَعاً وَ ثَلاَثِينَ، ثُمَّ التَّحْمِيدِ ثَلاَثاً وَ ثَلاَثِينَ، ثُمَّ التَّسْبِيحِ ثَلاَثاً وَ ثَلاَثِينَ.

۱۰ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنِ الْخَيْبَرِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ ثُوَيْرٍ وَ أَبِي سَلَمَةَ السَّرَّاجِ قَالاَ:

سَمِعْنَا أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام وَ هُوَ يَلْعَنُ فِي دُبُرِ كُلِّ مَكْتُوبَةٍ أَرْبَعَةً مِنَ الرِّجَالِ، وَ أَرْبَعاً مِنَ النِّسَاءِ فُلاَنٌ وَ فُلاَنٌ وَ فُلاَنٌ وَ مُعَاوِيَةُ، وَ يُسَمِّيهِمْ وَ فُلاَنَةُ وَ فُلاَنَةُ وَ هِنْدٌ وَ أُمُّ الْحَكَمِ أُخْتُ مُعَاوِيَةَ.

۱۱ ـ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

إِذَا شَكَكْتَ فِي تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عليها السلام فَأَعِدْ.

۱۲ ـ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام أَنَّهُ كَانَ يُسَبِّحُ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ عليها السلام فَيَصِلُهُ وَ لاَ يَقْطَعُهُ.

تسبیحات حضرت فاطمه عليها السلام با سی و چهار تکبیر شروع می‌شود، سپس سی و سه بار «**الحمدالله**»، و پس از آن سی و سه بار «**سبحان الله**».

۱۰ ـ حسین بن ثویر و ابوسلمه سراج گویند: از امام صادق عليه السلام شنیدیم که پس از هر نماز واجب، چهار نفر از مردان و چهار نفر از زنان را لعن می‌فرمود: فلان، فلان، فلان و معاویة و آنها را نام می‌برد، و فلانه، فلانه، هند و امّ حکم خواهر معاویه.

۱۱ ـ محمّد بن احمد در روایت مرفوعه‌ای می‌گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه در تسبیحات حضرت فاطمه عليها السلام شک کردی آن را اعاده کن.

۱۲ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام به تسبیحات حضرت فاطمه عليها السلام تسبیح می‌گفت و آنها را به یکدیگر متّصل می‌خواند و در میانشان فاصله نمی‌انداخت.

۱۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي هَارُونَ الْمَكْفُوفِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:
يَا أَبَا هَارُونَ! إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِتَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عليها السلام كَمَا نَأْمُرُهُمْ بِالصَّلاَةِ فَالْزَمْهُ، فَإِنَّهُ لَمْ يَلْزَمْهُ عَبْدٌ فَشَقِيَ.

۱٤ ـ وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
مَا عُبِدَ اللهُ بِشَيْءٍ مِنَ التَّحْمِيدِ أَفْضَلَ مِنْ تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عليها السلام وَ لَوْ كَانَ شَيْءٌ أَفْضَلَ مِنْهُ لَنَحَلَهُ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله فَاطِمَةَ عليها السلام.

۱٥ ـ وَ عَنْهُ عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْقَمَّاطِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يَقُولُ:
تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ عليها السلام فِي كُلِّ يَوْمٍ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلاَةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ صَلاَةِ أَلْفِ رَكْعَةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ.

۱٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

---

۱۳ ـ ابو هارون مکفوف گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
ای ابا هارون! ما فرزندان خود را به تسبیح حضرت فاطمه عليها السلام فرمان می‌دهیم؛ همان‌گونه که آنان را به نماز فرمان می‌دهیم، و تو بر آن مداومت کن؛ زیرا بنده‌ای که به آن مداومت کند، شقی و بدبخت نخواهد شد.

۱۴ ـ عقبه گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:
خداوند متعال با هیچ تسبیحی از حمد و ستایش عبادت نشده که از تسبیح حضرت فاطمه عليها السلام بهتر باشد؛ زیرا اگر چیزی بهتر از آن بود، رسول خدا صلى الله عليه وآله آن را به حضرت فاطمه عليها السلام عطا می‌کرد.

۱۵ ـ ابوخالد قمّاط گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:
تسبیح حضرت فاطمه عليها السلام در هر روز پس از هر نماز، نزد من بهتر از هزار رکعت نماز در هر روز است.

۱۶ ـ زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

أَقَلُّ مَا يُجْزِئُكَ مِنَ الدُّعَاءِ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ أَنْ تَقُولَ:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَافِيَتَكَ فِي أُمُورِي كُلِّهَا وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَ عَذَابِ الآخِرَةِ».

۱۷ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ الْفَضْلِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام.

يُسْتَجَابُ الدُّعَاءُ فِي أَرْبَعَةِ مَوَاطِنَ فِي الْوَتْرِ وَ بَعْدَ الْفَجْرِ وَ بَعْدَ الظُّهْرِ وَ بَعْدَ الْمَغْرِبِ.

۱۸ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانٍ عَنْ مُحَمَّدٍ الْوَاسِطِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يَقُولُ:

لَا تَدَعْ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلاَةٍ: **«أُعِيذُ نَفْسِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي بِاللهِ الْوَاحِدِ الصَّمَدِ حَتَّى تَخْتِمَهَا وَ أُعِيذُ نَفْسِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي بِرَبِّ الْفَلَقِ حَتَّى تَخْتِمَهَا وَ أُعِيذُ نَفْسِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي بِرَبِّ النَّاسِ حَتَّى تَخْتِمَهَا».**

کمترین و کوتاهترین دعایی که کافی است پس از نماز واجب بخوانی این که بگویی:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَافِيَتَكَ فِي أُمُورِي كُلِّهَا وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَ عَذَابِ الآخِرَةِ».

۱۷ ـ فضل بن عبدالملك گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

دعا در چهار موضع به اجابت می‌رسد: نماز وتر، بعد از سپیده دم، بعد از ظهر و بعد از مغرب.

۱۸ ـ محمّد واسطی گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

هیچگاه پس از نماز این دعا را ترک مکن: «**أُعِيذُ نَفْسِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي بِاللهِ الْوَاحِدِ الصَّمَدِ**» تا به پایان برسانی. «**وَ أُعِيذُ نَفْسِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي بِرَبِّ الْفَلَقِ**» تا به پایان برسانی. «**وَ أُعِيذُ نَفْسِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي بِرَبِّ النَّاسِ**» تا به پایان برسانی.

۱۹ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِبْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:

لَا تَنْسَوُا الْمُوجِبَتَيْنِ ـ أَوْ قَالَ: عَلَيْكُمْ بِالْمُوجِبَتَيْنِ ـ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلاَةٍ.

قُلْتُ: وَ مَا الْمُوجِبَتَانِ؟

قَالَ: تَسْأَلُ اللهَ الْجَنَّةَ وَ تَعُوذُ بِاللهِ مِنَ النَّارِ.

۲۰ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ سُلَيْمانَ بْنِ حَفْصٍ الْمَرْوَزِيِّ قَالَ:

كَتَبَ إِلَيَّ الرَّجُلُ صلوات الله عليه فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ مِائَةَ مَرَّةٍ «**شُكْراً شُكْراً**» وَ إِنْ شِئْتَ «**عَفْواً عَفْواً**».

۲۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ سَبَقَتْ أَصَابِعُهُ لِسَانَهُ حُسِبَ لَهُ.

---

۱۹ ـ زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

فراموش نکنید ـ یا این که فرمود: بر شما باد ـ پس از هر نماز آن دو چیزی را که موجب می‌شوند.

عرض کردم: آن دو چیز چیستند؟

فرمود: از خداوند بهشت را درخواست کنید و از آتش دوزخ به او پناه ببرید.

۲۰ ـ سلیمان بن حفص مروزی گوید: به امام کاظم عليه السلام دربارهٔ سجدهٔ شکر نامه‌ای نوشتم.

حضرتش در پاسخ نوشت: صد بار «**شُکْراً شُکْراً**» و اگر خواستی «**عَفْواً عَفْواً**» بگو.

۲۱ ـ سماعة بن مهران گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

انگشتان هر فردی بر زبانش پیشی گیرد (یعنی آن تسبیح را به اشتباه بشمارد) آن تسبیح برای او حساب می‌شود.

۲۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ دَاوُدَ الْعِجْلِيِّ مَوْلَى أَبِي الْمَغْرَاءِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يَقُولُ:

ثَلاَثٌ أُعْطِينَ سَمْعَ الْخَلاَئِقِ الْجَنَّةُ وَ النَّارُ وَ الْحُورُ الْعِينُ.

فَإِذَا صَلَّى الْعَبْدُ وَقَالَ: اللَّهُمَّ أَعْتِقْنِي مِنَ النَّارِ وَ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ وَ زَوِّجْنِي مِنَ الْحُورِ الْعِينِ.

قَالَتِ النَّارُ: يَا رَبِّ! إِنَّ عَبْدَكَ قَدْ سَأَلَكَ أَنْ تُعْتِقَهُ مِنِّي فَأَعْتِقْهُ.

وَ قَالَتِ الْجَنَّةُ: يَا رَبِّ! إِنَّ عَبْدَكَ قَدْ سَأَلَكَ إِيَّايَ فَأَسْكِنْهُ فِيَّ.

وَ قَالَتِ الْحُورُ الْعِينُ: يَا رَبِّ! إِنَّ عَبْدَكَ قَدْ خَطَبَنَا إِلَيْكَ فَزَوِّجْهُ مِنَّا.

فَإِنْ هُوَ انْصَرَفَ مِنْ صَلاَتِهِ وَ لَمْ يَسْأَلِ اللهَ شَيْئاً مِنْ هَذِهِ.

قُلْنَ الْحُورُ الْعِينُ: إِنَّ هَذَا الْعَبْدَ فِينَا لَزَاهِدٌ.

وَ قَالَتِ الْجَنَّةُ: إِنَّ هَذَا الْعَبْدَ فِيَّ لَزَاهِدٌ.

وَ قَالَتِ النَّارُ: إِنَّ هَذَا الْعَبْدَ فِيَّ لَجَاهِلٌ.

---

۲۲ ـ داوود عجلی گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

سه چیز است که شنوایی آفریدگان به آنان عطا شده است (و آنان سخن آفریدگان را می‌شنوند): بهشت، آتش و حوریان بهشتی.

هنگامی که بندهٔ نمازگزار بگوید: «خدایا! مرا از آتش آزاد کن، وارد بهشت کن و حوریان بهشتی را به ازدواج من بیاور»؛

آتش گوید: پروردگارا! به راستی که بنده‌ات از تو خواست که او را از من آزاد کنی، پس او را آزاد فرما.

بهشت گوید: پروردگارا! به راستی که بنده‌ات از تو مرا در خواست نمود، پس او را در من ساکن گردان.

و حوریان بهشتی گویند: پروردگارا! بنده‌ات ما را از تو خواستگاری کرد، پس ما را به عقد او در آور.

ولی اگر از نماز خود فارغ شود و آن‌ها را در خواست نکند، حوریان بهشتی گویند: این بنده به ما رغبتی ندارد، بهشت گوید: این بنده به من میلی ندارد و آتش گوید: این بنده از من بی خبر است.

۲۳ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

دُعَاءً يُدْعَى بِهِ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلاَةٍ تُصَلِّيهَا، فَإِنْ كَانَ بِكَ دَاءٌ مِنْ سَقَمٍ وَ وَجَعٍ، فَإِذَا قَضَيْتَ صَلاَتَكَ فَامْسَحْ بِيَدِكَ عَلَى مَوْضِعِ سُجُودِكَ مِنَ الْأَرْضِ، وَ ادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ، وَ أَمِرَّ بِيَدِكَ عَلَى مَوْضِعِ وَجَعِكَ سَبْعَ مَرَّاتٍ تَقُولُ:

«**يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ وَ اخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بِي** كَذَا وَ كَذَا **وَ ارْزُقْنِي** كَذَا وَ كَذَا **وَ عَافِنِي مِنْ** كَذَا وَ كَذَا».

۲٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ السَّرَّاجِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ شَجَرَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:

تَمْسَحُ بِيَدِكَ الْيُمْنَى عَلَى جَبْهَتِكَ وَ وَجْهِكَ فِي دُبُرِ الْمَغْرِبِ وَ الصَّلَوَاتِ وَ تَقُولُ:

---

۲۳ ـ احمد بن محمّد در روایت مرفوعه‌ای گوید: از امام صادق عليه السلام دعایی روایت شده که پس از هر نماز خوانده می‌شود. هرگاه از بیماری و دردی شکوه‌ای داری، چون نماز خود را تمام کردی، دست خود را بر سجده‌گاهت بکش و این دعا را هفت بار بخوان:

«**يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ وَ اخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بِي** كَذَا وَ كَذَا **وَ ارْزُقْنِي** كَذَا وَ كَذَا **وَ عَافِنِي مِنْ** كَذَا وَ كَذَا».

۲۴ ـ محمّد بن مروان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پس از نماز مغرب و همهٔ نمازها دست راست خود را به پیشانی و روی خود می‌کشی و می‌گویی:

«بِسْمِ اللهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَ الْحَزَنِ وَ السُّقْمِ وَ الْعُدْمِ وَ الصَّغَارِ وَ الذُّلِّ وَ الْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَنَ».

۲۵ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ التَّسْبِيحِ.

فَقَالَ: مَا عَلِمْتُ شَيْئاً مَوْقُوفاً غَيْرَ تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عليها السلام وَ عَشْرَ مَرَّاتٍ بَعْدَ الْغَدَاةِ تَقُولُ:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

وَ لَكِنَّ الْإِنْسَانَ يُسَبِّحُ مَا شَاءَ تَطَوُّعاً.

۲۶ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ الْقُمِّيِّ عَنْ إِدْرِيسَ أَخِيهِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يَقُولُ:

«بِسْمِ اللهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَ الْحَزَنِ وَ السُّقْمِ وَ الْعُدْمِ وَ الصَّغَارِ وَ الذُّلِّ وَ الْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَنَ».

۲۵ ـ محمّد بن مسلم گوید: از امام باقر عليه السلام در مورد تسبیح پرسیدم.

فرمود: من از تسبیح چیز مقرری جز تسبیح حضرت فاطمه صلوات الله علیها سراغ ندارم و این که ده بار پس از طلوع فجر بگویی: **«لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»**.

ولی انسان هر چه خواست می‌تواند تسبیح گوید.

۲۶ ـ ادریس گوید: ازامام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

إِذَا فَرَغْتَ مِنْ صَلاَتِكَ فَقُلِ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُكَ بِطَاعَتِكَ وَ وَلاَيَتِكَ وَ وَلاَيَةِ رَسُولِكَ وَ وَلاَيَةِ الْأَئِمَّةِ عليهم السلام مِنْ أَوَّلِهِمْ إِلَى آخِرِهِمْ» وَ تُسَمِّيهِمْ.

ثُمَّ قُلِ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُكَ بِطَاعَتِكَ وَ وَلاَيَتِهِمْ وَ الرِّضَا بِمَا فَضَّلْتَهُمْ بِهِ غَيْرَ مُتَكَبِّرٍ وَ لَا مُسْتَكْبِرٍ عَلَى مَعْنَى مَا أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ عَلَى حُدُودِ مَا أَتَانَا فِيهِ وَ مَا لَمْ يَأْتِنَا مُؤْمِنٌ مُقِرٌّ مُسَلِّمٌ بِذَلِكَ رَاضٍ بِمَا رَضِيتَ بِهِ يَا رَبِّ أُرِيدُ بِهِ وَجْهَكَ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ مَرْهُوباً وَ مَرْغُوباً إِلَيْكَ فِيهِ فَأَحْيِنِي مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَى ذَلِكَ وَ أَمِتْنِي إِذَا أَمَتَّنِي عَلَى ذَلِكَ وَ ابْعَثْنِي إِذَا بَعَثْتَنِي عَلَى ذَلِكَ وَ إِنْ كَانَ مِنِّي تَقْصِيرٌ فِيمَا مَضَى فَإِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْهُ وَ أَرْغَبُ إِلَيْكَ فِيمَا عِنْدَكَ، وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَعْصِمَنِي مِنْ مَعَاصِيكَ وَ لَا تَكِلَنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَداً مَا أَحْيَيْتَنِي لَا أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ وَ لَا أَكْثَرَ إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَعْصِمَنِي بِطَاعَتِكَ حَتَّى تَتَوَفَّانِي عَلَيْهَا وَ أَنْتَ عَنِّي رَاضٍ وَ أَنْ تَخْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ وَ لَا تُحَوِّلَنِي عَنْهَا أَبَداً وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ».

هرگاه از نماز خود فارغ شدی، بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُكَ بِطَاعَتِكَ وَ وَلاَيَتِكَ وَ وَلاَيَةِ رَسُولِكَ وَ وَلاَيَةِ الْأَئِمَّةِ عليهم السلام مِنْ أَوَّلِهِمْ إِلَى آخِرِهِمْ» و آنها را نام می‌بری.

سپس بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُكَ بِطَاعَتِكَ وَ وَلاَيَتِهِمْ وَ الرِّضَا بِمَا فَضَّلْتَهُمْ بِهِ غَيْرَ مُتَكَبِّرٍ وَ لَا مُسْتَكْبِرٍ عَلَى مَعْنَى مَا أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ عَلَى حُدُودِ مَا أَتَانَا فِيهِ وَ مَا لَمْ يَأْتِنَا مُؤْمِنٌ مُقِرٌّ مُسَلِّمٌ بِذَلِكَ رَاضٍ بِمَا رَضِيتَ بِهِ يَا رَبِّ أُرِيدُ بِهِ وَجْهَكَ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ مَرْهُوباً وَ مَرْغُوباً إِلَيْكَ فِيهِ فَأَحْيِنِي مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَى ذَلِكَ وَ أَمِتْنِي إِذَا أَمَتَّنِي عَلَى ذَلِكَ وَ ابْعَثْنِي إِذَا بَعَثْتَنِي عَلَى ذَلِكَ وَ إِنْ كَانَ مِنِّي تَقْصِيرٌ فِيمَا مَضَى فَإِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْهُ وَ أَرْغَبُ إِلَيْكَ فِيمَا عِنْدَكَ، وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَعْصِمَنِي مِنْ مَعَاصِيكَ وَ لَا تَكِلَنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَداً مَا أَحْيَيْتَنِي لَا أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ وَ لَا أَكْثَرَ إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَعْصِمَنِي بِطَاعَتِكَ حَتَّى تَتَوَفَّانِي عَلَيْهَا وَ أَنْتَ عَنِّي رَاضٍ وَ أَنْ تَخْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ وَ لَا تُحَوِّلَنِي عَنْهَا أَبَداً وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ».

۲۷ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبَانٍ عَنْ مُحَمَّدٍ الْوَاسِطِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يَقُولُ:

لَا تَدَعْ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ:

«أُعِيذُ نَفْسِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي بِاللهِ الْوَاحِدِ الصَّمَدِ حَتَّى تَخْتِمَهَا وَ أُعِيذُ نَفْسِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي بِرَبِّ الْفَلَقِ حَتَّى تَخْتِمَهَا وَ أُعِيذُ نَفْسِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي بِرَبِّ النَّاسِ حَتَّى تَخْتِمَهَا».

۲۸ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ قَالَ: كَتَبَ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام إِنْ رَأَيْتَ يَا سَيِّدِي أَنْ تُعَلِّمَنِي دُعَاءً أَدْعُو بِهِ فِي دُبُرِ صَلَوَاتِي يَجْمَعُ اللهُ لِي بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

فَكَتَبَ عليه السلام تَقُولُ:

«أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَ عِزَّتِكَ الَّتِي لَا تُرَامُ وَ قُدْرَتِكَ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنْ شَرِّ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا».

---

۲۷ ـ محمّد واسطی گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

هیچ‌گاه پس از نماز این دعا را ترک مکن **«أُعِيذُ نَفْسِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي بِاللهِ الْوَاحِدِ الصَّمَدِ حَتَّى تَخْتِمَهَا وَ أُعِيذُ نَفْسِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي بِرَبِّ الْفَلَقِ حَتَّى تَخْتِمَهَا وَ أُعِيذُ نَفْسِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي بِرَبِّ النَّاسِ حَتَّى تَخْتِمَهَا».**

۲۸ ـ علی بن مهزیار گوید: محمّد بن ابراهیم در نامه‌ای به امام کاظم عليه السلام نوشت:

ای سرور من! دعایی به من تعلیم فرما که پس از همه نمازهایم بخوانم تا خداوند خیر دنیا و جهان آخرت را برای من جمع فرماید.

آن حضرت عليه السلام نوشت: بگو:

«أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَ عِزَّتِكَ الَّتِي لَا تُرَامُ وَ قُدْرَتِكَ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنْ شَرِّ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا».

(۳۳)
بَابُ مَنْ أَحْدَثَ قَبْلَ التَّسْلِيمِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:
سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ صَلَّى الْفَرِيضَةَ، فَلَمَّا فَرَغَ وَ رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ السَّجْدَةِ الثَّانِيَةِ مِنَ الرَّكْعَةِ الرَّابِعَةِ أَحْدَثَ.

فَقالَ: أَمَّا صَلاَتُهُ فَقَدْ مَضَتْ وَ بَقِيَ التَّشَهُّدُ، وَ إِنَّمَا التَّشَهُّدُ سُنَّةٌ فِي الصَّلاَةِ فَلْيَتَوَضَّأْ وَ لْيَعُدْ إِلَى مَجْلِسِهِ أَوْ مَكَانٍ نَظِيفٍ فَيَتَشَهَّدْ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي الرَّجُلِ يُحْدِثُ بَعْدَ مَا يَرْفَعُ رَأْسَهُ مِنَ السَّجْدَةِ الْأَخِيرَةِ قَبْلَ أَنْ يَتَشَهَّدَ قال:

بخش سی و سوم
کسی که پیش از سلام حدثی از او سر زند

۱ ـ عبید بن زراره گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شخصی که نماز واجبی می‌خواند و هنگامی که سر خود را از سجدۀ دوم رکعت چهارم بر می‌دارد، حدثی از او سر می‌زند (چه وظیفه‌ای دارد؟)

فرمود: نماز چنین کسی تمام شده است، و تشهّد باقی مانده سنّت است. پس بایستی وضو بگیرد و به جای خود یا مکانی دیگر ـ که پاکیزه باشد ـ بازگردد و تشهّد خود را بخواند.

۲ ـ زراره گوید: امام باقر عليه السلام دربارۀ شخصی که پس از آن که سر خود را از سجده آخر برمی‌دارد، پیش از خواندن تشهّد حدثی از او سر می‌زند، فرمود:

يَنْصَرِفُ فَيَتَوَضَّأُ فَإِنْ شَاءَ رَجَعَ إِلَى الْمَسْجِدِ وَ إِنْ شَاءَ فَفِي بَيْتِهِ وَ إِنْ شَاءَ حَيْثُ شَاءَ يَقْعُدُ فَيَتَشَهَّدُ ثُمَّ يُسَلِّمُ، وَ إِنْ كَانَ الْحَدَثُ بَعْدَ التَّشَهُّدِ فَقَدْ مَضَتْ صَلاَتُهُ.

(٣٤)

بَابُ السَّهْوِ فِي افْتِتَاحِ الصَّلاَةِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَنْسَى تَكْبِيرَةَ الِافْتِتَاحِ.

قَالَ: يُعِيدُ.

٢ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانٍ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ أَوِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: فِي الرَّجُلِ يُصَلِّي فَلَمْ يَفْتَتِحْ بِالتَّكْبِيرِ هَلْ تُجْزِئُهُ تَكْبِيرَةُ الرُّكُوعِ؟

باید بر خیزد و وضو سازد. پس اگر خواست به مسجد بازگردد، یا در خانه و یا جایی دیگر بنشیند و تشهّد بخواند و سلام دهد، و اگر حدث بعد از تشهّد باشد، نمازش تمام شده و اشکالی بدان وارد نمی‌کند.

سی و چهارم
سهو در آغاز نماز

۱ ـ زراره گوید: از امام باقر عليه السلام در مورد شخصی که تکبیرة الاحرام را فراموش کرده پرسیدم.

فرمود: باید نماز را اعاده کند.

۲ ـ فضل یا ابن ابی یعفور گوید: از امام صادق عليه السلام دربارهٔ کسی که نماز می‌خواند و بعد متوجّه می‌شود که تکبیرة الاحرام را نگفته است، پرسیدند که آیا آن تکبیری که با آن به رکوع می‌رود، او را کفایت می‌کند؟

قَالَ: لَا، بَلْ يُعِيدُ صَلاَتَهُ إِذَا حَفِظَ أَنَّهُ لَمْ يُكَبِّرْ.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى رَفَعَهُ عَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

الْإِمَامُ يَحْمِلُ أَوْهَامَ مَنْ خَلْفَهُ إِلَّا تَكْبِيرَةَ الِافْتِتَاحِ.

(۳۵)

بَابُ السَّهْوِ فِي الْقِرَاءَةِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ رِبْعِيِّ بْنِ عَبْدِ اللهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام قَالَ:

إِنَّ اللهَ فَرَضَ الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ وَ الْقِرَاءَةُ سُنَّةٌ، فَمَنْ تَرَكَ الْقِرَاءَةَ مُتَعَمِّداً أَعَادَ الصَّلاَةَ، وَ مَنْ نَسِيَ الْقِرَاءَةَ فَقَدْ تَمَّتْ صَلاَتُهُ وَ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ أُمَّ الْقُرْآنِ.

فرمود: نه. بلکه در صورتی که بداند تکبیرة الاحرام را نگفته است، باید نماز خود را اعاده کند.

۳ ـ محمّد بن یحیی در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام رضا عليه السلام فرمود:

امام جماعت، همهٔ سهوهای مأمومین را برطرف می‌کند مگر سهو در تکبیرة الاحرام را.

بخش سی و پنجم
سهو در قرائت

۱ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام (باقر یا امام صادق عليهما السلام) فرمود:

به راستی که خداوند، رکوع و سجود را واجب فرموده، ولی قرائت سنّت است. پس هر کس قرائت را از روی عمد ترک نماید، باید نمازش را اعاده کند و هرکه قرائت را فراموش کند، نمازش تمام است و چیزی بر او واجب نیست.

۲ ـ ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد کسی که سورهٔ حمد را فراموش می‌کند، پرسیدم.

قَالَ: إِنْ كَانَ لَمْ يَرْكَعْ فَلْيُعِدْ أُمَّ الْقُرْآنِ.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام: إِنِّي صَلَّيْتُ الْمَكْتُوبَةَ فَنَسِيتُ أَنْ أَقْرَأَ فِي صَلاَتِي كُلِّهَا.

فَقالَ: أَ لَيْسَ قَدْ أَتْمَمْتَ الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ؟

قُلْتُ: بَلَى.

قَالَ: قَدْ تَمَّتْ صَلاَتُكَ إِذَا كَانَ نِسْيَاناً.

(۳٦)

بَابُ السَّهْوِ فِي الرُّكُوعِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام عَنِ الرَّجُلِ يَشُكُّ وَ هُوَ قَائِمٌ لَا يَدْرِي رَكَعَ أَمْ لَمْ يَرْكَعْ؟

فرمود: اگر به رکوع نرفته، باید آن را بخواند.

۳ ـ منصور بن حازم گوید: به امام صادق عليه‌السلام عرض کردم: من نماز واجبی خواندم و در تمام آن، قرائت را فراموش کردم.

فرمود: آیا رکوع و سجود آن را درست به جای نیاوردی؟

گفتم: آری، درست به جای آوردم.

فرمود: هرگاه قرائت را فراموش کنی و به جای نیاوری، نمازت درست است.

بخش سی و ششم

سهو در رکوع

۱ ـ ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه‌السلام پرسیدم: کسی که در حال قیام است، شک می‌کند که آیا رکوع را به جا آورده یا نه؟ (حکمش چیست؟)

قَالَ: يَرْكَعُ وَ يَسْجُدُ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رِفَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يَرْكَعَ حَتَّى يَسْجُدَ وَ يَقُومَ.

قَالَ: يَسْتَقْبِلُ.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِذَا اسْتَيْقَنَ أَنَّهُ قَدْ زَادَ فِي الصَّلاَةِ الْمَكْتُوبَةِ رَكْعَةً لَمْ يَعْتَدَّ بِهَا وَ اسْتَقْبَلَ الصَّلاَةَ اسْتِقْبَالاً إِذَا كَانَ قَدِ اسْتَيْقَنَ يَقِيناً.

فرمود: باید به رکوع برود، سپس سجده کند.

۲ ـ رفاعه گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که رکوع را فراموش می‌کند و به سجده می‌رود و برمی‌خیزد. (چه حکمی دارد؟)

فرمود: باید نماز از سر گیرد.

۳ ـ زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

هرگاه کسی یقین کند که در نماز واجب یک رکوع زیاد انجام داده است، نباید بدان اعتنا کند، ولی در صورتی که یقین کامل کند، باید نماز را از سر گیرد.

(۳۷)

بَابُ السَّهْوِ فِي السُّجُودِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام عَنْ رَجُلٍ سَهَا فَلَمْ يَدْرِ سَجْدَةً سَجَدَ أَمْ ثِنْتَيْنِ.

قَالَ: يَسْجُدُ أُخْرَى وَ لَيْسَ عَلَيْهِ بَعْدَ انْقِضَاءِ الصَّلاَةِ سَجْدَتَا السَّهْوِ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام عَنْ رَجُلٍ شَكَّ فَلَمْ يَدْرِ سَجْدَةً سَجَدَ أَمْ سَجْدَتَيْنِ؟

قَالَ: يَسْجُدُ حَتَّى يَسْتَيْقِنَ أَنَّهُمَا سَجْدَتَانِ.

۳ ـ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه‌السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ

بخش سی و هفتم

سهو در سجود

۱ ـ حلبی گوید: از امام صادق عليه‌السلام دربارهٔ کسی که سجده را فراموش می‌کند و نمی‌داند که آیا یک سجده به جا آورده یا دو سجده پرسیدند.

فرمود: باید سجدهٔ دیگری به جا آورد و پس از تمام شدن نماز، سجدهٔ سهو نیز بر او لازم نیست.

۲ ـ ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه‌السلام در مورد کسی که شک کند و نداند که آیا یک سجده به جا آورده یا دو سجده پرسیدم.

فرمود: باید به سجده رود، تا یقین نماید که دو سجده به جا آورده است.

۳ ـ احمد بن محمّد بن ابی نصر گوید: از امام رضا عليه‌السلام پرسیدم:

عَنْ رَجُلٍ صَلَّى رَكْعَةً ثُمَّ ذَكَرَ وَ هُوَ فِي الثَّانِيَةِ وَ هُوَ رَاكِعٌ أَنَّهُ تَرَكَ سَجْدَةً مِنَ الْأُولَى، فَقَالَ: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام يَقُولُ:

إِذَا تَرَكْتَ السَّجْدَةَ فِي الرَّكْعَةِ الْأُولَى وَ لَمْ تَدْرِ وَاحِدَةً أَمْ ثِنْتَيْنِ اسْتَقْبَلْتَ الصَّلَاةَ حَتَّى يَصِحَّ لَكَ أَنَّهُمَا اثْنَتَانِ.

۴ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ الْخَزَّازِ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ زَيْدٍ الشَّحَّامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ شُبِّهَ عَلَيْهِ وَ لَمْ يَدْرِ وَاحِدَةً سَجَدَ أَمْ ثِنْتَيْنِ.

قَالَ: فَلْيَسْجُدْ أُخْرَى.

(۳۸)

بَابُ السَّهْوِ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَوَّلَتَيْنِ

۱ـ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ غَيْرُهُ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ عَنْبَسَةَ بْنِ مُصْعَبٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

شخصی یک رکعت از نماز را خوانده و در رکعت دوم در حال رکوع به خاطرش می‌رسد که یک سجده از رکعت اوّل را فراموش کرده است.

فرمود: امام کاظم عليه السلام می‌فرمود: هرگاه یک سجده از رکعت اول را ترک کردی و ندانستی که یک سجده به جای آورده‌ای یا دو سجده، نماز خود را از سر گیر تا برای تو یقین حاصل شود که دو سجده به جا آورده‌ای.

۴ـ زید شحّام گوید: امام صادق عليه السلام در مورد شخصی که بر او مشتبه می‌شود و نمی‌داند که آیا یک سجده به جا آورده یا دو سجده، فرمود:

بایستی یک سجدهٔ دیگر نیز به جا آورد.

بخش سی و هشتم

سهو در دو رکعت اول

۱ـ عنبسة بن مصعب گوید: امام صادق عليه السلام به من فرمود:

إِذَا شَكَكْتَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَوَّلَتَيْنِ فَأَعِدْ.

۲ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ زُرْعَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: قَالَ:

إِذَا سَهَا الرَّجُلُ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَوَّلَتَيْنِ مِنَ الظُّهْرِ وَ الْعَصْرِ وَ الْعَتَمَةِ وَ لَمْ يَدْرِ أَ وَاحِدَةً صَلَّى أَمْ ثِنْتَيْنِ فَعَلَيْهِ أَنْ يُعِيدَ الصَّلاَةَ.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ وَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: رَجُلٌ لَا يَدْرِي وَاحِدَةً صَلَّى أَمْ ثِنْتَيْنِ.

قَالَ: يُعِيدُ.

قَالَ: قُلْتُ لَهُ: رَجُلٌ لَمْ يَدْرِ أَ ثِنْتَيْنِ صَلَّى أَمْ ثَلَاثاً.

فَقَالَ: إِنْ دَخَلَهُ الشَّكُّ بَعْدَ دُخُولِهِ فِي الثَّالِثَةِ مَضَى فِي الثَّالِثَةِ ثُمَّ صَلَّى الْأُخْرَى وَ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ وَ يُسَلِّمُ.

هرگاه در دو رکعت اوّل شک نمودی، نماز را اعاده کن.

۲ ـ سماعه (که از راویان امام صادق و امام کاظم علیهما السلام است) گوید: امام علیه السلام فرمود: هرگاه کسی در دو رکعت اوّل نماز ظهر، عصر و عشا شک کند و نداند که یک رکعت خوانده یا دو رکعت، بر او واجب است که نماز را اعاده نماید.

۳ ـ زراره گوید: به امام (باقر یا امام صادق علیهما السلام) عرض کردم: کسی که نمی‌داند آیا یک رکعت نماز خوانده است یا دو رکعت (چه حکمی دارد؟)

فرمود: باید نماز را اعاده کن.

گفتم: شخصی است که نمی‌داند دو رکعت به جا آورده یا سه رکعت (چه کند؟)

فرمود: اگر پس از آن که وارد رکعت سوم می‌شود شک بر او عارض شود، باید سه رکعت را تمام کند، سپس یک رکعت دیگر بخواند و چیز دیگر بر او لازم نیست و سلام دهد.

قُلْتُ: فَإِنَّهُ لَمْ يَدْرِ فِي ثِنْتَيْنِ هُوَ أَمْ فِي أَرْبَعٍ.

قَالَ: يُسَلِّمُ وَ يَقُومُ فَيُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ، ثُمَّ يُسَلِّمُ وَ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا عليه‌السلام:

الْإِعَادَةُ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَوَّلَتَيْنِ وَ السَّهْوُ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ.

(٣٩)

بَابُ السَّهْوِ فِي الْفَجْرِ وَ الْمَغْرِبِ وَ الْجُمُعَةِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ وَ غَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ:

إِذَا شَكَكْتَ فِي الْمَغْرِبِ فَأَعِدْ، وَ إِذَا شَكَكْتَ فِي الْفَجْرِ فَأَعِدْ.

گفتم: نمی‌داند در رکعت دوم است یا در رکعت چهارم.

فرمود: باید سلام دهد و برخیزد، سپس دو رکعت نماز بخواند و سلام دهد و دیگر چیزی بر او لازم نیست.

۴ ـ حسن بن علی وشّا گوید: امام رضا عليه‌السلام فرمود:

اعادهٔ نماز، در دو رکعت اوّل است، و شک در دو رکعت پایانی.

بخش سی و نهم

سهو در نمازهای صبح، مغرب و جمعه

۱ ـ حفص بن بختری و راوی دیگر گویند: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

هرگاه در نماز مغرب شک کردی، آن را اعاده کن، و هرگاه در نماز صبح شک کردی، آن را اعاده کن.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي وَ لَا يَدْرِي وَاحِدَةً صَلَّى أَمْ ثِنْتَيْنِ.

قَالَ: يَسْتَقْبِلُ حَتَّى يَسْتَيْقِنَ أَنَّهُ قَدْ أَتَمَّ، وَ فِي الْجُمُعَةِ وَ فِي الْمَغْرِبِ وَ فِي الصَّلَاةِ فِي السَّفَرِ.

۳ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ قَالَ:

صَلَّيْتُ بِأَصْحَابِيَ الْمَغْرِبَ، فَلَمَّا أَنْ صَلَّيْتُ رَكْعَتَيْنِ سَلَّمْتُ. فَقَالَ بَعْضُهُمْ: إِنَّمَا صَلَّيْتَ رَكْعَتَيْنِ.

فَأَعَدْتُ فَأَخْبَرْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام.

فَقَالَ: لَعَلَّكَ أَعَدْتَ.

قُلْتُ: نَعَمْ.

قَالَ: فَضَحِكَ. ثُمَّ قَالَ: إِنَّمَا يُجْزِئُكَ أَنْ تَقُومَ فَتَرْكَعَ رَكْعَةً.

---

۲ ـ محمّد بن مسلم گوید: از امام صادق عليه‌السلام در مورد شخصی که نماز می‌خواند و نمی‌داند که یک رکعت خوانده یا دو رکعت پرسیدم.

فرمود: باید نماز خود را از سر گیرد تا یقین کند که آن را کامل خوانده است، و در نماز جمعه، نماز مغرب و نماز در سفر نیز در چنین حالتی نماز را از سر گیرد.

۳ ـ ابوبکر حضرمی گوید: با دوستان خود نماز مغرب را (به جماعت) به جای آوردم و چون دو رکعت خواندم، سلام دادم.

یکی از آنان گفت: نماز را دو رکعت خواندی. من نمازم را اعاده کردم. سپس جریان را برای امام صادق عليه‌السلام باز گفتم.

حضرتش فرمود: مگر نماز را اعاده کردی؟

عرض کردم: آری.

حضرتش خندید، سپس فرمود: برای تو کفایت می‌کرد که یک رکعت دیگر به جا می‌آوردی.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

لَيْسَ فِي الْمَغْرِبِ وَ الْفَجْرِ سَهْوٌ.

(٤٠)
بَابُ السَّهْوِ فِي الثَّلَاثِ وَ الْأَرْبَعِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ غَيْرُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمانَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ صَلَّى فَلَمْ يَدْرِ أَ فِي الثَّالِثَةِ هُوَ أَمْ فِي الرَّابِعَةِ.

قَالَ: فَمَا ذَهَبَ وَهْمُهُ إِلَيْهِ إِنْ رَأَى أَنَّهُ فِي الثَّالِثَةِ، وَ فِي قَلْبِهِ مِنَ الرَّابِعَةِ شَيْءٌ سَلَّمَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ نَفْسِهِ ثُمَّ يُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ يَقْرَأُ فِيهِمَا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ.

---

۴ ـ راوی گوید امام صادق عليه السلام فرمود:

در نماز مغرب و صبح، سهو (شک) وجود ندارد.

بخش چهلم
سهو در رکعت سوم و چهارم

۱ ـ ابوبصیر (که از راویان امام باقر و امام صادق عليهما السلام است) گوید: از امام عليه السلام در مورد شخصی که نماز می‌خواند، ولی نمی‌داند که آیا در رکعت سوم است در رکعت چهارم پرسیدم.

فرمود: بنا را بر طرفی که احتمال می‌دهد بگذارد، اگر احتمال می‌دهد که در رکعت سوم است و در دلش به چهار رکعت شک دارد، سلام دهد، سپس دو رکعت نماز (نشسته) به جا آورد که در آن دو رکعت سورهٔ حمد می‌خواند.

۲ ـ وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ عَنِ الْحُسَيْنِ عَنْ فَضَالَةَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ:

إِنِ اسْتَوَى وَهْمُهُ فِي الثَّلَاثِ وَ الْأَرْبَعِ سَلَّمَ وَ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ وَ أَرْبَعَ سَجَدَاتٍ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَ هُوَ جَالِسٌ يَقْصِدُ فِي التَّشَهُّدِ.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: مَنْ لَمْ يَدْرِ فِي أَرْبَعٍ هُوَ أَمْ فِي ثِنْتَيْنِ وَ قَدْ أَحْرَزَ الثِّنْتَيْنِ.

قَالَ: يَرْكَعُ، رَكْعَتَيْنِ وَ أَرْبَعَ سَجَدَاتٍ وَ هُوَ قَائِمٌ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَ يَتَشَهَّدُ وَ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ، وَ إِذَا لَمْ يَدْرِ فِي ثَلَاثٍ هُوَ أَوْ فِي أَرْبَعٍ وَ قَدْ أَحْرَزَ الثَّلَاثَ قَامَ فَأَضَافَ إِلَيْهَا أُخْرَى وَ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ.

وَ لَا يَنْقُضُ الْيَقِينَ بِالشَّكِّ، وَ لَا يُدْخِلُ الشَّكَّ فِي الْيَقِينِ، وَ لَا يَخْلِطُ أَحَدَهُمَا بِالْآخَرِ، وَ لَكِنَّهُ يَنْقُضُ الشَّكَّ بِالْيَقِينِ، وَ يُتِمُّ عَلَى الْيَقِينِ فَيَبْنِي عَلَيْهِ، وَ لَا يَعْتَدُّ بِالشَّكِّ فِي حَالٍ مِنَ الْحَالَاتِ.

---

۲ ـ حسین بن ابی العلاء گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه احتمال نمازگزار در میان رکعت سه و چهار مساوی باشد، باید سلام دهد و دو رکعت نماز با چهار سجده و سورهٔ حمد در حال نشسته بخواند و در تشهّد میانه روی کند (یعنی آن را نه طولانی و نه مختصر بخواند).

۳ ـ زراره گوید: به امام (باقر یا امام صادق عليهما السلام) عرض کردم: کسی که نمی‌داند در رکعت چهارم است یا دوم، اما گمان او به رکعت دوم است، حکمش چیست؟

فرمود: دو رکعت نماز ایستاده با سورهٔ حمد تنها با دو رکوع و چهار سجده به جا آورد، سپس تشهّد می‌خواند و دیگر چیزی بر او نیست.

و اگر نمی‌داند که آیا در رکعت سوم است یا چهارم، ولی گمان به سه رکعت دارد، برمی‌خیزد و یک رکعت دیگر بر آن می‌افزاید و دیگر چیزی بر او نیست و نباید این یقین خود را با شک باطل کند و شک را در یقین داخل کند و هیچ کدام را به یکدیگر نیامیزد؛ ولی با یقین، شک را باطل کند و نماز را با یقین تمام کند و بنا را بر آن گذارد و در هیچ حالی ازحالات نباید به شک اعتنا نماید.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ لَا يَدْرِي رَكْعَتَيْنِ صَلَّى أَمْ أَرْبَعاً؟

قَالَ: يَتَشَهَّدُ وَ يُسَلِّمُ ثُمَّ يَقُومُ فَيُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ وَ أَرْبَعَ سَجَدَاتٍ يَقْرَأُ فِيهِمَا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ ثُمَّ يَتَشَهَّدُ وَ يُسَلِّمُ، وَ إِنْ كَانَ صَلَّى أَرْبَعاً كَانَتْ هَاتَانِ نَافِلَةً وَ إِنْ كَانَ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ كَانَتْ هَاتَانِ تَمَامَ الْأَرْبَعِ وَ إِنْ تَكَلَّمَ فَلْيَسْجُدْ سَجْدَتَيِ السَّهْوِ.

٥ ـ حَمَّادٌ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

إِنَّمَا السَّهْوُ مَا بَيْنَ الثَّلَاثِ وَ الْأَرْبَعِ وَ فِي الِاثْنَتَيْنِ وَ فِي الْأَرْبَعِ بِتِلْكَ الْمَنْزِلَةِ وَ مَنْ سَهَا وَ لَمْ يَدْرِ ثَلَاثاً صَلَّى أَمْ أَرْبَعاً وَ اعْتَدَلَ شَكُّهُ، يَقُومُ فَيُتِمُّ ثُمَّ يَجْلِسُ فَيَتَشَهَّدُ وَ يُسَلِّمُ وَ يُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ وَ أَرْبَعَ سَجَدَاتٍ وَ هُوَ جَالِسٌ، فَإِنْ كَانَ أَكْثَرُ وَهْمِهِ إِلَى الْأَرْبَعِ تَشَهَّدَ وَ سَلَّمَ ثُمَّ قَرَأَ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ رَكَعَ وَ سَجَدَ ثُمَّ قَرَأَ وَ سَجَدَ سَجْدَتَيْنِ وَ تَشَهَّدَ وَ سَلَّمَ، وَ إِنْ كَانَ أَكْثَرُ وَهْمِهِ إِلَى الثِّنْتَيْنِ نَهَضَ فَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ وَ تَشَهَّدَ وَ سَلَّمَ.

---

۴ ـ ابن ابی یعفور گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد کسی که نمی‌داند آیا دو رکعت به جای آورده یا چهار رکعت پرسیدم.

فرمود: باید تشهّد را بخواند و سلام دهد، سپس بر خیزد و دو رکعت نماز با حمد و چهار سجده به جا آورد و تشهّد را بخواند و سلام دهد.

حال اگر در واقع، نماز خود را چهار رکعت خوانده باشد آن دو رکعت برای او به عنوان نافله منظور می‌گردد و اگر در واقع، دو رکعت خوانده باشد، با این دو رکعت چهار رکعت می‌شود، و اگر در نماز سخنی گفته باشد، باید دو سجدهٔ سهو به جا آورد.

۵ ـ محمّد بن مسلم (که از راویان امام باقر و امام صادق عليهما السلام) است گوید:

شک بین رکعت سوم و چهارم همانند شک بین رکعت دوم و چهارم است، و هرکه شک کند و نداند که آیا سه رکعت خوانده یا چهار رکعت و شک او نسبت به هر طرف مساوی باشد، باید برخیزد نماز خود را تمام کند، سپس بنشیند و تشهّد را بخواند و سلام دهد و دو رکعت نماز نشسته با چهار سجده به جا آورد. اما اگر گمان او بیشتر به چهار رکعت مایل باشد، باید تشهّد را بخواند و سلام دهد، سپس سورهٔ حمد را بخواند و به رکوع رود و دو سجده کند، و پس از آن (حمد را) قرائت کند و دو سجده به جا آورد و تشهّد را بخواند و سلام دهد و اگر گمانش بیشتر به دو رکعت مایل باشد، باید بر خیزد و دو رکعت نماز به جا آورد و تشهّد را بخواند و سلام دهد.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ صَلَّى فَلَمْ يَدْرِ أَ ثِنْتَيْنِ صَلَّى أَمْ ثَلاَثاً أَمْ أَرْبَعاً.

قَالَ: يَقُومُ فَيُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ مِنْ قِيَامٍ وَ يُسَلِّمُ ثُمَّ يُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ مِنْ جُلُوسٍ وَ يُسَلِّمُ، فَإِنْ كَانَتْ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ كَانَتِ الرَّكْعَتَانِ نَافِلَةً وَ إِلَّا تَمَّتِ الْأَرْبَعُ.

٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبَانٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ سَيَابَةَ وَ أَبِي الْعَبَّاسِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا لَمْ تَدْرِ ثَلاَثاً صَلَّيْتَ أَوْ أَرْبَعاً وَ وَقَعَ رَأْيُكَ عَلَى الثَّلاَثِ فَابْنِ عَلَى الثَّلاَثِ، وَإِنْ وَقَعَ رَأْيُكَ عَلَى الْأَرْبَعِ فَسَلِّمْ وَ انْصَرِفْ، وَ إِنِ اعْتَدَلَ وَهْمُكَ فَانْصَرِفْ وَ صَلِّ رَكْعَتَيْنِ وَ أَنْتَ جَالِسٌ.

٨ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

---

۶ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام دربارۀ شخصی که نماز می‌خواند و نمی‌داند که دو رکعت نماز خوانده است، یا سه و یا چهار رکعت، فرمود:

باید خیزد و دو رکعت نماز ایستاده به جا آورد و سلام دهد، سپس دو رکعت در حال نشسته بخواند. پس در این صورت اگر در واقع نماز خود را چهار رکعت خوانده باشد، این دو رکعت به عنوان نافله محسوب می‌شود، وگرنه چهار رکعت تمام می‌شود.

۷ ـ عبد الرحمان بن سیابه و ابوالعباس گویند: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه ندانستی که سه رکعت نماز خوانده‌ای یا چهار رکعت، ولی نظر به سه رکعت داشتی، بنا را بر سه بگذار، و اگر به چهار رکعت مایل بودی، سلام را بگو و از نماز فارغ شو، و اگر نظرت نسبت به هر دو طرف مساوی باشد، از نماز فارغ شو و دو رکعت نماز در حال نشسته بخوان.

۸ ـ حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

إِذَا لَمْ تَدْرِ ثِنْتَيْنِ صَلَّيْتَ أَمْ أَرْبَعاً وَ لَمْ يَذْهَبْ وَهْمُكَ إِلَى شَيْءٍ فَتَشَهَّدْ وَ سَلِّمْ ثُمَّ صَلِّ رَكْعَتَيْنِ وَ أَرْبَعَ سَجَدَاتٍ تَقْرَأُ فِيهِمَا بِأُمِّ الْقُرْآنِ ثُمَّ تَشَهَّدْ وَ سَلِّمْ، فَإِنْ كُنْتَ إِنَّمَا صَلَّيْتَ رَكْعَتَيْنِ كَانَتَا هَاتَانِ تَمَامَ الْأَرْبَعِ، وَ إِنْ كُنْتَ صَلَّيْتَ أَرْبَعاً كَانَتَا هَاتَانِ نَافِلَةً.

وَ إِنْ كُنْتَ لَا تَدْرِي ثَلَاثاً صَلَّيْتَ أَمْ أَرْبَعاً وَ لَمْ يَذْهَبْ وَهْمُكَ إِلَى شَيْءٍ فَسَلِّمْ ثُمَّ صَلِّ رَكْعَتَيْنِ وَ أَنْتَ جَالِسٌ تَقْرَأُ فِيهِمَا بِأُمِّ الْكِتَابِ، وَ إِنْ ذَهَبَ وَهْمُكَ إِلَى الثَّلَاثِ فَقُمْ فَصَلِّ الرَّكْعَةَ الرَّابِعَةَ وَ لَا تَسْجُدْ سَجْدَتَيِ السَّهْوِ، فَإِنْ ذَهَبَ وَهْمُكَ إِلَى الْأَرْبَعِ فَتَشَهَّدْ وَ سَلِّمْ ثُمَّ اسْجُدْ سَجْدَتَيِ السَّهْوِ.

۹ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ فِي مَنْ لَا يَدْرِي أَ ثَلَاثاً صَلَّى أَمْ أَرْبَعاً وَوَهْمُهُ فِي ذَلِكَ سَوَاءٌ.

قَالَ: فَقَالَ: إِذَا اعْتَدَلَ الْوَهْمُ فِي الثَّلَاثِ وَ الْأَرْبَعِ فَهُوَ بِالْخِيَارِ إِنْ شَاءَ صَلَّى رَكْعَةً وَ هُوَ قَائِمٌ، وَ إِنْ شَاءَ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ وَ أَرْبَعَ سَجَدَاتٍ وَ هُوَ جَالِسٌ.

هرگاه شک کردی که دو رکعت نماز خوانده‌ای یا چهار رکعت و گمان به هیچ طرف ندادی، پس تشهّد بگو و سلام بده و بر خیز دو رکعت دیگر با دو رکوع و چهار سجود به جای آور و در آن‌ها سورهٔ حمد را بخوان. سپس تشهّد بگو و سلام بده. اگر در واقع دو رکعت نماز خوانده‌ای، با این دو رکعت چهار رکعت می‌شود، و اگر چهار رکعت خوانده‌ای، این دو رکعت، نافله محسوب خواهد شد.

و هرگاه شک کردی که سه رکعت نماز خوانده‌ای یا چهار رکعت و گمانت به جایی نرفت، سلام بده، سپس دو رکعت نماز در حال نشسته به جای آور و در آن‌ها سورهٔ حمد را بخوان، و اگر گمانت به سه رکعت مایل بود، برخیز و رکعت چهارم را به جای آور و دیگر سجده سهو لازم نیست، ولی اگر گمان به چهار رکعت دادی، تشهّد بگو و سلام بده، سپس دو سجدهٔ سهو به جای آور.

۹ ـ یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق عليه‌السلام دربارهٔ شخصی که نمی‌داند سه رکعت نماز خوانده است یا چهار رکعت و نظرش به هر دو طرف مساوی است، فرمود:

اگر نظرش نسبت به سه و چهار رکعت مساوی باشد، به اختیار اوست اگر بخواهد می‌تواند یک رکعت ایستاده بخواند و اگر بخواهد می‌تواند دو رکعت به چهار سجده در حال نشسته به جا می‌آورد.

وَ قَالَ فِي رَجُلٍ لَمْ يَدْرِ أَ ثِنْتَيْنِ صَلَّى أَمْ أَرْبَعاً وَ وَهْمُهُ يَذْهَبُ إِلَى الْأَرْبَعِ أَوْ إِلَى الرَّكْعَتَيْنِ.

فَقَالَ: يُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ وَ أَرْبَعَ سَجَدَاتٍ.

وَ قَالَ: إِنْ ذَهَبَ وَهْمُكَ إِلَى رَكْعَتَيْنِ وَ أَرْبَعٍ فَهُوَ سَوَاءٌ وَ لَيْسَ الْوَهْمُ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ مِثْلَهُ فِي الثَّلَاثِ وَ الْأَرْبَعِ.

(٤١)

بَابُ مَنْ سَهَا فِي الْأَرْبَعِ وَ الْخَمْسِ وَ لَمْ يَدْرِ زَادَ أَوْ نَقَصَ أَوِ اسْتَيْقَنَ أَنَّهُ زَادَ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه‌السلام يَقُولُ:

قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله: إِذَا شَكَّ أَحَدُكُمْ فِي صَلَاتِهِ فَلَمْ يَدْرِ زَادَ أَمْ نَقَصَ فَلْيَسْجُدْ سَجْدَتَيْنِ وَ هُوَ جَالِسٌ. وَ سَمَّاهُمَا رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله الْمُرْغِمَتَيْنِ.

حضرتش دربارهٔ کسی که دو رکعت خوانده یا چهار رکعت و نظرش به چهار رکعت یا به دو رکعت مایل باشد، فرمود:

باید دو رکعت نماز به چهار سجده به جا آورد.

و فرمود: اگر نظرت نسبت به دو و چهار رکعت مساوی باشد، حکمش یکی است و شک در اینجا مانند شک در رکعت سوم و چهارم نیست.

بخش چهل و یکم
کسی که در رکعت چهار و پنجم شک کند و نداند که بیشتر خوانده یا کمتر، یا یقین کند که بیشتر خوانده است

۱ ـ زراره گوید: از امام باقر عليه‌السلام شنیدم که فرمود:

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هرگاه یکی از شما در نماز خود شک کرد و ندانست که بیشتر خوانده یا کمتر، باید دو سجدهٔ سهو در حال نشسته به جا آورد. رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله این دو سجده را خوار کنندهٔ شیطان نامیده است.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ وَ بُكَيْرٍ ابْنَيْ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِذَا اسْتَيْقَنَ أَنَّهُ زَادَ فِي صَلاَتِهِ الْمَكْتُوبَةِ لَمْ يَعْتَدَّ بِهَا وَ اسْتَقْبَلَ صَلاَتَهُ اسْتِقْبَالاً إِذَا كَانَ قَدِ اسْتَيْقَنَ يَقِيناً.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا كُنْتَ لَا تَدْرِي أَرْبَعاً صَلَّيْتَ أَوْ خَمْساً فَاسْجُدْ سَجْدَتَيِ السَّهْوِ بَعْدَ تَسْلِيمِكَ ثُمَّ سَلِّمْ بَعْدَهُمَا.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: قَالَ:

مَنْ حَفِظَ سَهْوَهُ وَ أَتَمَّهُ فَلَيْسَ عَلَيْهِ سَجْدَتَا السَّهْوِ، إِنَّمَا السَّهْوُ عَلَى مَنْ لَمْ يَدْرِ زَادَ أَمْ نَقَصَ مِنْهَا.

---

۲ ـ زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

هرگاه کسی یقین کند که در نماز واجب یک رکوع زیاد انجام داده است، نباید بدان اعتنا کند، ولی در صورتی که یقین کامل کند، باید نماز را از سر گیرد.

۳ ـ عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه ندانستی که چهار رکعت خوانده‌ای یا پنج رکعت بعد از سلام دو سجده سهو به جای آور و پس از آن سلام گوی.

۴ ـ سماعه (که از راویان امام صادق عليه السلام است) گوید: حضرتش فرمود:

هر کس متوجّه شود که در نماز، اشتباه می‌کرده و آن را تدارک و تصحیح کند، سجدهٔ سهو بر او لازم نیست. سجدهٔ سهو بر کسی لازم است که نمی‌داند رکعتی زیاد انجام داده یا کم.

٥ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام:

مَنْ زَادَ فِي صَلاَتِهِ فَعَلَيْهِ الْإِعَادَةُ.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ:

إِذَا لَمْ تَدْرِ خَمْساً صَلَّيْتَ أَمْ أَرْبَعاً فَاسْجُدْ سَجْدَتَيِ السَّهْوِ بَعْدَ تَسْلِيمِكَ وَ أَنْتَ جَالِسٌ ثُمَّ سَلِّمْ بَعْدَهُمَا.

(٤٢)
بَابُ مَنْ تَكَلَّمَ فِي صَلاَتِهِ، أَوِ انْصَرَفَ قَبْلَ أَنْ يُتِمَّهَا، أَوْ يَقُومُ فِي مَوْضِعِ الْجُلُوسِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام:

---

۵ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

هر کس در نماز خود رکعتی را زیاد انجام دهد، اعادهٔ نماز بر او لازم است.

۶ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

هرگاه ندانستی که چهار رکعت خوانده‌ای یا پنج رکعت بعد از سلام، دو سجده سهو به جای آور و پس از آن سلام گوی.

بخش چهل و دوم
کسی که در نماز سخن بگوید، یا پیش از پایان آن ، سلام بدهد و یا بایستد در آنجا که باید بنشیند

۱ ـ سماعة بن مهران گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

مَنْ حَفِظَ سَهْوَهُ فَأَتَمَّهُ فَلَيْسَ عَلَيْهِ سَجْدَتَا السَّهْوِ، فَإِنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ صَلَّى بِالنَّاسِ الظُّهْرَ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ سَهَا فَسَلَّمَ.

فَقالَ لَهُ ذُو الشِّمَالَيْنِ: يَا رَسُولَ اللهِ! أَ نَزَلَ فِي الصَّلاَةِ شَيْءٌ؟

فَقالَ: وَ مَا ذَاكَ؟

قَالَ: إِنَّمَا صَلَّيْتَ رَكْعَتَيْنِ.

فَقالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: أَ تَقُولُونَ مِثْلَ قَوْلِهِ؟

قَالُوا: نَعَمْ.

فَقَامَ ﷺ فَأَتَمَّ بِهِمُ الصَّلاَةَ وَ سَجَدَ بِهِمْ سَجْدَتَيِ السَّهْوِ.

قَالَ: قُلْتُ: أَ رَأَيْتَ مَنْ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ وَ ظَنَّ أَنَّهُمَا أَرْبَعٌ فَسَلَّمَ وَ انْصَرَفَ ثُمَّ ذَكَرَ بَعْدَ مَا ذَهَبَ أَنَّهُ إِنَّمَا صَلَّى رَكْعَتَيْنِ.

قَالَ: يَسْتَقْبِلُ الصَّلاَةَ مِنْ أَوَّلِهَا.

هر کس متوجّه اشتباهش شود و آن را تدارک کند، سجدهٔ سهو بر او لازم نیست. رسول خدا ﷺ نماز ظهر را با مردم دو رکعت به جا آورد و فراموش کرد و سلام داد. ذوالشمالین به آن حضرت گفت: ای رسول خدا! آیا در نماز حکم تازه‌ای نازل شده است؟

فرمود: چرا این سخن را می‌گویی؟

گفت: نماز را دو رکعت به جا آوردید.

رسول خدا ﷺ (رو به یگران کرد) و فرمود: آیا شما هم، چون او می‌گویید؟

گفتند: آری.

آن گاه رسول خدا ﷺ برخاست و نماز را با ایشان تمام کرد و دو سجدهٔ سهو با آن‌ها به جا آورد.

راوی گوید: عرض کردم: چه می‌فرمایید دربارهٔ شخصی که دو رکعت نماز می‌خواند و گمان می‌کند که چهار رکعت به جا آورده است و سلام می‌دهد و از نماز فارغ می‌شود و پس از آن که بلند می‌شود و می‌رود، به یادش می‌آید که دو رکعت خوانده است؟

فرمود: باید نماز را از سر گیرد.

قَالَ: قُلْتُ: فَمَا بَالُ رَسُولِ اللهِ ﷺ لَمْ يَسْتَقْبِلِ الصَّلَاةَ وَ إِنَّمَا أَتَمَّ بِهِمْ مَا بَقِيَ مِنْ صَلَاتِهِ؟

فَقَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ لَمْ يَبْرَحْ مِنْ مَجْلِسِهِ، فَإِنْ كَانَ لَمْ يَبْرَحْ مِنْ مَجْلِسِهِ فَلْيُتِمَّ مَا نَقَصَ مِنْ صَلَاتِهِ إِذَا كَانَ قَدْ حَفِظَ الرَّكْعَتَيْنِ الْأَوَّلَتَيْنِ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ فِي الرَّجُلِ يُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ مِنَ الْمَكْتُوبَةِ ثُمَّ يَنْسَى فَيَقُومُ قَبْلَ أَنْ يَجْلِسَ بَيْنَهُمَا.

قَالَ: فَلْيَجْلِسْ مَا لَمْ يَرْكَعْ وَ قَدْ تَمَّتْ صَلَاتُهُ فَإِنْ لَمْ يَذْكُرْ حَتَّى يَرْكَعَ فَلْيَمْضِ فِي صَلَاتِهِ، فَإِذَا سَلَّمَ سَجَدَ سَجْدَتَيْنِ وَ هُوَ جَالِسٌ.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيِّ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ صَدَقَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام: أَسَلَّمَ رَسُولُ اللهِ ﷺ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَوَّلَتَيْنِ؟

عرض کردم: پس چرا رسول خدا ﷺ نماز را از سر نگرفت و بلکه ماندهٔ آن را با آنان تمام کرد؟

فرمود: برای این که رسول خدا ﷺ از مکان خود دور نشده بود، و اگر آن شخص هم از مکان خود دور نشده باشد، آن‌چه را که از نمازش کم کرده باید همان را تمام کند، در صورتی که دو رکعت اوّل را حفظ کرده باشد [1].

۲ ـ فضیل بن یسار گوید: امام باقر عليه السلام دربارهٔ شخصی که دو رکعت از نماز واجب را خوانده سپس فراموش می‌کند پیش از آن که (برای تشهّد) بنشیند بر می‌خیزد، فرمود:

تا زمانی که به رکوع نرفته، باید بنشیند (و تشهّد را بخواند) و نماز او درست است، و اگر متوجّه نشد و به رکوع رفت، باید نماز را ادامه دهد و چون سلام داد، در حال نشسته دو سجدهٔ سهو به جا آورد.

۳ ـ حسن بن صدقه گوید: به امام کاظم عليه السلام عرض کردم: آیا اتّفاق افتاده که رسول خدا ﷺ در دو رکعت نخست (به اشتباه) سلام دهد؟

---

۱ ـ شارحان کتاب شریف «کافی» و علمای اعلام پیرامون این حدیث اختلاف نظر دارند و بیشتر آن‌ها صدور این روایت را تقیه‌ای دانسته‌اند..

فَقالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: وَ حَالُهُ حَالُهُ؟

قَالَ: إِنَّمَا أَرَادَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُفَقِّهَهُمْ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَتَكَلَّمُ نَاسِياً فِي الصَّلَاةِ يَقُولُ: أَقِيمُوا صُفُوفَكُمْ.

فَقالَ: يُتِمُّ صَلَاتَهُ ثُمَّ يَسْجُدُ سَجْدَتَيْنِ.

فَقُلْتُ: سَجْدَتَا السَّهْوِ قَبْلَ التَّسْلِيمِ هُمَا أَوْ بَعْدُ؟

قَالَ: بَعْدُ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

تَقُولُ فِي سَجْدَتَيِ السَّهْوِ: «**بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ**».

فرمود: آری.

عرض کردم: آیا به اشتباه سلام داده در حالی که مرتبهٔ نبوّت و عصمت را دارا بود؟

فرمود: خداوند عزّ و جلّ اراده فرمود که با این عمل مردم را در دینشان دانا کند.

۴ ـ عبدالرحمان بن حجّاج گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که از روی فراموشی در نماز سخن می‌گوید؛ (مثلاً) می‌گوید: صف‌های خود را مرتب کنید (چه حکمی دارد؟).

حضرت فرمود: نماز خود را تمام کند، سپس دو سجدهٔ سهو به جا آورد.

عرض کردم: آیا دو سجده پیش از سلام است یا پس از آن؟

فرمود: پس از سلام.

۵ ـ حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

در دو سجدهٔ سهو می‌گویی: «**بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ**».

قَالَ الْحَلَبِيُّ: وَ سَمِعْتُهُ مَرَّةً أُخْرَى يَقُولُ: «**بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ السَّلاَمُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ**».

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ سَعِيدٍ الْأَعْرَجِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يَقُولُ:

صَلَّى رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله ثُمَّ سَلَّمَ فِي رَكْعَتَيْنِ.

فَسَأَلَهُ مَنْ خَلْفَهُ: يَا رَسُولَ اللهِ! أَحَدَثَ فِي الصَّلاَةِ شَيْءٌ؟

قَالَ: وَ مَا ذَلِكَ؟

قَالُوا: إِنَّمَا صَلَّيْتَ رَكْعَتَيْنِ.

فَقَالَ: أَكَذَلِكَ يَا ذَا الْيَدَيْنِ؟ وَ كَانَ يُدْعَى ذَا الشِّمَالَيْنِ.

فَقَالَ: نَعَمْ.

حلبی گوید: یک بار دیگر شنیدم که حضرتش می‌فرمود: «**بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ السَّلاَمُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ**».

۶ ـ سعید اعرج گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

رسول خدا صلى الله عليه وآله نماز گزارد و در انتهای دو رکعت سلام داد. کسی که پشت سر آن حضرت بود، پرسید: ای رسول خدا! آیا در نماز حکم تازه‌ای نازل شده است؟

فرمود: مقصودت چیست؟

عرض کرد: نماز را دو رکعت به جا آوردید!

فرمود: ای ذوالیدین! آیا چنین است؟ و آن شخص که ذوالشمالین [1] خوانده می‌شد.

گفت: آری.

---

۱ ـ ابومحمّد عمیر بن عبد عمرو، مشهور به ذوالیدین و ذوالشمالین است.

فَبَنَى عَلَى صَلاَتِهِ فَأَتَمَّ الصَّلاَةَ أَرْبَعاً وَ قَالَ: إِنَّ اللهَ هُوَ الَّذِي أَنْسَاهُ رَحْمَةً لِلْأُمَّةِ. أَلَا تَرَى لَوْ أَنَّ رَجُلاً صَنَعَ هَذَا لَعُيِّرَ وَ قِيلَ: مَا تُقْبَلُ صَلاَتُكَ فَمَنْ دَخَلَ عَلَيْهِ الْيَوْمَ ذَاكَ قَالَ: قَدْ سَنَّ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله وَ صَارَتْ أُسْوَةً وَ سَجَدَ سَجْدَتَيْنِ لِمَكَانِ الْكَلاَمِ.

۷ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ علیه السلام:

إِذَا قُمْتَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَوَّلَتَيْنِ وَ لَمْ تَتَشَهَّدْ فَذَكَرْتَ قَبْلَ أَنْ تَرْكَعَ فَاقْعُدْ فَتَشَهَّدْ، وَ إِنْ لَمْ تَذْكُرْ حَتَّى تَرْكَعَ فَامْضِ فِي صَلاَتِكَ كَمَا أَنْتَ، فَإِذَا انْصَرَفْتَ سَجَدْتَ سَجْدَتَيْنِ لاَ رُكُوعَ فِيهِمَا ثُمَّ تَشَهَّدِ التَّشَهُّدَ الَّذِي فَاتَكَ.

۸ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ علیه السلام قَالَ:

پس رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز خود را ادامه داد و چهار رکعت را تمام کرد.

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند آن حضرت را از روی رحمت برای اُمّت دچار فراموشی ساخت [1]، مگر نمی‌بینی اگر کسی چنین کاری می‌کرد سرزنش می‌شد و به او می‌گفتند: نماز تو قبول نیست. امّا اگر امروز کسی دچار فراموشی گردد، گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله این را سنّت قرار داد و او الگو و اسوهٔ ماست و آن حضرت به خاطر سخن گفتن، دو سجدهٔ سهو به جا آورد.

۷ـ علی بن حمزه گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه در دو رکعت نخست نماز برخاستی و تشهّد را نخواندی و پیش از رکوع به یادت آمد، پس بنشین و تشهّد را بخوان، و اگر به یادت نیامد، تا این که به رکوع رفتی، همان طوری که هستی، نمازت را ادامه بده، و چون فارغ شدی، دو سجدهٔ سهو به جا آور که رکوع در میان آن‌ها نباشد، سپس تشهّدی را که از تو فوت شده است بخوان.

۸ـ حلبی نیز نظیر این روایت را از امام صادق علیه السلام نقل کرده است.

---

۱ ـ گفتنی است که چنین روایاتی به اندیشه و تأمّل بسیاری نیاز دارند و بایستی از عارفان و آگاهان از فقهای شیعه پرسید، چرا که دو مقوله فراموش کردن و دچار فراموشی شدن در منظر آنان متفاوت است...

إِذَا قُمْتَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ مِنَ الظُّهْرِ أَوْ غَيْرِهِمَا وَ لَمْ تَتَشَهَّدْ فِيهِمَا فَذَكَرْتَ ذَلِكَ فِي الرَّكْعَةِ الثَّالِثَةِ قَبْلَ أَنْ تَرْكَعَ فَاجْلِسْ فَتَشَهَّدْ وَ قُمْ فَأَتِمَّ صَلاَتَكَ، فَإِنْ أَنْتَ لَمْ تَذْكُرْ حَتَّى تَرْكَعَ فَامْضِ فِي صَلاَتِكَ حَتَّى تَفْرُغَ فَإِذَا فَرَغْتَ فَاسْجُدْ سَجْدَتَيِ السَّهْوِ بَعْدَ التَّسْلِيمِ قَبْلَ أَنْ تَتَكَلَّمَ.

۹ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَسْهُو فَيَقُومُ فِي حَالِ قُعُودٍ أَوْ يَقْعُدُ فِي حَالِ قِيَامٍ.

قَالَ: يَسْجُدُ سَجْدَتَيْنِ بَعْدَ التَّسْلِيمِ، وَ هُمَا الْمُرْغِمَتَانِ تُرْغِمَانِ الشَّيْطَانَ.

(۴۳)

بَابُ مَنْ شَكَّ فِي صَلاَتِهِ كُلِّهَا وَ لَمْ يَدْرِ زَادَ أَوْ نَقَصَ وَ مَنْ كَثُرَ عَلَيْهِ السَّهْوُ وَ السَّهْوِ فِي النَّافِلَةِ وَ سَهْوِ الْإِمَامِ وَ مَنْ خَلْفَهُ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

---

۹ ـ معاویة بن عمّار گوید: از امام عليه السلام دربارۀ شخصی که فراموش می‌کند و در حالی که باید بنشیند، می‌ایستد و در جایی که باید بایستد، می‌نشیند پرسیدم.

فرمود: پس از سلام، دو سجدۀ سهو به جا آورد که آن دو سجده، بینی شیطان را به خاک می‌مالد و او را ذلیل می‌کند.

بخش چهل و سوم

کسی که در همۀ نمازهایش شک می‌کند و نمی‌داند که زیاد انجام داده یا کم، و کسی که سهو و فراموشی بر او زیاد می‌شود، و حکم شک در نماز نافله، و شک امام و مأموم

۱ ـ صفوان گوید: امام ابوالحسن عليه السلام فرمود:

إِنْ كُنْتَ لَا تَدْرِي كَمْ صَلَّيْتَ وَ لَمْ يَقَعْ وَهْمُكَ عَلَى شَيْءٍ فَأَعِدِ الصَّلاَةَ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ وَ أَبِي بَصِيرٍ قَالاَ:

قُلْنَا لَهُ: الرَّجُلُ يَشُكُّ كَثِيراً فِي صَلاَتِهِ حَتَّى لَا يَدْرِيَ كَمْ صَلَّى وَ لَا مَا بَقِيَ عَلَيْهِ.

قَالَ: يُعِيدُ.

قُلْنَا لَهُ: فَإِنَّهُ يَكْثُرُ عَلَيْهِ ذَلِكَ كُلَّمَا عَادَ شَكَّ.

قَالَ: يَمْضِي فِي شَكِّهِ.

ثُمَّ قالَ: لَا تُعَوِّدُوا الْخَبِيثَ مِنْ أَنْفُسِكُمْ بِنَقْضِ الصَّلاَةِ فَتُطْمِعُوهُ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ خَبِيثٌ يَعْتَادُ لِمَا عُوِّدَ فَلْيَمْضِ أَحَدُكُمْ فِي الْوَهْمِ، وَ لَا يُكْثِرَنَّ نَقْضَ الصَّلاَةِ، فَإِنَّهُ إِذَا فَعَلَ ذَلِكَ مَرَّاتٍ لَمْ يَعُدْ إِلَيْهِ الشَّكُّ.

قَالَ زُرَارَةُ: ثُمَّ قَالَ: إِنَّمَا يُرِيدُ الْخَبِيثُ أَنْ يُطَاعَ، فَإِذَا عُصِيَ لَمْ يَعُدْ إِلَى أَحَدِكُمْ.

هرگاه ندانستی که چند رکعت نماز خوانده‌ای و ذهن تو نیز بر هیچ طرفی مایل نشد، نماز خود را اعاده کن.

۲ ـ زراره و ابوبصیر (که از راویان امام باقر و امام صادق علیهما السلام هستند) گویند: به امام علیه السلام عرض کردیم: شخصی در نماز خود بسیار شک می‌کند تا جایی که نمی‌داند چند رکعت نماز خوانده و چند رکعت مانده است.

فرمود: باید نماز خود را اعاده کند.

عرض کردیم: شک او بسیار زیاد است و هرگاه اعاده کند باز هم شک می‌کند!

فرمود: نباید به شک خود اعتنا کند.

سپس فرمود: نگذارید پلید با شکستن نماز با شما خو گیرد تا در شما طمع کند، زیرا شیطان، پلید است و به این کار عادت می‌کند، هر کدام از شما به آن طرفی که ذهنش مایل شد، نماز را ادامه دهد و چون بارها چنین نماید (یعنی به شک اعتنا نکند) شک به او باز نخواهد گشت.

زراره گوید: سپس حضرتش فرمود: شیطان پلید فقط می‌خواهد که از او اطاعت شود و هرگاه مخالفت شد، دیگر به سوی شما باز نخواهد گشت.

۳ ـ حَمَّادٌ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ:

إِذَا شَكَكْتَ فَلَمْ تَدْرِ أَ فِي ثَلاَثٍ أَنْتَ أَمْ فِي اثْنَتَيْنِ أَمْ فِي وَاحِدَةٍ أَمْ فِي أَرْبَعٍ، فَأَعِدْ وَ لَا تَمْضِ عَلَى الشَّكِّ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: أَتَى رَجُلٌ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللهِ! أَشْكُو إِلَيْكَ مَا أَلْقَى مِنَ الْوَسْوَسَةِ فِي صَلاَتِي حَتَّى لَا أَدْرِي مَا صَلَّيْتُ مِنْ زِيَادَةٍ أَوْ نُقْصَانٍ.

فَقَالَ: إِذَا دَخَلْتَ فِي صَلاَتِكَ فَاطْعُنْ فَخِذَكَ الْأَيْسَرَ بِإِصْبَعِكَ الْيُمْنَى الْمُسَبِّحَةِ، ثُمَّ قُلْ: «**بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ أَعُوذُ بِاللهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ**» فَإِنَّكَ تَنْحَرُهُ وَ تَطْرُدُهُ.

---

۳ ـ ابن ابی یعفور گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه شک کردی و ندانستی که آیا در رکعت سوم هستی یا در رکعت دوم و یا در رکعت اوّل و یا در رکعت چهارم، نماز را اعاده کن و با شک، نماز را ادامه نده.

۴ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

مردی خدمت پیامبر صلى الله عليه وآله شرف‌یاب شد و عرض کرد: ای رسول خدا! از وسوسه‌ای که در نماز بدان گرفتار گشته‌ام به شما شکوه و شکایت می‌کنم. وسوسه تا آنجاست که بیشتر اوقات نمی‌دانم چند رکعت خوانده‌ام، زیاد خوانده‌ام یا کم؟

فرمود: هرگاه خواستی نماز بخوانی، نخست انگشت سبابهٔ دست راست خود را بر ران چپ خود بگذار و فشار ده و بگو:

«**بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ أَعُوذُ بِاللهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ**» «به نام خدا و از خداوند و از نام او یاری می‌جویم، و به خداوند توکّل می‌کنم و به خدایی که شنوا و دانا است از شرّ شیطان رانده شده پناه می‌برم».

پس (چون این کلمات را بگویی) شیطان را رد می‌کنی و او را می‌رانی.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْإِمَامِ يُصَلِّي بِأَرْبَعَةِ أَنْفُسٍ أَوْ خَمْسَةِ أَنْفُسٍ وَ يُسَبِّحُ اثْنَانِ عَلَى أَنَّهُمْ صَلَّوْا ثَلاَثاً وَ يُسَبِّحُ ثَلاَثَةٌ عَلَى أَنَّهُمْ صَلَّوْا أَرْبَعاً وَ يَقُولُ هَؤُلاَءِ قُومُوا وَ يَقُولُ هَؤُلاَءِ اقْعُدُوا وَ الْإِمَامُ مَائِلٌ مَعَ أَحَدِهِمَا، أَوْ مُعْتَدِلُ الْوَهْمِ فَمَا يَجِبُ عَلَيْهِ.

قَالَ: لَيْسَ عَلَى الْإِمَامِ سَهْوٌ إِذَا حَفِظَ عَلَيْهِ مَنْ خَلْفَهُ سَهْوَهُ بِإِيقَانٍ مِنْهُمْ وَ لَيْسَ عَلَى مَنْ خَلْفَ الْإِمَامِ سَهْوٌ إِذَا لَمْ يَسْهُ الْإِمَامُ وَ لاَ سَهْوَ فِي سَهْوٍ وَ لَيْسَ فِي الْمَغْرِبِ وَ الْفَجْرِ سَهْوٌ وَ لاَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأُوَّلَتَيْنِ مِنْ كُلِّ صَلاَةٍ وَ لاَ فِي نَافِلَةٍ، فَإِذَا اخْتَلَفَ عَلَى الْإِمَامِ مَنْ خَلْفَهُ فَعَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ فِي الاحْتِيَاطِ الْإِعَادَةُ وَ الْأَخْذُ بِالْجَزْمِ.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنِ الْعَلاَءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ السَّهْوِ فِي النَّافِلَةِ.

---

۵ ـ راوی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم:

امامی که بر چهار یا پنج نفر نماز می‌خواند آن‌گاه شکی بروز می‌کند و دو تن از مأمومین به عنوان اشاره سه مرتبه «سبحان اللّه» می‌گویند، بدین معنا که امام سه رکعت نماز خوانده است، و سه نفر دیگر چهار بار «سبحان اللّه» می‌گویند، یعنی امام چهار رکعت خوانده است، دو نفر اوّل با ذکر تسبیح و اشاره می‌گویند: برخیزید (چون سه رکعت خوانده‌اید) و دستهٔ دیگر به اشاره می‌گویند: بنشینید (که چهار رکعت تمام شده است)، و پیشنماز نظرش با یکی از این دو دسته موافق است، یا احتمال هر دو طرف نزد او مساوی است، در این صورت چه وظیفه‌ای دارند؟

فرمود: اگر همهٔ مأمومین یقین داشته باشند، یا گمان آنان بر یک طرف باشد، سهو امام اعتبار ندارد، و اگر امام خود یقین داشته باشد، سهو مأمومین بی اعتبار است و باید به اعتقاد امام عمل کنند، و سهو در سهو وجود ندارد و حکمی هم ندارد، و در نماز مغرب و نماز صبح شک یا سهو وجود ندارد و هم چنین در دو رکعت اوّل از هر نماز، شکی وجود ندارد. و هرگاه نظر امام و مأمومین مختلف باشد، بر ایشان است که رعایت احتیاط کرده و نماز را اعاده کنند و به مورد یقین عمل نمایند.

۶ ـ محمّد بن مسلم از امام (باقر یا امام صادق علیهما السلام) روایت کرده و گوید: از آن حضرت در مورد شک در نافله پرسیدم.

فَقالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.

۷ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

لَيْسَ عَلَى الْإِمَامِ سَهْوٌ وَ لَا عَلَى مَنْ خَلْفَ الْإِمَامِ سَهْوٌ، وَ لَا عَلَى السَّهْوِ سَهْوٌ وَلَا عَلَى الْإِعَادَةِ إِعَادَةٌ.

۸ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِذَا كَثُرَ عَلَيْكَ السَّهْوُ فَامْضِ فِي صَلَاتِكَ، فَإِنَّهُ يُوشِكُ أَنْ يَدَعَكَ إِنَّمَا هُوَ مِنَ الشَّيْطَانِ.

۹ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبَيْدِ اللهِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ السَّهْوِ، فَإِنَّهُ يَكْثُرُ عَلَيَّ.

فرمود: چیزی بر نمازگزار لازم نیست. (یعنی بنا را به هرچه خواست می‌گذارد).

۷ـ حفص بن بختری گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

بر امام جماعت سهو وجود ندارد [1]، و کسی که پشت سر امام جماعت نماز می‌گزارد، سهوی بر او نیست [2]، و سهو بر سهو وجود ندارد، و بر اعاده نماز نیز اعاده‌ای نیست.

۸ـ محمّد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

هرگاه در نماز بسیار شک می‌کنی، نمازت را تمام‌کن که به زودی آن را نیز (شیطان) از دست تو برباید؛ زیرا که شک از شیطان است.

۹ـ عبیداللّٰه حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام دربارهٔ علاج شک پرسیدم، چون بسیار شک می‌کردم.

۱ـ یعنی اگر همهٔ مأمومین یقین داشته باشند، یا گمان آنان بر یک طرف باشد سهو امام اعتبار ندارد.

۲ـ یعنی اگر امام جماعت خود یقین داشته باشد، سهو مأمومین بی‌اعتبار است و باید به اعتقاد امام عمل کنند.

فَقالَ: أَدْرِجْ صَلاَتَكَ إِدْرَاجاً.
قُلْتُ: فَأَيُّ شَيْءٍ الْإِدْرَاجُ؟
قَالَ: ثَلاَثُ تَسْبِيحَاتٍ فِي الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ.
وَ رَوَى أَنَّهُ إِذَا سَهَا فِي النَّافِلَةِ بَنَى عَلَى الْأَقَلِّ.
فَجَمِيعُ مَوَاضِعِ السَّهْوِ الَّتِي قَدْ ذَكَرْنَا فِيهَا الْأَثَرَ سَبْعَةَ عَشَرَ مَوْضِعاً سَبْعَةٌ مِنْهَا يَجِبُ عَلَى السَّاهِي فِيهَا إِعَادَةُ الصَّلاَةِ:
الَّذِي يَنْسَى تَكْبِيرَةَ الِافْتِتَاحِ وَ لَا يَذْكُرُهَا حَتَّى يَرْكَعَ.
وَ الَّذِي يَنْسَى رُكُوعَهُ وَ سُجُودَهُ.
وَ الَّذِي لَا يَدْرِي رَكْعَةً صَلَّى أَمْ رَكْعَتَيْنِ.
وَ الَّذِي يَسْهُو فِي الْمَغْرِبِ وَ الْفَجْرِ.
وَ الَّذِي يَزِيدُ فِي صَلاَتِهِ.
وَ الَّذِي لَا يَدْرِي زَادَ أَوْ نَقَصَ وَ لَا يَقَعُ وَهْمُهُ عَلَى شَيْءٍ.

فرمود: نماز خود را چند پایه کن.
عرض کردم: چند پایه کردن نماز چیست؟
فرمود: سه تسبیح در رکوع و سه تسبیح در سجود بگو.
و روایت شده: هرگاه نمازگزار در نماز نافله شک کرد، باید بنا را بر کمتر بگذارد.
[نگارنده گوید:]
بنا بر آن‌چه که ذکر شد، تمام موارد سهو هفده مورد می‌شود که در هفت مورد آن بر شخص فراموش کننده، اعادهٔ نماز واجب است:
۱ـ کسی که تکبیرة الاحرام را فراموش می‌کند و بعد از رکوع به یادش می‌آید.
۲ـ کسی که رکوع و سجود خود را فراموش می‌کند.
۳ـ کسی که نمی‌داند یک رکعت خوانده است یا دو رکعت.
۴ـ کسی که در نماز مغرب و یا نماز صبح شک می‌کند.
۵ـ کسی که (رکعتی را) در نماز خود زیاد می‌کند.
۶ـ کسی که نمی‌داند رکعتی زیاد انجام داده است یا کم و ذهن او به هیچ طرفی نمی‌رود.

وَ الَّذِي يَنْصَرِفُ عَنِ الصَّلاَةِ بِكُلِّيَّتِهِ قَبْلَ أَنْ يُتِمَّهَا.

وَ مِنْهَا مَوَاضِعُ لَا يَجِبُ فِيهَا إِعَادَةُ الصَّلاَةِ وَ يَجِبُ فِيهَا سَجْدَتَا السَّهْوِ:

الَّذِي يَسْهُو فَيُسَلِّمُ فِي الرَّكْعَتَيْنِ ثُمَّ يَتَكَلَّمُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُحَوِّلَ وَجْهَهُ وَ يَنْصَرِفَ عَنِ الْقِبْلَةِ فَعَلَيْهِ أَنْ يُتِمَّ صَلاَتَهُ ثُمَّ يَسْجُدَ سَجْدَتَي السَّهْوِ.

وَ الَّذِي يَنْسَى تَشَهُّدَهُ وَ لَا يَجْلِسُ فِي الرَّكْعَتَيْنِ وَ فَاتَهُ ذَلِكَ حَتَّى يَرْكَعَ فِي الثَّالِثَةِ فَعَلَيْهِ سَجْدَتَا السَّهْوِ وَ قَضَاءُ تَشَهُّدِهِ إِذَا فَرَغَ مِنْ صَلاَتِهِ.

وَ الَّذِي لَا يَدْرِي أَرْبَعاً صَلَّى أَوْ خَمْساً عَلَيْهِ سَجْدَتَا السَّهْوِ.

وَ الَّذِي يَسْهُو فِي بَعْضِ صَلاَتِهِ فَيَتَكَلَّمُ بِكَلاَمٍ لَا يَنْبَغِي لَهُ مِثْلِ أَمْرٍ وَ نَهْيٍ مِنْ غَيْرِ تَعَمُّدٍ فَعَلَيْهِ سَجْدَتَا السَّهْوِ.

فَهَذِهِ أَرْبَعَةُ مَوَاضِعَ يَجِبُ فِيهَا سَجْدَتَا السَّهْوِ.

---

۷ ـ کسی که پیش از تمام کردن نماز، تمام بدن خود را از قبله بر گرداند.

و مواردی است که در آن‌ها اعادهٔ نماز واجب نمی‌شود، بلکه دو سجدهٔ سهو واجب است:

۱ ـ کسی که فراموش می‌کند و انتهای دو رکعت سلام می‌دهد، سپس سخن می‌گوید، ولی روی خود را از قبله بر نمی‌گرداند. بر او لازم است که نماز خود را تمام کند، سپس دو سجدهٔ سهو به جا آورد.

۲ ـ کسی که تشهّد را فراموش می‌کند و در رکعت دوم نمی‌نشیند تا این که به رکوع رکعت سوم می‌رود، چون از نماز خود فارغ می‌شود، قضای تشهّد و دو سجدهٔ سهو بر او واجب می‌شود.

۳ ـ کسی که نمی‌داند چهار رکعت خوانده است یا پنج رکعت. دو سجدهٔ سهو بر او لازم می‌شود.

۴ ـ کسی که در بخشی از نماز خود سهو می‌کند و بدون عمد به سخنی که شایستهٔ او نیست ـ مانند امر و نهی نمودن ـ سخن می‌گوید؛ بر او دو سجدهٔ سهو لازم می‌شود.

پس این، موارد چهارگانه‌ای بود که در آن‌ها سجدهٔ سهو واجب می‌شود.

وَ مِنْهَا مَوَاضِعُ لَا يَجِبُ فِيهَا إِعَادَةُ الصَّلاَةِ وَ لَا سَجْدَتَا السَّهْوِ:

الَّذِي يُدْرِكُ سَهْوَهُ قَبْلَ أَنْ يَفُوتَهُ مِثْلُ الَّذِي يَحْتَاجُ أَنْ يَقُومَ فَيَجْلِسُ، أَوْ يَحْتَاجُ أَنْ يَجْلِسَ فَيَقُومُ ثُمَّ يَذْكُرُ ذَلِكَ قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ فِي حَالَةٍ أُخْرَى فَيَقْضِيهِ لَا سَهْوَ عَلَيْهِ.

وَ الَّذِي يُسَلِّمُ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَوَّلَتَيْنِ ثُمَّ يَذْكُرُ فَيُتِمُّ قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ فَلاَ سَهْوَ عَلَيْهِ.

وَ لَا سَهْوَ عَلَى الْإِمَامِ إِذَا حَفِظَ عَلَيْهِ مَنْ خَلْفَهُ.

وَ لَا سَهْوَ عَلَى مَنْ خَلْفَ الْإِمَامِ.

وَ لَا سَهْوَ فِي سَهْوٍ.

وَ لَا سَهْوَ فِي نَافِلَةٍ، وَ لَا إِعَادَةَ فِي نَافِلَةٍ.

فَهَذِهِ سِتَّةُ مَوَاضِعَ لَا يَجِبُ فِيهَا إِعَادَةُ الصَّلاَةِ، وَ لَا سَجْدَتَا السَّهْوِ.

وَ أَمَّا الَّذِي يَشُكُّ فِي تَكْبِيرَةِ الِافْتِتَاحِ وَ لَا يَدْرِي كَبَّرَ أَمْ لَمْ يُكَبِّرْ، فَعَلَيْهِ أَنْ يُكَبِّرَ مَتَى مَا ذَكَرَ قَبْلَ أَنْ يَرْكَعَ ثُمَّ يَقْرَأُ ثُمَّ يَرْكَعَ.

و مواردی است که در آنها نه اعادهٔ نماز واجب است و نه سجدهٔ سهو:

۱ ـ کسی که پیش از آن که فرصت را از دست بدهد، آن را تدارک می‌کند؛ مانند کسی که می‌خواهد برخیزد، می‌نشیند و یا می‌خواهد بنشیند و بر می‌خیزد و پیش از آن که وارد حالتی دیگر شود، به یادش می‌آید و آن را تلافی می‌کند و سهوی بر او نیست.

۲ ـ کسی که در دو رکعت اوّل سلام می‌دهد، آن‌گاه به یادش می‌آید و پیش از سخن گفتن نماز را تمام می‌کند.

۳ ـ بر امام جماعت سهوی نیست در صورتی که مأمومین یقین داشته باشند.

۴ ـ بر کسی که پشت سر امام جماعت است، سهوی نیست.

۵ ـ سهو در سهو نیست.

۶ ـ در نماز نافله سهو و اعاده نیست.

پس این شش مورد از مواردی است که در آنها اعادهٔ نماز و دو سجدهٔ سهو واجب نیست.

و امّا کسی که در تکبیرة الاحرام شک می‌کند و نمی‌داند که آن را گفته است یا نه، بر او واجب است که هرگاه تا پیش از رکوع به یادش بیاید، تکبیرة الاحرام را بگوید و حمد و سوره را بخواند و به رکوع رود.

وَ إِنْ شَكَّ وَ هُوَ رَاكِعٌ فَلَمْ يَدْرِ كَبَّرَ أَوْ لَمْ يُكَبِّرْ تَكْبِيرَةَ الِافْتِتَاحِ مَضَى فِي صَلاَتِهِ وَ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ.

فَإِنِ اسْتَيْقَنَ أَنَّهُ لَمْ يُكَبِّرْ أَعَادَ الصَّلاَةَ حِينَئِذٍ.

فَإِنْ شَكَّ وَ هُوَ قَائِمٌ فَلَمْ يَدْرِ أَ رَكَعَ أَمْ لَمْ يَرْكَعْ فَلْيَرْكَعْ حَتَّى يَكُونَ عَلَى يَقِينٍ مِنْ رُكُوعِهِ، فَإِنْ رَكَعَ ثُمَّ ذَكَرَ أَنَّهُ قَدْ كَانَ رَكَعَ فَلْيُرْسِلْ نَفْسَهُ إِلَى السُّجُودِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَرْفَعَ رَأْسَهُ مِنَ الرُّكُوعِ فِي الرُّكُوعِ، فَإِنْ مَضَى وَ رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ الرُّكُوعِ ثُمَّ ذَكَرَ أَنَّهُ قَدْ كَانَ رَكَعَ فَعَلَيْهِ أَنْ يُعِيدَ الصَّلاَةَ، لِأَنَّهُ قَدْ زَادَ فِي صَلاَتِهِ رَكْعَةً.

فَإِنْ سَجَدَ ثُمَّ شَكَّ فَلَمْ يَدْرِ أَ رَكَعَ أَمْ لَمْ يَرْكَعْ فَعَلَيْهِ أَنْ يَمْضِيَ فِي صَلاَتِهِ وَ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ فِي شَكِّهِ إِلَّا أَنْ يَسْتَيْقِنَ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ رَكَعَ فَإِنِ اسْتَيْقَنَ ذَلِكَ فَعَلَيْهِ أَنْ يَسْتَقْبِلَ الصَّلاَةَ، فَإِنْ سَجَدَ وَ لَمْ يَدْرِ أَ سَجَدَ سَجْدَتَيْنِ أَمْ سَجْدَةً فَعَلَيْهِ أَنْ يَسْجُدَ أُخْرَى حَتَّى يَكُونَ عَلَى يَقِينٍ مِنَ السَّجْدَتَيْنِ.

امّا اگر در حالت رکوع شک کند که تکبیرة الاحرام را گفته است یا نه، باید نماز خود را ادامه دهد و چیزی بر او واجب نیست.

و اگر یقین کند که تکبیرة الاحرام را نگفته است، باید نماز خود را اعاده کند، و اگر در حالی که ایستاده، شک کند که آیا به رکوع رفته است، یا نه؟ باید به رکوع برود تا یقین کند.

امّا اگر در رکوع به یادش بیاید که پیشتر رکوع را انجام داده است بدون آن که سر از رکوع بر دارد، باید به سجده رود، ولی اگر پس از سر بر داشتن از رکوع متوجّه شود که قبلاً رکوع را انجام داده است، باید نماز خود را اعاده کند، زیرا یک رکعت زیاد انجام داده است.

هرگاه به سجده رود و شک کند و نداند که به رکوع رفته است یا نه، باید نماز خود را ادامه دهد و چیزی بر او واجب نیست، مگر آن که یقین کند که به رکوع نرفته است. پس اگر یقین کند، بر اوست که نماز را از سر گیرد، و اگر سجده کند و نداند که آیا دو سجده انجام داده است یا یک سجده، بر او لازم است که یک سجدهٔ دیگر انجام دهد تا به دو سجده یقین کند.

فَإِنْ سَجَدَ ثُمَّ ذَكَرَ أَنَّهُ قَدْ كَانَ سَجَدَ سَجْدَتَيْنِ فَعَلَيْهِ أَنْ يُعِيدَ الصَّلاَةَ، لِأَنَّهُ قَدْ زَادَ فِي صَلاَتِهِ سَجْدَةً، فَإِنْ شَكَّ بَعْدَ مَا قَامَ فَلَمْ يَدْرِ أَكَانَ سَجَدَ سَجْدَةً أَوْ سَجْدَتَيْنِ فَعَلَيْهِ أَنْ يَمْضِيَ فِي صَلاَتِهِ، وَ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ.

وَ إِنِ اسْتَيْقَنَ أَنَّهُ لَمْ يَسْجُدْ إِلَّا وَاحِدَةً، فَعَلَيْهِ أَنْ يَنْحَطَّ فَيَسْجُدَ أُخْرَى، وَ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ، وَ إِنْ كَانَ قَدْ قَرَأَ ثُمَّ ذَكَرَ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ سَجَدَ إِلَّا وَاحِدَةً، فَعَلَيْهِ أَنْ يَسْجُدَ أُخْرَى، ثُمَّ يَقُومَ فَيَقْرَأَ وَ يَرْكَعَ وَ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ، وَ إِنْ رَكَعَ فَاسْتَيْقَنَ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ سَجَدَ إِلَّا سَجْدَةً أَوْ لَمْ يَسْجُدْ شَيْئاً فَعَلَيْهِ إِعَادَةُ الصَّلاَةِ.

امّا اگر سجده کند و پس از آن متوجّه شود که پیشتر دو سجده را انجام داده است، بر او لازم است که نماز را اعاده کند؛ زیرا در نماز، سجده‌ای را زیاد کرده است.

ولی اگر پس از برخاستن، شک کند و نداند که آیا یک سجده انجام داده است، یا دو سجده، بر او لازم است که نماز خود را ادامه دهد و دیگر چیزی بر او لازم نیست.

امّا اگر یقین کند که فقط یک سجده کرده است، باید فرود آید و سجدهٔ دیگری انجام دهد و دیگر چیزی بر او لازم نیست، و اگر پس از قرائت متوجّه شود که فقط یک سجده انجام داده است، بر اوست که یک سجدهٔ دیگر انجام دهد، سپس باید بر خیزد و حمد را قرائت کند و به رکوع برود و دیگر چیزی بر او واجب نیست.

امّا اگر به رکوع رود و یقین کند که فقط یک سجده، یا هر دو سجده را انجام نداده است، بر اوست که نماز خود را اعاده کند.

السَّهْوُ فِي التَّشَهُّدِ

وَ إِنْ سَهَا فَقَامَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَشَهَّدَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ فَعَلَيْهِ أَنْ يَجْلِسَ وَ يَتَشَهَّدَ مَا لَمْ يَرْكَعْ ثُمَّ يَقُومَ فَيَمْضِيَ فِي صَلاَتِهِ، وَ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ، وَ إِنْ كَانَ قَدْ رَكَعَ وَ عَلِمَ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ تَشَهَّدَ مَضَى فِي صَلاَتِهِ، فَإِذَا فَرَغَ مِنْهَا سَجَدَ سَجْدَتَيِ السَّهْوِ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ فِي حَالِ الشَّكِّ شَيْءٌ مَا لَمْ يَسْتَيْقِنْ.

السَّهْوُ فِي اثْنَتَيْنِ وَ أَرْبَعٍ

إِنْ شَكَّ فَلَمْ يَدْرِ اثْنَتَيْنِ صَلَّى أَوْ أَرْبَعاً، فَإِنْ ذَهَبَ وَهْمُهُ إِلَى الْأَرْبَعِ سَلَّمَ وَ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ، وَ إِنْ ذَهَبَ وَهْمُهُ إِلَى أَنَّهُ قَدْ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ صَلَّى أُخْرَيَيْنِ وَ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ

شک در تشهّد

و اگر فراموش کند و پیش از آن که در انتهای دو رکعت، تشهّد را بخواند بر خیزد، بر اوست که تا زمانی که به رکوع نرفته، بنشیند وتشهّد را بخواند، سپس برخیزد و نماز خود را ادامه دهد و دیگر چیزی بر او واجب نیست.

امّا اگر به رکوع رفته و بداند که تشهّد را نخوانده است، باید نمازش را ادامه دهد و چون از نماز فارغ شد، دو سجدهٔ سهو به جا آورد و تا زمانی که یقین نکرده است، در حال شک چیزی بر او لازم نیست.

شک در میان رکعت دو و چهار

اگر شک کند و نداند که دو رکعت خوانده است یا چهار رکعت، چنانچه ذهن او به طرف چهار رکعت مایل شود، باید سلام دهد و دیگر چیزی بر او واجب نیست، و اگر ذهنش به طرف دو رکعت مایل شود، باید دو رکعت دیگر بخواند و دیگر چیزی بر او واجب نیست.

فَإِنِ اسْتَوَى وَهْمُهُ سَلَّمَ ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ قَائِماً بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ فَإِنْ كَانَ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ كَانَتَا هَاتَانِ الرَّكْعَتَانِ تَمَامَ الْأَرْبَعَةِ وَ إِنْ كَانَ صَلَّى أَرْبَعاً كَانَتَا هَاتَانِ نَافِلَةً.

السَّهْوُ فِي اثْنَتَيْنِ وَ ثَلَاثٍ

فَإِنْ شَكَّ فَلَمْ يَدْرِ أَ رَكْعَتَيْنِ صَلَّى أَمْ ثَلَاثاً فَذَهَبَ وَهْمُهُ إِلَى الرَّكْعَتَيْنِ فَعَلَيْهِ أَنْ يُصَلِّيَ أُخْرَيَيْنِ وَ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ وَ إِنْ ذَهَبَ وَهْمُهُ إِلَى الثَّلَاثِ فَعَلَيْهِ أَنْ يُصَلِّيَ رَكْعَةً وَاحِدَةً وَ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ.

وَ إِنِ اسْتَوَى وَهْمُهُ وَ هُوَ مُسْتَيْقِنٌ فِي الرَّكْعَتَيْنِ فَعَلَيْهِ أَنْ يُصَلِّيَ رَكْعَةً وَ هُوَ قَائِمٌ ثُمَّ يُسَلِّمَ وَ يُصَلِّيَ رَكْعَتَيْنِ وَ هُوَ قَاعِدٌ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَ إِنْ كَانَ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ فَالَّتِي قَامَ فِيهَا قَبْلَ تَسْلِيمِهِ تَمَامُ الْأَرْبَعَةِ وَ الرَّكْعَتَانِ اللَّتَانِ صَلَّاهُمَا وَ هُوَ قَاعِدٌ مَكَانَ رَكْعَةٍ وَ قَدْ تَمَّتْ صَلَاتُهُ.

امّا اگر هر دو طرف در نظر او مساوی باشد، باید سلام دهد، سپس دو رکعت نماز با حمد ایستاده بخواند.

پس چنانچه در واقع دو رکعت نماز خوانده باشد، با این دو رکعت چهار رکعت می‌شود، و اگر در واقع چهار رکعت خوانده باشد، این دو رکعت نافله محسوب خواهد شد.

شک میان رکعت دو و سه

اگر شک کند و نداند که آیا دو رکعت نماز خوانده است یا سه رکعت و ذهن او به طرف دو رکعت مایل باشد، بر او لازم است که دو رکعت دیگر بخواند و دیگر چیزی بر او واجب نیست، و اگر ذهنش به سوی سه رکعت مایل شود، بر او لازم است که یک رکعت دیگر بخواند و دیگر چیزی بر او واجب نیست.

امّا اگر هر دو طرف در نظر او مساوی باشد و او به دو رکعت یقین دارد، بر اوست که در حالی که ایستاده است، یک رکعت به جا آورد و سلام دهد، سپس دو رکعت در حال نشسته به حمد تنها بخواند.

چنانچه در واقع دو رکعت نماز خوانده باشد، با این دو رکعت که در حال نشسته به جا آورده و به قدر یک رکعت ایستاده محسوب می‌شود چهار رکعت تمام می‌شود، و دو رکعتی که نشسته به جای یک رکعت خوانده به جای یک رکعت و نمازش تمام می‌شود.

وَ إِنْ كَانَ قَدْ صَلَّى ثَلاَثاً فَالَّتِي قَامَ فِيهَا تَمَامُ الْأَرْبَعِ وَ كَانَتِ الرَّكْعَتَانِ اللَّتَانِ صَلاّهُمَا وَ هُوَ جَالِسٌ نَافِلَةً.

السَّهْوُ فِي ثَلاَثٍ وَ أَرْبَعٍ

فَإِنْ شَكَّ فَلَمْ يَدْرِ أَ ثَلاَثاً صَلَّى أَمْ أَرْبَعاً، فَإِنْ ذَهَبَ وَهْمُهُ إِلَى الثَّلاَثِ، فَعَلَيْهِ أَنْ يُصَلِّيَ أُخْرَى ثُمَّ يُسَلِّمَ وَ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ، وَ إِنْ ذَهَبَ وَهْمُهُ إِلَى الْأَرْبَعِ سَلَّمَ وَ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ.

وَ إِنِ اسْتَوَى وَهْمُهُ فِي الثَّلاَثِ وَ الْأَرْبَعِ سَلَّمَ عَلَى حَالِ شَكِّهِ وَ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ مِنْ جُلُوسٍ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ، فَإِنْ كَانَ صَلَّى ثَلاَثاً كَانَتْ هَاتَانِ الرَّكْعَتَانِ بِرَكْعَةٍ تَمَامَ الْأَرْبَعِ، وَ إِنْ كَانَ صَلَّى أَرْبَعاً كَانَتْ هَاتَانِ الرَّكْعَتَانِ نَافِلَةً لَهُ.

اگر سه رکعت خوانده باشد، آن ایستاده به جا آورده، چهار رکعت تمام می‌شود و دو رکعت نشسته محسوب می‌شوند.

شک میان رکعت سه و چهار

اگر نمازگزار شک کند و نداند که سه رکعت خوانده است یا چهار رکعت، چنانچه ذهن او به سه رکعت مایل شود، بر او لازم است که یک رکعت دیگر بخواند، سپس سلام دهد و دیگر چیزی بر او واجب نیست، و اگر ذهن او به چهار رکعت مایل شود، باید سلام دهد و دیگر چیزی بر او واجب نیست، و اگر ذهنش به هر دو طرف مساوی باشد، باید بر همان شک خود سلام دهد و دو رکعت نماز در حال نشسته به حمد بخواند.

چنانچه در واقع سه رکعت خوانده باشد با این دو رکعت نشسته که یک رکعت به حساب می‌آید، چهار رکعت تمام می‌شود، و اگر چهار رکعت خوانده باشد، این دو رکعت، نافله محسوب خواهد شد.

السَّهْوُ فِي أَرْبَعٍ وَ خَمْسٍ

فَإِنْ شَكَّ فَلَمْ يَدْرِ أَرْبَعاً صَلَّى أَوْ خَمْساً، فَإِنْ ذَهَبَ وَهْمُهُ إِلَى الْأَرْبَعِ سَلَّمَ وَ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ، وَ إِنْ ذَهَبَ وَهْمُهُ إِلَى الْخَمْسِ أَعَادَ الصَّلاَةَ، وَ إِنِ اسْتَوَى وَهْمُهُ سَلَّمَ وَ سَجَدَ سَجْدَتَيِ السَّهْوِ وَ هُمَا الْمُرْغِمَتَانِ.

(٤٤)

بَابُ مَا يُقْبَلُ مِنْ صَلاَةِ السَّاهِي

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: إِنَّ عَمَّاراً السَّابَاطِيَّ رَوَى عَنْكَ رِوَايَةً.

شک میان رکعت چهار و پنج

اگر شک کند و نداند که چهار رکعت خوانده است یا پنج رکعت، حال چنانچه ذهن او به چهار رکعت مایل است، باید سلام دهد و دیگر چیزی بر او واجب نیست، و اگر ذهنش به پنج رکعت مایل شود، باید نماز را اعاده کند.

امّا اگر ذهن او به هر دو طرف مساوی باشد، باید سلام دهد و دو سجدهٔ سهو به جا آورد؛ زیرا سجدهٔ سهو، بینی شیطان را به خاک می‌مالد.

بخش چهل و چهارم
آن چه از نماز سهوکننده پذیرفته می‌شود

۱ ـ محمّد بن مسلم گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: عمّار ساباطی حدیثی از شما روایت کرده است.

قَالَ: وَ مَا هِيَ؟

قُلْتُ: رَوَى: أَنَّ السُّنَّةَ فَرِيضَةٌ.

فَقالَ: أَيْنَ يَذْهَبُ؟ أَيْنَ يَذْهَبُ؟ لَيْسَ هَكَذَا حَدَّثْتُهُ، إِنَّمَا قُلْتُ لَـهُ: مَـنْ صَـلَّى فَأَقْبَلَ عَلَى صَلاَتِهِ لَمْ يُحَدِّثْ نَفْسَهُ فِيهَا أَوْ لَمْ يَسْهُ فِيهَا أَقْبَلَ اللهُ عَلَيْهِ مَا أَقْبَلَ عَلَيْهَا، فَرُبَّمَا رُفِعَ نِصْفُهَا أَوْ رُبُعُهَا أَوْ ثُلُثُهَا أَوْ خُمُسُهَا، وَ إِنَّمَا أَمَرْنَا بِالسُّنَّةِ لِيَكْمُلَ بِهَا مَا ذَهَبَ مِنَ الْمَكْتُوبَةِ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ الْعَبْدَ لَيُرْفَعُ لَهُ مِنْ صَلاَتِهِ نِصْفُهَا أَوْ ثُلُثُهَا أَوْ رُبُعُهَا أَوْ خُمُسُهَا فَمَا يُرْفَعُ لَهُ إِلَّا مَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ بِقَلْبِهِ، وَ إِنَّمَا أَمَرْنَا بِالنَّافِلَةِ لِيَتِمَّ لَهُمْ بِهَا مَا نَقَصُوا مِنَ الْفَرِيضَةِ.

فرمود: آن چیست؟

عرض کردم: روایت کرده که نماز نافله، واجب است.

فرمود: (عمّار) به کجا می‌رود؟ به کجا می‌رود؟ من چنین نگفته‌ام، بلکه گفته‌ام: هر که نماز بخواند و در نماز خود متوجّه باشد و در دل خود سخن نگوید، یا در آن اشتباهی نکند، به آن اندازه که به نماز روی آورده و ملازم آن شده، خداوند به او روی می‌آورد. پس چه بسا که نصف نمازش یا یک چهارم آن، یا یک سوم آن و یا یک پنجم آن قبول شود و به راستی که ما به نماز نافله مأمور شده‌ایم تا آن‌چه که از نماز واجب از دست می‌رود، با آن کامل شود.

۲ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

از نماز بنده، نصف آن، یا یک سوم، یا یک چهارم و یا یک پنجم آن، قبول می‌شود. پس چیزی از آن قبول نمی‌شود مگر به اندازه‌ای که دل او به آن روی آورده، و ما به نماز نافله مأمور شده‌ایم تا نواقص نماز به واسطهٔ آن، کامل گردد.

۳ـ وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام ـ وَ أَنَا أَسْمَعُ ـ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنِّي كَثِيرُ السَّهْوِ فِي الصَّلاَةِ.

فَقالَ: وَ هَلْ يَسْلَمُ مِنْهُ أَحَدٌ؟

فَقُلْتُ: مَا أَظُنُّ أَحَداً أَكْثَرَ سَهْواً مِنِّي.

فَقالَ: لَهُ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! إِنَّ الْعَبْدَ يُرْفَعُ لَهُ ثُلُثُ صَلاَتِهِ وَ نِصْفُهَا وَثَلاَثَةُ أَرْبَاعِهَا وَ أَقَلُّ وَ أَكْثَرُ عَلَى قَدْرِ سَهْوِهِ فِيهَا، لَكِنَّهُ يَتِمُّ لَهُ مِنَ النَّوَافِلِ.

قَالَ: فَقَالَ لَهُ أَبُو بَصِيرٍ: مَا أَرَى النَّوَافِلَ يَنْبَغِي أَنْ تُتْرَكَ عَلَى حَالٍ.

فَقالَ: أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام: أَجَلْ لَا.

٤ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام وَ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام أَنَّهُمَا قَالاَ:

۳ـ ابو بصير گويد: من در خدمت امام صادق عليه السلام حضور داشتم كه مردى گفت: فدايت شوم! من در نماز بسيار اشتباه مى‌كنم.

فرمود: آيا كسى هست كه اشتباه نكند؟!

من عرض كردم: گمان نمى‌كنم كسى از من بيشتر اشتباه كند.

امام صادق عليه السلام فرمود: اى ابا محمّد! همانا براى بنده يک سوم از نمازش، يا نصف آن، يا سه چهارم آن و كمتر و بيشتر، به ميزان غفلتش، مورد قبول واقع مى‌گردد، ولى به وسيلهٔ نافله نماز او كامل مى‌شود.

راوى گويد: ابوبصير به حضرت عرض كرد: به نظر من ترک نمازهاى نافله نبايد در هيچ حال سزاوار باشد.

فرمود: آرى، ترک نوافل سزاوار نيست.

۴ـ فضيل بن يسار گويد: امام باقر و امام صادق عليهما السلام فرمودند:

إِنَّمَا لَكَ مِنْ صَلاَتِكَ مَا أَقْبَلْتَ عَلَيْهِ مِنْهَا فَإِنْ أَوْهَمَهَا كُلَّهَا أَوْ غَفَلَ عَنْ أَدَائِهَا لُفَّتْ فَضُرِبَ بِهَا وَجْهُ صَاحِبِهَا.

۵ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ فِي كِتَابِ حَرِيزٍ أَنَّهُ قَالَ: إِنِّي نَسِيتُ أَنِّي فِي صَلاَةٍ فَرِيضَةٍ حَتَّى رَكَعْتُ وَ أَنَا أَنْوِيهَا تَطَوُّعاً.

قَالَ: فَقَالَ: هِيَ الَّتِي قُمْتَ فِيهَا إِنْ كُنْتَ قُمْتَ وَ أَنْتَ تَنْوِي فَرِيضَةً ثُمَّ دَخَلَكَ الشَّكُّ فَأَنْتَ فِي الْفَرِيضَةِ وَ إِنْ كُنْتَ دَخَلْتَ فِي نَافِلَةٍ فَنَوَيْتَهَا فَرِيضَةً فَأَنْتَ فِي النَّافِلَةِ، وَ إِنْ كُنْتَ دَخَلْتَ فِي فَرِيضَةٍ ثُمَّ ذَكَرْتَ نَافِلَةً كَانَتْ عَلَيْكَ فَامْضِ فِي الْفَرِيضَةِ.

به همان قدری که در نماز بدان روی آوری و دلت متوجّه باشد، برای تو منظور می‌گردد. پس اگر در تمام نماز، دل متوجّه نباشد و از به جا آوردن آن غافل باشد، آن نماز پیچیده شده و به صورت صاحبش زده می‌شود.

۵ ـ عبداللّه بن مغیره گوید: حریز در کتاب خود گفته است: من فراموش کردم که در نماز واجب هستم، تا این که به رکوع رفتم و همان طور به نیّت نافله بودم، تکلیف چیست؟

امام علیه‌السلام فرمود: آن نماز همان نماز واجب است؛ زیرا از اوّل نیّت تو بر فریضه بوده و پس از آن شک بر تو عارض شده است. پس تو در نماز فریضه بوده‌ای و هرگاه در نماز نافله باشی و در اثنای آن، نیّت نماز واجب کنی، تو در همان نافله‌ای، و همین طور اگر مشغول نماز واجب باشی و در اثنای آن، نیّت نافله نمایی، این همان نماز واجب است و به عنوان همان نماز واجب آن را تمام کن.

(٤٥)
بَابُ مَا يَقْطَعُ الصَّلاَةَ مِنَ الضَّحِكِ وَ الْحَدَثِ وَ الْإِشَارَةِ وَ النِّسْيَانِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ

١ ـ جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَخِيهِ الْحَسَنِ عَنْ زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الضَّحِكِ هَلْ يَقْطَعُ الصَّلاَةَ؟

قَالَ أَمَّا التَّبَسُّمُ فَلاَ يَقْطَعُ الصَّلاَةَ، وَ أَمَّا الْقَهْقَهَةُ فَهِيَ تَقْطَعُ الصَّلاَةَ.

وَ رَوَاهُ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ.

٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُصِيبُهُ الرُّعَافُ وَ هُوَ فِي الصَّلاَةِ.

فَقالَ: إِنْ قَدَرَ عَلَى مَاءٍ عِنْدَهُ يَمِيناً أَوْ شِمَالاً أَوْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ هُوَ مُسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةِ فَلْيَغْسِلْهُ عَنْهُ ثُمَّ لْيُصَلِّ مَا بَقِيَ مِنْ صَلاَتِهِ، وَ إِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى مَاءٍ حَتَّى يَنْصَرِفَ بِوَجْهِهِ أَوْ يَتَكَلَّمَ فَقَدْ قَطَعَ صَلاَتَهُ.

بخش چهل و پنجم
باطل شدن نماز به وسیلهٔ خنده، حدث، اشاره، فراموشی و موارد دیگر

۱ ـ سماعه گوید: از امام عليه السلام پرسیدم: آیا خنده نماز را باطل می‌کند؟

فرمود: تبسّم (لبخند زدن) نماز را باطل نمی‌کند، ولی قهقهه، آری.

این روایت را احمد بن محمّد نیز از عثمان بن عیسی از سماعه نقل کرده است.

۲ ـ حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شخصی که مشغول نماز است و خون دماغ می‌شود (چه حکمی دارد؟).

فرمود: اگر از سمت راست یا چپ یا در مقابلش که روی او به قبله باشد می‌تواند آب تهیّه دارد، باید آن را بشوید و بقیّهٔ نمازش را بخواند، امّا اگر نمی‌تواند آب تهیّهٔ کند مگر آن که روی از قبله برگرداند، یا سخن بگوید، نمازش باطل شده است.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِالرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يُصِيبُهُ الْغَمْزُ فِي بَطْنِهِ وَهُوَ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَصْبِرَ عَلَيْهِ أَ يُصَلِّي عَلَى تِلْكَ الْحَالِ أَوْ لَا يُصَلِّي؟

قَالَ: فَقَالَ: إِنِ احْتَمَلَ الصَّبْرَ وَ لَمْ يَخَفْ إِعْجَالاً عَنِ الصَّلاَةِ فَلْيُصَلِّ وَ لْيَصْبِرْ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَأَبِي عَبْدِ اللهِ عليهما السلام أَنَّهُمَا كَانَا يَقُولاَنِ:

لَا يَقْطَعُ الصَّلاَةَ إِلَّا أَرْبَعَةٌ: الْخَلاَءُ وَ الْبَوْلُ وَ الرِّيحُ وَ الصَّوْتُ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنِ الْعَلاَءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام فِي الرَّجُلِ يَمَسُّ أَنْفَهُ فِي الصَّلاَةِ، فَيَرَى دَماً كَيْفَ يَصْنَعُ ؟ أَيَنْصَرِفُ؟

فَقَالَ: إِنْ كَانَ يَابِساً فَلْيَرْمِ بِهِ وَ لَا بَأْسَ.

---

۳ ـ عبدالرحمان بن حجّاج گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: هرگاه فردی احساس کند که دل پیچه دارد، ولی می‌تواند تحمّل کند، آیا می‌تواند با همان حال نماز بخواند؟

فرمود: اگر می‌تواند خویشتن داری کند و بیم آن نداشته باشد که موجب شتاب و تعجیل در نماز شود، باید نماز بخواند و خودداری کند.

۴ ـ ابوبکر حضرمی گوید: امام باقر و امام صادق عليهما السلام فرمودند:

نماز را قطع نمی‌کند مگر چهار چیز: به مستراح برای قضای حاجت رفتن، ادرار کردن، خروج باد و صدا.

۵ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام (باقر یا امام صادق عليهما السلام) دربارهٔ شخصی که در نماز، بینی خود را می‌مالد و خونی می‌بیند، در این که چه باید کند؟ آیا نماز را رها کند؟

فرمود: اگر خون خشک باشد، آن را بیندازد و نمازش ایرادی ندارد.

٦ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

الْقَهْقَهَةُ لَا تَنْقُضُ الْوُضُوءَ وَ تَنْقُضُ الصَّلَاةَ.

٧ـ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يُرِيدُ الْحَاجَةَ وَ هُوَ فِي الصَّلَاةِ.

فَقَالَ: يُومِئُ بِرَأْسِهِ وَ يُشِيرُ بِيَدِهِ وَ يُسَبِّحُ، وَ الْمَرْأَةُ إِذَا أَرَادَتِ الْحَاجَةَ وَ هِيَ تُصَلِّي تُصَفِّقُ بِيَدِهَا.

٨ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُّونٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ الْأَصَمِّ عَنْ مِسْمَعٍ أَبِي سَيَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله سَمِعَ خَلْفَهُ فَرْقَعَةً فَرْقَعَ رَجُلٌ أَصَابِعَهُ فِي صَلَاتِهِ.

فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: أَمَا إِنَّهُ حَظُّهُ مِنْ صَلَاتِهِ.

۶ـ زراره گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

قهقهه (خندهٔ صدا دار) وضو را باطل نمی‌کند، ولی نماز را باطل می‌کند.

۷ـ حلبی گوید: امام صادق علیه السلام دربارهٔ کسی که مشغول نماز باشد و کاری برایش پیش آید و بخواهد دیگری را آگاه کند فرمود:

با سر و دست اشاره کند و تسبیح گوید، و اگر زن در نماز کاری دارد، باید دست‌هایش را به هم زند.

۸ـ مسمع ابوسیّار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

پیامبر صلى الله عليه وآله در نماز بود که پشت سر خود صدای شکستن انگشتان کسی را شنید که مردی در نماز خود انگشتان خویش را می‌شکاند، وقتی آن مرد رفت، پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: بهرهٔ او از نمازش همان بود.

۹ ـ اَلْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ فَضَالَةَ عَنِ الْعَلاَءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ الرَّجُلِ يَأْخُذُهُ الرُّعَافُ وَ الْقَيْءُ فِي الصَّلاَةِ كَيْفَ يَصْنَعُ؟

قَالَ: يَنْفَتِلُ فَيَغْسِلُ أَنْفَهُ وَ يَعُودُ فِي صَلاَتِهِ، فَإِنْ تَكَلَّمَ فَلْيُعِدْ صَلاَتَهُ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ وُضُوءٌ.

۱۰ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ أَ يَقْطَعُ صَلاَتَهُ شَيْءٌ مِمَّا يَمُرُّ بَيْنَ يَدَيْهِ؟

فَقَالَ: لَا يَقْطَعُ صَلاَةَ الْمُسْلِمِ شَيْءٌ وَ لَكِنِ ادْرَأْ مَا اسْتَطَعْتَ.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ رَعَفَ فَلَمْ يَرْقَ رُعَافُهُ حَتَّى دَخَلَ وَقْتُ الصَّلاَةِ.

قَالَ: يَحْشُو أَنْفَهُ بِشَيْءٍ ثُمَّ يُصَلِّي وَ لَا يُطِيلُ إِنْ خَشِيَ أَنْ يَسْبِقَهُ الدَّمُ.

قَالَ: وَ قَالَ: إِذَا الْتَفَتَّ فِي صَلاَةٍ مَكْتُوبَةٍ مِنْ غَيْرِ فَرَاغٍ فَأَعِدِ الصَّلاَةَ إِذَا كَانَ الاِلْتِفَاتُ فَاحِشاً، وَ إِنْ كُنْتَ قَدْ تَشَهَّدْتَ فَلاَ تُعِدْ.

---

۹ ـ محمّد بن مسلم گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم: کسی که در میان نماز از بینی او خون جاری می‌شود و یا استفراغ می‌کند، چه باید کند؟

فرمود: باید به مکانی رود و بینی خود را بشوید و به نماز باز گردد. پس اگر سخن بگوید، باید نماز خود را اعاده کند، ولی وضو بر او لازم نیست.

۱۰ ـ حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا اگر کسی از پیش روی نمازگزار عبور کند، نمازش باطل می‌شود؟

فرمود: هیچ چیز نماز مسلمان را باطل نمی‌کند، ولی به اندازه‌ای که می‌توانی پیش روی خویش حایلی قرار ده.

حلبی گوید: از حضرتش در مورد شخصی که از بینی او خون جاری می‌شود و جریان آن قطع نمی‌شود تا این که وقت نماز فرا می‌رسد، سؤال کردم.

فرمود: بینی خود را با چیزی پر می‌کند، سپس نماز می‌خواند و در صورتی که بترسد خون جاری شود، نماز را طولانی نکند.

راوی گوید: همچنین فرمود: اگر پیش از تمام شدن نماز روی خود را بر گرداندی، در صورتی که زیاده از حد باشد، باید نماز را اعاده کنی، امّا اگر تشهّد را خوانده بودی، نماز را اعاده مکن.

۱۱ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانٍ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ أَبِي حَفْصٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام.
أَنَّ عَلِيّاً عليه السلام كَانَ يَقُولُ: لَا يَقْطَعُ الصَّلَاةَ الرُّعَافُ وَ لَا الْقَيْءُ وَ لَا الدَّمُ، فَمَنْ وَجَدَ أَزّاً فَلْيَأْخُذْ بِيَدِ رَجُلٍ مِنَ الْقَوْمِ مِنَ الصَّفِّ فَلْيُقَدِّمْهُ. يَعْنِي إِذَا كَانَ إِمَاماً.
۱۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَلْتَفِتُ فِي الصَّلَاةِ.
قَالَ: لَا، وَ لَا يَنْقُضُ أَصَابِعَهُ.

(٤٦)

بَابُ التَّسْلِيمِ عَلَى الْمُصَلِّي وَ الْعُطَاسِ فِي الصَّلَاةِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُسَلَّمُ عَلَيْهِ وَ هُوَ فِي الصَّلَاةِ.

---

۱۱ ـ سلمه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: امیر مؤمنان علی صلوات الله علیه فرمود:
خون بینی، استفراغ و خون دیگر نماز را باطل نمی‌کند. پس هر کس احساس ناراحتی و درد کند ـ در صورتی که خود او امام جماعت باشد ـ دست یکی از مأمومین را بگیرد و او را پیش بدارد.
۱۲ ـ محمّد بن مسلم گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم: آیا کسی در نماز می‌تواند روی خود را به سوی دیگر برگرداند؟
فرمود: نه و نباید انگشتان خود را بشکند.

بخش چهل و ششم

سلام کردن بر نمازگزار و حکم عطسه در نماز

۱ ـ سماعه گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد شخصی که در حال نماز است و بر او سلام می‌کنند، سؤال کردم.

قَالَ: يَرُدُّ سَلاَمٌ عَلَيْكُمْ وَ لَا يَقُولُ: وَ عَلَيْكُمُ السَّلاَمُ، فَإِنَّ رَسُولَ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله كَانَ قَائِماً يُصَلِّي، فَمَرَّ بِهِ عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ، فَسَلَّمَ عَلَيْهِ عَمَّارٌ، فَرَدَّ عَلَيْهِ النَّبِيُّ صلی‌الله‌علیه‌وآله هٰكَذَا.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ علیه‌السلام قَالَ:

إِذَا عَطَسَ الرَّجُلُ فِي صَلاَتِهِ، فَلْيَحْمَدِ اللهَ.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ مُعَلَّى أَبِي عُثْمانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ علیه‌السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: أَسْمَعُ الْعَطْسَةَ وَ أَنَا فِي الصَّلاَةِ، فَأَحْمَدُ اللهَ وَ أُصَلِّي عَلَى النَّبِيِّ صلی‌الله‌علیه‌وآله؟

قَالَ: نَعَمْ، وَ إِذَا عَطَسَ أَخُوكَ وَ أَنْتَ فِي الصَّلاَةِ فَقُلِ: «**الْحَمْدُ لِلَّهِ**» وَ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ، وَإِنْ كَانَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ صَاحِبِكَ الْيَمُّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.

فرمود: باید در پاسخ آنان بگوید: سلام علیکم، نباید بگوید: وعلیکم السلام؛ زیرا رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در حال نماز بود که عمّار یاسر از کنار آن حضرت می‌گذشت و سلام کرد و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله این گونه پاسخ داد.

۲ ـ حلبی گوید: امام صادق علیه‌السلام فرمود:

هرگاه کسی در نماز خود عطسه می‌کند، بایستی خداوند را حمد و سپاس گوید.

۳ ـ ابوبصیر گوید: به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: گاهی در حال نماز می‌شنوم که کسی عطسه می‌کند و من خداوند را حمد و سپاس می‌گویم و بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله صلوات می‌فرستم.

آن حضرت فرمود: آری، خوب است و هرگاه برادر (دینی) تو عطسه کرد و تو در حال نماز بودی بگو: «الحمدللّٰه، و بر پیامبر درود فرست و اگر میان تو و عطسه کننده دریایی فاصله بود، باز هم بر محمّد و خاندان او درود فرست.

(٤٧)
بَابُ الْمُصَلِّي يَعْرِضُ لَهُ شَيْءٌ مِنَ الْهَوَامِّ فَيَقْتُلُهُ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ فِي الصَّلاَةِ فَيَرَى الْحَيَّةَ أَوِ الْعَقْرَبَ يَقْتُلُهُمَا إِنْ آذَيَاهُ؟

قَالَ: نَعَمْ.

٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فِي الرَّجُلِ يَقْتُلُ الْبَقَّةَ وَ الْبُرْغُوثَ وَ الْقَمْلَةَ وَ الذُّبَابَ فِي الصَّلاَةِ أَيَنْقُضُ صَلاَتَهُ وَ وُضُوءَهُ؟

قَالَ: لاَ.

بخش چهل و هفتم
کشتن گزندگان در حال نماز

۱ ـ محمّد بن مسلم گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: اگر شخصی مشغول نماز باشد و مار، یا عقربی ببیند، اگر او را اذیّت کنند، می‌تواند آن‌ها را بکشد؟

فرمود: آری.

۲ ـ حلبی گوید: امام صادق عليه السلام دربارهٔ شخصی که مشغول نماز است و پشه، کک، شپش و مگس را در آن حال می‌کشد، آیا نماز یا وضویش را باطل می‌سازد؟

فرمود: نه.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ قَائِماً فِي الصَّلاَةِ الْفَرِيضَةِ فَيَنْسَى كِيسَهُ أَوْ مَتَاعاً يَتَخَوَّفُ ضَيْعَتَهُ، أَوْ هَلاَكَهُ.

قَالَ: يَقْطَعُ صَلاَتَهُ وَ يُحْرِزُ مَتَاعَهُ، ثُمَّ يَسْتَقْبِلُ الصَّلاَةَ.

قُلْتُ: فَيَكُونُ فِي الْفَرِيضَةِ، فَتَفَلَّتُ عَلَيْهِ دَابَّةٌ أَوْ تَفَلَّتُ دَابَّتُهُ فَيَخَافُ أَنْ تَذْهَبَ أَوْ يُصِيبَ مِنْهَا عَنَتاً.

فَقالَ: لَا بَأْسَ بِأَنْ يَقْطَعَ صَلاَتَهُ.

٤ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبَانٍ عَنْ مُحَمَّدٍ قَالَ:

كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام إِذَا وَجَدَ قَمْلَةً فِي الْمَسْجِدِ دَفَنَهَا فِي الْحَصَى.

٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

---

۳ ـ سماعه گويد: از آن حضرت (يعنی امام صادق عليه السلام) پرسيدم: هرگاه شخصی كه به نماز واجب ايستاده، به خاطرش برسد كه كيسهٔ خود را جايی گذاشته، يا كالايش را فراموش كرده است و می‌ترسد از بين برود، چه بايد بكند؟

فرمود: نمازش را قطع كرده و كالای خود را بر دارد، سپس نماز خود را از سر گيرد.

راوی گويد: عرض كردم: انسان در حال خواندن نماز واجب است كه چهار پای او را رم می‌كنند ـ يا خود چهار پا رم می‌كند ـ و می‌ترسد كه حيوان برود و نتواند پس از نماز به آن برسد، يا در گرفتنش دچار زحمت بسيار شود، بايد چه كند؟

فرمود: اشكالی ندارد كه نمازش را قطع كند.

۴ ـ محمّد گويد: امام باقر عليه السلام را رسم چنان بود كه چون در مسجد شپشی می‌ديد، آن را در ميان سنگريزه‌های مسجد پنهان می‌كرد.

۵ ـ راوی گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

إِذَا كُنْتَ فِي صَلاَةِ الْفَرِيضَةِ فَرَأَيْتَ غُلاَماً لَكَ قَدْ أَبَقَ أَوْ غَرِيماً لَكَ عَلَيْهِ مَالٌ أَوْ حَيَّةً تَخَافُهَا عَلَى نَفْسِكَ، فَاقْطَعِ الصَّلاَةَ وَ اتْبَعِ الْغُلاَمَ أَوْ غَرِيماً لَكَ وَ اقْتُلِ الْحَيَّةَ.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

إِنْ وَجَدْتَ قَمْلَةً وَ أَنْتَ تُصَلِّي فَادْفِنْهَا فِي الْحَصَى.

(٤٨)

بَابُ بِنَاءِ الْمَسَاجِدِ وَ مَا يُؤْخَذُ مِنْهَا وَ الْحَدَثِ فِيهَا مِنَ النَّوْمِ وَ غَيْرِهِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَذَّاءِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يَقُولُ:

مَنْ بَنَى مَسْجِداً بَنَى اللهُ لَهُ بَيْتاً فِي الْجَنَّةِ.

هرگاه در نماز واجب هستی و می‌بینی که غلامت گریخت، یا بدهکاری را می‌بینی که مالی از او طلب داری و یا ماری را می‌بینی که می‌ترسی به تو آسیب رساند، در این صورت، نماز را قطع کن و به دنبال غلامت، یا از پی بدهکارت برو و مار را بکش.

۶ ـ عبداللّٰه بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه در حال نماز شپشی یافتی، آن را در میان سنگریزه‌ها پنهان کن.

بخش چهل و هشتم

بنای مساجد و احکام آن

۱ ـ ابو عبیده حذّاء گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

هر که مسجدی بسازد، خداوند برای او در بهشت خانه‌ای خواهد ساخت.

قَالَ أَبُو عُبَيْدَةَ فَمَرَّ بِي أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام فِي طَرِيقِ مَكَّةَ وَ قَدْ سَوَّيْتُ بِأَحْجَارٍ مَسْجِداً فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! نَرْجُو أَنْ يَكُونَ هَذَا مِنْ ذَلِكَ؟

فَقالَ: نَعَمْ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمانَ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ الْمَسْجِدِ يَكُونُ فِي الْبَيْتِ فَيُرِيدُ أَهْلُ الْبَيْتِ أَنْ يَتَوَسَّعُوا بِطَائِفَةٍ مِنْهُ، أَوْ يُحَوِّلُوهُ إِلَى غَيْرِ مَكَانِهِ؟

قَالَ: لَا بَأْسَ بِذَلِكَ.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَكَانِ يَكُونُ خَبِيثاً ثُمَّ يُنَظَّفُ وَ يُجْعَلُ مَسْجِداً.

قَالَ: يُطْرَحُ عَلَيْهِ مِنَ التُّرَابِ حَتَّى يُوَارِيَهُ فَهُوَ أَطْهَرُ.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعِيصِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الْبِيَعِ وَ الْكَنَائِسِ هَلْ يَصْلُحُ نَقْضُهُمَا لِبِنَاءِ الْمَسَاجِدِ؟

فَقالَ: نَعَمْ.

و هم چنین ابو عبیده گوید: در راه مکّه به نیّت مسجد، مکانی سنگ‌چینی کرده بودم. امام صادق عليه السلام بر من گذشت. عرض کردم: فدایت شوم! امیدی هست که این مکان، مسجدی محسوب شود؟

فرمود: آری.

۲ ـ ابو الجارود گوید: از امام باقر عليه السلام سؤال کردم: مسجدی در خانه واقع است. اهل خانه می‌خواهند با اضافهٔ بخشی از خانه به مسجد، آن را توسعه دهند یا محل آن مسجد را از آنجا تغییر داده، به جای دیگر ببرند، آیا می‌توانند؟

فرمود: اشکال ندارد.

گفتم: آیا مکانی که مدّتی آبریزگاه بوده است، می‌توانند تمیز کنند و مسجد بسازند؟

فرمود: مقداری خاک بر آن بریزند که همه جای آن را فرا گیرد. در این صورت، آن مکان پاکیزه‌تر است.

۳ ـ عیص گوید: از امام صادق عليه السلام دربارهٔ عبادتخانه‌های یهودیان و مسیحیان (کنیسه‌ها و کلیساها) پرسیدم که می‌توان آن‌ها را خراب کرد و در جایشان مسجد ساخت؟

فرمود: آری.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام عَنِ الْمَسَاجِدِ الْمُظَلَّلَةِ أَ يُكْرَهُ الصَّلاَةُ فِيهَا؟

قَالَ: نَعَمْ، وَ لَكِنْ لَا يَضُرُّكُمُ الْيَوْمَ وَ لَوْ قَدْ كَانَ الْعَدْلُ لَرَأَيْتُمْ كَيْفَ يُصْنَعُ فِي ذَلِكَ.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ أَ يُعَلِّقُ الرَّجُلُ السِّلاَحَ فِي الْمَسْجِدِ؟

قَالَ: نَعَمْ، وَ أَمَّا فِي الْمَسْجِدِ الْأَكْبَرِ فَلاَ، فَإِنَّ جَدِّي نَهَى رَجُلاً يَبْرِي مِشْقَصاً فِي الْمَسْجِدِ.

٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما‌السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله:

مَنْ سَمِعْتُمُوهُ يُنْشِدُ الشِّعْرَ فِي الْمَسَاجِدِ فَقُولُوا: فَضَّ اللهُ فَاكَ، إِنَّمَا نُصِبَتِ الْمَسَاجِدُ لِلْقُرْآنِ.

---

۴ ـ حلبی گوید: از امام صادق عليه‌السلام سؤال شد: آیا نماز خواندن در مساجدی که سقف دارند مکروه است؟

فرمود: آری، ولی امروز ضرری به حال شما ندارد، و اگر عدالتی برپا بود، (یعنی دوران شکوهمند ظهور حضرت قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می‌دیدید که دربارهٔ آن چگونه رفتار می‌شد.

راوی گوید: هم چنین از آن حضرت پرسیدیم: آیا می‌توان سلاح جنگی را در مسجد آویخت؟

فرمود: آری، امّا در مسجد بزرگ، این کار را نکنید، زیرا جدّم (امام سجّاد عليه‌السلام) مردی را که در مسجد تیر می‌تراشید، نهی فرمود.

۵ ـ جعفر بن ابراهیم گوید: امام سجّاد عليه‌السلام فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود:

هرگاه شنیدید که کسی در مسجد شعر می‌خواند بگویید: خداوند دهانت را بشکند! مساجد تنها برای خواندن قرآن، ساخته شده‌اند.

٦ ـ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْعَلَوِيُّ عَنْ سَهْلِ بْنِ جُمْهُورٍ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللهِ الْعَلَوِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ الْعُرَنِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ جُمَيْعٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ الصَّلاَةِ فِي الْمَسَاجِدِ الْمُصَوَّرَةِ.

فَقَالَ: أَكْرَهُ ذَلِكَ، وَ لَكِنْ لَا يَضُرُّكُمْ ذَلِكَ الْيَوْمَ، وَ لَوْ قَدْ قَامَ الْعَدْلُ رَأَيْتُمْ كَيْفَ يُصْنَعُ فِي ذَلِكَ.

٧ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُّونٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ عَنْ مِسْمَعٍ أَبِي سَيَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

نَهَى رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله عَنْ رَطَانَةِ الْأَعَاجِمِ فِي الْمَسَاجِدِ.

٨ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنِ الْعَلاَءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام قَالَ:

نَهَى رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله عَنْ سَلِّ السَّيْفِ فِي الْمَسْجِدِ وَ عَنْ بَرْيِ النَّبْلِ فِي الْمَسْجِدِ. قَالَ: إِنَّمَا بُنِيَ لِغَيْرِ ذَلِكَ.

۶ـ عمرو بن جمیع گوید: از امام باقر علیه السلام در مورد نماز خواندن در مساجدی که عکس و تصویر دارند، سؤال کردم.

فرمود: من آن را مکروه می‌دانم، ولی امروز ضرری به حال شما ندارد، ولی آن روز که عدالت برپا شود، خواهید دید که با آن‌ها چه خواهد شد.

۷ـ مسمع گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

رسول خدا صلى الله عليه وآله نهی فرموده است که در مساجد به زبانی سخن گفته شود که دیگران متوجّه نشوند.

۸ـ محمّد بن مسلم گوید: امام (باقر یا امام صادق علیهما السلام) فرمود:

رسول خدا صلى الله عليه وآله از کشیدن شمشیر و از تراشیدن تیر در مسجد نهی کرد و فرمود: مسجد برای کاری جز این ساخته شده است.

۹ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الْوُضُوءِ فِي الْمَسْجِدِ.
فَكَرِهَهُ مِنَ الْغَائِطِ وَ الْبَوْلِ.

۱۰ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ النَّوْمِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَسْجِدِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله.
قَالَ: نَعَمْ، فَأَيْنَ يَنَامُ النَّاسُ؟

۱۱ ـ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: مَا تَقُولُ فِي النَّوْمِ فِي الْمَسَاجِدِ؟
فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ إِلَّا فِي الْمَسْجِدَيْنِ: مَسْجِدِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله وَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ.
قَالَ: وَ كَانَ يَأْخُذُ بِيَدِي فِي بَعْضِ اللَّيْلِ فَيَتَنَحَّى نَاحِيَةً ثُمَّ يَجْلِسُ فَيَتَحَدَّثُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَرُبَّمَا نَامَ وَ نِمْتُ، فَقُلْتُ لَهُ فِي ذَلِكَ.
فَقَالَ: إِنَّمَا يُكْرَهُ أَنْ يَنَامَ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي كَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله فَأَمَّا النَّوْمُ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ فَلَيْسَ بِهِ بَأْسٌ.

---

۹ ـ رفاعة بن موسی گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد شست‌وشو در مسجد سؤال کردم.
آن حضرت شست و شویی را که به سبب مدفوع و ادرار باشد، مکروه داشت.

۱۰ ـ معاوية بن وهب گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد خوابیدن در مسجد الحرام و مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال کردم، آیا جایز است؟
فرمود: آری، پس مردم در کجا بخوابند؟!

۱۱ ـ زرارة بن اعین گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: خوابیدن در مساجد چه حکمی دارد؟
فرمود: اشکالی ندارد، مگر در دو مسجد: مسجد النبی صلی الله علیه و آله و مسجد الحرام.
زراره گوید: آن حضرت در بعضی از شب‌ها دست مرا می‌گرفت و به گوشه‌ای از مسجد می‌برد و می‌نشست و در مسجد الحرام سخن می‌گفت و گاهی حضرتش در آنجا می‌خوابید، من نیز می‌خوابیدم. من در مورد خوابیدن در آنجا از حضرتش پرسیدم.
فرمود: تا آن حدّی که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله مسجد بوده، خوابیدن کراهت دارد و اما در اینجا (چون بعداً توسعه داده شده است) اشکال ندارد.

۱۲ ـ جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مِهْرَانَ الْكَرْخِيِّ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: الرَّجُلُ يَكُونُ فِي الْمَسْجِدِ فِي الصَّلاَةِ فَيُرِيدُ أَنْ يَبْزُقَ.

فَقالَ: عَنْ يَسَارِهِ وَ إِنْ كَانَ فِي غَيْرِ صَلاَةٍ فَلاَ يَبْزُقْ حِذَاءَ الْقِبْلَةِ وَ يَبْزُقُ عَنْ يَمِينِهِ وَ يَسَارِهِ.

۱۳ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ قَالَ:

رَأَيْتُ أَبَا جَعْفَرٍ الثَّانِيَ عليه السلام يَتْفُلُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فِيما بَيْنَ الرُّكْنِ الْيَمَانِيِّ وَ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ وَ لَمْ يَدْفِنْهُ.

۱٤ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: إِنِّي لَأَكْرَهُ الصَّلاَةَ فِي مَسَاجِدِهِمْ.

---

۱۲ ـ عبداللّٰه بن سنان گويد: به امام صادق عليه السلام عرض كردم: كسى در مسجد مشغول نماز است و مى‌خواهد در آن جا آب دهان بيندازد (چه حكمى دارد؟)

فرمود: بايد در سمت چپ خود بيندازد، ولى اگر مشغول نماز نيست به جهت قبله نيندازد، بلكه به سمت راست و يا چپ خويش بيندازد.

۱۳ ـ على بن مهزيار گويد: امام جواد عليه السلام را ديدم كه در مسجد الحرام، در بين ركن يمانى و حجر الاسود آب دهان مبارک خويش را بينداخت و آن را پنهان نكرد [1].

۱۴ ـ راوى گويد: به امام صادق عليه السلام عرض كردم: من نماز خواندن در مساجد آنان (اهل سنت) را دوست ندارم.

---

۱ ـ به نظر مى‌رسد در مكانى بوده كه مشكلى براى كسى نداشته است.

فَقالَ: لَا تَكْرَهْ فَمَا مِنْ مَسْجِدٍ بُنِيَ إِلَّا عَلَى قَبْرِ نَبِيٍّ أَوْ وَصِيٍّ نَبِيٍّ قُتِلَ فَأَصَابَ تِلْكَ الْبُقْعَةَ رَشَّةٌ مِنْ دَمِهِ، فَأَحَبَّ اللهُ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا، فَأَدِّ فِيهَا الْفَرِيضَةَ وَ النَّوَافِلَ وَ اقْضِ فِيهَا مَا فَاتَكَ.

١٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِي أُسَامَةَ زَيْدٍ الشَّحَّامِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: قَوْلُ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿**لا تَقْرَبُوا الصَّلاةَ وَ أَنْتُمْ سُكاریٰ**﴾.

فَقالَ: سُكْرُ النَّوْمِ.

١٦ ـ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

لَيْسَ يُرَخَّصُ فِي النَّوْمِ فِي شَيْءٍ مِنَ الصَّلاَةِ.

فرمود: چنین مباش؛ زیرا هیچ مسجدی نیست مگر آن که بر قبر پیامبر، یا وصی پیامبری ساخته شده است که او در آنجا شهید شده و از خون او بر آن بقعه پاشیده شده است. خداوند دوست دارد که در آنجا یاد شود، پس نمازهای فریضه و نافلهٔ خود را در آنجا به جای آور و آن‌چه از تو قضا شده در آنجا بخوان.

۱۵ ـ زید شحّام گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: خداوند عزّوجلّ می‌فرماید: «در حال مستی به نماز نزدیک نشوید»، مقصود از مستی چیست؟

فرمود: منظور مستی خواب است.

۱۶ ـ عمر بن یزید گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

این گونه نیست به کسی که خوابیده، در نمازش رخصتی داده شود.

(٤٩)

بَابُ فَضْلِ الصَّلاَةِ فِي الْجَمَاعَةِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: مَا يَرْوِي النَّاسُ أَنَّ الصَّلاَةَ فِي جَمَاعَةٍ أَفْضَلُ مِنْ صَلاَةِ الرَّجُلِ وَحْدَهُ بِخَمْسٍ وَ عِشْرِينَ صَلاَةً.

فَقالَ: صَدَقُوا.

فَقُلْتُ: الرَّجُلاَنِ يَكُونَانِ جَمَاعَةً.

فَقَالَ: نَعَمْ، وَ يَقُومُ الرَّجُلُ عَنْ يَمِينِ الْإِمَامِ.

٢ ـ جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يُوسُفَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ:

بخش چهل و نهم

فضيلت و برترى نماز جماعت

١ ـ زراره گويد: به امام صادق عليه السلام عرض كردم: آيا آن‌چه را كه مردم روايت مى‌كنند كه نماز انسان در حال جماعت، از بيست و پنج نمازى كه به تنهايى بخواند، بهتر است، درست است؟

فرمود: راست گفته‌اند.

عرض كردم: آيا دو مرد كه با هم نماز بخوانند، نماز جماعت خواهد بود؟

فرمود: آرى، و يكى از آن دو، بايد در طرف راست امام بايستد.

٢ ـ يوسف گويد: از امام باقر عليه السلام شنيدم كه مى‌فرمود:

إِنَّ الْجُهَنِيَّ أَتَى النَّبِيَّ ﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللهِ! إِنِّي أَكُونُ فِي الْبَادِيَةِ وَ مَعِي أَهْلِي وَ وُلْدِي وَ غِلْمَتِي، فَأُؤَذِّنُ وَ أُقِيمُ وَ أُصَلِّي بِهِمْ أَفَجَمَاعَةٌ نَحْنُ؟

فَقَالَ: نَعَمْ.

فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللهِ! إِنَّ الْغِلْمَةَ يَتْبَعُونَ قَطْرَ السَّحَابِ وَ أَبْقَى أَنَا وَ أَهْلِي وَ وُلْدِي فَأُؤَذِّنُ وَ أُقِيمُ وَ أُصَلِّي بِهِمْ فَجَمَاعَةٌ نَحْنُ؟

فَقَالَ: نَعَمْ.

فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللهِ! فَإِنَّ وُلْدِي يَتَفَرَّقُونَ فِي الْمَاشِيَةِ، وَ أَبْقَى أَنَا وَ أَهْلِي فَأُؤَذِّنُ وَأُقِيمُ وَ أُصَلِّي بِهِمْ أَفَجَمَاعَةٌ أَنَا؟

فَقَالَ: نَعَمْ.

فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللهِ! إِنَّ الْمَرْأَةَ تَذْهَبُ فِي مَصْلَحَتِهَا فَأَبْقَى أَنَا وَحْدِي فَأُؤَذِّنُ وَأُقِيمُ فَأُصَلِّي أَفَجَمَاعَةٌ أَنَا؟

فَقَالَ: نَعَمْ، الْمُؤْمِنُ وَحْدَهُ جَمَاعَةٌ.

جهنی خدمت پیامبر ﷺ شرف‌یاب شد و عرض کرد: ای رسول خدا! من صحرانشینم و با همسر، فرزندان و غلامان خود به سر می‌برم. اذان و اقامه می‌گویم و با ایشان نماز می‌گزارم، آیا ما جماعت محسوب می‌شویم؟

فرمود: آری.

عرض کرد: ای رسول خدا! غلامان از پی آب باران می‌روند و من با زن و فرزندانم می‌مانم. اذان و اقامه می‌گویم و با آنان نماز می‌خوانم، آیا ما جماعت هستیم؟

فرمود: آری.

عرض کرد: ای رسول خدا! فرزندانم برای چرانیدن گوسفندان می‌روند و من با زنم می‌مانم. اذان و اقامه می‌گویم و با او نماز می‌گزارم، آیا ما هم جماعت محسوب می‌شویم؟

فرمود: آری.

عرض کرد: ای رسول خدا! گاهی همسرم در پی کاری می‌رود و من تنها می‌مانم. اذان و اقامه می‌گویم و نماز می‌خوانم، آیا من هم جماعت هستم؟

فرمود: آری. مؤمن خود به تنهایی جماعت است.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عَنْ أَبِيهِ عليهما السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

مَنْ صَلَّى الْخَمْسَ فِي جَمَاعَةٍ فَظُنُّوا بِهِ خَيْراً.

۴ ـ جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

أَمَا يَسْتَحْيِي الرَّجُلُ مِنْكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ الْجَارِيَةُ فَيَبِيعَهَا فَتَقُولَ: لَمْ يَكُنْ يَحْضُرُ الصَّلاَةَ.

۵ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ:

كُنْتُ جَالِساً عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام ذَاتَ يَوْمٍ إِذْ جَاءَهُ رَجُلٌ فَدَخَلَ عَلَيْهِ فَقَالَ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنِّي رَجُلٌ جَارُ مَسْجِدٍ لِقَوْمِي، فَإِذَا أَنَا لَمْ أُصَلِّ مَعَهُمْ وَقَعُوا فِيَّ وَ قَالُوا: هُوَ هَكَذَا وَ هَكَذَا.

۳ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش عليه السلام نقل می‌کند که حضرتش فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

هر کس نمازهای پنج‌گانه‌اش را با جماعت به جا آورد، به او گمان خوب داشته باشید.

۴ ـ اسحاق بن عمّار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

آیا یکی از شما (شیعیان) شرم نمی‌کند که کنیزی داشته باشد و آن را بفروشد و بعدها آن کنیز بگوید: صاحب من به نماز جماعت حاضر نمی‌شد؟!

۵ـزراره گوید: روزی در خدمت امام باقر عليه السلام نشسته بودم که ناگاه مردی وارد شد و به آن حضرت عرض کرد: قربانت گردم! من در همسایگی مسجد قبیله‌ام خانه دارم. اگر با آنان نماز نگزارم پشت سر من حرف می‌زنند و می‌گویند: او چنین و چنان است.

فَقالَ: أَمَا لَئِنْ قُلْتَ ذَاكَ لَقَدْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: مَنْ سَمِعَ النِّدَاءَ فَلَمْ يُجِبْهُ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ فَلاَ صَلاَةَ لَهُ.

فَخَرَجَ الرَّجُلُ. فَقالَ لَهُ: لَا تَدَعِ الصَّلاَةَ مَعَهُمْ وَ خَلْفَ كُلِّ إِمَامٍ.

فَلَمَّا خَرَجَ قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! كَبُرَ عَلَيَّ قَوْلُكَ لِهَذَا الرَّجُلِ حِينَ اسْتَفْتَاكَ، فَإِنْ لَمْ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ.

قَالَ: فَضَحِكَ عليه السلام ثُمَّ قَالَ: مَا أَرَاكَ بَعْدُ إِلَّا هَاهُنَا يَا زُرَارَةُ! فَأَيَّةَ عِلَّةٍ تُرِيدُ أَعْظَمَ مِنْ أَنَّهُ لَا يَأْتَمُّ بِهِ؟

ثُمَّ قَالَ: يَا زُرَارَةُ! أَمَا تَرَانِي قُلْتُ: صَلُّوا فِي مَسَاجِدِكُمْ وَ صَلُّوا مَعَ أَئِمَّتِكُمْ؟!

٦ ـ حَمَّادٌ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ وَ الْفُضَيْلِ قَالاَ: قُلْنَا لَهُ: الصَّلَوَاتُ فِي جَمَاعَةٍ فَرِيضَةٌ هِيَ؟

فرمود: تو چنین می‌گویی در حالی که امیر مؤمنان علی صلوات الله علیه فرموده است: هر کس صدای اذان را بشنود و بدون علّت به نماز حاضر نشود، نماز (کاملی) برای او نیست.

مرد خارج شد و آن حضرت به او فرمود: نمازگزاردن با آنان در پشت سر هر امام جماعتی را رها مکن.

چون مرد خارج شد، من عرض کردم: قربانت گردم! فرمایش شما به این مرد بر من گران آمد! حال اگر آنان مؤمن (شیعه) نبودند چطور؟

راوی گوید: آن حضرت خندید و فرمود: ای زراره! دیگر ـ جز این مورد ـ این گونه نبینم، کدام علّت را می‌خواهی که بزرگتر از این باشد که به چنین امام جماعتی اقتدا نشود؟

سپس فرمود: ای زراره! آیا نمی‌بینی که در حدیث دیگری گفته‌ام: در مسجدهای خودتان نمازگزارید و با ائمّهٔ جماعت خود نماز بخوانید.

۶ ـ زراره و فضیل گویند: به امام عليه السلام عرض کردیم: آیا نمازها را به جماعت خواندن واجب است؟

فَقالَ: الصَّلَوَاتُ فَرِيضَةٌ، وَ لَيْسَ الِاجْتِمَاعُ بِمَفْرُوضٍ فِي الصَّلاَةِ كُلِّهَا، وَ لَكِنَّهَا سُنَّةٌ، وَ مَنْ تَرَكَهَا رَغْبَةً عَنْهَا وَ عَنْ جَمَاعَةِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ فَلاَ صَلاَةَ لَهُ.

۷ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ:

لِيَكُنِ الَّذِينَ يَلُونَ الْإِمَامَ أُولِي الْأَحْلاَمِ مِنْكُمْ وَ النُّهَى، فَإِنْ نَسِيَ الْإِمَامُ أَوْ تَعَايَا قَوَّمُوهُ وَ أَفْضَلُ الصُّفُوفِ أَوَّلُهَا وَ أَفْضَلُ أَوَّلِهَا مَا دَنَا مِنَ الْإِمَامِ، وَ فَضْلُ صَلاَةِ الْجَمَاعَةِ عَلَى صَلاَةِ الرَّجُلِ فَذّاً خَمْسٌ وَ عِشْرُونَ دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ.

۸ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ بِإِسْنَادِهِ قَالَ: قَالَ:

فَضْلُ مَيَامِنِ الصُّفُوفِ عَلَى مَيَاسِرِهَا كَفَضْلِ الْجَمَاعَةِ عَلَى صَلاَةِ الْفَرْدِ.

۹ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

فرمود: نمازها، واجب هستند، ولی اجتماع در همهٔ آنها واجب نیست، لکن سنّت است و هرکس آن را به سبب روی گرداندن از آن، یا از روی بی‌علاقگی به جماعت مؤمنان بدون علّت ترک کند، نماز (کامل یا پذیرفته شده‌ای) برای او نیست.

۷ ـ جابر گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

کسانی که در نماز جماعت نزدیک به امام می‌ایستند، باید عاقل و خردمند باشند. تا اگر امام دچار سهوی شد، یا در موردی درماند، یا نتوانست آن‌چه را فراموش کرده به خاطر آورد، او را یاری کنند و با فضیلت‌ترین صف‌ها، صف اول است و با فضیلت‌ترین مکان‌ها در صف اوّل، جای کسی است که به امام نزدیکتر است، و فضیلت و برتری نماز جماعت از نماز فردیٰ به میزان بیست و پنج درجه در بهشت است.

۸ ـ سهل بن زیاد با سلسله سند خود گوید: امام عليه السلام فرمود:

فضیلت و برتری صف‌های راست جماعت، بر صف‌های چپ، مانند فضیلت و برتری نماز جماعت بر نماز فردیٰ است.

۹ ـ حفص بن بختری گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

يُحْسَبُ لَكَ إِذَا دَخَلْتَ مَعَهُمْ وَ إِنْ لَمْ تَقْتَدِ بِهِمْ مِثْلُ مَا يُحْسَبُ لَكَ إِذَا كُنْتَ مَعَ مَنْ تَقْتَدِي بِهِ.

(۵۰)
بَابُ الصَّلاَةِ خَلْفَ مَنْ لَا يُقْتَدَى بِهِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: أَكُونُ مَعَ الْإِمَامِ فَأَفْرُغُ مِنَ الْقِرَاءَةِ قَبْلَ أَنْ يَفْرُغَ.

قَالَ: أَبْقِ آيَةً وَ مَجِّدِ اللهَ وَ أَثْنِ عَلَيْهِ، فَإِذَا فَرَغَ فَاقْرَأِ الْآيَةَ وَ ارْكَعْ.

۲ ـ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَجَّالِ عَنْ ثَعْلَبَةَ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ الصَّلاَةِ خَلْفَ الْمُخَالِفِينَ.

هرگاه در نماز جماعت اهل سنّت داخل می‌شوی، اگرچه به ایشان اقتدا نمی‌کنی، برای تو پاداش کسی است که در جماعت، اقتدا کرده است.

بخش پنجاهم
نماز پشت سر کسی که به او اقتدا نمی‌شود

۱ ـ زراره گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: با امام جماعتی در حال نماز هستم، پیش از آن که او از قرائت فارغ شود، من فارغ می‌شوم.

فرمود: یک آیه باقی گذار و خدا را تمجیدکن و ثناگوی و چون امام جماعت از قرائت فارغ شد، آن یک آیه را بخوان و به رکوع برو.

۲ ـ زراره گوید: از امام باقر عليه السلام در مورد نماز در پشت مخالفان (مخالفان شیعیان) پرسیدم.

فَقالَ: مَا هُمْ عِنْدِي إِلَّا بِمَنْزِلَةِ الْجُدُرِ.

٣ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَمَّنْ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ:

أُصَلِّي خَلْفَ مَنْ لَا أَقْتَدِي بِهِ، فَإِذَا فَرَغْتُ مِنْ قِرَاءَتِي وَ لَمْ يَفْرُغْ هُوَ.

قَالَ: فَسَبِّحْ حَتَّى يَفْرُغَ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ:

إِذَا صَلَّيْتَ خَلْفَ إِمَامٍ لَا تَقْتَدِي بِهِ فَاقْرَأْ خَلْفَهُ سَمِعْتَ قِرَاءَتَهُ أَوْ لَمْ تَسْمَعْ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ أَبِي عَلِيِّ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام: إِنَّ مَوَالِيَكَ قَدِ اخْتَلَفُوا فَأُصَلِّي خَلْفَهُمْ جَمِيعاً؟

فرمود: آنان در نظر من، همانند دیوار هستند (یعنی به نماز و قرائت آنان اعتنا نمی‌شود).

۳ ـ اسحاق بن عمّار گوید: فردی از امام صادق عليه‌السلام پرسید: در پشت سر کسی که به او اقتدا نمی‌کنم، نماز می‌گزارم، از قرائت خود فارغ می‌شوم در حالی که او هنوز فارغ نشده است (باید چه کنم؟)

فرمود: تسبیح بگو تا این که از قرائت فارغ شود.

۴ ـ حلبی گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

هرگاه پشت سر کسی که به او اقتدا نمی‌کنی، نمازگزاردی، خود برای نمازت قرائت کن، خواه قرائت او را بشنوی و خواه نشنوی.

۵ ـ ابو علی بن راشد گوید: به امام جواد عليه‌السلام عرض کردم: به راستی که دوستان شما با یکدیگر اختلاف نظر دارند، آیا در پشت سر همهٔ آن‌ها می‌توانم نماز بگزارم؟

فَقالَ: لَا تُصَلِّ إِلَّا خَلْفَ مَنْ تَثِقُ بِدِينِهِ .

ثُمَّ قالَ: وَ لِي مَوَالٍ.

فَقُلْتُ: أَصْحَابٌ .

فَقالَ مُبَادِراً قَبْلَ أَنْ أَسْتَتِمَّ ذِكْرَهُمْ: لَا يَأْمُرُكَ عَلِيُّ بْنُ حَدِيدٍ بِهَذَا، أَوْ هَذَا مِمَّا يَأْمُرُكَ بِهِ عَلِيُّ بْنُ حَدِيدٍ ؟

فَقُلْتُ: نَعَمْ.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: إِنَّ أُنَاساً رَوَوْا عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام أَنَّهُ صَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ بَعْدَ الْجُمُعَةِ لَمْ يَفْصِلْ بَيْنَهُنَّ بِتَسْلِيمٍ .

فَقالَ: يَا زُرَارَةُ! إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام صَلَّى خَلْفَ فَاسِقٍ، فَلَمَّا سَلَّمَ وَ انْصَرَفَ قَامَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَصَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ لَمْ يَفْصِلْ بَيْنَهُنَّ بِتَسْلِيمٍ .

فرمود: نماز مخوان مگر در پشت سر کسی که به دین او اعتماد داشته باشی.

سپس فرمود: آیا برای من دوستانی است؟

عرض کردم: شما را اصحابی است.

حضرتش پیش از آن که نام آن‌ها را بگویم، فرمود: نه، آیا علی بن حدید تو را به این فرمان داده است؟ یا این حکمی است که علی بن حدید تو را به آن فرمان داده است؟

عرض کردم: آری.

۶ ـ زراره گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: به راستی که مردم از امیر مؤمنان علی صلوات الله علیه روایت کرده‌اند که آن حضرت بعد از نماز جمعه چهار رکعت نماز خواند که با سلام میان چهار رکعت فاصله قرار نداد؟

فرمود: ای زراره! امیر مؤمنان علی عليه السلام در پشت سر فاسقی نمازگزارد و چون سلام داد و تمام کرد، امیر مؤمنان علی صلوات الله علیه برخاست و چهار رکعت نمازگزارد و با سلام میان آن‌ها فاصله قرار نداد.

فَقالَ: لَهُ رَجُلٌ إِلَى جَنْبِهِ يَا أَبَا الْحَسَنِ! صَلَّيْتَ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ لَمْ تَفْصِلْ بَيْنَهُنَّ.

فَقالَ: إِنَّهَا أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ مُشَبَّهَاتٍ.

وَ سَكَتَ فَوَ اللهِ! مَا عَقَلَ مَا قَالَ لَهُ.

۷ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ حُمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنَّا نُصَلِّي مَعَ هَؤُلَاءِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ هُمْ يُصَلُّونَ فِي الْوَقْتِ فَكَيْفَ نَصْنَعُ؟

فَقالَ: صَلُّوا مَعَهُمْ.

فَخَرَجَ حُمْرَانُ إِلَى زُرَارَةَ فَقالَ: لَهُ قَدْ أُمِرْنَا أَنْ نُصَلِّيَ مَعَهُمْ بِصَلاَتِهِمْ.

فَقالَ زُرَارَةُ: مَا يَكُونُ هَذَا إِلَّا بِتَأْوِيلٍ.

فَقالَ لَهُ حُمْرَانُ: قُمْ حَتَّى تَسْمَعَ مِنْهُ.

شخصی که در کنارش بود به آن حضرت عرض کرد: ای اباالحسن! چهار رکعت نماز گزاردی و میان آن فاصله قرار ندادی؟

فرمود: همانا این چهار رکعت مشبّهاتند [1].

آن مرد ساکت شد. به خدا سوگند! ندانست که آن حضرت چه فرمود.

۷ـ حمران بن اعین گوید: به امام باقر عليه‌السلام عرض کردم: قربانت گردم! با این جماعت در روز جمعه نماز می‌گزاریم و آنها در وقت (فضیلت ظهر روز جمعه که اوّل زوال است) نماز می‌گزارند، وظیفهٔ ما چیست؟

فرمود: با آنان نماز بگزارید.

حمران نزد زراره رفت و به او گفت: به ما دستور داده شده است که با آنان نماز بگزاریم.

زراره گفت: به طور حتم این سخن تأویل دارد.

حمران به او گفت: بر خیز تا از خود آن حضرت بشنویم.

---

۱ ـ علّامهٔ مجلسی رحمه‌الله می‌گوید: یعنی نمازی است که مردم را در عدالت امام جماعت به شبهه می‌اندازد.

قَالَ: فَدَخَلْنَا عَلَيْهِ. فَقالَ لَهُ زُرَارَةُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنَّ حُمْرَانَ زَعَمَ أَنَّكَ أَمَرْتَنَا أَنْ نُصَلِّيَ مَعَهُمْ، فَأَنْكَرْتُ ذَلِكَ.

فَقالَ لَنَا: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام يُصَلِّي مَعَهُمُ الرَّكْعَتَيْنِ، فَإِذَا فَرَغُوا قَامَ فَأَضَافَ إِلَيْهِمَا رَكْعَتَيْنِ.

(۵۱)

بَابُ مَنْ تُكْرَهُ الصَّلاَةُ خَلْفَهُ وَ الْعَبْدِ يَؤُمُّ الْقَوْمَ وَ مَنْ أَحَقُّ أَنْ يُؤَمَّ

۱ ـ جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

خَمْسَةٌ لَا يَؤُمُّونَ النَّاسَ عَلَى كُلِّ حَالٍ: الْمَجْذُومُ وَ الْأَبْرَصُ وَ الْمَجْنُونُ وَ وَلَدُ الزِّنَا وَ الْأَعْرَابِيُّ.

گوید: خدمت حضرتش شرف‌یاب شدیم، زراره به آن حضرت عرض کرد: قربانت گردم! حمران گمان می‌کند که شما امر فرموده‌اید که ما با آنان نماز بگزاریم. پس من آن را انکار کردم.

حضرتش به ما فرمود: امام سجّاد علیه السلام همواره با آنان (ائمّه جور) دو رکعت نماز می‌گزارد و چون آن‌ها فارغ می‌شدند، برمی‌خاست و دو رکعت به آن می‌افزود.

بخش پنجاه و یکم

امام جماعتی که اقتدای به او مکروه است، حکم بنده‌ای که امام جماعت گروهی شود و حکم کسی برای امامت جماعت شایسته‌تر است

۱ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

پنج تن هستند که در هر حالی نمی‌توانند امامت مردم را به عهده بگیرند: کسی که بیماری جذام داشته باشد، کسی که بیماری پیسی دارد، دیوانه، آن که از زنا متولّد شده و فرد بیابانی و بادیه‌نشین (بی‌سواد و بی‌فرهنگ).

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

لَا يَؤُمُّ الْمُقَيَّدُ الْمُطْلَقِينَ وَ لَا يَؤُمُّ صَاحِبُ الْفَالِجِ الْأَصِحَّاءَ، وَ لَا صَاحِبُ التَّيَمُّمِ الْمُتَوَضِّينَ، وَ لَا يَؤُمُّ الْأَعْمَى فِي الصَّحْرَاءِ إِلَّا أَنْ يُوَجَّهَ إِلَى الْقِبْلَةِ.

۳ ـ وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ فِي رَجُلَيْنِ اخْتَلَفَا، فَقَالَ أَحَدُهُمَا: كُنْتُ إِمَامَكَ.

وَ قَالَ الْآخَرُ: أَنَا كُنْتُ إِمَامَكَ.

فَقَالَ: صَلَاتُهُمَا تَامَّةٌ.

قُلْتُ: فَإِنْ قَالَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا كُنْتُ أَئْتَمُّ بِكَ.

قَالَ: صَلَاتُهُمَا فَاسِدَةٌ وَ لْيَسْتَأْنِفَا.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: الصَّلَاةُ خَلْفَ الْعَبْدِ.

---

۲ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

امیر مؤمنان علی صلوات الله علیه فرمود: کسی که گرفتار بند و زنجیر است نمی‌تواند برای آنان که آزادند پیش‌نمازی کند.

کسی که مبتلا به رعشه و سکتهٔ ناقص است، نمی‌تواند برای افراد تندرست امامت نماید.

کسی که تیمّم گرفته بر کسانی که وضو دارند، نمی‌تواند امامت کند.

و شخصی که کور است نمی‌تواند در صحرا و بیابان پیشنمازی کند، مگر آن که روی او به سوی قبله برگردانده شود.

۳ ـ با همین سند نقل شده است: دو نفر با هم در نماز جماعت اختلاف کردند، یکی از آن دو به دیگری گفت: من امامت کردم، و دیگری نیز گفت: من امام تو بودم.

فرمود: نماز آن دو نفر صحیح است.

راوی گوید: عرض کردم: حال اگر یکی از آن دو به دیگری بگوید: من به تو اقتدا کرده‌ام، و دیگری نیز بگوید: من به تو اقتدا کرده‌ام (حکم نماز آن‌ها چگونه است؟)

فرمود: نماز هر دو باطل است و هر دو نفر باید نماز را دوباره بخوانند.

۴ ـ زراره گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: نماز خواندن در پشت سر بنده (چگونه است؟)

فَقالَ: لَا بَأْسَ بِهِ إِذَا كَانَ فَقِيهاً وَ لَمْ يَكُنْ هُنَاكَ أَفْقَهُ مِنْهُ.

قَالَ: قُلْتُ: أُصَلِّي خَلْفَ الْأَعْمَى؟

قَالَ: نَعَمْ، إِذَا كَانَ لَهُ مَنْ يُسَدِّدُهُ وَ كَانَ أَفْضَلَهُمْ.

قَالَ: وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: لَا يُصَلِّيَنَّ أَحَدُكُمْ خَلْفَ الْمَجْذُومِ وَ الْأَبْرَصِ وَ الْمَجْنُونِ وَ الْمَحْدُودِ وَ وَلَدِ الزِّنَا وَ الْأَعْرَابِيُّ لَا يَؤُمُّ الْمُهَاجِرِينَ.

۵ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ غَيْرُهُ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِئَابٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الْقَوْمِ مِنْ أَصْحَابِنَا يَجْتَمِعُونَ فَتَحْضُرُ الصَّلَاةُ فَيَقُولُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: تَقَدَّمْ يَا فُلَانُ!

فَقالَ: إِنَّ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: يَتَقَدَّمُ الْقَوْمَ أَقْرَؤُهُمْ لِلْقُرْآنِ، فَإِنْ كَانُوا فِي الْقِرَاءَةِ سَوَاءً فَأَقْدَمُهُمْ هِجْرَةً، فَإِنْ كَانُوا فِي الْهِجْرَةِ سَوَاءً فَأَكْبَرُهُمْ سِنّاً، فَإِنْ كَانُوا فِي السِّنِّ سَوَاءً فَلْيَؤُمَّهُمْ أَعْلَمُهُمْ بِالسُّنَّةِ وَ أَفْقَهُهُمْ فِي الدِّينِ، وَ لَا يَتَقَدَّمَنَّ أَحَدُكُمُ الرَّجُلَ فِي مَنْزِلِهِ، وَ لَا صَاحِبَ السُّلْطَانِ فِي سُلْطَانِهِ.

فرمود: در صورتی که به دین آگاه باشد و در آنجا کسی از او آگاهتر نباشد، اشکالی ندارد.
عرض کردم: آیا در پشت سر شخص کور می‌توانم نماز بگزارم؟
فرمود: آری، اگر کسی باشد که روی او را به سمت قبله نماید و او از آنان در دین آگاه‌تر باشد.
امام باقر عليه السلام فرمود: امیر مؤمنان علی عليه السلام فرمود:

نباید کسی از شما در پشت سر بیمار جذام، بیمار پیسی، دیوانه، کسی که حد بر او جاری شده است و آن که از زنا متولد شده، نماز گزارد و هم چنین کسی که بیابانی و بادیه‌نشین است نمی‌تواند بر مهاجران امامت نماید.

۵ـ ابوعبیده گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: گروهی از دوستان ما وقتی جمع می‌شوند به هنگام نماز یکی از آن‌ها می‌گوید: فلانی! جلو بایست (تا نماز جماعت بخوانیم).

فرمود: همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی بر مردم نماز می‌خواند که قرآن را بهتر بتواند قرائت کند. و اگر چند تن همه در قرائت مساوی باشند، هر کدام که زودتر هجرت کرده، امام شود، و اگر از حیث هجرت همه برابر بودند، پس سالمندترین آنان، و اگر در سن همه مساوی هستند، آن که داناترین آنان به سنّت و آگاه‌ترین آنان به مسایل دین است، امامت کند، نباید کسی از شما در منزل دیگری بر او امامت نماید و نباید بر صاحب سلطنت در دوران سلطنتش امامت کرد.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:
لَا بَأْسَ بِالْغُلَامِ الَّذِي لَمْ يَبْلُغِ الْحُلُمَ أَنْ يَؤُمَّ الْقَوْمَ وَ أَنْ يُؤَذِّنَ.

(۵۲)

بَابُ الرَّجُلِ يَؤُمُّ النِّسَاءَ وَ الْمَرْأَةِ تَؤُمُّ النِّسَاءَ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَؤُمُّ الْمَرْأَةَ فِي بَيْتِهِ.
فَقَالَ: نَعَمْ، تَقُومُ وَرَاءَهُ.

٢ ـ جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ سُلَيْمانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الْمَرْأَةِ تَؤُمُّ النِّسَاءَ.

---

۶ ـ غیاث بن ابراهیم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
اشکالی ندارد نوجوانی که هنوز به حدّ بلوغ نرسیده، به گروهی پیشنمازی کند و اذان بگوید.

بخش پنجاه و دوم

مردی که به زنان پیشنمازی کند و زنی که برای زنان پیشنمازی نماید

۱ ـ ابوالعبّاس گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا مرد می‌تواند در خانه‌اش برای زن امامت نماید؟

فرمود: آری می‌تواند، ولی زن باید در پشت سر او بایستد.

۲ ـ سلیمان بن خالد گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد زنی که برای زنان امامت می‌کند، پرسیدم.

فَقالَ: إِذَا كُنَّ جَمِيعاً أَمَّتْهُنَّ فِي النَّافِلَةِ، فَأَمَّا الْمَكْتُوبَةُ فَلاَ وَ لَا تَقَدَّمْهُنَّ، وَ لَكِنْ تَقُومُ وَسَطاً مِنْهُنَّ.

۳ـ أَحْمَدُ عَنِ الْحُسَيْنِ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمانَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فِي الرَّجُلِ يَؤُمُّ النِّسَاءَ لَيْسَ مَعَهُنَّ رَجُلٌ فِي الْفَرِيضَةِ.

قَالَ: نَعَمْ، وَ إِنْ كَانَ مَعَهُ صَبِيٌّ فَلْيَقُمْ إِلَى جَانِبِهِ.

(۵۳)

بَابُ الصَّلاَةِ خَلْفَ مَنْ يُقْتَدَى بِهِ وَ الْقِرَاءَةِ خَلْفَهُ وَ ضَمَانِهِ الصَّلاَةَ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الصَّلاَةِ خَلْفَ الْإِمَامِ أَقْرَأُ خَلْفَهُ؟

فرمود: هرگاه همه زن باشند، در نمازهای نافله [1] می‌تواند برای آنان امامت نماید، ولی در نماز واجب نمی‌تواند، و نباید پیشتر از زنان بایستد، بلکه باید در میان آنان بایستد.

۳ـ ابراهیم بن میمون گوید: امام صادق عليه السلام در مورد مردی که برای زنان پیشنمازی کند، در حالی که مرد دیگری در نماز فریضه با آنان همراه نباشد، فرمود:

آری، چنین نمازی جایز است، اگر همراه آن مرد، پسر بچه‌ای باشد، باید در کنار امام بایستد.

بخش پنجاه و سوم
نماز در پشت سر کسی که به او اقتدا می‌شود، حکم قرائت در پشت سر او و ضامن بودن امام نماز مأمومین را

۱ ـ عبدالرحمان بن حجّاج گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد نماز در پشت سر امام جماعت پرسیدم که آیا در آن قرائت کنم یا نه؟

---

۱ ـ به نظر می‌رسد، منظور حضرت نمازهای نافله‌ای است که خواندن آن‌ها به جماعت مستحب است، مانند نماز استسقاء و نماز عید فطر و عید قربان در صورتی که در زمان غیبت امام عليه السلام مستحب باشند.

فَقالَ: أَمَّا الصَّلاَةُ الَّتِي لَا يُجْهَرُ فِيهَا بِالْقِرَاءَةِ، فَإِنَّ ذٰلِكَ جُعِلَ إِلَيْهِ فَلاَ تَقْرَأْ خَلْفَهُ. وَ أَمَّا الصَّلاَةُ الَّتِي يُجْهَرُ فِيهَا، فَإِنَّمَا أُمِرَ بِالْجَهْرِ لِيُنْصِتَ مَنْ خَلْفَهُ، فَإِنْ سَمِعْتَ فَأَنْصِتْ وَ إِنْ لَمْ تَسْمَعْ فَاقْرَأْ.

٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا صَلَّيْتَ خَلْفَ إِمَامٍ تَأْتَمُّ بِهِ فَلاَ تَقْرَأْ خَلْفَهُ سَمِعْتَ قِرَاءَتَهُ أَوْ لَمْ تَسْمَعْ إِلَّا أَنْ تَكُونَ صَلاَةً يُجْهَرُ فِيهَا وَ لَمْ تَسْمَعْ فَاقْرَأْ.

٣ ـ عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام قَالَ:

إِذَا كُنْتَ خَلْفَ إِمَامٍ تَأْتَمُّ بِهِ فَأَنْصِتْ وَ سَبِّحْ فِي نَفْسِكَ.

٤ ـ وَ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ قُتَيْبَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا كُنْتَ خَلْفَ إِمَامٍ تَرْتَضِي بِهِ فِي صَلاَةٍ يُجْهَرُ فِيهَا بِالْقِرَاءَةِ فَلَمْ تَسْمَعْ قِرَاءَتَهُ فَاقْرَأْ أَنْتَ لِنَفْسِكَ، وَ إِنْ كُنْتَ تَسْمَعُ الْهَمْهَمَةَ فَلاَ تَقْرَأْ.

فرمود: در نمازها، چون قرائت به عهده امام است، قرائت مکن، و امّا در نمازهایی که بلند خوانده نمی‌شود باید امام جماعت، بلند قرائت کند تا کسانی که پشت سر او هستند، ساکت باشند و قرائت را بشنوند. پس اگر قرائت را شنیدی ساکت باش و اگر نشنیدی، قرائت کن.

۲ ـ حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه پشت سر امامی که به او اقتدا کرده‌ای نماز می‌خوانی، خود قرائت مکن، خواه قرائت امام را بشنوی یا نشنوی، مگر آن که نمازی باشد که باید بلند خوانده شود و صدای امام را نشنوی، در این صورت قرائت کن.

۳ـ زراره گوید: امام (باقر یا امام صادق عليهما السلام) فرمود:

هرگاه پشت سر امامی بودی که به او اقتدا کرده‌ای، ساکت باش و در دلت تسبیح بگو.

۴ ـ قتیبه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه پشت سر امامی بودی که به امامت او راضی هستی و در نمازی است که باید بلند خوانده شود، اگر قرائت او را نمی‌شنوی، تو برای خودت قرائت کن، امّا اگر همهمهٔ امام را می‌شنوی، قرائت مکن.

۵ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَحَدَهُمَا عليه السلام عَنِ الْإِمَامِ يَضْمَنُ صَلَاةَ الْقَوْمِ؟
قَالَ: لَا.

٦ ـ مُحَمَّدٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَا: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:
كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَقُولُ: مَنْ قَرَأَ خَلْفَ إِمَامٍ يَأْتَمُّ بِهِ فَمَاتَ بُعِثَ عَلَى غَيْرِ الْفِطْرَةِ.

(٥٤)
بَابُ الرَّجُلِ يُصَلِّي بِالْقَوْمِ وَ هُوَ عَلَى غَيْرِ طُهْرٍ أَوْ لِغَيْرِ الْقِبْلَةِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ أَمَّ قَوْماً وَ هُوَ عَلَى غَيْرِ طُهْرٍ فَأَعْلَمَهُمْ بَعْدَ مَا صَلَّوْا.
فَقَالَ: يُعِيدُ هُوَ وَ لَا يُعِيدُونَ.

---

۵ ـ زراره گوید: از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام پرسیدم: آیا امام جماعت نماز مأمومین را ضامن است؟
فرمود: نه.

۶ ـ زراره و محمّد بن مسلم گویند: امام باقر علیه السلام فرمود:
امیر مؤمنان علی صلوات الله علیه همواره می‌فرمود: هر کس پشت سر امامی که به او اقتدا می‌کند، قرائت را خود بخواند، چون بمیرد، بر غیر فطرت اسلام مرده است [1].

بخش پنجاه و چهارم
کسی که برای گروهی بدون طهارت امامت نماید و یا به غیر قبله نماز بخواند

۱ ـ محمّد بن مسلم گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: شخصی که برای گروهی بدون طهارت امامت نماید و بعد از نماز به آنان باز گوید (چه حکمی دارد؟).
فرمود: امام جماعت باید نمازش را اعاده کند، ولی مأمومین لازم نیست اعاده کنند.

---

۱ ـ علّامهٔ مجلسی رحمه الله در ذیل این روایت احتمالاتی بیان کرده از جمله این که: احتمال دارد فردی پشت سر صف‌ها به فرادیٰ به نماز ایستاده و از روی تکبّر یا روی گردانی از نماز جماعت، خود قرائتش را بخواند.

٢ ـ عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فِي الْأَعْمَى يَؤُمُّ الْقَوْمَ وَ هُوَ عَلَى غَيْرِ الْقِبْلَةِ.

قَالَ: يُعِيدُ وَ لَا يُعِيدُونَ، فَإِنَّهُمْ قَدْ تَحَرَّوْا.

٣ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَحَدَهُمَا عليهما السلام عَنْ رَجُلٍ صَلَّى بِقَوْمٍ رَكْعَتَيْنِ فَأَخْبَرَهُمْ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ عَلَى وُضُوءٍ.

قَالَ: يُتِمُّ الْقَوْمُ صَلَاتَهُمْ، فَإِنَّهُ لَيْسَ عَلَى الْإِمَامِ ضَمَانٌ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فِي قَوْمٍ خَرَجُوا مِنْ خُرَاسَانَ أَوْ بَعْضِ الْجِبَالِ وَ كَانَ يَؤُمُّهُمْ رَجُلٌ، فَلَمَّا صَارُوا إِلَى الْكُوفَةِ عَلِمُوا أَنَّهُ يَهُودِيٌّ.

قَالَ: لَا يُعِيدُونَ.

---

٢ ـ حلبى گويد: امام صادق عليه السلام دربارهٔ شخص كورى كه بر گروهى پيشنمازى نمايد، در حالى كه به غير قبله باشد، فرمود:

خود آن شخص بايد نماز را اعاده كند، امّا مأمومين اعاده نمى‌كنند؛ زيرا آنان وظيفه خود را (در شناسايى قبله) انجام داده‌اند.

٣ ـ زراره گويد: از امام (باقر يا امام صادق عليهما السلام) پرسيدم: مردى كه (به قصد نماز چهار ركعتى) دو ركعت نماز با مردم بخواند (و بعد از دو ركعت) به مردم اطّلاع دهد كه وضو نداشته است (چه حكمى دارد؟).

فرمود: آن گروه بايد نمازشان را تكميل كنند كه همانا ضمانتى بر عهدهٔ امام نيست.

۴ ـ راوى گويد: امام صادق عليه السلام دربارهٔ گروهى كه از خراسان يا از برخى از مناطق كوهستانى خارج شده بودند و مردى بر آنان امامت مى‌كرد، وقتى به كوفه رسيدند، متوجّه شدند كه آن شخص يهودى است، فرمود:

لازم نيست نماز را اعاده كنند.

(۵۵)
بَابُ الرَّجُلِ يُصَلِّي وَحْدَهُ ثُمَّ يُعِيدُ فِي الْجَمَاعَةِ أَوْ يُصَلِّي بِقَوْمٍ وَ قَدْ كَانَ صَلَّى قَبْلَ ذَلِكَ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ وَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فِي الرَّجُلِ يُصَلِّي الصَّلاَةَ وَحْدَهُ ثُمَّ يَجِدُ جَمَاعَةً.

قَالَ: يُصَلِّي مَعَهُمْ وَ يَجْعَلُهَا الْفَرِيضَةَ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: أُصَلِّي ثُمَّ أَدْخُلُ الْمَسْجِدَ فَتُقَامُ الصَّلاَةُ وَ قَدْ صَلَّيْتُ.

فَقَالَ: صَلِّ مَعَهُمْ يَخْتَارُ اللهُ أَحَبَّهُمَا إِلَيْهِ.

بخش پنجاه و پنجم
شخصی که به تنهایی نماز می‌خواند، سپس در نماز جماعت آن را اعاده می‌کند، یا برای گروهی نماز می‌خواند، با آن که پیشتر، نمازش را خوانده است

۱ ـ حفص بن بختری گوید: امام صادق عليه السلام دربارهٔ شخصی که خود به تنهایی نماز می‌خواند، سپس به نماز جماعتی برمی‌خورد، فرمود:

می‌تواند با آنان نیز نماز بخواند و آن را نماز واجبش قرار دهد.

۲ ـ ابو بصیر گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: گاهی نماز می‌گزارم، سپس به مسجد می‌روم و در آن جا نماز جماعت برقرار است، در حالی که من نماز خود را خوانده‌ام.

فرمود: با آنان نماز بگزار، خداوند بهترین آن دو را بر می‌گزیند.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ سُلَيْمانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ دَخَلَ الْمَسْجِدَ وَ افْتَتَحَ الصَّلاَةَ فَبَيْنَا هُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي إِذَا أَذَّنَ الْمُؤَذِّنُ وَ أَقَامَ الصَّلاَةَ.

قَالَ: فَلْيُصَلِّ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ لْيَسْتَأْنِفِ الصَّلاَةَ مَعَ الْإِمَامِ، وَ لْتَكُنِ الرَّكْعَتَانِ تَطَوُّعاً.

۴ ـ جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَقْطِينٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! تَحْضُرُ صَلاَةُ الظُّهْرِ فَلاَ نَقْدِرُ أَنْ نَنْزِلَ فِي الْوَقْتِ حَتَّى يَنْزِلُوا وَ نَنْزِلَ مَعَهُمْ فَنُصَلِّيَ ثُمَّ يَقُومُونَ فَيُسْرِعُونَ فَنَقُومُ فَنُصَلِّي الْعَصْرَ وَ نُرِيهِمْ كَأَنَّا نَرْكَعُ ثُمَّ يَنْزِلُونَ لِلْعَصْرِ فَيُقَدِّمُونَّا فَنُصَلِّي بِهِمْ؟

فَقَالَ: صَلِّ بِهِمْ، لَا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِمْ.

۵ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام:

---

۳ ـ سلیمان بن خالد گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شخصی که وارد مسجد می‌شود و نماز را شروع می‌کند. در این هنگام اذان می‌گویند و نماز جماعت برپا می‌شود (چه وظیفه‌ای دارد؟)

فرمود: می‌تواند دو رکعت نماز بخواند. آن‌گاه دوباره نمازش را به جماعت از سر گیرد، و آن دو رکعت پیشین نافله محسوب می‌شود.

۴ ـ یعقوب بن یقطین گوید: به امام ابوالحسن عليه السلام عرض کردم: قربانت گردم! (در سفر با مخالفان) وقت نماز ظهر فرا می‌رسد و در وقت فضیلت آن نمی‌توانیم فرود آییم، تا زمانی که آنان فرود آیند و ما با آنان فرود می‌آییم، و نماز را می‌خوانیم، سپس آنان با شتاب برمی‌خیزند و ما نیز برمی‌خیزیم و نماز عصر را به جا می‌آوریم و به ایشان وانمود می‌کنیم که نافله را انجام می‌دهیم. آن گاه، آنان برای نماز عصر فرود می‌آیند و ما را پیش می‌دارند. آیا برای آن‌ها امامت کنیم؟

فرمود: برای آن‌ها امامت کن. خداوند بر آنان درود نفرستد!

۵ ـ محمّد بن اسماعیل گوید: طی نامه‌ای به امام کاظم عليه السلام نوشتم:

أَنِّي أَحْضُرُ الْمَسَاجِدَ مَعَ جِيرَتِي وَ غَيْرِهِمْ فَيَأْمُرُونِّي بِالصَّلاَةِ بِهِمْ وَ قَدْ صَلَّيْتُ قَبْلَ أَنْ آتِيَهُمْ، وَ رُبَّمَا صَلَّى خَلْفِي مَنْ يَقْتَدِي بِصَلاَتِي وَ الْمُسْتَضْعَفُ وَ الْجَاهِلُ وَأَكْرَهُ أَنْ أَتَقَدَّمَ وَ قَدْ صَلَّيْتُ بِحَالِ مَنْ يُصَلِّي بِصَلاَتِي مِمَّنْ سَمَّيْتُ لَكَ فَمُرْنِي فِي ذَلِكَ بِأَمْرِكَ أَنْتَهِي إِلَيْهِ وَ أَعْمَلُ بِهِ إِنْ شَاءَ اللهُ.

فَكَتَبَ عليه‌السلام: صَلِّ بِهِمْ.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قَالَ:

مَنْ صَلَّى مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَانَ كَمَنْ صَلَّى خَلْفَ رَسُولِ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله.

٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ كَانَ يُصَلِّي فَخَرَجَ الْإِمَامُ وَ قَدْ صَلَّى الرَّجُلُ رَكْعَةً مِنْ صَلاَةٍ فَرِيضَةٍ.

گاهی با همسایگانم و افراد دیگری به مسجد می‌روم و از من می‌خواهند که برای آن‌ها امامت کنم، در حالی که پیشتر، نمازم را خوانده‌ام و گاهی در پشت سر من کسی (مؤمنی) است که نمازگزارده و مستضعف و جاهل است و من دوست ندارم که پیشنماز باشم در حالی که نمازم را خوانده‌ام، به خاطر کسانی که برایت نام بردم (یعنی مؤمنان) پس مرا به امر خویش راهنمایی کنید و ـ ان شاء اللّٰه ـ به آن عمل نمایم.

امام عليه‌السلام در پاسخ نوشت: با ایشان نماز بگزار.

۶ ـ حلبی گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

هر کس با ایشان (یعنی عامه و از روی تقیّه) در صف اوّل نمازگزارد، همانند کسی است که پشت سر رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نمازگزارده است.

۷ ـ سماعه گوید: از امام عليه‌السلام پرسیدم: شخصی نماز می‌گزارد، سپس امام جماعت حاضر می‌شود، در حالی که او یک رکعت از نماز واجب خود را خوانده است (چه وظیفه‌ای دارد؟)

فَقالَ: إِنْ كَانَ إِمَاماً عَدْلاً فَلْيُصَلِّ أُخْرَى وَ يَنْصَرِفُ وَ يَجْعَلُهُمَا تَطَوُّعاً وَ لْيَدْخُلْ مَعَ الْإِمَامِ فِي صَلاتِهِ كَمَا هُوَ، وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ إِمَامٌ عَدْلٌ فَلْيَبْنِ عَلَى صَلاتِهِ كَمَا هُوَ وَ يُصَلِّي رَكْعَةً أُخْرَى مَعَهُ يَجْلِسُ قَدْرَ مَا يَقُولُ: «**أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ**ﷺ». ثُمَّ لْيُتِمَّ صَلاتَهُ مَعَهُ عَلَى مَا اسْتَطَاعَ، فَإِنَّ التَّقِيَّةَ وَاسِعَةٌ وَ لَيْسَ شَيْءٌ مِنَ التَّقِيَّةِ إِلَّا وَ صَاحِبُهَا مَأْجُورٌ عَلَيْهَا إِنْ شَاءَ اللهُ.

۸ ـ جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ وَاقِدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ اللهِ الْأَرَّجَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ صَلَّى فِي مَنْزِلِهِ ثُمَّ أَتَى مَسْجِداً مِنْ مَسَاجِدِهِمْ فَصَلَّى مَعَهُمْ خَرَجَ بِحَسَنَاتِهِمْ.

فرمود: اگر امام، عادل باشد، یک رکعت دیگر بخواند و سلام دهد و آن را نافله قرار دهد و با آن پیشنماز به جماعت وارد شود، و اگر امام عادل نبود، نماز خود را ادامه دهد و یک رکعت دیگر با او به جا آورد و به اندازه‌ای که بگوید: «**أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ**ﷺ» بنشیند، آن‌گاه به اندازه‌ای که می‌تواند، نماز خود را با او تمام کند؛ زیرا باب تقیّه گسترده است و انسان هر مقدار از تقیّه انجام دهد، به همان مقدار ـان شاء اللّٰه‌ـ پاداش خواهد برد.

۸ ـ حسین ارجانی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرکس در خانهٔ خود نمازگزارده سپس به مسجدی از مساجد ایشان (اهل عامّه) در آید و با آن‌ها (از روی تقیّه) نمازگزارد، وقتی از مسجد بیرون آید، همهٔ حسنات آن‌ها به او نوشته شود.

(٥٦)

بَابُ الرَّجُلِ يُدْرِكُ مَعَ الْإِمَامِ بَعْضَ صَلاَتِهِ وَ يُحْدِثُ الْإِمَامُ فَيُقَدِّمُهُ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يُدْرِكُ الرَّكْعَةَ الثَّانِيَةَ مِنَ الصَّلاَةِ مَعَ الْإِمَامِ، وَ هِيَ لَهُ الْأُولَى كَيْفَ يَصْنَعُ إِذَا جَلَسَ الْإِمَامُ.

قَالَ: يَتَجَافَى وَ لَا يَتَمَكَّنُ مِنَ الْقُعُودِ، فَإِذَا كَانَتِ الثَّالِثَةُ لِلْإِمَامِ وَ هِيَ لَهُ الثَّانِيَةُ فَلْيَلْبَثْ قَلِيلاً إِذَا قَامَ الْإِمَامُ بِقَدْرِ مَا يَتَشَهَّدُ ثُمَّ يَلْحَقُ بِالْإِمَامِ.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الَّذِي يُدْرِكُ الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ مِنَ الصَّلاَةِ كَيْفَ يَصْنَعُ بِالْقِرَاءَةِ؟

فَقَالَ: اقْرَأْ فِيهِمَا، فَإِنَّهُمَا لَكَ الْأُولَيَانِ وَ لَا تَجْعَلْ أَوَّلَ صَلاَتِكَ آخِرَهَا.

بخش پنجاه و ششم
شخصی که قسمتی از نماز خود را با امام درک می‌نماید و برای امام عارضه‌ای رخ می‌دهد و او را به پیش می‌دارد

۱ ـ عبدالرحمان بن حجّاج گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: شخصی به رکعت دوم امام جماعت می‌رسد، درحالی‌که برای او رکعت اوّل است، وقتی امام می‌نشیند، وظیفهٔ او چیست؟

فرمود: با فاصله‌ای از زمین بنشیند [۱] و سنگینی خود را بر دو پاشنه کم می‌کند، چون رکعت سوم امام جماعت شود، رکعت دوم اوست. چون امام برمی‌خیزد، به اندازه تشهّد اندکی درنگ می‌کند و تشهّد را می‌خواند، سپس به امام ملحق می‌شود.

راوی گوید: هم چنین از آن حضرت پرسیدم: شخصی دو رکعت آخر را درک می‌کند، او با قرائت باید چه کند؟

فرمود: در آن دو رکعت قرائت کن؛ زیرا آن دو برای تو، دو رکعت اوّل محسوب می‌شوند و اوّل نماز خود را آخر آن قرار مده.

---

۱ ـ تجافی نوعی نشستن است به این گونه که سر دو پنجه پا و سر دو کنده زانو را بر زمین می‌گذارد تا ساق‌های او بر زمین نباشد.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

إِذَا لَمْ تُدْرِكْ تَكْبِيرَةَ الرُّكُوعِ فَلاَ تَدْخُلْ فِي تِلْكَ الرَّكْعَةِ.

۳ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنِ الْمِيثَمِيِّ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! يَسْبِقُنِي الْإِمَامُ بِالرَّكْعَةِ فَتَكُونُ لِي وَاحِدَةٌ وَ لَهُ ثِنْتَانِ فَأَتَشَهَّدُ كُلَّمَا قَعَدْتُ؟

فَقَالَ: نَعَمْ، فَإِنَّمَا التَّشَهُّدُ بَرَكَةٌ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا سَبَقَكَ الْإِمَامُ بِرَكْعَةٍ فَأَدْرَكْتَ الْقِرَاءَةَ الْأَخِيرَةَ قَرَأْتَ فِي الثَّالِثَةِ مِنْ صَلاَتِهِ وَهِيَ ثِنْتَانِ لَكَ، وَ إِنْ لَمْ تُدْرِكْ مَعَهُ إِلَّا رَكْعَةً وَاحِدَةً قَرَأْتَ فِيهَا وَ فِي الَّتِي تَلِيهَا وَ إِنْ سَبَقَكَ بِرَكْعَةٍ جَلَسْتَ فِي الثَّانِيَةِ لَكَ وَ الثَّالِثَةِ لَهُ حَتَّى تَعْتَدِلَ الصُّفُوفُ قِيَاماً.

---

۲ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه به تکبیر رکوع نرسیدی، در آن رکعت داخل مشو.

۳ـ اسحاق بن یزید گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: قربانت گردم! امام یک رکعت از من پیش است و برای من رکعت اوّل و برای او رکعت دوم است، آیا اگر بنشینم باید تشهّد را بخوانم؟

فرمود: آری، زیرا تشهّد سبب برکت است.

۴ ـ عبدالرحمان بن ابی عبداللّٰه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه امام، یک رکعت از تو جلوتر باشد و قرائت رکعت دوم را درمی‌یابی، در رکعت سوم او ـکه رکعت دوم توستـ قرائت کن (و حمد و سوره را بخوان) و اگر جماعت را، جز یک رکعت را درک نکردی، در آن رکعت و در رکعت بعد از آن، قرائت کن، و اگر امام یک رکعت از تو جلوتر بود، در رکعت دوم خود ـکه رکعت سوم اوستـ بنشین تا صف‌ها راست شوند. (و تو تشهّد بخوان و زود ملحق شو).

قَالَ: وَ قَالَ: إِذَا وَجَدْتَ الْإِمَامَ سَاجِداً فَاثْبُتْ مَكَانَكَ حَتَّى يَرْفَعَ رَأْسَهُ، وَ إِنْ كَانَ قَاعِداً قَعَدْتَ وَ إِنْ كَانَ قَائِماً قُمْتَ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ:

إِذَا أَدْرَكْتَ الْإِمَامَ قَدْ رَكَعَ فَكَبَّرْتَ وَ رَكَعْتَ قَبْلَ أَنْ يَرْفَعَ رَأْسَهُ فَقَدْ أَدْرَكْتَ الرَّكْعَةَ، فَإِنْ رَفَعَ الْإِمَامُ رَأْسَهُ قَبْلَ أَنْ تَرْكَعَ فَقَدْ فَاتَتْكَ الرَّكْعَةُ.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام:

فِي الرَّجُلِ إِذَا أَدْرَكَ الْإِمَامَ وَ هُوَ رَاكِعٌ فَكَبَّرَ وَ هُوَ مُقِيمٌ صُلْبَهُ ثُمَّ رَكَعَ قَبْلَ أَنْ يَرْفَعَ الْإِمَامُ رَأْسَهُ، فَقَدْ أَدْرَكَ.

٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام عَنِ الرَّجُلِ يَأْتِي الْمَسْجِدَ وَ هُمْ فِي الصَّلَاةِ وَ قَدْ سَبَقَهُ الْإِمَامُ بِرَكْعَةٍ أَوْ أَكْثَرَ فَيَعْتَلُّ الْإِمَامُ فَيَأْخُذُ بِيَدِهِ فَيَكُونُ أَدْنَى الْقَوْمِ إِلَيْهِ فَيُقَدِّمُهُ.

راوی گوید: هم چنین فرمود: هرگاه نماز امام جماعت را در سجده درک کردی، اندکی در جای خود درنگ کن تا امام سر از سجده بردارد، و اگر نشسته بود، می‌نشینی و اگر ایستاده بود، می‌ایستی.

۵ ـ حلبی گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

چون به نماز جماعت برسی و امام در رکوع باشد، اگر پیش از آن که امام سر از رکوع بردارد، تکبیر بگویی و به رکوع بروی، آن رکعت را درک کرده‌ای، ولی اگر پیش از آن که به رکوع روی و امام سر از رکوع بردارد، آن رکعت از تو فوت شده است.

۶ ـ سلیمان بن خالد گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

شخصی‌که به نماز جماعت می‌رسد و امام در رکوع است، پس تکبیرةالاحرام را بگوید در حالی‌که ایستاده است، آن‌گاه پیش از آن‌که امام سر از رکوع بر دارد به رکوع برود به آن رکعت از نماز رسیده است.

۷ ـ معاویة بن عمّار گوید: از امام صادق عليه‌السلام پرسیدم: هرگاه فردی وارد مسجد شود که مردم در نماز جماعت باشند و امام یک رکعت، یا بیشتر از نماز را خوانده و از او جلو باشد، آن‌گاه امام را مشکلی پدید آید که نتواند نماز را ادامه دهد و چون او نزدیکتر از دیگران به امام است، امام دست او را بگیرد و او را برای امامت به جای خود پیش بدارد (چه حکمی دارد؟)

فَقالَ: يُتِمُّ صَلاَةَ الْقَوْمِ ثُمَّ يَجْلِسُ حَتَّى إِذَا فَرَغُوا مِنَ التَّشَهُّدِ، أَوْمَأَ إِلَيْهِمْ بِيَدِهِ عَنِ الْيَمِينِ وَ الشِّمَالِ، فَكَانَ الَّذِي أَوْمَأَ إِلَيْهِمْ بِيَدِهِ التَّسْلِيمَ وَ انْقِضَاءَ صَلاَتِهِمْ وَ أَتَمَّ هُوَ مَا كَانَ فَاتَهُ أَوْ بَقِيَ عَلَيْهِ.

۸ ـ عَنْهُ عَنِ الْفَضْلِ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: رَجُلٌ دَخَلَ مَعَ قَوْمٍ فِي صَلاَتِهِمْ وَ هُوَ لَا يَنْوِيهَا صَلاَةً فَأَحْدَثَ إِمَامُهُمْ، فَأَخَذَ بِيَدِ ذَلِكَ الرَّجُلِ فَقَدَّمَهُ فَصَلَّى بِهِمْ أَيُجْزِئُهُمْ صَلاَتُهُمْ بِصَلاَتِهِ وَ هُوَ لَا يَنْوِيهَا صَلاَةً؟

فَقالَ: لَا يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يَدْخُلَ مَعَ قَوْمٍ فِي صَلاَتِهِمْ وَ هُوَ لَا يَنْوِيهَا صَلاَةً، بَلْ يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَنْوِيَهَا صَلاَةً، فَإِنْ كَانَ قَدْ صَلَّى فَإِنَّ لَهُ صَلاَةً أُخْرَى وَ إِلَّا فَلاَ يَدْخُلْ مَعَهُمْ قَدْ يُجْزِئُ عَنِ الْقَوْمِ صَلاَتُهُمْ وَ إِنْ لَمْ يَنْوِهَا.

۹ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ أَمَّ قَوْماً فَصَلَّى بِهِمْ رَكْعَةً ثُمَّ مَاتَ.

فرمود: باید نماز را با مأمومین تمام کند، آن‌گاه بنشیند تا وقتی که آنان تشهّد گفته و از نماز فارغ شوند و با دست راست و چپ به مأمومین اشاره کند که نماز را سلام دهید، یا نماز شما تمام شده است (تا ایشان سلام را بگویند). آن‌گاه خود برخیزد و آن یک رکعت را که از او فوت شده، یا مانده است به جا آورد.

۸ ـ زراره گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: شخصی داخل در نماز گروهی شد و قصد نماز نداشت و امام آن قوم را مشکلی پیش آمد. از این رو، آن مرد را پیش انداخت، و او با مردم نماز خواند، آیا نمازی که با او به جماعت خوانده‌اند، صحیح است در حالی که او قصد نماز نداشته است؟

فرمود: شایسته نیست کسی که قصد نماز ندارد، داخل در نماز جماعت شود، بلکه شایسته آن است که قصد نماز کند، اگرچه بیشتر نمازگزارده، که البتّه نماز دیگری برای او منظور می‌شود. در غیر این صورت، هرگز با ایشان داخل نماز نشود، ولی نماز آن جماعت درست است، هر چند امام قصد نماز نکرده باشد.

۹ ـ حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شخصی که گروهی را امامت می‌کند و یک رکعت نیز با ایشان خوانده، آن‌گاه می‌میرد (نماز آن‌ها چه حکمی دارد؟)

قَالَ: يُقَدِّمُونَ رَجُلاً آخَرَ وَ يَعْتَدُّونَ بِالرَّكْعَةِ وَ يَطْرَحُونَ الْمَيِّتَ خَلْفَهُمْ وَ يَغْتَسِلُ مَنْ مَسَّهُ.

۱۰ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مَرْوَكِ بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

قَالَ: أَيَّ شَيْءٍ يَقُولُ هَؤُلَاءِ فِي الرَّجُلِ الَّذِي يَفُوتُهُ مَعَ الْإِمَامِ رَكْعَتَانِ؟

قُلْتُ: يَقُولُونَ: يَقْرَأُ فِيهِمَا بِالْحَمْدِ وَ سُورَةٍ.

فَقَالَ: هَذَا يُقَلِّبُ صَلَاتَهُ يَجْعَلُ أَوَّلَهَا آخِرَهَا.

قُلْتُ: كَيْفَ يَصْنَعُ؟

قَالَ: يَقْرَأُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ.

فرمود: باید شخص دیگری از مأمومین را پیش اندازند و بنا را بر آن رکعت خوانده شده، می‌گذارند و جنازهٔ امام متوفّی را پشت سرشان قرار دهند، و هر که به جسد (هنگامی که سرد شده) دست بزند، باید غسل مس میت کند.

۱۰ ـ راوی گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

اینان (عامّه) در مورد کسی که در نماز جماعت به امام ملحق می‌شود در حالی که دو رکعت اوّل نماز او فوت شده باشد، چه می‌گویند؟

گفتم: آنان می‌گویند: در دو رکعتی که به امام رسیده، باید حمد و سوره را بخواند.

آن حضرت فرمود: چنین شخصی نمازش را وارونه ساخته و اوّل نماز را آخر آن قرار داده است.

گفتم: پس وظیفهٔ او چیست؟

فرمود: در هر رکعت فقط سوره حمد را می‌خواند.

۱۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلاَءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ: أَجِيءُ إِلَى الْإِمَامِ وَ قَدْ سَبَقَنِي بِرَكْعَةٍ فِي الْفَجْرِ فَلَمَّا سَلَّمَ وَقَعَ فِي قَلْبِي أَنِّي أَتْمَمْتُ فَلَمْ أَزَلْ ذَاكِراً لِلَّهِ حَتَّى طَلَعَتِ الشَّمْسُ فَلَمَّا طَلَعَتْ نَهَضْتُ، فَذَكَرْتُ أَنَّ الْإِمَامَ كَانَ سَبَقَنِي بِرَكْعَةٍ .

فَقَالَ: إِنْ كُنْتَ فِي مَقَامِكَ فَأَتِمَّ بِرَكْعَةٍ، وَ إِنْ كُنْتَ قَدِ انْصَرَفْتَ فَعَلَيْكَ الْإِعَادَةُ.

۱۲ ـ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمانَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ صَلَّى مَعَ قَوْمٍ وَ هُوَ يَرَى أَنَّهَا الْأُولَى وَ كَانَتِ الْعَصْرَ.

قَالَ: فَلْيَجْعَلْهَا الْأُولَى وَ لْيُصَلِّ الْعَصْرَ.

وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ: فَإِنْ عَلِمَ أَنَّهُمْ فِي صَلاَةِ الْعَصْرِ وَ لَمْ يَكُنْ صَلَّى الْأُولَى فَلاَ يَدْخُلْ مَعَهُمْ.

---

۱۱ ـ حسین بن ابی العلاء گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: به سوی امام جماعت می‌آیم، در حالی که امام در نماز صبح، یک رکعت از من پیش است و چون سلام می‌دهد، به دلم می‌افتد که نماز را تمام کرده‌ام و مشغول به ذکر می‌شوم تا این که آفتاب طلوع می‌کند و پس از طلوع، برمی‌خیزم به یادم می‌آید که امام یک رکعت پیش از من خوانده بود (حکمش چیست؟)

فرمود: اگر در جایگاه نماز بودی، با یک رکعت دیگر آن را تمام کن، و اگر در جای دیگری بودی (یعنی از حال نمازگزار خارج شده‌ای) بر تو لازم است آن را اعاده کنی.

۱۲ ـ ابو بصیر گوید: از امام عليه السلام پرسیدم: کسی با گروهی نماز می‌خواند و گمان می‌کند که نماز ظهر است (و نیّت نماز ظهر می‌کند)، درحالی‌که نماز عصر بوده است (وظیفهٔ او چیست؟)

فرمود: آن را ظهر قرار می‌دهد، سپس نماز عصر را به جا می‌آورد.

در حدیث دیگر فرمود: اگر بداند که آن‌ها در نماز عصرند و او نماز ظهر را نخوانده باشد، نباید با آنان به نماز جماعت وارد شود.

۱۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَحَدَهُمَا عليهما السلام عَنْ إِمَامٍ أَمَّ قَوْماً فَذَكَرَ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ عَلَى وُضُوءٍ فَانْصَرَفَ وَ أَخَذَ بِيَدِ رَجُلٍ وَ أَدْخَلَهُ فَقَدَّمَهُ وَ لَمْ يَعْلَمِ الَّذِي قُدِّمَ مَا صَلَّى الْقَوْمُ.

قَالَ: يُصَلِّي بِهِمْ، فَإِنْ أَخْطَأَ سَبَّحَ الْقَوْمُ بِهِ وَ بَنَى عَلَى صَلاَةِ الَّذِي كَانَ قَبْلَهُ.

۱٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الَّذِي يَرْفَعُ رَأْسَهُ قَبْلَ الْإِمَامِ أَيَعُودُ فَيَرْكَعُ إِذَا أَبْطَأَ الْإِمَامُ أَنْ يَرْفَعَ رَأْسَهُ؟

قَالَ: لَا.

---

۱۳ ـ زراره گوید: از امام (باقر ـ یا امام صادق عليهما السلام) پرسیدم: پیشنمازی که به گروهی امامت می‌کند، به یادش می‌آید که وضو ندارد و از نماز خارج می‌شود و دست مرد دیگری را می‌گیرد و او را به جای خود پیش می‌اندازد در حالی که این شخص نمی‌داند چقدر از نماز را خوانده‌اند (تکلیف او چیست؟)

فرمود: با آنان نماز می‌گزارد و اگر اشتباه کند، آن گروه تسبیح بگویند تا او را متوجّه سازند و بنا را بر همان نماز قبلی می‌گذارد.

۱۴ ـ غیاث بن ابراهیم گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیده شد: شخصی پیش از امام، سر از رکوع بر می‌دارد، آیا اگر امام دیرتر سر از رکوع بردارد، باید به رکوع باز گردد؟

فرمود: نه.

(۵۷)
بَابُ الرَّجُلِ يَخْطُو إِلَى الصَّفِّ أَوْ يَقُومُ خَلْفَ الصَّفِّ وَحْدَهُ أَوْ يَكُونُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْإِمَامِ مَا لَا يَتَخَطَّى

۱ ـ جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ:

رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام وَ دَخَلَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فِي صَلَاةِ الْعَصْرِ فَلَمَّا كَانَ دُونَ الصُّفُوفِ رَكَعُوا فَرَكَعَ وَحْدَهُ وَ سَجَدَ سَجْدَتَيْنِ، ثُمَّ قَامَ فَمَضَى حَتَّى لَحِقَ الصُّفُوفَ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ رِبْعِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: الرَّجُلُ يَتَأَخَّرُ وَ هُوَ فِي الصَّلَاةِ؟
قَالَ: لَا.

بخش پنجاه و هفتم
شخصی که در اثنای نماز به صف جماعت می‌پیوندد، یا به تنهایی در پشت صف می‌ایستد، یا فاصلهٔ میان او و امام چندان باشد که یک گام را پر نکند

۱ ـ معاویة بن وهب گوید: امام صادق علیه السلام را دیدم که به هنگام نماز عصر وارد مسجد الحرام شد. وقتی نزدیک صفوف قرار گرفت، به رکوع رفتند و آن حضرت نیز به تنهایی به رکوع رفت و دو سجده را به جا آورد، سپس برخاست و به پیش رفت تا به صف‌ها رسید.

۲ ـ محمّد بن مسلم (که از راویان امام باقر و امام صادق علیهما السلام است) گوید: به امام علیه السلام عرض کردم: آیا شخص در حال نماز می‌تواند به عقب برگردد؟

فرمود: نه.

قُلْتُ: فَيَتَقَدَّمُ؟

قَالَ: نَعَمْ مَا شَاءَ إِلَى الْقِبْلَةِ.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَعِيدٍ الْأَعْرَجِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَأْتِي الصَّلاَةَ فَلاَ يَجِدُ فِي الصَّفِّ مَقَاماً أَيَقُومُ وَحْدَهُ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْ صَلاَتِهِ؟

قَالَ: نَعَمْ، لَا بَأْسَ أَنْ يَقُومَ بِحِذَاءِ الْإِمَامِ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِنْ صَلَّى قَوْمٌ وَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْإِمَامِ مَا لَا يُتَخَطَّى فَلَيْسَ ذَلِكَ الْإِمَامُ لَهُمْ بِإِمَامٍ وَ أَيُّ صَفٍّ كَانَ أَهْلُهُ يُصَلُّونَ بِصَلاَةِ إِمَامٍ وَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الصَّفِّ الَّذِي يَتَقَدَّمُهُمْ قَدْرَ مَا لَا يُتَخَطَّى، فَلَيْسَ تِلْكَ لَهُمْ فَإِنْ كَانَ بَيْنَهُمْ سُتْرَةٌ أَوْ جِدَارٌ فَلَيْسَتْ تِلْكَ لَهُمْ بِصَلاَةٍ إِلَّا مَنْ كَانَ مِنْ حِيَالِ الْبَابِ.

عرض کردم: آیا می‌تواند به پیش برود؟

فرمود: آری، تا آنجا که بخواهد به سوی قبله (می‌تواند به پیش رود).

۳ ـ سعید اعرج گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شخصی که به نماز جماعت حاضر می‌شود، امّا در صف، جایی نمی‌یابد که بایستد، آیا می‌تواند به تنهایی بایستد تا از نماز خود فارغ شود؟

فرمود: آری، اشکالی ندارد که با امام برابر بایستد.

۴ ـ زرارة گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

هرگاه گروهی نماز بخوانند و میان آنان و امام بیش از یک گام فاصله باشد، آن امام برای آنان امام جماعت نیست، و هر صف گروهی که با پیشنمازی نماز می‌خوانند و فاصلهٔ میان آنان با نمازگزاران صف جلو بیش از یک گام باشد، آن نماز بر آن‌ها حساب نمی‌شود و اگر در میان آن‌ها، پرده ـ یا دیواری ـ باشد آن نماز برای آنان به حساب نمی‌آید، مگر نماز کسی که محاذی در باشد.

قَالَ: وَ قَالَ: هَذِهِ الْمَقَاصِيرُ لَمْ يَكُنْ فِي زَمَانِ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ وَ إِنَّمَا أَحْدَثَهَا الْجَبَّارُونَ، لَيْسَتْ لِمَنْ صَلَّى خَلْفَهَا مُقْتَدِياً بِصَلاَةِ مَنْ فِيهَا صَلاَةٌ.

قَالَ: وَ قَالَ: أَبُو جَعْفَرٍ عليه‌السلام: يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ الصُّفُوفُ تَامَّةً مُتَوَاصِلَةً بَعْضُهَا إِلَى بَعْضٍ لَا يَكُونُ بَيْنَ صَفَّيْنِ مَا لَا يُتَخَطَّى يَكُونُ قَدْرُ ذَلِكَ مَسْقَطَ جَسَدِ الْإِنْسَانِ.

۵ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ:

إِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ وَ الْإِمَامُ رَاكِعٌ فَظَنَنْتَ أَنَّكَ إِنْ مَشَيْتَ إِلَيْهِ يَرْفَعُ رَأْسَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُدْرِكَهُ فَكَبِّرْ وَ ارْكَعْ وَ إِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ فَاسْجُدْ مَكَانَكَ، فَإِنْ قَامَ فَالْحَقْ بِالصَّفِّ، وَ إِنْ جَلَسَ فَاجْلِسْ مَكَانَكَ فَإِذَا قَامَ فَالْحَقْ بِالصَّفِّ.

راوی گوید: آن حضرت افزود: این محراب‌های موجود (که امام در آن قرار گرفته و از نظر مأمومین دور و غیر قابل رؤیت می‌شود) در هیچ زمانی نبوده است و آن را ستمکاران احداث نموده‌اند و هر کسی به امامی اقتدا کند که در چنین محراب‌هایی باشد، نمازش صحیح نیست.

راوی می‌گوید: هم چنین امام باقر عليه‌السلام فرمود:

شایسته است که صف‌ها جماعت کامل و بدون کاستی و متّصل به یکدیگر باشند، و در میان دو صف، چندان فاصله نباشد که بیش از یک گام شود و اندازهٔ آن فاصله، مقداری است که جسد انسان را اشتغال می‌نماید.

۵ ـ عبدالرحمان بن ابی عبداللّه گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

هرگاه داخل مسجد شدی و امام جماعت در رکوع بود و به نظرت رسید که اگربخواهی به طرف او بر وی و اقتدا کنی، امام سر از رکوع برخواهد داشت، پس همان‌جا که هستی تکبیرة الاحرام را بگو و به رکوع برو و چون امام سر برداشت، همان‌جا سجده را به جا آور، و وقتی امام برخاست، آن‌گاه پیش برو و به صف ملحق شو، و اگر امام نشست، تو نیز همان‌جا بنشین و وقتی برخاست تو نیز بر خیز و به صف نمازگزاران ملحق شو.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

لَا أَرَى بِالصُّفُوفِ بَيْنَ الْأَسَاطِينِ بَأْساً.

٧ ـ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ وَ غَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارٍ السَّابَاطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُدْرِكُ الْإِمَامَ وَ هُوَ قَاعِدٌ يَتَشَهَّدُ وَ لَيْسَ خَلْفَهُ إِلَّا رَجُلٌ وَاحِدٌ عَنْ يَمِينِهِ.

قَالَ: لَا يَتَقَدَّمُ الْإِمَامَ وَ لَا يَتَأَخَّرُ الرَّجُلَ، وَ لَكِنْ يَقْعُدُ الَّذِي يَدْخُلُ مَعَهُ خَلْفَ الْإِمَامِ، فَإِذَا سَلَّمَ الْإِمَامُ قَامَ الرَّجُلُ فَأَتَمَّ الصَّلَاةَ.

٨ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْهَاشِمِيِّ رَفَعَهُ قَالَ:

رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يُصَلِّي بِقَوْمٍ وَ هُوَ إِلَى زَاوِيَةٍ فِي بَيْتِهِ يَقْرَبُ الْحَائِطَ، وَ كُلُّهُمْ عَنْ يَمِينِهِ وَ لَيْسَ عَلَى يَسَارِهِ أَحَدٌ.

---

۶ ـ حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

در مورد صف‌هایی که میان ستون‌ها قرار دارند، اشکالی نمی‌بینم.

۷ ـ عمّار ساباطی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شخصی امام جماعت را به هنگام تشهّد درک می‌کند، ولی در سمت راست او فقط یک نفر نماز می‌خواند (چه وظیفه‌ای دارد؟)

حضرتش فرمود: او نباید از امام جماعت جلو بیفتد، و از آن مرد عقب نیفتد، بلکه با آن یک نفر بنشیند، وقتی امام سلام نماز را داد برخیزد و نماز را تمام کند.

۸ ـ علی بن ابراهیم هاشمی در روایت مرفوعه‌ای گوید:

امام صادق عليه السلام را دیدم که با گروهی نماز می‌خواند، حضرتش در خانهٔ خود نزدیک دیوار ایستاده بود و مأمومین همگی در سمت راست حضرتش بودند و کسی سمت چپش نبود.

۹ـأَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ وَ غَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيّ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارٍ السَّابَاطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي بِقَوْمٍ وَ هُمْ فِي مَوْضِعٍ أَسْفَلَ مِنْ مَوْضِعِهِ الَّذِي يُصَلِّي فِيهِ.

فَقَالَ: إِنْ كَانَ الْإِمَامُ عَلَى شِبْهِ الدُّكَّانِ، أَوْ عَلَى مَوْضِعٍ أَرْفَعَ مِنْ مَوْضِعِهِمْ لَمْ يَجُزْ صَلَاتُهُمْ، وَ إِنْ كَانَ أَرْفَعَ مِنْهُمْ بِقَدْرِ إِصْبَعٍ أَوْ أَكْثَرَ أَوْ أَقَلَّ إِذَا كَانَ الِارْتِفَاعُ بِبَطْنِ مَسِيلٍ.

فَإِنْ كَانَ أَرْضاً مَبْسُوطَةً، أَوْ كَانَ فِي مَوْضِعٍ مِنْهَا ارْتِفَاعٌ فَقَامَ الْإِمَامُ فِي الْمَوْضِعِ الْمُرْتَفِعِ وَ قَامَ مَنْ خَلْفَهُ أَسْفَلَ مِنْهُ وَ الْأَرْضُ مَبْسُوطَةٌ إِلَّا أَنَّهُمْ فِي مَوْضِعٍ مُنْحَدِرٍ.

قَالَ: لَا بَأْسَ.

قَالَ: وَ سُئِلَ فَإِنْ قَامَ الْإِمَامُ أَسْفَلَ مِنْ مَوْضِعِ مَنْ يُصَلِّي خَلْفَهُ؟

---

۹ ـ عمّار ساباطی گوید: از امام صادق عليه‌السلام پرسیدم: شخصی با گروهی نماز جماعت می‌خواند جایگاه مأمومین پایین‌تر از جایگاه امام است (آیا نماز آن‌ها صحیح است؟)

فرمود: اگر امام جماعت در جایگاهی همانند دکّان یا جایی بلندتر باشد، نماز مأمومین کفایت نمی‌کند و هر گاه به اندازهٔ یک انگشت ـیا بیشتر یا کمترـ بلندتر باشد، اگر ارتفاع در داخل سیل گاه باشد، [اشکال ندارد].

[پرسید:] و اگر در زمین هموار یا در جای بلندی و امام جماعت در جای بلندی بایستد و مأمومین در سطح پایین‌تر بایستند (چه حکمی دارد؟)

فرمود: اشکالی ندارد.

راوی گوید: پرسیدم: اگر امام در جایگاه پایین‌تر از مأمومین بایستد (چه حکمی دارد؟)

قَالَ: لَا بَأْسَ وَ قَالَ: إِنْ كَانَ رَجُلٌ فَوْقَ بَيْتٍ أَوْ غَيْرِ ذَلِكَ دُكَّاناً كَانَ أَوْ غَيْرَهُ وَ كَانَ الْإِمَامُ يُصَلِّي عَلَى الْأَرْضِ أَسْفَلَ مِنْهُ جَازَ لِلرَّجُلِ أَنْ يُصَلِّيَ خَلْفَهُ وَ يَقْتَدِيَ بِصَلَاتِهِ، وَ إِنْ كَانَ أَرْفَعَ مِنْهُ بِشَيْءٍ كَثِيرٍ.

۱۰ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ: ذَكَرَ الْحُسَيْنُ أَنَّهُ أَمَرَ مَنْ يَسْأَلُهُ عَنْ رَجُلٍ صَلَّى إِلَى جَانِبِ رَجُلٍ فَقَامَ عَنْ يَسَارِهِ وَ هُوَ لَا يَعْلَمُ ثُمَّ عَلِمَ وَ هُوَ فِي صَلَاتِهِ كَيْفَ يَصْنَعُ؟

قَالَ: يُحَوِّلُهُ عَنْ يَمِينِهِ.

(۵۸)
بَابُ الصَّلَاةِ فِي الْكَعْبَةِ وَ فَوْقَهَا وَ فِي الْبِيَعِ وَ الْكَنَائِسِ وَ الْمَوَاضِعِ الَّتِي تُكْرَهُ الصَّلَاةُ فِيهَا

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الصَّلَاةِ فِي الْبِيَعِ وَ الْكَنَائِسِ.

فرمود: اشکالی ندارد. و فرمود: اگر انسان بالای خانه یا جای دیگری ـ دکان باشد یا غیر آن باشد ـ و امام در جایگاه پایین‌تر از او نماز بخواند، جایز است انسان پشت سر او نماز بخواند و به او اقتدا کند، گرچه در جایگاه بلندتر از امام باشد.

۱۰ ـ احمد بن محمّد گوید: حسین [بن یسار] به فردی دستور داد تا از حضرتش بپرسد: شخصی کنار فردی نماز می‌خواند و سمت چپ او می‌ایستد و بی‌آن که او بداند (به او اقتدا می‌کند) سپس او مطّلع می‌شود. او در حال نماز چه وظیفه‌ای دارد؟

فرمود: باید او را به جانب راست خود هدایت کند.

بخش پنجاه و هشتم
نماز در کعبه، بالای آن، در کلیساها و کنیسه‌ها و مکان‌هایی که نماز در آن‌ها کراهت دارد

۱ ـ عبد اللّه بن سنان گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد نماز در کلیساها و کنیسه‌ها پرسیدم؟

فَقالَ: رُشَّ وَ صَلِّ.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ بُيُوتِ الْمَجُوسِ.

فَقالَ: رُشَّهَا وَ صَلِّ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام عَنِ الصَّلاَةِ فِي أَعْطَانِ الْإِبِلِ.

فَقالَ: إِنْ تَخَوَّفْتَ الضَّيْعَةَ عَلَى مَتَاعِكَ فَاكْنُسْهُ وَ انْضِحْهُ، وَ لَا بَأْسَ بِالصَّلاَةِ فِي مَرَابِضِ الْغَنَمِ.

۳ ـ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ:

لَا تُصَلِّ فِي مَرَابِطِ الْخَيْلِ وَ الْبِغَالِ وَ الْحَمِيرِ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَمَّنْ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام عَنِ الْمَسْجِدِ يَنِزُّ حَائِطُ قِبْلَتِهِ مِنْ بَالُوعَةٍ يُبَالُ فِيهَا.

فرمود: آب بپاش و نماز بخوان.

راوی گوید: هم چنین از آن حضرت دربارهٔ نماز در خانه‌های مجوس (زرتشتیان) پرسیدم؟

فرمود: در آنجا آب بپاش و نماز بخوان.

۲ ـ محمّد بن مسلم گوید: از امام صادق عليه‌السلام دربارهٔ نماز در آغل شتران پرسیدم؟

فرمود: اگر ترسیدی (که اگر از کنار شتران دور شوی) کالایت از بین می‌رود، در این صورت آنجا را بروب و آبی بر آنجا بپاش و نماز بخوان، و نماز خواندن در آغل گوسفندان اشکال ندارد.

۳ ـ سماعه گوید: امام عليه‌السلام فرمود:

در جای بستن اسب، قاطر و الاغ نماز مگذار.

۴ ـ محمّد بن ابی نصر از کسی که از امام صادق عليه‌السلام پرسیده، نقل می‌کند که حضرتش دربارهٔ نماز خواندن در مسجدی که دیوار قبله آن از چاهی که در آن بول می‌کنند، مرطوب و خیس شده است، پرسید:

فَقالَ: إِنْ كَانَ نَزُّهُ مِنَ الْبَالُوعَةِ فَلاَ تُصَلِّ فِيهِ، وَ إِنْ كَانَ نَزُّهُ مِنْ غَيْرِ ذَلِكَ فَلاَ بَأْسَ بِهِ.

۵ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّلاَةِ فِي مَرَابِضِ الْغَنَمِ.

فَقالَ: صَلِّ فِيهَا وَ لَا تُصَلِّ فِي أَعْطَانِ الْإِبِلِ إِلَّا أَنْ تَخَافَ عَلَى مَتَاعِكَ الضَّيْعَةَ فَاكْنُسْهُ وَ رُشَّهُ بِالْمَاءِ وَ صَلِّ فِيهِ.

وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّلاَةِ فِي ظَهْرِ الطَّرِيقِ.

فَقالَ: لَا بَأْسَ أَنْ تُصَلِّيَ فِي الظَّوَاهِرِ الَّتِي بَيْنَ الْجَوَادِّ فَأَمَّا عَلَى الْجَوَادِّ فَلاَ تُصَلِّ فِيهَا.

قَالَ: وَ كُرِهَ الصَّلاَةُ فِي السَّبَخَةِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَكَاناً لَيِّناً تَقَعُ عَلَيْهِ الْجَبْهَةُ مُسْتَوِيَةً.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّلاَةِ فِي الْبِيعَةِ.

فَقالَ: إِذَا اسْتَقْبَلْتَ الْقِبْلَةَ فَلاَ بَأْسَ بِهِ.

فرمود: اگر خیسی آن، از چاه مستراح است، در آن مکان نماز نگزار، ولی اگر از چیز دیگری است، اشکال ندارد.

۵ ـ حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام دربارهٔ نماز خواندن در آغل گوسفندان پرسیدم؟

فرمود: در آنجا نماز بگزار، ولی در آغل شتران نماز مگزار، مگر آن که بترسی که کالایت از بین برود، که در این صورت، آنجا را بروب و آبی بر آن‌جا بریز و نماز بگزار.

و از آن حضرت دربارهٔ نماز خواندن بر روی بلندی‌هایی که در راه‌هاست پرسیدم؟

فرمود: ایرادی ندارد که بر روی بلندی‌های راه‌های اصلی نماز بخوانی، ولی در خود راه اصلی، نمی‌توان نماز گزارد.

سپس فرمود: هم چنین از حضرتش نماز در زمین شوره‌زار کراهت دارد، مگر در جای نرمی که جایگاه پیشانی هموار باشد.

راوی گوید: هم چنین از حضرتش دربارهٔ نماز در معابد یهود و نصارا پرسیدم؟

فرمود: اگر رو به قبله باشی، اشکالی ندارد.

قَالَ وَ رَأَيْتُهُ فِي الْمَنَازِلِ الَّتِي فِي طَرِيقِ مَكَّةَ يَرُشُّ أَحْيَاناً مَوْضِعَ جَبْهَتِهِ ثُمَّ يَسْجُدُ عَلَيْهِ رَطْباً كَمَا هُوَ وَ رُبَّمَا لَمْ يَرُشَّ الَّذِي يَرَى أَنَّهُ طَيِّبٌ.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَخُوضُ الْمَاءَ فَتُدْرِكُهُ الصَّلاَةُ.

فَقالَ: إِنْ كَانَ فِي حَرْبٍ، فَإِنَّهُ يُجْزِئُهُ الْإِيمَاءُ وَ إِنْ كَانَ تَاجِراً فَلْيَقُمْ وَ لَا يَدْخُلْهُ حَتَّى يُصَلِّيَ.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ أَبِي أُسَامَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

لَا تُصَلِّ فِي بَيْتٍ فِيهِ مَجُوسِيٌّ، وَ لَا بَأْسَ بِأَنْ تُصَلِّيَ وَ فِيهِ يَهُودِيٌّ أَوْ نَصْرَانِيٌّ.

٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: إِنَّا كُنَّا فِي الْبَيْدَاءِ فِي آخِرِ اللَّيْلِ فَتَوَضَّأْتُ وَ اسْتَكْتُ وَ أَنَا أَهُمُّ بِالصَّلاَةِ ثُمَّ كَأَنَّهُ دَخَلَ قَلْبِي شَيْءٌ فَهَلْ يُصَلَّى فِي الْبَيْدَاءِ فِي الْمَحْمِلِ؟

راوی می‌گوید: گاهی دیدم که امام صادق علیه السلام را در راه مکّه جایگاه سجده خود را آب می‌پاشید، و بعد بر آن موضع که هنوز رطوبت داشت، سجده می‌فرمود، و گاه نیز آب نمی‌پاشید، چون مشاهده می‌فرمود که آن موضع پاکیزه است.

راوی گوید: هم چنین از آن حضرت پرسیدم: شخصی که در آب فرو می‌رود در حالی که وقت نماز او فرا می‌رسد (چه وظیفه‌ای دارد؟)

فرمود: اگر در حال جهاد باشد، نمازش به اشاره کفایت می‌کند، امّا اگر در حال تجارت باشد، بایستی در کنار ساحل بایستد و تا نماز خود را نخوانده است، وارد آب نشود.

۶ ـ ابی اسامه گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

در خانه‌ای که در آن مجوسی باشد، نماز نخوان؛ ولی نماز خواندن در خانه‌ای که در آن یهودی، یا نصرانی است، اشکالی ندارد.

۷ ـ احمد بن محمّد بن ابی نصر گوید:به امام کاظم علیه السلام گفتم: در پایان شب در صحرای بیداء [1] بودیم، وضو ساختم و مسواک زدم، قصد نماز نمودم،گویا در دلم خطور کرد که آیا می‌شود در بیداء و آن هم در کجاوه نماز گزارد؟

---

۱ ـ صحرایی است میان مکّه و مدینه.

فَقالَ: لَا تُصَلِّ فِي الْبَيْدَاءِ.

قُلْتُ وَ أَيْنَ حَدُّ الْبَيْدَاءِ؟

فَقالَ: كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام إِذَا بَلَغَ ذَاتَ الْجَيْشِ جَدَّ فِي السَّيْرِ ثُمَّ لَا يُصَلِّي حَتَّى يَأْتِيَ مُعَرَّسَ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله.

قُلْتُ: وَ أَيْنَ ذَاتُ الْجَيْشِ؟

فَقالَ: دُونَ الْحَفِيرَةِ بِثَلاَثَةِ أَمْيَالٍ.

۸ـ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ قَالَ: قَالَ الرِّضَا عليه السلام: كُلُّ طَرِيقٍ يُوطَأُ وَ يُتَطَرَّقُ كَانَتْ فِيهِ جَادَّةٌ أَوْ لَمْ تَكُنْ لَا يَنْبَغِي الصَّلاَةُ فِيهِ.

قُلْتُ: فَأَيْنَ أُصَلِّي؟

قَالَ: يَمْنَةً وَ يَسْرَةً.

فرمود: در بیداء نماز مگزار.

عرض کردم: حدود بیداء تا کجاست؟

فرمود: امام باقر عليه السلام را همیشه که آن‌گاه به ذات الجیش [۱] می‌رسید، در رفتن شتاب می‌کرد و نماز نمی‌خواند تا به معرّس النبی صلى الله عليه وآله می‌رسید.

عرض کردم: ذات الجیش کجاست؟

فرمود: سه میل پایین‌تر از حفیره [۲].

۸ـ محمّد بن فضل گوید: امام رضا عليه السلام فرمود:

هر راهی که مردم در آن رفت و آمد می‌کنند، خواه جاده اصلی باشد، یا نباشد، نماز خواندن در آن شایسته نیست.

راوی گوید: عرض کردم: پس کجا نماز بخوانم؟

فرمود: در سمت راست و چپ آن.

---

۱ ـ ذات الجیش: سرزمینی است که خداوند سفیانی و لشکر او را در آن فرو خواهد برد.

۲ ـ حفیره: مکانی پایین‌تر از مسجد شجره است.

۹ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ غَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَخِيرِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: تَحْضُرُ الصَّلَاةُ وَ الرَّجُلُ بِالْبَيْدَاءِ.
فَقَالَ: يَتَنَحَّى عَنِ الْجَوَادِّ يَمْنَةً وَ يَسْرَةً وَ يُصَلِّي.

۱۰ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:
الصَّلَاةُ تُكْرَهُ فِي ثَلَاثَةِ مَوَاطِنَ مِنَ الطَّرِيقِ: الْبَيْدَاءِ وَ هِيَ ذَاتُ الْجَيْشِ وَ ذَاتِ الصَّلَاصِلِ وَ ضَجْنَانَ.
قَالَ: وَ قَالَ: لَا بَأْسَ أَنْ يُصَلَّى بَيْنَ الظَّوَاهِرِ، وَ هِيَ الْجَوَادُّ جَوَادُّ الطَّرِيقِ وَ يُكْرَهُ أَنْ يُصَلَّى فِي الْجَوَادِّ.

۱۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:
لَا يُصَلَّى فِي وَادِي الشُّقْرَةِ.

---

۹ ـ ایّوب بن نوح گوید: به امام هادی عليه السلام عرض کردم: وقت نماز فرا می‌رسد و شخص در بیداء است (چه کند؟)
فرمود: از میان جادّه به کناری می‌رود و در سمت راست و یا چپ آن، نماز می‌خواند.

۱۰ ـ معاوية بن عمّار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
در سه جا از راه، نماز کراهت دارد: بیداء که ذات الجیش است، ذات الصلاصل و ضجنان (که کوهی است در مکّه).
راوی گوید: هم چنین فرمود: در بلندی‌هایی که در میان بزرگراه‌ها یا راه‌های اصلی است؛ اشکالی ندارد که نماز خوانده شود، ولی نمازگزاردن در میان راه‌های اصلی مکروه است.

۱۱ ـ یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
نمی‌توان در وادی شقره نماز خواند.

۱۲ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللهِ عَنِ ابْنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الْفَضْلِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

عَشَرَةُ مَوَاضِعَ لَا يُصَلَّى فِيهَا الطِّينُ وَ الْمَاءُ وَ الْحَمَّامُ وَ الْقُبُورُ وَ مَسَانُّ الطَّرِيقِ وَ قُرَى النَّمْلِ وَ مَعَاطِنُ الْإِبِلِ، وَ مَجْرَى الْمَاءِ وَ السَّبَخُ وَ الثَّلْجُ.

۱۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارٍ السَّابَاطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ حَدِّ الطِّينِ الَّذِي لَا يُسْجَدُ فِيهِ مَا هُوَ؟

قَالَ: إِذَا غَرِقَ الْجَبْهَةُ وَ لَمْ تَثْبُتْ عَلَى الْأَرْضِ.

وَ عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي بَيْنَ الْقُبُورِ.

قَالَ: لَا يَجُوزُ ذَلِكَ، إِلَّا أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْقُبُورِ إِذَا صَلَّى عَشَرَةَ أَذْرُعٍ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ عَشَرَةَ أَذْرُعٍ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَشَرَةَ أَذْرُعٍ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَشَرَةَ أَذْرُعٍ عَنْ يَسَارِهِ ثُمَّ يُصَلِّي إِنْ شَاءَ.

---

۱۲ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

ده موضع است که نمی‌توان در آن نماز خواند: زمین گل‌آلود، جایی که آب وجود دارد، حمّام، گورستان، میان شاه راه، بر روی لانهٔ مورچگان، خوابگاه شتران، محل جریان آب، شوره‌زار، و بر روی برف و یخ.

۱۳ ـ عمّار ساباطی گوید: از امام صادق عليه السلام دربارهٔ مقدار و چگونگی گلی که سجده بر آن نمی‌توان کرد، پرسیدم.

فرمود: هرگاه پیشانی در آن فرو رود و روی زمین بند نشود (نمی‌توان بر آن سجده کرد).

پرسیدم: آیا انسان می‌تواند در قبرستان نماز بخواند؟

فرمود: جایز نیست، مگر این که به هنگام نماز میان خود و قبرها از پیش رو، پشت سر، سمت راست و چپ، ده ذراع فاصله قرار دهد، سپس اگر خواست نماز بخواند.

۱٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ دَاوُدَ الصَّرْمِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام قُلْتُ: إِنِّي أَخْرُجُ فِي هَذَا الْوَجْهِ وَ رُبَّمَا لَمْ يَكُنْ مَوْضِعٌ أُصَلِّي فِيهِ مِنَ الثَّلْجِ.

فَقالَ: إِنْ أَمْكَنَكَ أَنْ لَا تَسْجُدَ عَلَى الثَّلْجِ فَلاَ تَسْجُدْ، وَ إِنْ لَمْ يُمْكِنْكَ فَسَوِّهِ وَ اسْجُدْ عَلَيْهِ.

وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ: اسْجُدْ عَلَى ثَوْبِكَ.

۱٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عِمْرَانَ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارٍ السَّابَاطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ فِي الرَّجُلِ يُصَلِّي وَ بَيْنَ يَدَيْهِ مُصْحَفٌ مَفْتُوحٌ فِي قِبْلَتِهِ؟

قَالَ: لَا.

قُلْتُ: فَإِنْ كَانَ فِي غِلاَفٍ.

قَالَ: نَعَمْ.

---

۱۴ ـ داوود صرمی گوید: از امام هادی عليه السلام پرسیدم: گاهی من از کوفه بدین سوی بیرون می‌روم و چه بسا اتّفاق می‌افتد که جایی بدون برف پیدا نمی‌شود که در آن نماز بخوانم، در این حال چه باید بکنم؟

فرمود: اگر برایت امکان دارد که بر برف سجده نکنی حتّی المقدور سجده نکن، ولی اگر برایت امکان دیگری نیست و ناگزیر هستی، در این صورت همان زمین برفی را هموار ساز و روی آن سجده کن.

و در حدیث دیگری آمده است: بر لباست سجده کن.

۱۵ ـ عمّار ساباطی گوید: امام صادق عليه السلام درباره شخصی که نماز می‌گزارد و در جهت قبله و رو به روی او قرآنی گشوده شده است.

فرمود: جایز نیست.

عرض کردم: اگر چه قرآن در جلد باشد می‌تواند؟

فرمود: آری.

وَ قَالَ: لَا يُصَلِّي الرَّجُلُ وَ فِي قِبْلَتِهِ نَارٌ أَوْ حَدِيدٌ.
وَ عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي وَ بَيْنَ يَدَيْهِ قِنْدِيلٌ مُعَلَّقٌ وَ فِيهِ نَارٌ إِلَّا أَنَّهُ بِحِيَالِهِ.
قَالَ: إِذَا ارْتَفَعَ كَانَ شَرّاً لَا يُصَلِّي بِحِيَالِهِ.

١٦ ـ مُحَمَّدٌ عَنِ الْعَمْرَكِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه‌السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي وَ السِّرَاجُ مَوْضُوعٌ بَيْنَ يَدَيْهِ فِي الْقِبْلَةِ.
فَقَالَ: لَا يَصْلُحُ لَهُ أَنْ يَسْتَقْبِلَ النَّارَ.
وَ رُوِيَ أَيْضاً: أَنَّهُ لَا بَأْسَ بِهِ لِأَنَّ الَّذِي يُصَلِّي لَهُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ ذَلِكَ.

١٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِئَابٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ:
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه‌السلام: أَقُومُ فِي الصَّلَاةِ فَأَرَى قُدَّامِي فِي الْقِبْلَةِ الْعَذِرَةَ.
فَقَالَ: تَنَحَّ عَنْهَا مَا اسْتَطَعْتَ وَ لَا تُصَلِّ عَلَى الْجَوَادِّ.

هم چنین فرمود: شخص در حالی که در جهت قبله و رو به روی او آتش یا آهن است، نباید نماز بخواند.

و نیز سؤال کردم از کسی که نماز می‌گزارد و در پیش او قندیلی آویخته شده که در آن آتش است و در برابر اوست؟

فرمود: اگر آن قندیل بالا باشد، بدتر است و در برابر آن نباید نماز بخواند.

۱۶ ـ علی بن جعفر گوید: از برادر خود امام کاظم عليه‌السلام پرسیدم: شخصی نماز می‌خواند، در حالی که چراغی در برابر او در جهت قبله روشن است؟

فرمود: روا نیست رو به سوی آتش نماز بخواند.

هم چنین روایت شده است: چنین نمازی اشکالی ندارد، زیرا آن کسی (خدایی) که نماز را به خاطر او به جا می‌آورد، به او نزدیک‌تر از آن است.

۱۷ ـ فضیل بن یسار گوید: به امام صادق عليه‌السلام عرض کردم: می‌خواهم نماز بخوانم، می‌بینم در سمت قبله پیش رویم، مدفوع انسان است؟

فرمود: هر چه می‌توانی از آن دور شو، و در شاه‌راه‌ها نماز نخوان.

۱۸ ـ جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْعَلاَءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما‌السلام قَالَ:

لَا تُصَلَّى الْمَكْتُوبَةُ فِي الْكَعْبَةِ.

وَ رُوِيَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ: يُصَلَّى فِي أَرْبَعِ جَوَانِبِهَا إِذَا اضْطُرَّ إِلَى ذَلِكَ.

۱۹ ـ جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ خَالِدٍ عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام: الرَّجُلُ يُصَلِّي عَلَى أَبِي قُبَيْسٍ مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ.

فَقَالَ: لَا بَأْسَ.

۲۰ ـ جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلاَءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَحَدَهُمَا عليهما‌السلام عَنِ التَّمَاثِيلِ فِي الْبَيْتِ.

فَقَالَ: لَا بَأْسَ إِذَا كَانَتْ عَنْ يَمِينِكَ وَ عَنْ شِمَالِكَ وَ عَنْ خَلْفِكَ أَوْ تَحْتِ رِجْلَيْكَ وَ إِنْ كَانَتْ فِي الْقِبْلَةِ فَأَلْقِ عَلَيْهَا ثَوْباً.

---

۱۸ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام (باقر عليه‌السلام یا امام صادق عليه‌السلام) فرمود:

نماز واجب (شبانه روزی) را در داخل کعبه مخوان.

در حدیث دیگری روایت شده است: اگر کسی ناچار به این عمل شود، باید در چهار جانب آن نماز بگزارد.

۱۹ ـ ابو اسماعیل گوید: به امام صادق عليه‌السلام عرض کردم: آیا می‌توان بر بالای کوه ابو قبیس، رو به قبله نماز خواند؟

فرمود: اشکالی ندارد.

۲۰ ـ محمّد بن مسلم گوید: از امام (باقر عليه‌السلام یا امام صادق عليه‌السلام) دربارهٔ عکس‌ها و تمثال‌هایی که در خانه است، پرسیدم؟

فرمود: در صورتی که در سمت راست، یا سمت چپ، یا پشت سر و یا زیر پایت باشد اشکالی ندارد، امّا اگر در سمت قبله باشد، پارچه‌ای روی آن بینداز.

۲۱ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ السَّلاَمِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الرِّضَا عليه السلام فِي الَّذِي تُدْرِكُهُ الصَّلاَةُ وَ هُوَ فَوْقَ الْكَعْبَةِ.

قَالَ: إِنْ قَامَ لَمْ يَكُنْ لَهُ قِبْلَةٌ وَ لَكِنَّهُ يَسْتَلْقِي عَلَى قَفَاهُ، وَ يَفْتَحُ عَيْنَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ وَ يَعْقِدُ بِقَلْبِهِ الْقِبْلَةَ الَّتِي فِي السَّمَاءِ الْبَيْتَ الْمَعْمُورَ وَ يَقْرَأُ فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَرْكَعَ غَمَّضَ عَيْنَيْهِ فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَرْفَعَ رَأْسَهُ مِنَ الرُّكُوعِ فَتَحَ عَيْنَيْهِ وَ السُّجُودُ عَلَى نَحْوِ ذَلِكَ.

۲۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فِي التِّمْثَالِ يَكُونُ فِي الْبِسَاطِ فَتَقَعُ عَيْنُكَ عَلَيْهِ وَ أَنْتَ تُصَلِّي.

قَالَ: إِنْ كَانَ بِعَيْنٍ وَاحِدَةٍ فَلاَ بَأْسَ، وَ إِنْ كَانَ لَهُ عَيْنَانِ فَلاَ.

۲۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ وَ حَدِيدٍ قَالاَ: قُلْنَا لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: السَّطْحُ يُصِيبُهُ الْبَوْلُ أَوْ يُبَالُ عَلَيْهِ أَيُصَلَّى فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ؟

---

۲۱ ـ عبدالسلام بن صالح گوید: امام رضا عليه السلام دربارهٔ شخصی که به هنگام نماز بر بالای کعبه است، فرمود:

اگر بایستد، برای او قبله‌ای نخواهد بود، ولی او بر پشت می‌افتد و چشمان خود را به سوی آسمان باز می‌کند و در دل خود، آن قبله‌ای را که در آسمان است و بیت المعمور نام دارد، نیّت می‌نماید و قرائت می‌کند و چون بخواهد به رکوع برود، دو چشم خود را می‌بندد و هنگامی که می‌خواهد از رکوع سر بردارد، دو چشم خود را باز می‌کند و در سجده نیز همین عمل را انجام می‌دهد.

۲۲ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام درباره تصویر روی فرش که در هنگام نماز چشم انسان به آن می‌افتد، فرمود:

اگر تصویر دارای یک چشم (نیم رخ) باشد اشکالی ندارد، ولی اگر دارای دو چشم (صورتی کامل) باشد، جایز نیست.

۲۳ ـ زراره و حدید گویند: به امام صادق عليه السلام گفتیم: پشت بامی که در مسیر ادرار است یا بر بالای آن بول می‌کنند، آیا می‌توان روی آن نماز خواند؟

فَقالَ: إِنْ كَانَ تُصِيبُهُ الشَّمْسُ وَ الرِّيحُ وَ كَانَ جَافّاً فَلاَ بَأْسَ بِهِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ يُتَّخَذُ مَبَالاً.

٢٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارٍ السَّابَاطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

لَا يُصَلَّى فِي بَيْتٍ فِيهِ خَمْرٌ أَوْ مُسْكِرٌ.

٢٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ عَامِرِ بْنِ نُعَيْمٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ هَذِهِ الْمَنَازِلِ الَّتِي يَنْزِلُهَا النَّاسُ فِيهَا أَبْوَالُ الدَّوَابِّ وَ السِّرْجِينُ وَ يَدْخُلُهَا الْيَهُودُ وَ النَّصَارَى كَيْفَ يُصَلَّى فِيهَا؟

قَالَ: صَلِّ عَلَى ثَوْبِكَ.

٢٦ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبَانٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

فرمود: اگر آفتاب بر آن بتابد، یا باد بوزد و خشک باشد، اشکال ندارد، مگر آن‌که آن‌جا را مبال نمایند.

۲۴ ـ عمّار ساباطی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

در خانه‌ای که در آن شراب یا مواد مست‌کننده باشد، نمی‌توان نماز خواند.

۲۵ ـ عامربن نعیم گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: در مکان‌ها (و مهمان خانه‌ها)ی بین راه که مردم در آن‌جا منزل می‌کنند و در آن مکان‌ها بول و سرگین چهار پایان بـه چشـم می‌خورد، و یهود و نصاری وارد آنها می‌شوند، چگونه می‌توان نماز خواند؟

فرمود: بر روی لباس خود نماز بخوان.

۲۶ ـ عمرو بن خالد گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

قَالَ جَبْرَئِيلُ عليه‌السلام: يَا رَسُولَ اللهِ! إِنَّا لَا نَدْخُلُ بَيْتاً فِيهِ صُورَةُ إِنْسَانٍ وَ لَا بَيْتاً يُبَالُ فِيهِ وَ لَا بَيْتاً فِيهِ كَلْبٌ.

۲۷ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله:

إِنَّ جَبْرَئِيلَ عليه‌السلام أَتَانِي، فَقَالَ: إِنَّا مَعْشَرَ الْمَلَائِكَةِ لَا نَدْخُلُ بَيْتاً فِيهِ كَلْبٌ، وَ لَا تِمْثَالُ جَسَدٍ، وَ لَا إِنَاءٌ يُبَالُ فِيهِ.

(۵۹)

بَابُ الصَّلَاةِ فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ وَ الْمَرْأَةِ فِي كَمْ تُصَلِّي وَ صَلَاةِ الْعُرَاةِ وَ التَّوَشُّحِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما‌السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ

جبرئیل عليه‌السلام عرض کرد: ای رسول خدا! ما فرشتگان در خانه‌ای که تصویر انسانی باشد، مکانی که در آن ادرار می‌کنند و خانه‌ای که در آن سگی باشد، داخل نمی‌شویم.

۲۷ ـ محمّد بن مروان گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرموده است: جبرئیل نزد من آمد و گفت:

ما گروه فرشتگان، در خانه‌ای که در آن سگی باشد، یا در آن عکس انسان و ظرف بول می‌باشد، وارد نمی‌شویم.

بخش پنجاه و نهم
نماز خواندن در یک لباس، تعداد لباس‌های زنان در نماز، نماز برهنگان و آویختن لباس بر گردن

۱ ـ محمّد بن مسلم گوید: از امام (باقر عليه‌السلام یا امام صادق عليه‌السلام) پرسیدم:

عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي فِي قَمِيصٍ وَاحِدٍ أَوْ فِي قَبَاءٍ طَاقٍ أَوْ فِي قَبَاءٍ مَحْشُوٍّ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ إِزَارٌ.

فَقَالَ: إِذَا كَانَ عَلَيْهِ قَمِيصٌ سَفِيقٌ أَوْ قَبَاءٌ لَيْسَ بِطَوِيلِ الْفُرَجِ فَلاَ بَأْسَ بِهِ وَ الثَّوْبُ الْوَاحِدُ يُتَوَشَّحُ بِهِ وَ سَرَاوِيلُ كُلُّ ذَلِكَ لَا بَأْسَ بِهِ.

وَ قَالَ: إِذَا لَبِسَ السَّرَاوِيلَ فَلْيَجْعَلْ عَلَى عَاتِقِهِ شَيْئاً وَ لَوْ حَبْلاً.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلاَءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

رَأَيْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام صَلَّى فِي إِزَارٍ وَاحِدٍ لَيْسَ بِوَاسِعٍ قَدْ عَقَدَهُ عَلَى عُنُقِهِ. فَقُلْتُ لَهُ: مَا تَرَى لِلرَّجُلِ يُصَلِّي فِي قَمِيصٍ وَاحِدٍ.

فَقَالَ: إِذَا كَانَ كَثِيفاً فَلاَ بَأْسَ بِهِ، وَ الْمَرْأَةُ تُصَلِّي فِي الدِّرْعِ وَ الْمِقْنَعَةِ إِذَا كَانَ الدِّرْعُ كَثِيفاً. يَعْنِي إِذَا كَانَ سَتِيراً.

مردی در یک پیراهن، یا در قبای بدون آستر، یا در قبای پنبه‌ای در حالی که لنگ نبسته نماز می‌خواند، (چه حکمی دارد؟)

فرمود: اگر پیراهنش ضخیم باشد، یا قبایش زیاد پاره نباشد، اشکالی ندارد، وکسی که به هنگام نماز یک طرف لباسش را به گردن می‌آویزد و شلوار می‌پوشد، تمام آن‌ها اشکالی ندارد.

و فرمود: هم چنین است کسی‌که به هنگام نماز هرگاه شلوار بپوشد، چیزی بر گردن خود بیندازد، اگر چه ریسمانی باشد.

۲ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام را دیدیم که در یک لنگ نماز می‌گزارد، در حالی که آن لنگ فراخ نبود و آن را به گردن خود گره زده بود، به آن حضرت عرض کردم: نظر شما دربارهٔ مردی که در یک پیراهن نماز می‌خواند، چیست؟

فرمود: اگر ضخیم باشد، اشکالی ندارد، امّا زن باید در پیراهن و مقنعه نماز بخواند، در صورتی که پیراهن ضخیم باشد و او را بپوشاند.

قُلْتُ: رَحِمَكَ اللهُ! الْأَمَةُ تُغَطِّي رَأْسَهَا إِذَا صَلَّتْ.

فَقالَ: لَيْسَ عَلَى الْأَمَةِ قِنَاعٌ.

٣ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ سُلَيْمانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ أَمَّ قَوْماً فِي قَمِيصٍ لَيْسَ عَلَيْهِ رِدَاءٌ.

فَقالَ: لَا يَنْبَغِي إِلَّا أَنْ يَكُونَ عَلَيْهِ رِدَاءٌ أَوْ عِمَامَةٌ يَرْتَدِي بِهَا.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:

إِيَّاكَ وَ الْتِحَافَ الصَّمَّاءِ؟

قُلْتُ: وَ مَا الْتِحَافُ الصَّمَّاءِ؟

قَالَ: أَنْ تُدْخِلَ الثَّوْبَ مِنْ تَحْتِ جَنَاحِكَ فَتَجْعَلَهُ عَلَى مَنْكِبٍ وَاحِدٍ.

عرض کردم: خداوند به شما رحمت کند! آیا کنیز باید به هنگام نماز سر خود را بپوشاند؟

فرمود: برای کنیز پوشش سر لازم نیست.

۳ ـ سلیمان بن خالد گوید: از امام صادق عليه السلام دربارهٔ مردی که با یک پیراهن، بر گروهی امامت می‌کند، بی‌آن که ردایی داشته باشد، سؤال کردم؟

فرمود: شایسته نیست، مگر آن که بر او ردایی باشد، یا عمامه‌ای که آن را ردای خود قرار دهد.

۴ ـ زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

مبادا رداء را بر خویشتن به گونه‌ای صمّاء بپیچی.

راوی گوید: عرض کردم: پیچیدن صمّاء چگونه است؟

فرمود: آن که رداء را از زیر بغل خود درآوری و بر یک دوش بیندازی.

۵ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ يُصَلِّي فِي سَرَاوِيلَ لَيْسَ مَعَهُ غَيْرُهُ.

قَالَ: يَجْعَلُ التِّكَّةَ عَلَى عَاتِقِهِ.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ جَمِيلٍ قَالَ: سَأَلَ مُرَازِمٌ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام وَ أَنَا مَعَهُ حَاضِرٌ عَنِ الرَّجُلِ الْحَاضِرِ يُصَلِّي فِي إِزَارٍ مُرْتَدِياً بِهِ.

قَالَ: يَجْعَلُ عَلَى رَقَبَتِهِ مِنْدِيلاً، أَوْ عِمَامَةً يَتَرَدَّى بِهِ.

٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

لَا يَنْبَغِي أَنْ تَتَوَشَّحَ بِإِزَارٍ فَوْقَ الْقَمِيصِ وَ أَنْتَ تُصَلِّي، وَ لَا تَتَّزِرْ بِإِزَارٍ فَوْقَ الْقَمِيصِ إِذَا أَنْتَ صَلَّيْتَ، فَإِنَّهُ مِنْ زِيِّ الْجَاهِلِيَّةِ.

---

۵ ـ علی بن محمّد در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عليه السلام دربارهٔ مردی که در شلواری نماز می‌گزارد و جز آن، چیز دیگری به همراه ندارد، فرمود:

بند آن را بر دوش خود قرار دهد.

۶ ـ جمیل گوید: من در خدمت امام صادق عليه السلام حضور داشتم که مرازم پرسید: آیا مرد در حضر می‌تواند لنگ به کمر بسته و نماز بخواند؟

فرمود: باید دستمالی بر گردن خود گذارد، یا عمامه‌ای داشته باشد که آن را ردای خویش قرار دهد.

۷ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

شایسته نیست که در حال نماز از روی پیراهن، لنگی به خود بپیچی، یا در حال نماز، لنگی روی پیراهن ببندی، زیرا این کار از عادت دوران جاهلیّت است.

۸ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِئَابٍ عَنْ زِيَادِبْنِ سُوقَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

لَا بَأْسَ أَنْ يُصَلِّيَ أَحَدُكُمْ فِي الثَّوْبِ الْوَاحِدِ وَ إِزَارُهُ مُحَلَّلَةٌ، إِنَّ دِينَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله حَنِيفٌ.

۹ ـ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ رِفَاعَةَ قَالَ: حَدَّثَنِي مَنْ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ مُتَّزِراً بِهِ.

قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ إِذَا رَفَعَهُ إِلَى الثُّنْدُوَتَيْنِ.

۱۰ ـ وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارٍ السَّابَاطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فِي الرَّجُلِ يُصَلِّي فَيُدْخِلُ يَدَيْهِ تَحْتَ ثَوْبِهِ.

قَالَ: إِذَا كَانَ عَلَيْهِ ثَوْبٌ آخَرُ إِزَارٌ أَوْ سَرَاوِيلُ فَلاَ بَأْسَ، وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ فَلاَ يَجُوزُ لَهُ ذَلِكَ، وَ إِنْ أَدْخَلَ يَداً وَاحِدَةً وَ لَمْ يُدْخِلِ الْأُخْرَى فَلاَ بَأْسَ.

---

۸ ـ زیاد بن سوقه گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

اشکال ندارد که کسی از شما در یک لباس نماز گزارد که دکمه‌های آن باز است، همانا دین محمّد صلى الله عليه وآله دین حنیف (کامل و آسان) است.

۹ ـ رفاعه گوید: یکی از افرادی که از امام صادق عليه السلام شنیده بود به من گفت: آن حضرت دربارهٔ مردی که لباسی را به صورت لنگ بر خود بسته و نماز می‌گزارد، فرمود:

اگر لباس سینه‌هایش را بپوشاند، اشکالی ندارد که آن را برای خود لنگ کرده است.

۱۰ ـ عمّار ساباطی گوید: امام صادق عليه السلام دربارهٔ مردی که نماز می‌گزارد و دو دست خود را زیر لباس خود قرار می‌دهد، فرمود:

اگر لباسِ دیگر ـخواه لنگ و خواه شلوارـ بر تن او باشد، اشکالی ندارد، امّا اگر لباسِ دیگر نداشته باشد، این کار برای او جایز نیست، ولی اگر فقط یک دست خود را به زیر پیراهن نموده، ایرادی ندارد؟

۱۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام.

تُصَلِّي الْمَرْأَةُ فِي ثَلاثَةِ أَثْوَابٍ إِزَارٍ وَ دِرْعٍ وَ خِمَارٍ وَ لَا يَضُرُّهَا بِأَنْ تُقَنِّعَ بِالْخِمَارِ، فَإِنْ لَمْ تَجِدْ فَثَوْبَيْنِ تَتَّزِرُ بِأَحَدِهِمَا وَ تُقَنِّعُ بِالآخَرِ.

قُلْتُ: فَإِنْ كَانَ دِرْعٌ وَ مِلْحَفَةٌ لَيْسَ عَلَيْهَا مِقْنَعَةٌ.

فَقالَ: لَا بَأْسَ إِذَا تَقَنَّعَتْ بِالْمِلْحَفَةِ، فَإِنْ لَمْ تَكْفِهَا فَلْتَلْبَسْهَا طُولاً.

۱۲ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ:

لَا بَأْسَ بِأَنْ يُصَلِّيَ الرَّجُلُ وَ ثَوْبُهُ عَلَى ظَهْرِهِ وَ مَنْكِبَيْهِ فَيُسْبِلُهُ إِلَى الْأَرْضِ وَ لَا يَلْتَحِفُ بِهِ، وَ أَخْبَرَنِي مَنْ رَآهُ يَفْعَلُ ذَلِكَ.

۱۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَشْتَمِلُ فِي صَلاَةٍ بِثَوْبٍ وَاحِدٍ.

---

۱۱ ـ ابن ابی یعفور گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

زن باید در سه لباس نمازگزارد: لنگ، مقنعه و چادر، و ضرری ندارد که خود را با چادر بپوشاند، و اگر چادر نداشته باشد پس دو لباس تهیّه می‌کند، یکی را لنگ قرار داده و با دیگری خود را می‌پوشاند.

راوی گوید: عرض کردم: اگر پیراهن و چادر داشته باشد، ولی مقنعه نداشته باشد چه؟

فرمود: اشکالی ندارد، در صورتی که با همان چادر برای خویش مقنعه‌ای درست کند و خود را بپوشاند و اگر اندازه تن او نباشد، آن را از درازا بپوشد.

۱۲ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

اشکالی ندارد که مرد نماز بخواند در حالی که لباسش بر پشت و دو شانه اوست و آن را به پایین بیاویزد و سینه خود را به آن نپوشاند.

(راوی گوید:) و شخصی برایم حکایت کرد که آن حضرت را به همین گونه در حال نماز دیده است.

۱۳ ـ سماعه گوید: از امام عليه‌السلام پرسیدم: مردی در حال نماز خود را با یک لباس می‌پوشاند.

قَالَ: لَا يَشْتَمِلُ بِثَوْبٍ وَاحِدٍ، فَأَمَّا أَنْ يَتَوَشَّحَ فَيُغَطِّيَ مَنْكِبَيْهِ فَلَا بَأْسَ.

١٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

لَا يَصْلُحُ لِلْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ أَنْ تَلْبَسَ مِنَ الْخُمُرِ وَ الدُّرُوعِ مَا لَا يُوَارِي شَيْئاً.

١٥ ـ جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَخِيهِ الْحَسَنِ عَنْ زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ يَكُونُ فِي فَلَاةٍ مِنَ الْأَرْضِ لَيْسَ عَلَيْهِ إِلَّا ثَوْبٌ وَاحِدٌ وَ أَجْنَبَ فِيهِ وَ لَيْسَ عِنْدَهُ مَاءٌ كَيْفَ يَصْنَعُ؟

قَالَ: يَتَيَمَّمُ وَ يُصَلِّي عُرْيَاناً قَاعِداً يُومِئُ إِيمَاءً.

١٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: رَجُلٌ خَرَجَ مِنْ سَفِينَةٍ عُرْيَاناً، أَوْ سُلِبَ ثِيَابُهُ وَ لَمْ يَجِدْ شَيْئاً يُصَلِّي فِيهِ.

فرمود: نمی‌تواند با یک لباس خود را بپوشاند، امّا اگر لنگ، یا میان‌بند بزرگ را به خود بپیچد که دو شانه‌اش را بپوشاند، اشکال ندارد.

۱۴ ـ حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

برای زن مسلمان خوب نیست که چادر یا پیراهنی بپوشد که بدنش را نپوشاند.

۱۵ ـ سماعه گوید: از امام عليه السلام پرسیدم: شخصی که در صحرای وسیعی است و فقط یک لباس دارد که در آن جنب شده است و آب هم نیست، او باید چه کند؟

فرمود: تیمّم کند و برهنه و به صورت نشسته، نماز بخواند و (برای رکوع و سجود) اشاره کند.

۱۶ ـ زراره گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: مردی برهنه از کشتی خارج می‌شود، یا دزدان لباس او را می‌دزدند و چیزی نمی‌یابد که در آن نماز بخواند (چگونه نماز گزارد؟)

فَقالَ: يُصَلِّي إِيمَاءً، فَإِنْ كَانَتِ امْرَأَةً جَعَلَتْ يَدَهَا عَلَى فَرْجِهَا، وَ إِنْ كَانَ رَجُلاً وَضَعَ يَدَهُ عَلَى سَوْأَتِهِ ثُمَّ يَجْلِسَانِ فَيُومِئَانِ إِيمَاءً، وَ لَا يَسْجُدَانِ وَ لَا يَرْكَعَانِ فَيَبْدُو مَا خَلْفَهُمَا، تَكُونُ صَلَاتُهُمَا إِيمَاءً بِرُءُوسِهِمَا.

قَالَ: وَ إِنْ كَانَا فِي مَاءٍ أَوْ بَحْرٍ لُجِّيٍّ لَمْ يَسْجُدَا عَلَيْهِ وَ مَوْضُوعٌ عَنْهُمَا التَّوَجُّهُ فِيهِ يُومِئَانِ فِي ذَلِكَ إِيمَاءً رَفْعُهُمَا تَوَجُّهٌ وَ وَضْعُهُمَا.

(۶۰)

بَابُ اللِّبَاسِ الَّذِي تُكْرَهُ الصَّلَاةُ فِيهِ وَ مَا لَا تُكْرَهُ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ قَالَ: سَأَلَ زُرَارَةُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الصَّلَاةِ فِي الثَّعَالِبِ وَ الْفَنَكِ وَ السِّنْجَابِ وَ غَيْرِهِ مِنَ الْوَبَرِ.

فرمود: باید با اشاره نمازگزارد و اگر زن باشد، دستش را بر شرمگاه خود بگذارد و اگر مرد است، دست خود را بر شرمگاهش بگذارد، چنین افرادی باید بنشینند و با اشاره نماز گزارند و نباید به رکوع و سجود بروند، که مبادا عورتشان از پشت نمایان گردد، بلکه نماز آنها اشاره با سر می‌باشد.

حضرتش فرمود: اگر آن‌ها داخل برکه، یا دریایی باشند که نمی‌توانند بر آب سجده کنند، توجّه (یعنی اعتدال و برابر یکدیگر گذاردن اعضای بدن در حالت قیام) از آنان ساقط است (زیرا نشسته‌اند) و دست گذاردن آنها و دست برداشتن آنها از آن برای آنان توجّه محسوب می‌شود.

بخش شصتم
لباسی که نماز در آن مکروه ولباسی که مکروه نیست

۱ ـ ابن بکیر گوید: زراره از امام صادق عليه السلام در مورد نماز در پوست روباه، دَلَه [1]، سنجاب و غیر آن که پوست پشمی دارند، سؤال کرد؟

---

۱ ـ دَلَه: حیوانی است کوچک‌تر از روباه که پوستی قیمتی دارد.

فَأَخْرَجَ كِتَاباً زَعَمَ أَنَّهُ إِمْلاَءُ رَسُولِ اللهِ ﷺ: أَنَّ الصَّلاَةَ فِي وَبَرِ كُلِّ شَيْءٍ حَرَامٍ أَكْلُهُ، فَالصَّلاَةُ فِي وَبَرِهِ وَ شَعْرِهِ وَ جِلْدِهِ وَ بَوْلِهِ وَ رَوْثِهِ وَ أَلْبَانِهِ وَ كُلِّ شَيْءٍ مِنْهُ فَاسِدَةٌ لَا تُقْبَلُ تِلْكَ الصَّلاَةُ حَتَّى تُصَلِّيَ فِي غَيْرِهِ مِمَّا أَحَلَّ اللهُ أَكْلَهُ.

ثُمَّ قالَ: يَا زُرَارَةُ! هَذَا عَنْ رَسُولِ اللهِ ﷺ فَاحْفَظْ ذَلِكَ يَا زُرَارَةُ! فَإِنْ كَانَ مِمَّا يُؤْكَلُ لَحْمُهُ فَالصَّلاَةُ فِي وَبَرِهِ وَ بَوْلِهِ، وَ شَعْرِهِ وَ رَوْثِهِ وَ أَلْبَانِهِ وَ كُلِّ شَيْءٍ مِنْهُ جَائِزَةٌ إِذَا عَلِمْتَ أَنَّهُ ذَكِيٌّ قَدْ ذَكَّاهُ الذَّبْحُ، فَإِنْ كَانَ غَيْرَ ذَلِكَ مِمَّا قَدْ نُهِيتَ عَنْ أَكْلِهِ وَ حَرُمَ عَلَيْكَ أَكْلُهُ فَالصَّلاَةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ مِنْهُ فَاسِدَةٌ ذَكَّاهُ الذَّبْحُ أَوْ لَمْ يُذَكِّهِ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ إِسْحَاقَ الْعَلَوِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمانَ الدَّيْلَمِيِّ عَنْ عَيْثَمِ بْنِ أَسْلَمَ النَّجَاشِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ ؈ عَنِ الصَّلاَةِ فِي الْفِرَاءِ.

آن حضرت نوشته‌ای بیرون آورد که زراره فهمید که به املای رسول خدا ﷺ است. در آن نوشته شده بود:

همانا نماز در پشم، مو، پوست حیوان حرام گوشت و در لباسی که به ادرار و سرگین و شیر آن حیوان آلوده است، و هر چیز دیگر از حیوان حرام‌گوشت، باطل است و چنین نمازی قبول نمی‌شود، تا زمانی که در غیر آن از حیوان حلال گوشت، نماز بخواند.

سپس فرمود: ای زراره! این سخن از رسول خدا ﷺ است. آن را حفظ کن!

ای زراره! اگر لباس نمازگزار از حیوان حلال گوشت باشد، پس نماز در پشم و موی آن و لباسی که به ادرار و سرگین و شیر آن حیوان آلوده است و هر چیزی از آن، جایز است، در صورتی که ذبح شرعی شده باشد، اما اگر لباس نمازگزار از حیوان حرام گوشت باشد، نماز در هر چیزی از آن باطل است، خواه ذبح شرعی شده باشد و خواه نشده باشد.

۲ ـ ابو بصیر گوید: از امام صادق ؈ دربارهٔ نماز در پوستین‌ها پرسیدم؟

قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام رَجُلاً صَرِداً لَا تُدْفِئُهُ فِرَاءُ الْحِجَازِ، لِأَنَّ دِبَاغَتَهَا بِالْقَرَظِ، فَكَانَ يَبْعَثُ إِلَى الْعِرَاقِ فَيُؤْتَى مِمَّا قِبَلَهُمْ بِالْفَرْوِ فَيَلْبَسُهُ، فَإِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاةُ أَلْقَاهُ وَ أَلْقَى الْقَمِيصَ الَّذِي تَحْتَهُ الَّذِي يَلِيهِ، فَكَانَ يُسْأَلُ عَنْ ذَلِكَ.

فَقَالَ: إِنَّ أَهْلَ الْعِرَاقِ يَسْتَحِلُّونَ لِبَاسَ الْجُلُودِ الْمَيْتَةِ وَ يَزْعُمُونَ أَنَّ دِبَاغَهُ ذَكَاتُهُ.

۳ ـ وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام وَ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ لِبَاسِ الْفِرَاءِ وَ الصَّلَاةِ فِيهَا.

فَقَالَ: لَا تُصَلِّ فِيهَا إِلَّا فِيمَا كَانَ مِنْهُ ذَكِيّاً.

قَالَ: قُلْتُ: أَوَ لَيْسَ الذَّكِيُّ مِمَّا ذُكِّيَ بِالْحَدِيدِ؟

فَقَالَ: بَلَى إِذَا كَانَ مِمَّا يُؤْكَلُ لَحْمُهُ.

قُلْتُ: وَ مَا يُؤْكَلُ لَحْمُهُ مِنْ غَيْرِ الْغَنَمِ؟

فرمود: علی بن الحسین صلوات الله علیهما همواره در برابر سرما ناتوان و ضعیف بود و پوستین‌های حجاز به علّت این که با برگ گیاه سَلَم آن را دبّاغی می‌کنند، آن حضرت را گرم نمی‌کرد. از این رو، سفارش می‌داد تا از عراق، برایش پوستین می‌آوردند و چون هنگام نماز می‌شد، آن لباس و لباس زیرین آن را از تن در می‌آورد، از سبب آن سؤال کردند؟

فرمود: چون اهل عراق، لباس پوست مردار را حلال می‌شمارند، زیرا گمان می‌کنند پوست مردار با دبّاغی پاک می‌شود.

۳ ـ علی بن ابی حمزه گوید: از امام صادق و امام کاظم علیهما السلام دربارهٔ نماز خواندن در پوستین‌ها پرسیدم؟

فرمود: در پوستین نماز مگزار، مگر آن که ذبح شرعی شده باشد.

عرض کردم: مگر ذبح شرعی، آن نیست که با آهن (چاقو یا کارد) ذبح شده باشد؟

فرمود: آری، در صورتی که حیوان حلال گوشت باشد.

عرض کردم: اگر حیوان حلال گوشت غیر از گوسفند باشد چه؟

قَالَ: لَا بَأْسَ بِالسِّنْجَابِ، فَإِنَّهُ دَابَّةٌ لَا تَأْكُلُ اللَّحْمَ وَ لَيْسَ هُوَ مِمَّا نَهَى عَنْهُ رَسُولُ اللهِ ﷺ إِذْ نَهَى عَنْ كُلِّ ذِي نَابٍ وَ مِخْلَبٍ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

تُكْرَهُ الصَّلَاةُ فِي الْفِرَاءِ إِلَّا مَا صُنِعَ فِي أَرْضِ الْحِجَازِ، أَوْ مِمَّا عُلِمَتْ مِنْهُ ذَكَاةٌ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ إِسْحَاقَ الْعَلَوِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللهِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: إِنِّي أَدْخُلُ سُوقَ الْمُسْلِمِينَ ـ أَعْنِي هَذَا الْخَلْقَ الَّذِينَ يَدَّعُونَ الْإِسْلَامَ ـ فَأَشْتَرِي مِنْهُمُ الْفِرَاءَ لِلتِّجَارَةِ، فَأَقُولُ لِصَاحِبِهَا: أَ لَيْسَ هِيَ ذَكِيَّةٌ؟

فَيَقُولُ: بَلَى.

فَهَلْ يَصْلُحُ لِي أَنْ أَبِيعَهَا عَلَى أَنَّهَا ذَكِيَّةٌ؟

فرمود: سنجاب، ایرادی ندارد؛ زیرا گوشت خوار نیست، و آن جا که رسول خدا ﷺ از خوردن گوشت هر حیوان صاحب نیش و چنگال نهی فرموده، سنجاب از آن‌ها نیست.

۴ ـ حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

نماز در هر پوستینی مکروه است، مگر پوستینی که در سرزمین حجاز درست شده باشد، و یا در سرزمینی که بدانی حیوان را به صورت شرعی ذبح می‌نمایند.

۵ ـ عبد الرحمان بن حجّاج گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: من وارد بازار مسلمان‌ها می‌شوم ـ منظورم همین مردمی هستند که مدّعی اسلام هستند ـ از آن‌ها برای تجارت، پوستین می‌خرم و به فروشنده می‌گویم: مگر این پوستین‌ها تذکیه شده نیستند؟

می‌گوید: آری. آیا برای من درست است که آن‌ها را به این شرط که تذکیه شده‌اند، بفروشم؟

فَقالَ: لَا، وَ لَكِنْ لَا بَأْسَ أَنْ تَبِيعَهَا وَ تَقُولَ: قَدْ شَرَطَ لِيَ الَّذِي اشْتَرَيْتُهَا مِنْهُ أَنَّهَا ذَكِيَّةٌ.

قُلْتُ: وَ مَا أَفْسَدَ ذَلِكَ؟

قَالَ: اسْتِحْلَالُ أَهْلِ الْعِرَاقِ لِلْمَيْتَةِ، وَ زَعَمُوا أَنَّ دِبَاغَ جِلْدِ الْمَيْتَةِ ذَكَاتُهُ، ثُمَّ لَمْ يَرْضَوْا أَنْ يَكْذِبُوا فِي ذَلِكَ إِلَّا عَلَى رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ غَيْرُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! الْمَيْتَةُ يُنْتَفَعُ بِشَيْءٍ مِنْهَا؟

قَالَ: لَا.

قُلْتُ: بَلَغَنَا أَنَّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله مَرَّ بِشَاةٍ مَيْتَةٍ .

فَقالَ: مَا كَانَ عَلَى أَهْلِ هَذِهِ الشَّاةِ إِذْ لَمْ يَنْتَفِعُوا بِلَحْمِهَا أَنْ يَنْتَفِعُوا بِإِهَابِهَا؟!

حضرت فرمود: نه، ولی اشکالی ندارد که آن‌ها را بفروشی و بگویی: آن کسی که من از او خریده‌ام، به من گفته است که تذکیه شده‌اند.

عرض کردم: چه چیزی آن را فاسد می‌کند؟

فرمود: حلال شمردن اهل عراق مردار را؛ زیرا آنان گمان می‌کنند که دبّاغی کردن پوست مردارد، همان تذکیه آن است، آنان راضی نشدند که در این امر، بر کسی ـ جز بر رسول خدا صلى الله عليه وآله ـ دروغ ببندند.

۶ ـ علی بن مغیره گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: قربانت گردم! آیا می‌توان از عضوی از مردار، استفاده کرد؟

فرمود: نه.

عرض کردم: به ما روایت شده است که رسول خدا صلى الله عليه وآله از کنار گوسفند مرده‌ای گذشت و فرمود: صاحبان این گوسفند را چه شده است آن‌گاه که از گوشت آن استفاده نکرده‌اند، ولی از پوست آن می‌توانسته‌اند، استفاده کنند؟!

قَالَ: تِلْكَ شَاةٌ لِسَوْدَةَ بِنْتِ زَمْعَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ ﷺ وَ كَانَتْ شَاةً مَهْزُولَةً لَا يُـنْتَفَعُ بِلَحْمِهَا فَتَرَكُوهَا حَتَّى مَاتَتْ.

فَقَالَ: رَسُولُ اللهِ ﷺ مَا كَانَ عَلَى أَهْلِهَا إِذْ لَمْ يَنْتَفِعُوا بِلَحْمِهَا أَنْ يَنْتَفِعُوا بِإِهَابِهَا أَنْ تُذَكَّى.

۷ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الْأَشْعَرِيِّ قَالَ:

كَتَبَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي عليه السلام مَا تَقُولُ فِي الْفَرْوِ يُشْتَرَى مِنَ السُّوقِ؟

فَقَالَ: إِذَا كَانَ مَضْمُوناً فَلاَ بَأْسَ.

۸ـ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ رَجُلٍ سَأَلَ الْمَاضِيَ عليه السلام عَنِ الصَّلاَةِ فِي الثَّعَالِبِ فَنَهَى عَنِ الصَّلاَةِ فِيهَا وَ فِي الثَّوْبِ الَّذِي يَلِيهَا فَلَمْ أَدْرِ أَيُّ الثَّوْبَيْنِ الَّذِي يَلْصَقُ بِالْوَبَرِ، أَوِ الَّذِي يَلْصَقُ بِالْجِلْدِ؟

امام صادق عليه السلام فرمود: آن گوسفند متعلّق به سوده، دختر زمعه، همسر پیامبر ﷺ بود که به علّت لاغری، گوشت آن مورد استفاده نبود و آن را رها کردند، تا این که مرد.

از این رو رسول خدا ﷺ فرمود: چه می‌شد که صاحبش در صورتی که از گوشتش استفاده نکرده، آن را سر می‌برید و از پوستش بهره می‌برد؟!

۷ـ اشعری گوید: یکی از دوستان ما طی نامه‌ای خدمت امام جواد عليه السلام نوشت: نظر شما در مورد پوستی که از بازار خریده می‌شود چیست؟

فرمود: اگر (تذکیه آن) تضمین شده باشد، اشکال ندارد.

۸ـ علی بن مهزیار طی نامه‌ای به امام عليه السلام نوشت: شخصی که از امام کاظم عليه السلام دربارهٔ نماز در پوستین‌های روباه سؤال کرد و حضرت از نماز در آن‌ها نهی فرمود و در لباسی که زیر آن است، و من ندانستم مراد کدام یک از دو لباس است، آیا لباسی که به پشم متّصل است، یا آن که به پوست متّصل است؟

فَوَقَّعَ عليه السلام بِخَطِّهِ: الَّذِي يَلْصَقُ بِالْجِلْدِ.

قَالَ: وَ ذَكَرَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنْ هَذِهِ الْمَسْأَلَةِ.

فَقالَ: لَا تُصَلِّ فِي الثَّوْبِ الَّذِي فَوْقَهُ، وَ لَا فِي الَّذِي تَحْتَهُ.

۹ ـ عَلِيُّ بْنُ مَهْزِيَارَ قَالَ: كَتَبَ إِلَيْهِ إِبْرَاهِيمُ بْنُ عُقْبَةَ:

عِنْدَنَا جَوَارِبُ وَ تِكَكٌ تُعْمَلُ مِنْ وَبَرِ الْأَرَانِبِ فَهَلْ تَجُوزُ الصَّلَاةُ فِي وَبَرِ الْأَرَانِبِ مِنْ غَيْرِ ضَرُورَةٍ وَ لَا تَقِيَّةٍ.

فَكَتَبَ عليه السلام: لَا تَجُوزُ الصَّلَاةُ فِيهَا.

۱۰ ـ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام أَسْأَلُهُ هَلْ يُصَلَّى فِي قَلَنْسُوَةِ حَرِيرٍ مَحْضٍ أَوْ قَلَنْسُوَةِ دِيبَاجٍ.

فَكَتَبَ عليه السلام: لَا تَحِلُّ الصَّلَاةُ فِي حَرِيرٍ مَحْضٍ.

آن حضرت عليه السلام با خط مبارکش نوشت: آن لباسی که به پوست متّصل است.

راوی گوید: امام رضا عليه السلام نقل فرمود که این مسأله را از آن حضرت پرسید.

در پاسخ فرمود: در لباسی که روی پوستین است و لباسی که در زیر آن است نماز مگزار.

۹ ـ علی بن مهزیار گوید: ابراهیم بن عقبه طی نامه‌ای به امام جواد عليه السلام نوشت: نزد ما، جوراب‌ها وبندهای شلواری است که که از پشم خرگوش بافته می‌شود. آیا نماز در پشم خرگوش بدون ضرورت وبدون تقیّه جایز است؟

حضرتش در پاسخ نوشت: نماز در آن جایز نیست.

۱۰ ـ محمّد بن عبد الجبّار گوید: به امام حسن عسکری عليه السلام طی نامه‌ای نوشتم و پرسیدم: آیا با کلاهی که از ابریشم خالص، یا از دیبا است، می‌توان نماز خواند؟

آن حضرت عليه السلام در پاسخ نوشت: نماز در ابریشم خالص جایز نیست.

۱۱ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ إِسْحَاقَ الْعَلَوِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمانَ الدَّيْلَمِيِّ عَنْ فُرَيْتٍ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ مِنَ الْخَزَّازِينَ.

فَقالَ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَا تَقُولُ فِي الصَّلاَةِ فِي الْخَزِّ.

فَقالَ: لَا بَأْسَ بِالصَّلاَةِ فِيهِ.

فَقالَ لَهُ الرَّجُلُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّهُ مَيِّتٌ وَ هُوَ عِلاَجِي وَ أَنَا أَعْرِفُهُ.

فَقالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام: أَنَا أَعْرَفُ بِهِ مِنْكَ.

فَقالَ لَهُ الرَّجُلُ: إِنَّهُ عِلاَجِي وَ لَيْسَ أَحَدٌ أَعْرَفَ بِهِ مِنِّي.

فَتَبَسَّمَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام. ثُمَّ قَالَ لَهُ: أَتَقُولُ: إِنَّهُ دَابَّةٌ تَخْرُجُ مِنَ الْمَاءِ، أَوْ تُصَادُ مِنَ الْمَاءِ فَتُخْرَجُ فَإِذَا فُقِدَ الْمَاءُ مَاتَ.

فَقالَ الرَّجُلُ: صَدَقْتَ جُعِلْتُ فِدَاكَ! هَكَذَا هُوَ.

---

۱۱ ـ ابن ابی یعفور گوید: خدمت امام صادق عليه السلام بودم که یکی از خز فروشان وارد شد و عرض کرد: قربانت گردم! نظر شما درباره نماز در پوست خز چیست؟

فرمود: نماز در آن اشکالی ندارد.

آن مرد عرض کرد: قربانت گردم! این پوست، مردار است و این حرفهٔ من است که من به نیکی با آن آشناهستم.

امام صادق عليه السلام فرمود: من دربارهٔ آن از تو آگاه‌ترم.

خز فروش گفت: این حرفهٔ من است و کسی در این مورد از من آگاه‌تر نیست.

امام صادق عليه السلام تبسّم نمود، سپس فرمود: مگر این حیوان، همان حیوانی نیست که از آب می‌گیرند، یا از آب شکارش می‌کنند و چون به بیرون آب آورده می‌شود، می‌میرد؟

عرض کرد: راست فرمودید، قربانت گردم! همان حیوان است.

فَقالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام: فَإِنَّكَ تَقُولُ: إِنَّهُ دَابَّةٌ تَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ، وَ لَيْسَ هُوَ عَلَى حَدِّ الْحِيتَانِ، فَيَكُونَ ذَكَاتُهُ خُرُوجَهُ مِنَ الْمَاءِ.

فَقالَ الرَّجُلُ: إِي وَ اللهِ، هَكَذَا أَقُولُ.

فَقالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام: فَإِنَّ اللهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَحَلَّهُ وَ جَعَلَ ذَكَاتَهُ مَوْتَهُ، كَمَا أَحَلَّ الْحِيتَانَ وَ جَعَلَ ذَكَاتَهَا مَوْتَهَا.

۱۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ سَعْدٍ الْأَحْوَصِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام عَنِ الصَّلَاةِ فِي جُلُودِ السِّبَاعِ.

فَقالَ: لَا تُصَلِّ فِيهَا.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ هَلْ يُصَلِّي الرَّجُلُ فِي ثَوْبِ إِبْرِيسَمٍ؟

فَقالَ: لَا.

امام صادق عليه السلام فرمود: مگر منظور تو آن حیوانی نیست که بر چهار دست و پا راه می‌رود و مانند ماهی‌ها نیست که خارج شدنش از آب، تذکیه آن باشد؟

گفت: آری به خدا سوگند که منظورم همان حیوان است.

امام صادق عليه السلام فرمود: همانا خداوند تبارک و تعالی آن را حلال کرده و تذکیهٔ آن را مردنش قرار داده است، همان طوری که ماهی‌ها را حلال فرموده و تذکیهٔ آن‌ها را مردنشان قرار داده است.

۱۲ ـ اسماعیل بن سعد احوص گوید: از امام رضا عليه السلام در مورد نماز در پوست درندگان پرسیدم.

فرمود: در آن‌ها نماز مگزار.

راوی گوید: هم چنین از آن حضرت پرسیدم: آیا مرد می‌تواند در لباس ابریشم نماز بخواند؟

فرمود: نه.

۱۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ مُوسَى بْنِ أُكَيْلٍ النُّمَيْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ فِي السَّفَرِ وَ مَعَهُ السِّكِّينُ فِي خُفِّهِ لَا يَسْتَغْنِي عَنْهَا أَوْ فِي سَرَاوِيلِهِ مَشْدُوداً وَ الْمِفْتَاحُ يَخَافُ عَلَيْهِ الضَّيْعَةَ، أَوْ فِي وَسَطِهِ الْمِنْطَقَةُ فِيهَا حَدِيدٌ.

قَالَ: لَا بَأْسَ بِالسِّكِّينِ وَ الْمِنْطَقَةِ لِلْمُسَافِرِ فِي وَقْتِ ضَرُورَةٍ، وَ كَذَلِكَ الْمِفْتَاحُ يَخَافُ عَلَيْهِ، أَوْ فِي النِّسْيَانِ، وَ لَا بَأْسَ بِالسَّيْفِ وَ كَذَلِكَ آلَةُ السِّلَاحِ فِي الْحَرْبِ، وَ فِي غَيْرِ ذَلِكَ لَا تَجُوزُ الصَّلَاةُ فِي شَيْءٍ مِنَ الْحَدِيدِ، فَإِنَّهُ نَجَسٌ مَمْسُوخٌ.

۱۴ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ أَبِي عَلِيِّ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: مَا تَقُولُ فِي الْفِرَاءِ أَيُّ شَيْءٍ يُصَلَّى فِيهِ؟

فَقَالَ: أَيُّ الْفِرَاءِ؟

قُلْتُ: الْفَنَكَ وَ السِّنْجَابَ وَ السَّمُّورَ.

---

۱۳ ـ موسی بن اکیل نمیری گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شخصی در سفر و (در حال نماز) کاردی به همراه دارد که در کفش اوست وبدان نیاز دارد، یا آن را به شلوار خود بسته است، کلیدی همراه اوست که می‌ترسد، گم شود، یا کمربندی دارد که آهن در آن به کار رفته است (حکمش چیست؟)

فرمود: به همراه داشتن کارد و کمربند برای مسافر از روی ضرورت، یا کلیدی که از گم شدنش می‌ترسد، یا از روی فراموشی چنین چیزهایی همراه اوست، اشکال ندارد. هم چنین به همراه داشتن شمشیر و هر سلاح جنگی ایرادی ندارد، امّا در غیر این موارد، نماز خواندن با هر چیز آهنی (که به همراه نمازگزار باشد) جایز نیست؛ زیرا آهن نجس است که مسخ شده و از صورت اصلی خود بیرون آمده است.

۱۴ ـ ابو علی بن راشد گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: در مورد پوستین‌ها چه می‌فرمایید؟ در کدام یک از آن‌ها می‌توان نماز خواند؟

فرمود: مراد تو کدام یک از آن‌هاست؟

عرض کردم: پوست دله، سنجاب و سمور.

قَالَ: فَصَلِّ فِي الْفَنَكِ وَ السِّنْجَابِ فَأَمَّا السَّمُّورُ فَلاَ تُصَلِّ فِيهِ.

قُلْتُ: فَالثَّعَالِبُ نُصَلِّي فِيهَا؟

قَالَ: لَا، وَ لَكِنْ تَلْبَسُ بَعْدَ الصَّلاَةِ.

قُلْتُ: أُصَلِّي فِي الثَّوْبِ الَّذِي يَلِيهِ؟

قَالَ: لَا.

۱۵ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عِبْدِيلٍ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ جُنْدَبٍ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ السِّمْطِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

الرَّجُلُ إِذَا اتَّزَرَ بِثَوْبٍ وَاحِدٍ إِلَى ثُنْدُوَتِهِ صَلَّى فِيهِ.

قَالَ: وَ قَرَأْتُ فِي كِتَابِ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام يَسْأَلُهُ عَنِ الْفَنَكِ يُصَلَّى فِيهِ.

فَكَتَبَ: لَا بَأْسَ بِهِ.

وَ كَتَبَ يَسْأَلُهُ عَنْ جُلُودِ الْأَرَانِبِ.

فرمود: در پوستین دله و سنجاب نماز بگزار؛ ولی در پوستین سمور نماز نخوان.

گفتم: آیا در پوستین روباه می‌توانم نماز بگزارم؟

فرمود: نه، ولی بعد از نماز می‌توانی آن را بپوشی.

عرض کردم: آیا در لباسی که موقع پوشیدن با آن در تماس بوده می‌توانم، نماز بخوانم؟

فرمود: نه.

۱۵ ـ سفیان بن سمط گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه مردی با یک پوشش، تا سینه خود را بپوشاند، می‌تواند در آن نماز بگزارد.

راوی گوید: من نامه محمّد بن ابراهیم به امام کاظم عليه السلام را خواندم. در آن نامه از حضرتش پرسیده بود: آیا در پوستین دله می‌توان نماز خواند؟

امام عليه السلام در پاسخ نوشته بود: اشکالی ندارد.

هم چنین از آن حضرت طی نامه‌ای از پوستین خرگوش پرسید.

فَكَتَبَ عليه‌السلام: مَكْرُوهٌ.

وَ كَتَبَ يَسْأَلُهُ عَنْ ثَوْبٍ حَشْوُهُ قَزٌّ يُصَلَّى فِيهِ.

فَكَتَبَ: لَا بَأْسَ بِهِ.

١٦ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ إِسْحَاقَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ مُقَاتِلِ بْنِ مُقَاتِلٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه‌السلام عَنِ الصَّلاَةِ فِي السَّمُّورِ وَ السِّنْجَابِ وَ الثَّعْلَبِ.

فَقَالَ: لَا خَيْرَ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ مَا خَلاَ السِّنْجَابَ، فَإِنَّهُ دَابَّةٌ لَا تَأْكُلُ اللَّحْمَ.

١٧ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام أَنَّهُ كَرِهَ أَنْ يُصَلِّيَ وَ عَلَيْهِ ثَوْبٌ فِيهِ تَمَاثِيلُ.

١٨ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: الطَّيْلَسَانُ يَعْمَلُهُ الْمَجُوسُ أُصَلِّي فِيهِ؟

قَالَ: أَ لَيْسَ يُغْسَلُ بِالْمَاءِ؟

حضرت عليه‌السلام در پاسخ نوشت: نماز در آن مکروه است.

هم چنین از آن حضرت پرسید: آیا در لباسی که درون آن از ابریشم است می‌توان نماز خواند؟

امام عليه‌السلام نوشت: ایرادی ندارد.

۱۶ ـ مقاتل بن مقاتل گوید: از امام رضا عليه‌السلام دربارهٔ نماز در پوست سمور، سنجاب و روباه پرسیدم.

فرمود: در آنها خیری نیست، مگر سنجاب که حیوان گوشتخواری نیست.

۱۷ ـ عبداللّٰه بن سنان گوید: امام صادق عليه‌السلام خوش نداشت در لباسی نماز بخواند که در آن تصویری نقش بسته است.

۱۸ ـ ابو بصیر گوید: به امام باقر عليه‌السلام گفتم: آیا در طیلسانی [1] که مجوسان می‌دوزند، می‌توانم نماز بخوانم؟

فرمود: آیا این لباس با آب شسته نمی‌شود؟

---

۱ ـ طیلستان، نوعی لباس گشاد و بلندی است که خطیبان، قاضیان و کشیشان مسیحی بر دوش اندازند.

قُلْتُ: بَلَى.
قَالَ: لَا بَأْسَ.
قُلْتُ: الثَّوْبُ الْجَدِيدُ يَعْمَلُهُ الْحَائِكُ أُصَلِّي فِيهِ؟
قَالَ: نَعَمْ.

۱۹ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ:
سَأَلْتُ أَبَاعَبْدِاللهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي فِي ثَوْبِ الْمَرْأَةِ وَفِي إِزَارِهَا وَ يَعْتَمُّ بِخِمَارِهَا.
قَالَ: نَعَمْ إِذَا كَانَتْ مَأْمُونَةً.

۲۰ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمانَ قَالَ:
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الدَّرَاهِمِ السُّودِ الَّتِي فِيهَا التَّمَاثِيلُ أَ يُصَلِّي الرَّجُلُ وَ هِيَ مَعَهُ؟
فَقَالَ: لَا بَأْسَ إِذَا كَانَتْ مُوَارَاةً.

عرض کردم: آری.
فرمود: اشکالی ندارد.
پرسیدم: آیا با لباس نوی که بافنده می‌بافد، می‌توانم نماز بخوانم؟
فرمود: آری.

۱۹ ـ عیص بن قاسم گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا مرد می‌تواند در لباس زن و یا لنگ او نماز بخواند، یا مقنعهٔ او را عمّامهٔ خود سازد؟
فرمود: آری، اگر آن زن امین باشد(و از نجاسات اجتناب ورزد).

۲۰ ـ حمّاد بن عثمان گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا انسان می‌تواند با همراه داشتن درهم‌هایی که در آن‌ها عکس اشکالی نقش بسته نمازگزارد؟
فرمود: اگر پوشیده باشند، اشکالی ندارد.

۲۱ ـ وَ فِي رِوَايَةِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْهُ قَالَ: قَالَ:
لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ حِفْظِ بَضَائِعِهِمْ، فَإِنْ صَلَّى وَ هِيَ مَعَهُ فَلْتَكُنْ مِنْ خَلْفِهِ، وَ لَا يَجْعَلْ شَيْئاً مِنْهَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْقِبْلَةِ.

۲۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:
تُكْرَهُ الصَّلَاةُ فِي الثَّوْبِ الْمَصْبُوغِ الْمُشْبَعِ الْمُفْدَمِ.

۲۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:
صَلِّ فِي مِنْدِيلِكَ الَّذِي تَتَمَنْدَلُ بِهِ، وَ لَا تُصَلِّ فِي مِنْدِيلٍ يَتَمَنْدَلُ بِهِ غَيْرُكَ.

۲٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام:
لَا تُصَلِّ فِيمَا شَفَّ أَوْ سُفَّ. يَعْنِي الثَّوْبَ الْمُصَيْقَلَ.
وَ رُوِيَ: لَا تُصَلِّ فِي ثَوْبٍ أَسْوَدَ، فَأَمَّا الْخُفُّ أَوِ الْكِسَاءُ أَوِ الْعِمَامَةُ فَلَا بَأْسَ.

---

۲۱ ـ و در روایت عبدالرّحمان بن حجّاج آمده است: امام صادق عليه السلام فرمود:
مردم از حفظ و نگه داری سرمایه‌های خود ناگزیرند. پس آن‌گاه که می‌خواهند نماز بخوانند وآن را به همراه دارند، باید کاری کنند که در پشت ایشان قرار گیرد (یا به پشت خود ببندند) و نباید آن وسایل میان نمازگزار و قبله حایل شود.

۲۲ ـ حمّادبن عثمان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
خواندن نماز در لباسی که به رنگ سرخ سیر است، مکروه است.

۲۳ ـ محمّدبن یحیی در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
در حوله‌ای که بدن خود را با آن پاک می‌کنی، می‌توانی نماز بخوانی؛ ولی در حوله‌ای که دیگری بدن خود را با آن پاک می‌کند، نماز مخوان.

۲۴ ـ محمّدبن یحیی در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
در لباس نازک یا رنگارنگ وبرّاق نماز مگزار.
وروایت شده است: درلباس سیاه نماز مگزار، امّا خواندن نماز با کفش (مخصوص عربی که انگشتان پا بیرون است) یا کساء یا عمّامه سیاه، اشکالی ندارد.

۲۵ ـ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ السَّيَّارِيِّ عَنْ أَبِي يَزِيدَ الْقَسْمِيِّ ـ وَ قَسْمٌ حَيٌّ مِنَ الْيَمَنِ ـ بِالْبَصْرَةِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنْ جُلُودِ الدَّارِشِ الَّتِي يُتَّخَذُ مِنْهَا الْخِفَافُ.

قَالَ: فَقَالَ: لَا تُصَلِّ فِيهَا، فَإِنَّهَا تُدْبَغُ بِخُرْءِ الْكِلَابِ.

۲٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فِي الْخَزِّ الْخَالِصِ أَنَّهُ لَا بَأْسَ بِهِ، فَأَمَّا الَّذِي يُخْلَطُ فِيهِ وَبَرُ الْأَرَانِبِ، أَوْ غَيْرُ ذَلِكَ مِمَّا يُشْبِهُ هَذَا فَلَا تُصَلِّ فِيهِ.

۲۷ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ جَرَّاحٍ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام أَنَّهُ كَانَ يَكْرَهُ أَنْ يَلْبَسَ الْقَمِيصَ الْمَكْفُوفَ بِالدِّيبَاجِ وَ يَكْرَهُ لِبَاسَ الْحَرِيرِ وَ لِبَاسَ الْوَشْيِ وَ يَكْرَهُ الْمِيثَرَةَ الْحَمْرَاءَ، فَإِنَّهَا مِيثَرَةُ إِبْلِيسَ.

---

۲۵ ـ ابو یزید قسمی (قسم قبیله‌ای از مردم یمن است که در شهر بصره ساکن هستند) گوید: از امام رضا عليه السلام دربارۀ پوستین‌های دارش [1] که از آن کفش سازند پرسیدم.

فرمود: در آن پوستین‌ها نماز مگزار، چرا که با فضلۀ سگ‌ها دبّاغی می‌شوند.

۲۶ ـ احمدبن محمّد در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عليه السلام درباره نماز در پارچۀ ابریشم خالص فرمود:

اشکالی ندارد. ولی در ابریشمی که مخلوط با پشم خرگوش یا چیزی مانند آن باشد، نمی‌توان نمازگزارد.

۲۷ ـ جرّاح مدائنی گوید:

امام صادق عليه السلام کراهت داشت پیراهنی راکه حاشیه دیبا داشت بپوشد، و لباس حریر و لباس نگارین را (نیز) مکروه می‌داشت، هم چنین زین سرخ رنگ را نیز مکروه می‌داشت؛ زیرا این نمد، زین ابلیس است.

---

۱ ـ پوست سیاه معروفی است.

۲۸ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: الْخِفَافُ عِنْدَنَا فِي السُّوقِ نَشْتَرِيهَا فَمَا تَرَى فِي الصَّلَاةِ فِيهَا؟

فَقَالَ: صَلِّ فِيهَا حَتَّى يُقَالَ لَكَ: إِنَّهَا مَيْتَةٌ بِعَيْنِهَا.

۲۹ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: يُكْرَهُ الصَّلَاةُ إِلَّا فِي ثَلَاثَةٍ الْخُفِّ وَ الْعِمَامَةِ وَ الْكِسَاءِ.

۳۰ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَسِّنِ بْنِ أَحْمَدَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: أُصَلِّي فِي الْقَلَنْسُوَةِ السَّوْدَاءِ؟

فَقَالَ: لَا تُصَلِّ فِيهَا، فَإِنَّهَا لِبَاسُ أَهْلِ النَّارِ.

۳۱ ـ عَلِيٌّ عَنْ سَهْلٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: أَعْتَرِضُ السُّوقَ فَأَشْتَرِي خُفّاً لَا أَدْرِي أَ ذَكِيٌّ هُوَ أَمْ لَا؟

قَالَ: صَلِّ فِيهِ.

---

۲۸ ـ حلبی گوید:به امام صادق عليه السلام عرض کردم: در منطقهٔ ما نوعی کفش در بازار است که ما آن‌ها را می‌خریم. نماز در آن‌ها را چگونه می‌بینید؟

فرمود: می‌توانی در آن‌ها نماز بگزاری که تا وقتی که به تو گفته شود: آن‌ها از پوست مردار است.

۲۹ ـ احمدبن محمّد در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

نماز در (لباس سیاه) مکروه است، مگر در سه چیز: کفش، عمّامه و عباء.

۳۰ ـ راوی گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: آیا می‌توانم با کلاه سیاه نماز بخوانم؟

فرمود: با کلاه سیاه نماز مگزار که پوشش دوزخیان است.

۳۱ ـ حسن بن جهم گوید: به امام رضا عليه السلام گفتم: وارد بازار می‌شوم و کفشی می‌خرم، نمی‌دانم که پوست آن تذکیه شده است یا نه؟

فرمود: با آن نماز بگزار.

قُلْتُ: فَالنَّعْلُ؟

قَالَ: مِثْلُ ذَلِكَ.

قُلْتُ: إِنِّي أَضِيقُ مِنْ هَذَا.

قَالَ: أَتَرْغَبُ عَمَّا كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام يَفْعَلُهُ.

۳۲ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّلاَةِ فِي جُرْمُوقٍ، وَ أَتَيْتُهُ بِجُرْمُوقٍ فَبَعَثْتُ بِهِ إِلَيْهِ .

فَقالَ: يُصَلَّى فِيهِ.

۳۳ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ الْعَمْرَكِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ صَلَّى وَ فِي كُمِّهِ طَيْرٌ.

قَالَ: إِنْ خَافَ الذَّهَابَ عَلَيْهِ فَلاَ بَأْسَ.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْخَلاَخِلِ هَلْ يَصْلُحُ لِلنِّسَاءِ وَ الصِّبْيَانِ لُبْسُهَا؟

فَقالَ: إِذَا كَانَتْ صَمَّاءَ فَلاَ بَأْسَ، وَ إِنْ كَانَتْ لَهَا صَوْتٌ فَلاَ.

عرض کردم: نعلین چطور؟

فرمود: حکمش مانند آن است.

گفتم: نسبت به این حکم سینه‌ام تنگ می‌شود.

فرمود: آیا از آن‌چه که امام کاظم عليه السلام انجام می‌داد، دوری می‌کنی؟!

۳۲ ـ ابراهیم بن مهزیار گوید: از امام عليه السلام درباره خواندن نماز در جرموق (که نوعی از موزه است) پرسیدم و آن را برای آن حضرت فرستادم.

فرمود: می‌توان در آن نماز خواند.

۳۳ ـ علّی بن جعفر گوید: از برادرم امام کاظم عليه السلام پرسیدم: کسی نماز می‌خواند پرنده‌ای در آستین یا جیب لباس خود دارد، حکمش چیست؟

فرمود: اگر می‌ترسد که رها شود و پرواز نماید، همراه داشتن آن اشکالی ندارد.

گوید: هم چنین از آن حضرت دربارهٔ خلخال پرسیدم که آیا برای زنان و اطفال پوشیدن آن (درحال نماز) درست است؟

فرمود: اگر خلخال بی‌صدا باشد، اشکالی ندارد. امّا اگر صدا دار است، نمی‌تواند با آن نماز بخواند.

٣٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْفَضْلِ الْمَدَائِنِيِّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

لَا يُصَلِّ الرَّجُلُ وَ فِي تِكَّتِهِ مِفْتَاحُ حَدِيدٍ.

٣٥ ـ عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: لَا يُصَلِّ الرَّجُلُ وَ فِي يَدِهِ خَاتَمُ حَدِيدٍ.

وَ رُوِيَ: إِذَا كَانَ الْمِفْتَاحُ فِي غِلَافٍ فَلَا بَأْسَ.

(٦١)

بَابُ الرَّجُلِ يُصَلِّي فِي الثَّوْبِ وَ هُوَ غَيْرُ طَاهِرٍ عَالِماً أَوْ جَاهِلاً

١ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ صَلَّى فِي ثَوْبِ رَجُلٍ أَيَّاماً ثُمَّ إِنَّ صَاحِبَ الثَّوْبِ أَخْبَرَهُ أَنَّهُ لَا يُصَلَّى فِيهِ.

قَالَ: لَا يُعِيدُ شَيْئاً مِنْ صَلَاتِهِ.

---

۳۴ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: شخص نباید در حالی که کلید آهنی در بند شلوار دارد، نماز بخواند.

۳۵ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: انسان نباید در حالی که انگشتر آهنی به انگشت دارد، نماز بخواند.

و روایت شده است که اگر کلید در غلاف و پوششی باشد، اشکال ندارد.

بخش شصت و یکم

حکم کسی که در لباس نجس ـ دانسته یا ندانسته ـ نماز می‌خواند

۱ ـ عیص بن قاسم گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شخصی در لباس دیگری چند روز نماز می‌خواند، سپس صاحب لباس به او خبر می‌دهد که در این لباس (به جهت نجس بودن) نمی‌توان نماز خواند.

فرمود: لازم نیست هیچ یک از نمازهای خود را اعاده کند.

۲ ـ وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي وَ فِي ثَوْبِهِ عَذِرَةٌ مِنْ إِنْسَانٍ أَوْ سِنَّوْرٍ أَوْ كَلْبٍ أَ يُعِيدُ صَلَاتَهُ؟

فَقَالَ: إِنْ كَانَ لَمْ يَعْلَمْ فَلَا يُعِيدُ.

۳ ـ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْمُكَارِي عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام أَوْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

لَا تُعَادُ الصَّلَاةُ مِنْ دَمٍ لَمْ تُبْصِرْهُ غَيْرَ دَمِ الْحَيْضِ، فَإِنَّ قَلِيلَهُ وَ كَثِيرَهُ فِي الثَّوْبِ إِنْ رَآهُ أَوْ لَمْ يَرَهُ سَوَاءٌ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ بَعْضِ مَنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

---

۲ ـ عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شخصی نماز می‌خواند و لباس او آلوده به نجاست آدمی، گربه یا سگ بود، آیا باید نماز خود را اعاده کند؟

فرمود: اگر نمی‌دانسته، لازم نیست اعاده کند.

۳ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام، یا امام باقر عليه السلام فرمود:

اعاده نماز برای خونی که به چشم نمی‌آید، لازم نیست، مگر خون حیض که کم و زیاد آن در لباس چه آن را ببیند یا نبیند یکسان است.

۴ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

إِذَا أَصَابَ ثَوْبَكَ خَمْرٌ أَوْ نَبِيذٌ مُسْكِرٌ فَاغْسِلْهُ إِنْ عَرَفْتَ مَوْضِعَهُ فَإِنْ لَمْ تَعْرِفْ مَوْضِعَهُ فَاغْسِلْهُ كُلَّهُ، وَ إِنْ صَلَّيْتَ فِيهِ فَأَعِدْ صَلاَتَكَ.

۵ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ خَيْرَانَ الْخَادِمِ قَالَ:
كَتَبْتُ إِلَى الرَّجُلِ عليه‌السلام أَسْأَلُهُ عَنِ الثَّوْبِ يُصِيبُهُ الْخَمْرُ وَ لَحْمُ الْخِنْزِيرِ أَ يُصَلَّى فِيهِ أَمْ لَا؟ فَإِنَّ أَصْحَابَنَا قَدِ اخْتَلَفُوا فِيهِ.
فَقَالَ بَعْضُهُمْ: صَلِّ فِيهِ، فَإِنَّ اللهَ إِنَّمَا حَرَّمَ شُرْبَهَا.
وَ قَالَ بَعْضُهُمْ: لَا تُصَلِّ فِيهِ.
فَكَتَبَ عليه‌السلام: لَا تُصَلِّ فِيهِ فَإِنَّهُ رِجْسٌ.
قَالَ: وَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام عَنِ الَّذِي يُعِيرُ ثَوْبَهُ لِمَنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ يَأْكُلُ الْجِرِّيَّ، أَوْ يَشْرَبُ الْخَمْرَ فَيَرُدُّهُ أَ يُصَلِّي فِيهِ قَبْلَ أَنْ يَغْسِلَهُ.
قَالَ: لَا يُصَلِّ فِيهِ حَتَّى يَغْسِلَهُ؟

هرگاه خمر یا شراب مست کننده به لباس تو برسد، اگر جای آن را می‌دانی همان‌جا را بشوی، و در صورتی که جای آن را نمی‌دانی، تمام آن را بشوی، و اگر در آن نماز خوانده‌ای، نمازت را اعاده کن.

۵ ـ خیران خادم (از اصحاب امام هادی عليه‌السلام) گوید: به امام صلوات الله علیه طی نامه‌ای نوشتم و از آن حضرت سؤال کردم: آیا در لباسی که شراب یا گوشت خوک با آن برخورد می‌کند، می‌توان نماز خواند؟ زیرا یاران ما در این مسأله اختلاف‌نظر دارند. بعضی از آن‌ها گویند: می‌توان در این لباس نماز خواند، زیرا خداوند نوشیدن آن را احرام کرده است، وبعضی دیگر گویند: در آن نماز مگزار.

امام عليه‌السلام نوشت: در آن لباس نماز مگزار؛ زیرا آن لباس، نجس است.

راوی گوید: هم چنین از امام صادق عليه‌السلام سؤال کردم: شخصی که لباس خود را به کسی عاریه می‌دهد و می‌داند که او ماهی جری [1] می‌خورد و شراب می‌نوشد، سپس لباس را به او برمی گرداند، آیا می‌تواند پیش از شستن، در آن لباس نماز بخواند؟

فرمود: نه، در آن لباس نماز نخواند، تا این که آن را بشوید.

---

۱ ـ نوعی، ماهی که پولک ندارد و خوردن آن حرام است.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ صَلَّى فِي ثَوْبٍ فِيهِ جَنَابَةٌ رَكْعَتَيْنِ، ثُمَّ عَلِمَ بِهِ.

قَالَ: عَلَيْهِ أَنْ يَبْتَدِئَ الصَّلاَةَ.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ صَلَّى وَ فِي ثَوْبِهِ جَنَابَةٌ أَوْ دَمٌ حَتَّى فَرَغَ مِنْ صَلاَتِهِ ثُمَّ عَلِمَ.

قَالَ: قَدْ مَضَتْ صَلاَتُهُ وَ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ.

٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللهِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ سَيْفٍ عَنْ مَنْصُورٍ الصَّيْقَلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ رَجُلٌ أَصَابَتْهُ جَنَابَةٌ بِاللَّيْلِ فَاغْتَسَلَ فَلَمَّا أَصْبَحَ نَظَرَ فَإِذَا فِي ثَوْبِهِ جَنَابَةٌ.

فَقَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَدَعْ شَيْئاً إِلَّا وَ لَهُ حَدٌّ إِنْ كَانَ حِينَ قَامَ نَظَرَ فَلَمْ يَرَ شَيْئاً فَلاَ إِعَادَةَ عَلَيْهِ، وَ إِنْ كَانَ حِينَ قَامَ لَمْ يَنْظُرْ فَعَلَيْهِ الْإِعَادَةُ.

---

۶ ـ ابو بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام دربارهٔ شخصی که دو رکعت نماز در لباسی می‌خواند که در آن جنب شده است، سپس متوجّه می‌شود، فرمود: باید نماز را از سر بگیرد.

راوی گوید: هم چنین از آن حضرت پرسیدم: شخصی در لباس خود نماز می‌گزارد، در حالی که لباسش به منی یا خون آلوده بود و بعد از نماز متوجّه می‌شود (چه حکمی دارد؟)

فرمود: نماز او درست است و چیزی بر او لازم نیست.

۷ ـ منصور صیقل گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مردی شب جنب می‌شود و غسل می‌کند. چون صبح می‌شود نگاه می‌کند و در لباس خود منی می‌بیند (وظیفهٔ او چیست؟)

فرمود: حمد و سپاس خداوندی را سزاست که برای هر چیزی حدّی قرار داده است. اگر هنگامی که از خواب برخاسته به لباسش نگاه کرده و چیزی را ندیده است، اعادهٔ نماز بر او لازم نیست. ولی اگر وقتی که از خواب برخاسته، به لباس خود نگاه نکرده باشد، اعاده نماز بر او لازم است.

۸ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلاَءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَرَى فِي ثَوْبِ أَخِيهِ دَماً وَهُوَ يُصَلِّي.

قَالَ: لَا يُؤْذِنُهُ حَتَّى يَنْصَرِفَ.

۹ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ أَصَابَ ثَوْبَهُ جَنَابَةٌ أَوْ دَمٌ.

قَالَ: إِنْ كَانَ عَلِمَ أَنَّهُ أَصَابَ ثَوْبَهُ جَنَابَةٌ قَبْلَ أَنْ يُصَلِّيَ ثُمَّ صَلَّى فِيهِ وَ لَمْ يَغْسِلْهُ فَعَلَيْهِ أَنْ يُعِيدَ مَا صَلَّى وَ إِنْ كَانَ لَمْ يَعْلَمْ بِهِ فَلَيْسَ عَلَيْهِ إِعَادَةٌ، وَ إِنْ كَانَ يَرَى أَنَّهُ أَصَابَهُ شَيْءٌ فَنَظَرَ فَلَمْ يَرَ شَيْئاً أَجْزَأَهُ أَنْ يَنْضَحَهُ بِالْمَاءِ.

۱۰ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ قَالَ: بَعَثْتُ بِمَسْأَلَةٍ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام مَعَ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَيْمُونٍ قُلْتُ: سَلْهُ عَنِ الرَّجُلِ يَبُولُ فَيُصِيبُ فَخِذَهُ قَدْرُ نُكْتَةٍ مِنْ بَوْلِهِ، فَيُصَلِّي وَ يَذْكُرُ بَعْدَ ذَلِكَ أَنَّهُ لَمْ يَغْسِلْهَا.

---

۸ ـ محمّد بن مسلم گوید: از امام (باقر یا امام صادق علیهما السلام) پرسیدم: شخصی در لباس برادر (دینی) خود که در حال نماز است، خونی می‌بیند (وظیفه او چیست؟)

فرمود: نباید به او خبر دهد تا این که نمازش را تمام نماید.

۹ ـ عبداللّه بن سنان گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد شخصی که لباسش به منی یا خون آلوده است، پرسیدم.

فرمود: اگر پیش از نماز بداند که لباسش آلوده به منی است و آن را نشوید و در همان لباس نماز بخواند، بر او لازم است که نماز خود را اعاده کند، ولی اگر از آن خبر نداشته، اعادهٔ نماز بر او لازم نیست.

هم چنین اگر گمان کند که لباسش به نجاستی آلوده است و چون نگاه کند، چیزی نبیند، همین که مقداری آب بر آن بریزد، او را کفایت می‌کند.

۱۰ ـ ابن مسکان گوید: توسّط ابراهیم بن میمون مسأله‌ای را حضور امام صادق علیه السلام فرستادم و گفتم که از آن حضرت بپرس: شخصی به هنگام بول به اندازهٔ نقطه‌ای رانش آلوده می‌شود و با آن حال نماز می‌خواند و بعد از نماز متوجّه می‌شود که آنجا را نشسته است (چه وظیفه‌ای دارد؟)

قَالَ: يَغْسِلُهَا وَ يُعِيدُ صَلاَتَهُ.

۱۱ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللهِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي وَ فِي ثَوْبِهِ عَذِرَةٌ مِنْ إِنْسَانٍ أَوْ سِنَّوْرٍ أَوْ كَلْبٍ أَ يُعِيدُ صَلاَتَهُ؟

فَقَالَ: إِنْ كَانَ لَمْ يَعْلَمْ فَلاَ يُعِيدُ.

۱۲ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

اغْسِلْ ثَوْبَكَ مِنْ بَوْلِ كُلِّ مَا لَا يُؤْكَلُ لَحْمُهُ.

۱۳ ـ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَتَقَيَّأُ فِي ثَوْبِهِ يَجُوزُ أَنْ يُصَلِّيَ فِيهِ وَ لَا يَغْسِلَهُ.

قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ.

فرمود: باید آنجا را بشوید و نماز خود را اعاده کند.

۱۱ ـ عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: شخصی با لباس آلوده به نجاست آدمی، گربه یا سگ نماز می‌خواند، آیا باید نمازش را اعاده کند؟

فرمود: اگر نمی‌دانسته، لازم نیست اعاده کند.

۱۲ ـ عبدالله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: لباس خود را (برای نماز) از آلودگی بول هر حیوان حرام گوشت بشوی.

۱۳ ـ عمّار گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: شخصی در لباس خود قی می‌کند، آیا می‌تواند نشسته با آن نماز بخواند؟

فرمود: اشکالی ندارد.

١٤ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيٍّ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ قَالَ:

قَرَأْتُ فِي كِتَابِ عَبْدِ اللهِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! رَوَى زُرَارَةُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليهما السلام فِي الْخَمْرِ يُصِيبُ ثَوْبَ الرَّجُلِ أَنَّهُمَا قَالَا: لَا بَأْسَ بِأَنْ يُصَلَّى فِيهِ إِنَّمَا حُرِّمَ شُرْبُهَا.

وَ رَوَى غَيْرُ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:

إِذَا أَصَابَ ثَوْبَكَ خَمْرٌ أَوْ نَبِيذٌ يَعْنِي الْمُسْكِرَ فَاغْسِلْهُ إِنْ عَرَفْتَ مَوْضِعَهُ، وَ إِنْ لَمْ تَعْرِفْ مَوْضِعَهُ فَاغْسِلْهُ كُلَّهُ، وَ إِنْ صَلَّيْتَ فِيهِ فَأَعِدْ صَلَاتَكَ فَأَعْلِمْنِي مَا آخُذُ بِهِ.

فَوَقَّعَ بِخَطِّهِ عليه السلام: خُذْ بِقَوْلِ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام.

١٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي جَمِيلٍ الْبَصْرِيِّ قَالَ:

---

۱۴ ـ علی بن مهزیار گوید: در نامه‌ای که عبداللّٰه بن محمّد به امام ابی الحسن علیه السلام نوشته بود، این‌گونه خواندم: قربانت گردم! زراره از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت کرده که حضرتش فرمود: شخصی که لباسش آلوده به شراب است، می‌تواند در آن نماز بخواند؛ زیرا خداوند تنها نوشیدن آن را حرام فرموده است.

و فرد دیگری، غیر زراره از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: هرگاه لباست آلوده به شراب یا نبیذ ـ یعنی مست کننده ـ باشد، در صورتی که جای آن را می‌دانی، آن را بشوی، و اگر جای آن را نمی‌دانی، تمام آن را بشوی، و چنانچه در آن لباس نمازگزارده‌ای، نماز خود را اعاده کن. حال، من به کدام دستور عمل کنم؟

آن حضرت به خطّ مبارک خود نوشت: طبق فرمایش امام صادق علیه السلام را انجام بده.

۱۵ ـ ابو جمیل بصری گوید:

كُنْتُ مَعَ يُونُسَ بِبَغْدَادَ وَ أَنَا أَمْشِي مَعَهُ فِي السُّوقِ، فَفَتَحَ صَاحِبُ الْفُقَّاعِ فُقَّاعَهُ فَقَفَزَ فَأَصَابَ ثَوْبَ يُونُسَ، فَرَأَيْتُهُ قَدِ اغْتَمَّ بِذَلِكَ حَتَّى زَالَتِ الشَّمْسُ.

فَقُلْتُ لَهُ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! أَ لَا تُصَلِّي؟

قَالَ: فَقَالَ: لَيْسَ أُرِيدُ أَنْ أُصَلِّيَ حَتَّى أَرْجِعَ إِلَى الْبَيْتِ وَ أَغْسِلَ هَذَا الْخَمْرَ مِنْ ثَوْبِي.

فَقُلْتُ لَهُ: هَذَا رَأْيٌ رَأَيْتَهُ، أَوْ شَيْءٌ تَرْوِيهِ؟

فَقَالَ: أَخْبَرَنِي هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام عَنِ الْفُقَّاعِ.

فَقَالَ: لَا تَشْرَبْهُ، فَإِنَّهُ خَمْرٌ مَجْهُولٌ، فَإِذَا أَصَابَ ثَوْبَكَ فَاغْسِلْهُ.

١٦ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللهِ الْوَاسِطِيِّ عَنْ قَاسِمِ الصَّيْقَلِ قَالَ:

كَتَبْتُ إِلَى الرِّضَا عليه‌السلام أَنِّي أَعْمَلُ أَغْمَادَ السُّيُوفِ مِنْ جُلُودِ الْحُمُرِ الْمَيْتَةِ، فَيُصِيبُ ثِيَابِي فَأُصَلِّي فِيهَا؟

فَكَتَبَ عليه‌السلام إِلَيَّ: اتَّخِذْ ثَوْباً لِصَلَاتِكَ.

با یونس (بن عبدالرحمان) در بازار بغداد راه می‌رفتم، آبجو فروشی در ظرف آبجو خود را گشود و مقداری از آن به لباس یونس رسید. یونس از این حادثه ناراحت و غمگین شد، تا این که ظهر فرا رسید.

به او گفتم: ای ابا محّمد! آیا نماز نمی‌خوانی؟

گفت: نمی‌خواهم نماز بخوانم تا به خانه برگردم و این آلودگی را از لباس خود شست وشو دهم.

به او گفتم: آیا این نظر خود توست، یا روایتی را نقل می‌کنی؟

گفت: هشام بن حکم به من خبر داده است که او از امام صادق عليه‌السلام دربارهٔ آبجو پرسیده است.

حضرتش فرمود: آن را نیاشام؛ زیرا آن شرابی است که مردم از شراب بودنش ناآگاه هستند. و هرگاه لباست آلوده به آن شد، آن را بشوی.

۱۶ ـ قاسم صیقل گوید: طی نامه‌ای به امام رضا عليه‌السلام نوشتم: من از پوست الاغ‌های مرده غلاف شمشیر می‌سازم و لباسم آلوده می‌شود، آیا می‌توانم در آن لباس نماز بخوانم؟

آن حضرت عليه‌السلام برایم نوشت: برای نمازت لباس دیگری برگزین.

فَكَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي عليه‌السلام: كُنْتُ كَتَبْتُ إِلَى أَبِيكَ عليه‌السلام بِكَذَا وَ كَذَا فَصَعَّبَ عَلَيَّ ذَلِكَ فَصِرْتُ أَعْمَلُهَا مِنْ جُلُودِ الْحُمُرِ الْوَحْشِيَّةِ الذَّكِيَّةِ.

فَكَتَبَ عليه‌السلام إِلَيَّ: كُلُّ أَعْمَالِ الْبِرِّ بِالصَّبْرِ ـ يَرْحَمُكَ اللهُ! ـ فَإِنْ كَانَ مَا تَعْمَلُ وَحْشِيّاً ذَكِيّاً فَلاَ بَأْسَ.

(٦٢)

بَابُ الرَّجُلِ يُصَلِّي وَ هُوَ مُتَلَثِّمٌ أَوْ مُخْتَضِبٌ أَوْ لَا يُخْرِجُ يَدَيْهِ مِنْ تَحْتِ الثَّوْبِ فِي صَلاَتِهِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ رِبْعِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: أَ يُصَلِّي الرَّجُلُ وَ هُوَ مُتَلَثِّمٌ؟ فَقالَ: أَمَّا عَلَى الْأَرْضِ فَلاَ، وَ أَمَّا عَلَى الدَّابَّةِ فَلاَ بَأْسَ.

سپس خدمت امام جواد عليه‌السلام نوشتم: خدمت پدرت چنین و چنان نوشتم و کار بر من مشکل شد. اکنون آن را از پوست الاغ‌های وحشی ـکه تذکیه شده‌اند ـ می‌سازم.

آن حضرت عليه‌السلام برایم نوشت: خداوند تو را رحمت کند! اعمال نیک را به صبر واگذار (یعنی اگر از پوست مردار است زحمت عوض کردن لباس را بر خود هموار نموده و شکیبا باش) امّا اگر آن چه را که می‌سازی از پوست تذکیه شده الاغ وحشی باشد، اشکالی ندارد.

بخش شصت و دوّم

حکم شخصی که با دهان بند، یا خضاب کرده نماز می‌گزارد، یا در حال نماز دست خود را از زیر لباسش بیرون نمی‌آورد

۱ ـ محمّد بن مسلم گوید: به امام باقر عليه‌السلام عرض کردم: آیا جایز است انسان در حالی که روی دهان خود را بسته است، نماز گزارد؟

فرمود: اگر روی زمین باشد، جایز نیست، ولی اگر سوار بر مرکب باشد، اشکالی ندارد.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي وَ عَلَيْهِ خِضَابُهُ.

قَالَ: لَا يُصَلِّي وَ هُوَ عَلَيْهِ، وَ لَكِنْ يَنْزِعُهُ إِذَا أَرَادَ أَنْ يُصَلِّيَ.

قُلْتُ: إِنَّ حِنَّاهُ وَ خِرْقَتَهُ نَظِيفَةٌ.

فَقَالَ: لَا يُصَلِّي وَ هُوَ عَلَيْهِ، وَ الْمَرْأَةُ أَيْضاً لَا تُصَلِّي وَ عَلَيْهَا خِضَابُهَا.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام فَدَخَلَ عَلَيْهِ عَبْدُ الْمَلِكِ الْقُمِّيُّ.

فَقَالَ: أَصْلَحَكَ اللهُ! أَسْجُدُ وَ يَدِي فِي ثَوْبِي.

فَقَالَ: إِنْ شِئْتَ.

قَالَ: ثُمَّ قَالَ: إِنِّي وَ اللهِ! مَا مِنْ هَذَا وَ شِبْهِهِ أَخَافُ عَلَيْكُمْ.

---

۲ ـ ابوبکر حضرمی گوید: از امام صادق عليه‌السلام پرسیدم: مردی خضاب کرده و هنوز به خضاب آلوده است، آیا می‌تواند نماز بخواند؟

فرمود: نمی‌تواند با حالت خضاب نماز بخواند، ولی هر گاه بخواهد نماز بخواند، باید آن را از خود برطرف کند.

عرض کردم: اگر به حنا خضاب کرده باشد و پارچهٔ آن پاک باشد چه وظیفه‌ای دارد؟

فرمود: در حالی که خضاب بر اوست، نمی‌تواند نماز بخواند. هم چنین است زن در حالی که خضاب بر اوست، نباید نماز بخواند.

۳ ـ عبدالرّحمان بن حجّاج گوید: خدمت امام صادق عليه‌السلام بودم که عبدالملک قمی حضور آن حضرت شرف‌یاب شد و عرض کرد: خداوند کارهای شما را اصلاح فرماید! آیا می‌توانم در حالی که دستم در جامه‌ام است، سجده کنم؟

فرمود: اگر بخواهی ایرادی ندارد.

راوی گوید: سپس آن حضرت فرمود: به خدا سوگند! من از این مسایل و مانند این بر شما نمی‌ترسم!

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فِي الرَّجُلِ يُصَلِّي وَ هُوَ يُومِئُ عَلَى دَابَّتِهِ.
قَالَ: يَكْشِفُ مَوْضِعَ السُّجُودِ.

٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُصَادِفٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ صَلَّى فَرِيضَةً وَ هُوَ مُعَقَّصُ الشَّعْرِ.
قَالَ: يُعِيدُ صَلَاتَهُ.

(٦٣)
بَابُ صَلَاةِ الصِّبْيَانِ وَ مَتَى يُؤْخَذُونَ بِهَا

١ ـ عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ:

---

۴ ـ راوی گوید: از امام صادق عليه السلام دربارهٔ شخصی که با اشاره روی چهارپا نماز می‌خواند، پرسیدم.

فرمود: باید جایی برای سجدهٔ خود (در همان بالا) فراهم کند.

۵ ـ مصادف گوید: امام صادق عليه السلام دربارهٔ شخصی که با موهای بافته و جمع کردهٔ خود نماز واجب را می‌خواند. فرمود:

باید نماز خود را اعاده کند.

بخش شصت و سوم
حکم نماز کودکان و آنان چه وقتی باید شروع به نماز خواندن کنند؟

۱ ـ حلبی گوید: امام صادق از پدر بزرگوارش امام باقر عليهما السلام روایت کرده که حضرتش فرمود:

إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّلاَةِ إِذَا كَانُوا بَنِي خَمْسِ سِنِينَ، فَمُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلاَةِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سِنِينَ، وَ نَحْنُ نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّوْمِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سِنِينَ بِمَا أَطَاقُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ إِنْ كَانَ إِلَى نِصْفِ النَّهَارِ أَوْ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ أَوْ أَقَلَّ، فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ وَ الْغَرَثُ أَفْطَرُوا حَتَّى يَتَعَوَّدُوا الصَّوْمَ وَ يُطِيقُوهُ، فَمُرُوا صِبْيَانَكُمْ إِذَا كَانُوا بَنِي تِسْعِ سِنِينَ بِالصَّوْمِ مَا اسْتَطَاعُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ، فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ أَفْطَرُوا.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ رِبْعِيِّ بْنِ عَبْدِ اللهِ عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ:

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ﷺ يَأْمُرُ الصِّبْيَانَ يَجْمَعُونَ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَ الْعِشَاءِ وَ يَقُولُ: هُوَ خَيْرٌ مِنْ أَنْ يَنَامُوا عَنْهَا.

۳ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الصِّبْيَانِ إِذَا صَفُّوا فِي الصَّلاَةِ الْمَكْتُوبَةِ.

قَالَ: لَا تُؤَخِّرُوهُمْ عَنِ الصَّلاَةِ الْمَكْتُوبَةِ وَ فَرِّقُوا بَيْنَهُمْ.

ما کودکان خود را در سن پنج سالگی به نماز فرا می‌خوانیم و شما کودکان خود را در هفت سالگی به نماز دستور دهید.

هم چنین ما کودکان خود را در هفت سالگی به‌گرفتن روزه امر می‌کنیم، همان مقداری که از یک روز می‌توانند روزه بگیرند، هر چند تا نصف روز یا بیشتر از آن و یا کمتر از آن باشد، و وقتی تشنگی بر آنان غلبه کرد، افطار می‌کنند، تا به‌گرفتن روزه عادت کنند و توان گرفتن آن را بیابند. شما نیز فرزندان خود را هنگامی که نُه ساله شدند به‌گرفتن روزه وادارید هر قدر از روزه را که می‌توانند، روزه بگیرند، و وقتی تشنگی بر آنان غلبه کرد، روزهٔ خود را افطار نمایند.

۲ ـ فضیل بن یسار گوید: علی بن الحسین صلوات الله علیهما به کودکان امر می‌کرد تا بین نماز مغرب و عشا را جمع کنند و می‌فرمود: این جمع، بهتر از آن است که بخوابند و نماز خود را نخوانند.

۳ ـ جابر گوید: از امام باقر ﷺ دربارهٔ کودکان آن‌گاه که در صف نماز جماعت می‌ایستند، سؤال کردم.

فرمود: آن‌ها را از نماز جماعت به‌صورت فریضه بازندارید، امّا درمیان آنان فاصله قراردهید.

(٦٤)

بَابُ صَلاَةِ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ وَ الْمَرِيضِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام: أَ تُصَلِّي النَّوَافِلَ وَ أَنْتَ قَاعِدٌ؟

فَقَالَ: مَا أُصَلِّيهَا إِلَّا وَ أَنَا قَاعِدٌ مُنْذُ حَمَلْتُ هَذَا اللَّحْمَ وَ بَلَغْتُ هَذَا السِّنَّ.

٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: إِنَّا نَتَحَدَّثُ نَقُولُ مَنْ صَلَّى وَ هُوَ جَالِسٌ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ كَانَتْ صَلَاتُهُ رَكْعَتَيْنِ بِرَكْعَةٍ وَ سَجْدَتَيْنِ بِسَجْدَةٍ.

فَقَالَ: لَيْسَ هُوَ هَكَذَا، هِيَ تَامَّةٌ لَكُمْ.

بخش شصت و چهارم

چگونگی نماز پیران و بیماران

١ ـ سدیر گوید: به امام باقر عليه‌السلام عرض کردم: آیا نمازهای نافله را در حال نشسته می‌توان خواند؟

فرمود: از زمانی که فربه شده و به این سنّ رسیده‌ام، نمازهای نافله‌ها را نشسته می‌خوانم.

٢ ـ ابو بصیر گوید: به امام باقر عليه‌السلام عرض کردم: ما با یکدیگر گفت و گوی می‌کنیم و می‌گوییم: هر که بدون علّت، نشسته نماز خواند، هر دو رکعت نماز او یک رکعت و هر دو سجده او یک سجده به شمار می‌آید.

فرمود: چنین نیست، بلکه برای شما به صورت کامل محسوب می‌شود.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام مَا حَدُّ الْمَرِيضِ الَّذِي يُصَلِّي قَاعِداً؟

فَقالَ: إِنَّ الرَّجُلَ لَيُوعَكُ وَ يَحْرَجُ، وَ لَكِنَّهُ هُوَ أَعْلَمُ بِنَفْسِهِ، وَ لَكِنْ إِذَا قَوِيَ فَلْيَقُمْ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام عَنِ الرَّجُلِ وَ الْمَرْأَةِ يَذْهَبُ بَصَرُهُ فَيَأْتِيهِ الْأَطِبَّاءُ فَيَقُولُونَ: نُدَاوِيكَ شَهْراً أَوْ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً مُسْتَلْقِياً كَذَلِكَ يُصَلِّي.

فَرَخَّصَ فِي ذَلِكَ وَ قَالَ: ﴿فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بٰاغٍ وَ لا عٰادٍ فَلا إِثْمَ عَلَيْهِ﴾.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرِيضِ إِذَا لَمْ يَسْتَطِعِ الْقِيَامَ وَ السُّجُودَ.

قَالَ: يُومِئُ بِرَأْسِهِ إِيمَاءً، وَ أَنْ يَضَعَ جَبْهَتَهُ عَلَى الْأَرْضِ أَحَبُّ إِلَيَّ.

---

۳ ـ جمیل بن درّاج گوید: از امام صادق سؤال کردند: بیمار چند وقت می‌تواند نمازش را نشسته بخواند؟

فرمود: گاهی انسان اندک تبی می‌کند و احساس ناراحتی می‌نماید، ولی بیمار به حال خود داناتر است و اگر در اثنای نماز، نیرویی پیدا کرد، باید برخیزد.

۴ ـ محمّد بن مسلم گوید: از امام صادق عليه‌السلام پرسیدم: مرد و زنی که بینایی چشم‌هایشان دچار مشکل شده و پزشکان می‌گویند: ما تو را درمان می‌کنیم، ولی باید یک ماه یا چهل شبانه روز بر پشت بخوابی. آیا این شخص می‌تواند همان طور که بر پشت خوابیده، نماز بخواند؟

امام عليه‌السلام رخصت داد و این آیه را تلاوت فرمود: «هر که ناگزیر شود، در حالی که ستمگر و تجاوزکننده نباشد، گناهی بر او نیست».

۵ ـ حلبی گوید: از امام صادق عليه‌السلام در مورد بیماری که توانایی ایستادن و سجده کردن را ندارد، سؤال کردم.

فرمود: باید با سر خود اشاره کند و اگر پیشانی خود را بر زمین بگذارد، نزد من بهتر است.

٦ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ رَفَعَهُ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: الْمَرِيضُ يُومِئُ إِيمَاءً.

٧ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ الْمَبْطُونِ.

فَقَالَ: يَبْنِي عَلَى صَلاَتِهِ.

٨ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ الرَّجُلُ يُصَلِّي وَ هُوَ قَاعِدٌ فَيَقْرَأُ السُّورَةَ فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَخْتِمَهَا قَامَ فَرَكَعَ بِآخِرِهَا.

قَالَ: صَلاَتُهُ صَلاَةُ الْقَائِمِ.

٩ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ مَيْسَرَةَ: أَنَّ سِنَاناً سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَمُدُّ فِي الصَّلاَةِ إِحْدَى رِجْلَيْهِ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ هُوَ جَالِسٌ.

---

۶ ـ زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

بیمار باید به اشاره سجده (یا رکوع) کند.

۷ ـ محمّد مسلم گوید: از امام باقر عليه السلام در مورد شخصی که مبتلا به اسهال است، سؤال کردم.

فرمود: باید نماز خود را ادامه دهد (یعنی در صورتی که در اثنای نماز این علّت بر او غالب شود، وضو می‌سازد و باز می‌گردد و نماز را از همان جا که قطع شده ادامه می‌دهد).

۸ ـ زراره گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: انسان در حال نشسته نماز می‌گزارد و سوره‌ای را می‌خواند، وقتی می‌خواهد سوره را تمام کند برمی‌خیزد و پس از تمام کردن سوره، به رکوع می‌رود.

فرمود: نماز او، نماز ایستاده است.

۹ ـ معاویة بن میسره گوید: سنان از امام صادق عليه السلام پرسید: شخصی در حال نشسته یکی از دو پایش را در حال نماز در پیش روی خود دراز می‌کند (آیا ایرادی دارد؟)

قَالَ: لَا بَأْسَ، وَ لَا أَرَاهُ إِلَّا قَالَ فِي الْمُعْتَلِّ وَ الْمَرِيضِ.

وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ: يُصَلِّي مُتَرَبِّعاً وَ مَادّاً رِجْلَيْهِ كُلُّ ذَلِكَ وَاسِعٌ.

۱۰ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سُئِلَ عَنِ الْأَسِيرِ يَأْسِرُهُ الْمُشْرِكُونَ فَتَحْضُرُ الصَّلَاةُ وَ يَمْنَعُهُ الَّذِي أَسَرَهُ مِنْهَا.

قَالَ: يُومِئُ إِيمَاءً.

۱۱ ـ عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي قَوْلِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿**الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَاماً وَ قُعُوداً وَ عَلَىٰ جُنُوبِهِمْ**﴾.

قَالَ: الصَّحِيحُ يُصَلِّي قَائِماً وَ قُعُوداً، الْمَرِيضُ يُصَلِّي جَالِساً، ﴿**وَ عَلَىٰ جُنُوبِهِمْ**﴾ الَّذِي يَكُونُ أَضْعَفَ مِنَ الْمَرِيضِ الَّذِي يُصَلِّي جَالِساً.

۱۲ ـ عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

فرمود: اشکالی ندارد. به نظرم این حکم را برای فرد معلول و بیمار فرموده است.

و در حدیث دیگری فرمود: می‌تواند نماز بخواند در حالی که چهار زانو است و یا دو پای خود را دراز کرده است که همهٔ این امور جایز است.

۱۰ ـ سماعه گوید: از امام عليه السلام پرسیده شد: فردی در دست مشرکان اسیر است و وقت نماز فرا می‌رسد و مشرکان از خواندن نماز جلوگیری می‌کنند (چه وظیفه‌ای دارد؟)

فرمود: با اشاره نماز بگزارد.

۱۱ ـ ابو حمزه گوید: امام باقر عليه السلام دربارهٔ گفتار خدای عزّوجلّ که می‌فرماید: «کسانی که خدا را در حال ایستاده، نشسته و بر پهلوهایشان یاد می‌کنند» فرمود:

شخص سالم، باید ایستاده و نشسته نماز بخواند، و شخص بیمار، باید نشسته نماز بخواند و کسانی که خداوند دربارهٔ آنان فرموده: «وبر پهلوهایشان» کسی است که از بیماری که نشسته نماز می‌گزارد، ناتوان‌تر است (وبر پهلو نماز می‌خواند).

۱۲ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

يُصَلِّي الْمَرِيضُ قَاعِداً فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ صَلَّى مُسْتَلْقِياً يُكَبِّرُ ثُمَّ يَقْرَأُ فَإِذَا أَرَادَ الرُّكُوعَ غَمَّضَ عَيْنَيْهِ ثُمَّ سَبَّحَ ثُمَّ يَفْتَحُ عَيْنَيْهِ فَيَكُونُ فَتْحُ عَيْنَيْهِ رَفْعَ رَأْسِهِ مِنَ الرُّكُوعِ، فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَسْجُدَ غَمَّضَ عَيْنَيْهِ ثُمَّ سَبَّحَ، فَإِذَا سَبَّحَ فَتَحَ عَيْنَيْهِ فَيَكُونُ فَتْحُ عَيْنَيْهِ رَفْعَ رَأْسِهِ مِنَ السُّجُودِ ثُمَّ يَتَشَهَّدُ وَ يَنْصَرِفُ.

۱۳ ـ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرِيضِ أَ يَحِلُّ لَهُ أَنْ يَقُومَ عَلَى فِرَاشِهِ وَ يَسْجُدَ عَلَى الْأَرْضِ؟

قَالَ: فَقَالَ: إِذَا كَانَ الْفِرَاشُ غَلِيظاً قَدْرَ آجُرَّةٍ أَوْ أَقَلَّ اسْتَقَامَ لَهُ أَنْ يَقُومَ عَلَيْهِ وَ يَسْجُدَ عَلَى الْأَرْضِ، وَ إِنْ كَانَ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَلاَ.

بیمار باید نشسته نماز بخواند، و اگر نتواند، دراز کشیده، نماز بخواند. به این شکل که تکبیر الاحرام را بگوید، آن گاه به قرائت بپردازد، و هنگام رکوع چشمانش را بر هم گذاشته، آن گاه تسبیح رکوع را بگوید، و چون تسبیح گفت، چشم‌هایش را بگشاید. در این حال، گشودن چشمان به منزلهٔ سر برداشتن از رکوع است، و چون می‌خواهد سجده کند، چشمانش را بر هم نهد و بعد تسبیح سجده را بگوید، و وقتی تسبیح گفت، چشم‌ها را بگشاید. در این صورت باز کردن چشمانش، به منزلهٔ سربرداشتن از سجود است. آن‌گاه تشهّد می‌گوید و نمازش را تمام می‌کند.

۱۳ ـ مصدّق بن صدقه گوید: از امام صادق عليه‌السلام سؤال کردم: آیا بیمار می‌تواند در رختخواب خود برخیزد و بر زمین سجده نماید؟

فرمود: چنانچه ضخامت رختخواب به اندازهٔ یک آجر یا کمتر باشد، ایرادی ندارد که بر آن برخیزد و بر زمین سجده کند، ولی اگر بیشتر از آن باشد، جایز نیست.

(٦٥)
بَابُ صَلاَةِ الْمُغْمَى عَلَيْهِ وَ الْمَرِيضِ الَّذِي تَفُوتُهُ الصَّلاَةُ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ مُرَازِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الْمَرِيضِ لَا يَقْدِرُ عَلَى الصَّلاَةِ.

قَالَ: فَقَالَ: كُلُّ مَا غَلَبَ اللهُ عَلَيْهِ فَاللهُ أَوْلَى بِالْعُذْرِ.

٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ مَعْمَرِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ الْمَرِيضِ يَقْضِي الصَّلاَةَ إِذَا أُغْمِيَ عَلَيْهِ.

فَقَالَ: لَا.

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْخَزَّازِ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أُغْمِيَ عَلَيْهِ أَيَّاماً لَمْ يُصَلِّ ثُمَّ أَفَاقَ أَيُصَلِّي مَا فَاتَهُ؟

قَالَ: لَا شَيْءَ عَلَيْهِ.

بخش شصت و پنجم
حکم نماز شخص بی هوش و بیماری که نماز او فوت می‌شود

۱ ـ مرازم گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد بیماری که توانایی نماز خواندن را ندارد سؤال کردم.

فرمود: هر فردی که خداوند حال او را به گونه‌ای می‌کند که دیگر نمی‌تواند نماز بخواند، خود از هر کس بهتر می‌داند که او معذور بوده و گناهی نداشته است.

۲ ـ معمر بن عمر گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم: آیا بیمار بی‌هوش باید نمازهایش را قضا کند؟

فرمود: نه.

۳ ـ ابراهیم خزّاز گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که چند روز است بی‌هوش شده، اینک به هوش آمده است، آیا باید نمازهایش را قضا کند؟

فرمود: نه، چیزی بر عهدهٔ او نیست.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِئَابٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرِيضِ يُغْمَى عَلَيْهِ ثُمَّ يُفِيقُ كَيْفَ يَقْضِي صَلاَتَهُ؟

قَالَ: يَقْضِي الصَّلاَةَ الَّتِي أَدْرَكَ وَقْتَهَا.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: رَجُلٌ مَرِضَ فَتَرَكَ النَّافِلَةَ.

فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! لَيْسَتْ بِفَرِيضَةٍ إِنْ قَضَاهَا فَهُوَ خَيْرٌ يَفْعَلُهُ، وَ إِنْ لَمْ يَفْعَلْ فَلاَ شَيْءَ عَلَيْهِ.

٦ ـ جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ اجْتَمَعَ عَلَيْهِ صَلاَةُ السَّنَةِ مِنْ مَرَضٍ.

قَالَ: لَا يَقْضِي.

---

۴ ـ ابو بصیر گوید: از امام (باقر یا امام صادق علیهما السلام) سؤال کردم: بیماری که بی‌هوش می‌شود، سپس به هوش می‌آید، نماز خود را باید چگونه قضا کند؟

فرمود: باید نمازی را که وقتش را درک کرده است (یعنی در وقت آن به هوش آمده است) قضا کند.

۵ ـ محمّد بن مسلم گوید: به آن حضرت علیه السلام عرض کردم: شخصی بیمار شده و نافله‌اش را ترک کرده، حکمش چیست؟

فرمود: ای محمّد! نافله، واجب نیست. اگر آن را قضا کند، کار نیکی است که انجام داده، و اگر قضا نکند بر او چیزی نیست.

۶ ـ عیص بن قاسم گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال کردم: شخصی که نماز سال بسیاری به خاطر بیماری از او فوت شده است (چه وظیفه‌ای دارد؟)

فرمود: قضای آن‌ها لازم نیست.

۷ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ فِي الْمُغْمَى عَلَيْهِ قَالَ:

مَا غَلَبَ اللهُ عَلَيْهِ فَاللهُ أَوْلَى بِالْعُذْرِ.

(٦٦)

بَابُ فَضْلِ يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَ لَيْلَتِهِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ:

مَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ بِيَوْمٍ أَفْضَلَ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ.

۲ ـ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

۷ـ حفص بن بختری گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که حضرتش دربارهٔ شخصی که در حالت بی‌هوشی به سر برده فرمود:

هر فردی که خداوند حال او را به گونه‌ای می‌کند که دیگر نمی‌تواند نماز بخواند، خداوند بهتر می‌داند که او معذور بوده و گناهی نداشته است.

بخش شصت و ششم

فضیلت روز و شب جمعه

۱ ـ ابو بصیر گوید: از امام باقر عليه السلام شنیدم که می‌فرمود: آفتاب در هیچ روزی طلوع نکرده است که بهتر از روز جمعه باشد.

۲ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

إِذَا كَانَ يَوْمُ الْجُمُعَةِ نَزَلَ الْمَلاَئِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ مَعَهُمْ قَرَاطِيسُ مِنْ فِضَّةٍ وَ أَقْلاَمٌ مِنْ ذَهَبٍ فَيَجْلِسُونَ عَلَى أَبْوَابِ الْمَسْجِدِ عَلَى كَرَاسِيَّ مِنْ نُورٍ فَيَكْتُبُونَ النَّاسَ عَلَى مَنَازِلِهِمُ الْأَوَّلَ وَ الثَّانِيَ حَتَّى يَخْرُجَ الْإِمَامُ، فَإِذَا خَرَجَ الْإِمَامُ طَوَوْا صُحُفَهُمْ وَ لَا يَهْبِطُونَ فِي شَيْءٍ مِنَ الْأَيَّامِ إِلَّا فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ يَعْنِي الْمَلاَئِكَةَ الْمُقَرَّبِينَ.

٣ ـ أَحْمَدُ عَنِ الْحُسَيْنِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ:

كَانَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله يَسْتَحِبُّ إِذَا دَخَلَ وَ إِذَا خَرَجَ فِي الشِّتَاءِ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ.

وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام: إِنَّ اللهَ اخْتَارَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ شَيْئاً، فَاخْتَارَ مِنَ الْأَيَّامِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ.

٤ ـ وَ عَنْهُ عَنِ النَّضْرِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ:

چون روز جمعه فرا رسد، فرشتگان مقرّب الهی به زمین فرود می‌آیند و همراه خود صحیفه‌های سیمین و زرّین می‌آورند و کنار در مسجد بر روی تخت‌هایی از نور می‌نشینند و نام مردم را بر اساس رتبه‌های آنان از اوّل، دوم و... به ترتیب می‌نویسند تا زمانی که امام جمعه نماز را به پایان رسانده و از مسجد خارج شود، و چون امام خارج شود، صحیفه‌های خود را می‌پیچند. اینان در هیچ روزی دیگر در ایّام هفته فرود نمی‌آیند مگر در روز جمعه.

۳ ـ عبداللّه بن سنان گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله چون اوایل زمستان هنگام شروع سرما داخل خانه می‌شد و در زمستان هنگام شروع گرما از خانه بیرون می‌آمد، دوست می‌داشت که این نقل مکان در شب جمعه باشد.

و امام صادق عليه‌السلام فرمود: همانا خداوند از هر چیز، چیزی را برگزید و از روزها، روز جمعه را برگزید.

۴ ـ عبداللّه بن سنان گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

السَّاعَةُ الَّتِي يُسْتَجَابُ فِيهَا الدُّعَاءُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ: مَا بَيْنَ فَرَاغِ الْإِمَامِ مِنَ الْخُطْبَةِ إِلَى أَنْ يَسْتَوِيَ النَّاسُ فِي الصُّفُوفِ، وَ سَاعَةٌ أُخْرَى مِنْ آخِرِ النَّهَارِ إِلَى غُـرُوبِ الشَّمْسِ.

۵ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه‌السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله:

إِنَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ سَيِّدُ الْأَيَّامِ يُضَاعِفُ اللهَ فِيهِ الْحَسَنَاتِ وَ يَمْحُو فِيهِ السَّيِّئَاتِ وَ يَرْفَعُ فِيهِ الدَّرَجَاتِ، وَ يَسْتَجِيبُ فِيهِ الدَّعَوَاتِ، وَ يَكْشِفُ فِيهِ الْكُرُبَاتِ، وَ يَقْضِي فِيهِ الْحَوَائِجَ الْعِظَامَ، وَ هُوَ يَوْمُ الْمَزِيدِ لِلَّهِ فِيهِ عُتَقَاءُ وَ طُلَقَاءُ مِنَ النَّارِ مَا دَعَا بِـهِ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ، وَ قَدْ عَرَفَ حَقَّهُ وَ حُرْمَتَهُ إِلَّا كَانَ حَـقّاً عَـلَى اللهِ عَـزَّ وَ جَـلَّ أَنْ يَجْعَلَهُ مِنْ عُتَقَائِهِ وَ طُلَقَائِهِ مِنَ النَّارِ، فَإِنْ مَاتَ فِي يَوْمِهِ وَ لَيْلَتِهِ مَاتَ شَهِيداً وَ بُعِثَ آمِناً، وَ مَا اسْتَخَفَّ أَحَدٌ بِحُرْمَتِهِ وَ ضَيَّعَ حَقَّهُ إِلَّا كَانَ حَقّاً عَلَى اللهِ عَزَّ وَ جَـلَّ أَنْ يُصْلِيَهُ نَارَ جَهَنَّمَ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ.

ساعتی که در روز جمعه دعا در آن مستجاب می‌شود (دو ساعت است): یکی زمان پایان خطبه توسط امام جمعه تا وقتی که مردم در صف‌های نماز بایستند و ساعت دیگر از آخر روز تا هنگام غروب آفتاب است.

۵ ـ ابن ابی‌نصر گوید: امام رضا عليه‌السلام فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرموده است:

همانا روز جمعه، سَروَر روزهاست که خداوند در این روز، به پاداش اعمال بندگان می‌افزاید، گناهان را محو می‌کند، درجات را بالا می برد، دعاها را مستجاب می‌کند، اندوه‌ها را برطرف می‌سازد و حاجت‌های بزرگ را بر می‌آورد. این روز، روزی است که خداوند بر آزادگان و رهاشدگان از آتش دوزخ می‌افزاید. و هر فردی که در این روز با شناخت حقّ و حرمت دعا، خدا را فراخواند بر خداوند لازم است که او را از آزادگان و رهاشدگان از آتش دوزخ قرار دهد، و اگر در روز و شب جمعه بمیرد، شهید مرده است و در روز رستاخیز از عذاب دوزخ ایمن محشور خواهد شد، و هرکه حرمت آن را سبک شمارد و حقوق آن را ضایع کند بر خداوند عزّوجلّ لازم است که او را در آتش اندازد، مگر آن که توبه کند.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ لِلْجُمُعَةِ حَقّاً وَ حُرْمَةً فَإِيَّاكَ أَنْ تُضَيِّعَ أَوْ تُقَصِّرَ فِي شَيْءٍ مِنْ عِبَادَةِ اللهِ، وَالتَّقَرُّبِ إِلَيْهِ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ وَ تَرْكِ الْمَحَارِمِ كُلِّهَا، فَإِنَّ اللهَ يُضَاعِفُ فِيهِ الْحَسَنَاتِ وَ يَمْحُو فِيهِ السَّيِّئَاتِ وَ يَرْفَعُ فِيهِ الدَّرَجَاتِ.

قَالَ: وَ ذَكَرَ أَنَّ يَوْمَهُ مِثْلُ لَيْلَتِهِ، فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تُحْيِيَهَا بِالصَّلَاةِ وَ الدُّعَاءِ فَافْعَلْ، فَإِنَّ رَبَّكَ يَنْزِلُ فِي أَوَّلِ لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ إِلَى سَمَاءِ الدُّنْيَا فَيُضَاعِفُ فِيهِ الْحَسَنَاتِ، وَ يَمْحُو فِيهِ السَّيِّئَاتِ، وَ إِنَّ اللهَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ.

٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ لَهُ رَجُلٌ: كَيْفَ سُمِّيَتِ الْجُمُعَةُ؟

---

۶ ـ ابان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

همانا برای جمعه، حقّ و حرمتی است. پس، بر حذر باش از این که آن را ضایع کنی، یا در چیزی از عبادت خداوند و تقرّب و نزدیکی به او با عمل صالح و ترک همهٔ گناهان، کوتاهی کنی؛ زیرا خداوند در این روز، به پاداش اعمال می‌افزاید، گناهان را محو و نابود می‌کند و درجات را بالا می‌برد.

راوی گوید: هم چنین حضرتش یادآوری فرمود: فضیلت روز جمعه، به سان شب آن است و اگر بتوانی شب آن را با نماز و دعا زنده داری، چنین کن؛ زیرا که مشیّت خداوندی در اوّل شب جمعه به آسمان دنیا فرود می‌آید و به پاداش اعمال را می‌افزاید، گناهان را در آن محو و نابود می‌سازد و به راستی خداوند عطا کنندهٔ فراگیر کریم است.

۷ ـ ابوحمزه گوید: شخصی به امام باقر عليه السلام عرض کرد: چگونه این روز، جمعه نامیده شد؟

قَالَ: إِنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَمَعَ فِيهَا خَلْقَهُ لِوَلَايَةِ مُحَمَّدٍ وَ وَصِيِّهِ فِي الْمِيثَاقِ، فَسَمَّاهُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، لِجَمْعِهِ فِيهِ خَلْقَهُ.

٨ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: سُئِلَ عَنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَ لَيْلَتِهَا.

فَقالَ: لَيْلَتُهَا غَرَّاءُ، وَ يَوْمُهَا يَوْمٌ زَاهِرٌ، وَ لَيْسَ عَلَى الْأَرْضِ يَوْمٌ تَغْرُبُ فِيهِ الشَّمْسُ أَكْثَرَ مُعَافًى مِنَ النَّارِ مِنْهُ، مَنْ مَاتَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ عَارِفاً بِحَقِّ أَهْلِ هَذَا الْبَيْتِ كَتَبَ اللهُ لَهُ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ، وَ بَرَاءَةً مِنَ الْعَذَابِ، وَ مَنْ مَاتَ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ أُعْتِقَ مِنَ النَّارِ.

٩ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

فَضَّلَ اللهُ الْجُمُعَةَ عَلَى غَيْرِهَا مِنَ الْأَيَّامِ، وَ إِنَّ الْجِنَانَ لَتُزَخْرَفُ وَ تُزَيَّنُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ لِمَنْ أَتَاهَا، وَ إِنَّكُمْ تَتَسَابَقُونَ إِلَى الْجَنَّةِ عَلَى قَدْرِ سَبْقِكُمْ إِلَى الْجُمُعَةِ، وَ إِنَّ أَبْوَابَ السَّمَاءِ لَتُفَتَّحُ لِصُعُودِ أَعْمَالِ الْعِبَادِ.

فرمود: همانا خداوند عزّ و جلّ در روز پیمان همهٔ مخلوقات را برای تصدیق ولایت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و وصیّ بزرگوارش صلوات اللّه علیه جمع کرد، و به خاطر همین جمع کردن مخلوقات در آن روز، آن را جمعه نامید.

٨ ـ جابر گوید: از امام باقر عليه السلام دربارهٔ روز جمعه و شب آن سؤال کردند؟

فرمود: شب جمعه، شبی است نورانی و روز جمعه، روزی درخشان است و بر روی زمین، روزی نیست که آفتاب در آن غروب کند و بیش از جمعه انسان‌ها از آتش بخشوده شوند، و هر کس در روز جمعه وفات یابد در حالی که حقّ این اهل بیت عليهم السلام را بشناسد، خداوند برایش برائت از دوزخ خواهد نوشت، و هر کس در شب جمعه بمیرد، از آتش دوزخ آزاد خواهد شد.

٩ ـ عبداللّه بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

خداوند روز جمعه را بر روزهای دیگر فضیلت و برتری بخشید، همانا بهشت در روز جمعه برای کسی که به نماز جمعه می‌آید، زینت و آراسته می‌شود، و شما به هر اندازه‌ای که برای نماز جمعه از یکدیگر پیشی می‌گیرید، همان اندازه در رسیدن به بهشت پیشی خواهید گرفت، و (در آن روز) درهای آسمان برای بالا رفتن اعمال بندگان گشوده می‌شود.

۱۰ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: قَوْلُ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿فَاسْعَوْا إِلىٰ ذِكْرِ اللّٰهِ﴾.

قَالَ: اعْمَلُوا وَ عَجِّلُوا، فَإِنَّهُ يَوْمٌ مُضَيَّقٌ عَلَى الْمُسْلِمِينَ فِيهِ، وَ ثَوَابُ أَعْمَالِ الْمُسْلِمِينَ فِيهِ عَلَى قَدْرِ مَا ضُيِّقَ عَلَيْهِمْ وَ الْحَسَنَةُ وَ السَّيِّئَةُ تُضَاعَفُ فِيهِ.

قَالَ: وَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: وَ اللهِ! لَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ أَصْحَابَ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله كَانُوا يَتَجَهَّزُونَ لِلْجُمُعَةِ يَوْمَ الْخَمِيسِ، لِأَنَّهُ يَوْمٌ مُضَيَّقٌ عَلَى الْمُسْلِمِينَ.

۱۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبِلاَدِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام ـ أَوْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام ـ قَالَ:

مَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ بِيَوْمٍ أَفْضَلَ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ، وَ إِنَّ كَلاَمَ الطَّيْرِ فِيهِ إِذَا الْتَقَى بَعْضُهَا بَعْضاً: سَلاَمٌ سَلاَمٌ، يَوْمٌ صَالِحٌ.

---

۱۰ ـ جابر بن یزید گوید: از امام باقر عليه السلام دربارهٔ گفتار خداوند عزّ و جلّ که می‌فرماید: «بشتابید به سوی ذکر خدا» پرسیدم. فرمود:

عمل کنید و شتاب نمایید؛ زیرا جمعه، روزی است که بر مسلمانان تنگ گرفته شده است، و پاداش اعمال مسلمانان در روز جمعه به اندازه‌ای که برایشان تنگ گرفته شده است، و پاداش کار خوب و بد در این روز چند برابر محسوب می‌شود.

راوی گوید: هم چنین حضرتش فرمود: به خدا سوگند! به من خبر رسیده که اصحاب پیامبر صلى الله عليه و آله از روز پنجشنبه برای جمعه مهیّا می‌شدند؛ زیرا جمعه، روزی است که بر مسلمانان تنگ گرفته می‌شود.

۱۱ ـ راوی گوید: امام باقر یا امام صادق عليهما السلام فرمود:

آفتاب در هیچ روزی طلوع نکرده است که بهتر از روز جمعه باشد.

همانا سخن پرندگان در این روز به هنگام دیدار با یکدیگر «سلام بر شما باد، سلام بر شما باد» است، که روزی نیک است.

۱۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: السَّاعَةُ الَّتِي فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ الَّتِي لَا يَدْعُو فِيهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتُجِيبَ لَهُ.

قَالَ: نَعَمْ، إِذَا خَرَجَ الْإِمَامُ.

قُلْتُ: إِنَّ الْإِمَامَ يُعَجِّلُ وَ يُؤَخِّرُ.

قَالَ: إِذَا زَاغَتِ الشَّمْسُ.

۱۳ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُذَافِرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

يَا عُمَرُ! إِنَّهُ إِذَا كَانَ لَيْلَةُ الْجُمُعَةِ نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَلَائِكَةٌ بِعَدَدِ الذَّرِّ فِي أَيْدِيهِمْ أَقْلَامُ الذَّهَبِ وَ قَرَاطِيسُ الْفِضَّةِ لَا تَكْتُبُونَ إِلَى لَيْلَةِ السَّبْتِ إِلَّا الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام فَأَكْثِرْ مِنْهَا.

وَ قَالَ: يَا عُمَرُ! إِنَّ مِنَ السُّنَّةِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ فِي كُلِّ يَوْمِ جُمُعَةٍ أَلْفَ مَرَّةٍ وَ فِي سَائِرِ الْأَيَّامِ مِائَةَ مَرَّةٍ.

---

۱۲ ـ معاوية بن عمّار گويد: به امام صادق عليه السلام گفتم: آيا ساعتی در روز جمعه هست كه مؤمن دعا نكند مگر آن كه دعای او مستجاب شود؟

فرمود: آری، آن‌گاه كه امام جمعه (از خانهٔ خود به سوی مسجد) خارج می‌شود.

عرض كردم: امام جمعه گاهی زود و گاهی دير خارج می‌شود.

فرمود: وقتی كه ظهر شود.

۱۳ ـ عمر بن يزيد گويد: امام صادق عليه السلام به من فرمود:

ای عمر! آن‌گاه كه روز جمعه فرا رسد، فرشتگان به شمار مورچگان از آسمان فرود می‌آيند و در دست‌های آنان قلم‌های زرّين و كاغذهای سيمين است و تا شب شنبه چيزی جز صلوات بر محمّد و آل محمّد ـ صلی اللّٰه عليه و عليهم ـ نمی‌نويسند. پس بسيار صلوات بفرست.

هم چنين فرمود: ای عمر! سنّت است كه در روز جمعه بر محمّد و خاندان او هزار بار و در روزهای ديگر صد بار صلوات بفرستی.

۱٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَخِيهِ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: بَلَغَنِي أَنَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَقْصَرُ الْأَيَّامِ.

قَالَ: كَذَلِكَ هُوَ.

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! كَيْفَ ذَاكَ؟

قَالَ: إِنَّ اللهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَجْمَعُ أَرْوَاحَ الْمُشْرِكِينَ تَحْتَ عَيْنِ الشَّمْسِ، فَإِذَا رَكَدَتِ الشَّمْسُ عَذَّبَ اللهُ أَرْوَاحَ الْمُشْرِكِينَ بِرُكُودِ الشَّمْسِ سَاعَةً، فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْجُمُعَةِ لَا يَكُونُ لِلشَّمْسِ رُكُودٌ رَفَعَ اللهُ عَنْهُمُ الْعَذَابَ لِفَضْلِ يَوْمِ الْجُمُعَةِ، فَلَا يَكُونُ لِلشَّمْسِ رُكُودٌ.

(٦٧)
بَابُ التَّزَيُّنِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ عَنْ هِشَامِ ابْنِ الْحَكَمِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

---

۱۴ ـ محمّد بن اسماعیل بن بزیع گوید: به امام رضا عليه السلام عرض کردم: به من رسیده است که روز جمعه، کوتاهترین روزهاست.

فرمود: همین طور است.

عرض کردم: قربانت گردم! چگونه؟

فرمود: خداوند تبارک و تعالی تمام ارواح شرک ورزان را در زیر چشمهٔ آفتاب جمع می‌کند، هنگامی که آفتاب به نصف النهار برسد، به درنگ کردن آفتاب یک ساعت آن ارواح را عذاب می‌نماید، و چون روز جمعه شود، برای آفتاب درنگی نخواهد بود و به سبب فضیلت روز جمعه، عذاب را از آنان برطرف می‌سازد. پس در این روز، برای آفتاب درنگی نخواهد بود.

بخش شصت و هفتم
آراستن در روز جمعه

۱ ـ هشام بن حکم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

لِيَتَزَيَّنْ أَحَدُكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ يَغْتَسِلُ وَ يَتَطَيَّبُ وَ يُسَرِّحُ لِحْيَتَهُ وَ يَلْبَسُ أَنْظَفَ ثِيَابِهِ وَ لْيَتَهَيَّأْ لِلْجُمُعَةِ، وَ لْيَكُنْ عَلَيْهِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ السَّكِينَةُ وَ الْوَقَارُ، وَ لْيُحْسِنْ عِبَادَةَ رَبِّهِ، وَ لْيَفْعَلِ الْخَيْرَ مَا اسْتَطَاعَ، فَإِنَّ اللهَ يَطَّلِعُ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ لِيُضَاعِفَ الْحَسَنَاتِ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُصَيْنِ عَنْ عُمَرَ الْجُرْجَانِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

مَنْ أَخَذَ مِنْ شَارِبِهِ وَ قَلَّمَ مِنْ أَظْفَارِهِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ. ثُمَّ قَالَ: «بِسْمِ اللهِ عَلَى سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» كَتَبَ اللهُ لَهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ وَ كُلِّ قُلَامَةٍ عِتْقَ رَقَبَةٍ، وَ لَمْ يَمْرَضْ مَرَضاً يُصِيبُهُ إِلَّا مَرَضَ الْمَوْتِ.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

هر کدام از شما بایستی در روز جمعه خود را بیاراید، غسل جمعه کند، بوی خوش استعمال نماید و محاسن را شانه زند، پاکیزه‌ترین لباس‌های خود را بر تن نماید و با چنین آراستگی خود را برای برگزاری نماز جمعه آماده سازد. باید در آن روز آرامش و متانت بر حرکات او، و اطمینان خاطر سکون بر اندیشه و روانش حکم‌فرما باشد و عبادت پروردگارش را نیکو به جای آورد و تا آن جا که در توان دارد، اعمال خیر انجام دهد، چرا که خداوند نظر (لطف) خویش را بر زمینیان می‌افکند تا حسنات را دو چندان سازد.

۲ ـ محمّد بن علاء گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

هر که در هر جمعه سبیل خویش را کوتاه کند و ناخن‌های خود را برگیرد، سپس بگوید: «بسم اللّه علی سنّة محمّد و آل محمّد» خداوند به تعداد موها و ریزه‌های ناخن، برای او پاداش رهایی بنده را بنویسد، و به هیچ بیماری، جز آن بیماری در آن از دنیا برود، مبتلا نمی‌شود.

۳ ـ منصور بن حازم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

اَلْغُسْلُ يَوْمَ اَلْجُمُعَةِ عَلَى الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ فِي اَلْحَضَرِ، وَ عَلَى الرِّجَالِ فِي السَّفَرِ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه‌السلام:

لَا تَدَعِ اَلْغُسْلَ يَوْمَ اَلْجُمُعَةِ، فَإِنَّهُ سُنَّةٌ وَ شَمَّ الطِّيبَ، وَ اَلْبَسْ صَالِحَ ثِيَابِكَ، وَلْيَكُنْ فَرَاغُكَ مِنَ اَلْغُسْلِ قَبْلَ الزَّوَالِ، فَإِذَا زَالَتْ فَقُمْ وَ عَلَيْكَ السَّكِينَةَ وَ اَلْوَقَارَ.

وَ قَالَ: اَلْغُسْلُ وَاجِبٌ يَوْمَ اَلْجُمُعَةِ.

٥ ـ عَلِيٌّ عَنْ أَخِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ اَلْخَالِقِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ طَلْحَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ:

أَخْذُ الشَّارِبِ وَ اَلْأَظْفَارِ وَ غَسْلُ الرَّأْسِ بِالْخِطْمِيِّ يَوْمَ اَلْجُمُعَةِ يَنْفِي اَلْفَقْرَ وَيَزِيدُ فِي الرِّزْقِ.

غسل روز جمعه بر مردان و زنان در حضر و در سفر فقط بر مردان واجب است.

۴ ـ زراره گوید: امام باقر عليه‌السلام فرمود:

غسل روز جمعه را ترک مکن؛ زیرا سنّت رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله است. در آن روز بوی خوش استشمام کن و بهترین لباس‌هایت را بپوش. بایستی پیش از ظهر غسل را به پایان برسانی، و چون ظهر فرا رسید (برای رفتن به نماز جمعه) برخیز و با آرامش، وقار و بردباری حرکت کن.

هم چنین فرمود: غسل روز جمعه واجب است.

۵ ـ محمّد بن طلحه گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

کوتاه کردن شارب و ناخن‌ها و شستن سر با (برگ یا گل) خطمی در روز جمعه، فقر و ناداری را برطرف و روزی را زیادی می‌نماید.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ أَخَذَ مِنْ شَارِبِهِ وَ قَلَّمَ مِنْ أَظْفَارِهِ وَ غَسَلَ رَأْسَهُ بِالْخِطْمِيِّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ كَانَ كَمَنْ أَعْتَقَ نَسَمَةً.

٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

أَخْذُ الشَّارِبِ وَ الْأَظْفَارِ مِنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ أَمَانٌ مِنَ الْجُذَامِ.

٨ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ وَ الْفُضَيْلِ قَالَا: قُلْنَا لَهُ: أَ يُجْزِئُ إِذَا اغْتَسَلْتُ بَعْدَ الْفَجْرِ لِلْجُمُعَةِ؟

قَالَ: نَعَمْ.

٩ ـ حَمَّادٌ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

---

۶ ـ عبداللّه بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر کس در روز جمعه شارب خود را کوتاه کند و ناخن‌های خود را برگیرد و سر خود را با خطمی شست و شو دهد، همانند کسی است که بنده آزاد کند.

۷ ـ حفص بن بختری گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

کوتاه کردن شارب و ناخن‌ها از جمعه تا جمعه دیگر موجب ایمنی از بیماری جذام می‌شود.

۸ ـ زراره و فضیل گویند: به امام عليه السلام عرض کردیم: هر گاه بعد از طلوع فجر غسل کنم، آیا برای جمعه کفایت می‌کند؟

فرمود: آری.

۹ ـ یکی از اصحاب ما گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

لَا بُدَّ مِنْ غُسْلِ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فِي الْحَضَرِ وَ السَّفَرِ، فَمَنْ نَسِيَ فَلْيُعِدْ مِنَ الْغَدِ.
وَ رُوِيَ: فِيهِ رُخْصَةٌ لِلْعَلِيلِ.

۱۰ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:
غَسْلُ الرَّأْسِ بِالْخِطْمِيِّ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ أَمَانٌ مِنَ الْبَرَصِ وَ الْجُنُونِ.

(٦٨)
بَابُ وُجُوبِ الْجُمُعَةِ وَ عَلَى كَمْ تَجِبُ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

غسل روز جمعه در سفر و حضر ضروری است، هر که فراموش کرد باید فردایش اعاده کند.

روایت شده است: برای بیمار از این غسل رخصتی داده شده است.

۱۰ ـ ابن بکیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
شستن سر با (برگ یا گل) خطمی موجب ایمنی از پیسی و دیوانگی است.

بخش شصت و هشتم
وجوب نماز جمعه و این که با چند نفر نماز جمعه واجب می‌شود؟

۱ ـ ابو بصیر و محمّد بن مسلم گویند: امام صادق عليه السلام فرمود:

إِنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَرَضَ فِي كُلِّ سَبْعَةِ أَيَّامٍ خَمْساً وَ ثَلاَثِينَ صَلاَةً مِنْهَا صَلاَةٌ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَشْهَدَهَا إِلَّا خَمْسَةً: الْمَرِيضَ وَ الْمَمْلُوكَ وَ الْمُسَافِرَ وَ الْمَرْأَةَ وَ الصَّبِيَّ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

تَجِبُ الْجُمُعَةُ عَلَى مَنْ كَانَ مِنْهَا عَلَى فَرْسَخَيْنِ.

۳ ـ عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنِ ابْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الْجُمُعَةِ.

فَقَالَ: تَجِبُ عَلَى مَنْ كَانَ مِنْهَا عَلَى رَأْسِ فَرْسَخَيْنِ، فَإِذَا زَادَ عَلَى ذَلِكَ فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.

٤ ـ عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ:

همانا خداوند عزّوجلّ در هر هفت شبانه روز، سی و پنج نماز، واجب کرده است. از میان آن‌ها یک نماز است (جمعه) که بر هر مسلمانی واجب است که در هنگام برگزاری آن حضور داشته باشد، مگر پنج نفر (که از آنان ساقط شده است): بیمار، بنده، مسافر، زن و کودک.

۲ ـ ابو بصیر و محمّد بن مسلم گویند: امام باقر عليه السلام فرمود:

نماز جمعه بر هر کسی که تا دو فرسخی از محلّ اقامهٔ نماز سکونت داشته باشد، واجب است.

۳ ـ محمّد بن مسلم گوید: از امام صادق عليه السلام دربارهٔ وجوب نماز جمعه سؤال کردم.

فرمود: بر هر کسی که در دو فرسخی از محلّ اقامهٔ نماز سکونت داشته باشد، واجب است، و اگر بیشتر از آن باشد، چیزی بر عهدهٔ او نیست.

۴ ـ زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

لَا تَكُونُ الْخُطْبَةُ وَ الْجُمُعَةُ وَ صَلَاةُ رَكْعَتَيْنِ عَلَى أَقَلَّ مِنْ خَمْسَةِ رَهْطٍ الْإِمَامِ وَ أَرْبَعَةٍ.

٥ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

أَدْنَى مَا يُجْزِئُ فِي الْجُمُعَةِ سَبْعَةٌ، أَوْ خَمْسَةٌ أَدْنَاهُ.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ وَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

فَرَضَ اللهُ عَلَى النَّاسِ مِنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ خَمْساً وَ ثَلَاثِينَ صَلَاةً مِنْهَا صَلَاةٌ وَاحِدَةٌ فَرَضَهَا اللهُ فِي جَمَاعَةٍ وَ هِيَ الْجُمُعَةُ وَ وَضَعَهَا عَنْ تِسْعَةٍ عَنِ الصَّغِيرِ وَ الْكَبِيرِ وَ الْمَجْنُونِ وَ الْمُسَافِرِ وَ الْعَبْدِ وَ الْمَرْأَةِ وَ الْمَرِيضِ وَ الْأَعْمَى وَ مَنْ كَانَ عَلَى رَأْسِ فَرْسَخَيْنِ.

٧ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

خطبه نماز جمعه و دو رکعت نماز بر کمتر از پنج نفر صحیح نیست که یکی از آن‌ها امام و چهار نفر دیگر مأموم باشند.

۵ ـ ابو العبّاس گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

کمترین تعدادی که در نماز جمعه کفایت می‌کند، هفت ـ یا پنج ـ نفر است که این، کمترین آن است.

۶ ـ زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

خداوند از هر جمعه تا جمعهٔ دیگر، سی و پنج نماز بر مردم واجب فرموده است و از میان نمازها، تنها یک نماز است که خداوند واجب گردانیده که به جماعت برگزار می‌شود و آن، نماز جمعه است و آن را از نُه گروه ساقط فرموده که عبارتند از: کودک، سالخورده، دیوانه، مسافر، بنده، زن، بیمار، نابینا و کسی که در دو فرسخی محل اقامهٔ آن باشد.

۷ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

يَكُونُ بَيْنَ الْجَمَاعَتَيْنِ ثَلاَثَةُ أَمْيَالٍ يَعْنِي لَا يَكُونُ جُمُعَةٌ إِلَّا فِيما بَيْنَهُ وَ بَيْنَ ثَلاَثَةِ أَمْيَالٍ وَ لَيْسَ تَكُونُ جُمُعَةٌ إِلَّا بِخُطْبَةٍ.

قَالَ: فَإِذَا كَانَ بَيْنَ الْجَمَاعَتَيْنِ فِي الْجُمُعَةِ ثَلاَثَةُ أَمْيَالٍ، فَلاَ بَأْسَ بِأَنْ يُجَمِّعَ هَؤُلَاءِ وَ يُجَمِّعَ هَؤُلَاءِ.

(٦٩)

بَابُ وَقْتِ صَلاَةِ الْجُمُعَةِ وَ وَقْتِ صَلاَةِ الْعَصْرِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ رِبْعِيّ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ جَمِيعاً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

وَقْتُ الظُّهْرِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ حِينَ تَزُولُ الشَّمْسُ.

٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

میان دو نماز جمعه باید سه میل (یک فرسخ) فاصله باشد، یعنی نماز درست نیست مگر در مسافتی که میان دو نماز، سه میل فاصله باشد، و نماز جمعه جز با خطبه برگزار نمی‌شود.

حضرتش فرمود: پس بنابر این، اگر در میان دو جماعت در جمعه، سه میل فاصله باشد، اشکالی ندارد که آن جماعت در نماز جمعهٔ خود حضور یابند و جماعت دیگر نیز در نماز جمعهٔ خود حاضر شوند.

بخش شصت و نهم
وقت نماز جمعه و وقت نماز عصر در روز جمعه

۱ ـ سماعه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: وقت ظهر در روز جمعه، هنگام زوال آفتاب است.

۲ ـ عبداللّه بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَابْدَأْ بِالْمَكْتُوبَةِ.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ السِّمْطِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ وَقْتِ صَلاَةِ الْعَصْرِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ.

فَقَالَ: فِي مِثْلِ وَقْتِ الظُّهْرِ فِي غَيْرِ يَوْمِ الْجُمُعَةِ

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الصَّلاَةِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ.

فَقَالَ: نَزَلَ بِهَا جَبْرَئِيلُ عليه السلام مُضَيَّقَةً إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ فَصَلِّهَا.

قَالَ: قُلْتُ: إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ صَلَّيْتُ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ صَلَّيْتُهَا.

فَقَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام: أَمَّا أَنَا إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ لَمْ أَبْدَأْ بِشَيْءٍ قَبْلَ الْمَكْتُوبَةِ.

قَالَ الْقَاسِمُ: وَكَانَ ابْنُ بُكَيْرٍ يُصَلِّي الرَّكْعَتَيْنِ وَهُوَ شَاكٌّ فِي الزَّوَالِ، فَإِذَا اسْتَيْقَنَ الزَّوَالَ بَدَأَ بِالْمَكْتُوبَةِ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ.

هرگاه در روز جمعه، زوال آفتاب شد، نماز واجب را آغاز کن.

۳ـ سفیان بن سمط گوید: از امام صادق عليه السلام دربارهٔ وقت نماز عصر در روز جمعه سؤال کردم.

فرمود: همانند وقت نماز ظهر در روزهای دیگر است.

۴ ـ محمّد بن ابی عمیر گوید: از امام صادق عليه السلام دربارهٔ نماز روز جمعه پرسیدم.

فرمود: جبرئیل عليه السلام آن را فرود آورده است در حالی که وقت آن تنگ است، و چون زوال آفتاب شود، آن را به جا آور.

راوی گوید: عرض کردم: چون زوال آفتاب شود، دو رکعت نافله می‌خوانم، سپس آن را به جا می‌آورم.

امام صادق عليه السلام فرمود: ولی من به هنگام زوال آفتاب، پیش از نماز واجب چیزی شروع نمی‌کنم.

قاسم گوید: ابن بکیر چون در زوال آفتاب شکّ داشت، دو رکعت نافله می‌گزارد و وقتی که در روز جمعه به زوال یقین می‌کرد، شروع به انجام فریضه می‌نمود.

(۷۰)

بَابُ تَهْيِئَةِ الْإِمَامِ لِلْجُمُعَةِ وَ خُطْبَتِهِ وَ الْإِنْصَاتِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام.

يَنْبَغِي لِلْإِمَامِ الَّذِي يَخْطُبُ النَّاسَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَنْ يَلْبَسَ عِمَامَةً فِي الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ وَ يَتَرَدَّى بِبُرْدٍ يَمَنِيٍّ أَوْ عَدَنِيٍّ وَ يَخْطُبَ وَ هُوَ قَائِمٌ يَحْمَدُ اللهَ وَ يُثْنِي عَلَيْهِ، ثُمَّ يُوصِي بِتَقْوَى اللهِ وَ يَقْرَأُ سُورَةً مِنَ الْقُرْآنِ صَغِيرَةً ثُمَّ يَجْلِسُ، ثُمَّ يَقُومُ فَيَحْمَدُ اللهَ وَ يُثْنِي عَلَيْهِ وَ يُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله وَ عَلَى أَئِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَ يَسْتَغْفِرُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ.

فَإِذَا فَرَغَ مِنْ هَذَا أَقَامَ الْمُؤَذِّنُ فَصَلَّى بِالنَّاسِ رَكْعَتَيْنِ يَقْرَأُ فِي الْأُولَى بِسُورَةِ الْجُمُعَةِ، وَ فِي الثَّانِيَةِ بِسُورَةِ الْمُنَافِقِينَ.

بخش هفتادم

مهيّا شدن امام جمعه برای نماز جمعه، خطبهٔ جمعه و سکوت مردم برای شنیدن آن

۱ ـ سماعه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

شایسته است امام جمعه به هنگام ایراد خطبه در زمستان و تابستان عمامه بر سر نهد و برد یمنی یا عدنی را ردای خود سازد، و ایستاده خطبه بخواند، خدا را حمد و سپاس گوید و بر او ثنا گوید، سپس مردم را به تقوا و پرهیزگاری سفارش نماید و سورهٔ کوچکی از قرآن کریم بخواند، آن‌گاه بنشیند، سپس برخیزد و حمد خدا و ثنای او گوید و بر محمّد صلى الله عليه وآله و بر پیشوایان مسلمانان درود فرستد و بر زن و مرد مؤمن طلب بخشش و آمرزش کند.

وقتی خطبه به پایان رسید، مؤذّن اقامه گوید، و امام جمعه با مردم دو رکعت نماز به جا می‌آورد که در رکعت نخست سورهٔ جمعه و در رکعت دوم سورهٔ منافقین را بخواند.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلاَءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا خَطَبَ الْإِمَامُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَلاَ يَنْبَغِي لِأَحَدٍ أَنْ يَتَكَلَّمَ حَتَّى يَفْرُغَ الْإِمَامُ مِنْ خُطْبَتِهِ، وَ إِذَا فَرَغَ الْإِمَامُ مِنَ الْخُطْبَتَيْنِ تَكَلَّمَ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ أَنْ تُقَامَ الصَّلاَةُ، فَإِنْ سَمِعَ الْقِرَاءَةَ أَوْ لَمْ يَسْمَعْ أَجْزَأَهُ.

۳ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي مَرْيَمَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ خُطْبَةِ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله أَ قَبْلَ الصَّلاَةِ أَوْ بَعْدُ؟

فَقَالَ: قَبْلَ الصَّلاَةِ، يَخْطُبُ ثُمَّ يُصَلِّي.

۴ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الصَّلاَةِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ.

---

۲ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

آن‌گاه که امام جمعه در روز جمعه خطبه می‌خواند، برای هیچ کس شایسته نیست که سخن بگوید، تا این که خطبهٔ امام پایان پذیرد، وقتی دو خطبه پایان یافت، تا زمانی که اقامهٔ نماز می‌شود، می‌توان سخن گفت و اگر مأموم در حال نماز، قرائت را بشنود یا نشنود، برای نمازگزار کفایت می‌کند.

۳ ـ ابو مریم گوید: از امام باقر عليه السلام در مورد خطبهٔ رسول خدا صلى الله عليه وآله (در نماز جمعه) پرسیدم که آیا پیش از نماز بوده یا بعد آن؟

فرمود: حضرتش پیش از نماز خطبه می‌خواند، سپس نماز می‌گزارد.

۴ ـ سماعه گوید: از امام صادق عليه السلام دربارهٔ نماز روز جمعه سؤال کردم.

فَقالَ: أَمَّا مَعَ الْإِمَامِ فَرَكْعَتَانِ، وَ أَمَّا مَنْ يُصَلِّي وَحْدَهُ فَهِيَ أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ بِمَنْزِلَةِ الظُّهْرِ يَعْنِي إِذَا كَانَ إِمَامٌ يَخْطُبُ، فَأَمَّا إِذَا لَمْ يَكُنْ إِمَامٌ يَخْطُبُ فَهِيَ أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ وَإِنْ صَلَّوْا جَمَاعَةً.

٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْخَزَّازِ عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عليهما السلام قَالَ:

الْأَذَانُ الثَّالِثُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ بِدْعَةٌ.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي خُطْبَةِ يَوْمِ الْجُمُعَةِ:

الْخُطْبَةُ الْأُولَى: الْحَمْدُ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَ نَسْتَعِينُهُ وَ نَسْتَغْفِرُهُ وَ نَسْتَهْدِيهِ وَ نَعُوذُ بِاللهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَ مِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا مَنْ يَهْدِي اللهُ فَلاَ مُضِلَّ لَهُ وَ مَنْ يُضْلِلْ فَلاَ هَادِيَ لَهُ.

فرمود: اگر نماز جمعه با امام جمعه اقامه شود، دو رکعت است؛ ولی اگر کسی به تنهایی نماز بخواند، همان نیز چهار رکعت به منزلهٔ نماز ظهر است؛ یعنی اگر امامی باشد که خطبه بخواند (دو رکعت است)، ولی اگر امامی نباشد که خطبه بخواند، چهار رکعت است، هر چند که نماز را با جماعت به جا آورد.

۵ـحفص بن غیاث گوید: امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش امام باقر عليه السلام نقل کرد که فرمود: اذان سوم در روز جمعه، بدعت است.

۶ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام خطبهٔ روز جمعه؛ خطبهٔ نخست چنین بیان فرمود: تمام ستایش‌ها از آن خداست که او را حمد و ثنا می‌گوییم و از او کمک خواسته و آمرزش می‌طلبیم و هدایت می‌خواهیم و از بدی‌های نفس و خطاهای اعمال به خداوند پناه می‌بریم. هر کسی را که خداوند هدایت فرماید گمراه کننده‌ای برایش نخواهد بود، و هر کسی را که گمراه فرماید، او را هدایت‌کننده‌ای نخواهد بود.

وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ انْتَجَبَهُ لِوَلَايَتِهِ وَ اخْتَصَّهُ بِرِسَالَتِهِ وَ أَكْرَمَهُ بِالنُّبُوَّةِ أَمِيناً عَلَى غَيْبِهِ وَ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

أُوصِيكُمْ عِبَادَ اللهِ بِتَقْوَى اللهِ وَ أُخَوِّفُكُمْ مِنْ عِقَابِهِ، فَإِنَّ اللهَ يُنْجِي مَنِ اتَّقَاهُ بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ وَ يُكْرِمُ مَنْ خَافَهُ يَقِيهِمْ شَرَّ مَا خَافُوا وَ يُلَقِّيهِمْ نَضْرَةً وَ سُرُوراً وَ أُرَغِّبُكُمْ فِي كَرَامَةِ اللهِ الدَّائِمَةِ، وَ أُخَوِّفُكُمْ عِقَابَهُ الَّذِي لَا انْقِطَاعَ لَهُ وَ لَا نَجَاةَ لِمَنِ اسْتَوْجَبَهُ، فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الدُّنْيَا وَ لَا تَرْكَنُوا إِلَيْهَا، فَإِنَّهَا دَارُ غُرُورٍ كَتَبَ اللهُ عَلَيْهَا وَ عَلَى أَهْلِهَا الْفَنَاءَ.

فَتَزَوَّدُوا مِنْهَا الَّذِي أَكْرَمَكُمُ اللهُ بِهِ مِنَ التَّقْوَى وَ الْعَمَلِ الصَّالِحِ، فَإِنَّهُ لَا يَصِلُ إِلَى اللهِ مِنْ أَعْمَالِ الْعِبَادِ إِلَّا مَا خَلَصَ مِنْهَا وَ لَا يَتَقَبَّلُ اللهُ إِلَّا مِنَ الْمُتَّقِينَ، وَ قَدْ أَخْبَرَكُمُ اللهُ عَنْ مَنَازِلِ مَنْ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحاً وَ عَنْ مَنَازِلِ مَنْ كَفَرَ وَ عَمِلَ فِي غَيْرِ سَبِيلِهِ. وَ قَالَ:

شهادت می‌دهم که معبودی جز خدای یکتا نیست، بی‌شریک است، و گواهی می‌دهم که محمّد ﷺ بنده و فرستادهٔ اوست که او را برای ولایت خود برگزید، بر رسالت خود مخصوص ساخت (و سرفراز کرد) و با نبوّت گرامی داشت، در حالی که امین بر غیب او و رحمتی برای جهانیان بود و خداوند بر محمّد و خاندان او درود فرستد و برایشان سلام باد.

ای بندگان خدا! شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم و از عذاب او می‌ترسانم، زیرا خداوند نجات دهندهٔ کسانی است که از او می‌ترسند، و هیچ چیز بدی به آنان نمی‌رسد و محزون نخواهند بود و کسی که از او می‌ترسد، او را گرامی می‌دارد، و از شرّ آن چه که می‌ترسند نگه می‌دارد و با گشاده‌رویی و خوشحالی، آنان را ملاقات می‌کند.

و شما را به گرامی بودن همیشگی نزد خدا فرا می‌خوانم و از آن عذابی که قطع نشدنی است؛ می‌ترسانم و کسی که مستحقّ آن شود، نجاتی نخواهد داشت.

پس مبادا دنیا شما را فریب دهد، خداوند بر دنیا و اهل او فنا و نابودی نوشته است. پس، از دنیا توشه بگیرید به آن چیزی که خداوند شما را به آن گرامی داشته که همان پرهیزگاری و عمل صالح است؛ زیرا چیزی از اعمال بندگان مقبول خداوند نمی‌شود مگر عملی که خالص و بی‌غش باشد. خداوند به جز از پرهیزکاران نمی‌پذیرد و به راستی که خداوند شما را از مقام و مرتبهٔ کسانی که ایمان آورده و عمل نیک انجام داده‌اند و کسانی که کافر شده‌اند و به راه غیر خدا رفته‌اند، خبر داده. و فرموده است:

﴿ذٰلِكَ يَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَهُ النّاسُ وَ ذٰلِكَ يَوْمٌ مَشْهُودٌ وَ ما نُؤَخِّرُهُ إِلّا لِأَجَلٍ مَعْدُودٍ * يَوْمَ يَأْتِ لا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَ سَعِيدٌ * فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَفِي النّارِ لَهُمْ فِيها زَفِيرٌ وَ شَهِيقٌ * خالِدِينَ فِيها ما دامَتِ السَّماواتُ وَ الْأَرْضُ إِلّا ما شاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعّالٌ لِما يُرِيدُ * وَأَمَّا الَّذِينَ سُعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خالِدِينَ فِيها ما دامَتِ السَّماواتُ وَ الْأَرْضُ إِلّا ما شاءَ رَبُّكَ عَطاءً غَيْرَ مَجْذُوذٍ﴾.

نَسْأَلُ اللهَ الَّذِي جَمَعَنَا لِهَذَا الْجَمْعِ أَنْ يُبَارِكَ لَنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَ أَنْ يَرْحَمَنَا جَمِيعاً إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

إِنَّ كِتَابَ اللهِ أَصْدَقُ الْحَدِيثِ وَ أَحْسَنُ الْقِصَصِ، وَ قَالَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿وَ إِذا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾.

فَاسْمَعُوا طَاعَةَ اللهِ وَ أَنْصِتُوا ابْتِغَاءَ رَحْمَتِهِ.

ثُمَّ اقْرَأْ سُورَةً مِنَ الْقُرْآنِ وَ ادْعُ رَبَّكَ وَ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله وَ ادْعُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، ثُمَّ تَجْلِسُ قَدْرَ مَا تَمَكَّنُ هُنَيْهَةً ثُمَّ تَقُومُ فَتَقُولُ:

﴿ذٰلِكَ يَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَهُ النّاسُ وَ ذٰلِكَ يَوْمٌ مَشْهُودٌ وَ ما نُؤَخِّرُهُ إِلّا لِأَجَلٍ مَعْدُودٍ * يَوْمَ يَأْتِ لا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَ سَعِيدٌ فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَفِي النّارِ لَهُمْ فِيها زَفِيرٌ وَ شَهِيقٌ * خالِدِينَ فِيها ما دامَتِ السَّماواتُ وَ الْأَرْضُ إِلّا ما شاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعّالٌ لِما يُرِيدُ * وَأَمَّا الَّذِينَ سُعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خالِدِينَ فِيها ما دامَتِ السَّماواتُ وَ الْأَرْضُ إِلّا ما شاءَ رَبُّكَ عَطاءً غَيْرَ مَجْذُوذٍ﴾.

از آن خداوندی که ما را در این جهان گرد آورده است، می‌خواهم که این روزمان را بر ما مبارک گرداند و همهٔ ما را ببخشد، زیرا او بر هر چیزی قادر و تواناست.

به راستی که کتاب خداوند (قرآن کریم) راست‌ترین سخن و بهترین نقل است و خداوند عزّ و جلّ فرموده است: «و چون قرآن خوانده شود (برای شنیدن آن) گوش باز دارید و خاموش باشید شاید که شما مورد رحمت قرار گیرید».

پس به فرمان خداگوش فرا دهید و ساکت باشید تا رحمت او را به دست آورید.

سپس سوره‌ای از قرآن قرائت کن و پروردگار خود را بخوان و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرست و برای مؤمنان و مؤمنات دعاکن. آن‌گاه کمی می‌نشینی، سپس برمی‌خیزی و می‌گویی:

اَلْحَمْدُ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَ نَسْتَعِينُهُ وَ نَسْتَغْفِرُهُ وَ نَسْتَهْدِيهِ وَ نُؤْمِنُ بِهِ وَ نَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ وَ نَعُوذُ بِاللهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَ مِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا مَنْ يَهْدِي اللهُ فَلاَ مُضِلَّ لَهُ، وَ مَنْ يُضْلِلْ فَلاَ هَادِيَ لَهُ.

وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ أَرْسَلَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، وَ جَعَلَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ بَشِيراً وَ نَذِيراً وَ دَاعِياً إِلَى اللهِ بِإِذْنِهِ وَ سِرَاجاً مُنِيراً، مَنْ يُطِعِ اللهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ رَشَدَ وَ مَنْ يَعْصِهِمَا فَقَدْ غَوَى.

أُوصِيكُمْ عِبَادَ اللهِ! بِتَقْوَى اللهِ الَّذِي يَنْفَعُ بِطَاعَتِهِ مَنْ أَطَاعَهُ، وَ الَّذِي يَضُرُّ بِمَعْصِيَتِهِ، مَنْ عَصَاهُ الَّذِي إِلَيْهِ مَعَادُكُمْ وَ عَلَيْهِ حِسَابُكُمْ، فَإِنَّ التَّقْوَى وَصِيَّةُ اللهِ فِيكُمْ وَ فِي الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ، قَالَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ:

تمام سپاس‌ها خدایی را سزاست که او را حمد و ثنا می‌گوییم، از او کمک خواسته و آمرزش می‌طلبیم، و هدایت می‌خواهیم و به او ایمان آورده، بر او توکّل می‌کنیم، و از بدی‌های نفس و خطاهای اعمالمان به خداوند پناه می‌بریم، و کسی را که خداوند هدایت فرماید گمراه‌کننده‌ای نباشد، کسی را که گمراه می‌کند، هدایت‌کننده‌ای نخواهد بود.

و شهادت می‌دهم که معبودی جز خداوند نیست، یکتا و بی‌شریک است، و شهادت می‌دهم که محمّد ﷺ بنده و فرستادهٔ اوست که او را با هدایت و دینی حقّ فرستاده است تا بر همهٔ ادیان چیره گرداند، هر چند که شرک‌ورزان خوش ندارند، و او را رحمت بر جهانیان قرار داد، در حالی که مژده دهنده به ثواب و ترساننده از عذاب بود، و مردم را به اجازه و رخصت خداوند به سوی او دعوت می‌کرد و چراغی تابان بود. هر کس از فرمان خدا و پیامبرش اطاعت کند، راه یافته و هر که از فرمان ایشان سرپیچی کند، به راستی که گمراه شده است.

ای بندگان خدا! شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم؛ آن خداوندی که هر کس از او پیروی کند، به پیروی‌اش سود می‌برد، و هر کس نافرمانی کند، به نافرمانی‌اش زیان می‌بیند؛ آن خداوندی که بازگشت شما به سوی او و حسابرسی از شما به دست اوست؛ زیرا تقوا وصیّت و سفارش خداوند بر شما و بر کسانی است که پیش از شما بوده‌اند، و خداوند ﷻ فرموده است:

﴿وَ لَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ إِيّاكُمْ أَنِ اتَّقُوا اللّٰهَ وَ إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلّٰهِ ما فِي السَّماوٰاتِ وَ ما فِي الْأَرْضِ وَ كانَ اللّٰهُ غَنِيًّا حَمِيداً﴾ .

انْتَفِعُوا بِمَوْعِظَةِ اللهِ وَ الْزَمُوا كِتَابَهُ، فَإِنَّهُ أَبْلَغُ الْمَوْعِظَةِ وَ خَيْرُ الْأُمُورِ فِي الْمَعَادِ عَاقِبَةً وَ لَقَدِ اتَّخَذَ اللهُ الْحُجَّةَ فَلاَ يَهْلِكُ مَنْ هَلَكَ إِلَّا عَنْ بَيِّنَةٍ، وَ لَا يَحْيَى مَنْ حَيَّ إِلَّا عَنْ بَيِّنَةٍ وَ قَدْ بَلَّغَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله الَّذِي أُرْسِلَ بِهِ.

فَالْزَمُوا وَصِيَّتَهُ وَ مَا تَرَكَ فِيكُمْ مِنْ بَعْدِهِ مِنَ الثَّقَلَيْنِ كِتَابِ اللهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ اللَّذَيْنِ لَا يَضِلُّ مَنْ تَمَسَّكَ بِهِمَا وَ لَا يَهْتَدِي مَنْ تَرَكَهُمَا.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ إِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَرَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ .

ثُمَّ تَقُولُ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

﴿وَ لَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ إِيّاكُمْ أَنِ اتَّقُوا اللّٰهَ وَ إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلّٰهِ ما فِي السَّماوٰاتِ وَ ما فِي الْأَرْضِ وَ كانَ اللّٰهُ غَنِيًّا حَمِيداً﴾.

از موعظهٔ خداوند بهره برید و ملازم و همراه کتاب او باشید، زیرا دارای رساترین موعظه و بهترین اُمور برای فرجام نیک در روز رستاخیز است، به طور حتم خداوند حجّتی گرفته است (یعنی راه حقّ و وجوب پیروی از امام معصوم علیه السلام را در هر زمانی برای مردم روشن ساخته است) پس کسی گمراه و هلاک نمی‌شود و در دوزخ قرار نمی‌گیرد مگر به برهانی آشکار، وکسی زنده نمی‌شود مگر آن که به برهان آشکار زنده شود، و به تحقیق آن چه که فرستاده شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را برای مردم رسانید.

از این رو، وصیّت و سفارش او لازم دارید و از آن چه بعد از خود در میان شما گذارد، جدا نشوید. آن چیز بزرگ و گران‌بها که عبارتند از: کتاب خدا و اهل بیت او؛ کسانی که هر کس به آنان تمسّک جوید، گمراه نشود و هر که آن‌ها را ترک کند، هدایت نیابد.

بار خدایا! بر محمّد درود فرست که بنده و رسول تو و سرور رسولان و پیشوای پرهیزکاران و فرستادهٔ پروردگار جهانیان است.

سپس می‌گویی: خداوندا! بر امیر مؤمنان که وصیّ و جانشین رسول پروردگار جهانیان است. درود فرست.

ثُمَّ تُسَمِّي الْأَئِمَّةَ علیهم السلام حَتَّى تَنْتَهِيَ إِلَى صَاحِبِكَ.

ثُمَّ تَقُولُ: افْتَحْ لَهُ فَتْحاً يَسِيراً وَ انْصُرْهُ نَصْراً عَزِيزاً، اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَ سُنَّةَ نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلاَمَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ فِي سَبِيلِكَ وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ الآخِرَةِ.

اللَّهُمَّ مَا حَمَّلْتَنَا مِنَ الْحَقِّ فَعَرِّفْنَاهُ وَ مَا قَصُرْنَا عَنْهُ فَعَلِّمْنَاهُ.

ثُمَّ يَدْعُو اللهَ عَلَى عَدُوِّهِ وَ يَسْأَلُ لِنَفْسِهِ وَ أَصْحَابِهِ، ثُمَّ يَرْفَعُونَ أَيْدِيَهُمْ فَيَسْأَلُونَ اللهَ حَوَائِجَهُمْ كُلَّهَا حَتَّى إِذَا فَرَغَ مِنْ ذَلِكَ قَالَ:

اللَّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا وَ يَكُونُ آخِرَ كَلاَمِهِ أَنْ يَقُولَ: ﴿إِنَّ اللهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ وَ إِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى وَ يَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾.

آن‌گاه ائمّه علیهم السلام را یکی از پس از دیگری نام می‌بری، تا به امام زمانت برسی.

سپس می‌گویی: و به آسانی جهان را به دست او فتح کن و او را نصرت کامل با عزّت و اقتدار بخش.

بار خدایا! به دست او دینت را و سنّت پیامبرت را آشکار ساز تا دیگر چیزی از حقّ و حقیقت ازترس احدی از خلق مخفی نماند.

خداوندا! ما به تو امید و اشتیاق داریم که دولت باکرامت آن امام زمان را به ظهور آوری و اسلام و اهلش را به او عزّت بخشی و نفاق و اهل نفاق را ذلیل و خوار گردانی، و ما را در آن دولت حقّه اهل دعوت به طاعت و از پیشوایان راه هدایت قرار دهی، و به واسطهٔ آن بزرگوار به ما عزّت و کرامت دنیا و آخرت عطا فرمایی.

بار خدایا! حق را ـکه ما را به عمل به آن فر اخوانده‌ای ـ به ما بشناسان، و آن چه را که نشناخته‌ایم، به مقام و معرفتش ما را داناکن.

سپس بر دشمن امام زمان نفرین کند و برای خود و یاران آن حضرت طلب حاجت نماید. آن‌گاه مردم دست‌های خود را بالا می‌برند و تمامی حوایج خود را از خداوند در خواست می‌کنند، و چون امام جمعه از آن فارغ شد می‌گوید:

بار خدایا! دعاهای ما را مستجاب کن ـو آخرین سخن او این باشد که بگوید (که این آیه را بخواند): «همانا خداوند به عدالت و نیکوکاری و دادن حقّ خویشان فرمان می‌دهد و از فحشا و منکرات و ظلم و ستم شما را باز می‌دارد و شما را پند و موعظه می‌دهد؛ شاید که پند گیرید».

ثُمَّ يَقُولُ: اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ تَذَكَّرَ فَتَنْفَعُهُ الذِّكْرَى. ثُمَّ يَنْزِلُ.

۷ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْجُمُعَةِ.

فَقَالَ: بِأَذَانٍ وَ إِقَامَةٍ يَخْرُجُ الْإِمَامُ بَعْدَ الْأَذَانِ فَيَصْعَدُ الْمِنْبَرَ وَ يَخْطُبُ لَا يُصَلِّي النَّاسُ مَا دَامَ الْإِمَامُ عَلَى الْمِنْبَرِ، ثُمَّ يَقْعُدُ الْإِمَامُ عَلَى الْمِنْبَرِ قَدْرَ مَا يَقْرَأُ ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ ثُمَّ يَقُومُ فَيَفْتَتِحُ خُطْبَتَهُ ثُمَّ يَنْزِلُ فَيُصَلِّي بِالنَّاسِ ثُمَّ يَقْرَأُ بِهِمْ فِي الرَّكْعَةِ الْأُولَى بِالْجُمُعَةِ وَ فِي الثَّانِيَةِ بِالْمُنَافِقِينَ.

۸ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ ﴿خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾.

قَالَ: فِي الْعِيدَيْنِ وَ الْجُمُعَةِ.

سپس می‌گوید: خداوندا! ما را از کسانی قرار ده که تذکّر و یادآوری حقّ می‌کنند. و از آن بهره برده و سودمند می‌شوند. آن‌گاه از (منبر) فرود می‌آید.

۷ـ محمّد بن مسلم گوید: از امام عليه السلام در مورد نماز جمعه پرسیدم.

فرمود: نماز جمعه با یک اذان و یک اقامه برپا می‌شود که امام بعد از اذان خارج شده و بر فراز منبر می‌رود و خطبه می‌خواند، و تا زمانی که امام بر فراز منبر است، مردم نماز نمی‌خوانند. سپس امام به اندازه‌ای که سورهٔ ﴿قل هو اللّٰه أحد﴾ را بخواند بر فراز منبر می‌نشیند. پس از آن برمی‌خیزد و خطبهٔ (دوم) را آغاز می‌کند، آن‌گاه فرود می‌آید و با مردم نماز می‌گزارد و در رکعت نخست، سورهٔ جمعه و در رکعت دوّم سوره منافقین را می‌خواند.

۸ـ ابن سنان گوید: امام صادق عليه السلام دربارهٔ گفتار خدا که می‌فرماید: «زینت خود را در هر مسجد برگیرید» فرمود: زینت در نماز عید فطر و قربان و نماز جمعه است.

۹ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله.

كُلُّ وَاعِظٍ قِبْلَةٌ يَعْنِي إِذَا خَطَبَ الْإِمَامُ النَّاسَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ يَنْبَغِي لِلنَّاسِ أَنْ يَسْتَقْبِلُوهُ.

(۷۱)

بَابُ الْقِرَاءَةِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ لَيْلَتَهَا فِي الصَّلَوَاتِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

لَيْسَ فِي الْقِرَاءَةِ شَيْءٌ مُوَقَّتٌ إِلَّا الْجُمُعَةِ تُقْرَأُ بِالْجُمُعَةِ وَ الْمُنَافِقِينَ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام.

---

۹ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

رسول خدا صلى الله عليه و آله فرموده است: هر خطیبی برای مستمعین و شنوندگان قبله است؛ یعنی هنگامی که در روز جمعه، امام خطبه می‌خواند، شایسته است که مردم رو به سوی او کنند.

بخش هفتاد و یکم

قرائت در نمازهای روز و شب جمعه

۱ ـ منصور بن حازم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

در قرائت نماز، سورهٔ ویژه‌ای نیست مگر در (ظهر) جمعه که سورهٔ جمعه و منافقین خوانده می‌شود.

۲ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

اقْرَأْ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ بِالْجُمُعَةِ وَ ﴿سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾ وَ فِي الْفَجْرِ بِسُورَةِ الْجُمُعَةِ وَ ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ وَ فِي الْجُمُعَةِ بِالْجُمُعَةِ وَ الْمُنَافِقِينَ.

٣ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: بِمَا أَقْرَأُ فِي صَلاَةِ الْفَجْرِ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ؟

فَقَالَ: اقْرَأْ فِي الْأُولَى بِسُورَةِ الْجُمُعَةِ وَ فِي الثَّانِيَةِ بِـ ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ ثُمَّ اقْنُتْ حَتَّى تَكُونَا سَوَاءً.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ اللهَ أَكْرَمَ بِالْجُمُعَةِ الْمُؤْمِنِينَ، فَسَنَّهَا رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله بِشَارَةً لَهُمْ وَ الْمُنَافِقِينَ، تَوْبِيخاً لِلْمُنَافِقِينَ وَ لَا يَنْبَغِي تَرْكُهَا فَمَنْ تَرَكَهَا مُتَعَمِّداً فَلاَ صَلاَةَ لَهُ.

در شب جمعه، سورهٔ (جمعه) و ﴿**سبّح اسم ربّك الأعلى**﴾، و در نماز صبح سورهٔ (جمعه) و ﴿**قل هواللّٰه أحد**﴾، و در ظهر جمعه، سورهٔ (جمعه) و (منافقين) را بخوان.

٣ـ حسين بن ابى حمزه گويد: به امام صادق عليه السلام عرض كردم: در نماز صبح روز جمعه، چه سوره‌اى بخوانم؟

فرمود: در ركعت نخست، سورهٔ (جمعه) و در ركعت دوم ﴿**قل هو اللّٰه أحد**﴾ را بخوان، سپس (به اندازهٔ تفاوت دو سوره) قنوت بخوان تا دو ركعت برابر شوند.

۴ ـ محمّد بن مسلم گويد: امام باقر عليه السلام فرمود:

خداوند مؤمنان را با سورهٔ (جمعه) گرامى داشت و رسول خدا صلى الله عليه وآله براى مژده دادن به مؤمنان قرائتش را سنّت قرار داد، و هم چنين سورهٔ (منافقين) را سرزنشى براى منافقان قرار داد و ترك آن سزاوار نيست و هر كس از روى عمد آن را ترك نمايد، او را نماز (كاملى) نخواهد بود.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الْقِرَاءَةِ فِي الْجُمُعَةِ إِذَا صَلَّيْتُ وَحْدِي أَرْبَعاً أَجْهَرُ بِالْقِرَاءَةِ.

فَقَالَ: نَعَمْ، وَ قَالَ اقْرَأْ بِسُورَةِ الْجُمُعَةِ وَ الْمُنَافِقِينَ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلاَءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام فِي الرَّجُلِ يُرِيدُ أَنْ يَقْرَأَ بِسُورَةِ الْجُمُعَةِ فِي الْجُمُعَةِ فَيَقْرَأُ ﴿**قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ**﴾.

قَالَ: يَرْجِعُ إِلَى سُورَةِ الْجُمُعَةِ.

وَ رُوِيَ أَيْضاً: يُتِمُّهَا رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ يَسْتَأْنِفُ.

٧ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

مَنْ صَلَّى الْجُمُعَةَ بِغَيْرِ الْجُمُعَةِ وَ الْمُنَافِقِينَ أَعَادَ الصَّلاَةَ فِي سَفَرٍ أَوْ حَضَرٍ.

وَ رُوِيَ: لَا بَأْسَ فِي السَّفَرِ أَنْ يَقْرَأَ بِـ ﴿**قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ**﴾.

---

۵ ـ حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام دربارهٔ قرائت در روز جمعه پرسیدم که هر گاه خود به تنهایی چهار رکعت نماز را می‌گزارم، آیا قرائت را بلند بخوانم؟

فرمود: آری.

هم چنین فرمود: در روز جمعه، سورهٔ «جمعه» و «منافقین» را بخوان.

۶ ـ محمّد بن مسلم گوید: از امام (صادق یا امام باقر عليهما السلام) پرسیدم: شخصی می‌خواهد در روز جمعه سورهٔ «جمعه» بخواند، ولی از روی فراموشی و اشتباه سورهٔ ﴿**قل هو اللّه أحد**﴾ را می‌خواند (چه وظیفه‌ای دارد؟)

فرمود: باید به سورهٔ «جمعه» باز گردد.

و هم چنین روایت شده است: آن دو رکعت را به نیّت نماز نافله به شمار آورد و تمام نماید، سپس نماز را از سر گیرد.

۷ ـ عمر بن یزید گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر که نماز ظهر روز جمعه را به غیر سورهٔ «جمعه» و «منافقین» بخواند، باید نماز خود را اعاده کند؛ خواه در سفر باشد یا در حضر.

و روایت شده است: در سفر اشکالی ندارد که انسان سورهٔ ﴿**قل هو اللّه أحد**﴾ را بخواند.

(۷۲)
بَابُ الْقُنُوتِ فِي صَلاَةِ الْجُمُعَةِ وَ الدُّعَاءِ فِيهِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

الْقُنُوتُ قُنُوتُ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فِي الرَّكْعَةِ الْأُولَى بَعْدَ الْقِرَاءَةِ تَقُولُ فِي الْقُنُوتِ:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبُّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَكْرَمْتَنَا بِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنِ اخْتَرْتَهُ لِدِينِكَ وَ خَلَقْتَهُ لِجَنَّتِكَ اللَّهُمَّ لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ».

بخش هفتاد و دوم
قنوت در نماز جمعه و دعای آن

۱ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

جای قنوت ـ در نماز جمعه ـ در رکعت اوّلی بعد از قرائت است که در آن می‌گویی:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبُّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَكْرَمْتَنَا بِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنِ اخْتَرْتَهُ لِدِينِكَ وَ خَلَقْتَهُ لِجَنَّتِكَ اللَّهُمَّ لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ».

۲ ـ اَلْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ يَقُولُ فِي قُنُوتِ الْجُمُعَةِ:

إِذَا كَانَ إِمَاماً قَنَتَ فِي الرَّكْعَةِ الْأُولَى وَ إِنْ كَانَ يُصَلِّي أَرْبَعاً فَفِي الرَّكْعَةِ الثَّانِيَةِ قَبْلَ الرُّكُوعِ.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبَانٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ الْجُعْفِيِّ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام: الْقُنُوتُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ.

فَقَالَ: أَنْتَ رَسُولِي إِلَيْهِمْ فِي هَذَا إِذَا صَلَّيْتُمْ فِي جَمَاعَةٍ فَفِي الرَّكْعَةِ الْأُولَى وَ إِذَا صَلَّيْتُمْ وُحْدَاناً فَفِي الرَّكْعَةِ الثَّانِيَةِ قَبْلَ الرُّكُوعِ.

(۷۳)
بَابُ مَنْ فَاتَتْهُ الْجُمُعَةُ مَعَ الْإِمَامِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام عَمَّنْ لَمْ يُدْرِكِ الْخُطْبَةَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ.

---

۲ ـ معاویة بن عمّار گوید: از امام صادق عليه‌السلام شنیدم که می‌فرمود:

در قنوت نماز جمعه اگر به امامت برگزار می‌شود، باید در رکعت اوّل قنوت بخواند، و اگر به صورت فرادی نماز را چهار رکعتی به جا می‌آورد، قنوت در رکعت دوّم، پیش از رکوع است.

۳ـ عمر بن حنظله گوید: به امام صادق عليه‌السلام عرض کردم: قنوت در روز جمعه چگونه است؟

فرمود: تو فرستادهٔ من در بین شیعیان در این خصوص هستی. هر گاه نماز را (در روز جمعه) به جماعت گزاردید، قنوت در رکعت اوّل است، و اگر به تنهایی خواندید، در رکعت دوم پیش از رکوع است.

بخش هفتاد و سوم
کسی که نماز جمعه به صورت جماعت از او فوت شود

۱ ـ حلبی گوید: از امام صادق عليه‌السلام در مورد کسی که در روز جمعه به خطبهٔ نماز نمی‌رسد، پرسیدم.

قَالَ: يُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ، فَإِنْ فَاتَتْهُ الصَّلاَةُ فَلَمْ يُدْرِكْهَا فَلْيُصَلِّ أَرْبَعاً.

وَ قَالَ: إِذَا أَدْرَكْتَ الْإِمَامَ قَبْلَ أَنْ يَرْكَعَ الرَّكْعَةَ الْأَخِيرَةَ فَقَدْ أَدْرَكْتَ الصَّلاَةَ، وَ إِنْ كُنْتَ أَدْرَكْتَهُ بَعْدَ مَا رَكَعَ فَهِيَ الظُّهْرُ أَرْبَعٌ.

(۷٤)
بَابُ التَّطَوُّعِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ غَيْرُهُ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام:

الصَّلاَةُ النَّافِلَةُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ سِتُّ رَكَعَاتٍ بُكْرَةً وَ سِتُّ رَكَعَاتٍ صَدْرَ النَّهَارِ وَ رَكْعَتَانِ إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ، ثُمَّ صَلِّ الْفَرِيضَةَ وَ صَلِّ بَعْدَهَا سِتَّ رَكَعَاتٍ.

۲ ـ جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ مُرَادِ بْنِ خَارِجَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

فرمود: دو رکعت نماز بخواند، و اگر به نماز جمعه هم نرسید، پس چهار رکعت نماز به جا آورد.

هم چنین فرمود: هر گاه پیش از رکوع رکعت آخر به امام رسیدی، نمازت درست است، و اگر پس از رکوع رسیدی، این نماز، باید نماز ظهر محسوب شود که چهار رکعت است.

بخش هفتاد و چهارم
نافلهٔ روز جمعه

۱ ـ احمد بن محمّد بن ابی نصر گوید: امام رضا عليه السلام فرمود:

نماز نافله در روز جمعه، شش رکعت در بامداد، شش رکعت در اوّل روز، دو رکعت هنگام ظهر می‌باشد. سپس نماز واجب را بخوان و بعد از آن، شش رکعت دیگر به جا آور.

۲ ـ مراد بن خارجه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

أَمَّا أَنَا فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْجُمُعَةِ وَكَانَتِ الشَّمْسُ مِنَ الْمَشْرِقِ بِمِقْدَارِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فِي وَقْتِ صَلَاةِ الْعَصْرِ صَلَّيْتُ سِتَّ رَكَعَاتٍ، فَإِذَا انْتَفَخَ النَّهَارُ صَلَّيْتُ سِتّاً، فَإِذَا زَاغَتِ الشَّمْسُ أَوْ زَالَتْ صَلَّيْتُ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ صَلَّيْتُ الظُّهْرَ ثُمَّ صَلَّيْتُ بَعْدَهَا سِتّاً.

۳ ـ جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ أَوْ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَجْلَانَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:

إِذَا كُنْتَ شَاكّاً فِي الزَّوَالِ فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ فَإِذَا اسْتَيْقَنْتَ فَابْدَأْ بِالْفَرِيضَةِ.

(۷۵)

بَابُ نَوَادِرِ الْجُمُعَةِ

۱ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

تَقُولُ فِي آخِرِ سَجْدَةٍ مِنَ النَّوَافِلِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ:

هرگاه روز جمعه فرا رسد من به هنگام ارتفاع آفتاب در سمت مشرق به اندازهٔ ارتفاعش در سمت مغرب در وقت نماز عصر، شش رکعت نماز می‌خوانم و چون روز بلند شود، شش رکعت دیگر به جا می‌آورم، و هنگامی که آفتاب به سمت مغرب رود، یا از جانب مشرق زایل شود، دو رکعت نماز می‌گزارم، سپس نماز ظهر را می‌خوانم و پس از انجام فریضهٔ ظهر، شش رکعت دیگر به جا می‌آورم.

۳ ـ عبداللّٰه بن عجلان گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

چون در زوال آفتاب شک کردی، دو رکعت نماز (نافله) بخوان و چون یقین به زوال کردی، نماز فریضه را آغاز کن.

بخش هفتاد و پنجم

احادیثی نکته‌دار دربارهٔ جمعه

۱ ـ عبداللّٰه بن سنان گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَ اسْمِكَ الْعَظِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِيَ الْعَظِيمَ» سَبْعاً.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

أَكْثِرُوا مِنَ الصَّلاَةِ عَلَيَّ فِي اللَّيْلَةِ الْغَرَّاءِ وَ الْيَوْمِ الْأَزْهَرِ لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ وَ يَوْمِ الْجُمُعَةِ.

فَسُئِلَ إِلَى كَم الْكَثِيرُ؟

قَالَ: إِلَى مِائَةٍ وَ مَا زَادَتْ فَهُوَ أَفْضَلُ.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ ابْنِ عَبْدِ اللهِ عَنْ يَزِيدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنِ الْمُفَضَّلِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

مَا مِنْ شَيْءٍ يُعْبَدُ اللهُ بِهِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ الصَّلاَةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

در سجدهٔ آخر نافله‌های بعد از نماز مغرب شب جمعه، هفت بار این دعا را بخوان: **«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَ اسْمِكَ الْعَظِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِيَ الْعَظِيمَ»**.

۲ ـ قدّاح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرموده است: در شب نورانی و روز درخشان که همان شب و روز جمعه است، بر من صلوات بسیار بفرستید.

از آن حضرت پرسیدند: چقدر صلوات بفرستیم؟

فرمود: تا صد بار و هر چه بیشتر، بهتر.

۳ ـ مفضّل گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

در روز جمعه چیزی نیست که خداوند با آن پرستش شود که از صلوات بر محمّد و آل محمّد در نزد من محبوب‌تر باشد.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ: إِذَا صَلَّيْتَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَقُلِ:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَ بَارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

فَإِنَّهُ مَنْ قَالَهَا فِي دُبُرِ الْعَصْرِ كَتَبَ اللهُ لَهُ مِائَةَ أَلْفِ حَسَنَةٍ، وَ مَحَا عَنْهُ مِائَةَ أَلْفِ سَيِّئَةٍ، وَ قَضَى لَهُ بِهَا مِائَةَ أَلْفِ حَاجَةٍ، وَ رَفَعَ لَهُ بِهَا مِائَةَ أَلْفِ دَرَجَةٍ.

٥ ـ وَ رُوِيَ: أَنَّ مَنْ قَالَهَا سَبْعَ مَرَّاتٍ رَدَّ اللهُ عَلَيْهِ مِنْ كُلِّ عَبْدٍ حَسَنَةً وَ كَانَ عَمَلُهُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مَقْبُولاً وَ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ نُورٌ.

٦ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يَقُولُ:

يُسْتَحَبُّ أَنْ تَقْرَأَ فِي دُبُرِ الْغَدَاةِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ الرَّحْمَنَ كُلَّهَا ثُمَّ تَقُولَ كُلَّمَا قُلْتَ: **﴿فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾: «لَا بِشَيْءٍ مِنْ آلَائِكَ رَبِّ أُكَذِّبُ».**

---

۴ ـ سهل بن زیاد در روایت مرفوعه‌ای گوید: حضرتش فرمود:

چون روز جمعه، نماز گزاردی بگو: **«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَ بَارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ».**

چرا که هر کس بعد از نماز عصر این دعا را بخواند، خداوند برای او صد هزار حسنه می‌نویسد، صد هزار گناه از نامهٔ اعمال او پاک می‌نماید، صد هزار حاجت او را روا سازد وصد هزار درجه او را بالا می‌برد.

۵ ـ روایت شده است: هر کس این صلوات را هفت بار بخواند، خداوند از هر بنده‌ای حسنه‌ای به او باز می‌گرداند و عمل او در آن روز مقبول و پذیرفته می‌شود و روز رستاخیز در حالی می‌آید که از میان دو چشم او نور می‌تابد.

۶ ـ حمّاد بن عثمان گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

مستحب است که در روز جمعه پس از نماز صبح سورهٔ «الرّحمان» را به طور کامل بخوانی و هر گاه این آیه را خواندی که **﴿فبأیّ آلاء ربّکما تکذّبان﴾** می‌گویی: **«لا بشیءٍ من آلائك ربّ أُكذّب».**

۷ ـ وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

مَنْ قَرَأَ الْكَهْفَ فِي كُلِّ لَيْلَةِ جُمُعَةٍ كَانَتْ كَفَّارَةَ مَا بَيْنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ.

قَالَ: وَ رَوَى غَيْرُهُ أَيْضاً فِيمَنْ قَرَأَهَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ بَعْدَ الظُّهْرِ وَ الْعَصْرِ مِثْلَ ذَلِكَ.

۸ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ قَالَ:

كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام يُبَكِّرُ إِلَى الْمَسْجِدِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ حِينَ تَكُونُ الشَّمْسُ قَدْرَ رُمْحٍ، فَإِذَا كَانَ شَهْرُ رَمَضَانَ يَكُونُ قَبْلَ ذَلِكَ وَ كَانَ يَقُولُ:

إِنَّ لِجُمَعِ شَهْرِ رَمَضَانَ عَلَى جُمَعِ سَائِرِ الشُّهُورِ فَضْلاً كَفَضْلِ شَهْرِ رَمَضَانَ عَلَى سَائِرِ الشُّهُورِ.

---

۷ ـ محمّد بن ابی حمزه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر کس در هر شب جمعه سورهٔ «کهف» را بخواند، کفّارهٔ گناهان او تا جمعهٔ دیگر خواهد بود.

راوی گوید: هم چنین دیگری روایت کرده است:

هر کس در روز جمعه، بعد از نماز ظهر وعصر، سورهٔ «کهف» را بخواند، همان ثواب را خواهد داشت.

۸ ـ جابر گوید: امام باقر عليه السلام همواره بامدادروز جمعه، آن‌گاه که شاخص آفتاب به اندازهٔ نیزه‌ای می‌رسید، زود به مسجد می‌رفت و چون ماه رمضان می‌شد، پیش از آن وقت می‌آمد و می‌فرمود:

همانا جمعه‌های ماه رمضان بر جمعه‌های ماه‌های دیگر همانند ماه رمضان بر ماه‌های دیگر فضیلت وبرتری دارد.

۹ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمانَ بْنِ دَاوُدَ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يَقُولُ فِي رَجُلٍ أَدْرَكَ الْجُمُعَةَ وَ قَدِ ازْدَحَمَ النَّاسُ فَكَبَّرَ مَعَ الْإِمَامِ وَ رَكَعَ وَ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى السُّجُودِ وَ قَامَ الْإِمَامُ وَ النَّاسُ فِي الرَّكْعَةِ الثَّانِيَةِ وَ قَامَ هَذَا مَعَهُمْ فَرَكَعَ الْإِمَامُ وَ لَمْ يَقْدِرْ هَذَا عَلَى الرُّكُوعِ فِي الرَّكْعَةِ الثَّانِيَةِ مِنَ الزِّحَامِ وَ قَدَرَ عَلَى السُّجُودِ كَيْفَ يَصْنَعُ.

فَقالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام: أَمَّا الرَّكْعَةُ الْأُولَى فَهِيَ إِلَى عِنْدِ الرُّكُوعِ تَامَّةٌ، فَلَمَّا لَمْ يَسْجُدْ لَهَا حَتَّى دَخَلَ فِي الثَّانِيَةِ لَمْ يَكُنْ لَهُ ذَلِكَ فَلَمَّا سَجَدَ فِي الثَّانِيَةِ إِنْ كَانَ نَوَى هَذِهِ السَّجْدَةَ الَّتِي هِيَ الرَّكْعَةُ الْأُولَى فَقَدْ تَمَّتْ لَهُ الْأُولَى، وَ إِذَا سَلَّمَ الْإِمَامُ قَامَ فَصَلَّى رَكْعَةً ثُمَّ يَسْجُدُ فِيهَا ثُمَّ يَتَشَهَّدُ وَ يُسَلِّمُ وَ إِنْ كَانَ لَمْ يَنْوِ أَنْ تَكُونَ تِلْكَ السَّجْدَةُ لِلرَّكْعَةِ الْأُولَى لَمْ تُجْزِ عَنْهُ الْأُولَى وَ لَا الثَّانِيَةُ.

۹ـ حفص بن غیاث گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که دربارهٔ شخصی که نماز جمعه را با مردم بسیار انبوه درک می‌کند و او با امام تکبیر می‌گوید و به رکوع می‌رود، ولی به جهت ازدحام نتواند به سجده رود، و امام و مأمومین برخیزند و مشغول رکعت دوم نماز شوند و او نیز با آنان بایستد، سپس امام به رکوع رکعت دوم رود و این شخص به سبب ازدحام و انبوهی نمازگزاران نتواند به رکوع رود، ولی بتواند به سجده رود که در این صورت باید چه کند؟

فرمود: رکعت اوّل این شخص تا رکوع تمام بوده است و چون در رکعت اوّل به سجده نرفته، آن رکعت از نمازش ناقص مانده و تمام نشده است و هنگامی که به رکوع دوم امام رسیده و آن را به جا نیاورده، آن رکعت نیز تمام نیست. حال وقتی در رکعت دوم، سجده را به جا می‌آورد، اگر این سجده را برای رکعت اوّل قصد کند، یک رکعت از نمازش تمام می‌شود. در این صورت هنگامی که امام، نماز را سلام می‌دهد، او برمی‌خیزد و یک رکعت نماز می‌گزارد و سجده و تشهّد را به جا می‌آورد و سلام می‌دهد، و اگر آن سجده را قصد کند و نیّت رکعت اوّل نکند، نه رکعت اوّل او درست و تمام است و نه رکعت دوم او.

۱۰ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللهِ رَفَعَهُ قَالَ: قِيلَ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: يَزْعُمُ بَعْضُ النَّاسِ أَنَّ النُّورَةَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ مَكْرُوهَةٌ.

فَقَالَ: لَيْسَ حَيْثُ ذَهَبَ، أَيُّ طَهُورٍ أَطْهَرُ مِنَ النُّورَةِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ؟

أَبْوَابُ السَّفَرِ

(٧٦)

بَابُ وَقْتِ الصَّلاَةِ فِي السَّفَرِ وَ الْجَمْعِ بَيْنَ الصَّلاَتَيْنِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ: صَلَّيْتُ خَلْفَ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام عِنْدَ الزَّوَالِ فَقُلْتُ: بِأَبِي وَ أُمِّي! وَقْتُ الْعَصْرِ؟

فَقَالَ: وَقْتُ مَا تَسْتَقِيلُ إِبِلَكَ.

فَقُلْتُ: إِذَا كُنْتُ فِي غَيْرِ سَفَرٍ؟

فَقَالَ: عَلَى أَقَلَّ مِنْ قَدَمٍ ثُلُثَيْ قَدَمٍ وَقْتُ الْعَصْرِ.

---

۱۰ ـ احمد بن محمّد در روایت مرفوعه‌ای گوید: به امام صادق علیه السلام گفتند: بعضی از مردم گمان می‌کنند که استفاده از نوره در روز جمعه مکروه است.

فرمود: چنین نیست، کدام پاک کننده‌ای در روز جمعه پاک کننده‌تر از نوره است؟!

بخش‌های مربوط به احکام نماز در سفر

بخش هفتاد و ششم

وقت نماز در سفر و حکم جمع بین دو نماز

۱ ـ صفوان جمّال گوید: هنگام زوال، پشت سر امام صادق علیه السلام نماز خواندم و عرض کردم: پدر و مادرم به فدایت! وقت نماز عصر چه وقتی است؟

فرمود: وقتی که شترهای خود را از چراگاه به منزل می‌آوری.

عرض کردم: اگر در غیر سفر باشم چه؟

فرمود: یک قدم کمتر از دو سوم قدم وقت نماز عصر.

٢ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُّونٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ مِسْمَعٍ أَبِي سَيَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ وَقْتِ الظُّهْرِ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ فِي السَّفَرِ.

فَقَالَ: عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ، وَ ذَلِكَ وَقْتُهَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِي غَيْرِ السَّفَرِ.

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله إِذَا كَانَ فِي سَفَرٍ أَوْ عَجَّلَتْ بِهِ حَاجَةٌ يَجْمَعُ بَيْنَ الظُّهْرِ وَ الْعَصْرِ وَ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَ الْعِشَاءِ.

قَالَ: وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام: لَا بَأْسَ بِأَنْ تُعَجِّلَ عِشَاءَ الْآخِرَةِ فِي السَّفَرِ قَبْلَ أَنْ يَغِيبَ الشَّفَقُ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَةَ قَالَ: كُنْتُ أَنَا وَ نَفَرٌ مِنْ أَصْحَابِنَا مُتَرَافِقِينَ فِيهِمْ مُيَسِّرٌ فِيمَا بَيْنَ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةِ فَارْتَحَلْنَا وَ نَحْنُ نَشُكُّ فِي الزَّوَالِ.

---

۲ ـ مسمع ابو سیّار گوید: از امام صادق عليه السلام دربارهٔ وقت نماز ظهر روز جمعه در سفر سؤال کردم.

فرمود: هنگام زوال آفتاب و همان، وقت نماز ظهر روز جمعه، در غیر سفر است.

۳ ـ حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: همواره رسول خدا صلى الله عليه وآله آن‌گاه که در سفر بود، یا کاری ضروری داشت، نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشا را یکجا می‌خواند.

هم چنین فرمود: اشکالی ندارد که در سفر، نماز عشا را پیش از فرو رفتن سرخی مغرب به جا آوری.

۴ ـ عبید بن زراره گوید: با چند تن از دوستان هم سفر بودم ـ که از جملهٔ آنان میسّر بود ـ بین مکّه و مدینه بودیم که در زوال آفتاب شکّ کردیم.

فَقالَ بَعْضُنَا لِبَعْضٍ : فَامْشُوا بِنَا قَلِيلاً حَتَّى نَتَيَقَّنَ الزَّوالَ ثُمَّ نُصَلِّيَ.

فَفَعَلْنَا فَمَا مَشَيْنَا إِلَّا قَلِيلاً حَتَّى عَرَضَ لَنَا قِطَارُ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فَقُلْتُ: أَتَى الْقِطَارُ.

فَرَأَيْتُ مُحَمَّدَ بْنَ إِسْمَاعِيلَ ، فَقُلْتُ لَهُ: صَلَّيْتُمْ؟

فَقالَ لِي: أَمَرَنَا جَدِّي فَصَلَّيْنَا الظُّهْرَ وَ الْعَصْرَ جَمِيعاً، ثُمَّ ارْتَحَلْنَا فَذَهَبْتُ إِلَى أَصْحَابِي فَأَعْلَمْتُهُمْ ذَلِكَ.

۵ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبَانٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

وَقْتُ الْمَغْرِبِ فِي السَّفَرِ إِلَى ثُلُثِ اللَّيْلِ.

وَ رُوِيَ أَيْضاً: إِلَى نِصْفِ اللَّيْلِ.

بعضی گفتند: اندکی راه برویم تا به زوال یقین کنیم، سپس نماز خود را بخوانیم.

همین کار را کردیم، مقدار کمی راه رفتیم و به قافلۀ امام صادق عليه السلام رسیدیم. با خود گفتم: نزد آن حضرت بروم که ناگاه محمّد بن اسماعیل را دیدم. به او گفتم: آیا شما نماز خوانده‌اید؟

گفت: جدّم (امام صادق عليه السلام) به ما امر فرموده که نماز ظهر و عصر را با هم به جا آوریم. ما سپس کوچ کردیم. من نزد یاران خویش رفتم و آن سخن را به آنان باز گفتم.

۵ ـ عمر بن یزید گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

وقت نماز مغرب در سفر تا یک سوم از شب است.

روایت شده است: تا نصف شب نیز می‌توان خواند.

(۷۷)
بَابُ حَدِّ الْمَسِيرِ الَّذِي تُقْصَرُ فِيهِ الصَّلاَةُ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

التَّقْصِيرُ فِي بَرِيدٍ وَ الْبَرِيدُ أَرْبَعَةُ فَرَاسِخَ.

۲ ـ وَ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: أَدْنَى مَا يَقْصُرُ فِيهِ الْمُسَافِرُ؟

فَقالَ: بَرِيدٌ.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْخَزَّازِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: بَيْنَا نَحْنُ جُلُوسٌ وَ أَبِي عِنْدَ وَالٍ لِبَنِي أُمَيَّةَ عَلَى الْمَدِينَةِ إِذْ جَاءَ أَبِي فَجَلَسَ، فقال:

بخش هفتاد و هفتم
مقدار مسافتی که نماز در آن قصر می‌شود

۱ ـ زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود: نماز در مسافت یک برید قصر است و برید چهار فرسخ است.

۲ ـ ابو ایّوب گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: کمترین مسافتی که مسافر نماز را در آن قصر می‌خواند، چه مقدار است؟

فرمود: یک برید.

۳ ـ یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

(با جمعی) نشسته بودیم و پدرم (امام باقر عليه السلام) نزد حاکم اُموی مدینه بود، ناگاه پدرم آمد و نشست. آن گاه فرمود:

كُنْتُ عِنْدَ هَذَا قُبَيْلُ فَسَأَلَهُمْ عَنِ التَّقْصِيرِ.

فَقالَ: قَائِلٌ مِنْهُمْ فِي ثَلاثٍ وَ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ: يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ، وَ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ: رَوْحَةٍ.

فَسَأَلَنِي فَقُلْتُ لَهُ: إِنَّ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله لَمَّا نَزَلَ عَلَيْهِ جَبْرَئِيلُ علیه السلام بِالتَّقْصِيرِ.

قَالَ لَهُ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: فِي كَمْ ذَاكَ؟

فَقالَ: فِي بَرِيدٍ.

قَالَ: وَ أَيُّ شَيْءٍ الْبَرِيدُ؟

قَالَ: مَا بَيْنَ ظِلِّ عَيْرٍ إِلَى فَيْءِ وُعَيْرٍ.

قَالَ: ثُمَّ عَبَرْنَا زَمَاناً ثُمَّ رُؤِيَ بَنُو أُمَيَّةَ يَعْمَلُونَ أَعْلاَماً عَلَى الطَّرِيقِ وَ أَنَّهُمْ ذَكَرُوا مَا تَكَلَّمَ بِهِ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام فَذَرَعُوا مَا بَيْنَ ظِلِّ عَيْرٍ إِلَى فَيْءِ وُعَيْرٍ ثُمَّ جَزَّوهُ إِلَى اثْنَيْ عَشَرَ مِيلاً، فَكَانَ ثَلاَثَةَ آلاَفٍ وَ خَمْسَمِائَةِ ذِرَاعٍ كُلُّ مِيلٍ، فَوَضَعُوا الْأَعْلاَمَ فَلَمَّا ظَهَرَ بَنُو هَاشِمٍ غَيَّرُوا أَمْرَ بَنِي أُمَيَّةَ غَيْرَةً، لِأَنَّ الْحَدِيثَ هَاشِمِيٌّ فَوَضَعُوا إِلَى جَنْبِ كُلِّ عَلَمٍ عَلَماً.

لحظاتی پیش نزد این حاکم بودم (و او از فقها) دربارهٔ حدّ قصر نماز سؤال کرد.

یکی از آن‌ها گفت: سه شب (سیر کردن) موجب قصر نماز است.

دیگری گفت: یک شبانه روز.

دیگری گفت: بعد از زوال تا هنگام شب.

وقتی حاکم از من پرسید، به او گفتم: هنگامی که جبرئیل علیه السلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد و حکم قصر نماز را آورد، پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: در چه مسافتی باید نماز را قصر خواند؟

عرض کرد: فاصلهٔ میان سایهٔ کوه عَیْر تا سایهٔ کوه وَعَیْر.

امام صادق علیه السلام فرمود: سپس زمانی گذشت تا این که بنی امیّه مصلحت دیدند که بر سر راه مکّه علم‌هایی نصب کنند و آن چه را که امام باقر علیه السلام فرموده بود، به یاد آورند و این فاصلهٔ میان سایهٔ کوه عَیْر تا سایهٔ کوه وَعَیْر را اندازه‌گیری کردند و آن را به دوازده میل بخش و علامت گذاری نمودند که هر میل معادل سه هزار و پانصد ذراع بود، و نشانه هایی گذاردند، و هنگامی که بنی هاشم (بنی عبّاس) غالب شدند، کارهای بنی امیّه را به جهت رشک تغییر دادند، چرا که این حدیث (مقدار مسافت در قصر شدن نماز) هاشمی است. پس در کنار هر علم و نشانه‌ای از آن‌ها، علم و نشانه‌ای گذاردند.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: سُئِلَ عَنْ حَدِّ الْأَمْيَالِ الَّتِي يَجِبُ فِيهَا التَّقْصِيرُ.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله جَعَلَ حَدَّ الْأَمْيَالِ مِنْ ظِلِّ عَيْرٍ إِلَى ظِلِّ وُعَيْرٍ وَ هُمَا جَبَلَانِ بِالْمَدِينَةِ، فَإِذَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ وَقَعَ ظِلُّ عَيْرٍ إِلَى ظِلِّ وُعَيْرٍ وَ هُوَ الْمِيلُ الَّذِي وَضَعَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله عَلَيْهِ التَّقْصِيرَ.

٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ الْجَبَلِيِّ عَنْ صَبَّاحٍ الْحَذَّاءِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ قَوْمٍ خَرَجُوا فِي سَفَرٍ فَلَمَّا انْتَهَوْا إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ فِيهِ التَّقْصِيرُ قَصَّرُوا مِنَ الصَّلَاةِ، فَلَمَّا صَارُوا عَلَى فَرْسَخَيْنِ أَوْ عَلَى ثَلَاثَةِ فَرَاسِخَ أَوْ أَرْبَعَةٍ تَخَلَّفَ عَنْهُمْ رَجُلٌ لَا يَسْتَقِيمُ لَهُمْ سَفَرُهُمْ إِلَّا بِهِ فَأَقَامُوا يَنْتَظِرُونَ مَجِيئَهُ إِلَيْهِمْ وَ هُمْ لَا يَسْتَقِيمُ لَهُمُ السَّفَرُ إِلَّا بِمَجِيئِهِ إِلَيْهِمْ، فَأَقَامُوا عَلَى ذَلِكَ أَيَّاماً لَا يَدْرُونَ هَلْ يَمْضُونَ فِي سَفَرِهِمْ أَوْ يَنْصَرِفُونَ هَلْ يَنْبَغِي لَهُمْ أَنْ يُتِمُّوا الصَّلَاةَ أَوْ يُقِيمُوا عَلَى تَقْصِيرِهِمْ؟

---

۴ ـ راوی گوید: از امام صادق عليه السلام از حدّ و اندازهٔ میل‌هایی که در آن قصر شدن نماز واجب می‌شود، سؤال کردند.

فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله حدّ میل‌ها را از سایهٔ کوه عَیْر تا سایهٔ کوه وَعَیْر ـ که دو کوه در مدینه‌اند ـ قرار داد و چون خورشید طلوع کند، سایهٔ عَیْر بر زمین می‌افتد تا آن وقتی که سایهٔ وعیر بر زمین می‌افتد و این همان میلی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله قصر شدن نماز را بر آن بنا گذاشت، (که چهار فرسخ می‌شود).

۵ ـ اسحاق بن عمّار گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: گروهی عازم مسافرت شدند و چون به جایی رسیدند که نماز قصر بر آنان واجب می‌شود، نماز را شکسته خواندند و چون به دو ـ یا سه و یا چهار ـ فرسخی رسیدند، یکی از آنان از رفتن منصرف شد و بازگشت و سفر آن‌ها نیز جز با آمدن او صورت نمی‌پذیرد. مدّتی ماندند و انتظار آمدن او را کشیدند؛ زیرا سفرشان بدون آمدن او ممکن نبود. چند روزی ماندند و نمی‌دانستند که آیا سفر خود را ادامه می‌دهند، یا باز می‌گردند. آیا برای آنان سزاوار است که نماز خود را تمام بخوانند، یا این که باید همچنان نمازشان را قصر بخوانند؟

قَالَ: إِنْ كَانُوا بَلَغُوا مَسِيرَةَ أَرْبَعَةِ فَرَاسِخَ فَلْيُقِيمُوا عَلَى تَقْصِيرِهِمْ أَ قَامُوا أَمِ انْصَرَفُوا، وَ إِنْ كَانُوا سَارُوا أَقَلَّ مِنْ أَرْبَعَةِ فَرَاسِخَ فَلْيُتِمُّوا الصَّلاَةَ أَقَامُوا أَوِ انْصَرَفُوا، فَإِذَا مَضَوْا فَلْيُقَصِّرُوا.

(۷۸)
بَابُ مَنْ يُرِيدُ السَّفَرَ أَوْ يَقْدَمُ مِنْ سَفَرٍ مَتَى يَجِبُ عَلَيْهِ التَّقْصِيرُ أَوِ التَّمَامُ؟

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلاَءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: الرَّجُلُ يُرِيدُ السَّفَرَ مَتَى يُقَصِّرُ؟

قَالَ: إِذَا تَوَارَى مِنَ الْبُيُوتِ.

قَالَ: قُلْتُ: الرَّجُلُ يُرِيدُ السَّفَرَ فَيَخْرُجُ حِينَ تَزُولُ الشَّمْسُ.

قَالَ: إِذَا خَرَجْتَ فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ.

وَ رَوَى الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ وَ فَضَالَةَ عَنِ الْعَلاَءِ مِثْلَهُ

فرمود: نمازشان را همچنان قصر بخوانند چه منتظر بمانند و چه باز گردند، و اگر به کمتر از چهار فرسخ رسیده‌اند، نماز را تمام بخوانند، خواه منتظر بمانند و خواه باز گردند. ولی اگر بخواهند سفر خود را ادامه دهند، باید نماز را قصر بخوانند.

بخش هفتاد و هشتم
کسی که می‌خواهد سفر کند، یا از سفر باز می‌گردد چه هنگامی باید نماز را شکسته یا تمام بخواند؟

۱ ـ محمّد بن مسلم گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: کسی که می‌خواهد مسافرت کند از چه زمانی باید نماز را قصر بخواند؟

فرمود: آن گاه که خانه‌ها پنهان شوند.

راوی گوید: به آن حضرت عرض کردم: هر گاه کسی ارادهٔ سفر کند و بعد از زوال خورشید، از خانه بیرون رود وظیفهٔ او چیست؟

فرمود: هر گاه به قصد سفر بیرون رفتی، نماز را دو رکعت بخوان.

۲ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ قَالَ: سَمِعْتُ الرِّضَا عليه السلام يَقُولُ:

إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ وَ أَنْتَ فِي الْمِصْرِ وَ أَنْتَ تُرِيدُ السَّفَرَ فَأَتِمَّ، فَإِذَا خَرَجْتَ بَعْدَ الزَّوَالِ قَصِّرِ الْعَصْرَ.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ عَنْ بَشِيرٍ النَّبَّالِ قَالَ: خَرَجْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام حَتَّى أَتَيْنَا الشَّجَرَةَ.

فَقَالَ: لِي أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام: يَا نَبَّالُ!

قُلْتُ: لَبَّيْكَ.

قَالَ: إِنَّهُ لَمْ يَجِبْ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ هَذَا الْعَسْكَرِ أَنْ يُصَلِّيَ أَرْبَعاً غَيْرِي وَ غَيْرُكَ، وَ ذَلِكَ أَنَّهُ دَخَلَ وَقْتُ الصَّلاَةِ قَبْلَ أَنْ نَخْرُجَ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ يَدْخُلُ مِنْ سَفَرِهِ وَ قَدْ دَخَلَ وَقْتُ الصَّلاَةِ.

قَالَ: يُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ فَإِذَا خَرَجَ إِلَى سَفَرٍ وَ قَدْ دَخَلَ وَقْتُ الصَّلاَةِ فَلْيُصَلِّ أَرْبَعاً.

---

۲ ـ حسن بن علی وشّاء گوید: از امام رضا عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

هر گاه زوال آفتاب شود و تو در شهر خود هستی و ارادهٔ سفر داری، نماز خود را تمام بخوان، و هر گاه بعد از زوال آفتاب خارج شدی، نماز عصر را شکسته بخوان.

۳ ـ بشیر نبّال گوید: با امام صادق عليه السلام حرکت کردیم تا این که تا به مسجد شجره رسیدیم. آن حضرت به من فرمود: ای نبّال!

عرض کردم: لبّیك.

فرمود: بر هیچ کدام از اهل این قافله نماز چهار رکعتی و تمام واجب نیست، مگر بر من و تو و این بدین خاطر است که پیش از آن که ما خارج شویم، وقت نماز داخل شده بود.

۴ ـ محمّد بن مسلم گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شخصی که از سفر باز می‌گردد و وقت نماز فرا رسیده است، چه وظیفه‌ای دارد؟

فرمود: باید نماز را دو رکعت بخواند، و اگر اراده سفر دارد و وقت نماز نیز فر ارسیده، باید نماز را چهار رکعت بخواند.

۵ ـ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ مُسَافِراً ثُمَّ يَقْدَمُ فَيَدْخُلُ بُيُوتَ الْكُوفَةِ أَيُتِمُّ الصَّلاَةَ أَمْ يَكُونُ مُقَصِّراً حَتَّى يَدْخُلَ أَهْلَهُ؟

قَالَ: بَلْ يَكُونُ مُقَصِّراً حَتَّى يَدْخُلَ أَهْلَهُ.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ صَلَّى وَ هُوَ مُسَافِرٌ فَأَتَمَّ الصَّلاَةَ؟

قَالَ: إِنْ كَانَ فِي وَقْتٍ فَلْيُعِدْ، وَ إِنْ كَانَ الْوَقْتُ قَدْ مَضَى فَلاَ.

٧ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: رَجُلٌ فَاتَتْهُ صَلاَةٌ مِنْ صَلاَةِ السَّفَرِ فَذَكَرَهَا فِي الْحَضَرِ.

قَالَ: يَقْضِي مَا فَاتَهُ كَمَا فَاتَهُ إِنْ كَانَتْ صَلاَةَ السَّفَرِ أَدَّاهَا فِي الْحَضَرِ مِثْلَهَا، وَ إِنْ كَانَتْ صَلاَةَ الْحَضَرِ فَلْيَقْضِ فِي السَّفَرِ صَلاَةَ الْحَضَرِ كَمَا فَاتَتْهُ.

---

۵ ـ اسحاق بن عمّار گويد: از امام کاظم عليه السلام پرسيدم: هر گاه مسافرى از سفر بيايد و داخل در محدودهٔ خانه‌هاى کوفه شود، آيا بايد نماز را تمام بخواند، يا هم چنان شکسته بخواند تا داخل خانه يا محلّهٔ خويش شود؟

فرمود: البتّه بايد نماز را شکسته بخواند تا زمانى که به خانهٔ خود وارد شود.

۶ ـ عيص بن قاسم گويد: از امام صادق عليه السلام پرسيدم: کسى که در سفر، نماز را چهار رکعت خوانده است (اينک چه وظيفه‌اى دارد؟)

فرمود: اگر وقت داشته باشد، بايد آن را اعاده کند، امّا اگر وقت گذشته باشد، اعاده لازم نيست.

۷ ـ زراره گويد: به امام عليه السلام گفتم: شخصى در سفر، نماز دو رکعتى از او فوت مى‌شود و در حَضَر يادش مى‌آيد (وظيفهٔ او چيست)

فرمود: بايد آن چه از او فوت شده، همان طورى که فوت شده، قضا کند، يعنى در حَضَر نماز فوت شدهٔ در سفر را شکسته ادا کند و در سفر نماز فوت شدهٔ در حَضَر را تمام به جا آورد.

۸ ـ عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ خَرَجَ فِي سَفَرٍ ثُمَّ تَبْدُو لَهُ الْإِقَامَةُ وَ هُوَ فِي صَلَاتِهِ.

قَالَ: يُتِمُّ إِذَا بَدَتْ لَهُ الْإِقَامَةُ.

(۷۹)

بَابُ الْمُسَافِرِ يَقْدَمُ الْبَلْدَةَ كَمْ يُقَصِّرُ الصَّلَاةَ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللهِ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: أَ رَأَيْتَ مَنْ قَدِمَ بَلْدَةً إِلَى مَتَى يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَكُونَ مُقَصِّراً وَ مَتَى يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يُتِمَّ؟

قَالَ: إِذَا دَخَلْتَ أَرْضاً فَأَيْقَنْتَ أَنَّ لَكَ بِهَا مُقَاماً عَشَرَةَ أَيَّامٍ فَأَتِمَّ الصَّلَاةَ، وَ إِنْ لَمْ تَدْرِ مَا مُقَامُكَ بِهَا تَقُولُ: غَداً أَخْرُجُ، أَوْ بَعْدَ غَدٍ، فَقَصِّرْ مَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ أَنْ يَمْضِيَ شَهْرٌ، فَإِذَا تَمَّ لَكَ شَهْرٌ فَأَتِمَّ الصَّلَاةَ، وَ إِنْ أَرَدْتَ أَنْ تَخْرُجَ مِنْ سَاعَتِكَ.

---

۸ ـ علی بن یقطین گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: کسی که به سفر رفته در اثنای نماز پیشامد می‌کند که توقّف و اقامت نماید؟

فرمود: نماز را تمام می‌خواند.

بخش هفتاد و نهم

مسافری که به شهری می‌آید تا چند روز باید نماز را شکسته بخواند؟

۱ ـ زراره گوید: امام باقر علیه السلام عرض کردم: بفرمایید کسی که به شهری وارد می‌شود تا چه زمانی شایسته است که نماز خود را قصر و تا چه زمانی تمام بخواند؟

فرمود: هر گاه وارد سرزمینی شدی و یقین داشتی که ده روز می‌مانی، نماز خود را تمام به جای آور. امّا اگر نمی‌دانی که چند روز می‌مانی و می‌گویی که فردا می‌روم یا پس فردا، در چنین حالی تا یک ماه که چنین وضعی داری، نماز خود را شکسته بخوان، و چون یک ماه سپری شد، اگر چه یک ساعت دیگر خارج شوی، باید نماز را تمام بخوانی.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ بُكَيْرٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ بِالْبَصْرَةِ وَ هُوَ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ لَهُ بِهَا دَارٌ وَ مَنْزِلٌ فَيَمُرُّ بِالْكُوفَةِ وَ إِنَّمَا هُوَ مُجْتَازٌ لَا يُرِيدُ الْمُقَامَ إِلَّا بِقَدْرِ مَا يَتَجَهَّزُ يَوْماً أَوْ يَوْمَيْنِ.

قَالَ: يُقِيمُ فِي جَانِبِ الْمِصْرِ وَ يُقَصِّرُ.

قُلْتُ: فَإِنْ دَخَلَ أَهْلَهُ.

قَالَ: عَلَيْهِ التَّمَامُ.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ قَالَ: سَأَلَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام وَ أَنَا أَسْمَعُ عَنِ الْمُسَافِرِ إِنْ حَدَّثَ نَفْسَهُ بِإِقَامَةِ عَشَرَةِ أَيَّامٍ.

قَالَ: فَلْيُتِمَّ الصَّلَاةَ وَ إِنْ لَمْ يَدْرِ مَا يُقِيمُ يَوْماً أَوْ أَكْثَرَ فَلْيَعُدَّ ثَلَاثِينَ يَوْماً، ثُمَّ لْيُتِمَّ وَ إِنْ كَانَ أَقَامَ يَوْماً أَوْ صَلَاةً وَاحِدَةً.

---

۲ ـ عبداللّه بن بکیر گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: یکی از مردم کوفه در بصره ساکن است، وی در آن جا خانه و منزلی دارد، او از کوفه می‌گذرد و رهگذر است و نمی‌خواهد که در کوفه بماند و فقط برای تهیّهٔ لوازم، یک ـ یا دو ـ روز می‌ماند، نماز خود را چگونه باید بخواند؟

فرمود: در گوشه‌ای از شهر می‌ماند و نماز را شکسته می‌خواند.

عرض کردم: اگر داخل خانه خویش گردد چه؟

فرمود: نماز را تمام بخواند.

۳ ـ ابو ایّوب گوید: من در خدمت امام صادق عليه السلام بودم که محمّد بن مسلم از حضرتش دربارهٔ مسافری که در قصد خود ارادهٔ ماندن ده روز را داشته باشد، پرسید.

حضرت فرمود: باید نماز را تمام بخواند، امّا اگر نمی‌داند که چند روز می‌ماند، یک روز یا بیشتر تا سی روز بشمارد (و نماز خود را شکسته بخواند) و پس از آن، اگر چه یک روز و یا به اندازهٔ یک نماز بماند، باید نماز را تمام به جا آورد.

فَقالَ لَهُ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ: بَلَغَنِي أَنَّكَ قُلْتَ: خَمْساً.
فَقالَ: قَدْ قُلْتُ ذَاكَ.
قَالَ أَبُو أَيُّوبَ: فَقُلْتُ أَنَا: جُعِلْتُ فِدَاكَ! يَكُونُ أَقَلَّ مِنْ خَمْسٍ.
فَقالَ: لَا.

(۸۰)

بَابُ صَلاَةِ الْمَلّاحِينَ وَ الْمُكَارِينَ وَ أَصْحَابِ الصَّيْدِ وَ الرَّجُلِ يَخْرُجُ إِلَى ضَيْعَتِهِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه‌السلام:
أَرْبَعَةٌ قَدْ يَجِبُ عَلَيْهِمُ التَّمَامُ فِي السَّفَرِ كَانُوا أَوِ الْحَضَرِ، الْمُكَارِي وَ الْكَرِيُّ وَ الرَّاعِي وَ الاِشْتِقَانُ، لِأَنَّهُ عَمَلُهُمْ.

محمّد بن مسلم عرض کرد: به من خبر رسیده که شما فرموده‌اید: پنج روز؟
فرمود: آن را نیز گفته‌ام.
ابو ایّوب گوید: عرض کردم: قربانت گردم! آیا در کمتر از پنج روز هم قصد اقامه محقّق می‌شود؟
فرمود: نه.

بخش هشتادم
نماز ناخدایان، چهارپاداران، شکارچیان و کسی که برای سرکشی املاک و مزرعه‌های خود می‌رود

۱ ـ زراره گوید: امام باقر عليه‌السلام فرمود:
چهار گروه هستند که بر آنان واجب است در سفر وحَضَر نماز را تمام بخوانند که عبارتند از: کسی که چارپایان خود را کرایه می‌دهد، کسی که خود را اجیر دیگری می‌سازد که پیامی به جایی ببرد، چوپان و پیک؛ زیرا سفر، کار و حرفهٔ آنان است.

٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلاَءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام قَالَ:

لَيْسَ عَلَى الْمَلاَّحِينَ فِي سَفِينَتِهِمْ تَقْصِيرٌ وَ لَا عَلَى الْمُكَارِي وَ الْجَمَّالِ.

وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: الْمُكَارِي إِذَا جَدَّ بِهِ السَّيْرُ فَلْيُقَصِّرْ.

قَالَ: وَ مَعْنَى: «جَدَّ بِهِ السَّيْرُ» يَجْعَلُ مَنْزِلَيْنِ مَنْزِلاً.

٣ ـ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ غَيْرُهُ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ: سَأَلْتُ الرِّضَا عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَخْرُجُ إِلَى ضَيْعَتِهِ وَ يُقِيمُ الْيَوْمَ وَ الْيَوْمَيْنِ وَ الثَّلاَثَةَ أَيُقَصِّرُ أَمْ يُتِمُّ؟

قَالَ: يُتِمُّ الصَّلاَةَ كُلَّمَا أَتَى ضَيْعَةً مِنْ ضِيَاعِهِ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَتَصَيَّدُ الْيَوْمَ وَ الْيَوْمَيْنِ وَ الثَّلاَثَةَ أَيَقْصُرُ الصَّلاَةَ؟

---

۲ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام (باقر یا امام صادق علیهما السلام) فرمود:

ناخدا و خدمهٔ کشتی که در کشتی خود در حال حرکت هستند، نباید نماز را قصر بخوانند، هم چنین است حکم چارپادار و شتربان.

در روایت دیگری آمده است: اگر چارپادار در رفتن شتاب کند، باید نماز را شکسته بخواند.

فرمود: معنای «با شتاب رفتن» این است که دو منزل را به مسافت یک منزل حرکت کند.

۳ ـ احمد بن محمّد بن ابی نصر گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم: کسی که برای سرکشی املاک و مزرعه‌های خود می‌رود و یک ـ یا دو و یا سه ـ روز در آن جا می‌ماند، آیا نماز خود را باید شکسته بخواند؟

فرمود: هر گاه به ملکی از املاک و یا به مزرعه‌ای از مزرعه‌های خود برود، باید نماز را تمام به جا آورد.

۴ ـ ابن بکیر گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: شخصی که یک ـ یا دو و یا سه ـ روز برای شکار می‌رود، آیا نمازش را شکسته بخواند؟

قَالَ: لَا، إِلَّا أَنْ يُشَيِّعَ الرَّجُلُ أَخَاهُ فِي الدِّينِ وَ إِنَّ التَّصَيُّدَ مَسِيرٌ بَاطِلٌ لَا تُقْصَرُ الصَّلَاةُ فِيهِ.

وَ قَالَ: يَقْصُرُ إِذَا شَيَّعَ أَخَاهُ.

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ مِثْلَهُ.

٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرٍ الْجَعْفَرِيِّ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

الْأَعْرَابُ لَا يُقَصِّرُونَ، وَ ذَلِكَ أَنَّ مَنَازِلَهُمْ مَعَهُمْ.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: الرَّجُلُ يَكُونُ لَهُ الضِّيَاعُ بَعْضُهَا قَرِيبٌ مِنْ بَعْضٍ يَخْرُجُ فَيُقِيمُ فِيهَا يُتِمُّ أَوْ يُقَصِّرُ؟

قَالَ: يُتِمُّ.

فرمود: نه، مگر آن که برادر دینی خود را مشایعت و بدرقه کند؛ زیرا رفتن به شکار مسیر باطلی است که نماز در آن قصر نمی‌شود.

هم چنین فرمود: هر گاه انسان برادر دینی خود را مشایعت کند، باید نماز را قصر به جا آورد.

۵ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

بادیه نشینان نباید نماز را شکسته بخوانند؛ برای این که خانه‌هایشان با آنان است.

۶ ـ عبدالرحمان بن حجّاج گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: شخصی دارای املاک و مزرعه‌هایی است که نزدیک یکدیگر هستند و بدان جا می‌رود و می‌ماند. آیا باید نماز را تمام بخواند؟

فرمود: باید تمام بخواند.

۷ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لا عَادٍ﴾.

قَالَ: الْبَاغِي؛ بَاغِي الصَّيْدِ وَ الْعَادِي؛ السَّارِقُ لَيْسَ لَهُمَا أَنْ يَأْكُلاَ الْمَيْتَةَ إِذَا اضْطُرَّا إِلَيْهَا، هِيَ حَرَامٌ عَلَيْهِمَا لَيْسَ هِيَ عَلَيْهِمَا كَمَا هِيَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ، وَ لَيْسَ لَهُمَا أَنْ يُقَصِّرَا فِي الصَّلاَةِ.

۸ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَخْرُجُ إِلَى الصَّيْدِ أَيُقَصِّرُ أَمْ يُتِمُّ؟

قَالَ: يُتِمُّ، لِأَنَّهُ لَيْسَ بِمَسِيرِ حَقٍّ.

۹ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَلاَّحِينَ وَ الْأَعْرَابِ هَلْ عَلَيْهِمْ تَقْصِيرٌ؟

قَالَ: لاَ، بُيُوتُهُمْ مَعَهُمْ.

۷ـ حمّاد بن عثمان گوید: امام صادق عليه السلام دربارهٔ گفتار خداوند عزّ و جلّ که می‌فرماید: «هر که ناگزیر شد بی‌آن ستمگر و تجاوزگر باشد» فرمود:

مراد از ستمگر، کسی است که برای تفریح ـ نه برای کسب معاش ـ به شکار می‌رود، و مراد از تجاوزگر، دزد است، که این دو اگر چه مضطرّ و ناچار شوند، خوردن گوشت میته برای آن‌ها حرام است، و حلیّت گوشت میته همچون دیگر مسلمانان، شامل این دو نمی‌شود، و هم چنین نمی‌توانند نماز خود را شکسته بخوانند.

۸ ـ عبید بن زراره گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که به شکار می‌رود آیا نماز خود را شکسته یا تمام بخواند؟

فرمود: تمام بخواند. بدین دلیل که رفتن به شکار مسیر حق نیست.

۹ ـ اسحاق بن عمّار گوید: از امام عليه السلام در مورد ناخدایان و بادیه‌نشینان پرسیدم که آیا نمازشان باید شکسته باشد؟

فرمود: نه، برای این که خانه‌هایشان، همراه آن‌ها است.

۱۰ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عِمْرَانَ الْقُمِّيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: الرَّجُلُ يَخْرُجُ إِلَى الصَّيْدِ مَسِيرَةَ يَوْمٍ أَوْ يَوْمَيْنِ يُقَصِّرُ أَوْ يُتِمُّ؟

فَقَالَ: إِنْ خَرَجَ لِقُوتِهِ وَ قُوتِ عِيَالِهِ فَلْيُفْطِرْ وَ لْيُقَصِّرْ، وَ إِنْ خَرَجَ لِطَلَبِ الْفُضُولِ فَلاَ وَ لَا كَرَامَةَ.

۱۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَزَّكٍ قَالَ:

كَتَبْتُ إِلَيْهِ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنَّ لِي جِمَالاً وَ لِي قُوَّامٌ عَلَيْهَا وَ قَدْ أَخْرُجُ فِيهَا إِلَى طَرِيقِ مَكَّةَ لِرَغْبَةٍ فِي الْحَجِّ، أَوْ فِي النَّدْرَةِ إِلَى بَعْضِ الْمَوَاضِعِ، فَهَلْ يَجِبُ عَلَيَّ التَّقْصِيرُ فِي الصَّلاَةِ وَ الصِّيَامِ؟

فَوَقَّعَ عليه السلام: إِنْ كُنْتَ لَا تَلْزَمُهَا وَ لَا تَخْرُجُ مَعَهَا فِي كُلِّ سَفَرٍ إِلَّا إِلَى مَكَّةَ، فَعَلَيْكَ تَقْصِيرٌ وَ فُطُورٌ.

---

۱۰ ـ یکی از اصحاب ما گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: کسی که یک ـ یا دو ـ روز راه به شکار می‌رود، آیا نمازش را باید شکسته بخواند؟

فرمود: اگر برای به دست آوردن غذای خود و خانواده‌اش به شکار رفته، باید نماز را شکسته بخواند و روزه را افطار کند، امّا اگر برای چیزی افزون بر این به شکار رفته، نمازش تمام است و خیری در آن نیست.

۱۱ ـ محمّد بن جزک گوید: به آن حضرت (امام هادی عليه السلام) طی نامه‌ای نوشتم: قربانت گردم! مرا شترانی است و شتردارانی دارم که همراه شترانند و گاهی با شتران به سفر مکّه می‌روم به خاطر رغبت و میل فراوانی که به حجّ دارم و گاهی نیز به مکان‌های دیگر می‌روم. آیا نماز را باید قصر بخوانم و روزه را باید افطار نمایم؟

امام عليه السلام نوشت: اگر تو در همهٔ سفرها همراه آن‌ها نیستی و با آن‌ها بیرون نمی‌روی مگر در سفر مکّه، باید نماز را شکسته بخوانی و روزه را نیز افطار کنی.

(۸۱)
بَابُ الْمُسَافِرِ يَدْخُلُ فِي صَلاَةِ الْمُقِيمِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فِي الْمُسَافِرِ يُصَلِّي خَلْفَ الْمُقِيمِ.

قَالَ: يُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ وَ يَمْضِي حَيْثُ شَاءَ.

۲ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمانَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الْمُسَافِرِ يُصَلِّي مَعَ الْإِمَامِ فَيُدْرِكُ مِنَ الصَّلاَةِ رَكْعَتَيْنِ أَ يُجْزِئُ ذَلِكَ عَنْهُ؟

فَقَالَ: نَعَمْ.

بخش هشتاد و یکم
مسافری که در نماز به شخص غیر مسافر اقتدا می‌کند

۱ ـ حلبی گوید: امام صادق عليه السلام دربارهٔ مسافری که پشت سر شخص مقیم نماز می‌خواند، فرمود:

دو رکعت نماز می‌خواند، سپس می‌تواند هر جا که خواست برود.

۲ ـ عمر بن یزید گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مسافری در نماز جماعت شرکت می‌کند، آیا وقتی امام جماعتی به دو رکعت از نماز می‌رسد، برای او کفایت می‌کند؟

فرمود: آری.

(۸۲)
بَابُ التَّطَوُّعِ فِي السَّفَرِ

۱ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ زُرْعَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّلاَةِ فِي السَّفَرِ.

قَالَ: رَكْعَتَيْنِ لَيْسَ قَبْلَهُمَا وَ لَا بَعْدَهُمَا شَيْءٌ إِلَّا أَنَّهُ يَنْبَغِي لِلْمُسَافِرِ أَنْ يُصَلِّيَ بَعْدَ الْمَغْرِبِ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ وَ لْيَتَطَوَّعْ بِاللَّيْلِ مَا شَاءَ إِنْ كَانَ نَازِلاً، وَ إِنْ كَانَ رَاكِباً فَلْيُصَلِّ عَلَى دَابَّتِهِ وَ هُوَ رَاكِبٌ وَ لْتَكُنْ صَلاَتُهُ إِيمَاءً وَ لْيَكُنْ رَأْسُهُ حَيْثُ يُرِيدُ السُّجُودَ أَخْفَضَ مِنْ رُكُوعِهِ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ بَعْدَ الْمَغْرِبِ لَا تَدَعْهُنَّ فِي حَضَرٍ وَ لَا سَفَرٍ.

بخش هشتاد و دوم
نماز نافله در سفر

۱ ـ سماعه گوید: از امام عليه السلام در مورد نماز در سفر پرسیدم.

فرمود: دو رکعت است و پیش از آن دو رکعت و بعد از آن چیزی (از نافله) نیست، ولی برای مسافر شایسته است که پس از نماز مغرب چهار رکعت نماز به جا آورد و چون در منزلی (در میان راه) فرود آمد، هر قدر که بخواهد در شب می‌تواند نافله بخواند، و اگر سوار بر مرکب باشد، در حالت سواره نماز بخواند و نماز او باید به صورت اشاره باشد و هنگامی که به سجده می‌رود، سر او پایین‌تر از هنگام رکوع باشد.

۲ ـ حارث بن مغیره گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

چهار رکعت نماز پس از مغرب است که در هیچ حال ـ چه در حضر و چه در سفر ـ نباید ترک شوند.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

الصَّلاَةُ فِي السَّفَرِ رَكْعَتَانِ لَيْسَ قَبْلَهُمَا وَ لَا بَعْدَهُمَا شَيْءٌ إِلَّا الْمَغْرِبَ، فَإِنَّ بَعْدَهَا أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ لَا تَدَعْهُنَّ فِي حَضَرٍ وَ لَا سَفَرٍ، وَ لَيْسَ عَلَيْكَ قَضَاءُ صَلاَةِ النَّهَارِ، وَ صَلِّ صَلاَةَ اللَّيْلِ وَ اقْضِهِ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ ذَرِيحٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: فَاتَتْنِي صَلاَةُ اللَّيْلِ فِي السَّفَرِ فَأَقْضِيهَا فِي النَّهَارِ؟

فَقَالَ: نَعَمْ، إِنْ أَطَقْتَ ذَلِكَ.

٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ صَلاَةِ النَّافِلَةِ عَلَى الْبَعِيرِ وَ الدَّابَّةِ.

فَقَالَ: نَعَمْ، حَيْثُما كُنْتَ مُتَوَجِّهاً.

قَالَ: فَقُلْتُ: عَلَى الْبَعِيرِ وَ الدَّابَّةِ؟

---

۳ ـ ابوبصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

نماز در سفر دو رکعت است که پیش از آنها و بعد از آنها چیزی نیست، مگر نماز مغرب که بعد از آن چهار رکعت است و آن را چه در حضر و چه در سفر ترک مکن، و قضای نافله روز بر تو لازم نیست، امّا نماز نافلهٔ شب را (در سفر) بخوان و قضای آن را به جا آور.

۴ ـ ذریح گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: در سفری، نماز شب از من فوت شد آیا در روز قضای آن را به جا آورم؟

فرمود: آری، اگر توانایی آن را داشته باشی می‌توانی چنین کنی.

۵ ـ ابن مسکان گوید: حلبی از امام صادق علیه السلام دربارهٔ نماز نافله بر شتر و چارپا پرسید (که می‌توانم بخوانم؟)

حضرتش فرمود: آری، در هر جانب که رو کنی.

راوی گوید: عرض کردم: در حالی که بر شتر و چارپا باشم؟

قَالَ: نَعَمْ حَيْثَما كُنْتَ مُتَوَجِّهاً.

قُلْتُ: أَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ إِذَا أَرَدْتُ التَّكْبِيرَ.

قَالَ: لَا، وَ لَكِنْ تُكَبِّرُ حَيْثُما كُنْتَ مُتَوَجِّهاً، وَ كَذَلِكَ فَعَلَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ:

خَرَجْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فِيما بَيْنَ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةِ، فَكَانَ يَقُولُ: أَمَّا أَنْتُمْ فَشَبَابٌ تُؤَخِّرُونَ، وَ أَمَّا أَنَا فَشَيْخٌ أُعَجِّلُ فَكَانَ يُصَلِّي صَلاَةَ اللَّيْلِ أَوَّلَ اللَّيْلِ.

٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي عَلَى رَاحِلَتِهِ.

قَالَ: يُومِئُ إِيمَاءً يَجْعَلُ السُّجُودَ أَخْفَضَ مِنَ الرُّكُوعِ.

قُلْتُ: يُصَلِّي وَ هُوَ يَمْشِي.

قَالَ: نَعَمْ يُومِئُ إِيمَاءً وَ لْيَجْعَلِ السُّجُودَ أَخْفَضَ مِنَ الرُّكُوعِ.

فرمود: آری، هر سمتی که باشی متوجّه به آن سمت باش.

عرض کردم: آیا هرگاه بخواهم باید تکبیر بگویم، روی خود را به قبله بگردانم؟

فرمود: نه، به هر جانبی که هستی تکبیر بگو و رسول خدا صلى الله عليه وآله نیز چنین می‌کرد.

۶ ـ ابان بن تغلب گوید: در مسیر میان مکّه و مدینه با امام صادق عليه السلام همسفر بودم که حضرتش فرمود:

شما جوانید می‌توانید نماز شب را به تأخیر بیندازید و چون من سالمندم در انجام آن شتاب می‌کنم. به همین دلیل آن حضرت نماز شب را در اوّل شب به جا می‌آورد.

۷ ـ یعقوب بن شعیب گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد کسی که بخواهد بر مرکب سواری خود نماز بخواند، پرسیدم.

فرمود: باید به اشاره نماز بخواند و برای سجود سرش را بایستی پایین‌تر از رکوع قرار دهد.

عرض کردم: آیا می‌تواند در حالی که راه می‌رود، نماز بخواند؟

فرمود: آری، باید ایماء و اشاره کند و سجود خود را پایین‌تر از رکوع قرار دهد.

۸ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فِي الرَّجُلِ يُصَلِّي النَّوَافِلَ فِي الْأَمْصَارِ وَ هُوَ عَلَى دَابَّتِهِ حَيْثُ تَوَجَّهَتْ بِهِ؟

فَقالَ: نَعَمْ، لَا بَأْسَ.

۹ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ يَرَى بَأْساً أَنْ يُصَلِّيَ الْمَاشِي وَ هُوَ يَمْشِي، وَ لَكِنْ لَا يَسُوقُ الْإِبِلَ.

۱۰ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ صَلاَةِ اللَّيْلِ وَ الْوَتْرِ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ فِي السَّفَرِ إِذَا تَخَوَّفْتُ الْبَرْدَ وَ كَانَتْ عِلَّةٌ.

فَقالَ: لَا بَأْسَ أَنَا أَفْعَلُ ذَلِكَ.

---

۸ ـ عبدالرّحمان بن حجّاج گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا انسان می‌تواند نمازهای نافله را بر روی چارپا در حین سفر و حرکت میان شهرهای مختلف بخواند و به هر جانب که چارپا رو می‌کند، روی او نیز به همان سمت باشد؟

فرمود: آری، اشکالی ندارد.

۹ ـ راوی گوید: امام باقر عليه السلام در این که شخص پیاده در حال راه رفتن نماز بخواند، اشکالی نمی‌دید، ولی نباید شتر براند.

۱۰ ـ حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا می‌توانم در سفر نماز شب و نماز وتر را در صورتی که از سرما بترسم و یا عذری داشته باشم، در اوّل شب به جا آورم؟

فرمود: آری، من نیز چنین می‌کنم.

۱۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ سُلَيْمانَ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ مُقَاتِلِ بْنِ مُقَاتِلٍ عَنْ أَبِي الْحَارِثِ قَالَ: سَأَلْتُهُ ـ يَعْنِي الرِّضَا عليه السلام ـ عَنِ الْأَرْبَعِ رَكَعَاتٍ بَعْدَ الْمَغْرِبِ فِي السَّفَرِ يُعْجِلُنِي الْجَمَّالُ، وَ لَا يُمَكِّنِّي الصَّلَاةَ عَلَى الْأَرْضِ هَلْ أُصَلِّيهَا فِي الْمَحْمِلِ؟

فَقالَ: نَعَمْ، صَلِّهَا فِي الْمَحْمِلِ.

۱۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

صَلِّ رَكْعَتَيِ الْفَجْرِ فِي الْمَحْمِلِ.

(۸۳)

بَابُ الصَّلَاةِ فِي السَّفِينَةِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يُسْأَلُ عَنِ الصَّلَاةِ فِي السَّفِينَةِ فَيَقُولُ:

---

۱۱ ـ ابو الحارث گوید: از امام رضا عليه السلام پرسیدم: آیا چهار رکعت بعد از نماز مغرب را ـ در صورتی که شتردار شتاب دارد و نتوانم بر زمین نماز بگزارم ـ می‌توانم در کجاوه به جا آورم؟

فرمود: آری، آن را در کجاوه به جا آور.

۱۲ ـ صفوان گوید: امام رضا عليه السلام فرمود:

دو رکعت (نافلهٔ) نماز صبح را در کجاوه به جا آور.

بخش هشتاد و سوم

نماز در کشتی

۱ ـ حمّاد بن عیسی گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم آن‌گاه که از چگونگی نماز در کشتی از آن حضرت پرسیدند، فرمود:

إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَخْرُجُوا إِلَى الْجَدَدِ فَاخْرُجُوا، فَإِنْ لَمْ تَقْدِرُوا فَصَلُّوا قِيَاماً، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِيعُوا فَصَلُّوا قُعُوداً وَ تَحَرَّوُا الْقِبْلَةَ.

٢ ـ عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الصَّلاَةِ فِي السَّفِينَةِ.

فَقَالَ: يَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ، فَإِذَا دَارَتْ وَ اسْتَطَاعَ أَنْ يَتَوَجَّهَ إِلَى الْقِبْلَةِ فَلْيَفْعَلْ وَ إِلَّا فَلْيُصَلِّ حَيْثُ تَوَجَّهَتْ بِهِ.

قَالَ: فَإِنْ أَمْكَنَهُ الْقِيَامُ فَلْيُصَلِّ قَائِماً وَ إِلَّا فَلْيَقْعُدْ ثُمَّ لْيُصَلِّ.

٣ ـ عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام فِي الرَّجُلِ يَكُونُ فِي السَّفِينَةِ فَلاَ يَدْرِي أَيْنَ الْقِبْلَةُ.

قَالَ: يَتَحَرَّى، فَإِنْ لَمْ يَدْرِ صَلَّى نَحْوَ رَأْسِهَا.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ يَزِيدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ هَارُونَ بْنِ حَمْزَةَ الْغَنَوِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّلاَةِ فِي السَّفِينَةِ.

اگر بتوانید به ساحل بروید، چنین کنید، ولی اگر نتوانستید، در حالی که ایستاده‌اید، نماز بخوانید، و اگر در حال ایستاده هم نتوانستید، نشسته نماز را به جا آورید، ودر به دست آوردن قبله کوشش نمایید.

۲ ـ حمّاد بن عثمان گوید: از امام صادق عليه‌السلام از چگونگی نماز در کشتی پرسیدند. فرمود:

نمازگزار باید رو به قبله کند و هر گاه کشتی از جهت خود بگردد و روی او از قبله منحرف شود، چنان چه توانست جهت خود را رو به قبله کند، وگرنه به هر سمتی که کشتی می‌رود او نیز رو کند. و اگر می‌تواند نماز را ایستاده به جا آورد و گرنه باید بنشیند، سپس نماز بخواند.

۳ ـ راوی گوید: امام صادق عليه‌السلام دربارهٔ کسی که در کشتی است و جهت قبله را نمی‌داند، فرمود:

برای پیدا کردن قبله تلاش می‌کند و اگر نتوانست به طرف دماغه و سر کشتی نماز بگزارد.

۴ ـ هارون بن حمزه غنوی گوید: از امام صادق عليه‌السلام دربارهٔ نماز در کشتی پرسیدم.

فَقالَ: إِذَا كَانَتْ مُحَمَّلَةً ثَقِيلَةً إِذَا قُمْتَ فِيهَا لَمْ تَحَرَّكْ فَصَلِّ قَائِماً، وَ إِنْ كَانَتْ خَفِيفَةً تَكَفَّأُ فَصَلِّ قَاعِداً.

۵ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي هَاشِمٍ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام فِي السَّفِينَةِ فِي دِجْلَةَ فَحَضَرَتِ الصَّلَاةُ. فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! نُصَلِّي فِي جَمَاعَةٍ؟

قَالَ: فَقالَ: لَا تُصَلِّ فِي بَطْنِ وَادٍ جَمَاعَةً.

(۸٤)

بَابُ صَلَاةِ النَّوَافِلِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام وَ أَنَا شَابٌّ فَوَصَفَ لِيَ التَّطَوُّعَ وَ الصَّوْمَ فَرَأَى ثِقْلَ ذَلِكَ فِي وَجْهِي فَقالَ لِي:

فرمود: اگر کشتی پر بار و سنگین باشد، به گونه‌ای که وقتی در آن به نماز می‌ایستی، حرکت نکند و تو را تکان ندهد، ایستاده نماز بخوان و اگر سبک باشد و احتمال تکان دارد، نماز را نشسته به جا آور.

۵ ـ ابو هاشم جعفری گوید: با امام هادی عليه السلام در کشتی در رود دجله همراه بودم، وقت نماز فرا رسید، عرض کردم: قربانت گردم! می‌شود نماز را به جماعت به جای آوریم؟

فرمود: در میان رودخانه نماز را به جماعت به جا نیاور.

بخش هشتاد و چهارم

نمازهای نافله

۱ ـ زراره گوید: در دوران جوانی خدمت امام باقر عليه السلام شرفیاب شدم. آن حضرت برای من نمازهای نافله و روزه‌های مستحب را بیان فرمود. سپس سنگینی انجام آن را در چهرهٔ من مشاهده کرد، به من فرمود:

إِنَّ هَذَا لَيْسَ كَالْفَرِيضَةِ مَنْ تَرَكَهَا هَلَكَ، إِنَّمَا هُوَ التَّطَوُّعُ إِنْ شُغِلْتَ عَنْهُ أَوْ تَرَكْتَهُ قَضَيْتَهُ، إِنَّهُمْ كَانُوا يَكْرَهُونَ أَنْ تُرْفَعَ أَعْمَالُهُمْ يَوْماً تَامّاً وَ يَوْماً نَاقِصاً، إِنَّ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: ﴿الَّذِينَ هُمْ عَلىٰ صَلاتِهِمْ دائِمُونَ﴾ وَ كَانُوا يَكْرَهُونَ أَنْ يُصَلُّوا حَتَّى يَزُولَ النَّهَارُ إِنَّ أَبْوَابَ السَّمَاءِ تُفَتَّحُ إِذَا زَالَ النَّهَارُ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ فُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ علیه‌السلام قَالَ:

الْفَرِيضَةُ وَ النَّافِلَةُ أَحَدٌ وَ خَمْسُونَ رَكْعَةً مِنْهَا رَكْعَتَانِ بَعْدَ الْعَتَمَةِ جَالِساً تُعَدَّانِ بِرَكْعَةٍ وَ هُوَ قَائِمٌ الْفَرِيضَةُ مِنْهَا سَبْعَةَ عَشَرَ رَكْعَةً وَ النَّافِلَةُ أَرْبَعٌ وَ ثَلاثُونَ رَكْعَةً.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ وَالْفَضْلِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ وَ بُكَيْرٍ قَالُوا: سَمِعْنَا أَبَا عَبْدِ اللهِ علیه‌السلام يَقُولُ:

كَانَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله يُصَلِّي مِنَ التَّطَوُّعِ مِثْلَيِ الْفَرِيضَةِ وَ يَصُومُ مِنَ التَّطَوُّعِ مِثْلَيِ الْفَرِيضَةِ.

این نماز مانند نماز فریضه نیست که اگر کسی آن را ترک کند، هلاک شود؛ زیرا که این، نماز نافله است و هرگاه کاری داشتی و نتوانستی آن را به جا آوری یا آن را ترک کردی، آن را قضا می‌کنی؛ زیرا مؤمنان همواره کراهت داشته‌اند که یک روز اعمالشان کامل بالا رود و روزی دیگر ناقص، چرا که خداوند عزّوجلّ می‌فرماید: «کسانی که همواره در نماز هستند» و هم چنین خوش نمی‌داشتند که پیش از زوال، نماز نافله بخوانند؛ زیرا درهای آسمان به هنگام زوال آفتاب گشوده می‌شود.

۲ ـ فضیل بن یسار گوید: امام صادق علیه‌السلام فرمود:

نمازهای فریضه و نافله پنجاه و یک رکعت است. از این نوافل، دو رکعت نماز نشسته بعد از نماز عشا می‌باشد که یک رکعت ایستاده به حساب می‌آید. نمازهای فریضه، هفده رکعت و نافله سی و چهار رکعت است.

۳ ـ فضیل بن یسار، فضل بن عبدالملك و بکیر گویند: از امام صادق علیه‌السلام شنیدیم که می‌فرمود:

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را همواره نمازهای نافله را دو برابر فریضه می‌گزارد و روزهٔ نافله را نیز دو برابر روزهٔ فریضه می‌گرفت.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ أَفْضَلِ مَا جَرَتْ بِهِ السُّنَّةُ مِنَ الصَّلاَةِ؟

فَقالَ: تَمَامُ الْخَمْسِينَ.

وَ رَوَى الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ مِثْلَهُ.

٥ ـ مُحَمَّدٌ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ حَنَانٍ قَالَ: سَأَلَ عَمْرُو بْنُ حُرَيْثٍ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام وَ أَنَا جَالِسٌ.

فَقالَ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَخْبِرْنِي عَنْ صَلاَةِ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله.

فَقالَ: كَانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله يُصَلِّي ثَمَانِيَ رَكَعَاتٍ الزَّوَالَ وَ أَرْبَعاً الْأُولَى وَ ثَمَانِيَ بَعْدَهَا وَ أَرْبَعاً الْعَصْرَ وَ ثَلاَثاً الْمَغْرِبَ وَ أَرْبَعاً بَعْدَ الْمَغْرِبِ وَ الْعِشَاءَ الآخِرَةَ أَرْبَعاً وَ ثَمَانِيَ صَلاَةَ اللَّيْلِ وَ ثَلاَثاً الْوَتْرَ وَ رَكْعَتَيِ الْفَجْرِ وَ صَلاَةَ الْغَدَاةِ رَكْعَتَيْنِ.

---

۴ ـ محمّد بن ابی عمید گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: بهترین نمازهایی که در سنّت آمده است کدام نماز است؟

فرمود: پنجاه رکعت نماز است.

۵ ـ حنّان گوید: روزی در خدمت امام صادق علیه السلام حضور داشتم، عمرو بن حریث از حضرتش پرسید: قربانت گردم! مرا از چگونگی نماز رسول خدا صلى الله عليه وآله خبر دهید.

فرمود: پیامبر صلى الله عليه وآله همواره هشت رکعت نافلهٔ (نماز ظهر) زوال آفتاب، چهار رکعت فریضهٔ آن و پس از آن هشت رکعت نافلهٔ (نماز عصر) بعد از فریضهٔ ظهر و چهار رکعت فریضهٔ عصر، و سه رکعت نماز مغرب و چهار رکعت نافلهٔ پس از آن، و چهار رکعت نماز عشا و هشت رکعت نافلهٔ شب و سه رکعت نماز وتر، و دو رکعت نافلهٔ صبح و دو رکعت فریضه صبح به جا می‌آورد.

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! وَ إِنْ كُنْتُ أَقْوَى عَلَى أَكْثَرَ مِنْ هَذَا يُعَذِّبُنِي اللهُ عَلَى كَثْرَةِ الصَّلاَةِ.

فَقالَ: لاَ، وَ لَكِنْ يُعَذِّبُ عَلَى تَرْكِ السُّنَّةِ.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام هَلْ قَبْلَ الْعِشَاءِ الآخِرَةِ وَ بَعْدَهَا شَيْءٌ؟

قَالَ: لاَ، غَيْرَ أَنِّي أُصَلِّي بَعْدَهَا رَكْعَتَيْنِ، وَ لَسْتُ أَحْسُبُهُمَا مِنْ صَلاَةِ اللَّيْلِ.

٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَيْفٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ حَجَّاجِ الْخَشَّابِ عَنْ أَبِي الْفَوَارِسِ قَالَ:

نَهَانِي أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام أَنْ أَتَكَلَّمَ بَيْنَ الْأَرْبَعِ رَكَعَاتٍ الَّتِي بَعْدَ الْمَغْرِبِ.

٨ ـ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: إِنَّ أَصْحَابَنَا يَخْتَلِفُونَ فِي صَلاَةِ التَّطَوُّعِ، بَعْضُهُمْ يُصَلِّي أَرْبَعاً وَ أَرْبَعِينَ، وَ بَعْضُهُمْ يُصَلِّي خَمْسِينَ فَأَخْبِرْنِي بِالَّذِي تَعْمَلُ بِهِ أَنْتَ كَيْفَ هُوَ حَتَّى أَعْمَلَ بِمِثْلِهِ.

عرض کردم: قربانت گردم! در صورتی که توانایی انجام بیش از این (پنجاه رکعت) را داشته باشم، آیا اگر بیشتر بخوانم، خداوند برای این جهت مرا عذاب خواهد کرد؟

فرمود: نه، ولی به خاطر ترک سنّت عذاب می‌کند.

۶ ـ حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا پیش از نماز عشا و بعد از آن، نافله‌ای هست؟

فرمود: نه، ولی من بعد از فریضهٔ عشا، دو رکعت نماز می‌خوانم و آن دو رکعت را جزو نماز شب حساب نمی‌کنم.

۷ ـ ابو الفوارس گوید: امام صادق عليه السلام مرا از این که در میان چهار رکعت نافلهٔ پس از مغرب سخن بگویم، نهی فرمود.

۸ ـ احمد بن محمّد بن ابی نصر گوید: به امام رضا عليه السلام گفتم: دوستان ما، در نماز نافله بر خلاف یکدیگر عمل می‌کنند. بعضی چهل و چهار رکعت و برخی دیگر پنجاه رکعت نماز می‌خواند. مرا از آن چه که خود به آن عمل می‌کنید، آگاه سازید تا من نیز همان‌گونه عمل کنم.

فَقالَ: أُصَلِّي وَاحِدَةً وَ خَمْسِينَ .

ثُمَّ قالَ: أَمْسِكْ، وَ عَقَدَ بِيَدِهِ الزَّوَالَ ثَمَانِيَةً وَ أَرْبَعاً بَعْدَ الظُّهْرِ وَ أَرْبَعاً قَبْلَ الْعَصْرِ وَ رَكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ وَ رَكْعَتَيْنِ قَبْلَ عِشَاءِ الآخِرَةِ وَ رَكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْعِشَاءِ مِنْ قُعُودٍ تُعَدَّانِ بِرَكْعَةٍ مِنْ قِيَامٍ وَ ثَمَانِيَ صَلاَةَ اللَّيْلِ وَ الْوَتْرَ ثَلاَثاً وَ رَكْعَتَيِ الْفَجْرِ وَ الْفَرَائِضَ سَبْعَ عَشْرَةَ فَذَلِكَ أَحَدٌ وَ خَمْسُونَ.

۹ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمانَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ التَّطَوُّعِ بِالنَّهَارِ.

فَذَكَرَ أَنَّهُ يُصَلِّي ثَمَانَ رَكَعَاتٍ قَبْلَ الظُّهْرِ وَ ثَمَانٍ بَعْدَهَا.

۱۰ ـ عَنْهُ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمانَ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي الْعَلاَءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: صَلاَةُ الزَّوَالِ، صَلاَةُ الْأَوَّابِينَ.

فرمود: من پنجاه و یک رکعت نماز می‌خوانم.

سپس فرمود: حفظ کن ـ و با دست مبارک شمرد ـ نافلهٔ ظهر هشت رکعت و چهار رکعت بعد از ظهر، چهار رکعت پیش از عصر، دو رکعت بعد از مغرب، دو رکعت پیش از عشا، دو رکعت پس از عشا به صورت نشسته ـ که یک رکعت ایستاده محسوب می‌شود ـ هشت رکعت نافلهٔ شب، سه رکعت وتر، دو رکعت نافلهٔ صبح و هفده رکعت فریضه که تمام آن‌ها پنجاه و یک رکعت است.

۹ ـ حمّاد بن عثمان گوید: از امام عليه السلام دربارهٔ نماز نافلهٔ روز پرسیدم.

حضرتش فرمود که هشت رکعت پیش از ظهر و هشت رکعت بعد از آن به جا می‌آورد.

۱۰ ـ یحیی بن ابو علا گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

امیر مؤمنان علی صلوات الله علیه فرمود: نماز نافلهٔ زوال، نماز توبه کنندگان است.

۱۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: ﴿آنٰاءَ اللَّيْلِ سٰاجِداً وَ قٰائِماً يَحْذَرُ الآخِرَةَ وَ يَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ﴾.

قَالَ: يَعْنِي صَلاَةَ اللَّيْلِ.

قَالَ: قُلْتُ لَهُ: ﴿وَ أَطْرٰافَ النَّهٰارِ لَعَلَّكَ تَرْضىٰ﴾.

قَالَ: يَعْنِي تَطَوَّعْ بِالنَّهَارِ.

قَالَ: قُلْتُ لَهُ: ﴿وَ إِدْبٰارَ النُّجُومِ﴾.

قَالَ: رَكْعَتَانِ قَبْلَ الصُّبْحِ.

قُلْتُ: ﴿وَ أَدْبٰارَ السُّجُودِ﴾.

قَالَ: رَكْعَتَانِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ.

۱۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

---

۱۱ ـ زراره گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: مقصود خداوند از این آیه که می‌فرماید: «لحظه‌های شب را سجده‌کنان و ایستاده از جهان آخرت می‌هراسد و به رحمت پروردگارش امید دارد» چیست؟

فرمود: مقصود، نماز شب است.

گوید: به آن حضرت عرض کردم: مقصود از «و طرف‌های روز، شاید خشنودگردی» چیست؟

فرمود: منظور، نافلهٔ روز است.

گوید: عرض کردم: مقصود از «رفتن ستارگان» چیست؟

فرمود: منظور، دو رکعت نافلهٔ پیش از فریضهٔ صبح است.

عرض کردم: مقصود از «بعد از سجده‌ها» چیست؟

فرمود: منظور دو رکعت نافلهٔ بعد از فریضهٔ مغرب است.

۱۲ ـ زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

إِذَا قُمْتَ بِاللَّيْلِ مِنْ مَنَامِكَ فَقُلْ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَدَّ عَلَيَّ رُوحِي لِأَحْمَدَهُ وَ أَعْبُدَهُ».

فَإِذَا سَمِعْتَ صَوْتَ الدُّيُوكِ فَقُلْ: «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ عَمِلْتُ سُوءاً وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ».

فَإِذَا قُمْتَ فَانْظُرْ فِي آفَاقِ السَّمَاءِ وَ قُلْ: «اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يُوَارِي عَنْكَ لَيْلٌ سَاجٍ وَ لَا سَمَاءٌ ذَاتُ أَبْرَاجٍ وَ لَا أَرْضٌ ذَاتُ مِهَادٍ وَ لَا ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ وَ لَا بَحْرٌ لُجِّيٌّ تُدْلِجُ بَيْنَ يَدَيِ الْمُدْلِجِ مِنْ خَلْقِكَ، تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ، غَارَتِ النُّجُومُ وَ نَامَتِ الْعُيُونُ وَ أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَ لَا نَوْمٌ سُبْحَانَ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ إِلَهِ الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

ثُمَّ اقْرَأِ الْخَمْسَ الآيَاتِ مِنْ آخِرِ آلِ عِمْرَانَ: ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمٰاوٰاتِ وَ الْأَرْضِ ... إِلَى قَوْلِهِ: إِنَّكَ لا تُخْلِفُ الْمِيعٰادَ﴾.

ثُمَّ اسْتَكْ وَ تَوَضَّأْ، فَإِذَا وَضَعْتَ يَدَكَ فِي الْمَاءِ فَقُلْ: «بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ».

هر گاه شب از خواب بر خاستی، بگو: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَدَّ عَلَيَّ رُوحِي لِأَحْمَدَهُ وَ أَعْبُدَهُ».

آن‌گاه که بانگ خروس را شنیدی بگو: «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ عَمِلْتُ سُوءاً وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ».

و چون برخاستی به اطراف آسمان نگاه‌کن و بگو: «اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يُوَارِي عَنْكَ لَيْلٌ سَاجٍ وَ لَا سَمَاءٌ ذَاتُ أَبْرَاجٍ وَ لَا أَرْضٌ ذَاتُ مِهَادٍ وَ لَا ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ وَ لَا بَحْرٌ لُجِّيٌّ تُدْلِجُ بَيْنَ يَدَيِ الْمُدْلِجِ مِنْ خَلْقِكَ، تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ، غَارَتِ النُّجُومُ وَ نَامَتِ الْعُيُونُ وَ أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَ لَا نَوْمٌ سُبْحَانَ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ إِلَهِ الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

آن گاه پنج آیه آخر سورهٔ آل عمران را از ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمٰاوٰاتِ وَ الْأَرْضِ ... تا: إِنَّكَ لا تُخْلِفُ الْمِيعٰادَ﴾ بخوان. سپس مسواک بزن و وضو ساز، و چون دست خود را در آب نهادی بگو: «بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ».

فَإِذَا فَرَغْتَ فَقُلِ: «**الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ**».

فَإِذَا قُمْتَ إِلَى صَلاَتِكَ فَقُلْ: «**بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ وَ إِلَى اللهِ وَ مِنَ اللهِ وَ مَا شَاءَ اللهُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ زُوَّارِ بَيْتِكَ وَ عُمَّارِ مَسَاجِدِكَ وَ افْتَحْ لِي بَابَ تَوْبَتِكَ وَ أَغْلِقْ عَنِّي بَابَ مَعْصِيَتِكَ وَ كُلِّ مَعْصِيَةٍ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ. اللَّهُمَّ أَقْبِلْ عَلَيَّ بِوَجْهِكَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ**».

ثُمَّ افْتَتِحِ الصَّلاَةَ بِالتَّكْبِيرِ.

۱۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله كَانَ إِذَا صَلَّى الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ أَمَرَ بِوَضُوئِهِ وَ سِوَاكِهِ يُوضَعُ عِنْدَ رَأْسِهِ مُخَمَّراً فَيَرْقُدُ مَا شَاءَ اللهُ، ثُمَّ يَقُومُ فَيَسْتَاكُ وَ يَتَوَضَّأُ وَ يُصَلِّي أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ، ثُمَّ يَرْقُدُ ثُمَّ يَقُومُ فَيَسْتَاكُ وَ يَتَوَضَّأُ وَ يُصَلِّي أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ، ثُمَّ يَرْقُدُ حَتَّى إِذَا كَانَ فِي وَجْهِ الصُّبْحِ قَامَ فَأَوْتَرَ، ثُمَّ صَلَّى الرَّكْعَتَيْنِ.

و چون از وضو فارغ شدی بگو: «**الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ**».

و چون برای نماز برخاستی بگو: «**بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ وَ إِلَى اللهِ وَ مِنَ اللهِ وَ مَا شَاءَ اللهُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ زُوَّارِ بَيْتِكَ وَ عُمَّارِ مَسَاجِدِكَ وَ افْتَحْ لِي بَابَ تَوْبَتِكَ وَ أَغْلِقْ عَنِّي بَابَ مَعْصِيَتِكَ وَ كُلِّ مَعْصِيَةٍ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ. اللَّهُمَّ أَقْبِلْ عَلَيَّ بِوَجْهِكَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ**».

آن گاه نماز را با تکبیر آغاز کن.

۱۳ ـ حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله همواره آن‌گاه که نماز عشا را می‌خواند، امر می‌فرمود تا آب وضو و مسواک او را سرپوشیده بر بالین سرش بگذارند پس آن چه که خداوند می‌خواست می‌خوابید، آن گاه برمی‌خاست، مسواک می‌کرد، وضو می‌ساخت و چهار رکعت نماز می‌خواند، سپس می‌خوابید، آن گاه برمی‌خاست، مسواک می‌کرد، وضو می‌ساخت وچهار رکعت نماز می‌خواند پس از آن می‌خوابید تا نزدیک صبح می‌شد و آن گاه برمی‌خاست ونماز وتر را به جای می‌آورد، سپس دو رکعت نافلهٔ صبح را می‌خواند.

ثُمَّ قالَ: ﴿لَقَدْ كانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللّٰهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾.

قُلْتُ: مَتَى كَانَ يَقُومُ؟

قَالَ: بَعْدَ ثُلُثِ اللَّيْلِ.

وَ قَالَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ: بَعْدَ نِصْفِ اللَّيْلِ.

وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: يَكُونُ قِيَامُهُ وَ رُكُوعُهُ وَ سُجُودُهُ سَوَاءً، وَ يَسْتَاكُ فِي كُلِّ مَرَّةٍ قَامَ مِنْ نَوْمِهِ وَ يَقْرَأُ الآيَاتِ مِنْ آلِ عِمْرَانَ: ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمٰاوٰاتِ وَ الْأَرْضِ﴾ ... إِلَى قَوْلِهِ ﴿إِنَّكَ لا تُخْلِفُ الْمِيعٰادَ﴾.

١٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

كَانَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله يُصَلِّي مِنَ اللَّيْلِ ثَلاَثَ عَشْرَةَ رَكْعَةً مِنْهَا الْوَتْرُ وَ رَكْعَتَا الْفَجْرِ فِي السَّفَرِ وَ الْحَضَرِ.

آن گاه فرمود: «به حقیقت برای شما در رفتار پیامبر خدا صلى الله عليه و آله الگوی نیکویی است».

عرض کردم: آن حضرت در چه وقت از شب برای عبادت برمی‌خاست؟

فرمود: بعد از سپری شدن یک سوم از شب.

در حدیث دیگری آمده است: حضرتش بعد از نیمه شب برای عبادت برمی‌خاست.

در روایت دیگری آمده است: زمان قیام و رکوع و سجودش با یکدیگر برابر بود، و در هر باری که برمی‌خاست، مسواک می‌زد و آیات سورهٔ آل عمران را از ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمٰاوٰاتِ وَ الْأَرْضِ﴾ ... تا ﴿إِنَّكَ لا تُخْلِفُ الْمِيعٰادَ﴾ می‌خواند.

۱۴ ـ زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

رسول خدا صلى الله عليه و آله همواره در سفر و در حضر سیزده رکعت نماز در شب به جا آورد که از جملهٔ آن‌ها سه رکعت نماز وتر و دو رکعت نافلهٔ صبح بود.

۱۵ ـ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ النَّصْرِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يَقُولُ:

صَلاَةُ النَّهَارِ سِتَّ عَشْرَةَ رَكْعَةً ثَمَانٌ إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ وَ ثَمَانٌ بَعْدَ الظُّهْرِ وَ أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ بَعْدَ الْمَغْرِبِ.

يَا حَارِثُ! لَا تَدَعْهُنَّ فِي سَفَرٍ وَ لَا حَضَرٍ وَ رَكْعَتَانِ بَعْدَ الْعِشَاءِ الآخِرَةِ كَانَ أَبِي يُصَلِّيهِمَا وَ هُوَ قَاعِدٌ وَ أَنَا أُصَلِّيهِمَا وَ أَنَا قَائِمٌ، وَ كَانَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله يُصَلِّي ثَلاَثَ عَشْرَةَ رَكْعَةً مِنَ اللَّيْلِ.

۱٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ قَالَ: حَدَّثَنِي إِسْمَاعِيلُ بْنُ سَعْدٍ الْأَحْوَصُ قَالَ: قُلْتُ لِلرِّضَا عليه السلام: كَمِ الصَّلاَةُ مِنْ رَكْعَةٍ؟

فَقَالَ: إِحْدَى وَ خَمْسُونَ رَكْعَةً.

مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى مِثْلَهُ.

---

۱۵ ـ حارث بن مغیره نصری گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

نافلهٔ روز شانزده رکعت است: هشت رکعت هنگام زوال آفتاب، هشت رکعت بعد از فریضهٔ ظهر و چهار رکعت بعد از مغرب.

ای حارث! هیچ گاه ـچه در سفر و چه در حضرـاین چهار رکعت نماز را ترک مکن! و دو رکعت بعد از فریضهٔ عشا را ترک مکن! پدرم آن دو رکعت را در حال نشسته به جا می‌آورد و من ایستاده می‌خوانم، و رسول خدا صلى الله عليه وآله را همواره در شب، سیزده رکعت نماز می‌گزارد.

۱۶ ـ اسماعیل بن سعد احوص گوید: به امام رضا عليه السلام عرض کردم: نماز چند رکعت است؟

فرمود: پنجاه و یک رکعت.

۱۷ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام فِي قَوْلِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿إِنَّ نٰاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئاً وَ أَقْوَمُ قِيلاً﴾.

قَالَ: يَعْنِي بِقَوْلِهِ: «وَ أَقْوَمُ قِيلاً» قِيَامَ الرَّجُلِ عَنْ فِرَاشِهِ يُرِيدُ بِهِ اللهَ لَا يُرِيدُ بِهِ غَيْرَهُ.

۱۸ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام يَقُولُ:

إِنَّ الْعَبْدَ يُوقَظُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنَ اللَّيْلِ، فَإِنْ لَمْ يَقُمْ أَتَاهُ الشَّيْطَانُ فَبَالَ فِي أُذُنِهِ.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿كٰانُوا قَلِيلاً مِنَ اللَّيْلِ مٰا يَهْجَعُونَ﴾.

قَالَ: كَانُوا أَقَلَّ اللَّيَالِي تَفُوتُهُمْ لَا يَقُومُونَ فِيهَا.

۱۹ ـ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام يَقُولُ:

---

۱۷ ـ هشام بن سالم گويد: امام صادق عليه‌السلام دربارۀ اين آيه كه خداوند عزّوجلّ مى‌فرمايد: ﴿إنّ ناشئة اللّيل هي أشدّ وطئاً و أقوم قيلاً﴾ فرمود:

مراد از «و أقوم قيلاً» ـ كه به جز خدا ديگرى را اراده ننمايد ـ برخاستن انسان از بستر خواب است.

۱۸ ـ محمّد بن مسلم گويد: از امام صادق عليه‌السلام شنيدم كه مى‌فرمود:

همانا بنده در شب، سه بار بيدار مى‌شود و اگر برنخيزد، شيطان نزد او مى‌آيد و درگوش او ادرار مى‌كند.

راوى گويد: هم چنين از آن حضرت در مورد گفتار خداوند عزّوجلّ كه مى‌فرمايد: ﴿**كانوا قليلاً من الليل ما يهجعون**﴾ سؤال كردم.

فرمود: شب‌هاى بسيار كمى بود كه نماز شب از آنان فوت مى‌شد و برنمى‌خاستند.

۱۹ ـ عمر بن اُذينه گويد: عمر بن يزيد از امام صادق عليه‌السلام شنيده است كه حضرتش فرمود:

إِنَّ فِي اللَّيْلِ لَسَاعَةً مَا يُوَافِقُهَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ يُصَلِّي وَ يَدْعُو اللهَ فِيهَا إِلَّا اسْتُجِيبَ لَهُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ.

قُلْتُ: أَصْلَحَكَ اللهُ! فَأَيُّ سَاعَةٍ هِيَ مِنَ اللَّيْلِ؟

قَالَ: إِذَا مَضَى نِصْفُ اللَّيْلِ فِي السُّدُسِ الْأَوَّلِ مِنَ النِّصْفِ الْبَاقِي.

۲۰ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: إِنَّ رَجُلاً مِنْ مَوَالِيكَ مِنْ صُلَحَائِهِمْ شَكَا إِلَيَّ مَا يَلْقَى مِنَ النَّوْمِ وَ قَالَ: إِنِّي أُرِيدُ الْقِيَامَ إِلَى الصَّلاَةِ بِاللَّيْلِ، فَيَغْلِبُنِي النَّوْمُ حَتَّى أُصْبِحَ، وَ رُبَّمَا قَضَيْتُ صَلاَتِيَ الشَّهْرَ مُتَتَابِعاً وَ الشَّهْرَيْنِ أَصْبِرُ عَلَى ثِقَلِهِ.

فَقَالَ: قُرَّةُ عَيْنٍ لَهُ، وَ اللهِ!

قَالَ: وَ لَمْ يُرَخِّصْ لَهُ فِي الصَّلاَةِ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ. وَ قَالَ: الْقَضَاءُ بِالنَّهَارِ أَفْضَلُ؟

شب هنگام ساعتی است که هر بندهٔ مسلمانی که آن را درک کند و در آن ساعت نماز گزارد و خدا را فرا خواند و به درگاهش دعا کند، در تمام شب‌ها اجابت شود و دعایش مستجاب گردد.

عرض کردم: خدایت خیر دهد! بفرمایید آن، چه ساعتی از شب است؟

فرمود: هنگامی که شب از نیمه بگذرد، در یک ششم آغازین نیمهٔ دوم شب.

۲۰ ـ معاویة بن وهب گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: یکی از شیعیان شما ـ که از صالحان است ـ به من از خواب سنگینی که دارد، شکایت کرده، می‌گوید: من قصد می‌کنم که برای نماز شب برخیزم، ولی خواب بر من غلبه می‌کند تا صبح می‌شود و چه بسیار اتّفاق می‌افتد که نماز یک ماه پی‌درپی، یا دو ماه را قضا می‌کنم که به سختی آن را تحمّل می‌کنم.

فرمود: به خدا سوگند! برای او چشم روشنی است.

راوی گوید: حضرت رخصت خواندن نماز شب در اوّل شب را به او نداد و فرمود: قضا کردن آن در روز بهتر است.

قُلْتُ: فَإِنَّ مِنْ نِسَائِنَا أَبْكَاراً الْجَارِيَةَ تُحِبُّ الْخَيْرَ وَ أَهْلَهُ وَ تَحْرِصُ عَلَى الصَّلَاةِ، فَيَغْلِبُهَا النَّوْمُ حَتَّى رُبَّمَا قَضَتْ وَ رُبَّمَا ضَعُفَتْ عَنْ قَضَائِهِ وَ هِيَ تَقْوَى عَلَيْهِ أَوَّلَ اللَّيْلِ، فَرَخَّصَ لَهُنَّ فِي الصَّلَاةِ أَوَّلَ اللَّيْلِ إِذَا ضَعُفْنَ وَ ضَيَّعْنَ الْقَضَاءَ.

۲۱ ـ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام:

مَا كَانَ يُحْمَدُ الرَّجُلُ أَنْ يَقُومَ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ فَيُصَلِّيَ صَلَاتَهُ ضَرْبَةً وَاحِدَةً ثُمَّ يَنَامَ وَ يَذْهَبَ.

۲۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَسَنِ الصَّيْقَلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: الرَّجُلُ يُصَلِّي الرَّكْعَتَيْنِ مِنَ الْوَتْرِ ثُمَّ يَقُومُ فَيَنْسَى التَّشَهُّدَ حَتَّى يَرْكَعَ وَ يَذْكُرُ وَ هُوَ رَاكِعٌ.

قَالَ: يَجْلِسُ مِنْ رُكُوعِهِ فَيَتَشَهَّدُ ثُمَّ يَقُومُ فَيُتِمُّ.

عرض کردم: یکی از دختران و دوشیزگان جوان ما که خیر و اهل آن را دوست دارد، برای خواندن نماز شب حریص است، ولی خواب بر او چیره می‌شود و چه بسا که نماز شب او قضا می‌شود و توانایی قضای آن را نیز ندارد، امّا توانایی این را دارد که در اوّل شب آن را به جا آورد.

امام عليه‌السلام به آن دخترها به خاطر این که توانایی قضای آن را ندارند، رخصت داد و اجازه فرمود که در اوّل شب، نماز شب را بخوانند.

۲۱ ـ ابن بکیر گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

همواره شخصی که در آخر شب برمی‌خاست و نماز شب خود را یک باره می‌خواند، سپس می‌رفت و می‌خوابید، مورد ستایش قرار نمی‌گرفت.

۲۲ ـ حسن صیقل گوید: به امام صادق عليه‌السلام عرض کردم: شخصی دو رکعت نماز وتر می‌خواند، سپس برمی‌خیزد و تشهّد را فراموش می‌کند تا به رکوع می‌رود و در رکوع به یادش می‌آید (چه وظیفه‌ای دارد؟)

فرمود: باید بنشیند و تشهّد را بخواند، پس از آن برخیزد و ماندهٔ رکوع و نماز خود را به جا آورد و نماز را به پایان برساند.

قَالَ: قُلْتُ: أَ لَيْسَ قُلْتَ فِي الْفَرِيضَةِ إِذَا ذَكَرَهُ بَعْدَ مَا رَكَعَ مَضَى ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَتَيِ السَّهْوِ بَعْدَ مَا يَنْصَرِفُ وَ يَتَشَهَّدُ فِيهِمَا؟

قَالَ: لَيْسَ النَّافِلَةُ مِثْلَ الْفَرِيضَةِ.

٢٣ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ وَ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام عَنْ أَفْضَلِ سَاعَاتِ الْوَتْرِ.

فَقَالَ: الْفَجْرُ أَوَّلُ ذَلِكَ.

٢٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي سَارَةَ قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبَانُ بْنُ تَغْلِبَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام: أَيَّةَ سَاعَةٍ كَانَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله يُوتِرُ؟

فَقَالَ: عَلَى مِثْلِ مَغِيبِ الشَّمْسِ إِلَى صَلَاةِ الْمَغْرِبِ.

راوی گوید: عرض کردم: مگر در نماز فریضهٔ نفرمودید که هر گاه بعد از رکوع به یاد آورد، باید نماز را ادامه دهد، سپس بعد از تمام شدن نماز دو سجدهٔ سهو به جا آورد و تشهّد را بخواند؟

فرمود: نماز نافله همانند نماز فریضه نیست.

۲۳ ـ معاویة بن وهب گوید: از امام صادق عليه‌السلام از بهترین ساعات خواندن نماز وتر سؤال کردم.

فرمود: طلوع فجر (فجر کاذب) آغازین وقت فضیلت آن است.

۲۴ ـ اسماعیل بن ابی ساره گوید: ابان بن تغلب به من گفت: به امام صادق عليه‌السلام عرض کردم: در چه ساعتی رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله سه رکعت نماز وتر را به جا می‌آورد؟

فرمود: (پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله وقت نماز وتر را) به اندازه فرو رفتن آفتاب تا پایان سه رکعت فریضهٔ مغرب انتظار می‌کشید.

۲۵ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام: الرَّكْعَتَانِ اللَّتَانِ قَبْلَ الْغَدَاةِ أَيْنَ مَوْضِعُهُمَا؟

فَقالَ: قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ، فَإِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ فَقَدْ دَخَلَ وَقْتُ الْغَدَاةِ.

۲۶ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبِلاَدِ قَالَ:

صَلَّيْتُ خَلْفَ الرِّضَا عليه‌السلام فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ صَلاَةَ اللَّيْلِ، فَلَمَّا فَرَغَ جَعَلَ مَكَانَ الضَّجْعَةِ سَجْدَةً.

۲۷ ـ وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الْوَلِيدِ الْكِنْدِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ ـ أَوْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ ـ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام: إِنِّي أَقُومُ آخِرَ اللَّيْلِ وَ أَخَافُ الصُّبْحَ.

قَالَ: اقْرَأِ الْحَمْدَ وَ اعْجَلْ! وَ اعْجَلْ!.

---

۲۵ ـ زراره گوید: به امام باقر عليه‌السلام عرض کردم: دو رکعت (نافلهٔ) پیش از صبح را در چه وقت باید خواند؟

فرمود: وقت آن، پیش از طلوع فجر است، و چون فجر طلوع کند، وقت نماز صبح داخل شده است.

۲۶ ـ ابراهیم بن ابی البلاد گوید: نماز شب را در پشت سر امام صادق عليه‌السلام (البته نه به جماعت) در مسجدالحرام به جا آوردم و چون حضرتش از نماز فارغ شد به جای آن که بر پهلو بخوابد، سجده کرد (زیرا مستحب است میان دو رکعت نافلهٔ صبح و فریضه صبح با دراز کشیدن، یا به پهلو خوابیدن فاصله انداخت و می‌توان به جای آن سجده کرد، چنان که آن حضرت سجده کرده است).

۲۷ ـ اسماعیل بن جابر ـ یا عبدالله بن سنان ـ گوید: به امام صادق عليه‌السلام عرض کردم: آخر شب برمی‌خیزم و می‌ترسم (پیش از پایان یافتن نماز شب و وتر) صبح شود.

فرمود: فقط سورهٔ حمد را بخوان و شتاب کن! شتاب کن!

۲۸ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَقُومُ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ وَ هُوَ يَخْشَى أَنْ يَفْجَأَهُ الصُّبْحُ أَ يَبْدَأُ بِالْوَتْرِ أَوْ يُصَلِّي الصَّلَاةَ عَلَى وَجْهِهَا حَتَّى يَكُونَ الْوَتْرُ آخِرَ ذَلِكَ؟

قَالَ: بَلْ يَبْدَأُ بِالْوَتْرِ.

وَ قَالَ: أَنَا كُنْتُ فَاعِلاً ذَلِكَ.

۲۹ ـ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي وَلَّادٍ حَفْصِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ التَّسْلِيمِ فِي رَكْعَتَيِ الْوَتْرِ.

فَقَالَ: نَعَمْ، وَ إِنْ كَانَتْ لَكَ حَاجَةٌ فَاخْرُجْ وَ اقْضِهَا ثُمَّ عُدْ وَ ارْكَعْ رَكْعَةً.

۳۰ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الْوَتْرِ مَا يُقْرَأُ فِيهِنَّ جَمِيعاً.

---

۲۸ ـ محمّد بن مسلم گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم: کسی که آخر شب برمی‌خیزد و می‌ترسد که ناگاه صبح فرا رسد، آیا ابتدا سه رکعت نماز وتر را بخواند یا به ترتیب، اوّل نماز شب را به جا آورد یا به همان ترتیب نماز شب را بخواند تا آن که سه رکعت نماز وتر در آخر آن خوانده شود؟

فرمود: بلکه باید ابتدا، نماز وتر را بخواند.

سپس فرمود: من نیز چنین می‌نمایم.

۲۹ ـ حفص بن سالم گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد سلام در دو رکعت نماز وتر پرسیدم (که آیا خوب است یا نه؟)

فرمود: آری، در صورتی که کاری داشته باشی، بیرون رو و کار خود را انجام ده، سپس باز گرد و یک رکعت دیگر را به جا آور.

۳۰ ـ ابن سنان گوید: از امام صادق عليه السلام از سه رکعت نماز وتر پرسیدم که چه سوره‌ای را باید در آن خواند؟

قَالَ: بِـ ﴿قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ﴾.
قُلْتُ: فِي ثَلاَثِهِنَّ.
قَالَ: نَعَمْ.

۳۱ـ عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّٰهِ عليه‌السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْقُنُوتِ فِي الْوَتْرِ هَلْ فِيهِ شَيْءٌ مُوَقَّتٌ يُتَّبَعُ وَ يُقَالُ؟
فَقالَ: لَا أَثْنِ عَلَى اللّٰهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صلى‌الله‌عليه‌وآله وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ الْعَظِيمِ.
ثُمَّ قالَ: كُلُّ ذَنْبٍ عَظِيمٌ.

۳۲ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبَانٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللّٰهِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللّٰهِ عليه‌السلام:
الْقُنُوتُ فِي الْوَتْرِ الِاسْتِغْفَارُ وَ فِي الْفَرِيضَةِ الدُّعَاءُ.

۳۳ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّٰهِ عليه‌السلام قَالَ:
اسْتَغْفِرِ اللّٰهَ فِي الْوَتْرِ سَبْعِينَ مَرَّةً.

فرمود: سورهٔ ﴿قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ﴾ را.
عرض کردم: در تمام سه رکعت؟
فرمود: آری.

۳۱ـ حلبی گوید: از امام صادق عليه‌السلام پرسیدند: آیا در قنوت نماز وتر دعایی معیّن هست که خوانده شود؟
فرمود: نه، خدای عزوجل را ستایش کن، بر پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله درود فرست و از گناه بزرگ خود طلب آمرزش نما.
سپس فرمود: و هر گناهی بزرگ است.

۳۲ـ عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:
قنوت در نماز وتر استغفار، و در نماز فریضه، دعاست.

۳۳ـ منصور بن حازم گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:
در نماز وتر، هفتاد بار استغفار کن.

٣٤ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عِمْرَانَ بْنِ مُوسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ قَالَ:

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه‌السلام فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! إِنِّي قَدْ حُرِمْتُ الصَّلاَةَ بِاللَّيْلِ.

فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام: أَنْتَ رَجُلٌ قَدْ قَيَّدَتْكَ ذُنُوبُكَ.

٣٥ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ قَالَ:

قَرَأْتُ فِي كِتَابِ رَجُلٍ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام: الرَّكْعَتَانِ اللَّتَانِ قَبْلَ صَلاَةِ الْفَجْرِ مِنْ صَلاَةِ اللَّيْلِ هِيَ أَمْ مِنْ صَلاَةِ النَّهَارِ وَ فِي أَيِّ وَقْتٍ أُصَلِّيهَا؟

فَكَتَبَ بِخَطِّهِ: احْشُهَا فِي صَلاَةِ اللَّيْلِ حَشْواً.

۳۴ـ راوی گوید: شخصی خدمت امیر مؤمنان علی بن ابی طالب صلوات الله علیهما آمد و عرض کرد: ای امیر مؤمنان! من از نماز شب محروم شده‌ام.

امیر مؤمنان علی عليه‌السلام فرمود: تو شخصی هستی که گناهانت تو را به بند کشیده‌اند.

۳۵ـ علی بن مهزیار گوید: در نامهٔ شخصی که به امام صادق عليه‌السلام [1] نوشته بود، این‌گونه خواندم:

آیا دو رکعت نافلهٔ پیش از نماز صبح، جزو نماز شب است، یا جزو نماز روز و در چه وقتی باید آن‌ها را بخوانم؟

آن حضرت به خط مبارک خود نوشته بود: آن دو رکعت نماز را در نماز شب داخل نموده و از آن قرار ده.

---

۱ ـ برخی از نسخه‌ها آمده است: امام باقر عليه‌السلام.

(۸۵)
بَابُ تَقْدِيمِ النَّوَافِلِ وَ تَأْخِيرِهَا وَ قَضَائِهَا وَ صَلاَةِ الضُّحَى

۱ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ بُرَيْدِ بْنِ ضَمْرَةَ اللَّيْثِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه‌السلام عَنِ الرَّجُلِ يَشْتَغِلُ عَنِ الزَّوَالِ أَ يُعَجِّلُ مِنْ أَوَّلِ النَّهَارِ.

فَقَالَ: نَعَمْ إِذَا عَلِمَ أَنَّهُ يَشْتَغِلُ فَيُعَجِّلُهَا فِي صَدْرِ النَّهَارِ كُلَّهَا.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ:

لَمَّا كَانَ يَوْمُ فَتْحِ مَكَّةَ ضُرِبَتْ عَلَى رَسُولِ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله خَيْمَةٌ سَوْدَاءُ مِنْ شَعْرٍ بِالْأَبْطَحِ ثُمَّ أَفَاضَ عَلَيْهِ الْمَاءَ مِنْ جَفْنَةٍ يُرَى فِيهَا أَثَرُ الْعَجِينِ ثُمَّ تَحَرَّى الْقِبْلَةَ ضُحًى فَرَكَعَ ثَمَانِيَ رَكَعَاتٍ لَمْ يَرْكَعْهَا رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله قَبْلَ ذَلِكَ وَ لَا بَعْدُ.

بخش هشتاد و پنجم
تقدیم و تأخیر نمازهای نافله و قضای آن‌ها و حکم نماز چاشتگاه

۱ ـ محمّد بن مسلم گوید: از امام باقر علیه‌السلام سؤال کردم: شخصی که گرفتار کاری شود (و نتواند نافلهٔ ظهر را در وقتش بخواند) آیا می‌تواند در آغاز روز زودتر آن را به جا آورد؟

فرمود: آری، اگر بداند که برای او کاری پیش خواهد آمد، می‌تواند زودتر تمام نافله‌ها را در آغاز روز بخواند.

۲ ـ معاویة بن وهب گوید: امام علیه‌السلام فرمود:

در روز فتح مکّه برای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله خیمه مویین سیاهی در ابطح برپا شد. آن حضرت با کاسه‌ای چوبین ـ که اثر خمیر در آن دیده می‌شد ـ بر خود آب ریخت (و غسل کرد) آن‌گاه به هنگام چاشت، روی به جانب قبله کرد و هشت رکعت نماز به جای آورد که آن بزرگوار نه پیش از آن چنین نمازی را به جا آورده بود و نه پس از آن به جا آورد.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام: اقْضِ مَا فَاتَكَ مِنْ صَلاَةِ النَّهَارِ بِالنَّهَارِ وَ مَا فَاتَكَ مِنْ صَلاَةِ اللَّيْلِ بِاللَّيْلِ.

قُلْتُ: أَقْضِي وَتْرَيْنِ فِي لَيْلَةٍ؟

فَقالَ: نَعَم، اقْضِ وَتْراً أَبَداً.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُرَازِمٍ قَالَ:

سَأَلَ إِسْمَاعِيلُ بْنُ جَابِرٍ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام فَقالَ: أَصْلَحَكَ اللهُ! إِنَّ عَلَيَّ نَوَافِلَ كَثِيرَةً فَكَيْفَ أَصْنَعُ؟

فَقالَ: اقْضِهَا.

فَقالَ لَهُ: إِنَّهَا أَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ.

قَالَ: اقْضِهَا.

قُلْتُ: لَا أُحْصِيهَا.

قَالَ: تَوَخَّ.

---

۳ ـ معاویة بن عمّار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

آن چه از نافلهٔ روز از تو فوت شده، در روز قضا کن، و آن چه از نافلهٔ شب از تو فوت شده، قضای آن را در شب به جا آور.

عرض کردم: آیا می‌توانم قضای دو نماز وتر را در یک شب به جا آورم؟

فرمود: آری، قضا کن آن را در حالی که همیشه وتر باشد.

۴ ـ مرازم گوید: اسماعیل‌بن جابر به امام صادق عليه السلام عرض کرد: خداوند شما را حفظ کند! بر ذمّهٔ من نافله‌های بسیاری است، چه کنم؟

فرمود: قضای آن‌ها را به جا آور.

عرض کردم: بیش از شمارش است.

فرمود: قضای آن‌ها را به جا آور.

عرض کردم: شمارهٔ آن‌ها را نمی‌دانم.

فرمود: سعی کن و عددی را در نظر بیاور.

قَالَ: مُرَازِمٌ: وَ كُنْتُ مَرِضْتُ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ لَمْ أَتَنَفَّلْ فِيهَا.
قُلْتُ: أَصْلَحَكَ اللهُ! وَ جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَرِضْتُ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ لَمْ أُصَلِّ نَافِلَةً.
فَقَالَ: لَيْسَ عَلَيْكَ قَضَاءٌ، إِنَّ الْمَرِيضَ لَيْسَ كَالصَّحِيحِ، كُلُّ مَا غَلَبَ اللهُ عَلَيْهِ فَاللهُ أَوْلَى بِالْعُذْرِ فِيهِ.

۵ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمانَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ الْجُعْفِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه‌السلام:
أَفْضَلُ قَضَاءِ النَّوَافِلِ قَضَاءُ صَلاَةِ اللَّيْلِ بِاللَّيْلِ، وَ صَلاَةِ النَّهَارِ بِالنَّهَارِ.
قُلْتُ: فَيَكُونُ وَتْرَانِ فِي لَيْلَةٍ؟
قَالَ: لَا.
قُلْتُ: وَ لِمَ تَأْمُرُنِي أَنْ أُوتِرَ وَتْرَيْنِ فِي لَيْلَةٍ؟
فَقَالَ عليه‌السلام: أَحَدُهُمَا قَضَاءٌ.

مرازم گفت: من مدّت چهار ماه بیمار بودم و در این مدّت نماز نافله نخوانده بودم. عرض کردم: خداوند شما را نگهدارد! فدایت شوم! من چهار ماه بیمار شدم و نماز نافله نخواندم.

فرمود: قضا، بر تو لازم نیست؛ زیرا بیمار مانند شخص تندرست نیست، خداوند هر چه را که بر بنده چیره کرده و اختیار بنده را از آن سلب نموده، خود خداوند در آن مورد سزاوارتر است که عذر او را بپذیرد.

۵ ـ اسماعیل جعفی گوید: امام باقر عليه‌السلام فرمود:
بهترین قضای نافله‌ها، قضای نافلهٔ شب در شب و قضای نافلهٔ روز در روز است.
عرض کردم: آیا دو نماز وتر را می‌توان در یک شب خواند؟
فرمود: نه.
عرض کردم: پس چرا به من امر می‌کنید که دو نماز وتر را در یک شب به جا آورم؟
حضرتش فرمود: یکی از آن دو، قضاست.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ فَاتَتْهُ صَلاَةُ النَّهَارِ مَتَى يَقْضِيهَا؟

قَالَ: مَتَى مَا شَاءَ إِنْ شَاءَ بَعْدَ الْمَغْرِبِ وَ إِنْ شَاءَ بَعْدَ الْعِشَاءِ.

٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلاَءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ تَفُوتُهُ صَلاَةُ النَّهَارِ؟

قَالَ: يُصَلِّيهَا إِنْ شَاءَ بَعْدَ الْمَغْرِبِ وَ إِنْ شَاءَ بَعْدَ الْعِشَاءِ.

٨ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْقُمِّيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ رَفَعَهُ قَالَ:

مَرَّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام بِرَجُلٍ يُصَلِّي الضُّحَى فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ فَغَمَزَ جَنْبَهُ بِالدِّرَّةِ وَ قَالَ: نَحَرْتَ صَلاَةَ الْأَوَّابِينَ نَحَرَكَ اللهُ.

قَالَ: فَأَتْرُكُهَا؟

قَالَ: فَقَالَ: ﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهىٰ * عَبْداً إِذٰا صَلّٰى﴾.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام: وَ كَفَى بِإِنْكَارِ عَلِيٍّ عليه السلام نَهْياً.

---

۶ ـ حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام سؤال شد: شخصی که نماز روز از او فوت شده، چه وقت باید آن را قضا نماید؟

فرمود: هر وقت که بخواهد. اگر خواست بعد از مغرب و اگر خواست بعد از عشا.

۷ ـ نظیر همین روایت را محمّد بن مسلم نیز به صورت مرسل نقل می‌نماید.

۸ ـ سیف بن عمیره در روایت مرفوعه‌ای گوید:

امیر مؤمنان علی صلوات الله علیه از کنار مردی گذشت که در مسجد کوفه نماز چاشتگاه را می‌گزارد. حضرت با تازیانه به پهلوی او اشاره کرد و فرمود: نماز توبه کنندگان (یعنی نافلهٔ روز) را ضایع کردی، خداوند تو را ضایع کند.

آن مرد عرض کرد: آیا از این پس آن را رها کنم (و دیگر نماز چاشتگاه را نخوانم)؟

حضرت علی عليه السلام این آیه را قرائت فرمود: «آیا بنده‌ای را دیده‌ای که به هنگام نماز نهی می‌کند؟»

امام صادق عليه السلام فرمود: همین انکار امیر مؤمنان علی عليه السلام در نهی از نماز چاشتگاه، کافی است.

۹ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ وَ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليهما السلام:
أَنَّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله قَالَ: صَلاَةُ الضُّحَى بِدْعَةٌ.

۱۰ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبَانٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ قَضَاءِ الْوَتْرِ بَعْدَ الظُّهْرِ.
فَقَالَ: اقْضِهِ وَتْراً أَبَداً، كَمَا فَاتَكَ.
قُلْتُ: وَتْرَانِ فِي لَيْلَةٍ؟
قَالَ: نَعَمْ، أَ لَيْسَ إِنَّمَا أَحَدُهُمَا قَضَاءٌ؟

۱۱ ـ عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي جَرِيرٍ الْقُمِّيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام يَقْضِي عِشْرِينَ وَتْراً فِي لَيْلَةٍ.

۱۲ ـ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

---

۹ ـ فضیل گوید: از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: نماز ضحی (چاشت ـ هنگامی است آفتاب در سطح زمین فراگیر شود) بدعت است.

۱۰ ـ سلیمان بن خالد گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال کردم: آیا قضای نماز وتر را می‌توان بعد از ظهر انجام داد؟
فرمود: نماز وتر را همیشه قضا کن، آن سان که از تو فوت شده است.
عرض کردم: آیا دو نماز وتر را می‌توان در یک شب خواند؟
فرمود: آری، مگر نه این که یکی از آن دو قضاست؟!

۱۱ ـ ابو جریر قمی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:
گاهی پدرم امام باقر علیه السلام تا بیست نماز وتر را در یک شب قضا می‌کرد.

۱۲ ـ زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

إِذَا اجْتَمَعَ عَلَيْكَ وَتْرَانِ أَوْ ثَلاَثَةٌ أَوْ أَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ، فَاقْضِ ذَلِكَ كَمَا فَاتَكَ تَفْصِلُ بَيْنَ كُلِّ وَتْرَيْنِ بِصَلاَةٍ، لِأَنَّ الْوَتْرَ الآخِرُ لَا تُقَدِّمَنَّ شَيْئاً قَبْلَ أَوَّلِهِ الْأَوَّلَ فَالْأَوَّلَ تَبْدَأُ إِذَا أَنْتَ قَضَيْتَ صَلاَةَ لَيْلَتِكَ ثُمَّ الْوَتْرَ.

قَالَ: وَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه‌السلام: لَا يَكُونُ وَتْرَانِ فِي لَيْلَةٍ إِلَّا وَ أَحَدُهُمَا قَضَاءٌ.

وَ قَالَ: إِنْ أَوْتَرْتَ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ وَ قُمْتَ فِي آخِرِ اللَّيْلِ فَوَتْرُكَ الْأَوَّلُ قَضَاءٌ، وَ مَا صَلَّيْتَ مِنْ صَلاَةٍ فِي لَيْلَتِكَ كُلِّهَا فَلْيَكُنْ قَضَاءً إِلَى آخِرِ صَلاَتِكَ، فَإِنَّهَا لِـلَيْلَتِكَ، وَلْيَكُنْ آخِرُ صَلاَتِكَ الْوَتْرَ وَتْرَ لَيْلَتِكَ.

۱۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللهِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام: رَجُلٌ عَلَيْهِ مِنْ صَلاَةِ النَّوَافِلِ مَا لَا يَدْرِي مَا هُوَ مِنْ كَثْرَتِهِ كَيْفَ يَصْنَعُ؟

هرگاه دو، یا سه نماز وتر ـ و یا بیشتر ـ بر عهدهٔ تو جمع شد، همان طوری که از تو فوت شده، آن‌ها را قضا کن و میان هر نماز وتری به یک نماز شب، فاصله بینداز؛ زیرا نماز وتر بعد از نماز شب و مؤخّر از آن است، و چیزی را مقدّم مکن بر چیزی که بر حسب شروع مقدّم بر آن است.

نماز پیشین را قضا کن و پس از آن، نماز بعد از آن را، و هر گاه خواستی قضا کنی، ابتدا قضای نماز شب سپس قضای نماز وتر را به جا آور.

راوی گوید: هم چنین امام باقر عليه‌السلام فرمود:

دو نماز وتر در یک شب نمی‌شود، مگر آن که یکی از آن دو قضاست.

هم چنین حضرتش فرمود:

اگر در اوّل شب نماز وتر را خواندی و در پایان شب نیز بر خاستی، آن وتر اوّل، به جای قضا به شمار می‌آید، و هر چه در آن شب (از اوّل شب تا پایان آن) نماز بگزاری، همهٔ آن‌ها باید به عنوان قضا باشد و آخرین نمازی که به جا می‌آوری، نماز آن شب و آخرین نماز وتر تو نیز، نماز وتر آن شب خواهد بود.

۱۳ ـ عبداللّه بن سنان گوید: به امام صادق عليه‌السلام عرض کردم : شخصی نماز نافله‌های بسیاری از او قضا شده است، به گونه‌ای که شمار آن‌ها را نمی‌داند، چه باید بکند؟

قَالَ: فَلْيُصَلِّ حَتَّى لَا يَدْرِيَ كَمْ صَلَّى مِنْ كَثْرَتِهِ فَيَكُونَ قَدْ قَضَى بِقَدْرِ عِلْمِهِ.

قُلْتُ: فَإِنَّهُ لَا يَقْدِرُ عَلَى الْقَضَاءِ مِنْ كَثْرَةِ شُغُلِهِ.

فَقَالَ: إِنْ كَانَ شُغُلُهُ فِي طَلَبِ مَعِيشَةٍ لَا بُدَّ مِنْهَا أَوْ حَاجَةٍ لِأَخٍ مُؤْمِنٍ فَلاَ شَيْءَ عَلَيْهِ، وَ إِنْ كَانَ شُغُلُهُ لِدُنْيَا تَشَاغَلَ بِهَا عَنِ الصَّلاَةِ، فَعَلَيْهِ الْقَضَاءُ، وَ إِلَّا لَقِيَ اللهَ مُسْتَخِفّاً مُتَهَاوِناً مُضَيِّعاً لِسُنَّةِ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله.

قُلْتُ: فَإِنَّهُ لَا يَقْدِرُ عَلَى الْقَضَاءِ فَهَلْ يَصْلُحُ لَهُ أَنْ يَتَصَدَّقَ؟

فَسَكَتَ مَلِيّاً، ثُمَّ قالَ: نَعَمْ، فَلْيَتَصَدَّقْ بِصَدَقَةٍ.

قُلْتُ: وَ مَا يَتَصَدَّقُ؟

فَقالَ: بِقَدْرِ طَوْلِهِ وَ أَدْنَى ذَلِكَ مُدٌّ لِكُلِّ مِسْكِينٍ مَكَانَ كُلِّ صَلاَةٍ.

قُلْتُ: وَ كَمِ الصَّلاَةُ الَّتِي تَجِبُ عَلَيْهِ فِيهَا مُدٌّ لِكُلِّ مِسْكِينٍ؟

فرمود: باید چندان نماز بگزارد که از بسیاری آن‌ها نداند چقدر نماز خوانده است، تا مقداری که قضا کرده با آن چه در علم پیشینش بوده، برابر شود.

عرض کردم: او به خاطر زیادی اشتغال، نمی‌تواند همه را قضا نماید.

فرمود: اگر اشتغال او برای کسب روزی بوده که ناگزیر از انجام آن است، یا در جهت برآوردن حاجت برادر مؤمنی است، در این صورت قضای آن‌ها بر عهدهٔ او نیست، و اگر شغل او برای دنیاست واو را از ادای نافله باز داشته است، قضا بر عهدهٔ اوست و گرنه روز قیامت در پیشگاه خداوند در حالی ظاهر می‌شود که نماز را کوچک شمرده، در انجام آن سستی ورزیده و سنّت رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیر پا نهاده و تباه ساخته است.

عرض کردم: به راستی او توانایی قضای آن‌ها را ندارد، آیا می‌تواند به جای آن صدقه دهد؟

حضرتش مدّتی طولانی خاموش ماند. آن گاه فرمود: آری، باید چیزی صدقه دهد.

عرض کردم: چقدر صدقه دهد؟

فرمود: به اندازهٔ توانایی کمترین مقدار این است که به هر مسکینی یک مدّ طعام در ازای هر نمازی بدهد.

عرض کردم: یک مدّ در ازای چند نماز باشد؟

فَقالَ: لِكُلِّ رَكْعَتَيْنِ مِنْ صَلاَةِ اللَّيْلِ، وَ كُلِّ رَكْعَتَيْنِ مِنْ صَلاَةِ النَّهَارِ.
فَقُلْتُ: لَا يَقْدِرُ.
فَقالَ: مُدٌّ لِكُلِّ أَرْبَعِ رَكَعَاتٍ.
فَقُلْتُ: لَا يَقْدِرُ.
فَقالَ: مُدٌّ لِكُلِّ صَلاَةِ اللَّيْلِ وَ مُدٌّ لِصَلاَةِ النَّهَارِ وَ الصَّلاَةُ أَفْضَلُ وَ الصَّلاَةُ أَفْضَلُ.

١٤ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُذَافِرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ:
اعْلَمْ! أَنَّ النَّافِلَةَ بِمَنْزِلَةِ الْهَدِيَّةِ مَتى مَا أُتِيَ بِهَا قُبِلَتْ.

١٥ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ عليه السلام كَانَ إِذَا اهْتَمَّ تَرَكَ النَّافِلَةَ.

١٦ ـ وَ عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبَدٍ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله:
إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالاً وَ إِدْبَاراً، فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَتَنَفَّلُوا، وَ إِذَا أَدْبَرَتْ فَعَلَيْكُمْ بِالْفَرِيضَةِ.

فرمود: در ازای هر دو رکعت از نماز شب یک مدّ، و برای هر دو رکعت از نماز روز هم یک مدّ.
گفتم: توان چنین صدقه‌ای را ندارد.
فرمود: در این صورت برای هر چهار رکعت یک مدّ (غذا) بدهد.
عرض کردم: باز هم نمی‌تواند.
فرمود: یک مدّ برای همهٔ نمازهای شب یک مدّ برای تمام نوافل روز بدهد، امّا با این همه، نماز بهتر است،نماز بهتر است.

۱۴ ـ عمر بن یزید گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
هان بدان که نماز نافله، مانند هدیه است. هر وقت که انجام شود، مقبول است.

۱۵ ـ عدّه‌ای از یاران ما گویند: امام کاظم عليه السلام هر گاه کاری ضروری پیش می‌آمد، نماز نافله را ترک می‌کرد.

۱۶ ـ علی بن معبد و راوی دیگری گویند: امام (باقر، یا امام صادق عليهما السلام) فرمود: پیامبراکرم صلى الله عليه وآله فرمود:
همانا برای دل‌ها روی آوردنی و روی گردانیدنی است. پس هر گاه دلتان روی آورد، نماز نافله را به جا آوردید، و هر گاه روی گردانید، بر شما باد به انجام نماز فریضه.

۱۷ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى بْنِ حَبِيبٍ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام يَكُونُ عَلَيَّ الصَّلاَةُ النَّافِلَةُ مَتَى أَقْضِيهَا؟

فَكَتَبَ عليه السلام: أَيَّةَ سَاعَةٍ شِئْتَ مِنْ لَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ.

۱۸ ـ وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ مِسْكِينٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَلِيٍّ السَّرَّادِ قَالَ: سَأَلَ أَبُو كَهْمَسٍ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام.

فَقَالَ: يُصَلِّي الرَّجُلُ نَوَافِلَهُ فِي مَوْضِعٍ أَوْ يُفَرِّقُهَا.

فَقَالَ: لَا، بَلْ يُفَرِّقُهَا هَاهُنَا وَ هَاهُنَا، فَإِنَّهَا تَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

۱۹ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الرَّيَّانِ قَالَ:

كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: رَجُلٌ يَقْضِي شَيْئاً مِنْ صَلاَتِهِ الْخَمْسِينَ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، أَوْ فِي مَسْجِدِ الرَّسُولِ صلى الله عليه وآله، أَوْ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ أَتُحْسَبُ لَهُ الرَّكْعَةُ عَلَى تَضَاعُفِ مَا جَاءَ عَنْ آبَائِكَ عليهم السلام فِي هَذِهِ الْمَسَاجِدِ حَتَّى يُجْزِئَهُ إِذَا كَانَتْ عَلَيْهِ عَشَرَةُ آلَافِ رَكْعَةٍ أَنْ يُصَلِّيَ مِائَةَ رَكْعَةٍ أَوْ أَقَلَّ أَوْ أَكْثَرَ وَ كَيْفَ يَكُونُ حَالُهُ؟

---

۱۷ ـ محمّد بن یحیی بن حبیب گوید: طی نامه‌ای خدمت امام رضا عليه السلام نوشتم: نماز نافله‌ای بر عهدهٔ من می‌باشد، چه وقت قضای آن را به جا آورم؟

حضرتش عليه السلام نوشت: هر ساعتی از شب و روز که خواستی (به جای آور).

۱۸ ـ عبداللّٰه بن علی سرّاد گوید: ابو کهمس از امام صادق عليه السلام پرسید و به حضرتش عرض کرد: آیا انسان می‌تواند نافله‌های خود را در یک مکان، یا در مکان‌های مختلف بخواند؟

فرمود: نه، بلکه در مکان‌های مختلف (بخواند)، در این جا و آن جا بخواند؛ زیرا هر مکانی برای او در روز رستاخیز گواهی خواهد داد.

۱۹ ـ محمّد بن ریّان گوید: طی نامه‌ای به امام جواد عليه السلام نوشتم: شخصی قضای نمازهای (نافله) از پنجاه رکعت خود را در مسجد الحرام یا در مسجد پیامبر صلى الله عليه وآله و یا در مسجد کوفه به جا می‌آورد، آیا بر حسب آن چه از پدران گرامی شما عليهم السلام رسیده از فضیلت نماز در این مساجد ـ که یک رکعت آن از نظر پاداش چند برابر می‌شود ـ او را از قضای بقیّه نمازها بی‌نیاز می‌کند، که اگر ده‌هزار رکعت بر عهدهٔ او باشد و او صد رکعت ـ یا کمتر و یا بیشتر ـ بخواند، به جای آن ده‌هزار رکعت حساب می‌شود و دیگر بر عهدهٔ او چیزی نیست؟ آیا حال او چگونه خواهد بود؟

فَوَقَّعَ عليه‌السلام: يُحْسَبُ لَهُ بِالضِّعْفِ، فَأَمَّا أَنْ يَكُونَ تَقْصِيراً مِنَ الصَّلاَةِ بِحَالِهَا فَلاَ يَفْعَلُ هُوَ إِلَى الزِّيَادَةِ أَقْرَبُ مِنْهُ إِلَى النُّقْصَانِ.

۲۰ ـ أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الْفَضْلِ النَّوْفَلِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه‌السلام عَنِ الرَّجُلِ الْمُسْتَعْجِلِ مَا الَّذِي يُجْزِئُهُ فِي النَّافِلَةِ؟

قَالَ: ثَلاَثُ تَسْبِيحَاتٍ فِي الْقِرَاءَةِ وَ تَسْبِيحَةٌ فِي الرُّكُوعِ وَ تَسْبِيحَةٌ فِي السُّجُودِ.

(۸٦)
بَابُ صَلاَةِ الْخَوْفِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام عَنْ صَلاَةِ الْخَوْفِ.

حضرتش عليه‌السلام نوشت: فزونی پاداش بر او نوشته می‌شود، ولی اگر آن‌گونه حساب کردن به سبب فضیلت آن مساجد، باعث کوتاه کردن و انداختن چیزی از نماز شود، این کار را نکند، چون آن‌گونه مکان‌ها برای زیادی نماز نزدیک‌تر است تا به کمی آن.

۲۰ ـ ابو حمزه گوید: از امام کاظم عليه‌السلام پرسیدم: شخصی که (برای انجام کاری) شتاب دارد، در نماز نافله چه چیزی او را کفایت می‌کند؟

فرمود: سه تسبیح (سبحان اللّه) در قرائت، یک تسبیح در رکوع و یک تسبیح در سجده.

بخش هشتاد و ششم
نماز خوف و ترس

۱ ـ حلبی گوید: از امام صادق عليه‌السلام دربارهٔ کیفیّت نماز خوف پرسیدم.

قَالَ: يَقُومُ الْإِمَامُ وَ تَجِيءُ طَائِفَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ فَيَقُومُونَ خَلْفَهُ وَ طَائِفَةٌ بِإِزَاءِ الْعَدُوِّ فَيُصَلِّي بِهِمُ الْإِمَامُ رَكْعَةً ثُمَّ يَقُومُ وَ يَقُومُونَ مَعَهُ فَيَمْثُلُ قَائِماً وَ يُصَلُّونَ هُمُ الرَّكْعَةَ الثَّانِيَةَ. ثُمَّ يُسَلِّمُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ ثُمَّ يَنْصَرِفُونَ فَيَقُومُونَ فِي مَقَامِ أَصْحَابِهِمْ وَ يَجِيءُ الآخَرُونَ فَيَقُومُونَ خَلْفَ الْإِمَامِ فَيُصَلِّي بِهِمُ الرَّكْعَةَ الثَّانِيَةَ ثُمَّ يَجْلِسُ الْإِمَامُ فَيَقُومُونَ هُمْ فَيُصَلُّونَ رَكْعَةً أُخْرَى ثُمَّ يُسَلِّمُ عَلَيْهِمْ فَيَنْصَرِفُونَ بِتَسْلِيمِهِ.

قَالَ: وَ فِي الْمَغْرِبِ مِثْلُ ذَلِكَ يَقُومُ الْإِمَامُ وَ تَجِيءُ طَائِفَةٌ فَيَقُومُونَ خَلْفَهُ ثُمَّ يُصَلِّي بِهِمْ رَكْعَةً ثُمَّ يَقُومُ وَ يَقُومُونَ فَيَمْثُلُ الْإِمَامُ قَائِماً وَ يُصَلُّونَ الرَّكْعَتَيْنِ فَيَتَشَهَّدُونَ وَ يُسَلِّمُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ ثُمَّ يَنْصَرِفُونَ فَيَقُومُونَ فِي مَوْقِفِ أَصْحَابِهِمْ وَ يَجِيءُ الآخَرُونَ وَ يَقُومُونَ خَلْفَ الْإِمَامِ فَيُصَلِّي بِهِمْ رَكْعَةً يَقْرَأُ فِيهَا ثُمَّ يَجْلِسُ فَيَتَشَهَّدُ، ثُمَّ يَقُومُ وَ يَقُومُونَ مَعَهُ وَ يُصَلِّي بِهِمْ رَكْعَةً أُخْرَى ثُمَّ يَجْلِسُ وَ يَقُومُونَ هُمْ فَيُتِمُّونَ رَكْعَةً أُخْرَى ثُمَّ يُسَلِّمُ عَلَيْهِمْ.

فرمود: امام جماعت می‌ایستد و دسته‌ای از لشکر پشت سر او می‌ایستند و دسته‌ای دیگر در برابر دشمن می‌ایستند. امام، با ایشان یک رکعت می‌خواند، سپس بر می‌خیزد و آن‌ها نیز با او بر می‌خیزند و امام، هم چنان می‌ایستد و آن‌ها رکعت دوم خود را می‌خوانند و آن گاه عدّه‌ای از ایشان بر جمعی دیگر سلام می‌دهند و بعد از نماز، برای جایگزینی به سوی یاران خود می‌روند و به جای آنان، در مقابل دشمن قرار می‌گیرند و دستهٔ دیگر می‌آیند و پشت سر امام جماعت می‌ایستند و رکعت دوم را با ایشان به جا می‌آورد، سپس امام می‌نشیند و آن‌ها برمی‌خیزند و یک رکعت دیگر می‌خوانند، سپس امام جماعت سلام می‌دهد و با سلام دادن او آن‌ها به جای خود بازمی‌گردند.

امام علیه السلام فرمود: نماز مغرب نیز همین طور است؛ امام جماعت می‌ایستد و دسته‌ای می‌آیند و پشت سر او می‌ایستند و یک رکعت با ایشان می‌گزارد و بر می‌خیزد و ایشان نیز برمی‌خیزند و او هم چنان می‌ایستد، آن‌ها دو رکعت دیگر می‌خوانند و تشهّد می‌گویند و جمعی از آن‌ها سلام می‌دهند و بعد از نماز برای جایگزینی به سوی یاران خود می‌روند، و دستهٔ دیگری می‌آیند و پشت سر امام می‌ایستند و با ایشان نیز یک رکعت می‌خواند که در آن قرائت می‌کند و می‌نشیند و تشهّد می‌گوید، سپس برمی‌خیزد و آن‌ها نیز با او بر می‌خیزند و یک رکعت دیگر با آنان می‌گزارد و پس از آن می‌نشیند، و آن‌ها برمی‌خیزند و رکعت دیگر را تمام می‌کنند و آن گاه امام بر ایشان سلام می‌دهد.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

صَلَّى رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله بِأَصْحَابِهِ فِي غَزْوَةِ ذَاتِ الرِّقَاعِ صَلاَةَ الْخَوْفِ، فَفَرَّقَ أَصْحَابَهُ فِرْقَتَيْنِ أَقَامَ فِرْقَةً بِإِزَاءِ الْعَدُوِّ وَ فِرْقَةً خَلْفَهُ فَكَبَّرَ وَ كَبَّرُوا فَقَرَأَ وَ أَنْصَتُوا وَ رَكَعَ فَرَكَعُوا وَ سَجَدَ فَسَجَدُوا، ثُمَّ اسْتَتَمَّ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله قَائِماً وَ صَلَّوْا لِأَنْفُسِهِمْ رَكْعَةً ثُمَّ سَلَّمَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ ثُمَّ خَرَجُوا إِلَى أَصْحَابِهِمْ، فَقَامُوا بِإِزَاءِ الْعَدُوِّ وَ جَاءَ أَصْحَابُهُمْ.

فَقَامُوا خَلْفَ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله فَصَلَّى بِهِمْ رَكْعَةً ثُمَّ تَشَهَّدَ وَ سَلَّمَ عَلَيْهِمْ فَقَامُوا فَصَلَّوْا لِأَنْفُسِهِمْ رَكْعَةً ثُمَّ سَلَّمَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ.

۳ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يَقُولُ:

---

۲ ـ عبدالرحمان بن ابی عبداللّٰه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

رسول خدا صلى الله عليه وآله در جنگ (غزوه) ذات الرّقاع [1] با اصحاب خود نماز خوف به جا آورد. آن نماز به این ترتیب بود که رسول خدا صلى الله عليه وآله اصحابش را به دو دسته تقسیم فرمود. یک دسته را برای رویارویی با دشمن قرار داد، و دسته دیگر را به نماز در پشت سر خود نگه داشت.

آن‌گاه حضرتش تکبیر گفت و آن‌ها نیز تکبیر گفتند، و به قرائت پرداخت و آنان ساکت ماندند. پس به رکوع رفت و آنان نیز به رکوع رفتند، به سجده رفت و آنان نیز به سجده رفتند، آن‌گاه رسول خدا صلى الله عليه وآله برخاست، و مأمومین برای خود یک رکعت نمازگزاردند.

آن گاه عدّه‌ای از آنان سلام دادند و بعد از نماز، جهت جایگزینی به سوی یاران خود رفته و به جای آنان در مقابل دشمن قرار گرفتند. یاران دیگر آمدند و پشت سر رسول خدا صلى الله عليه وآله به نماز ایستادند، و آن حضرت با آنان یک رکعت نمازگزارد، سپس تشهّد را خواند و سلام داد. بعد آنان برخاسته و (جداگانه) یک رکعت نماز به جا آوردند و سلام دادند.

۳ ـ ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

---

۱ ـ یکی از غزوه‌های معروف است که در سال چهارم ـیا پنجم ـ هجری در غطفان از سر زمین نجد به وقوع پیوست.

إِنْ كُنْتَ فِي أَرْضِ مَخَافَةٍ فَخَشِيتَ لِصّاً أَوْ سَبُعاً فَصَلِّ عَلَى دَابَّتِكَ.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْأَسِيرِ يَأْسِرُهُ الْمُشْرِكُونَ فَتَحْضُرُهُ الصَّلَاةُ فَيَمْنَعُهُ الَّذِي أَسَرَهُ مِنْهَا.

قَالَ: يُومِئُ إِيمَاءً.

٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ قَالَ: سَأَلْتُهُ قُلْتُ: أَكُونُ فِي طَرِيقِ مَكَّةَ فَنَنْزِلُ لِلصَّلَاةِ فِي مَوَاضِعَ فِيهَا الْأَعْرَابُ أَنُصَلِّي الْمَكْتُوبَةَ عَلَى الْأَرْضِ، فَنَقْرَأُ أُمَّ الْكِتَابِ وَحْدَهَا أَمْ نُصَلِّي عَلَى الرَّاحِلَةِ فَنَقْرَأُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ السُّورَةَ؟

فَقَالَ: إِذَا خِفْتَ فَصَلِّ عَلَى الرَّاحِلَةِ الْمَكْتُوبَةَ وَ غَيْرَهَا وَ إِذَا قَرَأْتَ الْحَمْدَ وَ سُورَةً أَحَبُّ إِلَيَّ وَ لَا أَرَى بِالَّذِي فَعَلْتَ بَأْساً.

اگر در سرزمینی قرار گرفتی که خوفناک بود و از دزد یا درندگان ترس داشتی بر روی چهار پایت نماز بخوان.

۴ ـ سماعه گوید: از امام علیه السلام پرسیدم: اسیری است که مشرکان و او را به اسارت گرفته‌اند و وقت نماز فرا می‌رسد و مشرکان از خواندن نماز جلوگیری می‌کنند (چه وظیفه‌ای دارد؟)

فرمود: با اشاره نماز بگزارد.

۵ ـ محمّد بن اسماعیل گوید: از امام علیه السلام پرسیدم: در مسیر راه مکّه، در برخی مکان‌هایی که عرب‌های بادیه‌نشین هستند، فرود می‌آییم (و می‌ترسیم که ما را غارت کنند) آیا نماز فریضه را بر روی زمین به یک حمد تنها بخوانیم، یا این که بر بالای مرکب سواری آن را با حمد و سوره به جای آوریم (کدام بهتر است)؟

فرمود: هرگاه ترسیدی، نماز فریضه و غیر فریضه را بر بالای مرکب سواری بگزار، و اگر حمد و سوره را بخوانی نزد من بهتر است و در آن چه که تو انجام داده‌ای، اشکالی نمی‌بینم.

٦ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجٰالاً أَوْ رُكْبٰاناً﴾ كَيْفَ يُصَلِّي؟ وَ مَا يَقُولُ إِذَا خَافَ مِنْ سَبُعٍ، أَوْ لِصٍّ كَيْفَ يُصَلِّي؟

قَالَ: يُكَبِّرُ وَ يُومِئُ إِيمَاءً بِرَأْسِهِ.

(۸۷)

بَابُ صَلاَةِ الْمُطَارَدَةِ وَ الْمُوَاقَفَةِ وَ الْمُسَايَفَةِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ الْقُمِّيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُذَافِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا جَالَتِ الْخَيْلُ تَضْطَرِبُ السُّيُوفُ أَجْزَأَهُ تَكْبِيرَتَانِ، فَهٰذَا تَقْصِيرٌ آخَرُ.

٢ ـ عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ وَ فُضَيْلٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ فِي صَلاَةِ الْخَوْفِ عِنْدَ الْمُطَارَدَةِ وَ الْمُنَاوَشَةِ:

---

۶ ـ عبدالرحمان بن ابی عبداللّٰه گوید: از امام صادق عليه السلام دربارهٔ آیهٔ کریمه‌ای که خداوند عزّوجلّ می‌فرماید: ﴿فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجٰالاً أَوْ رُكْبٰاناً﴾ سؤال کردم که چگونه شخص باید نماز بخواند، در صورتی که از درّنده یا دزد بترسد؟

فرمود: تکبیر گوید و با سر خود اشاره نماید.

بخش هشتاد و هفتم

نماز در هنگام حملهٔ دشمن، مقابلهٔ با او و جنگ تن به تن

۱ ـ محمّد بن عذافر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر گاه سواران بر یکدیگر حمله کنند و شمشیرها به حرکت در آیند، برای نمازگزار، دو تکبیر کافی است و این، تقصیر (کوتاه شدن نماز) دیگری است.

۲ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام در مورد نماز خوف به هنگام حملهٔ دشمن و هنگامی که رزمندگان در کارزار به جنگ تن به تن بپردازند فرمود:

يُصَلِّي كُلُّ إِنْسَانٍ مِنْهُمْ بِالْإِيمَاءِ حَيْثُ كَانَ وَجْهُهُ، وَ إِنْ كَانَتِ الْمُسَايَفَةُ وَ الْمُعَانَقَةُ وَ تَلاَحُمُ الْقِتَالِ، فَإِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام صَلَّى لَيْلَةَ صِفِّينَ وَ هِيَ لَيْلَةُ الْهَرِيرِ لَمْ تَكُنْ صَلاَتُهُمُ الظُّهْرُ وَ الْعَصْرُ وَ الْمَغْرِبُ وَ الْعِشَاءُ عِنْدَ وَقْتِ كُلِّ صَلاَةٍ إِلَّا التَّكْبِيرَ وَ التَّهْلِيلَ وَ التَّسْبِيحَ وَ التَّحْمِيدَ وَ الدُّعَاءَ فَكَانَتْ تِلْكَ صَلاَتَهُمْ لَمْ يَأْمُرْهُمْ بِإِعَادَةِ الصَّلاَةِ.

٣ ـ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ: سَمِعْتُ بَعْضَ أَصْحَابِنَا يَذْكُرُ: أَنَّ أَقَلَّ مَا يُجْزِئُ فِي حَدِّ الْمُسَايَفَةِ مِنَ التَّكْبِيرِ تَكْبِيرَتَانِ لِكُلِّ صَلاَةٍ إِلَّا الْمَغْرِبَ، فَإِنَّ لَهَا ثَلاَثاً.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام فِي قَوْلِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿**فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا**﴾.

قَالَ: فِي الرَّكْعَتَيْنِ تُنْقَصُ مِنْهُمَا وَاحِدَةٌ.

در نماز خوف به هنگام حملهٔ دشمن و هنگامی که هر کدام از رزمندگان باید با اشاره به هر طرف که روی او باشد نماز بخواند، و اگر جنگ تن به تن باشد و دست به گریبان یکدیگر باشند و جنگ شدّت گیرد(به جای هر رکعت، ذکر یا تکبیری است)، زیرا امیر مؤمنان علی عليه‌السلام در جنگ صفّین ـکه شب هریر بودـ نماز ظهر، عصر، مغرب و عشای آنان تکبیر، تهلیل، تسبیح، حمد و دعا بود و همین، نماز آنان بود و آن حضرت به سپاهیانش امر نفرمود که بعد از پایان جنگ، نماز خود را اعاده کنند.

۳ ـ عبداللّٰه بن مغیره گوید: از بعضی یاران شنیدم که (از امام عليه‌السلام) نقل می‌کرد: کمترین مقدار تکبیر در هنگام شمشیر کشیدن و در آویختن در کار زار برای هر نماز دو تکبیر است، مگر نماز مغرب که آن سه تکبیر است.

۴ ـ حریز گوید: امام صادق عليه‌السلام دربارهٔ گفتار خداوند عزّوجلّ که می‌فرماید: ﴿**فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا**﴾ فرمود:

دو رکعت را (که خود کوتاه شدهٔ چهار رکعت است) به یک رکعت کوتاه کنید.

۵ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ صَلاَةِ الْقِتَالِ.

فَقالَ: إِذَا الْتَقَوْا فَاقْتَتَلُوا، فَإِنَّ الصَّلاَةَ حِينَئِذٍ التَّكْبِيرُ وَ إِنْ كَانُوا وُقُوفاً لَا يَقْدِرُونَ عَلَى الْجَمَاعَةِ فَالصَّلاَةُ إِيمَاءٌ.

٦ ـ مُحَمَّدٌ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: أَرَأَيْتَ إِنْ لَمْ يَكُنِ الْمُوَاقِفُ عَلَى وُضُوءٍ كَيْفَ يَصْنَعُ وَ لَا يَقْدِرُ عَلَى النُّزُولِ؟

قَالَ: يَتَيَمَّمُ مِنْ لِبْدِهِ أَوْ سَرْجِهِ أَوْ مَعْرَفَةِ دَابَّتِهِ، فَإِنَّ فِيهَا غُبَاراً وَ يُصَلِّي وَ يَجْعَلُ السُّجُودَ أَخْفَضَ مِنَ الرُّكُوعِ وَ لَا يَدُورُ إِلَى الْقِبْلَةِ، وَ لَكِنْ أَيْنَما دَارَتْ دَابَّتُهُ غَيْرَ أَنَّهُ يَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ بِأَوَّلِ تَكْبِيرَةٍ حِينَ يَتَوَجَّهُ.

۵ـ سماعه گوید: از آن حضرت (امام صادق عليه السلام) دربارهٔ چگونگی نماز به هنگام کارزار پرسیدم.

فرمود: وقتی دو سپاه در برابر هم قرار گیرند و به پیکار بپردازند، در چنین حالی نماز فقط تکبیر است، و چون با دشمن رو در رو بایستند و نتوانند نماز را به جماعت به جای آورند، در این صورت نماز با اشاره انجام می‌شود.

۶ ـ زراره گوید: به امام باقر عليه السلام گفتم: اگر کسی وضو نداشته و از بیم دشمن نتواند از چهار پایش فرود آید، باید چه کند؟

فرمود: بر نمد چهارپای خود، یا نمد زین، یا یال اسبش ـ که همواره در آن غباری است ـ تیمّم کرده و نماز می‌خواند، به گونه‌ای که سجده را فروتر از رکوع به جا آورده، و رو به قبله نمی‌گردد و به هر طرف که چهارپا می‌گردد، او برمی‌گردد، و فقط هنگامی که متوجّه نماز می‌شود و شروع به نماز می‌کند رو به قبله تکبیرة الاحرام می‌گوید.

۷ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ الْعَمْرَكِيِّ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَلْقَى السَّبُعَ وَ قَدْ حَضَرَتِ الصَّلَاةُ وَ لَا يَسْتَطِيعُ الْمَشْيَ مَخَافَةَ السَّبُعِ، فَإِنْ قَامَ يُصَلِّي خَافَ فِي رُكُوعِهِ وَ سُجُودِهِ السَّبُعَ وَ السَّبُعُ أَمَامَهُ عَلَى غَيْرِ الْقِبْلَةِ، فَإِنْ تَوَجَّهَ إِلَى الْقِبْلَةِ خَافَ أَنْ يَثِبَ عَلَيْهِ الْأَسَدُ كَيْفَ يَصْنَعُ؟

قَالَ: فَقَالَ: يَسْتَقْبِلُ الْأَسَدَ وَ يُصَلِّي وَ يُومِئُ بِرَأْسِهِ إِيمَاءً وَ هُوَ قَائِمٌ، وَ إِنْ كَانَ الْأَسَدُ عَلَى غَيْرِ الْقِبْلَةِ.

(۸۸)
بَابُ صَلَاةِ الْعِيدَيْنِ وَ الْخُطْبَةِ فِيهِمَا

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:

---

۷ ـ علی بن جعفر گوید: از برادرم امام کاظم عليه السلام سؤال کردم: کسی که با درنده‌ای روبه‌رو شود و وقت نماز فرارسد و او از ترس درنده نتواند حرکت کند و اگر برخیزد و نماز بخواند در رکوع و سجود خود از آن درنده می‌ترسد و آن درنده در مقابل او در جهتی غیر از قبله قرار گرفته است و اگر بخواهد روی خود را به جانب قبله کند، می‌ترسد که شیر حمله کند و بر او بجهد که او چه باید بکند؟

گوید: آن حضرت فرمود: رو به شیر درنده کرده و هم چنان ایستاده با اشارهٔ سر خود، نماز گزارد، هر چند شیر درنده در جهتی غیر از قبله قرار گرفته باشد.

بخش هشتاد و هشتم
نماز عید فطر و عید قربان و خطبهٔ آن‌ها

۱ ـ زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

لَيْسَ فِي يَوْمِ الْفِطْرِ وَ الْأَضْحَى أَذَانٌ وَ لَا إِقَامَةٌ، أَذَانُهُمَا طُلُوعُ الشَّمْسِ إِذَا طَلَعَتْ خَرَجُوا وَ لَيْسَ قَبْلَهُمَا وَ لَا بَعْدَهُمَا صَلَاةٌ وَ مَنْ لَمْ يُصَلِّ مَعَ إِمَامٍ فِي جَمَاعَةٍ، فَلَا صَلَاةَ لَهُ وَ لَا قَضَاءَ عَلَيْهِ.

۲ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مَعْمَرِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

لَا صَلَاةَ يَوْمَ الْفِطْرِ وَ الْأَضْحَى إِلَّا مَعَ إِمَامٍ.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ مُعَاوِيَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ صَلَاةِ الْعِيدَيْنِ.

فَقَالَ: رَكْعَتَانِ لَيْسَ قَبْلَهُمَا وَ لَا بَعْدَهُمَا شَيْءٌ، وَ لَيْسَ فِيهِمَا أَذَانٌ وَ لَا إِقَامَةٌ يُكَبِّرُ فِيهِمَا اثْنَتَيْ عَشَرَ تَكْبِيرَةً يَبْدَأُ فَيُكَبِّرُ وَ يَفْتَتِحُ الصَّلَاةَ ثُمَّ يَقْرَأُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ ثُمَّ يَقْرَأُ وَ الشَّمْسِ وَ ضُحَيهَا ثُمَّ يُكَبِّرُ خَمْسَ تَكْبِيرَاتٍ ثُمَّ يُكَبِّرُ وَ يَرْكَعُ فَيَكُونُ يَرْكَعُ بِالسَّابِعَةِ ثُمَّ يَسْجُدُ سَجْدَتَيْنِ، ثُمَّ يَقُومُ فَيَقْرَأُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ ﴿**هَلْ أَتَيكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ**﴾ ثُمَّ يُكَبِّرُ أَرْبَعَ تَكْبِيرَاتٍ وَ يَسْجُدُ سَجْدَتَيْنِ وَ يَتَشَهَّدُ وَ يُسَلِّمُ.

نماز عید فطر و عید قربان اذان واقامه ندارند. اذان آن‌ها طلوع خورشید است که هر گاه خورشید طلوع کند، مردم خارج می‌شوند و پیش از آن دو و بعد از آن دو نمازی نیست و هر کس آن نمازها را با جماعت به جا نیاورد، نماز (کاملی) بر عهدهٔ او نیست و آن دو نماز قضا ندارند.

۲ ـ معمر بن یحیی گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

نماز روز عید فطر و عید قربان فقط با امام جماعت است.

۳ ـ معاویة (بن عمّار) گوید: از امام عليه السلام دربارهٔ نماز عید فطر و قربان پرسیدم.

فرمود: دو رکعت است. پیش از آن دو رکعت و بعد از آن دو چیزی (نافله‌ای) نیست. این دو نماز اذان و اقامه ندارند و نمازگزار، در آن دو رکعت دوازده تکبیر می‌گوید، با تکبیر نماز را شروع می‌کند، سپس سورهٔ حمد و پس از آن سورهٔ ﴿والشمس و ضحیها﴾ را می‌خواند، سپس پنج تکبیر می‌گوید. آن گاه تکبیر هفتم را گفته و به رکوع می‌رود، و پس از آن، دو سجده به جا می‌آورد. آن گاه برمی‌خیزد و سورهٔ حمد و ﴿**هَلْ أَتَيكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ**﴾ را می‌خواند، سپس چهار تکبیر می‌گوید و دو سجده انجام می‌دهد و تشهّد را می‌گوید و سلام می‌دهد.

قَالَ: وَ كَذَلِكَ صَنَعَ رَسُولُ اللهِ ﷺ وَ الْخُطْبَةُ بَعْدَ الصَّلاَةِ، إِنَّمَا أَحْدَثَ الْخُطْبَةَ قَبْلَ الصَّلاَةِ عُثْمانُ، وَ إِذَا خَطَبَ الْإِمَامُ فَلْيَقْعُدْ بَيْنَ الْخُطْبَتَيْنِ قَلِيلاً وَ يَنْبَغِي لِلْإِمَامِ أَنْ يَلْبَسَ يَوْمَ الْعِيدَيْنِ بُرْداً وَ يَعْتَمَّ شَاتِياً كَانَ أَوْ قَائِظاً وَ يَخْرُجُ إِلَى الْبَرِّ حَيْثُ يَنْظُرُ إِلَى آفَاقِ السَّمَاءِ، وَ لَا يُصَلِّي عَلَى حَصِيرٍ وَ لَا يَسْجُدُ عَلَيْهِ، وَ قَدْ كَانَ رَسُولُ اللهِ ﷺ يَخْرُجُ إِلَى الْبَقِيعِ فَيُصَلِّي بِالنَّاسِ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ لَيْثٍ الْمُرَادِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

قِيلَ لِرَسُولِ اللهِ ﷺ يَوْمَ فِطْرٍ أَوْ يَوْمَ أَضْحًى: لَوْ صَلَّيْتَ فِي مَسْجِدِكَ؟

فَقَالَ: إِنِّي لَأُحِبُّ أَنْ أَبْرُزَ إِلَى آفَاقِ السَّمَاءِ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فِي صَلاَةِ الْعِيدَيْنِ.

فرمود: رسول خدا ﷺ نیز چنین انجام می‌داد. خطبه این نماز بعد از نماز است و خطبه پیش از نماز را عثمان بدعت نهاد. هنگامی که امام خطبهٔ (اوّل) را خواند، باید میان دو خطبه اندکی بنشیند. شایسته است امام در روز عید فطر و قربان ردا بپوشد، عمامه بر سر نهد ـ چه زمستان باشد و چه تابستان ـ و برای خواندن نماز به صحرا برود و کران تا کران آسمان را بنگرد و بر روی حصیر نماز نخواند و به آن سجده نکند. سنّت رسول خدا ﷺ چنین بود که به سوی بقیع می‌رفت و در آن جا با مردم نماز می‌گزارد.

۴ ـ لیث مرادی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

به رسول خدا ﷺ گفتند: ای کاش! در روز فطر، یا قربان در مسجد خود نماز می‌گزاردید؟

فرمود: من دوست می‌دارم که کران تا کران آسمان نمایان باشد.

۵ ـ علی بن ابی حمزه گوید: امام صادق عليه السلام دربارهٔ نماز عید فطر و عید قربان فرمود:

قَالَ: يُكَبِّرُ ثُمَّ يَقْرَأُ ثُمَّ يُكَبِّرُ خَمْساً وَ يَقْنُتُ بَيْنَ كُلِّ تَكْبِيرَتَيْنِ ثُمَّ يُكَبِّرُ السَّابِعَةَ وَ يَرْكَعُ بِهَا ثُمَّ يَسْجُدُ ثُمَّ يَقُومُ فِي الثَّانِيَةِ فَيَقْرَأُ ثُمَّ يُكَبِّرُ أَرْبَعاً فَيَقْنُتُ بَيْنَ كُلِّ تَكْبِيرَتَيْنِ ثُمَّ يُكَبِّرُ وَ يَرْكَعُ بِهَا.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللهِ عليه السلام أَنْ يُخْرَجَ السِّلاَحُ فِي الْعِيدَيْنِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ عَدُوٌّ حَاضِرٌ.

٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ رِبْعِيِّ بْنِ عَبْدِ اللهِ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

أُتِيَ أَبِي بِالْخُمْرَةِ يَوْمَ الْفِطْرِ فَأَمَرَ بِرَدِّهَا.

ثُمَّ قَالَ: هَذَا يَوْمٌ كَانَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله يُحِبُّ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آفَاقِ السَّمَاءِ وَ يَضَعَ وَجْهَهُ عَلَى الْأَرْضِ.

٨ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَلَمَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

نمازگزار، تکبیر می‌گوید، قرائت می‌کند، سپس پنج تکبیر می‌گوید و میان هر دو تکبیر قنوت می‌خواند و آن گاه تکبیر هفتم را می‌گوید و به رکوع می‌رود و پس از آن سجده می‌کند، سپس برای رکعت دوم برمی‌خیزد، قرائت می‌کند و چهار تکبیر می‌گوید و در میان هر دو تکبیر قنوت می‌خواند و آن گاه تکبیر گفته و به رکوع می‌رود.

۶ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش عليه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله نهی فرمود که در نماز عید فطر و عید قربان سلاح حمل شود، مگر آن که دشمن حضور داشته باشد.

۷ ـ فضل بن یسار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

در روز عید فطر برای پدر بزرگوارم سجادهٔ حصیری آورده شد، ولی حضرتش، دستور داد آن را برگردانند، سپس فرمود: این روزی است که رسول خدا صلى الله عليه و آله دوست می‌داشت به کران تا کران آسمان نگاه کند و پیشانی خود را بر زمین گذارد.

۸ ـ سلمه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

اجْتَمَعَ عِيدَانِ عَلَى عَهْدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَخَطَبَ النَّاسَ.

ثُمَّ قَالَ: هَذَا يَوْمٌ اجْتَمَعَ فِيهِ عِيدَانِ فَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَجْمَعَ مَعَنَا فَلْيَفْعَلْ وَ مَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَإِنَّ لَهُ رُخْصَةً. يَعْنِي مَنْ كَانَ مُتَنَحِّياً.

۹ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ فَاتَتْهُ رَكْعَةٌ مَعَ الْإِمَامِ مِنَ الصَّلَاةِ أَيَّامَ التَّشْرِيقِ.

قَالَ: يُتِمُّ الصَّلَاةَ وَ يُكَبِّرُ.

۱۰ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

السُّنَّةُ عَلَى أَهْلِ الْأَمْصَارِ أَنْ يَبْرُزُوا مِنْ أَمْصَارِهِمْ فِي الْعِيدَيْنِ إِلَّا أَهْلَ مَكَّةَ، فَإِنَّهُمْ يُصَلُّونَ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ.

۱۱ ـ مُحَمَّدٌ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللهِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَبَانٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

در زمان امیر مؤمنان علی صلوات الله علیه دو عید (روز جمعه و عید فطر یا قربان) در یک روز اتفاق افتاد، آن حضرت برای مردم خطبه خواند، سپس فرمود: امروز، روزی است که دو عید در آن جمع شده است، هر کس دوست دارد که با ما در نماز جمعه نیز شرکت کند، چنین نماید و هر کس که نمی‌تواند برای او رخصت و اجازه هست. یعنی کسانی که خانه‌هایشان دور بود.

۹ ـ محمّد بن مسلم گوید: از امام عليه السلام پرسیدم: شخصی در ایّام تشریق (سه روز از ایّام حج که بعد از عید قربان است). یک رکعت از نماز او با امام فوت می‌شود (وظیفهٔ او چیست؟)

فرمود: نماز را تمام می‌کند و تکبیر می‌گوید.

۱۰ ـ محمّدبن یحیی در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

بر ساکنان و اهالی شهرها سنّت است که در روزهای عید قربان و عید فطر برای اقامهٔ نماز عید از شهرها بیرون روند جز مردم مکّه، که نماز را در مسجدالحرام به جا می‌آورند.

۱۱ ـ محمّدبن فضل هاشمی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

رَكْعَتَانِ مِنَ السُّنَّةِ لَيْسَ تُصَلَّيَانِ فِي مَوْضِعٍ إِلَّا بِالْمَدِينَةِ.

قَالَ: يُصَلِّي فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله فِي الْعِيدِ قَبْلَ أَنْ يَخْرُجَ إِلَى الْمُصَلَّى لَيْسَ ذَلِكَ إِلَّا بِالْمَدِينَةِ، لِأَنَّ رَسُولَ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله فَعَلَهُ.

(۸۹)

بَابُ صَلاَةِ الِاسْتِسْقَاءِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ سُلَيْمانَ جَمِيعاً عَنْ مُرَّةَ مَوْلَى مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: صَاحَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ فِي الِاسْتِسْقَاءِ.

فَقالَ لِيَ: انْطَلِقْ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام فَسَلْهُ مَا رَأْيُكَ، فَإِنَّ هَؤُلَاءِ قَدْ صَاحُوا إِلَيَّ فَأَتَيْتُهُ فَقُلْتُ لَهُ.

دو رکعت نماز سنّت است که در هیچ جا خوانده نمی‌شود مگر در مدینه.

فرمود: آن دو رکعت را در روز عید فطر و عید قربان در مسجد رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله پیش از رفتن به مصلّا می‌خوانند و مخصوص شهر مدینه است؛ زیرا رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله این دو رکعت را پیش از رفتن به مصلّا در مدینه به جا می‌آورد.

بخش هشتاد و نهم
نماز طلب باران

۱ ـ مرّه ـ خدمتکار محمّد بن خالد، والی مدینه ـ گوید: مردم مدینه فریادکنان برای طلب باران نزد محمّد بن خالد آمدند.

والی به من گفت: حضور امام صادق عليه‌السلام برو و از آن حضرت سؤال کن که نظر شما در این‌باره چیست؛ زیرا مردم فریادکنان به سوی من آمده‌اند.

من به خدمت آن حضرت رفتم و ماجرا را به عرض حضرتش رسانیدم.

فَقالَ لِي: قُلْ لَهُ: فَلْيَخْرُجْ.
قُلْتُ لَهُ: مَتَى يَخْرُجُ جُعِلْتُ فِدَاكَ؟
قَالَ: يَوْمَ الِاثْنَيْنِ؟
قُلْتُ: كَيْفَ يَصْنَعُ؟
قَالَ: يُخْرِجُ الْمِنْبَرَ ثُمَّ يَخْرُجُ يَمْشِي كَمَا يَمْشِي يَوْمَ الْعِيدَيْنِ وَ بَيْنَ يَدَيْهِ الْمُؤَذِّنُونَ فِي أَيْدِيهِمْ عَنَزُهُمْ حَتَّى إِذَا انْتَهَى إِلَى الْمُصَلَّى يُصَلِّي بِالنَّاسِ رَكْعَتَيْنِ بِغَيْرِ أَذَانٍ وَ لَا إِقَامَةٍ ثُمَّ يَصْعَدُ الْمِنْبَرَ فَيَقْلِبُ رِدَاءَهُ فَيَجْعَلُ الَّذِي عَلَى يَمِينِهِ عَلَى يَسَارِهِ وَ الَّذِي عَلَى يَسَارِهِ، عَلَى يَمِينِهِ ثُمَّ يَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ فَيُكَبِّرُ اللهَ مِائَةَ تَكْبِيرَةٍ رَافِعاً بِهَا صَوْتَهُ ثُمَّ يَلْتَفِتُ إِلَى النَّاسِ عَنْ يَمِينِهِ فَيُسَبِّحُ اللهَ مِائَةَ تَسْبِيحَةٍ رَافِعاً بِهَا صَوْتَهُ ثُمَّ يَلْتَفِتُ إِلَى النَّاسِ عَنْ يَسَارِهِ فَيُهَلِّلُ اللهَ مِائَةَ تَهْلِيلَةٍ رَافِعاً بِهَا صَوْتَهُ ثُمَّ يَسْتَقْبِلُ النَّاسَ فَيَحْمَدُ اللهَ مِائَةَ تَحْمِيدَةٍ ثُمَّ يَرْفَعُ يَدَيْهِ فَيَدْعُو ثُمَّ يَدْعُونَ، فَإِنِّي لَأَرْجُو أَنْ لَا يَخِيبُوا.

فرمود: به او بگو: از شهر خارج شود.
به آن حضرت عرض کردم: قربانت گردم! کی خارج شود؟
فرمود: روز دوشنبه.
عرض کردم: چه باید بکند؟
فرمود: منبر را به بیرون می‌فرستد، سپس خارج می‌شود آن سان که در نماز عیدین بیرون می‌رفت، مؤذّنان نیزه‌ها در دست پیشاپیش او حرکت کنند تا به مصلّا برسد. آن‌گاه دو رکعت نماز بدون اذان و اقامه با مردم به جا می‌آورد. بعد بر فراز منبر قرار گیرد و ردای خود را برگرداند به گونه‌ای که شانهٔ راست ردا به شانهٔ چپش قرار گیرد و شانهٔ چپش بر شانهٔ راستش قرار گیرد. آن گاه رو به قبله نموده و با صدای بلند صدبار تکبیر بگوید. سپس از طرف راست خود رو به مردم نماید و با صدای بلند صد مرتبه «سبحان اللّه» بگوید، و آن‌گاه از سمت چپ خود رو به مردم کند و با صدای بلند صد مرتبه «لا إله إلّا اللّه» بگوید، آن‌گاه رو به مردم کرده و صد مرتبه «الحمدللّه» بگوید، سپس دست‌هایش را به طرف بالا برداشته دعا کند و مردم نیز دعا کنند. من امیدوارم که بی‌بهره و بی‌نصیب نخواهند شد.

قَالَ: فَفَعَلَ فَلَمَّا رَجَعْنَا جَاءَ الْمَطَرُ.

قَالُوا: هَذَا مِنْ تَعْلِيمِ جَعْفَرٍ عليه‌السلام.

وَ فِي رِوَايَةِ يُونُسَ: فَمَا رَجَعْنَا حَتَّى أَهَمَّتْنَا أَنْفُسُنَا.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ صَلاَةِ الاسْتِسْقَاءِ.

فَقَالَ: مِثْلُ صَلاَةِ الْعِيدَيْنِ يَقْرَأُ فِيهَا وَ يُكَبِّرُ فِيهَا كَمَا يَقْرَأُ وَ يُكَبِّرُ فِيهَا يَخْرُجُ الْإِمَامُ وَ يَبْرُزُ إِلَى مَكَانٍ نَظِيفٍ فِي سَكِينَةٍ وَ وَقَارٍ وَ خُشُوعٍ وَ مَسْكَنَةٍ وَ يَبْرُزُ مَعَهُ النَّاسُ، فَيَحْمَدُ اللهَ وَ يُمَجِّدُهُ وَ يُثْنِي عَلَيْهِ وَ يَجْتَهِدُ فِي الدُّعَاءِ وَ يُكْثِرُ مِنَ التَّسْبِيحِ وَ التَّهْلِيلِ وَ التَّكْبِيرِ وَ يُصَلِّي مِثْلَ صَلاَةِ الْعِيدَيْنِ رَكْعَتَيْنِ فِي دُعَاءٍ وَ مَسْأَلَةٍ وَ اجْتِهَادٍ، فَإِذَا سَلَّمَ الْإِمَامُ قَلَبَ ثَوْبَهُ وَ جَعَلَ الْجَانِبَ الَّذِي عَلَى الْمَنْكِبِ الْأَيْمَنِ عَلَى الْأَيْسَرِ وَ الَّذِي عَلَى الْأَيْسَرِ عَلَى الْأَيْمَنِ، فَإِنَّ النَّبِيَّ صلى‌الله‌عليه‌وآله كَذَلِكَ صَنَعَ.

راوی گوید: والی دستور حضرتش را انجام داد، و چون از بیرون شهر بازگشتیم باران آمد.

مردم گفتند: این از آموزهٔ امام صادق عليه‌السلام بوده است.

و در (پایان) روایت یونس چنین آمده است: هنوز به شهر باز نگشته بودیم که (از زیادی باران) بر جان خود ترسیدیم.

۲ ـ هشام بن حکم گوید: از امام صادق عليه‌السلام دربارهٔ طلب نماز باران و کیفیّت آن پرسیدم.

فرمود: نماز طلب باران همانند نماز عید فطر و عید قربان است که نمازگزار در آن قرائت می‌کند و تکبیر می‌گوید؛ آن سان که در نماز عید قرائت می‌کند و تکبیر می‌گوید.

در این نماز امام جماعت، از خانه خارج می‌شود و در بیرون شهر در مکان پاکیزه‌ای با آرامش و وقار و فروتنی و شکستگی ظاهر می‌شود و مردم نیز با او بیرون می‌روند. آن‌گاه خداوند را حمد و سپاس گوید، تعظیم و ستایش نماید و در دعا می‌کوشد و بسیار تسبیح، تهلیل، تکبیر می‌گوید، و دو رکعت نماز مانند نماز عید با دعا و طلب حاجت و کوشش می‌گزارد، و چون امام سلام می‌دهد، لباس خود را برمی‌گرداند؛ به گونه‌ای که شانهٔ راست ردای او به شانهٔ چپش افتد و شانهٔ چپ ردایش بر شانهٔ راستش قرار گیرد؛ زیرا پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله نیز این گونه عمل می‌نمود.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ تَحْوِيلِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله رِدَاءَهُ إِذَا اسْتَسْقَى.
فَقَالَ: عَلاَمَةٌ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ أَصْحَابِهِ يُحَوَّلُ الْجَدْبُ خِصْباً.

٤ ـ وَ فِي رِوَايَةِ ابْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ: يُكَبِّرُ فِي صَلاَةِ الاِسْتِسْقَاءِ كَمَا يُكَبِّرُ فِي الْعِيدَيْنِ فِي الْأُولَى سَبْعاً وَ فِي الثَّانِيَةِ خَمْساً وَ يُصَلِّي قَبْلَ الْخُطْبَةِ وَ يَجْهَرُ بِالْقِرَاءَةِ وَ يَسْتَسْقِي وَ هُوَ قَاعِدٌ.

(۹۰)
بَابُ صَلاَةِ الْكُسُوفِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللهِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام يَقُولُ:
إِنَّهُ لَمَّا قُبِضَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله جَرَتْ فِيهِ ثَلاَثُ سُنَنٍ أَمَّا وَاحِدَةٌ، فَإِنَّهُ لَمَّا مَاتَ انْكَسَفَتِ الشَّمْسُ.
فَقَالَ النَّاسُ: انْكَسَفَتِ الشَّمْسُ لِفَقْدِ ابْنِ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله.

---

۳ ـ محمّد بن یحیی در روایت مرفوعه‌ای گوید: از امام صادق عليه السلام از علّت برگردانیدن رسول خدا صلى الله عليه وآله عبای خود را در هنگام نماز استسقاء پرسیدند.
فرمود: از این جهت که علامتی میان او و اصحابش باشد، که خشکسالی به فراخی و سرسبزی دگرگون شد.

۴ ـ و در روایت ابن‌مغیره آمده است (امام عليه السلام فرمود): امام جماعت، در نماز استسقاء مانند نماز دو عید در رکعت اوّل هفت مرتبه و در رکعت دوم پنج مرتبه تکبیر می‌گوید و نماز را پیش از خطبه به‌جا می‌آورد و قرائت را بلند می‌خواند و در حالی‌که نشسته است، طلب باران می‌کند.

بخش نودم
نماز خورشید و ماه گرفتگی

۱ ـ علی بن عبدالله گوید: از امام کاظم عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:
هنگامی که ابراهیم، فرزند رسول خدا صلى الله عليه وآله وفات یافت، سه سنّت در او جاری شد. نخست آن که وقتی او وفات یافت، آفتاب گرفت.
مردم گفتند: آفتاب برای وفات فرزند رسول خدا صلى الله عليه وآله گرفته است!

فَصَعِدَ رَسُولُ اللهِ ﷺ الْمِنْبَرَ فَحَمِدَ اللهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ.

ثُمَّ قالَ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ آيَتَانِ مِنْ آيَاتِ اللهِ تَجْرِيَانِ بِأَمْرِهِ مُطِيعَانِ لَهُ لَا تَنْكَسِفَانِ لِمَوْتِ أَحَدٍ وَ لَا لِحَيَاتِهِ، فَإِذَا انْكَسَفَتَا أَوْ وَاحِدَةٌ مِنْهُمَا فَصَلُّوا ثُمَّ نَزَلَ فَصَلَّى بِالنَّاسِ صَلَاةَ الْكُسُوفِ.

۲ ـ عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَا: سَأَلْنَا أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ صَلَاةِ الْكُسُوفِ كَمْ هِيَ رَكْعَةً وَ كَيْفَ نُصَلِّيهَا؟

فَقالَ: عَشْرُ رَكَعَاتٍ وَ أَرْبَعُ سَجَدَاتٍ تَفْتَتِحُ الصَّلَاةَ بِتَكْبِيرَةٍ وَ تَرْكَعُ بِتَكْبِيرَةٍ وَ تَرْفَعُ رَأْسَكَ بِتَكْبِيرَةٍ إِلَّا فِي الْخَامِسَةِ الَّتِي تَسْجُدُ فِيهَا وَ تَقُولُ: «سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» وَ تَقْنُتُ فِي كُلِّ رَكْعَتَيْنِ قَبْلَ الرُّكُوعِ وَ تُطِيلُ الْقُنُوتَ وَ الرُّكُوعَ عَلَى قَدْرِ الْقِرَاءَةِ وَ الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ، فَإِنْ فَرَغْتَ قَبْلَ أَنْ يَنْجَلِيَ فَاقْعُدْ وَ ادْعُ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ حَتَّى يَنْجَلِيَ وَ إِنِ انْجَلَى قَبْلَ أَنْ تَفْرُغَ مِنْ صَلَاتِكَ فَأَتِمَّ مَا بَقِيَ وَ تَجْهَرُ بِالْقِرَاءَةِ.

رسول خدا ﷺ بالای منبر رفت و خدا را حمد و ثنا گفت، سپس فرمود: ای مردم! خورشید و ماه دو نشانه از نشانه‌های خدا هستند که به فرمان او در رفت و آمدند و فرمان‌بردار او هستند که به مرگ و زندگی کسی گرفته نمی‌شوند و هرگاه هر دو، یا یکی از آن‌ها گرفته شود، نماز (آیات) بخوانید، سپس از منبر فرود آمد و با مردم نماز کسوف خواند.

۲ ـ زراره و محمّد بن مسلم گویند: از امام باقر عليه السلام دربارهٔ نماز کسوف پرسیدم که چند رکعت است؟ و چگونه آن را بخوانیم؟

فرمود: این نماز ده رکوع و چهار سجده دارد. نماز را با یک تکبیر شروع می‌کنی، با یک تکبیر به رکوع می‌روی و با یک تکبیر سر از رکوع برمی‌داری؛ مگر در رکوع پنجم که پس از آن به سجده می‌روی و می‌گویی: «**سمع اللّٰه لمن حمده**» و در هر دو رکوع پیش از رکوع قنوت می‌خوانی و قنوت [۱] را به اندازهٔ قرائت، رکوع و سجود طولانی کن، و اگر پیش از آن که خورشید ـ یا ماه ـ به طور کامل آشکار شود، نمازت به پایان رسید، بنشین و خدا را فراخوان تا آشکار شود و اگر پیش از پایان یافتن نماز آشکار شود، ماندهٔ نمازت را تمام کن و قرائت را بلند بخوان.

---

۱ ـ در متن آمده است: و قنوت و رکوع را، به نظر می‌رسد. واژهٔ رکوع را ناسخ از روی اشتباه افزوده است.

قَالَ: قُلْتُ: كَيْفَ الْقِرَاءَةُ فِيهَا؟

فَقالَ: إِنْ قَرَأْتَ سُورَةً فِي كُلِّ رَكْعَةٍ فَاقْرَأْ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ، وَ إِنْ نَقَصْتَ مِنَ السُّورَةِ شَيْئاً فَاقْرَأْ مِنْ حَيْثُ نَقَصْتَ وَ لَا تَقْرَأْ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ.

قَالَ: وَ كَانَ يَسْتَحِبُّ أَنْ يَقْرَأَ فِيهَا بِالْكَهْفِ وَ الْحِجْرِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ إِمَاماً يَشُقُّ عَلَى مَنْ خَلْفَهُ، وَ إِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ صَلَاتُكَ بَارِزاً لَا يَجُنُّكَ بَيْتٌ فَافْعَلْ وَ صَلَاةُ كُسُوفِ الشَّمْسِ أَطْوَلُ مِنْ صَلَاةِ كُسُوفِ الْقَمَرِ، وَ هُمَا سَوَاءٌ فِي الْقِرَاءَةِ وَ الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ.

٣ ـ حَمَّادٌ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَا: قُلْنَا لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: هَذِهِ الرِّيَاحُ وَ الظُّلَمُ الَّتِي تَكُونُ هَلْ يُصَلَّى لَهَا.

فَقالَ: كُلُّ أَخَاوِيفِ السَّمَاءِ مِنْ ظُلْمَةٍ، أَوْ رِيحٍ أَوْ فَزَعٍ فَصَلِّ لَهُ صَلَاةَ الْكُسُوفِ حَتَّى يَسْكُنَ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ:

راوی گوید: عرض کردم: قرائت در این نماز، چگونه است؟

فرمود: اگر در هر رکعت یک سورهٔ کامل بخوانی، سورهٔ حمد را نیز بخوان، و اگر سوره را (تقسیم نمودی و) کم کردی از آن جا که کم کرده‌ای بخوان و سورهٔ حمد را مخوان.

فرمود: مستحب است که در نماز کسوف سورهٔ کهف و سورهٔ حجر خوانده شود، مگر آن که نمازگزار امام جماعت باشد که قرائت آن دو سوره برای مأمومین سخت باشد، و چنان چه بتوانی نمازت را به صورت علنی بخوانی که خانه‌ای تو را نپوشاند، چنین بخوان و نماز خورشید گرفتگی از نماز ماه‌گرفتگی طولانی‌تر است؛ ولی هر دو نماز در قرائت، رکوع و سجود برابرند.

۳ ـ زراره و محمّد بن مسلم گویند: به امام باقر عليه السلام گفتیم: آیا برای این تندبادهایی که می‌وزند و تاریکی‌هایی که پیش می‌آیند باید نماز خواند؟

فرمود: هر واقعه ترسناک آسمانی که از تاریکی یا از تندبادها باشد، برای آن باید نماز کسوف (آیات) خواند، تا آرام گیرد.

۴ ـ جمیل بن درّاج گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

وَقْتُ صَلاَةِ الْكُسُوفِ فِي السَّاعَةِ الَّتِي تَنْكَسِفُ عِنْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ عِنْدَ غُرُوبِهَا.

قَالَ: وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام: هِيَ فَرِيضَةٌ.

٥ ـ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلاَءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ صَلاَةِ الْكُسُوفِ فِي وَقْتِ الْفَرِيضَةِ.

فَقَالَ: ابْدَأْ بِالْفَرِيضَةِ.

فَقِيلَ لَهُ: فِي وَقْتِ صَلاَةِ اللَّيْلِ.

فَقَالَ: صَلِّ صَلاَةَ الْكُسُوفِ قَبْلَ صَلاَةِ اللَّيْلِ.

٦ ـ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

وقت نماز کسوف از ساعتی است که خورشید گرفته می‌شود، خواه هنگام طلوع آفتاب باشد یا هنگام غروب آن.

راوی گوید: هم چنین حضرتش فرمود: نماز کسوف، واجب است.

۵ ـ محمّد بن مسلم گوید: از امام (باقر عليه السلام یا امام صادق عليه السلام) در مورد نماز کسوف در وقت نماز فریضه پرسیدم.

فرمود: ابتدا، فریضه را به جا آور.

به آن حضرت گفته شد: اگر در وقت نماز شب باشد چه؟

فرمود: نماز کسوف را پیش از نماز شب بخوان.

۶ ـ زراره و محمّد بن مسلم گویند: امام صادق عليه السلام فرمود:

إِذَا انْكَسَفَتِ الشَّمْسُ كُلُّهَا وَ احْتَرَقَتْ وَ لَمْ تَعْلَمْ ثُمَّ عَلِمْتَ بَعْدَ ذَلِكَ فَعَلَيْكَ الْقَضَاءُ، وَ إِنْ لَمْ تَحْتَرِقْ كُلُّهَا فَلَيْسَ عَلَيْكَ قَضَاءٌ.

وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: إِذَا عَلِمَ بِالْكُسُوفِ وَ نَسِيَ أَنْ يُصَلِّيَ فَعَلَيْهِ الْقَضَاءُ، وَ إِنْ لَمْ يَعْلَمْ بِهِ فَلاَ قَضَاءَ عَلَيْهِ هَذَا إِذَا لَمْ يَحْتَرِقْ كُلُّهُ.

۷ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عِمْرَانَ بْنِ مُوسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْفَضْلِ الْوَاسِطِيِّ قَالَ:

كَتَبْتُ إِلَيْهِ: إِذَا انْكَسَفَتِ الشَّمْسُ أَوِ الْقَمَرُ وَ أَنَا رَاكِبٌ لاَ أَقْدِرُ عَلَى النُّزُولِ.

قَالَ: فَكَتَبَ إِلَيَّ: صَلِّ عَلَى مَرْكَبِكَ الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ.

اگر تمام قرص خورشید گرفته باشد و از این موضوع خبر نداشته باشی و پس از آن باخبر شوی، قضای نماز آیات بر عهدهٔ توست و اگر تمام قرص نگرفته باشد (و پس از آن آگاه شدی) قضای آن نماز لازم نیست.

در روایت دیگری آمده است: اگر کسی از کسوف آگاه باشد، ولی نماز را فراموش نماید، باید قضای نماز را بخواند، ولی اگر از کسوف آگاهی نداشته باشد، قضای آن لازم نیست، در صورتی که تمام قرص خورشید نگرفته باشد.

۷ ـ علی بن فضل واسطی گوید: طی نامه‌ای به آن حضرت (امام رضا علیه السلام) نوشتم و سؤال کردم: هرگاه خورشید، یا ماه بگیرد و من بر مرکب سواره باشم و نتوانم پیاده شوم، چه باید بکنم؟

گوید: آن حضرت در پاسخ من نوشت: بر روی همان مرکبی که سوار هستی نماز بگزار.

(۹۱)
بَابُ صَلاَةِ التَّسْبِيحِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله لِجَعْفَرٍ: يَا جَعْفَرُ! أَ لاَ أَمْنَحُكَ؟ أَ لاَ أُعْطِيكَ؟ أَ لاَ أَحْبُوكَ؟

فَقالَ لَهُ جَعْفَرٌ: بَلَى يَا رَسُولَ اللهِ!

قَالَ: فَظَنَّ النَّاسُ أَنَّهُ يُعْطِيهِ ذَهَباً أَوْ فِضَّةً فَتَشَرَّفَ النَّاسُ لِذَلِكَ.

فَقالَ لَهُ: إِنِّي أُعْطِيكَ شَيْئاً إِنْ أَنْتَ صَنَعْتَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ كَانَ خَيْراً لَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا وَ إِنْ صَنَعْتَهُ بَيْنَ يَوْمَيْنِ غُفِرَ لَكَ مَا بَيْنَهُمَا أَوْ كُلَّ جُمْعَةٍ أَوْ كُلَّ شَهْرٍ أَوْ كُلَّ سَنَةٍ غُفِرَ لَكَ مَا بَيْنَهُمَا.

بخش نود و یکم
نماز تسبیح [۱]

۱ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله به جعفربن ابی طالب علیه السلام فرمود: ای جعفر! آیا چیزی به تو عطا نکنم؟ آیا عطیه‌ای به تو ندهم؟ آیا چیزی به تو نبخشم؟

جعفر به آن حضرت عرض کرد: بلی، ای رسول خدا!

مردم گمان کردند آن حضرت می‌خواهد طلا، یا نقره به او عطا کند، به همین دلیل برای تماشای آن گرد آمدند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: من چیزی را به تو می‌بخشم که اگر هر روز آن را انجام دهی، برای تو از دنیا و آن چه در آن است، بهتر خواهد بود، و اگر آن را هر دو روز یک بار انجام دهی، هر گناهی بین این دو عمل مرتکب شده‌ای، بخشیده خواهد شد، و اگر در هر جمعه، یا در هر ماه و یا در هر سال یک بار این نماز را بخوانی هر گناهی میان آن‌ها مرتکب شده‌ای آمرزیده خواهد شد.

---

۱ ـ نماز تسبیح؛ همان نماز جعفر بن ابی طالب علیه السلام ـ که مشهور به جعفر طیّار است ـ می‌باشد.

تُصَلِّي أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ تَبْتَدِئُ فَتَقْرَأُ وَ تَقُولُ إِذَا فَرَغْتَ: «**سُبْحَانَ اللهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَ اللهُ أَكْبَرُ**» تَقُولُ ذَلِكَ خَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً بَعْدَ الْقِرَاءَةِ، فَإِذَا رَكَعْتَ قُلْتَهُ عَشْرَ مَرَّاتٍ فَإِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ مِنَ الرُّكُوعِ قُلْتَهُ عَشْرَ مَرَّاتٍ.

فَإِذَا سَجَدْتَ قُلْتَهُ عَشْرَ مَرَّاتٍ فَإِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ مِنَ السُّجُودِ فَقُلْ بَيْنَ السَّجْدَتَيْنِ عَشْرَ مَرَّاتٍ، فَإِذَا سَجَدْتَ الثَّانِيَةَ فَقُلْ عَشْرَ مَرَّاتٍ، فَإِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ مِنَ السَّجْدَةِ الثَّانِيَةِ قُلْتَ عَشْرَ مَرَّاتٍ، وَ أَنْتَ قَاعِدٌ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ.

فَذَلِكَ خَمْسٌ وَ سَبْعُونَ تَسْبِيحَةً فِي كُلِّ رَكْعَةٍ ثَلَاثُمِائَةِ تَسْبِيحَةٍ فِي أَرْبَعِ رَكَعَاتٍ أَلْفٌ وَ مِائَتَا تَسْبِيحَةٍ وَ تَهْلِيلَةٍ وَ تَكْبِيرَةٍ وَ تَحْمِيدَةٍ إِنْ شِئْتَ صَلَّيْتَهَا بِالنَّهَارِ وَ إِنْ شِئْتَ صَلَّيْتَهَا بِاللَّيْلِ.

(نماز بدین گونه است که) چهار رکعت نماز می‌گزاری. پس از پایان قرائت، پانزده مرتبه می‌گویی: «**سُبْحَانَ اللهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَ اللهُ أَكْبَرُ**». این ذکر را در رکوع ده مرتبه، هنگامی که سر از رکوع برمی‌داری ده مرتبه. به هنگام سجده ده مرتبه، هنگامی که سر از سجده برداشتی در میان دو سجده ده مرتبه، و در سجدهٔ دوم ده مرتبه و چون سر از سجده برداشتی در حالی که نشسته‌ای پیش از آن که برخیزی ده مرتبه بخوان.

پس در هر رکعت، هفتاد و پنج تسبیح و در چهار رکعت سیصد تسبیح می‌شود که مجموع تسبیح، تهلیل، تکبیر و تحمید هزار و دویست می‌شود و چنان‌چه بخواهی می‌توانی این چهار رکعت نماز را در روز بخوانی، یا اگر بخواهی می‌توانی آن را در شب به جا آوری.

وَ فِي رِوَايَةِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه‌السلام: تَقْرَأُ فِي الْأُولَى ﴿إِذَا زُلْزِلَتْ﴾ وَ فِي الثَّانِيَةِ ﴿وَ الْعَادِيَاتِ﴾ وَ فِي الثَّالِثَةِ ﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللهِ﴾ وَ فِي الرَّابِعَةِ بِ ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾.

قُلْتُ: فَمَا ثَوَابُهَا؟

قَالَ: لَوْ كَانَ عَلَيْهِ مِثْلُ رَمْلِ عَالِجٍ ذُنُوباً غَفَرَ اللهُ لَهُ ثُمَّ نَظَرَ إِلَيَّ.

فَقالَ: إِنَّمَا ذَلِكَ لَكَ وَ لِأَصْحَابِكَ.

۲ ـ وَ رُوِيَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْحَلَبِيِّ عَنْ ذَرِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ:

تُصَلِّيهَا بِاللَّيْلِ وَ تُصَلِّيهَا فِي السَّفَرِ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ إِنْ شِئْتَ فَاجْعَلْهَا مِنْ نَوَافِلِكَ.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَسِّنِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَبَانٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام يَقُولُ:

در روایت ابراهیم بن عبدالحمید آمده که گوید: امام کاظم عليه‌السلام فرمود:

در رکعت اوّل (بعد از حمد) سورهٔ ﴿اذا زلزلت﴾ و در رکعت دوّم ﴿والعادیات﴾، و در رکعت سوم ﴿إذا جاء نصرالله﴾، و در رکعت چهارم ﴿قل هو الله أحد﴾ را می‌خوانی.

عرض کردم: پاداش آن چیست؟

فرمود: اگر گناه او به اندازهٔ ریگ‌های انباشته و متراکم باشد، خداوند همه را می‌آمرزد.

آن‌گاه حضرتش به من نگاه کرد و فرمود: آن پاداش فقط برای تو و دوستان تو (یعنی خاصّ شیعیان) است.

۲ ـ ذریح گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

نماز جعفر را می‌توانی در شب بخوانی، و در سفر هم در شب و هم در روز می‌توانی آن را به جا آوری، و اگر بخواهی آن را از نافله‌های خود قرار ده.

۳ ـ ابان گوید: از امام صادق عليه‌السلام شنیدم که می‌فرمود:

مَنْ كَانَ مُسْتَعْجِلاً يُصَلِّي صَلاَةَ جَعْفَرٍ مُجَرَّدَةً ثُمَّ يَقْضِي التَّسْبِيحَ وَ هُوَ ذَاهِبٌ فِي حَوَائِجِهِ.

٤ ـ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُلَيْمانَ قَالَ:

كَتَبْتُ إِلَى الرَّجُلِ عليه‌السلام: مَا تَقُولُ فِي صَلاَةِ التَّسْبِيحِ فِي الْمَحْمِلِ؟

فَكَتَبَ عليه‌السلام: إِذَا كُنْتَ مُسَافِراً فَصَلِّ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ: تَقُولُ فِي آخِرِ رَكْعَةٍ مِنْ صَلاَةِ جَعْفَرٍ عليه‌السلام:

«يَا مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَ الْوَقَارَ يَا مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَ تَكَرَّمَ بِهِ، يَا مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ، يَا مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ يَا ذَا النِّعْمَةِ وَ الطَّوْلِ، يَا ذَا الْمَنِّ وَ الْفَضْلِ يَا ذَا الْقُدْرَةِ وَ الْكَرَمِ أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَ بِمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْلَى وَ كَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي...» كَذَا وَ كَذَا.

هر گاه کسی عجله داشته باشد، می‌تواند نماز جعفر را بدون تسبیح بخواند، سپس تسبیحات را در حالی که کارهای خود را انجام می‌دهد، قضا کند.

۴ ـ علی بن سلیمان گوید: طی نامه‌ای خدمت امام (کاظم) عليه‌السلام نوشتم: نظر شما دربارهٔ انجام نماز تسبیح (جعفر عليه‌السلام) در داخل کجاوه چیست؟

آن حضرت عليه‌السلام نوشت: هر گاه مسافر باشی، می‌توانی این نماز را داخل کجاوه به جا آوری.

۵ ـ حسن بن محبوب گوید: امام عليه‌السلام فرمود: در سجدهٔ آخر نماز جعفر عليه‌السلام این دعا را بخوان:

«يَا مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَ الْوَقَارَ يَا مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَ تَكَرَّمَ بِهِ، يَا مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ، يَا مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ يَا ذَا النِّعْمَةِ وَ الطَّوْلِ، يَا ذَا الْمَنِّ وَ الْفَضْلِ يَا ذَا الْقُدْرَةِ وَ الْكَرَمِ أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَ بِمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْلَى وَ كَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي...» و حاجت خود را بیان کن.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ ذَكَرَهُ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْمَدَائِنِيِّ قَالَ:

قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام: أَ لَا أُعَلِّمُكَ شَيْئاً تَقُولُهُ فِي صَلَاةِ جَعْفَرٍ؟

فَقُلْتُ: بَلَى.

فَقَالَ: إِذَا كُنْتَ فِي آخِرِ سَجْدَةٍ مِنَ الْأَرْبَعِ رَكَعَاتٍ، فَقُلْ إِذَا فَرَغْتَ مِنْ تَسْبِيحِكَ: **«سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَ الْوَقَارَ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَ تَكَرَّمَ بِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَ النِّعَمِ، سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَ الْكَرَمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَ مُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَ اسْمِكَ الْأَعْظَمِ وَ كَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ الَّتِي تَمَّتْ صِدْقاً وَ عَدْلاً صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ افْعَلْ بِي...»** كَذَا وَ كَذَا.

---

۶ ـ ابو سعید مدائنی گوید: امام صادق عليه السلام به من فرمود: آیا می‌خواهی چیزی یادت دهم که در نماز جعفر بخوانی؟

عرض کردم: آری.

فرمود: در سجدهٔ آخر رکعت چهارم پس از پایان تسبیح بگو:

«سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَ الْوَقَارَ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَ تَكَرَّمَ بِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَ النِّعَمِ، سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَ الْكَرَمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَ مُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَ اسْمِكَ الْأَعْظَمِ وَ كَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ الَّتِي تَمَّتْ صِدْقاً وَ عَدْلاً صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ افْعَلْ بِي...» و حاجت خود را بیان کن.

۷ـ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ مِسْكِينٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام:
مَنْ صَلَّى صَلاَةَ جَعْفَرٍ كَتَبَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلَ مَا قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله لِجَعْفَرٍ؟
قَالَ: إِي وَ اللهِ.

(۹۲)
بَابُ صَلاَةِ فَاطِمَةَ عليها السلام وَ غَيْرِهَا مِنْ صَلاَةِ التَّرْغِيبِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ غَيْرُهُ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُثَنَّى الْحَنَّاطِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يَقُولُ:
مَنْ صَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ بِمِائَتَيْ مَرَّةٍ ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ خَمْسُونَ مَرَّةً لَمْ يَنْفَتِلْ وَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللهِ ذَنْبٌ إِلَّا غُفِرَ لَهُ.

---

۷ ـ اسحاق بن عمّار گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: هر کس نماز جعفر را بخواند، آیا همانند آن پاداشی را که رسول خدا صلى الله عليه و آله به جعفر فرمود، برایش می‌نویسند؟
فرمود: آری، به خدا سوگند!

بخش نود و دوم
نماز حضرت فاطمه سلام اللّٰه علیها و نماز ترغیب

۱ ـ ابو بصیر گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:
هر کس چهار رکعت نماز با دویست مرتبه ﴿قل هو اللّٰه أحد﴾؛ در هر رکعتی پنجاه مرتبه بخواند، هنوز نماز پایان نیافته، هر گناهی میان او و خداوند باشد، همه آمرزیده شود.

٢ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ سَعْدَانَ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:
مَنْ صَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ خَمْسِينَ مَرَّةً لَمْ يَنْفَتِلْ وَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللهِ ذَنْبٌ.

٣ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى بِإِسْنَادِهِ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:
مَنْ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ بِ ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ سِتِّينَ مَرَّةً انْفَتَلَ وَ لَيْسَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللهِ ذَنْبٌ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:
مَنْ صَلَّى الْمَغْرِبَ وَ بَعْدَهَا أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ وَ لَمْ يَتَكَلَّمْ حَتَّى يُصَلِّيَ عَشْرَ رَكَعَاتٍ يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ بِالْحَمْدِ وَ ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ كَانَتْ عِدْلَ عَشْرِ رِقَابٍ.

٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ كُرْدُوسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

---

۲ ـ عبداللّٰه بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
هر کس چهار رکعت نمازگزارد و در هر رکعت آن، پنجاه مرتبه ﴿قل هو اللّٰه أحد﴾ بخواند، هنوز نماز پایان نیافته، بین او و خداوند هیچ گناهی نخواهد ماند.

۳ ـ محمّد بن یحیی در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
هر کس دو رکعت نمازگزارد و در هر رکعت شصت بار سورهٔ ﴿قل هو اللّٰه أحد﴾ را بخواند، در حالی از نماز فارغ شود که هیچ گناهی میان او و خداوند نماند.

۴ ـ یکی از اصحاب ما گوید: امام رضا عليه السلام فرمود:
هر کس نماز مغرب را به جا آورد و پس از آن چهار رکعت (نافله) گزارد و سخنی نگوید تا این که ده رکعت نماز بخواند، در هر رکعت حمد و سورهٔ ﴿قل هو اللّٰه أحد﴾ را قرائت کند، پاداش آن برابر با آزاد کردن ده بنده است.

۵ ـ محمّد بن کردوس گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

مَنْ تَطَهَّرَ ثُمَّ أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ بَاتَ وَ فِرَاشُهُ كَمَسْجِدِهِ، فَإِنْ قَامَ مِنَ اللَّيْلِ فَذَكَرَ اللهَ تَنَاثَرَتْ عَنْهُ خَطَايَاهُ فَإِنْ قَامَ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ فَتَطَهَّرَ وَ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ وَ حَمِدَ اللهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ وَ صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ ﷺ لَمْ يَسْأَلِ اللهَ شَيْئاً إِلَّا أَعْطَاهُ إِمَّا أَنْ يُعْطِيَهُ الَّذِي يَسْأَلُهُ بِعَيْنِهِ، وَ إِمَّا أَنْ يَدَّخِرَ لَهُ مَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ مِنْهُ.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بِإِسْنَادِهِ عَنْ بَعْضِهِمْ عليهم السلام فِي قَوْلِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئاً وَ أَقْوَمُ قِيلاً﴾ قَالَ:

کسی که وضو سازد و آن گاه به رختخواب خود رود، رختخواب او به سان سجده‌گاه اوست، و چون شب برخیزد و خدا را یاد کند، گناهان او بریزد، و هر گاه در آخر شب برخیزد و وضو سازد و دو رکعت نماز گزارد و خدا را حمد گوید و او را ستایش نماید و بر پیامبر ﷺ درود فرستد، هر چه از خداوند درخواست کند به او عطا کند، که یا همان را به او عطا می‌کند، یا این که برای او آن چه را که برایش از آن بهتر است، ذخیره می‌کند.

۶ ـ علی بن محمّد با سلسله سند خود گوید: امام عليه السلام دربارهٔ گفتار خداوند عزّ و جلّ که می‌فرماید: ﴿إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئاً وَ أَقْوَمُ قِيلاً﴾ فرمود:

هِيَ رَكْعَتَانِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ تَقْرَأُ فِي أَوَّلِ رَكْعَةٍ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَ عَشْرٍ مِنْ أَوَّلِ الْبَقَرَةِ وَ آيَةِ السُّخْرَةِ وَ مِنْ قَوْلِهِ: ﴿وَ إِلٰهُكُمْ إِلٰهٌ وٰاحِدٌ لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمٰاوٰاتِ وَ الْأَرْضِ﴾ ... إِلَى قَوْلِهِ: ﴿لَآيٰاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ وَ خَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ وَ فِي الرَّكْعَةِ الثَّانِيَةِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ آخِرَ الْبَقَرَةِ مِنْ قَوْلِهِ: ﴿لِلّٰهِ مٰا فِي السَّمٰاوٰاتِ وَ مٰا فِي الْأَرْضِ﴾ إِلَى أَنْ تَخْتِمَ السُّورَةَ، وَ خَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ ثُمَّ ادْعُ بَعْدَ هَذَا بِمَا شِئْتَ.

قَالَ: وَ مَنْ وَاظَبَ عَلَيْهِ كُتِبَ لَهُ بِكُلِّ صَلاَةٍ سِتُّمائَةِ أَلْفِ حَجَّةٍ.

۷ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

دو رکعت بعد از مغرب است که در رکعت اوّل سورهٔ حمد، ده آیه از اوّل سورهٔ بقره و آیهٔ سخره [۱] و آیه‌های شریفهٔ: ﴿وَ إِلٰهُكُمْ إِلٰهٌ وٰاحِدٌ لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمٰاوٰاتِ وَ الْأَرْضِ﴾ تا آن جا که می‌فرماید: ﴿لَآيٰاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ [۲] و پانزده مرتبه ﴿قل هو اللّٰه أحد﴾ را می‌خوانی، و در رکعت دوم سورهٔ حمد، آیة الکرسی و آخر سورهٔ بقره از فرمایش خداوند متعال ﴿لِلّٰهِ مٰا فِي السَّمٰاوٰاتِ وَ مٰا فِي الْأَرْضِ﴾ ... تا آخر سوره و پانزده مرتبه ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ را می‌خوانی و پس از آن هر چه خواستی دعا کن.

امام عليه السلام فرمود: کسی که بر این نماز مواظبت کند (و همیشه آن را بخواند) به هر نمازی برای او پاداش ششصدهزار حجّ نوشته شود.

۷ـ علی بن محمّد در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

---

۱ ـ سورهٔ اعراف: آیه‌های ۵۳ ـ ۵۵.
۲ ـ سورهٔ بقره آیهٔ ۱۵۹.

إِذَا كَانَ النِّصْفُ مِنْ شَعْبَانَ فَصَلِّ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ تَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ الْحَمْدَ وَ ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ مِائَةَ مَرَّةٍ، فَإِذَا فَرَغْتَ فَقُلِ:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ وَ إِنِّي عَائِذٌ بِكَ وَ مِنْكَ خَائِفٌ وَ بِكَ مُسْتَجِيرٌ رَبِّ لَا تُبَدِّلِ اسْمِي رَبِّ لَا تُغَيِّرْ جِسْمِي رَبِّ لَا تُجْهِدْ بَلَائِي أَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عِقَابِكَ وَ أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَ أَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِكَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ وَ فَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ».

قَالَ: وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

يَوْمُ سَبْعَةٍ وَ عِشْرِينَ مِنْ رَجَبٍ نُبِّئَ فِيهِ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله. مَنْ صَلَّى فِيهِ ـ أَيَّ وَقْتٍ شَاءَ ـ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ رَكْعَةً يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ بِأُمِّ الْقُرْآنِ وَ سُورَةٍ مَا تَيَسَّرَ، فَإِذَا فَرَغَ وَ سَلَّمَ جَلَسَ مَكَانَهُ ثُمَّ قَرَأَ أُمَّ الْقُرْآنِ أَرْبَعَ مَرَّاتٍ وَ الْمُعَوِّذَاتِ الثَّلَاثَ كُلَّ وَاحِدَةٍ أَرْبَعَ مَرَّاتٍ، فَإِذَا فَرَغَ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ قَالَ: **«لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَ اللهُ أَكْبَرُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سُبْحَانَ اللهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ»** أَرْبَعَ مَرَّاتٍ.

هنگامی که شب نیمهٔ شعبان فرا رسد، چهار رکعت نماز بگزار و در هر رکعت یک مرتبه حمد و صد مرتبه **﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾** را بخوان و چون فارغ شدی بگو: **«اللّهمّ إنّی إلیك فقیرٌ و إنّی عائذٌ بِكَ وَ مِنْكَ خائفٌ و بِكَ مُستجیرٌ، رَبِّ لا تُبدِّل اسْمی رَبِّ لا تُغیّر جِسْمی، رَبِّ لا تَجْهَدْ بلائی أعوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عقابِكَ، وَ أعوذُ بِرضاكَ مِنْ سخطك، و أعوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذابِكَ، و أعوذُبِكَ مِنْكَ، جَلَّ ثَناؤُكَ أنْتَ كَما أَثْنَیْتَ عَلی نَفْسِكَ وَ فَوْق ما یَقُول الْقائلِون»**.

راوی گوید: هم چنین امام صادق علیه السلام فرمود:

روز بیست و هفتم رجب، روزی است که رسول خدا صلی الله علیه وآله به پیامبری برگزیده شد. هر که در هر وقتی از آن روز که بخواهد دوازده رکعت نماز گزارد و در هر رکعتی حمد و هر سوره‌ای را که برای او ممکن باشد، بخواند و چون پایان یافت، سلام دهد و در همان‌جا بنشیند و سورهٔ حمد و ﴿قل هو اللّه أحد﴾، ﴿قل أعوذ بِرَبِّ الفَلق﴾ و ﴿قل أعوذ بِرَبِّ الناس﴾، هر کدام را چهار مرتبه بخواند، و چون فارغ شد، در همان مکان، چهار مرتبه بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَ اللهُ أَكْبَرُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سُبْحَانَ اللهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ».

ثُمَّ يَقُولُ: «**اللهُ اللهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً**» أَرْبَعَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ يَدْعُو فَلاَ يَدْعُو بِشَيْءٍ إِلَّا اسْتُجِيبَ لَهُ فِي كُلِّ حَاجَةٍ إِلَّا أَنْ يَدْعُوَ فِي جَائِحَةِ قَوْمٍ أَوْ قَطِيعَةِ رَحِمٍ.

(۹۳)

بَابُ صَلاَةِ الِاسْتِخَارَةِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ حُرَيْثٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

صَلِّ رَكْعَتَيْنِ وَ اسْتَخِرِ اللهَ، فَوَ اللهِ! مَا اسْتَخَارَ اللهَ مُسْلِمٌ إِلَّا خَارَ لَهُ الْبَتَّةَ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

و پس از آن چهار بار بخواند: «**اللهُ اللهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً**» آن گاه دعا کند. پس برای هر چیزی دعا کند، دعای او مستجاب شود، مگر این که حاجت او نابودی قومی و گسستن پیوند خویشاوندی باشد.

بخش نود و سوم

نماز استخاره

۱ ـ عمرو بن حریث گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

دو رکعت نماز بگزار و از خداوند استخاره (طلب خیر) کن. به خدا سوگند! هر مسلمانی که خیر خود را از خداوند بخواهد، به طور حتم خداوند به او خیر دهد.

۲ ـ جابر گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام إِذَا هَمَّ بِأَمْرِ حَجٍّ أَوْ عُمْرَةٍ أَوْ بَيْعٍ أَوْ شِرَاءٍ أَوْ عِتْقٍ تَطَهَّرَ ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيِ الِاسْتِخَارَةِ فَقَرَأَ فِيهِمَا بِسُورَةِ الْحَشْرِ وَ بِسُورَةِ الرَّحْمَانِ ثُمَّ يَقْرَأُ الْمُعَوِّذَتَيْنِ وَ ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ إِذَا فَرَغَ وَ هُوَ جَالِسٌ فِي دُبُرِ الرَّكْعَتَيْنِ، ثُمَّ يَقُولُ:

«اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ كَذَا وَ كَذَا خَيْراً لِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ عَاجِلِ أَمْرِي وَ آجِلِهِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ يَسِّرْهُ لِي عَلَى أَحْسَنِ الْوُجُوهِ وَ أَجْمَلِهَا اللَّهُمَّ وَ إِنْ كَانَ كَذَا وَ كَذَا شَرّاً لِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي وَ عَاجِلِ أَمْرِي وَ آجِلِهِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اصْرِفْهُ عَنِّي رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اعْزِمْ لِي عَلَى رُشْدِي وَ إِنْ كَرِهْتُ ذَلِكَ أَوْ أَبَتْهُ نَفْسِي».

۳ ـ غَيْرُ وَاحِدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَصْرِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ الْهَاشِمِيِّ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

علی بن الحسین صلوات اللّٰه علیهما همواره و هر گاه ارادهٔ کاری ـمانند حجّ، عمره، خرید و فروش و آزاد کردن بنده ـ داشت، وضو می‌ساخت و دو رکعت نماز استخاره می‌گزارد و در آن دو رکعت (در رکعت اوّل) سورهٔ حشر و (در رکعت دوم) سورهٔ الرحمان می‌خواند، پس از پایان دو رکعت می‌نشست و سورهٔ ﴿قل أعوذ بربّ الفلق﴾، ﴿قل أعوذ بربّ الناس﴾ و ﴿قل هو اللّٰه أحد﴾ را می‌خواند، سپس می‌گفت:

«اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ كَذَا وَ كَذَا خَيْراً لِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ عَاجِلِ أَمْرِي وَ آجِلِهِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ يَسِّرْهُ لِي عَلَى أَحْسَنِ الْوُجُوهِ وَ أَجْمَلِهَا اللَّهُمَّ وَ إِنْ كَانَ كَذَا وَ كَذَا شَرّاً لِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي وَ عَاجِلِ أَمْرِي وَ آجِلِهِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اصْرِفْهُ عَنِّي رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اعْزِمْ لِي عَلَى رُشْدِي وَ إِنْ كَرِهْتُ ذَلِكَ أَوْ أَبَتْهُ نَفْسِي».

۳ ـ هارون بن خارجه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

إِذَا أَرَدْتَ أَمْراً فَخُذْ سِتَّ رِقَاعٍ فَاكْتُبْ فِي ثَلاَثٍ مِنْهَا: «**بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خِيَرَةً مِنْ اللهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِفُلاَنِ بْنِ فُلاَنَةَ افْعَلْهُ**».

وَ فِي ثَلاَثٍ مِنْهَا: «**بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خِيَرَةً مِنَ اللهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِفُلاَنِ بْنِ فُلاَنَةَ لَا تَفْعَلْ**» ثُمَّ ضَعْهَا تَحْتَ مُصَلاَّكَ، ثُمَّ صَلِّ رَكْعَتَيْنِ، فَإِذَا فَرَغْتَ فَاسْجُدْ سَجْدَةً وَ قُلْ فِيهَا مِائَةَ مَرَّةٍ: «**أَسْتَخِيرُ اللهَ بِرَحْمَتِهِ خِيَرَةً فِي عَافِيَةٍ**».

ثُمَّ اسْتَوِ جَالِساً وَ قُلْ: «**اللَّهُمَّ خِرْ لِي وَ اخْتَرْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ**» ثُمَّ اضْرِبْ بِيَدِكَ إِلَى الرِّقَاعِ فَشَوِّشْهَا وَ أَخْرِجْ وَاحِدَةً، فَإِنْ خَرَجَ ثَلاَثٌ مُتَوَالِيَاتٌ افْعَلْ فَافْعَلِ الْأَمْرَ الَّذِي تُرِيدُهُ وَ إِنْ خَرَجَ ثَلاَثٌ مُتَوَالِيَاتٌ لَا تَفْعَلْ فَلاَ تَفْعَلْهُ، وَ إِنْ خَرَجَتْ وَاحِدَةٌ افْعَلْ وَ الْأُخْرَى لَا تَفْعَلْ فَأَخْرِجْ مِنَ الرِّقَاعِ إِلَى خَمْسٍ فَانْظُرْ أَكْثَرَهَا فَاعْمَلْ بِهِ وَ دَعِ السَّادِسَةَ لَا تَحْتَاجُ إِلَيْهَا.

هر گاه تصمیم به کاری گرفتی، شش تکّه کاغذ بردار و در سه کاغذ آن بنویس: «**بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خِيَرَةً مِنْ اللهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِفُلاَنِ بْنِ فُلاَنَةَ افْعَلْهُ**». و در سه کاغذ دیگر: «**بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خِيَرَةً مِنَ اللهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِفُلاَنِ بْنِ فُلاَنَةَ لَا تَفْعَلْ**».

سپس آنها را در زیر مصلّای خود قرار ده و دو رکعت نماز بگزار. پس از پایان نماز سر به سجده بگذار و صد مرتبه بگو: «**أَسْتَخِيرُ اللهَ بِرَحْمَتِهِ خِيَرَةً فِي عَافِيَةٍ**».

سپس بنشین و بگو: «**اللَّهُمَّ خِرْ لِي وَ اخْتَرْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ**». آن گاه کاغذها را مخلوط کن و یکی یکی بیرون آور. پس هر گاه سه کاغذ پشت سر هم «**افعل**» بیرون آمد، آن کار را انجام بده، و اگر سه کاغذ پشت سر هم «**لاتفعل**» بیرون آمد، آن کار را رها کن، و اگر یکی «**افعل**» و دیگری «**لاتفعل**» بیرون آمد تا پنج کاغذ را بیرون آور و به بیشترین آنها عمل کن و کاغذ ششم را واگذار؛ زیرا دیگر مورد نیاز تو نیست.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ قَالَ: سَأَلَ الْحَسَنُ بْنُ الْجَهْمِ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام لِابْنِ أَسْبَاطٍ.

فَقَالَ: مَا تَرَى لَهُ وَ ابْنُ أَسْبَاطٍ حَاضِرٌ وَ نَحْنُ جَمِيعاً يَرْكَبُ الْبَرَّ أَوِ الْبَحْرَ إِلَى مِصْرَ فَأَخْبَرَهُ بِخَيْرِ طَرِيقِ الْبَرِّ؟

فَقَالَ: الْبَرُّ وَ ائْتِ الْمَسْجِدَ فِي غَيْرِ وَقْتِ صَلَاةِ الْفَرِيضَةِ فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ وَ اسْتَخِرِ اللهَ مِائَةَ مَرَّةٍ ثُمَّ انْظُرْ أَيُّ شَيْءٍ يَقَعُ فِي قَلْبِكَ فَاعْمَلْ بِهِ.

وَ قَالَ لَهُ: الْحَسَنُ الْبَرُّ أَحَبُّ إِلَيَّ لَهُ.

قَالَ: وَ إِلَيَّ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ الْبَجَلِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَا تَرَى آخُذُ بَرّاً أَوْ بَحْراً، فَإِنَّ طَرِيقَنَا مَخُوفٌ شَدِيدُ الْخَطَرِ؟!

---

۴ ـ ابن فضّال گوید: با علی بن اسباط در حضور امام رضا عليه السلام بودیم، حسن بن جهم عرض کرد: نظر شما دربارۀ (مسافرت) علی بن اسباط چیست؟ از راه خشکی یا دریایی به سوی مصر حرکت کند و به آن حضرت از بهتر بودن راه خشکی خبر داد.

حضرتش فرمود: راه خشکی بهتر است، ولی تو در غیر وقت نماز فریضه به مسجد برو و دو رکعت نماز بگزار و صد مرتبه از خداوند طلب خیر کن (و بگو: **استخیر الله**). سپس ببین چه چیزی در دل تو می‌افتد، به همان عمل کن.

حسن به آن حضرت عرض کرد: راه خشکی نزد من بهتر است.

امام عليه السلام فرمود: نزد من نیز بهتر است.

۵ ـ علی بن اسباط گوید: به امام رضا عليه السلام گفتم: قربانت گردم! نظر شما (دربارۀ مسافرت) چیست؟ آیا از راه خشکی یا از راه دریایی روانه سفر شوم؛ زیرا راه ما ترسناک است و خطر بسیار دارد؟

فَقالَ: اخْرُجْ بَرّاً وَ لَا عَلَيْكَ أَنْ تَأْتِيَ مَسْجِدَ رَسُولِ اللهِ ﷺ وَ تُصَلِّيَ رَكْعَتَيْنِ فِي غَيْرِ وَقْتِ فَرِيضَةٍ ثُمَّ لَتَسْتَخِيرُ اللهَ مِائَةَ مَرَّةٍ وَ مَرَّةً ثُمَّ تَنْظُرُ، فَإِنْ عَزَمَ اللهُ لَكَ عَلَى الْبَحْرِ فَقُلِ الَّذِي قَالَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿وَ قٰالَ ارْكَبُوا فِيهٰا بِسْمِ اللّٰهِ مَجْرٰاهٰا وَ مُرْسٰاهٰا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾.

فَإِنِ اضْطَرَبَ بِكَ الْبَحْرُ فَاتَّكِ عَلَى جَانِبِكَ الْأَيْمَنِ وَ قُلْ:

«بِسْمِ اللهِ اسْكُنْ بِسَكِينَةِ اللهِ و قِرْ بِوَقَارِ اللهِ وَ اهْدَأْ بِإِذْنِ اللهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ».

قُلْنَا: أَصْلَحَكَ اللهُ! مَا السَّكِينَةُ رِيحٌ تَخْرُجُ مِنَ الْجَنَّةِ لَهَا صُورَةٌ كَصُورَةِ الْإِنْسَانِ وَ رَائِحَةٌ طَيِّبَةٌ وَ هِيَ الَّتِي نَزَلَتْ عَلَى إِبْرَاهِيمَ فَأَقْبَلَتْ تَدُورُ حَوْلَ أَرْكَانِ الْبَيْتِ وَ هُوَ يَضَعُ الْأَسَاطِينَ.

قِيلَ لَهُ: هِيَ مِنَ الَّتِي قَالَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿فِيهِ سَكِينَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ بَقِيَّةٌ مِمّٰا تَرَكَ آلُ مُوسىٰ وَآلُ هٰارُونَ﴾؟

فرمود: از راه خشکی بیرون رو، و ایرادی ندارد که به مسجد رسول خدا ﷺ بروی و دو رکعت نماز در غیر وقت نماز فریضه بگزاری، سپس صد و یک مرتبه از خداوند خیر خود را بخواهی (یعنی بگویی: استخیر اللّٰه). پس از آن بیندیش اگر ارادهٔ تو به راه دریایی تعلّق گرفت (از آن راه برو) و کلام خداوند ﷻ را (که به نوح ؑ در هنگام سوار شدن بر کشتی فرمود) بخوان: **﴿و قال ارکبوا فیها بسم اللّٰه مجریها و مرساها إنّ ربّی لغفور رحیم﴾**، و اگر تلاطم دریا تو را نگران و پریشان ساخت، بر جانب راست خود تکیه‌کن و این دعا را بخوان: **«بِسْمِ اللهِ اسْكُنْ بِسَكِينَةِ اللهِ و قِرْ بِوَقَارِ اللهِ وَ اهْدَأْ بِإِذْنِ اللهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ».**

عرض کردیم: خداوند کارهای شما را اصلاح فرماید! سکینه چیست؟

فرمود: نسیمی است که از بهشت می‌وزد، چهره‌ای مانند چهرهٔ انسان دارد و دارای بوی خوشی است و این همان چیزی است که بر ابراهیم ؑ نازل شد و بر دور پایه‌های کعبه می‌گردید و ابراهیم ستون‌های آن را می‌گذاشت.

به آن حضرت عرض شد: آیا این سکینه از همان سکینه‌ای است که خداوند ﷻ فرموده است: **﴿فِيهِ سَكِينَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ بَقِيَّةٌ مِمّٰا تَرَكَ آلُ مُوسىٰ وَ آلُ هٰارُونَ﴾**؟

قَالَ: تِلْكَ السَّكِينَةُ فِي التَّابُوتِ وَ كَانَتْ فِيهِ طَشْتٌ تُغْسَلُ فِيهَا قُلُوبُ الْأَنْبِيَاءِ وَ كَانَ التَّابُوتُ يَدُورُ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْنَا.

فَقالَ: مَا تَابُوتُكُمْ؟

قُلْنَا: السِّلاَحُ.

قَالَ: صَدَقْتُمْ هُوَ تَابُوتُكُمْ وَ إِنْ خَرَجْتَ بَرّاً فَقُلِ الَّذِي قَالَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿**سُبْحٰانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنٰا هٰذٰا وَ مٰا كُنّٰا لَهُ مُقْرِنِينَ وَ إِنّٰا إِلىٰ رَبِّنٰا لَمُنْقَلِبُونَ**﴾ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ يَقُولُهَا عِنْدَ رُكُوبِهِ فَيَقَعَ مِنْ بَعِيرٍ أَوْ دَابَّةٍ فَيُصِيبَهُ شَيْءٌ بِإِذْنِ اللهِ.

ثُمَّ قالَ: فَإِذَا خَرَجْتَ مِنْ مَنْزِلِكَ فَقُلْ:

«**بِسْمِ اللهِ آمَنْتُ بِاللهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ**»، فَإِنَّ الْمَلاَئِكَةَ تَضْرِبُ وُجُوهَ الشَّيَاطِينِ وَ يَقُولُونَ، قَدْ سَمَّى اللهَ وَ آمَنَ بِاللهِ وَ تَوَكَّلَ عَلَى اللهِ وَ قَالَ: لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ.

فرمود: آن سکینه در تابوت بود و در آن تشتی بود که دل‌های انبیا (به هنگام برانگیخته شدن) در آن شست و شو می‌شد. آن تابوت به همراه پیامبران می‌گردید (یعنی هر جا که آن‌ها بودند، تابوت نیز بود).

سپس حضرتش رو به ما کرد و فرمود: تابوت شما(شیعیان) چیست؟

عرض کردیم: سلاح (رسول خدا صلی الله علیه و آله).

فرمود: راست گفتید، این همان تابوت شماست، و هر گاه به راه خشکی رفتی، کلام خداوند عزّ و جلّ را بخوان: ﴿**سُبْحٰانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنٰا هٰذٰا وَ مٰا كُنّٰا لَهُ مُقْرِنِينَ وَ إِنّٰا إِلىٰ رَبِّنٰا لَمُنْقَلِبُونَ**﴾.

به راستی هر بنده‌ای که به هنگام سوار شدن به مرکب این آیات را بخواند و از شتر یا چهار پا(و هر مرکب سواری) بر زمین افتد، هر چه به او برسد به اجازه و رخصت خداوند خواهد بود.

آن گاه فرمود: هرگاه از خانه‌ات بیرون آمدی، بگو: «**بِسْمِ اللهِ آمَنْتُ بِاللهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ**»؛ چرا که فرشتگان به صورت شیاطین می‌زنند و می‌گویند: او نام خدا را برد، به او ایمان آورد و بر او توکّل کرد و گفت: هیچ قوّت و نیرویی نیست مگر ازجانب خداوند متعال.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ مُرَازِمٍ قَالَ قَالَ: لِي أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ شَيْئاً فَلْيُصَلِّ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ لْيَحْمَدِ اللهَ وَ لْيُثْنِ عَلَيْهِ وَ لْيُصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ يَقُولُ: «**اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا الْأَمْرُ خَيْراً لِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ فَيَسِّرْهُ لِي وَ اقْدِرْهُ وَ إِنْ كَانَ غَيْرَ ذَلِكَ فَاصْرِفْهُ عَنِّي**».

فَسَأَلْتُهُ أَيَّ شَيْءٍ أَقْرَأُ فِيهِمَا.

فَقَالَ: اقْرَأْ فِيهِمَا مَا شِئْتَ وَ إِنْ شِئْتَ قَرَأْتَ فِيهِمَا ﴿**قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ**﴾ وَ ﴿**قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ**﴾.

٧ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَمْرِو بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ خَلَفِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: رُبَّمَا أَرَدْتُ الْأَمْرَ يَفْرُقُ مِنِّي فَرِيقَانِ أَحَدُهُمَا يَأْمُرُنِي وَ الْآخَرُ يَنْهَانِي.

---

۶ ـ مرازم گوید: امام صادق عليه السلام به من فرمود:

هر گاه یکی از شما بخواهد کاری انجام دهد، باید دو رکعت نماز بگزارد، آن گاه حمد و ثنای خداوند را به جا آورد و بر محمّد و اهل بیت او صلوات فرستد. سپس این دعا را بخواند: «**اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا الْأَمْرُ خَيْراً لِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ فَيَسِّرْهُ لِي وَ اقْدِرْهُ وَ إِنْ كَانَ غَيْرَ ذَلِكَ فَاصْرِفْهُ عَنِّي**».

از آن حضرت پرسیدم: در آن دو رکعت کدام سوره را بخوانم؟

فرمود: هر سوره‌ای که می‌خواهی بخوان، و اگر خواستی ﴿قُلْ هُو اللّه أحد﴾ و ﴿قُلْ يا أيّها الكافرون﴾ را بخوان.

۷ ـ اسحاق بن عمّار گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: گاهی تصمیم به انجام کاری دارم و در درون من دو فکر و دو رأی به وجود می‌آید که یک رأی مرا به انجام آن وامی‌دارد و رأی دیگر مرا از آن باز می‌دارد (چه تصمیم بگیرم؟)

قَالَ: فَقالَ: إِذَا كُنْتَ كَذَلِكَ فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ وَ اسْتَخِرِ اللهَ مِائَةَ مَرَّةٍ وَ مَرَّةً ثُمَّ انْظُرْ أَحْزَمَ الْأَمْرَيْنِ لَكَ فَافْعَلْهُ، فَإِنَّ الْخِيَرَةَ فِيهِ إِنْ شَاءَ اللهُ، وَ لْتَكُنِ اسْتِخَارَتُكَ فِي عَافِيَةٍ، فَإِنَّهُ رُبَّمَا خِيرَ لِلرَّجُلِ فِي قَطْعِ يَدِهِ وَ مَوْتِ وَلَدِهِ وَ ذَهَابِ مَالِهِ.

۸ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ عَنْهُمْ عليهم السلام أَنَّهُ قَالَ لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ وَ قَدْ سَأَلَهُ عَنِ الْأَمْرِ يَمْضِي فِيهِ وَ لَا يَجِدُ أَحَداً يُشَاوِرُهُ فَكَيْفَ يَصْنَعُ؟

قَالَ: شَاوِرْ رَبَّكَ.

قَالَ: فَقَالَ لَهُ: كَيْفَ؟

قَالَ لَهُ: انْوِ الْحَاجَةَ فِي نَفْسِكَ، ثُمَّ اكْتُبْ رُقْعَتَيْنِ فِي وَاحِدَةٍ «لَا»، وَ فِي وَاحِدَةٍ «نَعَمْ» وَ اجْعَلْهُمَا فِي بُنْدُقَتَيْنِ مِنْ طِينٍ ثُمَّ صَلِّ رَكْعَتَيْنِ وَ اجْعَلْهُمَا تَحْتَ ذَيْلِكَ وَ قُلْ: «**يَا اللهُ إِنِّي أُشَاوِرُكَ فِي أَمْرِي هَذَا وَ أَنْتَ خَيْرُ مُسْتَشَارٍ وَ مُشِيرٍ فَأَشِرْ عَلَيَّ بِمَا فِيهِ صَلَاحٌ وَ حُسْنُ عَاقِبَةٍ**». ثُمَّ أَدْخِلْ يَدَكَ، فَإِنْ كَانَ فِيهَا «نَعَمْ» فَافْعَلْ، وَ إِنْ كَانَ فِيهَا «لَا» لَا تَفْعَلْ، هَكَذَا شَاوِرْ رَبَّكَ.

حضرت فرمود: هر گاه چنین بودی، دو رکعت نماز بگزار و صد و یک بار از خداوند طلب خیر کن (یعنی بگو: استخیر اللّه) سپس ببین کدام طرف به احتیاط نزدیک‌تر است، همان را انجام بده؛ زیرا خیر تو ـان شاء اللّه ـ در آن است، و بایستی خیر تو در عافیت باشد؛ زیرا بسا ممکن است خیر شخصی در بریدن دستش، مردن فرزندش و از بین رفتن مالش باشد.

۸ـ علی بن محمّد در روایت مرفوعه‌ای گوید: یکی از ائمه علیهم السلام به یکی از اصحاب خود ـکه در مورد کار مهمّی کسی را نمی‌یافت با او مشورت کند، از حضرتش در این زمینه پرسیدـ فرمود: با پروردگار خود مشورت کن.

عرض کرد: چگونه؟

فرمود: مطلب خود را در دلت نیّت کن و دو پارهٔ کاغذ بردار و در یکی از آن‌ها بنویس: نه و در دیگری: آری. آن‌ها را در دو گلولهٔ گِلی بگذار، سپس دو رکعت نماز به جا آور و آن‌ها را در زیر دامن (لباس) خود قرار ده و بگو: «**يَا اللهُ إِنِّي أُشَاوِرُكَ فِي أَمْرِي هَذَا وَ أَنْتَ خَيْرُ مُسْتَشَارٍ وَ مُشِيرٍ فَأَشِرْ عَلَيَّ بِمَا فِيهِ صَلَاحٌ وَ حُسْنُ عَاقِبَةٍ**». آن گاه یکی از آن‌ها را بیرون آور، اگر در آن «آری» بود، آن کار را انجام بده و اگر «نه» بود، آن کار را انجام مده. این گونه با پروردگار خود مشورت کن.

(٩٤)
بَابُ الصَّلاَةِ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ قَالَ:

شَكَا رَجُلٌ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام الْفَاقَةَ وَ الْحُرْفَةَ فِي التِّجَارَةِ بَعْدَ يَسَارٍ قَدْ كَانَ فِيهِ مَا يَتَوَجَّهُ فِي حَاجَةٍ إِلَّا ضَاقَتْ عَلَيْهِ الْمَعِيشَةُ.

فَأَمَرَهُ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام أَنْ يَأْتِيَ مَقَامَ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله بَيْنَ الْقَبْرِ وَ الْمِنْبَرِ فَيُصَلِّيَ رَكْعَتَيْنِ وَ يَقُولَ مِائَةَ مَرَّةٍ **«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ وَ قُدْرَتِكَ وَ بِعِزَّتِكَ وَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ أَنْ تُيَسِّرَ لِي مِنَ التِّجَارَةِ أَوْسَعَهَا رِزْقاً وَ أَعَمَّهَا فَضْلاً وَ خَيْرَهَا عَاقِبَةً»**.

قَالَ الرَّجُلُ: فَفَعَلْتُ مَا أَمَرَنِي بِهِ فَمَا تَوَجَّهْتُ بَعْدَ ذَلِكَ فِي وَجْهٍ إِلَّا رَزَقَنِيَ اللهُ.

بخش نود و چهارم
نماز برای درخواست روزی

۱ ـ محمّد بن علی حلبی گوید: شخصی به امام صادق علیه السلام از نیازمندی و بی‌برکتی در سود تجارت شکوه کرد که وسعتی که در آن داشته اکنون کساد شده و به هیچ کاری رو نمی‌کند، مگر آن که معاش بر او تنگ می‌شود.

امام صادق علیه السلام به او دستور داد که به حرم رسول خدا صلی الله علیه وآله شرف‌یاب شود و بین قبر و منبر دو رکعت نماز بگزارد و صد مرتبه بگوید: **«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ وَ قُدْرَتِكَ وَ بِعِزَّتِكَ وَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ أَنْ تُيَسِّرَ لِي مِنَ التِّجَارَةِ أَوْسَعَهَا رِزْقاً وَ أَعَمَّهَا فَضْلاً وَ خَيْرَهَا عَاقِبَةً»**.

آن شخص گوید: طبق دستور امام علیه السلام انجام دادم. پس از آن به هیچ راهی روی نیاوردم، مگر آن که خداوند به من رزق و روزی عنایت فرمود.

۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللهِ! إِنِّي ذُو عِيَالٍ وَ عَلَيَّ دَيْنٌ وَ قَدِ اشْتَدَّتْ حَالِي فَعَلِّمْنِي دُعَاءً إِذَا دَعَوْتُ بِهِ رَزَقَنِيَ اللهُ مَا أَقْضِي بِهِ دَيْنِي وَ أَسْتَعِينُ بِهِ عَلَى عِيَالِي.

فَقَالَ: يَا عَبْدَ اللهِ! تَوَضَّأْ وَ أَسْبِغْ وُضُوءَكَ، ثُمَّ صَلِّ رَكْعَتَيْنِ تُتِمُّ الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ فِيهِمَا. ثُمَّ قُلْ: «**يَا مَاجِدُ يَا وَاحِدُ يَا كَرِيمُ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللهِ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللهِ رَبِّكَ وَ رَبِّ كُلِّ شَيْءٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَسْأَلُكَ نَفْحَةً مِنْ نَفَحَاتِكَ وَ فَتْحاً يَسِيراً وَ رِزْقاً وَاسِعاً أَلُمُّ بِهِ شَعْثِي وَ أَقْضِي بِهِ دَيْنِي وَ أَسْتَعِينُ بِهِ عَلَى عِيَالِي**».

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ صَبَّاحٍ الْحَذَّاءِ عَنِ ابْنِ الطَّيَّارِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: إِنَّهُ كَانَ فِي يَدِي شَيْءٌ تَفَرَّقَ وَ ضِقْتُ ضَيْقاً شَدِيداً.

---

۲ ـ امام باقر عليه السلام فرمود:

شخصی خدمت پیامبر صلى الله عليه وآله رسید و عرض کرد: ای رسول خدا! من عیالمندم و بدهکارم و زندگی برای من سخت شده است، دعایی به من بیاموز که با آن به درگاه خداوند دعا کنم تا به من روزی دهد به مقداری که با آن بدهکاریم را ادا و مخارج خانواده‌ام را تأمین کنم.

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: ای بندهٔ خدا! وضوی خوب و کاملی بساز، سپس دو رکعت نماز بگزار و رکوع و سجودش را کامل به جای آور، پس از آن بگو: «**يَا مَاجِدُ يَا وَاحِدُ يَا كَرِيمُ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللهِ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللهِ رَبِّكَ وَ رَبِّ كُلِّ شَيْءٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَسْأَلُكَ نَفْحَةً مِنْ نَفَحَاتِكَ وَ فَتْحاً يَسِيراً وَ رِزْقاً وَاسِعاً أَلُمُّ بِهِ شَعْثِي وَ أَقْضِي بِهِ دَيْنِي وَ أَسْتَعِينُ بِهِ عَلَى عِيَالِي**».

۳ ـ ابن طیّار گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: در دست من اموالی بود که پراکنده شدند. اینک به شدّت تنگدست شده‌ام.

فَقالَ لِي: أَ لَكَ حَانُوتٌ فِي السُّوقِ؟

قُلْتُ: نَعَمْ وَ قَدْ تَرَكْتُهُ.

فَقالَ: إِذَا رَجَعْتَ إِلَى الْكُوفَةِ فَاقْعُدْ فِي حَانُوتِكَ، وَ اكْنُسْهُ، فَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَخْرُجَ إِلَى سُوقِكَ فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ أَوْ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ ثُمَّ قُلْ فِي دُبُرِ صَلاَتِكَ:

«تَوَجَّهْتُ بِلاَ حَوْلٍ مِنِّي وَ لاَ قُوَّةٍ وَ لَكِنْ بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنَ الْحَوْلِ وَ الْقُوَّةِ إِلَّا بِكَ فَأَنْتَ حَوْلِي وَ مِنْكَ قُوَّتِي. اللَّهُمَّ فَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ رِزْقاً كَثِيراً طَيِّباً وَ أَنَا خَافِضٌ فِي عَافِيَتِكَ فَإِنَّهُ لاَ يَمْلِكُهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ».

قَالَ: فَفَعَلْتُ ذَلِكَ، وَ كُنْتُ أَخْرُجُ إِلَى دُكَّانِي حَتَّى خِفْتُ أَنْ يَأْخُذَنِي الْجَابِي بِأُجْرَةِ دُكَّانِي وَ مَا عِنْدِي شَيْءٌ.

قَالَ: فَجَاءَ جَالِبٌ بِمَتَاعٍ، فَقَالَ لِي: تُكْرِينِي نِصْفَ بَيْتِكَ؟

فَأَكْرَيْتُهُ نِصْفَ بَيْتِي بِكِرَى الْبَيْتِ كُلِّهِ.

قَالَ: وَ عَرَضَ مَتَاعَهُ، فَأُعْطِيَ بِهِ شَيْئاً لَمْ يَبِعْهُ.

فرمود: آیا در بازار دکّان و مغازه‌ای داری؟

عرض کردم: آری، ولی آن را رها کرده‌ام.

فرمود: چون به کوفه بازگشتی، در مغازه خود بنشین و آن را جاروب کن، و چون خواستی به بازار بروی دو -یا چهار- رکعت نماز بگزار و پس نماز این دعا را بخوان:

«تَوَجَّهْتُ بِلاَ حَوْلٍ مِنِّي وَ لاَ قُوَّةٍ وَ لَكِنْ بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنَ الْحَوْلِ وَ الْقُوَّةِ إِلَّا بِكَ فَأَنْتَ حَوْلِي وَ مِنْكَ قُوَّتِي. اللَّهُمَّ فَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ رِزْقاً كَثِيراً طَيِّباً وَ أَنَا خَافِضٌ فِي عَافِيَتِكَ فَإِنَّهُ لاَ يَمْلِكُهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ».

راوی گوید: دستور حضرتش را انجام دادم، هر گاه به مغازه خویش می‌رفتم، می‌ترسیدم مأمور مالیات سر رسد و از من مالیات مغازه را بخواهد و من چیزی نداشتم که به او بدهم.

روزی تاجری آمد که کالایی به همراه داشت، به من گفت: نصف این مغازه را به من اجاره بده.

من نصف مغازه را به اجاره کامل به او اجاره دادم. تاجر، کالای خود را در معرض مردم قرار داد و مقداری از آن را بابت اجارهٔ خانه به من داد.

فَقُلْتُ لَهُ: هَلْ لَكَ إِلَيَّ خَيْرٌ تَبِيعُنِي عِدْلاً مِنْ مَتَاعِكَ هَذَا أَبِيعُهُ وَ آخُذُ فَضْلَهُ وَ أَدْفَعُ إِلَيْكَ ثَمَنَهُ؟

قَالَ: وَ كَيْفَ لِي بِذَلِكَ؟

قَالَ: قُلْتُ: وَ لَكَ اللهُ عَلَيَّ بِذَلِكَ.

قَالَ: فَخُذْ عِدْلاً مِنْهَا فَأَخَذْتُهُ وَ رَقَمْتُهُ وَ جَاءَ بَرْدٌ شَدِيدٌ، فَبِعْتُ الْمَتَاعَ مِنْ يَوْمِي وَ دَفَعْتُ إِلَيْهِ الثَّمَنَ وَ أَخَذْتُ الْفَضْلَ، فَمَا زِلْتُ آخُذُ عِدْلاً عِدْلاً فَأَبِيعُهُ وَ آخُذُ فَضْلَهُ وَ أَرُدُّ عَلَيْهِ مِنْ رَأْسِ الْمَالِ حَتَّى رَكِبْتُ الدَّوَابَّ وَ اشْتَرَيْتُ الرَّقِيقَ وَبَنَيْتُ الدُّورَ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ ابْنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام: يَا وَلِيدُ! أَيْنَ حَانُوتُكَ مِنَ الْمَسْجِدِ؟

فَقُلْتُ: عَلَى بَابِهِ.

فَقَالَ: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَأْتِيَ حَانُوتَكَ فَابْدَأْ بِالْمَسْجِدِ فَصَلِّ فِيهِ رَكْعَتَيْنِ أَوْ أَرْبَعاً ثُمَّ قُلْ.

به او گفتم: آیا میل داری که به من خیری برسانی و یک لنگه بار از این کالا را به من بفروشی تا آن را بفروشم و زیادی آن را بردارم و قیمت آن را به تو باز گردانم؟

گفت: چه کسی کفیل و ضامن تو می‌شود؟

گفتم: خداوند ضامن و کفیل من است.

گفت: یک لنگه از آن را بردار.

من یک لنگه از بار را برداشتم و یادداشت کردم، سرمای شدیدی آمد، همان روز تمام آن کالا را فروختم و قیمت آن را به او دادم و زیادی آن را برداشتم. همین طور یکی پس از دیگری از آن لنگه بارها را برمی‌داشتم و می‌فروختم و سود آن را برداشته و قیمت سرمایهٔ را به او باز می‌گرداندم، تا این که سرمایه‌ای فراهم کردم و چهارپا خریدم و بر آن سوار شدم، برده‌هایی خریداری کردم و خانه‌ها ساختم.

۴ ـ ولید گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ای ولید مغازه‌ات کدام قسمت مسجد (کوفه) است؟

عرض کردم: کنار درب مسجد است.

فرمود: هر گاه خواستی به مغازه‌ات بروی، ابتدا به مسجد برو و دو ـ یا چهار ـ رکعت نماز بگزار، سپس بگو:

«غَدَوْتُ بِحَوْلِ اللهِ وَ قُوَّتِهِ وَ غَدَوْتُ بِلاَ حَوْلٍ مِنِّي وَ لَا قُوَّةٍ بَلْ بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ يَا رَبِّ. اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ أَلْتَمِسُ مِنْ فَضْلِكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَيَسِّرْ لِي ذَلِكَ وَ أَنَا خَافِضٌ فِي عَافِيَتِكَ».

٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْعَطَّارِ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ لِي: يَا فُلاَنُ! أَ مَا تَغْدُو فِي الْحَاجَةِ أَ مَا تَمُرُّ بِالْمَسْجِدِ الْأَعْظَمِ عِنْدَكُمْ بِالْكُوفَةِ؟

قُلْتُ: بَلَى.

قَالَ: فَصَلِّ فِيهِ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ قُلْ فِيهِنَّ:

«غَدَوْتُ بِحَوْلِ اللهِ وَ قُوَّتِهِ غَدَوْتُ بِغَيْرِ حَوْلٍ مِنِّي وَ لَا قُوَّةٍ وَ لَكِنْ بِحَوْلِكَ يَا رَبِّ وَ قُوَّتِكَ أَسْأَلُكَ بَرَكَةَ هَذَا الْيَوْمِ وَ بَرَكَةَ أَهْلِهِ، وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَرْزُقَنِي مِنْ فَضْلِكَ حَلاَلاً طَيِّباً تَسُوقُهُ إِلَيَّ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَ أَنَا خَافِضٌ فِي عَافِيَتِكَ».

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عُرْوَةَ ابْنِ أُخْتِ شُعَيْبٍ الْعَقَرْقُوفِيِّ عَنْ خَالِهِ شُعَيْبٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

«غَدَوْتُ بِحَوْلِ اللهِ وَ قُوَّتِهِ وَ غَدَوْتُ بِلاَ حَوْلٍ مِنِّي وَ لَا قُوَّةٍ بَلْ بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ يَا رَبِّ. اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ أَلْتَمِسُ مِنْ فَضْلِكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَيَسِّرْ لِي ذَلِكَ وَ أَنَا خَافِضٌ فِي عَافِيَتِكَ».

۵ ـ راوى گويد: امام صادق عليه السلام به من فرمود: اى فلانى! آيا بامدادان به دنبال حاجت خود نمى‌روى؟ آيا از مسجد بزرگ كوفه ـ كه نزد شماست ـ نمى‌گذرى؟

عرض كردم: آرى.

فرمود: پس در آن جا چهار ركعت نماز بگزار و بگو:

«غَدَوْتُ بِحَوْلِ اللهِ وَ قُوَّتِهِ غَدَوْتُ بِغَيْرِ حَوْلٍ مِنِّي وَ لَا قُوَّةٍ وَ لَكِنْ بِحَوْلِكَ يَا رَبِّ وَ قُوَّتِكَ أَسْأَلُكَ بَرَكَةَ هَذَا الْيَوْمِ وَ بَرَكَةَ أَهْلِهِ، وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَرْزُقَنِي مِنْ فَضْلِكَ حَلاَلاً طَيِّباً تَسُوقُهُ إِلَيَّ بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ وَ أَنَا خَافِضٌ فِي عَافِيَتِكَ».

۶ ـ شعيب گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

مَنْ جَاعَ فَلْيَتَوَضَّأْ وَ لْيُصَلِّ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ يَقُولُ: «**يَا رَبِّ! إِنِّي جَائِعٌ فَأَطْعِمْنِي**»، فَإِنَّهُ يُطْعَمُ مِنْ سَاعَتِهِ.

۷ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا غَدَوْتَ فِي حَاجَتِكَ بَعْدَ أَنْ تَجِبَ الصَّلاَةُ فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ، فَإِذَا فَرَغْتَ مِنَ التَّشَهُّدِ قُلْتَ:

«**اللَّهُمَّ إِنِّي غَدَوْتُ أَلْتَمِسُ مِنْ فَضْلِكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَارْزُقْنِي رِزْقاً حَلاَلاً طَيِّباً وَ أَعْطِنِي فِيمَا رَزَقْتَنِي الْعَافِيَةَ**».

تُعِيدُهَا ثَلاَثَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ تُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ أُخْرَاوَيْنِ، فَإِذَا فَرَغْتَ مِنَ التَّشَهُّدِ قُلْتَ:

«**بِحَوْلِ اللهِ وَ قُوَّتِهِ غَدَوْتُ بِغَيْرِ حَوْلٍ مِنِّي وَ لاَ قُوَّةٍ وَ لَكِنْ بِحَوْلِكَ يَا رَبِّ وَ قُوَّتِكَ وَ أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنَ الْحَوْلِ وَ الْقُوَّةِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بَرَكَةَ هَذَا الْيَوْمِ وَ بَرَكَةَ أَهْلِهِ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَرْزُقَنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقاً وَاسِعاً طَيِّباً حَلاَلاً تَسُوقُهُ إِلَيَّ بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ، وَ أَنَا خَافِضٌ فِي عَافِيَتِكَ**». تَقُولُهَا ثَلاَثاً.

هر که گرسنه شود و وضو بسازد و دو رکعت نماز بگزارد، سپس بگوید: «**يَا رَبِّ! إِنِّي جَائِعٌ فَأَطْعِمْنِي**» در همان ساعت به او طعام می‌رسد.

۷ ـ ولید بن صبیح گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

چون بامدادان بعد از انجام فریضهٔ صبح در پی حاجت خویش می‌روی، دو رکعت نماز بگزار و چون از تشهّد فارغ شدی، بگو: «**اللَّهُمَّ إِنِّي غَدَوْتُ أَلْتَمِسُ مِنْ فَضْلِكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَارْزُقْنِي رِزْقاً حَلاَلاً طَيِّباً وَ أَعْطِنِي فِيمَا رَزَقْتَنِي الْعَافِيَةَ**».

این دعا را سه بار تکرار می‌کنی، و پس از آن دو رکعت دیگر می‌خوانی و چون از تشهّد فارغ شدی، سه بار می‌گویی:

«**بِحَوْلِ اللهِ وَ قُوَّتِهِ غَدَوْتُ بِغَيْرِ حَوْلٍ مِنِّي وَ لاَ قُوَّةٍ وَ لَكِنْ بِحَوْلِكَ يَا رَبِّ وَ قُوَّتِكَ وَ أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنَ الْحَوْلِ وَ الْقُوَّةِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بَرَكَةَ هَذَا الْيَوْمِ وَ بَرَكَةَ أَهْلِهِ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَرْزُقَنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقاً وَاسِعاً طَيِّباً حَلاَلاً تَسُوقُهُ إِلَيَّ بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ، وَ أَنَا خَافِضٌ فِي عَافِيَتِكَ**».

(۹۵)

بَابُ صَلاَةِ الْحَوَائِجِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللهِ عَنْ زِيَادٍ الْقَنْدِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحِيم الْقَصِيرِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنِّي اخْتَرَعْتُ دُعَاءً.

قَالَ: دَعْنِي مِنِ اخْتِرَاعِكَ، إِذَا نَزَلَ بِكَ أَمْرٌ فَافْزَعْ إِلَى رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله وَ صَلِّ رَكْعَتَيْنِ تُهْدِيهِمَا إِلَى رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله.

قُلْتُ: كَيْفَ أَصْنَعُ؟

قَالَ: تَغْتَسِلُ وَ تُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ تَسْتَفْتِحُ بِهِمَا افْتِتَاحَ الْفَرِيضَةِ وَ تَشَهَّدُ تَشَهُّدَ الْفَرِيضَةِ، فَإِذَا فَرَغْتَ مِنَ التَّشَهُّدِ وَ سَلَّمْتَ قُلْتَ:

بخش نود و پنجم

نماز حاجت

۱ ـ عبدالرحیم قصیر گوید: خدمت امام صادق عليه السلام شرف‌یاب شدم و عرض کردم: فدایتان گردم! من دعایی از خود ساخته‌ام.

فرمود: دعایت را رها کن! هر گاه مشکلی برایت پیش آمد به رسول خدا صلی الله علیه و آله پناه ببر. بدین صورت که دو رکعت نماز بگزار و آن را به پیشگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله هدیه کن.

عرض کردم: چگونه این کار را انجام دهم؟

فرمود: نخست غسل می‌کنی، آن گاه دو رکعت نماز می‌خوانی، بدین گونه که تکبیرات افتتاح آن را همانند افتتاح نماز واجب می‌گویی، و همانند تشهّد نماز فریضه می‌خوانی، و چون از تشهّد فارغ گشتی و سلام نماز را گفتی، چنین دعا می‌کنی:

«**اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلاَمُ وَ مِنْكَ السَّلاَمُ وَ إِلَيْكَ يَرْجِعُ السَّلاَمُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ مِنِّي السَّلاَمَ وَ أَرْوَاحَ الْأَئِمَّةِ الصَّادِقِينَ سَلاَمِي وَ ارْدُدْ عَلَيَّ مِنْهُمُ السَّلاَمَ وَ السَّلاَمُ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ. اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه و آله فَأَثِبْنِي عَلَيْهِمَا مَا أَمَّلْتُ وَ رَجَوْتُ فِيكَ وَ فِي رَسُولِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ**».

ثُمَّ تَخِرُّ سَاجِداً وَ تَقُولُ: «**يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا حَيُّ لَا يَمُوتُ يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا ذَا الْجَلاَلِ وَ الْإِكْرَامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ**» أَرْبَعِينَ مَرَّةً، ثُمَّ ضَعْ خَدَّكَ الْأَيْمَنَ فَتَقُولُهَا أَرْبَعِينَ مَرَّةً، ثُمَّ ضَعْ خَدَّكَ الْأَيْسَرَ فَتَقُولُهَا أَرْبَعِينَ مَرَّةً.

ثُمَّ تَرْفَعُ رَأْسَكَ وَ تَمُدُّ يَدَكَ وَ تَقُولُ أَرْبَعِينَ مَرَّةً، ثُمَّ تَرُدُّ يَدَكَ إِلَى رَقَبَتِكَ وَ تَلُوذُ بِسَبَّابَتِكَ وَ تَقُولُ ذَلِكَ أَرْبَعِينَ مَرَّةً، ثُمَّ خُذْ لِحْيَتَكَ بِيَدِكَ الْيُسْرَى وَ ابْكِ أَوْ تَبَاكِ وَ قُلْ:

«**يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللهِ أَشْكُو إِلَى اللهِ وَ إِلَيْكَ حَاجَتِي وَ إِلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الرَّاشِدِينَ حَاجَتِي وَ بِكُمْ أَتَوَجَّهُ إِلَى اللهِ فِي حَاجَتِي**».

«**اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلاَمُ وَ مِنْكَ السَّلاَمُ وَ إِلَيْكَ يَرْجِعُ السَّلاَمُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ مِنِّي السَّلاَمَ وَ أَرْوَاحَ الْأَئِمَّةِ الصَّادِقِينَ سَلاَمِي وَ ارْدُدْ عَلَيَّ مِنْهُمُ السَّلاَمَ وَ السَّلاَمُ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ. اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه و آله فَأَثِبْنِي عَلَيْهِمَا مَا أَمَّلْتُ وَ رَجَوْتُ فِيكَ وَ فِي رَسُولِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ**».

آن گاه به سجده می‌روی و چهل بار این دعا را می‌خوانی:

«**يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا حَيُّ لَا يَمُوتُ يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا ذَا الْجَلاَلِ وَ الْإِكْرَامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ**».

آن گاه گونه راستت را بر خاک می‌گذاری و چهل مرتبه دیگر همان دعا را تکرار می‌کنی، و بعد گونه چپت را بر خاک نهاده و همان دعا را چهل مرتبه دیگر می‌خوانی. آن گاه سر خود را بلند می‌کنی و دست‌هایت را برمی‌داری و باز همان دعا را چهل بار می‌خوانی.

آن گاه دست خود را بر گردنت نهاده و انگشت سبّابهٔ خود را حرکت می‌دهی و چهل مرتبه همان دعا را می‌خوانی. سپس محاسنت را با دست چپ بگیر و گریه کن و اگر نتوانستی خود را به حال گریه بزن و این دعا را بخوان:

«**يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللهِ أَشْكُو إِلَى اللهِ وَ إِلَيْكَ حَاجَتِي وَ إِلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الرَّاشِدِينَ حَاجَتِي وَ بِكُمْ أَتَوَجَّهُ إِلَى اللهِ فِي حَاجَتِي**».

ثُمَّ تَسْجُدُ وَ تَقُولُ: «**يَا اللهُ يَا اللهُ**» حَتَّى يَنْقَطِعَ نَفَسُكَ «**صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا**».

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام: فَأَنَا الضَّامِنُ عَلَى اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ لَا يَبْرَحَ حَتَّى تُقْضَى حَاجَتُهُ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ فِي الرَّجُلِ يَحْزُنُهُ الْأَمْرُ أَوْ يُرِيدُ الْحَاجَةَ.

قَالَ: يُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ يَقْرَأُ فِي إِحْدَاهُمَا ﴿**قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ**﴾ أَلْفَ مَرَّةٍ وَ فِي الْأُخْرَى مَرَّةً، ثُمَّ يَسْأَلُ حَاجَتَهُ.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ دُوَيْلٍ عَنْ مُقَاتِلِ بْنِ مُقَاتِلٍ قَالَ: قُلْتُ لِلرِّضَا عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! عَلِّمْنِي دُعَاءً لِقَضَاءِ الْحَوَائِجِ.

آن گاه سر به سجده می‌گذاری و می‌گویی: «**يَا اللهُ يَا اللهُ**» ـ آن قدر تکرار می‌کنی تا نفست تمام شود ـ «**صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا**» (به جای چنین و چنان دعا و حاجتت را می‌گویی).

امام صادق عليه السلام فرمود: من نزد خداوند عزّ و جلّ ضامنم که چنین فردی از جای خود حرکت نکرده باشد مگر آن که حاجتش برآورده شود.

۲ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام دربارهٔ شخصی که مشکلی او را اندوهگین ساخته و یا حاجتی می‌خواهد، فرمود:

دو رکعت نماز می‌گزارد؛ به این ترتیب که در رکعت اوّل (پس از حمد) هزار بار سوره ﴿قل هو اللّه أحد﴾ را می‌خواند، و در رکعت دوم یک مرتبه همان سوره را می‌خواند، آن گاه حاجت خود را درخواست می‌نماید.

۳ ـ مقاتل بن مقاتل گوید: به امام رضا عليه السلام گفتم: قربانت گردم! دعایی برای برآورده شدن حوایج به من تعلیم فرمایید.

فَقالَ: إِذَا كَانَتْ لَكَ حَاجَةٌ إِلَى اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ مُهِمَّةٌ فَاغْتَسِلْ وَ الْبَسْ أَنْظَفَ ثِيَابِكَ وَ شَمَّ شَيْئاً مِنَ الطِّيبِ، ثُمَّ ابْرُزْ تَحْتَ السَّمَاءِ، فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ تَفْتَتِحُ الصَّلاَةَ فَتَقْرَأُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ خَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً، ثُمَّ تَرْكَعُ فَتَقْرَأُ خَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً ثُمَّ تُتِمُّهَا عَلَى مِثَالِ صَلاَةِ التَّسْبِيحِ غَيْرَ أَنَّ الْقِرَاءَةَ خَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً، فَإِذَا سَلَّمْتَ فَاقْرَأْهَا خَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً ثُمَّ تَسْجُدُ فَتَقُولُ فِي سُجُودِكَ.

«اللَّهُمَّ إِنَّ كُلَّ مَعْبُودٍ مِنْ لَدُنْ عَرْشِكَ إِلَى قَرَارِ أَرْضِكَ فَهُوَ بَاطِلٌ سِوَاكَ، فَإِنَّكَ أَنْتَ اللهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ اقْضِ لِي حَاجَةَ كَذَا وَ كَذَا السَّاعَةَ السَّاعَةَ». وَ تُلِحُّ فِيما أَرَدْتَ.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْخَزَّازِ قَالَ:

حَضَرْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام فَأَتَاهُ رَجُلٌ، فَقَالَ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَخِي بِهِ بَلِيَّةٌ أَسْتَحْيِي أَنْ أَذْكُرَهَا.

فرمود: هرگاه حاجت مهمّی داشتی، غسل کن و پاکیزه‌ترین لباس‌هایت را بپوش و بوی خوش کن، سپس به زیر آسمان برو و دو رکعت نماز بگزار. تکبیرة الاحرام را بگو، سپس حمد و ﴿قل هو اللّٰه أحد﴾ را پانزده مرتبه می‌خوانی. آن گاه به رکوع می‌روی و پانزده بار ﴿قل هو اللّٰه أحد﴾ را می‌خوانی، و نماز را مانند نماز جعفر (که پیشتر گذشت) تمام می‌کنی. (فرقش با نماز جعفر این است که در آن تسبیح ده بار است)، و در این نماز قرائت سوره پانزده مرتبه، و چون نماز را سلام دادی، پانزده بار آن را بخوان. آن گاه به سجده می‌روی و در سجده می‌گویی:

«اللَّهُمَّ إِنَّ كُلَّ مَعْبُودٍ مِنْ لَدُنْ عَرْشِكَ إِلَى قَرَارِ أَرْضِكَ فَهُوَ بَاطِلٌ سِوَاكَ، فَإِنَّكَ أَنْتَ اللهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ اقْضِ لِي حَاجَةَ كَذَا وَ كَذَا السَّاعَةَ السَّاعَةَ».

۴ ـ ابو علی خزّاز گوید: خدمت امام صادق عليه السلام شرف‌یاب شدم، مردی نزد آن حضرت آمد و عرض کرد: قربانت گردم! برادرم به بلایی دچار شده که شرم دارم آن را بیان کنم.

فَقالَ لَهُ: اسْتُرْ ذَلِكَ، وَ قُلْ لَهُ يَصُومُ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ وَ الْخَمِيسِ وَ الْجُمُعَةِ وَ يَخْرُجُ إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ وَ يَلْبَسُ ثَوْبَيْنِ، إِمَّا جَدِيدَيْنِ وَ إِمَّا غَسِيلَيْنِ حَيْثُ لَا يَرَاهُ أَحَدٌ، فَيُصَلِّي وَ يَكْشِفُ عَنْ رُكْبَتَيْهِ وَ يَتَمَطَّى بِرَاحَتَيْهِ الْأَرْضَ وَ جَنْبَيْهِ وَ يَقْرَأُ فِي صَلاتِهِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ عَشْرَ مَرَّاتٍ وَ ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ عَشْرَ مَرَّاتٍ، فَإِذَا رَكَعَ قَرَأَ خَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ فَإِذَا سَجَدَ قَرَأَهَا عَشْراً، فَإِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ قَبْلَ أَنْ يَسْجُدَ قَرَأَهَا عِشْرِينَ مَرَّةً يُصَلِّي أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ عَلَى مِثْلِ هَذَا فَإِذَا فَرَغَ مِنَ التَّشَهُّدِ قَالَ:

«يَا مَعْرُوفاً بِالْمَعْرُوفِ يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ يَا آخِرَ الْآخِرِينَ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ، يَا رَازِقَ الْمَسَاكِينِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ إِنِّي اشْتَرَيْتُ نَفْسِي مِنْكَ بِثُلُثِ مَا أَمْلِكُ فَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّ مَا ابْتُلِيتُ بِهِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

۵ ـ وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ صَالِحٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يَقُولُ:

به او فرمود: آن را پنهان دار و بازگو مکن و به او بگو: روزهای چهارشنبه، پنج شنبه و جمعه را روزه بگیرد و به هنگام زوال آفتاب بیرون رود و دو لباس نو یا شسته شده و پاکیزه بپوشد و در جایی که کسی او را نبیند زانوان خود را برهنه کند، و دو کف دست خود را بر زمین زند و دو پهلوی خود را به زمین برساند، و در نماز خویش ده مرتبه حمد و **﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾** را بخواند و چون به رکوع می‌رود، پانزده مرتبه **﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾** را بخواند، و چون به سجده می‌رود، ده مرتبه، و هنگامی که سر از سجده بر می‌دارد، پیش از آن که به سجده رود، بیست مرتبه آن را بخواند و چهار رکعت نماز این گونه به جا آورد و چون از تشهّد فارغ می‌شود، بگوید:

«يَا مَعْرُوفاً بِالْمَعْرُوفِ يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ يَا آخِرَ الْآخِرِينَ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ، يَا رَازِقَ الْمَسَاكِينِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ إِنِّي اشْتَرَيْتُ نَفْسِي مِنْكَ بِثُلُثِ مَا أَمْلِكُ فَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّ مَا ابْتُلِيتُ بِهِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

۵ ـ حسن بن صالح گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

مَنْ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ وَ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ فَأَتَمَّ رُكُوعَهُمَا وَ سُجُودَهُمَا ثُمَّ جَلَسَ فَأَثْنَى عَلَى اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ صَلَّى عَلَى رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله، ثُمَّ سَأَلَ اللهَ حَاجَتَهُ، فَقَدْ طَلَبَ الْخَيْرَ فِي مَظَانِّهِ وَ مَنْ طَلَبَ الْخَيْرَ فِي مَظَانِّهِ لَمْ يَخِبْ.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عُثْمانَ أَبِي إِسْمَاعِيلَ السَّرَّاجِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ وَضَّاحٍ وَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْأَرْقَطِ وَ أُمُّهُ أُمُّ سَلَمَةَ أُخْتُ أَبِي عَبْدِ اللهِ علیه السلام قَالَ:

مَرِضْتُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مَرَضاً شَدِيداً حَتَّى ثَقُلْتُ وَ اجْتَمَعَتْ بَنُو هَاشِمٍ لَيْلاً لِلْجَنَازَةِ وَ هُمْ يَرَوْنَ أَنِّي مَيِّتٌ.

فَجَزِعَتْ أُمِّي عَلَيَّ، فَقَالَ لَهَا أَبُو عَبْدِ اللهِ علیه السلام خَالِي: اصْعَدِي إِلَى فَوْقِ الْبَيْتِ فَابْرُزِي إِلَى السَّمَاءِ وَ صَلِّي رَكْعَتَيْنِ فَإِذَا سَلَّمْتِ فَقُولِي: «**اللَّهُمَّ إِنَّكَ وَهَبْتَهُ لِي وَ لَمْ يَكُ شَيْئاً، اللَّهُمَّ وَ إِنِّي أَسْتَوْهِبُكَهُ مُبْتَدِئاً فَأَعِرْنِيهِ**».

قَالَ: فَفَعَلَتْ، فَأَفَقْتُ وَ قَعَدْتُ وَ دَعَوْا بِسَحُورٍ لَهُمْ هَرِيسَةٍ، فَتَسَحَّرُوا بِهَا وَ تَسَحَّرْتُ مَعَهُمْ.

هر کس وضو سازد و وضوی خود را نیکو انجام دهد و دو رکعت نماز گزارد و رکوع و سجود آن را به درستی انجام دهد، سپس بنشیند و خدا را ستایش کند و بر رسول خدا صلی الله علیه و آله درود فرستد، و آن گاه حاجت خود را بطلبد، به راستی که خیر خود را از جایی که گمان می‌رود خواسته و هر که خیر را از چنین جایی بخواهد، ناامید نمی‌شود.

۶ ـ اسماعیل بن ارقط، خواهرزادهٔ امام صادق علیه السلام گوید: در ماه رمضان سخت بیمار شدم تا آن جا که شبی بر اثر شدّت بیماری بنی‌هاشم برای حمل جنازه‌ام حاضر شدند و ایشان می‌پنداشتند که من مُرده‌ام. مادرم بی‌تابی می‌کرد.

دایی‌ام امام صادق علیه السلام به او فرمود: بر بالای بام خانه برو و در زیر آسمان دو رکعت نماز بگزار و چون سلام دادی بگو:«**اللَّهُمَّ إِنَّكَ وَهَبْتَهُ لِي وَ لَمْ يَكُ شَيْئاً، اللَّهُمَّ وَ إِنِّي أَسْتَوْهِبُكَهُ مُبْتَدِئاً فَأَعِرْنِيهِ**».

اسماعیل گوید: مادرم این کار را انجام داد، من بهبود یافته و برخاستم و نشستم. وقتی خانواده را برای خوردن سحری ـکه هریسه [1] بودـ فرا خواندند، آنها سحری خوردند، من نیز با آنان غذا خوردم.

---

۱ ـ غذایی که از گوشت و حبوبات می‌پزند.

۷ ـ وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ السَّرَّاجِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ شُرَحْبِيلَ الْكِنْدِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِذَا أَرَدْتَ أَمْراً تَسْأَلُهُ رَبَّكَ فَتَوَضَّأْ وَ أَحْسِنِ الْوُضُوءَ، ثُمَّ صَلِّ رَكْعَتَيْنِ وَ عَظِّمِ اللهَ وَ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وَ قُلْ بَعْدَ التَّسْلِيمِ.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ مَلِكٌ وَ أَنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ مُقْتَدِرٌ وَ بِأَنَّكَ مَا تَشَاءُ مِنْ أَمْرٍ يَكُونُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ صلى الله عليه وآله يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللهِ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللهِ رَبِّكَ وَ رَبِّي لِيُنْجِحَ لِي طَلِبَتِي. اللَّهُمَّ بِنَبِيِّكَ أَنْجِحْ لِي طَلِبَتِي بِمُحَمَّدٍ».

ثُمَّ سَلْ حَاجَتَكَ.

۸ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ أَبُو دَاوُدَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ فِي الْأَمْرِ يَطْلُبُهُ الطَّالِبُ مِنْ رَبِّهِ.

---

۷ ـ شرحبيل كندى گويد: امام باقر عليه السلام فرمود:

هر گاه خواستى چيزى از پروردگار خود بخواهى، وضو ساز و آن را نيكو انجام ده، سپس دو ركعت نماز بگزار و خداوند را به بزرگى يادكن و بر پيامبر صلى الله عليه وآله درود فرست و پس از سلام نماز بگو:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ مَلِكٌ وَ أَنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ مُقْتَدِرٌ وَ بِأَنَّكَ مَا تَشَاءُ مِنْ أَمْرٍ يَكُونُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ صلى الله عليه وآله يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللهِ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللهِ رَبِّكَ وَ رَبِّي لِيُنْجِحَ لِي طَلِبَتِي. اللَّهُمَّ بِنَبِيِّكَ أَنْجِحْ لِي طَلِبَتِي بِمُحَمَّدٍ».

سپس حاجت خويش را در خواست كن.

۸ ـ زراره گويد: امام صادق عليه السلام در مورد حاجتى كه طالب حاجت از پروردگار خود طلب مى‌كند، فرمود:

قَالَ: تَصَدَّقْ فِي يَوْمِكَ عَلَى سِتِّينَ مِسْكِيناً عَلَى كُلِّ مِسْكِينٍ صَاعٌ بِصَاعِ النَّبِيِّ ﷺ، فَإِذَا كَانَ اللَّيْلُ اغْتَسَلْتَ فِي الثُّلُثِ الْبَاقِي وَ لَبِسْتَ أَدْنَى مَا يَلْبَسُ مَنْ تَعُولُ مِنَ الثِّيَابِ إِلَّا أَنَّ عَلَيْكَ فِي تِلْكَ الثِّيَابِ إِزَاراً ثُمَّ تُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ، فَإِذَا وَضَعْتَ جَبْهَتَكَ فِي الرَّكْعَةِ الْأَخِيرِ لِلسُّجُودِ هَلَّلْتَ اللهَ وَ عَظَّمْتَهُ وَ قَدَّسْتَهُ وَ مَجَّدْتَهُ وَ ذَكَرْتَ ذُنُوبَكَ فَأَقْرَرْتَ بِمَا تَعْرِفُ مِنْهَا مُسَمًّى، ثُمَّ رَفَعْتَ رَأْسَكَ ثُمَّ إِذَا وَضَعْتَ رَأْسَكَ لِلسَّجْدَةِ الثَّانِيَةِ اسْتَخَرْتَ اللهَ مِائَةَ مَرَّةٍ: «**اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ**».

ثُمَّ تَدْعُو اللهَ بِمَا شِئْتَ وَ تَسْأَلُهُ إِيَّاهُ وَ كُلَّمَا سَجَدْتَ فَأَفْضِ بِرُكْبَتَيْكَ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ تَرْفَعُ الْإِزَارَ حَتَّى تَكْشِفَهُمَا وَ اجْعَلِ الْإِزَارَ مِنْ خَلْفِكَ بَيْنَ أَلْيَتَيْكَ وَ بَاطِنِ سَاقَيْكَ.

۹ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبَانٍ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

در آن روز به شصت مستمند و بینوا صدقه بده، بدین گونه که به هر بینوایی یک صاع به اندازهٔ صاع پیامبر ﷺ [1] صدقه بده، و چون شب فرا رسید، در یک سوم پایانی آن شب غسل می‌کنی و کم‌ارزش‌ترین لباسی را که خانواده‌ات به طور معمول می‌پوشند، می‌پوشی با این تفاوت که باید لنگی هم (با آن لباس به میان ببندی). آن گاه دو رکعت نماز می‌خوانی و چون در رکعت آخر پیشانی بر خاک نهادی، خداوند را به یگانگی یاد می‌کنی و تعظیم، تقدیس، تمجید می‌نمایی و گناهانت را یادآور می‌شوی و آن چه را که به یاد داری یکایک نام می‌بری. سپس سر از سجده برمی‌داری، وقتی پیشانی بر خاک نهادی، در سجده دوم صد بار از خداوند برای خود طلب خیر می‌کنی، بدین گونه که می‌گویی: «**اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ**» آن گاه خداوند را به آن چه که خواهی فرا می‌خوانی و از او درخواست می‌کنی، و هر بار که به سجده می‌روی زانوهایت را به زمین برسان و لنگ را از روی آن‌ها بردار تا برهنه شوند و آن را از پشت پا بین زانوها و داخل ساق‌هایت بینداز.

۹ ـ حارث بن مغیره گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

---

۱ ـ هر صاع پنج مد و هر مد به اندازهٔ دو کف دست پر از خرمای خشک یا گندم یا جو است.

إِذَا كَانَتْ لَكَ حَاجَةٌ فَتَوَضَّأْ وَ صَلِّ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ احْمَدِ اللهَ وَ أَثْنِ عَلَيْهِ وَ اذْكُرْ مِنَ الْآيَةِ ثُمَّ ادْعُ تُجَبْ.

۱۰ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ:

إِذَا أَرَدْتَ حَاجَةً فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ سَلْ تُعْطَهُ.

۱۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ جَمِيلٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام فَدَخَلَتْ عَلَيْهِ امْرَأَةٌ وَ ذَكَرَتْ أَنَّهَا تَرَكَتِ ابْنَهَا وَ قَدْ قَالَتْ بِالْمِلْحَفَةِ عَلَى وَجْهِهِ مَيِّتاً.

فَقَالَ لَهَا: لَعَلَّهُ لَمْ يَمُتْ، فَقُومِي فَاذْهَبِي إِلَى بَيْتِكِ فَاغْتَسِلِي وَ صَلِّي رَكْعَتَيْنِ وَ ادْعِي وَ قُولِي: «**يَا مَنْ وَهَبَهُ لِي وَ لَمْ يَكُ شَيْئاً جَدِّدْ هِبَتَهُ لِي**» ثُمَّ حَرِّكِيهِ وَ لَا تُخْبِرِي بِذَلِكِ أَحَداً.

قَالَتْ: فَفَعَلْتُ فَحَرَّكْتُهُ، فَإِذَا هُوَ قَدْ بَكَى.

هر گاه حاجتی داشتی، وضو ساز و دو رکعت نماز بخوان، سپس خدا را حمد کن و او را ستایش نما و نشانه‌های او را به یاد آور و آن گاه دعا کن که به اجابت می‌رسد.

۱۰ ـ حارث بن مغیره گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

هر گاه حاجتی داشتی، دو رکعت نماز بگزار و بر محمّد و آل او درود فرست و حاجت خود را بخواه که عطا خواهد شد.

۱۱ ـ جمیل گوید: در حضور امام صادق عليه‌السلام بودم، زنی خدمت حضرتش شرف‌یاب شد و گفت که فرزند خود را در حالی ترک کرده که مرده و ملافه‌ای بر او کشیده است.

حضرتش فرمود: شاید نمرده باشد، برخیز و به خانه‌ات برو و غسل کن و دو رکعت نماز بخوان و دعا کن و بگو: «**يَا مَنْ وَهَبَهُ لِي وَ لَمْ يَكُ شَيْئاً جَدِّدْ هِبَتَهُ لِي**».

سپس او را حرکت بده و کسی را از این ماجرا خبردار مکن.

آن زن گوید: طبق دستور حضرتش انجام دادم و او را حرکت دادم که ناگاه به گریه در آمد.

(۹٦)
بَابُ صَلاَةِ مَنْ خَافَ مَكْرُوهاً

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ شُعَيْبٍ الْعَقَرْقُوفِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ عَلِيٌّ عليه السلام إِذَا هَالَهُ شَيْءٌ فَزِعَ إِلَى الصَّلاَةِ، ثُمَّ تَلاَ هَذِهِ الآيَةَ: ﴿وَ **اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلاةِ**﴾.

٢ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبَانٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

اتَّخِذْ مَسْجِداً فِي بَيْتِكَ، فَإِذَا خِفْتَ شَيْئاً فَالْبَسْ ثَوْبَيْنِ غَلِيظَيْنِ مِنْ أَغْلَظِ ثِيَابِكَ وَ صَلِّ فِيهِمَا، ثُمَّ اجْثُ عَلَى رُكْبَتَيْكَ فَاصْرُخْ إِلَى اللهِ وَ سَلْهُ الْجَنَّةَ وَ تَعَوَّذْ بِاللهِ مِنْ شَرِّ الَّذِي تَخَافُهُ، وَ إِيَّاكَ أَنْ يَسْمَعَ اللهُ مِنْكَ كَلِمَةَ بَغْيٍ، وَ إِنْ أَعْجَبَتْكَ نَفْسُكَ وَ عَشِيرَتُكَ.

بخش نود و ششم
نماز کسی که از چیزی بترسد

١ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

امیر مؤمنان علی عليه السلام همواره و هر گاه چیزی او را می‌ترسانید، به نماز روی می‌آورد. سپس این آیه را تلاوت می‌فرمود: ﴿و **استعينوا بالصبر و الصّلاة**﴾.

٢ ـ حریز گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

در خانهٔ خود مسجدی انتخاب کن و هر گاه از چیزی ترسیدی، دو لباس خشن از خشن‌ترین لباس‌هایت را بپوش و در آن دو لباس نماز بگزار، سپس به دو زانو بنشین و به سوی خداوند ناله و زاری کن و از او بهشت بخواه و به او از شرّ چیزی که از آن می‌ترسی پناه جوی و بپرهیز از این که خداوند کلمه ستمگرانه‌ای از تو بشنود، هر چند که مقام خود و خاندانت، تو را مغرور کرده باشد.

(۹۷)

بَابُ صَلاَةِ مَنْ أَرَادَ سَفَراً

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله:

مَا اسْتَخْلَفَ عَبْدٌ عَلَى أَهْلِهِ بِخِلاَفَةٍ أَفْضَلَ مِنْ رَكْعَتَيْنِ يَرْكَعُهُمَا إِذَا أَرَادَ سَفَراً يَقُولُ:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي وَ أَمَانَتِي وَ خَوَاتِيمَ عَمَلِي» إِلَّا أَعْطَاهُ اللهُ مَا سَأَلَ».

بخش نود و هفتم

نماز کسی که ارادهٔ سفر دارد

۱ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام می‌فرماید: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود:

هیچ بنده‌ای به هنگام مسافرت برای سرپرستی خانوادهٔ خود جانشینی بهتر از آن به جای نگذاشته که دو رکعت نماز بگزارد و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي وَ أَمَانَتِي وَ خَوَاتِيمَ عَمَلِي».

(و در این صورت) خداوند خواسته‌اش را، به او عطا فرماید.

(۹۸)
بَابُ صَلاَةِ الشُّكْرِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ السَّرَّاجِ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ علیه السلام قَالَ:

قَالَ فِي صَلاَةِ الشُّكْرِ: إِذَا أَنْعَمَ اللهُ عَلَيْكَ بِنِعْمَةٍ فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ تَقْرَأُ فِي الْأُولَى بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَ ﴿**قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ**﴾ وَ تَقْرَأُ فِي الثَّانِيَةِ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَ ﴿**قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ**﴾ وَ تَقُولُ فِي الرَّكْعَةِ الْأُولَى فِي رُكُوعِكَ وَ سُجُودِكَ: «**الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْراً شُكْراً وَ حَمْداً**» وَ تَقُولُ فِي الرَّكْعَةِ الثَّانِيَةِ فِي رُكُوعِكَ وَ سُجُودِكَ: «**الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَجَابَ دُعَائِي وَ أَعْطَانِي مَسْأَلَتِي**».

بخش نود و هشتم
نماز شکر و سپاسگزاری

۱ ـ هارون بن خارجه گوید: امام صادق علیه السلام دربارهٔ نماز شکر فرمود:

هر گاه خداوند نعمتی به تو عنایت کرد، دو رکعت نماز بگزار، بدین گونه که در رکعت اوّل حمد و ﴿قل هو اللّه أحد﴾ و در رکعت دوم حمد و ﴿قل يا أيّها الكافرون﴾ را می‌خوانی.

و در رکعت اوّل در رکوع و سجود خود می‌گویی: «**الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْراً شُكْراً وَ حَمْداً**» و در رکعت دوم در رکوع و سجود خویش می‌گویی: «**الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَجَابَ دُعَائِي وَ أَعْطَانِي مَسْأَلَتِي**».

(۹۹)
بَابُ صَلاَةِ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَدْخُلَ بِأَهْلِهِ وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَتَزَوَّجَ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

سَمِعْتُ رَجُلاً وَ هُوَ يَقُولُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنِّي رَجُلٌ قَدْ أَسْنَنْتُ وَ قَدْ تَزَوَّجْتُ امْرَأَةً بِكْراً صَغِيرَةً وَ لَمْ أَدْخُلْ بِهَا وَ أَنَا أَخَافُ إِذَا أَدْخُلُ بِهَا عَلَى فِرَاشِي أَنْ تَكْرَهَنِي لِخِضَابِي وَ كِبَرِي.

فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: إِذَا دَخَلْتَ فَمُرْهُمْ قَبْلَ أَنْ تَصِلَ إِلَيْكَ أَنْ تَكُونَ مُتَوَضِّئَةً ثُمَّ أَنْتَ لَا تَصِلُ إِلَيْهَا حَتَّى تَتَوَضَّأَ وَ تُصَلِّيَ رَكْعَتَيْنِ، ثُمَّ مَجِّدِ اللهَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، ثُمَّ ادْعُ اللهَ وَ مُرْ مَنْ مَعَهَا أَنْ يُؤَمِّنُوا عَلَى دُعَائِكَ وَ قُلِ:

«اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي إِلْفَهَا وَ وُدَّهَا وَ رِضَاهَا وَ رَضِّنِي بِهَا ثُمَّ اجْمَعْ بَيْنَنَا بِأَحْسَنِ اجْتِمَاعٍ وَ أَسَرِّ ائْتِلاَفٍ، فَإِنَّكَ تُحِبُّ الْحَلاَلَ وَ تَكْرَهُ الْحَرَامَ».

بخش نود و نهم
نماز کسی که بخواهد عروسی کند و کسی که ارادهٔ ازدواج دارد

۱ ـ ابو بصیر گوید: (در خدمت) امام باقر عليه السلام (بودم که) شنیدم مردی به حضرتش عرض می‌کرد: قربانت گردم! مردی هستم که سنّی از من گذشته است و به تازگی دختر باکره‌ای را به عقد خویش درآورده‌ام و هنوز عروسی نکرده‌ام و می‌ترسم به هنگام عروسی به سبب پیری و خضاب کردن ریشم از من خوشش نیاید، چه باید بکنم؟

امام باقر عليه السلام فرمود: وقتی خواستی عروسی کنی، پیش از آن که همسرت نزد تو بیاید، به او دستور ده تا وضو سازد، خودت نیز پیش از رسیدن به او وضو می‌سازی و دو رکعت نماز می‌خوانی، سپس خداوند را به بزرگی یادکن و بر محمّد و آل او درود فرست، و آن گاه دعاکن و به کسانی که همراه او هستند فرمان ده تا آمین بگویند، و بگو: **«اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي إِلْفَهَا وَ وُدَّهَا وَ رِضَاهَا وَ رَضِّنِي بِهَا ثُمَّ اجْمَعْ بَيْنَنَا بِأَحْسَنِ اجْتِمَاعٍ وَ أَسَرِّ ائْتِلاَفٍ، فَإِنَّكَ تُحِبُّ الْحَلاَلَ وَ تَكْرَهُ الْحَرَامَ».**

ثُمَّ قالَ: وَ اعْلَمْ! أَنَّ الْإِلْفَ مِنَ اللهِ وَ الْفِرْكَ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيُكَرِّهَ مَا أَحَلَّ اللهُ.

۲ـ وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام: إِذَا تَزَوَّجَ أَحَدُكُمْ كَيْفَ يَصْنَعُ؟

قُلْتُ: لَا أَدْرِي.

قَالَ: إِذَا هَمَّ بِذَلِكَ فَلْيُصَلِّ رَكْعَتَيْنِ وَ يَحْمَدُ اللهَ ثُمَّ يَقُولُ:

اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَتَزَوَّجَ فَقَدِّرْ لِي مِنَ النِّسَاءِ أَعَفَّهُنَّ فَرْجاً وَ أَحْفَظَهُنَّ لِي فِي نَفْسِهَا وَ فِي مَالِي وَ أَوْسَعَهُنَّ رِزْقاً وَ أَعْظَمَهُنَّ بَرَكَةً، وَ قَدِّرْ لِي وَلَداً طَيِّباً تَجْعَلُهُ خَلَفاً صَالِحاً فِي حَيَاتِي وَ بَعْدَ مَمَاتِي.

۳ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

مَنْ أَرَادَ أَنْ يُحْبَلَ لَهُ فَلْيُصَلِّ رَكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْجُمُعَةِ يُطِيلُ فِيهِمَا الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ ثُمَّ يَقُولُ:

آن گاه امام عليه السلام فرمود: بدان که الفت میان مرد و زن از جانب خداست و دشمنی میان آن‌ها از شیطان است، تا آن چه را که خداوند حلال کرده ناخوش شمارند.

۲ـ ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام به من فرمود: هرگاه یکی از شما تزویج کرد، چه می‌کند؟

گفتم: نمی‌دانم.

فرمود: چون تصمیم به آن گرفت، باید دو رکعت نماز به جای آورد و خداوند را سپاس گوید، سپس بگوید:

اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَتَزَوَّجَ فَقَدِّرْ لِي مِنَ النِّسَاءِ أَعَفَّهُنَّ فَرْجاً وَ أَحْفَظَهُنَّ لِي فِي نَفْسِهَا وَ فِي مَالِي وَ أَوْسَعَهُنَّ رِزْقاً وَ أَعْظَمَهُنَّ بَرَكَةً، وَ قَدِّرْ لِي وَلَداً طَيِّباً تَجْعَلُهُ خَلَفاً صَالِحاً فِي حَيَاتِي وَ بَعْدَ مَمَاتِي.

۳ـ محمّد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

هر که می‌خواهد بچه‌دار شود، دو رکعت نماز بعد از (نماز روز) جمعه بخواند و رکوع و سجود آن را طولانی انجام دهد. آن‌گاه بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا سَأَلَكَ بِهِ زَكَرِيَّا إِذْ قَالَ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْداً وَ أَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ. اللَّهُمَّ هَبْ لِي ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ. اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ اسْتَحْلَلْتُهَا وَ فِي أَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا فَإِنْ قَضَيْتَ فِي رَحِمِهَا وَلَداً فَاجْعَلْهُ غُلَاماً وَ لَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ نَصِيباً وَ لَا شِرْكاً».

(۱۰۰)

بَابُ النَّوَادِرِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ مَا تَرْوِي هَذِهِ النَّاصِبَةُ؟

فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فِيمَا ذَا؟

فَقَالَ: فِي أَذَانِهِمْ وَ رُكُوعِهِمْ وَ سُجُودِهِمْ.

فَقُلْتُ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ: إِنَّ أُبَيَّ بْنَ كَعْبٍ رَآهُ فِي النَّوْمِ.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا سَأَلَكَ بِهِ زَكَرِيَّا إِذْ قَالَ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْداً وَ أَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ. اللَّهُمَّ هَبْ لِي ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ. اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ اسْتَحْلَلْتُهَا وَ فِي أَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا فَإِنْ قَضَيْتَ فِي رَحِمِهَا وَلَداً فَاجْعَلْهُ غُلَاماً وَ لَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ نَصِيباً وَ لَا شِرْكاً».

بخش صدم

چند حدیث نکته‌دار

۱ ـ عمر بن اُذینه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: این ناصبی‌ها (دشمنان اهل بیت عليهم السلام) چه روایت می‌کنند؟

عرض کردم: قربانت گردم! در مورد چه چیزی؟

فرمود: در مورد اذان، رکوع و سجودشان.

عرض کردم: آنها می‌گویند: ابیّ بن کعب آنها را در خواب دیده است (یعنی پیامبر صلى الله عليه وآله در خواب او به اذان، رکوع و سجود حکم فرمود).

فَقالَ: كَذَبُوا، فَإِنَّ دِينَ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَعَزُّ مِنْ أَنْ يُرَى فِي النَّوْمِ.

قَالَ: فَقالَ لَهُ سَدِيرٌ الصَّيْرَفِيُّ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَأَحْدِثْ لَنَا مِنْ ذَلِكَ ذِكْراً.

فَقالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام: إِنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمَّا عَرَجَ بِنَبِيِّهِ صلى الله عليه وآله إِلَى سَمَاوَاتِهِ السَّبْعِ أَمَّا أُولَاهُنَّ فَبَارَكَ عَلَيْهِ، وَ الثَّانِيَةَ عَلَّمَهُ فَرْضَهُ فَأَنْزَلَ اللهُ مَحْمِلاً مِنْ نُورٍ فِيهِ أَرْبَعُونَ نَوْعاً مِنْ أَنْوَاعِ النُّورِ، كَانَتْ مُحْدِقَةً بِعَرْشِ اللهِ تَغْشَى أَبْصَارَ النَّاظِرِينَ أَمَّا وَاحِدٌ مِنْهَا فَأَصْفَرُ، فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ اصْفَرَّتِ الصُّفْرَةُ، وَ وَاحِدٌ مِنْهَا أَحْمَرُ، فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ احْمَرَّتِ الْحُمْرَةُ، وَ وَاحِدٌ مِنْهَا أَبْيَضُ، فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ ابْيَضَّ الْبَيَاضُ، وَ الْبَاقِي عَلَى سَائِرِ عَدَدِ الْخَلْقِ مِنَ النُّورِ وَ الْأَلْوَانِ، فِي ذَلِكَ الْمَحْمِلِ حَلَقٌ وَ سَلَاسِلُ مِنْ فِضَّةٍ.

ثُمَّ عَرَجَ بِهِ إِلَى السَّمَاءِ فَنَفَرَتِ الْمَلَائِكَةُ إِلَى أَطْرَافِ السَّمَاءِ وَ خَرَّتْ سُجَّداً وَ قَالَتْ: سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ مَا أَشْبَهَ هَذَا النُّورَ بِنُورِ رَبِّنَا.

آن حضرت فرمود: دروغ می‌گویند؛ زیرا دین خدا گرامی‌تر از آن است که در خواب دیده شود.

راوی گوید: سدیر صیرفی به آن حضرت عرض کرد: قربانت گردم! دربارهٔ آن برای ما سخنی بفرما.

امام صادق عليه السلام فرمود: وقتی که خداوند عزّوجلّ پیامبر خود را به آسمان‌های هفتگانه برد، در نخستین معراج بر آن حضرت (به واسطهٔ تعیین جانشینان و اوصیای گرامش عليهم السلام) برکت داد، و در معراج دوم واجبات آن را به او تعلیم داد. خداوند، محملی از نور نازل فرمود که در آن چهل نوع از انواع و اقسام نور بود که پیرامون عرش خداوند را احاطه کرده بودند و دیدگان بینندگان با آن نوازش می‌شد. یکی از آن‌ها نور زرد بود و به همین دلیل رنگ زرد، زرد شد. دیگری سرخ بود و به همین سبب رنگ سرخ، سرخ شد،سومی سفید بود و به همین جهت رنگ سفید، سفید شد و بقیّه رنگ‌ها بر طبق انواع دیگر نورها، و آن رنگ‌ها در آن محمل، مانند حلقه‌ها و زنجیرهای سیمین بودند.

سپس آن حضرت به آسمان اوّل برده شد. فرشتگان در اطراف آسمان پراکنده شده و به سجده افتادند و گفتند: پاک و منزّه است خداوند! چقدر این نور (پیامبر صلى الله عليه وآله) شبیه نور پروردگار ماست!

فَقالَ جَبْرَئِيلُ عليه السلام: اللهُ أَكْبَرُ اللهُ أَكْبَرُ.

ثُمَّ فُتِحَتْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَ اجْتَمَعَتِ الْمَلائِكَةُ، فَسَلَّمَتْ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله أَفْوَاجاً وَ قَالَتْ: يَا مُحَمَّدُ! كَيْفَ أَخُوكَ؟ إِذَا نَزَلْتَ فَأَقْرِئْهُ السَّلاَمَ.

قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: أَفَتَعْرِفُونَهُ؟

قَالُوا: وَ كَيْفَ لَا نَعْرِفُهُ؟ وَ قَدْ أُخِذَ مِيثَاقُكَ وَ مِيثَاقُهُ مِنَّا وَ مِيثَاقُ شِيعَتِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ عَلَيْنَا، وَ إِنَّا لَنَتَصَفَّحُ وُجُوهَ شِيعَتِهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ خَمْساً ـ يَعْنُونَ فِي كُلِّ وَقْتِ صَلاَةٍ ـ وَ إِنَّا لَنُصَلِّي عَلَيْكَ وَ عَلَيْهِ.

قَالَ: ثُمَّ زَادَنِي رَبِّي أَرْبَعِينَ نَوْعاً مِنْ أَنْوَاعِ النُّورِ لَا يُشْبِهُ النُّورَ الْأَوَّلَ، وَ زَادَنِي حَلَقاً وَ سَلاَسِلَ وَ عَرَجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ الثَّانِيَةِ، فَلَمَّا قَرُبْتُ مِنْ بَابِ السَّمَاءِ الثَّانِيَةِ نَفَرَتِ الْمَلاَئِكَةُ إِلَى أَطْرَافِ السَّمَاءِ وَ خَرَّتْ سُجَّداً وَ قَالَتْ: سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلاَئِكَةِ وَ الرُّوحِ مَا أَشْبَهَ هَذَا النُّورَ بِنُورِ رَبِّنَا؟!

جبرئيل عليه السلام گفت: اللّه أكبر اللّه أكبر.

آن گاه درهای آسمان گشوده شد و فرشتگان گرد آمدند و گروه گروه بر پیامبر صلى الله عليه وآله سلام می‌کردند و می‌گفتند: ای محمّد! برادرت (علی عليه السلام) چگونه است؟ چون به زمین بازگشتی سلام ما را به او برسان.

پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: آیا او را می‌شناسید؟

گفتند: چگونه او را نمی‌شناسیم؟ با این که برای تو، او و شیعیان او تا روز رستاخیز از ما پیمان گرفته شده است، ما هر روز پنج مرتبه ـ در اوقات نماز ـ به چهرهٔ شیعیان می‌نگریم و بر تو و علی عليه السلام درود می‌فرستیم.

حضرتش فرمود: آن گاه خداوند چهل نور دیگر که هیچ نور دیگر، هیچ شباهتی به آن چهل نور نخستین نداشت، به من عطا فرمود و به همان مقدار نیز به حلقه‌ها و زنجیرها افزود، و مرا به آسمان دوم عروج داد. وقتی نزدیک دروازهٔ آسمان شدم، فرشتگان به اطراف آسمان متفرّق شده و به سجده افتادند و گفتند: پاک و منزّه است پروردگار فرشتگان و روح القدس! چقدر این نور شبیه نور پروردگار ماست؟!

فَقالَ جَبْرَئِيلُ عليه‌السلام: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ.

فَاجْتَمَعَتِ الْمَلائِكَةُ وَ قَالَتْ: يَا جَبْرَئِيلُ! مَنْ هَذَا مَعَكَ؟

قَالَ: هَذَا مُحَمَّدٌ صلی‌الله‌علیه‌وآله.

قَالُوا: وَ قَدْ بُعِثَ؟

قَالَ: نَعَمْ.

قَالَ النَّبِيُّ صلی‌الله‌علیه‌وآله: فَخَرَجُوا إِلَيَّ شِبْهَ الْمَعَانِيقِ فَسَلَّمُوا عَلَيَّ وَ قَالُوا: أَقْرِئْ أَخَاكَ السَّلَامَ قُلْتُ أَ تَعْرِفُونَهُ قَالُوا: وَ كَيْفَ لَا نَعْرِفُهُ؟ وَ قَدْ أُخِذَ مِيثَاقُكَ وَ مِيثَاقُهُ وَ مِيثَاقُ شِيعَتِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ عَلَيْنَا، وَ إِنَّا لَنَتَصَفَّحُ وُجُوهَ شِيعَتِهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ خَمْساً ـ يَعْنُونَ فِي كُلِّ وَقْتِ صَلاَةٍ ـ.

قَالَ: ثُمَّ زَادَنِي رَبِّي أَرْبَعِينَ نَوْعاً مِنْ أَنْوَاعِ النُّورِ لَا تُشْبِهُ الْأَنْوَارَ الْأُولَى ثُمَّ عَرَجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ الثَّالِثَةِ فَنَفَرَتِ الْمَلائِكَةُ وَ خَرَّتْ سُجَّداً وَ قَالَتْ: «**سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلائِكَةِ وَ الرُّوحِ**» مَا هَذَا النُّورُ الَّذِي يُشْبِهُ نُورَ رَبِّنَا؟

جبرئیل عليه‌السلام گفت: شهادت می‌دهم که هیچ معبودی جز خدا نیست، شهادت می‌دهم که هیچ معبودی جز خدا نیست.

فرشتگان جمع شده و گفتند: ای جبرئیل! این شخص که همراه توست کیست؟

گفت: محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله است.

گفتند: آیا به پیامبری مبعوث شده است؟

گفت: آری.

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: فرشتگان، همانند کوه‌های ریگ به سوی من سرازیر شدند و بر من سلام کردند و گفتند: برادر خود را از جانب ما سلام برسان.

گفتم: آیا او را می‌شناسید؟

گفتند: چگونه او را نمی‌شناسیم در حالی که در مورد تو او و شیعیانش تا روز قیامت از ما پیمان گرفته شده است و ما، درهر شبانه روز پنج مرتبه ـ به هنگام نماز ـ به چهرهٔ شیعیان او می‌نگریم.

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: سپس خداوند چهل نوع دیگر از انواع نور به من عنایت فرمود که هیچ شباهتی به نورهای پیشین نداشتند.

آن گاه مرا به آسمان سوم بردند. فرشتگان متفرّق شده و به سجده افتادند و گفتند: پاک و منزّه است پروردگار فرشتگان و روح القدس! این چه نوری است که مانند نور پروردگار ماست؟

فَقالَ جَبْرَئِيلُ عليه السلام: أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللهِ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللهِ.

فَاجْتَمَعَتِ الْمَلائِكَةُ وَ قَالَتْ: مَرْحَباً بِالْأَوَّلِ وَ مَرْحَباً بِالآخِرِ وَ مَرْحَباً بِالْحَاشِرِ وَ مَرْحَباً بِالنَّاشِرِ مُحَمَّدٌ خَيْرُ النَّبِيِّينَ وَ عَلِيٌّ خَيْرُ الْوَصِيِّينَ.

قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: ثُمَّ سَلَّمُوا عَلَيَّ وَ سَأَلُونِي عَنْ أَخِي.

قُلْتُ: هُوَ فِي الْأَرْضِ أَ فَتَعْرِفُونَهُ؟

قَالُوا: وَ كَيْفَ لَا نَعْرِفُهُ؟ وَ قَدْ نَحُجُّ الْبَيْتَ الْمَعْمُورَ كُلَّ سَنَةٍ، وَ عَلَيْهِ رَقٌّ أَبْيَضُ فِيهِ اسْمُ مُحَمَّدٍ وَ اسْمُ عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ الْأَئِمَّةِ عليهم السلام وَ شِيعَتِهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ إِنَّا لَنُبَارِكُ عَلَيْهِمْ كُلَّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ خَمْساً - يَعْنُونَ فِي وَقْتِ كُلِّ صَلاةٍ - وَ يَمْسَحُونَ رُءُوسَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ.

جبرئیل علیه السلام گفت: گواهی می‌دهم که محمّد صلى الله عليه وآله رسول خداست، گواهی می‌دهم که محمّد صلى الله عليه وآله رسول خداست.

پس فرشتگان جمع شده و گفتند: خوش آمدی ای اوّلین مخلوق و آخرین پیامبر و خوش آمدی ای جمع کنندهٔ کمالات و ای نشر دهندهٔ آن (در اوصیا و جانشینان خویش) محمّد صلى الله عليه وآله بهترین پیامبران و علی علیه السلام بهترین اوصیا و جانشینان است.

پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: آن گاه فرشتگان بر من سلام کرده و از حال برادرم (علی علیه السلام) پرسیدند.

گفتم: او در زمین است، آیا او را می‌شناسید؟

گفتند: چگونه او را نمی‌شناسیم در حالی که هر سال حجّ بیت المعمور را به جا می‌آوریم و بر آن صحیفهٔ سفیدی است که تا روز قیامت در آن، نام محمّد، علی، حسن، حسین و أئمّه علیهم السلام و شیعیان آن‌ها است و ما، در هر شبانه روز پنج بار -به هنگام نماز- بر آن‌ها برکت فرود می‌آوریم، و دست‌های خود را به سرهایشان می‌کشند.

قَالَ: ثُمَّ زَادَنِي رَبِّي أَرْبَعِينَ نَوْعاً مِنْ أَنْوَاعِ النُّورِ، لَا تُشْبِهُ تِلْكَ الْأَنْوَارَ الْأُولَى، ثُمَّ عَرَجَ بِي حَتَّى انْتَهَيْتُ إِلَى السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ، فَلَمْ تَقُلِ الْمَلاَئِكَةُ شَيْئاً وَ سَمِعْتُ دَوِيّاً كَأَنَّهُ فِي الصُّدُورِ، فَاجْتَمَعَتِ الْمَلاَئِكَةُ فَفُتِحَتْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَ خَرَجَتْ إِلَيَّ شِبْهَ الْمَعَانِيقِ.

فَقَالَ جَبْرَئِيلُ عليه السلام: «**حَيَّ عَلَى الصَّلاَةِ، حَيَّ عَلَى الصَّلاَةِ، حَيَّ عَلَى الْفَلاَحِ، حَيَّ عَلَى الْفَلاَحِ**».

فَقَالَتِ الْمَلاَئِكَةُ: صَوْتَانِ مَقْرُونَانِ مَعْرُوفَانِ.

فَقَالَ جَبْرَئِيلُ عليه السلام: «**قَدْ قَامَتِ الصَّلاَةُ، قَدْ قَامَتِ الصَّلاَةُ**».

فَقَالَتِ الْمَلاَئِكَةُ: هِيَ لِشِيعَتِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

ثُمَّ اجْتَمَعَتِ الْمَلاَئِكَةُ وَ قَالَتْ: كَيْفَ تَرَكْتَ أَخَاكَ؟

فَقُلْتُ لَهُمْ: وَ تَعْرِفُونَهُ؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آن گاه پروردگارم چهل نوع دیگر از انواع نور به من عطا فرمود که هیچ شباهتی به نورهای پیشین نداشتند. پس از آن مرا به آسمان چهارم بردند و فرشتگان سخنی نمی‌گفتند و فقط صداهایی می‌شنیدم که گویی در سینه‌ها بود. فرشتگان گرد آمدند و درهای آسمان گشوده شد و مانند توده‌های ریگ به سوی من سرازیر شدند.

جبرئیل علیه السلام گفت: «**حیّ علی الصّلاة، حیّ علی الصّلاة، حیّ علی الفلاح، حیّ علی الفلاح**».

فرشتگان گفتند: دو صدای معروفند که به هم نزدیکند.

جبرئیل علیه السلام گفت: «**قد قامت الصلاة، قد قامت الصلاة**».

فرشتگان گفتند: این تا روز قیامت برای شیعیان اوست.

آن گاه فرشتگان جمع شده و گفتند: برادر خود را در چه حال گذاردی؟

به آن‌ها گفتم: او را می‌شناسید؟

قَالُوا: نَعْرِفُهُ وَ شِيعَتَهُ، وَ هُمْ نُورٌ حَوْلَ عَرْشِ اللهِ، وَ إِنَّ فِي الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ لَرَقّاً مِنْ نُورٍ فِيهِ كِتَابٌ مِنْ نُورٍ فِيهِ اسْمُ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ الْأَئِمَّةِ عليهم السلام وَ شِيعَتِهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا يَزِيدُ فِيهِمْ رَجُلٌ وَ لَا يَنْقُصُ مِنْهُمْ رَجُلٌ وَ إِنَّهُ لَمِيثَاقُنَا وَ إِنَّهُ لَيُقْرَأُ عَلَيْنَا كُلَّ يَوْمِ جُمُعَةٍ.

ثُمَّ قِيلَ لِي: ارْفَعْ رَأْسَكَ يَا مُحَمَّدُ!

فَرَفَعْتُ رَأْسِي، فَإِذَا أَطْبَاقُ السَّمَاءِ قَدْ خُرِقَتْ وَ الْحُجُبُ قَدْ رُفِعَتْ.

ثُمَّ قالَ لِي: طَأْطِئْ رَأْسَكَ انْظُرْ مَا تَرَى؟

فَطَأْطَأْتُ رَأْسِي، فَنَظَرْتُ إِلَى بَيْتٍ مِثْلِ بَيْتِكُمْ هَذَا وَ حَرَمٍ مِثْلِ حَرَمِ هَذَا الْبَيْتِ لَوْ أَلْقَيْتُ شَيْئاً مِنْ يَدِي لَمْ يَقَعْ إِلَّا عَلَيْهِ.

فَقِيلَ لِي: يَا مُحَمَّدُ! إِنَّ هَذَا الْحَرَمُ وَ أَنْتَ الْحَرَامُ وَ لِكُلٍّ مِثْلٍ مِثَالٌ.

ثُمَّ أَوْحَى اللهُ إِلَيَّ: يَا مُحَمَّدُ! ادْنُ مِنْ صَادٍ، فَاغْسِلْ مَسَاجِدَكَ وَ طَهِّرْهَا وَ صَلِّ لِرَبِّكَ.

گفتند: او و شیعیانش را می‌شناسیم. آنها نورهایی در گرد عرش خدا هستند، و همانا در بیت المعمور صحیفه‌ای از نور است که در آن صحیفه، نوشته‌ای از نور می‌باشد و تا روز قیامت در آن نام محمّد، علی، حسن، حسین و أئمّه عليهم السلام و شیعیان ایشان مکتوب است و شخصی از آن کم و زیاد نخواهد شد و آن نوشته پیمان ماست که در هر روز جمعه برای ما خوانده می‌شود.

آن گاه به من گفتند: ای محمّد! سر خود را بالا کن.

سر خود را بالا بردم، دیدم که همهٔ طبقات آسمانها شکافته شده و تمام حجاب‌ها برداشته شده است.

سپس به من گفت: سر خود را فرود آور و نگاه کن که چه می‌بینی؟

سر خود را فرود آوردم خانه‌ای مانند خانهٔ شما و حرمی مانند حرم این خانه دیدم که اگر چیزی را از دست خود می‌افکندم، نمی‌افتاد مگر بر آن.

به من گفتند: ای محمّد! این، حرم است و تویی محترم و برای هر چیز نمونه‌ای است.

آن گاه خداوند به سوی من وحی فرمود که ای محمّد! به چشمهٔ صاد نزدیک شو و مواضع (هفت‌گانه) سجدهٔ خود را بشوی و پاکیزه‌کن و برای پروردگار خویش نماز بخوان.

فَدَنَا رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله مِنْ صَادٍ، وَ هُوَ مَاءٌ يَسِيلُ مِنْ سَاقِ الْعَرْشِ الْأَيْمَنِ، فَتَلَقَّى رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله الْمَاءَ بِيَدِهِ الْيُمْنَى، فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ صَارَ الْوُضُوءُ بِالْيَمِينِ.

ثُمَّ أَوْحَى اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ أَنِ اغْسِلْ وَجْهَكَ، فَإِنَّكَ تَنْظُرُ إِلَى عَظَمَتِي، ثُمَّ اغْسِلْ ذِرَاعَيْكَ الْيُمْنَى وَ الْيُسْرَى، فَإِنَّكَ تَلَقَّى بِيَدِكَ كَلَامِي، ثُمَّ امْسَحْ رَأْسَكَ بِفَضْلِ مَا بَقِيَ فِي يَدَيْكَ مِنَ الْمَاءِ وَ رِجْلَيْكَ إِلَى كَعْبَيْكَ، فَإِنِّي أُبَارِكُ عَلَيْكَ وَ أُوطِئُكَ مَوْطِئاً لَمْ يَطَأْهُ أَحَدٌ غَيْرُكَ، فَهَذَا عِلَّةُ الْأَذَانِ وَ الْوُضُوءِ.

ثُمَّ أَوْحَى اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ: يَا مُحَمَّدُ! اسْتَقْبِلِ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ وَ كَبِّرْنِي عَلَى عَدَدِ حُجُبِي. فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ صَارَ التَّكْبِيرُ سَبْعاً، لِأَنَّ الْحُجُبَ سَبْعٌ، فَافْتَتِحْ عِنْدَ انْقِطَاعِ الْحُجُبِ فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ صَارَ الِافْتِتَاحُ سُنَّةً وَ الْحُجُبُ مُتَطَابِقَةٌ بَيْنَهُنَّ بِحَارُ النُّورِ،

رسول خدا صلى الله عليه وآله به چشمهٔ صاد ـ که آبی است که از پایین عرش جاری می‌شود ـ نزدیک شد و آن حضرت آب را با دست راست بر گرفت و به همین دلیل آب برداشتن برای وضو به دست راست سنّت شد.

پس از آن خدای عزّ و جلّ وحی فرمود که صورت خود را بشوی؛ زیرا تو به بزرگی آثار قدرت من نگاه می‌کنی، سپس دو دست راست و چپ خویش را شست و شو ده؛ زیرا که تو با دست خود کلام مرا برمی‌گیری، و آن گاه با تری ماندهٔ در دو دستت، سر خود و دو پای خویش را تا برآمدگی پا مسح کن، که من برکتی را بر تو فرود می‌آورم و تو را به مقامی می‌رسانم که کسی جز تو به آن جا گام ننهاده است.

بنابر این، علّت و سبب اذان و وضو این است (نه آن چه که مخالفان می‌گویند).

سپس خداوند به آن حضرت وحی فرمود که ای محمّد! رو به حجر الأسود کن و مرا به عدد آسمان‌هایم به بزرگی یاد کن.

و به همین سبب، هفت تکبیر سنّت شد؛ زیرا که شمار آسمان‌ها هفت است. و پس از تمام شدن هفت تکبیر، تکبیر افتتاح را گوی، و به همین علّت تکبیر افتتاح سنّت شد، و آسمان‌ها به یکدیگر متّصلند و در میان آن‌ها دریاهای نور است،

وَ ذَلِكَ النُّورُ الَّذِي أَنْزَلَهُ اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ ﷺ، فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ صَارَ الِافْتِتَاحُ ثَلاَثَ مَرَّاتٍ، لِافْتِتَاحِ الْحُجُبِ ثَلاَثَ مَرَّاتٍ، فَصَارَ التَّكْبِيرُ سَبْعاً وَ الِافْتِتَاحُ ثَلاَثاً، فَلَمَّا فَرَغَ مِنَ التَّكْبِيرِ وَ الِافْتِتَاحِ أَوْحَى اللهُ إِلَيْهِ سَمِّ بِاسْمِي، فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ جُعِلَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ فِي أَوَّلِ السُّورَةِ.

ثُمَّ أَوْحَى اللهُ إِلَيْهِ أَنِ احْمَدْنِي، فَلَمَّا قَالَ: ﴿**الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ**﴾.

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ فِي نَفْسِهِ: «**شُكْراً**».

فَأَوْحَى اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ: قَطَعْتَ حَمْدِي، فَسَمِّ بِاسْمِي.

فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ جُعِلَ فِي الْحَمْدِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ مَرَّتَيْنِ، فَلَمَّا بَلَغَ ﴿**وَ لَا الضَّالِّينَ**﴾.

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «**الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ شُكْراً**».

فَأَوْحَى اللهُ إِلَيْهِ: قَطَعْتَ ذِكْرِي فَسَمِّ بِاسْمِي.

فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ جُعِلَ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فِي أَوَّلِ السُّورَةِ.

ثُمَّ أَوْحَى اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ: اقْرَأْ يَا مُحَمَّدُ! نِسْبَةَ رَبِّكَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ﴿**قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ * اللَّهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ * وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ**﴾.

و این همان نوری است که خداوند (چهار بار، هم چنان که بیان شد) آن را بر محمّد ﷺ نازل فرمود، و به همین دلیل افتتاح سه مرتبه شد، برای این که سه بار درهای آسمان برای نازل شدن نور بر آن حضرت گشوده شد، پس تکبیر هفت بار و افتتاح سه بار تشریع شد، و چون از تکبیر و افتتاح فارغ شد، خداوند به آن حضرت وحی فرمود که مرا به نامم بخوان.

به همین سبب ﴿**بسم اللّٰه الرّحمٰن الرّحیم**﴾ در آغاز سوره قرار داده شد.

سپس وحی فرمود که مرا حمد و سپاس گوی، و چون آن حضرت گفت: ﴿**الحمدللّٰه ربّ العالمین**﴾، در دل خود گفت: «**شکراً**».

خداوند به آن حضرت وحی فرمود که حمد مرا بریدی پس مرا به نامم بخوان، و به همین سبب در سورهٔ حمد، دوبار: ﴿**الرّحمان الرّحیم**﴾ قرار داده شد، و چون به ﴿**ولا الضّالین**﴾ رسید، پیامبر ﷺ فرمود: «**الحمدللّٰه ربّ العالمین شکراً**».

خداوند به او وحی فرمود که ذکر و یاد مرا بریدی. پس مرا به نامم بخوان، و به همین سبب ﴿**بسم اللّٰه الرّحمٰن الرحیم**﴾ در آغاز سوره نیز قرار داده شد.

آن گاه خداوند ﷻ وحی فرمود که ای محمّد! نسبت پروردگار تبارک و تعالی خود را (که سورهٔ ﴿**قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ * اللَّهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ * وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ**﴾ است) بخوان.

ثُمَّ أَمْسَكَ عَنْهُ الْوَحْيَ فَقالَ: رَسُولُ اللهِ ﷺ: «**الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ**».

فَأَوْحَى اللهُ إِلَيْهِ: ﴿**لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ**﴾.

ثُمَّ أَمْسَكَ عَنْهُ الْوَحْيَ فَقالَ: رَسُولُ اللهِ ﷺ «**كَذَلِكَ اللهُ، كَذَلِكَ اللهُ رَبُّنَا**».

فَلَمَّا قَالَ ذَلِكَ، أَوْحَى اللهُ إِلَيْهِ: ارْكَعْ لِرَبِّكَ يَا مُحَمَّدُ!

فَرَكَعَ، فَأَوْحَى اللهُ إِلَيْهِ وَ هُوَ رَاكِعٌ قُلْ: «**سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ**».

فَفَعَلَ ذَلِكَ ثَلاَثاً، ثُمَّ أَوْحَى اللهُ إِلَيْهِ أَنِ ارْفَعْ رَأْسَكَ يَا مُحَمَّدُ!

فَفَعَلَ رَسُولُ اللهِ ﷺ فقَامَ مُنْتَصِباً، فَأَوْحَى اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ أَنِ اسْجُدْ لِرَبِّكَ يَا مُحَمَّدُ!

فَخَرَّ رَسُولُ اللهِ ﷺ سَاجِداً، فَأَوْحَى اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ قُلْ «**سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى**» فَفَعَلَ ذَلِكَ ثَلاَثاً.

ثُمَّ أَوْحَى اللهُ إِلَيْهِ: اسْتَوِ جَالِساً يَا مُحَمَّدُ!

سپس خداوند وحی را از او باز داشت تا این که آن سوره را تا پایان خواند، پس رسول خدا ﷺ فرمود: «**الواحد الأحد الصمد**».

خداوند به او وحی فرمود: ﴿**لم يلد و لم يولد، و لم يكن له كفواً أحد**﴾.

سپس وحی را از او باز داشت. رسول خدا ﷺ فرمود: «**كذلك الله كذلك الله ربّنا**».

چون این کلام را گفت، خداوند به سوی او وحی فرمود که ای محمّد! برای پروردگار خویش رکوع کن.

وقتی رکوع کرد، در حال رکوع به او وحی فرمود که بگو: «**سبحان ربّی العظیم**»، حضرتش سه بار آن را گفت.

سپس خداوند وحی فرمود که ای محمّد! سر خود را بلند کن!

رسول خدا ﷺ راست ایستاد و خداوند به او وحی فرمود که ای محمّد! برای پروردگار خویش سجده کن.

رسول خدا ﷺ به سجده افتاد، و خداوند ﷻ به او وحی فرمود که بگو: «**سبحان ربّی الأعلی**» و آن را نیز سه بار گفت.

پس از آن خداوند به او وحی فرمود که ای محمّد! راست بنشین.

فَفَعَلَ، فَلَمَّا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنْ سُجُودِهِ وَ اسْتَوَى جَالِساً نَظَرَ إِلَى عَظَمَتِهِ تَجَلَّتْ لَهُ، فَخَرَّ سَاجِداً مِنْ تِلْقَاءِ نَفْسِهِ لَا لِأَمْرٍ أُمِرَ بِهِ، فَسَبَّحَ أَيْضاً ثَلاَثاً.

فَأَوْحَى اللهُ إِلَيْهِ انْتَصِبْ قَائِماً، فَفَعَلَ فَلَمْ يَرَ مَا كَانَ رَأَى مِنَ الْعَظَمَةِ. فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ صَارَتِ الصَّلاَةُ رَكْعَةً وَ سَجْدَتَيْنِ.

ثُمَّ أَوْحَى اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ: بِالْحَمْدِ لِلَّهِ.

فَقَرَأَهَا مِثْلَ مَا قَرَأَ أَوَّلاً ثُمَّ أَوْحَى اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ اقْرَأْ ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ﴾ فَإِنَّهَا نِسْبَتُكَ وَ نِسْبَةُ أَهْلِ بَيْتِكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

وَ فَعَلَ فِي الرُّكُوعِ مِثْلَ مَا فَعَلَ فِي الْمَرَّةِ الْأُولَى، ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةً وَاحِدَةً فَلَمَّا رَفَعَ رَأْسَهُ تَجَلَّتْ لَهُ الْعَظَمَةُ فَخَرَّ سَاجِداً مِنْ تِلْقَاءِ نَفْسِهِ لَا لِأَمْرٍ أُمِرَ بِهِ فَسَبَّحَ أَيْضاً.

ثُمَّ أَوْحَى اللهُ إِلَيْهِ: ارْفَعْ رَأْسَكَ يَا مُحَمَّدُ! ثَبَّتَكَ رَبُّكَ.

فَلَمَّا ذَهَبَ لِيَقُومَ قِيلَ: يَا مُحَمَّدُ! اجْلِسْ.

او نیز چنین کرد، و چون سر از سجده برداشت و راست نشست، به عظمت پروردگار ـکه برای او آشکار شدـ نظر کرد و باز از پیش خود ـنه به امر و فرمانیـ به سجده افتاد و سه بار تسبیح گفت.

پس خداوند به او وحی فرمود که راست بایست. چون چنین کرد، آن عظمت را ندید و به همین سبب در نماز (در هر رکعت) یک رکوع و دو سجده مقرّر شد.

آن گاه خدای ﷻ وحی فرمود که سورهٔ حمد را بخوان!

حضرتش همان طوری که بار اوّل خوانده بود آن را خواند.

سپس وحی فرمود که سوره ﴿انّا أنزلناه﴾ را بخوان، زیرا این سوره نسبت تو و اهل بیت تو تا روز قیامت است (یعنی تشخیص امام حق از باطل به تصدیق مضمون این سوره می‌شود).

و در رکوع همان کاری انجام داد که بار اوّل انجام داده بود، و آن گاه یک سجده کرد و چون سر از سجده برداشت، همان عظمت برای او آشکار شد و باز از پیش خود ـنه به امری که به او شده باشدـ به سجده افتاد و تسبیح گفت.

سپس خداوند وحی فرمود که ای محمّد! سر خود را بالا کن، پروردگارت تو را ثابت قدم کرد.

چون خواست بر خیزد، گفته شد: ای محمّد! بنشین.

فَجَلَسَ فَأَوْحَى اللهُ إِلَيْهِ: يَا مُحَمَّدُ! إِذَا مَا أَنْعَمْتُ عَلَيْكَ فَسَمِّ بِاسْمِي، فَأُلْهِمَ أَنْ قَالَ: «**بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى كُلُّهَا لِلَّهِ**».

ثُمَّ أَوْحَى اللهُ إِلَيْهِ: يَا مُحَمَّدُ! صَلِّ عَلَى نَفْسِكَ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ.

فَقالَ: صَلَّى اللهُ عَلَيَّ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِي.

وَ قَدْ فَعَلَ ثُمَّ الْتَفَتَ، فَإِذَا بِصُفُوفٍ مِنَ الْمَلائِكَةِ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ النَّبِيِّينَ فَقِيلَ: يَا مُحَمَّدُ! سَلِّمْ عَلَيْهِمْ.

فَقالَ: «**السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ**».

فَأَوْحَى اللهُ إِلَيْهِ أَنَّ السَّلاَمَ وَ التَّحِيَّةَ وَ الرَّحْمَةَ وَ الْبَرَكَاتِ أَنْتَ وَ ذُرِّيَّتُكَ.

ثُمَّ أَوْحَى اللهُ إِلَيْهِ أَنْ لَا يَلْتَفِتَ يَسَاراً وَ أَوَّلُ آيَةٍ سَمِعَهَا بَعْدَ ﴿**قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ**﴾ وَ ﴿**إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ**﴾ آيَةُ أَصْحَابِ الْيَمِينِ وَ أَصْحَابِ الشِّمَالِ، فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَانَ السَّلاَمُ وَاحِدَةً تُجَاهَ الْقِبْلَةِ وَ مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَانَ التَّكْبِيرُ فِي السُّجُودِ شُكْراً.

حضرتش نشست. خداوند به او وحی فرمود که ای محمّد! هرگاه نعمتی به تو دادم، نام مرا بخوان، و به آن حضرت الهام شد تا این که گفت: «**بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى كُلُّهَا لِلَّهِ**».

آن گاه خداوند وحی فرمود که ای محمّد! بر خود و اهل بیت خود درود فرست.

پیامبر ﷺ چنین کرد و گفت خداوند درود فرستد بر من و بر اهل بیت من.

این کار را انجام داد، سپس (به جانب راست خویش) نگاه کرد و صف‌هایی از فرشتگان، پیامبران و رسولان را دید. به او گفته شد: ای محمّد! بر ایشان سلام کن.

فرمود: «**السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ**» خداوند وحی فرمود که سلام، تحیّت، رحمت و برکات، تو و ذریّه تو می‌باشند.

پس از آن وحی فرمود که به جانب چپ خویش نظر مکن، و نخستین آیه‌ای که بعد از ﴿**قل هو اللّه أحد**﴾ و ﴿**إنّا أنزلناه**﴾ شنید، آیهٔ اصحاب یمین و اصحاب شمال بود و به همین سبب یک سلام به جانب قبله می‌باشد و تکبیر (بعد از سلام نماز) در سجده برای شکر آن نعمت است.

وَ قَوْلُهُ: «سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ»، لِأَنَّ النَّبِيَّ ﷺ سَمِعَ ضَجَّةَ الْمَلاَئِكَةِ بِالتَّسْبِيحِ وَ التَّحْمِيدِ وَ التَّهْلِيلِ. فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ قَالَ «سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» وَ مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ صَارَتِ الرَّكْعَتَانِ الْأُولَيَانِ كُلَّمَا أَحْدَثَ فِيهِمَا حَدَثاً كَانَ عَلَى صَاحِبِهِمَا إِعَادَتُهُمَا.

فَهَذَا الْفَرْضُ الْأَوَّلُ. فِي صَلاَةِ الزَّوَالِ يَعْنِي صَلاَةَ الظُّهْرِ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ رَبِيعِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُسْلِيِّ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سُلَيْمَانَ الْعَامِرِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

لَمَّا عُرِجَ بِرَسُولِ اللهِ ﷺ نَزَلَ بِالصَّلاَةِ عَشْرَ رَكَعَاتٍ رَكْعَتَيْنِ رَكْعَتَيْنِ.

فَلَمَّا وُلِدَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عليهما السلام زَادَ رَسُولُ اللهِ ﷺ سَبْعَ رَكَعَاتٍ شُكْراً لِلَّهِ، فَأَجَازَ اللهُ لَهُ ذَلِكَ وَ تَرَكَ الْفَجْرَ لَمْ يَزِدْ فِيهَا لِضِيقِ وَقْتِهَا، لِأَنَّهُ تَحْضُرُهَا مَلاَئِكَةُ اللَّيْلِ وَ مَلاَئِكَةُ النَّهَارِ، فَلَمَّا أَمَرَهُ اللهُ بِالتَّقْصِيرِ فِي السَّفَرِ وَضَعَ عَنْ أُمَّتِهِ سِتَّ رَكَعَاتٍ وَ تَرَكَ الْمَغْرِبَ لَمْ يَنْقُصْ مِنْهَا شَيْئاً وَ إِنَّمَا يَجِبُ السَّهْوُ فِيمَا زَادَ رَسُولُ اللهِ ﷺ فَمَنْ شَكَّ فِي أَصْلِ الْفَرْضِ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَوَّلَتَيْنِ اسْتَقْبَلَ صَلاَتَهُ.

و این که پیامبر ﷺ فرمود: «**سمع الله لمن حمده**» چون آن حضرت ناله و فریاد فرشتگان را به گفتن «**سبحان الله و الحمدلله و لا اله الّا الله**» شنیده بود، به همین دلیل فرمود: «**سمع الله لمن حمده**» و به همین جهت اگر در دو رکعت اوّل نماز مشکل (و شکّی) واقع شود، بر نمازگزار لازم است که آن را اعاده کند.

از این‌رو این نخستین فرض در نماز زوال بوده است. که مقصود آن حضرت نماز ظهر است.

۲ ـ عبداللّه‌بن سلیمان عامری گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

وقتی که رسول خدا ﷺ به معراج برده شد، ده رکعت نماز با خود آورد که هر نمازی دو رکعت بود، و چون حسن و حسین علیهما السلام متولّد شدند، رسول خدا ﷺ به شکرانه و سپاس خداوند، هفت رکعت بر آن‌ها افزود و خداوند نیز اجازه داد، و فقط نماز صبح را به حال خود گذارد و به علّت تنگی وقت آن، چیزی به آن اضافه نفرمود؛ زیرا فرشتگان شب و فرشتگان روز به هنگام فریضهٔ صبح حاضر می‌شوند، و هنگامی که خداوند به نماز قصر در سفر امر فرمود، شش رکعت را از امّت ساقط کرد و نماز مغرب را واگذارد و از آن چیزی کم نکرد. شکّ و سهو در آن چیزی است که رسول خدا ﷺ افزوده است. پس کسی که در اصل فرض نماز ـ که دو رکعت اوّل هر نماز است ـ شکّ کند، باید نماز خود را از سر گیرد.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ عَائِذٍ الْأَحْمَسِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللهِ علیه‌السلام وَ أَنَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنْ صَلاَةِ اللَّيْلِ فَقُلْتُ: السَّلاَمُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ!

فَقالَ: وَ عَلَيْكَ السَّلاَمُ إِي وَ اللهِ! إِنَّا لَوُلْدُهُ وَ مَا نَحْنُ بِذَوِي قَرَابَتِهِ. ثَلاَثَ مَرَّاتٍ قَالَهَا.

ثُمَّ قالَ مِنْ غَيْرِ أَنْ أَسْأَلَهُ: إِذَا لَقِيتَ اللهَ بِالصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ الْمَفْرُوضَاتِ لَمْ يَسْأَلْكَ عَمَّا سِوَى ذَلِكَ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ السَّرَّاجِ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ قَالَ: ذَكَرْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ علیه‌السلام رَجُلاً مِنْ أَصْحَابِنَا فَأَحْسَنْتُ عَلَيْهِ الثَّنَاءَ.

فَقالَ لِي: كَيْفَ صَلاَتُهُ؟

---

۳ ـ عائذ احمسی گوید: خدمت امام صادق علیه‌السلام شرف‌یاب شدم می‌خواستم از آن حضرت دربارهٔ نماز شب بپرسم. عرض کردم: سلام بر تو ای فرزند رسول خدا!.

فرمود: و سلام بر تو باد، بلی به خدا سوگند !ما فرزندان او هستیم، خویشان او نیستیم.

حضرتش سه بار این سخن را تکرار فرمود. آن گاه پیش از آن که پرسشی کنم، فرمود: هنگامی که خدا را با نمازهای پنج گانه ملاقات کنی، خدای متعال از تو دربارهٔ احکام دیگر سؤال نخواهد فرمود.

۴ ـ هارون بن خارجه گوید: خدمت امام صادق علیه‌السلام در مورد یکی از دوستانم یاد کرده و خوبی‌های او را گفتم.

فرمود: نماز او چطور است؟

۵ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ السَّيَّارِيِّ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ أَبِي قُرَّةَ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: سُئِلَ عَنِ الْخَمْسِينَ وَ الْوَاحِدِ رَكْعَةً.

فَقَالَ: إِنَّ سَاعَاتِ النَّهَارِ اثْنَتَا عَشْرَةَ سَاعَةً وَ سَاعَاتِ اللَّيْلِ اثْنَتَا عَشْرَةَ سَاعَةً وَمِنْ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ سَاعَةٌ، وَ مِنْ غُرُوبِ الشَّمْسِ إِلَى غُرُوبِ الشَّفَقِ غَسَقٌ، وَ لِكُلِّ سَاعَةٍ رَكْعَتَانِ وَ لِلْغَسَقِ رَكْعَةٌ.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ قَالَ قِيلَ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام لِمَ صَارَ الرَّجُلُ يَنْحَرِفُ فِي الصَّلاَةِ إِلَى الْيَسَارِ.

فَقَالَ: لِأَنَّ لِلْكَعْبَةِ سِتَّةَ حُدُودٍ أَرْبَعَةٌ مِنْهَا عَنْ يَسَارِكَ، وَ اثْنَانِ مِنْهَا عَلَى يَمِينِكَ، فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ وَقَعَ التَّحْرِيفُ إِلَى الْيَسَارِ.

٧ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ تَنَفَّلَ مَا بَيْنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ خَمْسَمِائَةِ رَكْعَةٍ فَلَهُ عِنْدَ اللهِ مَا شَاءَ إِلَّا أَنْ يَتَمَنَّى مُحَرَّماً.

---

۵ ـ فضل بن ابی قرّه در روایت مرفوعه‌ای گوید: از امام صادق عليه السلام دربارهٔ علت پنجاه و یک رکعت شدن نمازها پرسیدند.

فرمود: ساعت‌های روز، دوازده ساعت و ساعت‌های شب نیز دوازده ساعت است، و از طلوع فجر صادق تا طلوع آفتاب یک ساعت، و از غروب آفتاب تا غروب سرخی مغرب، تاریکی اوّل شب است. پس برای هر ساعتی، دو رکعت نماز است و برای تاریکی اوّل شب نیز یک رکعت نماز است.

۶ ـ علی بن محمّد در روایت مرفوعه‌ای گوید: به امام صادق عليه السلام گفتند: چرا انسان در نماز به جانب چپ منحرف می‌شود؟

فرمود: برای این که کعبه شش جهت دارد: چهار جهت آن در طرف چپ تو دو جهت آن در طرف راست توست و به همین سبب منحرف شدن به جانب چپ است.

۷ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرکه میان دو جمعه پانصد رکعت نماز نافله بخواند، هر چه بخواهد، نزد خداوند برای او مهیّا است، مگر آن که آرزوی چیزی حرام بنماید.

۸ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ الْعَبْدَ يَقُومُ فَيَقْضِي النَّافِلَةَ فَيُعَجِّبُ الرَّبُّ مَلاَئِكَتَهُ مِنْهُ فَيَقُولُ: يَا مَلاَئِكَتِي! عَبْدِي يَقْضِي مَا لَمْ أَفْتَرِضْ عَلَيْهِ.

۹ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

شَرَفُ الْمُؤْمِنِ صَلاَتُهُ بِاللَّيْلِ، وَ عِزُّ الْمُؤْمِنِ كَفُّهُ عَنْ أَعْرَاضِ النَّاسِ.

۱۰ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

الصَّلاَةُ وُكِّلَ بِهَا مَلَكٌ لَيْسَ لَهُ عَمَلٌ غَيْرُهَا، فَإِذَا فَرَغَ مِنْهَا قَبَضَهَا ثُمَّ صَعِدَ بِهَا، فَإِنْ كَانَتْ مِمَّا تُقْبَلُ قُبِلَتْ وَ إِنْ كَانَتْ مِمَّا لَا تُقْبَلُ قِيلَ لَهُ: رُدَّهَا عَلَى عَبْدِي.

فَيَنْزِلُ بِهَا حَتَّى يَضْرِبَ بِهَا وَجْهَهُ. ثُمَّ يَقُولُ: أُفٍّ لَكَ! مَا يَزَالُ لَكَ عَمَلٌ يَعْنِينِي.

---

۸ ـ عبداللّه بن سنان گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

به راستى كه وقتى بنده بر مى‌خيزد و نماز نافلهٔ خود را قضا مى‌كند؛ پروردگار، فرشتگان خود را از عمل او به شگفت مى‌آورد و مى‌فرمايد: اى فرشتگان من! بنده‌ام چيزى را قضا مى‌كند كه بر او فرض و واجب نكرده‌ام.

۹ ـ عبدالله بن سنان گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

شرافت مؤمن نماز خواندن او به هنگام شب است وعزّت وشُكوه او خودداری از (بين بردن) آبروى مردم است.

۱۰ ـ هارون بن خارجه گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

فرشته‌اى بر نماز گماشته شده كه كارى جز آن ندارد، و آن‌گاه كه نمازگزار نمازش را به پايان رساند، فرشته نماز را برمى‌گيرد و به بالا مى‌برد. اگر از اعمالى باشد كه قبول مى‌شود، پذيرفته خواهد شد، ولى اگر از اعمالى باشد كه قبول نمى‌شود، به آن فرشته گفته مى‌شود: آن را به بنده‌ام باز گردان.

فرشته آن را فرود مى‌آورد تا اين كه آن را به صورت او مى‌زند و مى‌گويد: واى بر تو! هميشه عملى دارى كه مرا آزار مى‌دهد.

۱۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فَقالَ: يَا رَسُولَ اللهِ! أَوْصِنِي.

فَقالَ: لَا تَدَعِ الصَّلاَةَ مُتَعَمِّداً، فَإِنَّ مَنْ تَرَكَهَا مُتَعَمِّداً فَقَدْ بَرِئَتْ مِنْهُ مِلَّةُ الْإِسْلاَمِ.

۱۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ **﴿رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ﴾**.

قَالَ: صَلاَةُ اللَّيْلِ.

۱۳ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ بَعْضِ الطَّالِبِيِّينَ ـ يُلَقَّبُ بِرَأْسِ الْمَدَرِيِّ ـ قَالَ: سَمِعْتُ الرِّضَا عليه السلام يَقُولُ:

أَفْضَلُ مَوْضِعِ الْقَدَمَيْنِ لِلصَّلاَةِ النَّعْلاَنِ.

---

۱۱ ـ قدّاح گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

مردى خدمت پيامبر صلی الله علیه و آله شرف‌ياب شد و عرض كرد: اى رسول خدا! مرا سفارشى بفرماييد.

فرمود: هيچ گاه نماز را از روى عمد ترک مكن؛ زيرا هر كه نماز را از روى عمد ترک نمايد، دين اسلام از او دور مى‌شود.

۱۲ ـ محمّد بن على بن ابى عبداللّه گويد: امام كاظم عليه السلام در مورد تفسير اين آيه كه خداوند عزّ و جلّ مى‌فرمايد: **﴿رهبانيّة ابتدعوها ما كتبناها عليهم الّا ابتغاء رضوان اللّه﴾** فرمود:

منظور از رهبانيّت و رضاى خداى، نماز شب است.

۱۳ ـ رأس المدرى گويد: از امام رضا عليه السلام شنيدم كه مى‌فرمود:

بهترين جاى دو قدم براى نماز، نعلين (عربى) است.

١٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله لِجَبْرَئِيلَ عليه السلام : يَا جَبْرَئِيلُ! أَيُّ الْبِقَاعِ أَحَبُّ إِلَى اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ؟

قَالَ: الْمَسَاجِدُ، وَ أَحَبُّ أَهْلِهَا إِلَى اللهِ أَوَّلُهُمْ دُخُولاً وَ آخِرُهُمْ خُرُوجاً مِنْهَا.

١٥ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُّونٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

مَا مِنْ يَوْمِ سَحَابٍ يَخْفَى فِيهِ عَلَى النَّاسِ وَقْتُ الزَّوَالِ إِلَّا كَانَ مِنَ الْإِمَامِ لِلشَّمْسِ زَجْرَةٌ حَتَّى تَبْدُوَ فَيُحْتَجَّ عَلَى أَهْلِ كُلِّ قَرْيَةٍ مَنِ اهْتَمَّ بِصَلَاتِهِ وَ مَنْ ضَيَّعَهَا.

---

۱۴ ـ جابر گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

رسول خدا صلى الله عليه وآله به جبرئیل عليه السلام فرمود: ای جبرئیل! کدام مکان‌ها نزد خدا محبوب‌تر است؟

عرض کرد: مساجد و محبوب‌ترین اهل مساجد در پیش‌گاه خداوند، کسانی هستند که پیش از همه وارد آن می‌شوند و آخرین افرادی هستند که از آن خارج می‌شوند.

۱۵ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هیچ روز ابری نیست که وقت زوال بر مردم مخفی می‌شود، مگر آن که برای امام معرفتی دقیق برای آفتاب است (که حتّی در روز ابری نیز به الهام الهی وقت زوال را می‌داند) تا آن که آفتاب ظاهر شود. پس امام بر اهل هر قریه‌ای (که امام در آن جاست) احتجاج می‌کند، خواه کسی که نماز خود را در وقت انجام داده باشد و خواه کسی که آن را ضایع کرده باشد.

(۱۰۱)
بَابُ مَسَاجِدِ الْكُوفَةِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُذَافِرٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ أَوْ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ بِالْكُوفَةِ مَسَاجِدَ مَلْعُونَةً وَ مَسَاجِدَ مُبَارَكَةً.

فَأَمَّا الْمُبَارَكَةُ، فَمَسْجِدُ غَنِيٍّ، وَ اللهِ! إِنَّ قِبْلَتَهُ لَقَاسِطَةٌ وَ إِنَّ طِينَتَهُ لَطَيِّبَةٌ، وَ لَقَدْ وَضَعَهُ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ، وَ لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى تَفَجَّرَ مِنْهُ عَيْنَانِ وَ تَكُونَ عِنْدَهُ جَنَّتَانِ، وَ أَهْلُهُ مَلْعُونُونَ وَ هُوَ مَسْلُوبٌ مِنْهُمْ.

وَ مَسْجِدُ بَنِي ظَفَرٍ وَ هُوَ مَسْجِدُ السَّهْلَةِ وَ مَسْجِدٌ بِالْحَمْرَاءِ، وَ مَسْجِدُ جُعْفِيٍّ وَ لَيْسَ هُوَ الْيَوْمَ مَسْجِدَهُمْ. قَالَ: دَرَسَ.

بخش صد و یکم
مساجد کوفه

۱ ـ محمّد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

در کوفه، مساجدی ملعون و مساجدی مبارک است.

مساجد مبارک عبارتند از: مسجد غنی. به خدا سوگند که قبلهٔ آن راست و برابر (کعبه) است و سرشت آن پاکیزه که مردی مؤمن آن را بنا کرده است، و دنیا به پایان نخواهد رسید تا این که دو چشمه از آن بجوشد و در کنار آن، دو باغ به وجود خواهد آمد، و اهل آن مسجد (که امروز در آن نماز می‌گزارند) ملعونند و شرف و مبارکی آن مسجد از آنان گرفته شده است.

مسجد بنی ظفر، که همان مسجد سهله است.

مسجدی که در خمراء [1] است.

مسجد جعفی (که جعفی طائفه‌ای از اهل یمن هستند که در کوفه ساکنند) و امروز دیگر مسجد آنان نیست. و آثار آن بر طرف شده است.

---

۱ ـ خمراء: محلّه‌ای از کوفه می‌باشد.

فَأَمَّا الْمَسَاجِدُ الْمَلْعُونَةُ، فَمَسْجِدُ ثَقِيفٍ وَ مَسْجِدُ الْأَشْعَثِ، وَ مَسْجِدُ جَرِيرٍ وَ مَسْجِدُ سِمَاكٍ، وَ مَسْجِدٌ بِالْحَمْرَاءِ بُنِيَ عَلَى قَبْرِ فِرْعَوْنٍ مِنَ الْفَرَاعِنَةِ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللهِ عَنْ عُبَيْسِ بْنِ هِشَامٍ عَنْ سَالِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

جُدِّدَتْ أَرْبَعَةُ مَسَاجِدَ بِالْكُوفَةِ فَرَحاً لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ عليه السلام: مَسْجِدُ الْأَشْعَثِ وَ مَسْجِدُ جَرِيرٍ وَ مَسْجِدُ سِمَاكٍ وَ مَسْجِدُ شَبَثِ بْنِ رِبْعِيٍّ.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام نَهَى بِالْكُوفَةِ عَنِ الصَّلَاةِ فِي خَمْسَةِ مَسَاجِدَ: مَسْجِدِ الْأَشْعَثِ بْنِ قَيْسٍ وَ مَسْجِدِ جَرِيرِ بْنِ عَبْدِ اللهِ الْبَجَلِيِّ وَ مَسْجِدِ سِمَاكِ بْنِ مَخْرَمَةَ وَ مَسْجِدِ شَبَثِ بْنِ رِبْعِيٍّ وَ مَسْجِدِ التَّيْمِ.

وَ فِي رِوَايَةِ أَبِي بَصِيرٍ: مَسْجِدِ بَنِي السِّيدِ وَ مَسْجِدِ بَنِي عَبْدِ اللهِ بْنِ دَارِمٍ وَ مَسْجِدِ غَنِيٍّ وَ مَسْجِدِ سِمَاكٍ وَ مَسْجِدِ ثَقِيفٍ وَ مَسْجِدِ الْأَشْعَثِ.

و امّا مساجدی که ملعون هستند عبارتند از: مسجد ثقیف، مسجد اشعث، مسجد جریر، مسجد سماک، و مسجدی در خمراء، که بر قبر فرعونی بنا شده است.

۲ ـ سالم گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

به شکرانهٔ شهادت و قتل امام حسین عليه السلام چهار مسجد در کوفه تجدید بنا شد: مسجد اشعث، مسجد جریر، مسجد سماک و مسجد شبث بن ربعی.

۳ ـ یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

امیرمؤمنان علی صلوات الله علیه از نماز خواندن در پنج مسجد کوفه نهی فرمود: مسجد اشعث بن قیس، مسجد جریربن عبدالله بجلی، مسجد سماک بن مخرمه، مسجد شبث بن ربعی و مسجد تیم.

و در روایت ابوبصیر آمده است: مسجد بنی سید، مسجد بنی عبدالله بن دارم، مسجد غنی، مسجد سماک، مسجد ثقیف و مسجد اشعث.

(۱۰۲)
بَابُ فَضْلِ الْمَسْجِدِ الْأَعْظَمِ بِـالْكُوفَةِ وَ فَـضْلِ الصَّـلاَةِ فِـيهِ وَ الْـمَوَاضِـعِ الْمَحْبُوبَةِ فِيهِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللهِ الْخَزَّازِ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:
قَالَ لِي : يَا هَارُونَ بْنَ خَارِجَةَ! كَمْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ ؟ يَكُونُ مِيلاً؟
قُلْتُ: لَا.
قَالَ: فَتُصَلِّي فِيهِ الصَّلَوَاتِ كُلَّهَا؟
قُلْتُ: لَا.
فَقالَ: أَمَا لَوْ كُنْتُ بِحَضْرَتِهِ لَرَجَوْتُ أَلَّا تَفُوتَنِي فِيهِ صَلاَةٌ وَ تَـدْرِي مَـا فَـضْلُ ذَلِكَ الْمَوْضِعِ، مَا مِنْ عَبْدٍ صَالِحٍ وَلَا نَبِيّ إِلَّا وَقَدْ صَلَّى فِي مَسْجِدِ كُوفَانَ حَتَّى إِنَّ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله لَمَّا أَسْرَى اللهُ بِهِ قَالَ لَهُ: جَبْرَئِيلُ عليه السلام: تَدْرِي أَيْنَ أَنْتَ يَا رَسُولَ اللهِ السَّاعَةَ؟ أَنْتَ مُقَابِلُ مَسْجِدِ كُوفَانَ.

بخش صد و دوم
فضیلت مسجد بزرگ کوفه، فضیلت نماز در آن و مکان‌های محبوبی که در آن مسجد است

۱ ـ هارون بن خارجه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
ای هارون بن خارجه!میان تو و مسجد کوفه چه مقدار مسافت است؟ آیا یک میل می‌شود؟
عرض کردم: نه.
فرمود: آیا همهٔ نمازهای خود را در آن جا می‌خوانی؟
عرض کردم: نه.
فرمود: اگر من نزدیک آن مسجد بودم، امید داشتم که یک نماز در آن، از من فوت نشود، آیا می‌دانی فضیلت آن مکان چقدر است؟ هیچ بندهٔ صالحی و هیچ پیامبری نبوده است مگر آن که در مسجد کوفه نماز گزارده است، حتّی رسول خدا صلی الله علیه و آله در شبی که او را به معراج بردند، جبرئیل به آن حضرت عرض کرد: ای رسول خدا! آیا می‌دانی اکنون، در کجایی؟ اکنون مقابل مسجد کوفه هستی.

قَالَ: فَاسْتَأْذِنْ لِي رَبِّي حَتَّى آتِيَهُ فَأُصَلِّيَ فِيهِ رَكْعَتَيْنِ.

فَاسْتَأْذَنَ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ، فَأَذِنَ لَهُ، وَ إِنَّ مَيْمَنَتَهُ لَرَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، وَ إِنَّ وَسَطَهُ لَرَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، وَ إِنَّ مُؤَخَّرَهُ لَرَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، وَ إِنَّ الصَّلاَةَ الْمَكْتُوبَةَ فِيهِ لَتَعْدِلُ أَلْفَ صَلاَةٍ، وَ إِنَّ النَّافِلَةَ فِيهِ لَتَعْدِلُ خَمْسَمِائَةِ صَلاَةٍ، وَ إِنَّ الْجُلُوسَ فِيهِ بِغَيْرِ تِلاَوَةٍ وَ لاَ ذِكْرٍ لَعِبَادَةٌ وَ لَوْ عَلِمَ النَّاسُ مَا فِيهِ لَأَتَوْهُ وَ لَوْ حَبْواً.

قَالَ سَهْلٌ: وَ رَوَى لِي غَيْرُ عَمْرٍو: أَنَّ الصَّلاَةَ فِيهِ لَتَعْدِلُ بِحَجَّةٍ وَ أَنَّ النَّافِلَةَ فِيهِ لَتَعْدِلُ بِعُمْرَةٍ.

۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي يُوسُفَ يَعْقُوبَ بْنِ عَبْدِ اللهِ مِنْ وُلْدِ أَبِي فَاطِمَةَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ زَيْدٍ مَوْلَى عَبْدِ اللهِ بْنِ يَحْيَى الْكَاهِلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ:

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام وَ هُوَ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ. فَقَالَ: السَّلاَمُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ!

فرمود: از پروردگارم رخصت و اجازه بخواه تا بروم و در آن دو رکعت نماز بگزارم.

جبرئیل از خداوند عزّوجلّ اجازه خواست و به او اجازه داد. به راستی که در جانب راست آن باغی از باغ‌های بهشت و در وسط و در پشت آن هر کدام گلشنی از گلشن‌های بهشت است.

و به راستی که نماز واجب در آن، برابر هزار رکعت نماز و نافله در آن برابر با پانصد رکعت نماز است و نشستن در آن مسجد، بدون تلاوت (قرآن) و ذکر عبادت است، و اگر مردم می‌دانستند که آن مکان دارای چه فضیلتی است به سوی آن به راه می‌افتادند، گرچه به صورت سینه خیز باشد.

سهل گوید: راوی دیگری غیر از عمرو برای من روایت کرد که نماز واجب در آن، برابر انجام یک حجّ و نماز نافله برابر انجام یک عمره است.

۲ ـ اسماعیل بن زید گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

مردی خدمت امیر مؤمنان علی صلوات اللّٰه علیه آمد، آن حضرت در مسجد کوفه بود، عرض کرد: السّلام علیك یا امیرالمؤمنین و رحمة اللّٰه و برکاته.

فَرَدَّ عَلَيْهِ فَقالَ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنِّي أَرَدْتُ الْمَسْجِدَ الْأَقْصَى، فَأَرَدْتُ أَنْ أُسَلِّمَ عَلَيْكَ وَ أُوَدِّعَكَ.

فَقالَ لَهُ: وَ أَيَّ شَيْءٍ أَرَدْتَ بِذَلِكَ؟

فَقالَ: الْفَضْلَ، جُعِلْتُ فِدَاكَ!

قَالَ: فَبِعْ رَاحِلَتَكَ وَ كُلْ زَادَكَ وَ صَلِّ فِي هَذَا الْمَسْجِدِ، فَإِنَّ الصَّلاَةَ الْمَكْتُوبَةَ فِيهِ حَجَّةٌ مَبْرُورَةٌ وَ النَّافِلَةَ عُمْرَةٌ مَبْرُورَةٌ، وَ الْبَرَكَةَ فِيهِ عَلَى اثْنَيْ عَشَرَ مِيلاً يَمِينُهُ يُمْنٌ وَ يَسَارُهُ مَكْرٌ وَ فِي وَسَطِهِ عَيْنٌ مِنْ دُهْنٍ وَ عَيْنٌ مِنْ لَبَنٍ وَ عَيْنٌ مِنْ مَاءٍ شَرَابٍ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ عَيْنٌ مِنْ مَاءٍ طُهْرٍ لِلْمُؤْمِنِينَ.

مِنْهُ سَارَتْ سَفِينَةُ نُوحٍ، وَ كَانَ فِيهِ نَسْرٌ وَ يَغُوثُ وَ يَعُوقُ وَ صَلَّى فِيهِ سَبْعُونَ نَبِيّاً وَ سَبْعُونَ وَصِيّاً أَنَا أَحَدُهُمْ ـ وَ قَالَ بِيَدِهِ فِي صَدْرِهِ ـ مَا دَعَا فِيهِ مَكْرُوبٌ بِمَسْأَلَةٍ فِي حَاجَةٍ مِنَ الْحَوَائِجِ إِلَّا أَجَابَهُ اللهُ، وَ فَرَّجَ عَنْهُ كُرْبَتَهُ.

حضرتش پاسخ فرمود. مرد عرض کرد: قربانت گردم! می‌خواستم به مسجد اقصی بروم، آمدم بر شما سلامی کرده و خداحافظی کنم.

حضرتش به او فرمود: برای چه به آن جا می‌روی؟

عرض کرد: فدایت گردم! به خاطر فضیلت آن.

فرمود: مرکب خود را بفروش، توشهٔ خود را بخور و در این مسجد کوفه نماز بخوان، زیرا نماز واجب در آن برابر یک حجّ پذیرفته شده و نماز نافله برابر یک عمره قبول شده است، و تا دوازده میل آن، دارای برکت است. سمت راست آن مبارک است و سمت چپ آن مکر [1]، و در وسط آن، چشمه‌ای از روغن، چشمه‌ای از شیر و چشمه‌ای از آب است که نوشیدنی مؤمنان است، و چشمه‌ای دیگر از آب برای پاکیزگی آنان.

کشتی نوح علیه‌السلام از همان مسجد حرکت کرد، و در آن نسر، یغوث و یعوق بودند، و در آن جا هفتاد پیامبر و هفتاد وصی نمازگزارده‌اند و من یکی از آن‌ها هستم. ـ و با دست مبارک به سینه‌اش اشاره فرمود ـ هیچ اندوهگینی در آن جا حاجتی نطلبد، مگر آن که خداوند حاجت او را اجابت کند و اندوه او را برطرف سازد.

---

۱ ـ در «کتاب وافی» در شرح این فراز آمده است: در سمت چپ مسجد کوفه بازاری بود، که مکر و خدعه در بازار روی می‌دهد. به حدیث بعدی نیز توجّه نمایید.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

نِعْمَ الْمَسْجِدُ مَسْجِدُ الْكُوفَةِ صَلَّى فِيهِ أَلْفُ نَبِيٍّ وَ أَلْفُ وَصِيٍّ وَ مِنْهُ فَارَ التَّنُّورُ وَ فِيهِ نُجِرَتِ السَّفِينَةُ، مَيْمَنَتُهُ رِضْوَانُ اللهِ وَ وَسَطُهُ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَ مَيْسَرَتُهُ مَكْرٌ.

فَقُلْتُ لِأَبِي بَصِيرٍ: مَا يَعْنِي بِقَوْلِهِ مَكْرٌ؟

قَالَ: يَعْنِي مَنَازِلَ السُّلْطَانِ، وَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَقُومُ عَلَى بَابِ الْمَسْجِدِ، ثُمَّ يَرْمِي بِسَهْمِهِ فَيَقَعُ فِي مَوْضِعِ التَّمَّارِينَ فَيَقُولُ: ذَاكَ مِنَ الْمَسْجِدِ، وَ كَانَ يَقُولُ: قَدْ نُقِصَ مِنْ أَسَاسِ الْمَسْجِدِ مِثْلُ مَا نُقِصَ فِي تَرْبِيعِهِ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ شَجَرَةَ عَنْ بَعْضِ وُلْدِ مِيثَمٍ قَالَ:

---

۳ ـ ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

چه خوب مسجدی است مسجد کوفه! در آن جا هزار پیامبر و هزار وصی نماز خوانده‌اند، و از آن جا تنور (در زمان نوح عليه السلام ابتدای طوفان) فوران کرد و در همین مسجد،کشتی معروف نوح عليه السلام ساخته شد، و سمت راست آن رضا و خشنودی الهی است (جای گاه خانهٔ امیر مؤمنان علی و فرزندان آن حضرت عليهم السلام)، وسط آن روضه‌ای از روضه‌های بهشت و سمت چپ آن مکر قرار گرفته است.

راوی گوید: به ابوبصیر گفتم: مقصود آن حضرت از مکر چیست؟

گفت: خانه‌های سلطان و پادشاه است و امیر مؤمنان علی عليه السلام همواره کنار درِ مسجد می‌ایستاد و تیری رها می‌کرد که در محلّ خرما فروشان می‌افتاد.

سپس می‌فرمود: تا آن جا جزو مسجد است.

هم چنین می‌فرمود: از اساس و بنیان مسجد کم شده، آن سان که از چهار گوشه آن کم شده است.

۴ ـ یکی از فرزندان میثم (تمّار) گوید:

كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يُصَلِّي إِلَى الْأُسْطُوَانَةِ السَّابِعَةِ مِمَّا يَلِي أَبْوَابَ كِنْدَةَ وَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ السَّابِعَةِ مِقْدَارُ مَمَرِّ عَنْزٍ.

۵ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ قَالَ: وَ حَدَّثَنِي غَيْرُهُ:

أَنَّهُ كَانَ يَنْزِلُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ سِتُّونَ أَلْفَ مَلَكٍ يُصَلُّونَ عِنْدَ السَّابِعَةِ، ثُمَّ لَا يَعُودُ مِنْهُمْ مَلَكٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ السِّمْطِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

إِذَا دَخَلْتَ مِنَ الْبَابِ الثَّانِي فِي مَيْمَنَةِ الْمَسْجِدِ فَعُدَّ خَمْسَ أَسَاطِينَ ثِنْتَيْنِ مِنْهَا فِي الظِّلَالِ وَ ثَلَاثَةً فِي الصَّحْنِ، فَعِنْدَ الثَّالِثَةِ مُصَلَّى إِبْرَاهِيمَ عليه السلام وَ هِيَ الْخَامِسَةُ مِنَ الْحَائِطِ.

قَالَ: فَلَمَّا كَانَ أَيَّامُ أَبِي الْعَبَّاسِ دَخَلَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام مِنْ بَابِ الْفِيلِ فَتَيَاسَرَ حِينَ دَخَلَ مِنَ الْبَابِ فَصَلَّى عِنْدَ الْأُسْطُوَانَةِ الرَّابِعَةِ وَ هِيَ بِحِذَاءِ الْخَامِسَةِ.

همواره امیر مؤمنان علی عليه السلام در نزدیکی ستون هفتم ـکه نزدیک درهای کنده است ـ نماز می‌گزارد، در حالی که فاصلهٔ میان آن حضرت و ستون هفتم به اندازه عبور یک بز بود.

۵ ـ ابن اسباط گوید: فردی دیگری این‌گونه روایت کرد.

هر شب شصت هزار فرشته فرود می‌آیند و در کنار ستون هفتم نماز می‌گزارند و تا روز قیامت هیچ کدام از آن فرشتگان باز نمی‌گردند.

۶ ـ سفیان بن سمط گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر گاه از در دوم در سمت راست مسجد وارد شدی، پنج ستون بشمار، دو ستون در سایه و سه ستون در حیاط مسجد، سومین ستون ـکه پنجمین ستون از سمت راست مسجد است ـ محلّ نماز ابراهیم عليه السلام است.

راوی گوید: در ایّام خلافت ابوالعباس (سفّاح، اوّلین خلیفهٔ عبّاسی) امام صادق عليه السلام از باب الفیل وارد مسجد شد و به جانب چپ روانه گشت و در کنار چهارمین ستون ـکه در برابر پنجمین ستون است ـ نماز گزارد.

فَقُلْتُ: أَفَتِلْكَ أُسْطُوَانَةُ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام؟

فَقالَ لِي: نَعَمْ.

۷ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلٍ عَنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

الْأُسْطُوَانَةُ السَّابِعَةُ مِمَّا يَلِي أَبْوَابَ كِنْدَةَ فِي الصَّحْنِ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام وَ الْخَامِسَةُ مَقَامُ جَبْرَئِيلَ عليه السلام.

۸ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ السَّرَّاجِ قَالَ: قَالَ مُعَاوِيَةُ بْنُ وَهْبٍ ـ وَ أَخَذَ بِيَدِي ـ وَ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو حَمْزَةَ ـ وَ أَخَذَ بِيَدِي ـ قَالَ: وَ قَالَ لِي الْأَصْبَغُ بْنُ نُبَاتَةَ، وَ أَخَذَ بِيَدِي، فَأَرَانِي الْأُسْطُوَانَةَ السَّابِعَةَ فَقالَ:

هَذَا مَقَامُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صلوات الله عليه.

قَالَ: وَ كَانَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عليهما السلام يُصَلِّي عِنْدَ الْخَامِسَةِ، فَإِذَا غَابَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام صَلَّى فِيهَا الْحَسَنُ عليه السلام وَ هِيَ مِنْ بَابِ كِنْدَةَ.

عرض کردم: آیا آن ستون، ستون ابراهیم عليه السلام است؟

فرمود: آری.

۷ـ ابن اسباط در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

ستون هفتم که در نزدیکی درهای کنده در حیاط مسجد است، مقام ابراهیم عليه السلام و پنجمین ستون، مقام جبرئیل عليه السلام است.

۸ـ ابو اسماعیل سراج گوید: معاوية بن وهب دست مرا گرفت و گفت: ابوحمزه دست مرا گرفت و گفت: اصبغ بن نباته دست مرا گرفت وهفتمین ستون را به من نشان داد و گفت: این مقام امیر مؤمنان علی عليه السلام است.

راوی گوید: امام حسن مجتبی عليه السلام همواره در کنار پنجمین ستون نماز می‌گزارد، و هر گاه امیر مؤمنان عليه السلام حضور نداشت، در کنار هفتمین ستون ـ که از در کنده است ـ نماز می‌گزارد (یعنی میان این هفتمین ستون و دری که در کنار کوچه کنده است، شش ستون فاصله است).

۹ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السِّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَانِ الْحَذَّاءِ عَنْ أَبِي أُسَامَةَ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
مَسْجِدُ كُوفَانَ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، صَلَّى فِيهِ أَلْفُ نَبِيٍّ وَ سَبْعُونَ نَبِيّاً وَ مَيْمَنَتُهُ رَحْمَةٌ وَ مَيْسَرَتُهُ مَكْرٌ، فِيهِ عَصَا مُوسَى وَ شَجَرَةُ يَقْطِينٍ وَ خَاتَمُ سُلَيْمانَ، وَ مِنْهُ فَارَ التَّنُّورُ وَ نُجِرَتِ السَّفِينَةُ، وَ هِيَ صُرَّةُ بَابِلَ وَ مَجْمَعُ الْأَنْبِيَاءِ عليهم السلام.

(۱۰۳)

بَابُ مَسْجِدِ السَّهْلَةِ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ أَبَانٍ قَالَ: دَخَلْنَا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فَسَأَلَنَا أَ فِيكُمْ أَحَدٌ عِنْدَهُ عِلْمُ عَمِّي زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ ؟

---

۹ ـ ابوعبیده گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:
مسجد کوفه، باغی از باغ‌های بهشت است که در آن جا هزار و هفتاد پیامبر نماز خوانده‌اند. سمت راست آن رحمت، سمت چپ آن مکر است. عصای موسی عليه السلام، گیاه کدو [1] و انگشتر سلیمان عليه السلام در آن مسجد است. و از آن جا تنور (در زمان نوح عليه السلام ابتدای طوفان) فوران کرد و در همین مسجد کشتی معروف نوح عليه السلام ساخته شد و همان بلندترین مکان بابل و محلّ اجتماع پیامبران عليهم السلام بوده است.

بخش صد و سوم
فضیلت مسجد سهله

۱ ـ عبداللّه بن ابان گوید: خدمت امام صادق عليه السلام شرف‌یاب شدیم. حضرتش از ما پرسید: آیا در میان شما کسی هست که از عمویم زیدبن علی (که در کوفه کشته شد) خبری دهد؟

---

۱ ـ که در سورهٔ صافّات آیه ۱۴۶ ذکر آن شده است.

فَقالَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ: أَنَا عِنْدِي عِلْمٌ مِنْ عِلْمِ عَمِّكَ، كُنَّا عِنْدَهُ ذَاتَ لَيْلَةٍ فِي دَارِ مُعَاوِيَةَ بْنِ إِسْحَاقَ الْأَنْصَارِيِّ إِذْ قَالَ: انْطَلِقُوا بِنَا نُصَلِّي فِي مَسْجِدِ السَّهْلَةِ.

فَقالَ: أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام وَ فَعَلَ.

فَقالَ: لَا جَاءَهُ أَمْرٌ فَشَغَلَهُ عَنِ الذَّهَابِ.

فَقالَ: أَمَا وَ اللهِ! لَوْ أَعَاذَ اللهَ بِهِ حَوْلاً لَأَعَاذَهُ، أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّهُ مَوْضِعُ بَيْتِ إِدْرِيسَ النَّبِيِّ عليه السلام. وَ الَّذِي كَانَ يَخِيطُ فِيهِ، وَ مِنْهُ سَارَ إِبْرَاهِيمُ عليه السلام إِلَى الْيَمَنِ بِالْعَمَالِقَةِ، وَ مِنْهُ سَارَ دَاوُدُ عليه السلام إِلَى جَالُوتَ، وَ إِنَّ فِيهِ لَصَخْرَةً خَضْرَاءَ، فِيهَا مِثَالُ كُلِّ نَبِيٍّ وَ مِنْ تَحْتِ تِلْكَ الصَّخْرَةِ أُخِذَتْ طِينَةُ كُلِّ نَبِيٍّ، وَ إِنَّهُ لَمُنَاخُ الرَّاكِبِ.

قِيلَ: وَ مَنِ الرَّاكِبُ؟

قَالَ: الْخَضِرُ عليه السلام.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عُثْمانَ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي الْأَسْوَدِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام وَ ذَكَرَ مَسْجِدَ السَّهْلَةِ فَقالَ:

مردی عرض کرد: من خبری از عمویت دارم. شبی در خانه معاویة بن اسحاق انصاری در کنار او بودیم که به ما گفت: بیایید به مسجد سهله برویم و در آن جا نماز بگزاریم.

امام صادق عليه السلام فرمود: آیا این کار را انجام داد؟

عرض کرد: نه، چون کاری پیش آمد و از رفتن باز ماند.

فرمود: به خدا سوگند! اگر او برای مدّت یک سال به آن مسجد پناه برده بود، خداوند او را در پناه خود می‌گرفت. آیا نمی‌دانی که آنجا خانۀ ادریس پیامبر عليه السلام بوده است که در آن خیاطی می‌کرد، و از همان جا که ابراهیم عليه السلام به سوی عمالقه (که در یمن می‌زیستند و کافر بودند) خروج کرد، و از آن جا داوود عليه السلام بر جالوت قیام کرد. در آن مسجد سنگ سبز رنگی است که صورت هر پیامبری بر آن نقش بسته است، و از زیر آن سنگ سرشت هر پیامبری برداشته شده است. این مسجد جای خوابانیدن شتر آن مرد سوار است.

پرسیدند: آن مرد سوار کیست؟

فرمود: خضر عليه السلام است.

۲ ـ صالح بن ابی الأسود گوید: امام صادق عليه السلام سخن از مسجد سهله به میان آورد و فرمود:

أَمَا إِنَّهُ مَنْزِلُ صَاحِبِنَا إِذَا قَامَ بِأَهْلِهِ.

۳ ـ عَنْهُ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ بَكْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ سَعِيدٍ الْخَزَّازِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ:

بِالْكُوفَةِ مَسْجِدٌ يُقَالُ لَهُ: مَسْجِدُ السَّهْلَةِ، لَوْ أَنَّ عَمِّي زَيْداً أَتَاهُ فَصَلَّى فِيهِ وَ اسْتَجَارَ اللهَ لَأَجَارَهُ عِشْرِينَ سَنَةً فِيهِ مُنَاخُ الرَّاكِبِ وَ بَيْتُ إِدْرِيسَ النَّبِيِّ عليه السلام، وَ مَا أَتَاهُ مَكْرُوبٌ قَطُّ، فَصَلَّى فِيهِ بَيْنَ الْعِشَاءَيْنِ وَ دَعَا اللهَ إِلَّا فَرَّجَ اللهُ كُرْبَتَهُ.

وَ رُوِيَ: أَنَّ مَسْجِدَ السَّهْلَةِ حَدُّهُ إِلَى الرَّوْحَاءِ.

هَذَا آخِرُ كِتَابِ الصَّلاَةِ مِنْ كِتَابِ «الْكَافِي» لِلشَّيْخِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ الْكُلَيْنِيِّ رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، وَ يَتْلُوهُ كِتَابُ الزَّكَاةِ.

آن مسجد، جای فرود آمدن صاحب ما (حضرت مهدی عجل اللّه تعالی فرجه الشریف) و خاندان اوست آن‌گاه که قیام کند.

۳ ـ عبدالرحمان‌بن سعید خزّاز گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

در کوفه مسجدی است که به آن مسجد سهله گویند. اگر عمویم زید به آن مسجد می‌آمد و نماز می‌گزارد و از خداوند پناه و امان می‌خواست، خداوند او را بیست سال در پناه خود می‌گرفت و امان می‌داد.

آن مسجد، جای خوابانیدن شتر آن سوار (خضر عليه السلام) و خانهٔ ادریس پیامبر عليه السلام است. هیچ اندوهگینی به آن مسجد نیاید که بین نماز مغرب و عشا نمازگزارد و خدا را فراخواند، مگر آن که خداوند اندوه او را بر طرف سازد.

و روایت شده است: حدّ مسجد سهله تا روحاء بوده است [1].

این پایان کتاب نماز ازکتاب شریف «کافی» شیخ ابو جعفر محمّد بن یعقوب کلینی رحمه الله می‌باشد. کتاب بعدی، کتاب زکات است.

---

۱ ـ یعنی مسجد سهله در گذشته از حال وسیع‌تر بوده است.

كِتَابُ

الزَّكَاةِ

کتاب

زکات

(۱)
بَابُ فَرْضِ الزَّكَاةِ وَ مَا يَجِبُ فِي الْمَالِ مِنَ الْحُقُوقِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ؛ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ أَنَّهُمَا قَالا لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

أَ رَأَيْتَ قَوْلَ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللهِ﴾ أَ كُلُّ هَؤُلاءِ يُعْطَى وَ إِنْ كَانَ لا يَعْرِفُ؟

فَقَالَ: إِنَّ الْإِمَامَ يُعْطِي هَؤُلاءِ جَمِيعاً، لِأَنَّهُمْ يُقِرُّونَ لَهُ بِالطَّاعَةِ.

قالَ: قُلْتُ: فَإِنْ كَانُوا لا يَعْرِفُونَ.

فَقالَ: يَا زُرَارَةُ! لَوْ كَانَ يُعْطِي مَنْ يَعْرِفُ دُونَ مَنْ لا يَعْرِفُ لَمْ يُوجَدْ لَهَا مَوْضِعٌ، وَ إِنَّمَا يُعْطِي مَنْ لا يَعْرِفُ لِيَرْغَبَ فِي الدِّينِ فَيَثْبُتَ عَلَيْهِ، فَأَمَّا الْيَوْمَ فَلا تُعْطِهَا أَنْتَ وَ أَصْحَابُكَ إِلّا مَنْ يَعْرِفُ، فَمَنْ وَجَدْتَ مِنْ هَؤُلاءِ الْمُسْلِمِينَ عَارِفاً فَأَعْطِهِ دُونَ النَّاسِ.

بخش یکم
وجوب زکات و حقوق واجب اموال

۱ ـ زراره و محمّدبن مسلم گویند: به امام صادق علیه السلام گفتیم: نظر شما در مورد این آیه شریفه که می‌فرماید: «زکات فقط از آنِ تنگدستان، مستمندان و مأموران آن و برای الفت دل‌ها و آزادی بردگان و مصرف در راه خدا، درماندگان در سفر می‌باشد، فرمان واجبی از جانب خداوند است» چیست؟ آیا باید به تمام این طبقات نامبرده زکات بپردازند، گرچه مقام شما را نمی‌شناسند؟

فرمود: ای زراره! امام زمان همهٔ این طبقات را بهره‌مند می‌سازد، زیرا به طاعت او التزام دارند.

گفتم: با آن که مقام او را به رسمیّت نمی‌شناسند؟

فرمود: اگر به شیعیان مُعْتَرِف بپردازد و از منکران امامت دریغ کند، زکات فریضه بی محل می‌ماند. باید به منکران امامت بدهد تا به اصل امامت دلگرم شوند و ثابت قدم بمانند. امّا امروز، تو و یارانت فقط کسانی را از زکات فریضه بهره‌مند بسازید که عارف و آشنا باشند.

ثُمَّ قالَ: سَهْمُ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ سَهْمُ الرِّقَابِ عَامٌّ وَ الْبَاقِي خَاصٌّ .

قالَ: قُلْتُ: فَإِنْ لَمْ يُوجَدُوا؟

قالَ: لا تَكُونُ فَرِيضَةٌ فَرَضَهَا اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ لا يُوجَدُ لَهَا أَهْلٌ .

قالَ: قُلْتُ: فَإِنْ لَمْ تَسَعْهُمُ الصَّدَقَاتُ؟

فَقالَ: إِنَّ اللهَ فَرَضَ لِلْفُقَرَاءِ فِي مَالِ الْأَغْنِيَاءِ مَا يَسَعُهُمْ، وَ لَوْ عَلِمَ أَنَّ ذَلِكَ لا يَسَعُهُمْ لَزَادَهُمْ إِنَّهُمْ لَمْ يُؤْتَوْا مِنْ قِبَلِ فَرِيضَةِ اللهِ، وَ لَكِنْ أُتُوا مِنْ مَنْعِ مَنْ مَنَعَهُمْ حَقَّهُمْ لا مِمَّا فَرَضَ اللهُ لَهُمْ، وَ لَوْ أَنَّ النَّاسَ أَدَّوْا حُقُوقَهُمْ لَكَانُوا عَائِشِينَ بِخَيْرٍ.

۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ قالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

آن‌گاه حضرت فرمود: سهمی که برای اُلفت دل‌ها و آزادی بردگان معیّن گشته، مردم نامسلمان را نیز شامل می‌شود، اما سایر سهام نامبرده ویژهٔ مسلمانان است.

گفتم: اگر سهام مسلمانان بی محل بماند و کسی یافت نشود، تکلیف زکات فریضه چه می‌شود؟

فرمود: خداوند عزّوجلّ فریضه‌ای را بدون مورد و بدون مصرف واجب نمی‌کند.

گفتم: پس اگر سهام مسلمانان نارسا درآید و زکات فریضه جواب‌گوی مصارف آنان نباشد، تکلیف امام زمان چه خواهد بود؟

فرمود: خداوند عزّوجلّ زکات فریضه را در اموال دولتمندان به میزان حاجت مستمندان مقرّر کرد. اگر خدا می‌دانست که میزان فریضه، حاجت مستمندان را کفایت نمی‌کند، بر آن می‌افزود. این بی‌نوایی که در طبقات مستمندان می‌بینی از خیانت دولتمندان است که زکات فریضه را نمی‌پردازند، نه از نارسایی میزان زکات. اگر مردم حق زکات را بپردازند، مستمندان از خیر دنیا بهره‌مند می‌شوند.

۲ ـ عبدالله‌بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

لَمَّا أُنْزِلَتْ آيَةُ الزَّكَاةِ: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوٰالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهٰا﴾ وَ أُنْزِلَتْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، فَأَمَرَ رَسُولُ اللهِ ﷺ مُنَادِيَهُ فَنَادَى فِي النَّاسِ أَنَّ اللهَ فَرَضَ عَلَيْكُمُ الزَّكَاةَ، كَمَا فَرَضَ عَلَيْكُمُ الصَّلاةَ.

فَفَرَضَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِمْ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ، وَ فَرَضَ الصَّدَقَةَ مِنَ الْإِبِلِ وَالْبَقَرِ وَ الْغَنَمِ، وَ مِنَ الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّبِيبِ، فَنَادَى فِيهِمْ بِذَلِكَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ عَفَا لَهُمْ عَمَّا سِوَى ذَلِكَ.

قالَ: ثُمَّ لَمْ يَفْرِضْ لِشَيْءٍ مِنْ أَمْوَالِهِمْ حَتَّى حَالَ عَلَيْهِمُ الْحَوْلُ مِنْ قَابِلٍ فَصَامُوا وَ أَفْطَرُوا، فَأَمَرَ مُنَادِيَهُ فَنَادَى فِي الْمُسْلِمِينَ: أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ! زَكُّوا أَمْوَالَكُمْ تُقْبَلْ صَلاتُكُمْ.

قالَ: ثُمَّ وَجَّهَ عُمَّالَ الصَّدَقَةِ وَ عُمَّالَ الطَّسُوقِ.

هنگامی این آیه در ماه مبارک رمضان نازل شد و به رسول خدا ﷺ فرمان داد که: «از اموال مردم زکات فریضه دریافت کن که آنان را پاک و وارسته سازی». رسول خدا ﷺ ندا دهندهٔ خود را فراخواند و فرمود تا در مجامع مردم فریاد زند: «ای مردم! خداوند زکات را مانند نماز، فرض و واجب کرد.

پس خداوند مقرّر کرد که از طلا، نقره، شتر، گاو، گوسفند، گندم، جو، خرما و کشمش، زکات بپردازند.

رسول خدا ﷺ فرائض نُه‌گانه زکات را در ماه مبارک رمضان اعلام کرد و سایر خواسته‌ها را از پرداخت زکات فریضه معاف دانست.

رسول خدا ﷺ در آن سال، از اموال مردم چیزی نخواست و چون یک سال گذشت و سال بعد را روزه گرفتند و افطار کردند، رسول خدا ﷺ منادی خود را فراخواند تا در میان مردم فریاد بزند: ای مسلمانان! اموال خود را با پرداخت زکات فریضه پیراسته سازید تا نماز شما مورد پذیرش قرار بگیرد.

حضرتش فرمود: در این هنگام رسول خدا ﷺ مأمورین زکات را به مراتع و آبادی‌ها گسیل فرمود.

٣ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمانَ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يَقُولُ:
مَا فَرَضَ اللهُ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ شَيْئاً أَشَدَّ عَلَيْهِمْ مِنَ الزَّكَاةِ، وَ فِيهَا تَهْلِكُ عَامَّتُهُمْ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ وَ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:
إِنَّ اللهَ جَلَّ وَ عَزَّ جَعَلَ لِلْفُقَرَاءِ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ مَا يَكْفِيهِمْ، وَ لَوْ لا ذَلِكَ لَزَادَهُمْ، وَ إِنَّمَا يُؤْتَوْنَ مِنْ مَنْعِ مَنْ مَنَعَهُمْ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ أَبِي بَصِيرٍ وَ بُرَيْدٍ وَ فُضَيْلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام وَ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالا:
فَرَضَ اللهُ الزَّكَاةَ مَعَ الصَّلاةِ.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ مُبَارَكٍ الْعَقَرْقُوفِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام:

---

۳ ـ رفاعه گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:
خداوند بر این اُمّت فریضه‌ای را سخت‌تر از زکات واجب نکرده است، و به خاطر همین حکم عموم آن‌ها هلاک خواهند شد.

۴ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند عزّوجلّ برای مستمندان، حقّی در اموال دولتمندان مقرّر کرد که نیاز آنان را برآورده سازد. اگر این حقِّ مقرّر، در حد کفایت نبود، بی تردید بر آن می‌افزود. تیره روزی مستمندان فقط از عدم پرداخت زکات دولتمندان است.

۵ ـ محمّدبن مسلم، ابوبصیر، برید و فضیل گویند: امام باقر عليه السلام و امام صادق عليه السلام فرمودند:
خداوند، زکات را در کنار نماز، فرض و واجب کرد.

۶ ـ مبارک عقرقوفی گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

إِنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَضَعَ الزَّكَاةَ قُوتاً لِلْفُقَرَاءِ وَ تَوْفِيراً لِأَمْوَالِكُمْ.

۷ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَرَضَ الزَّكَاةَ كَمَا فَرَضَ الصَّلاةَ، وَ لَوْ أَنَّ رَجُلاً حَمَلَ الزَّكَاةَ فَأَعْطَاهَا عَلانِيَةً لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ فِي ذَلِكَ عَيْبٌ.

وَ ذَلِكَ أَنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ لِلْفُقَرَاءِ مَا يَكْتَفُونَ بِهِ الْفُقَرَاءُ، وَ لَوْ عَلِمَ أَنَّ الَّذِي فَرَضَ لَهُمْ لا يَكْفِيهِمْ لَزَادَهُمْ، وَ إِنَّمَا يُؤْتَى الْفُقَرَاءُ فِيمَا أُتُوا مِنْ مَنْعِ مَنْ مَنَعَهُمْ حُقُوقَهُمْ لا مِنَ الْفَرِيضَةِ.

۸ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

خداوند عزّوجلّ زکات فریضه را مقرّر کرد تا زاد و توشه مستمندان و برکت اموال شما باشد.

۷ـ عبداللّه بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

خداوند عزّوجلّ زکات را فرض و لازم کرد، همان گونه که نماز را فرض و لازم کرد. اگر کسی زکات فریضه را بر دوش بگیرد تا به صورت آشکار به امام زمان بپردازد، عیب و ملامتی بر او وارد نیست، زیرا خداوند عزّوجلّ در اموال دولتمندان نصابی مقرّر کرد که نیازمندان را کفایت کند و اگر می‌دانست که این نصاب مقرّر، در حد کفایت آنان نیست، بر آن می‌افزود. از این رو، بی‌نوایی مستمندان از عدم پرداخت زکات به وسیلهٔ دولتمندان است نه از نارسایی میزان زکات.

۸ـ سماعة بن مهران گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَرَضَ لِلْفُقَرَاءِ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ فَرِيضَةً لا يُحْمَدُونَ إِلّا بِأَدَائِهَا وَ هِيَ الزَّكَاةُ بِهَا حَقَنُوا دِمَاءَهُمْ وَ بِهَا سُمُّوا مُسْلِمِينَ، وَ لَكِنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ حُقُوقاً غَيْرَ الزَّكَاةِ.

فَقالَ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿وَ الَّذِينَ فِي أَمْوالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ﴾.

فَالْحَقُّ الْمَعْلُومُ مِنْ غَيْرِ الزَّكَاةِ وَ هُوَ شَيْءٌ يَفْرِضُهُ الرَّجُلُ عَلَى نَفْسِهِ فِي مَالِهِ يَجِبُ عَلَيْهِ أَنْ يَفْرِضَهُ عَلَى قَدْرِ طَاقَتِهِ وَ سَعَةِ مَالِهِ، فَيُؤَدِّي الَّذِي فَرَضَ عَلَى نَفْسِهِ إِنْ شَاءَ فِي كُلِّ يَوْمٍ، وَ إِنْ شَاءَ فِي كُلِّ جُمْعَةٍ وَ إِنْ شَاءَ فِي كُلِّ شَهْرٍ.

وَ قَدْ قَالَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَيْضاً: ﴿أَقْرِضُوا اللهَ قَرْضاً حَسَناً﴾ وَ هَذَا غَيْرُ الزَّكَاةِ.

وَ قَدْ قَالَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَيْضاً: ﴿يُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ عَلانِيَةً﴾.

وَ الْمَاعُونَ أَيْضاً، وَ هُوَ الْقَرْضُ يُقْرِضُهُ وَ الْمَتَاعُ يُعِيرُهُ، وَ الْمَعْرُوفُ يَصْنَعُهُ، وَ مِمَّا فَرَضَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَيْضاً فِي الْمَالِ مِنْ غَيْرِ الزَّكَاةِ، قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ﴾.

به راستی خداوند متعال برای فقیران در دارایی ثروتمندان حقّ واجبی قرار داده که فقط با پرداخت آن مورد ستایش قرار می‌گیرند و آن زکات است، که به وسیلهٔ آن خونشان محفوظ و مسلمان نامیده می‌شوند؛ ولی خداوند متعال در دارایی ثروتمندان حقوقی دیگر ـجز زکات ـ واجب نموده است، آن‌جا که می‌فرماید: «و کسانی که در اموالشان حقّ معیّنی برای دریوزگان و محرومان اجتماع است».

بنابر این، حق معیّن غیر از زکات است و آن چیزی است که انسان بر خود لازم می‌نماید که از دارایی خود به اندازه توان و وسعت مالش به محرومان و فقیران جامعه به دلخواه خود هر روز، هر هفته و هر ماه بپردازد.

خداوند ﷻ در آیه دیگری می‌فرماید: «به خداوند قرض نیکویی بدهند».

این غیر از زکات است. هم چنین خداوند ﷻ می‌فرماید: «آنان از آن‌چه خداوند به آنان روزی کرده در نهان و آشکار انفاق می‌کنند».

هم چنین است «ماعون» و آن پرداخت قرض، امانت دادن کالا و کار نیکی است که انسان در حق کسی انجام می‌دهد.

هم چنین از آن‌چه خداوند ـغیر از زکات ـ فرض کرده است. در این آیه است که می‌فرماید: «کسانی پیوند می‌دهند به آن‌چه خداوند دستور به پیوند آن داده است».

وَ مَنْ أَدَّى مَا فَرَضَ اللهُ عَلَيْهِ فَقَدْ قَضَى مَا عَلَيْهِ، وَ أَدَّى شُكْرَ مَا أَنْعَمَ اللهُ عَلَيْهِ فِي مَالِهِ إِذَا هُوَ حَمِدَهُ عَلَى مَا أَنْعَمَ اللهُ عَلَيْهِ فِيهِ مِمَّا فَضَّلَهُ بِهِ مِنَ السَّعَةِ عَلَى غَيْرِهِ وَ لِمَا وَفَّقَهُ لِأَدَاءِ مَا فَرَضَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ وَ أَعَانَهُ عَلَيْهِ.

۹ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام وَ مَعَنَا بَعْضُ أَصْحَابِ الْأَمْوَالِ فَذَكَرُوا الزَّكَاةَ.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام: إِنَّ الزَّكَاةَ لَيْسَ يُحْمَدُ بِهَا صَاحِبُهَا، وَ إِنَّمَا هُوَ شَيْءٌ ظَاهِرٌ، إِنَّمَا حَقَنَ بِهَا دَمَهُ وَ سُمِّيَ بِهَا مُسْلِماً، وَ لَوْ لَمْ يُؤَدِّهَا لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ، وَ إِنَّ عَلَيْكُمْ فِي أَمْوَالِكُمْ غَيْرَ الزَّكَاةِ.

فَقُلْتُ: أَصْلَحَكَ اللهُ! وَ مَا عَلَيْنَا فِي أَمْوَالِنَا غَيْرُ الزَّكَاةِ؟

و هرکه فرض خدا را ادا کند به واقع آن‌چه بر عهدهٔ او بوده انجام داده است و نعمت‌هایی را که خداوند در اموالش بر او ارزانی داشته شکر و سپاسگزاری کرده است؛ آن‌گاه که خدا را در نعمت‌هایی که بر او ارزانی داشته، او را با وسعت روزی بر دیگران برتری داده و به ادای فرض خدا توفیق داده و از او یاری نموده؛ سپاس گفته است.

۹ ـ ابوبصیر گوید: با عدّه‌ای از ثروتمندان در حضور امام صادق عليه السلام شرف حضور داشتیم، سخن از زکات به میان آمد.

امام صادق عليه السلام فرمود: پرداخت کنندهٔ زکات مورد ستایش قرار نمی‌گیرد، چرا که حکم آشکاری است که با پرداخت آن خون او حفظ و مسلمان نامیده می‌شود و اگر کسی نپردازد، نماز از او پذیرفته نمی‌شود. همانا در دارایی شما حقوق دیگری غیر از زکات است.

عرض کردم: خداوند کارهای شما را اصلاح فرماید! جز زکات چه حقوقی در دارایی ماست؟

فَقالَ: سُبْحَانَ اللهِ! أَ مَا تَسْمَعُ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: ﴿وَ الَّذِينَ فِي أَمْوالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ * لِلسّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ﴾؟

قالَ: قُلْتُ: مَا ذَا الْحَقُّ الْمَعْلُومُ الَّذِي عَلَيْنَا؟

قالَ: هُوَ الشَّيْءُ يَعْمَلُهُ الرَّجُلُ فِي مَالِهِ يُعْطِيهِ فِي الْيَوْمِ، أَوْ فِي الْجُمْعَةِ، أَوْ فِي الشَّهْرِ، قَلَّ أَوْ كَثُرَ غَيْرَ أَنَّهُ يَدُومُ عَلَيْهِ.

وَ قَوْلَهُ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿وَ يَمْنَعُونَ الْماعُونَ﴾.

قالَ: هُوَ الْقَرْضُ يُقْرِضُهُ، وَ الْمَعْرُوفُ يَصْطَنِعُهُ، وَ مَتَاعُ الْبَيْتِ يُعِيرُهُ، وَ مِنْهُ الزَّكَاةُ.

فَقُلْتُ لَهُ: إِنَّ لَنَا جِيرَاناً إِذَا أَعَرْنَاهُمْ مَتَاعاً كَسَرُوهُ وَ أَفْسَدُوهُ فَعَلَيْنَا جُنَاحٌ إِنْ نَمْنَعْهُمْ؟

فَقالَ: لا، لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ إِنْ تَمْنَعُوهُمْ إِذَا كَانُوا كَذَلِكَ.

حضرتش با شگفتی فرمود: سبحان اللّٰه! مگر نشنیده‌ای که خداوند ﷻ در قرآنش می‌فرماید: «وکسانی که در دارایی آنان حقّی معیّن برای دریوزگان و محرومان جامعه است».

عرض کردم: این حق معین چیست؟

فرمود: انسان از دارایی خود مقداری را در نظر می‌گیرد و هر روز یا هر هفته یا هر ماه به محرومان و فقرا می‌پردازد، کم باشد یا بیشتر، مهم آن است که ادامه داشته باشد.

وخداوند ﷻ می‌فرماید: «و از دادن ماعون خودداری می‌کنند».

حضرتش فرمود: منظور از «ماعون» همان قرضی است که می‌پردازند، کار نیکی است که انجام می‌دهند و وسایل زندگی است که عاریه می‌دهند و زکات از این است.

عرض کردم: ما همسایه‌هایی داریم که وقتی وسیله‌ای به آنان عاریه می‌دهیم می‌شکنند و خراب می‌کنند، در این صورت اگر از عاریه دادن خودداری کنیم، مرتکب گناه شده‌ایم؟

فرمود: اگر این‌گونه باشند و شما به آن‌ها عاریه ندهید، گناهی بر شما نیست.

قالَ: قُلْتُ لَهُ: ﴿وَ يُطْعِمُونَ الطَّعامَ عَلىٰ حُبِّهِ مِسْكِيناً وَ يَتِيماً وَ أَسِيراً﴾.

قالَ: لَيْسَ مِنَ الزَّكَاةِ.

قُلْتُ: قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهارِ سِرًّا وَ عَلانِيَةً﴾.

قالَ: لَيْسَ مِنَ الزَّكَاةِ.

قالَ: فَقُلْتُ: قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقاتِ فَنِعِمّا هِيَ وَ إِنْ تُخْفُوها وَ تُؤْتُوهَا الْفُقَراءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ﴾.

قالَ: لَيْسَ مِنَ الزَّكَاةِ، وَ صِلَتُكَ قَرَابَتَكَ لَيْسَ مِنَ الزَّكَاةِ.

۱۰ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسَى عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿وَ الَّذِينَ فِي أَمْوالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ * لِلسّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ﴾ أَ هُوَ سِوَى الزَّكَاةِ؟

عرض کردم: این گفتار خدا نیز از موارد زکات است که می‌فرماید: «و به بی‌نوا، یتیم و اسیر با دوست داشتن آن غذا می‌دهند».

فرمود: این شامل زکات نمی‌شود.

عرض کردم: این آیه چطور که می‌فرماید: «کسانی که دارایی خود را شب هنگام و روز، در نهان و آشکار انفاق می‌کنند».

فرمود: شامل زکات نیست.

عرض کردم: این آیه چطور که می‌فرماید: «اگر صدقه‌هایتان را آشکارا بپردازید چه بهتر و اگر مخفیانه به فقرا بپردازید، این برای شما بهتر خواهد بود».

فرمود: این نیز شامل زکات نیست. هم چنین صله و پیوند خویشاوندی نیز از زکات به شمار نمی‌آید.

۱۰ ـ اسماعیل بن جابر گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: این حقّی که خداوند عزّوجلّ یاد می‌کند و می‌فرماید: «... و کسانی که در اموالشان حقّی معیّن برای دریوزگان و محرومان اجتماع است». آیا این حق غیر از حق زکات است؟

فَقالَ: هُوَ الرَّجُلُ يُؤْتِيهِ اللهُ الثَّرْوَةَ مِنَ الْـمَالِ، فَـيُخْرِجُ مِـنْهُ الْأَلْـفَ وَ الْأَلْـفَيْنِ وَ الثَّلاثَةَ الآلافِ وَ الْأَقَلَّ وَ الْأَكْثَرَ فَيَصِلُ بِهِ رَحِمَهُ وَ يَحْمِلُ بِهِ الْكَلَّ عَنْ قَوْمِهِ.

۱۱ ـ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ:

إِنَّ رَجُلاً جَاءَ إِلَى أَبِي عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام فَـقالَ لَـهُ: أَخْـبِرْنِي عَـنْ قَـوْلِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿وَ الَّذِينَ فِي أَمْوالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ * لِلسّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ﴾ مَا هَذَا الْحَقُّ الْمَعْلُومُ؟

فَقالَ لَهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام: الْحَقُّ الْمَعْلُومُ: الشَّيْءُ يُخْرِجُهُ الرَّجُلُ مِنْ مَالِهِ لَيْسَ مِنَ الزَّكَاةِ، وَ لا مِنَ الصَّدَقَةِ الْمَفْرُوضَتَيْنِ.

قالَ: فَإِذَا لَمْ يَكُنْ مِنَ الزَّكَاةِ وَ لا مِنَ الصَّدَقَةِ فَمَا هُوَ؟

فَقالَ: هُوَ الشَّيْءُ يُخْرِجُهُ الرَّجُلُ مِنْ مَالِهِ، إِنْ شَاءَ أَكْثَرَ وَ إِنْ شَاءَ أَقَلَّ عَلَى قَدْرِ مَا يَمْلِكُ.

فرمود: آری، این حقّی است که وقتی خداوند عزّوجلّ به کسی ثروت و نعمت می‌بخشد، بر اوست که هزاردرهم، دوهزاردرهم، سه‌هزاردرهم، کمتر و بیشتر، به حساب دریوزگان و محرومان اجتماع بگذارد و از همین حساب به زندگی خویشاوندان خود کمک کند و تاوان و غرامتی که بر عهدهٔ فامیل و عشیرهٔ او قرار می‌گیرد بپردازد.

۱۱ ـ قاسم‌بن عبدالرحمان انصاری گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

مردی خدمت پدرم علی‌بن الحسین علیهما السلام آمد و گفت: این حقی که خداوند عزّوجلّ یاد کرده و می‌فرماید: «مگر نمازگزاران که در اموال آنان حقّی معیّن برای دریوزگان و محرومان است». چه حقّی است؟

پدرم علی‌بن الحسین علیهما السلام به او فرمود: این حقِّ معلوم، یک حقّی است که انسان از مال خود جدا می‌کند. این حق، مربوط به زکات فریضه و صدقهٔ فریضه نیست.

آن مرد گفت: پس این چه‌گونه حقّی است که از زکات و صَدَقات محسوب نمی‌شود؟

فرمود: این یک کار افتخاری است که انسان از ثروت خود، کم یا زیاد، به حدّ توانش متعهّد می‌شود.

فَقالَ لَهُ: الرَّجُلُ فَمَا يَصْنَعُ بِهِ؟

قالَ: يَصِلُ بِهِ رَحِماً، وَ يَقْرِي بِهِ ضَيْفاً، وَ يَحْمِلُ بِهِ كَلّاً، أَوْ يَصِلُ بِهِ أَخاً لَهُ فِي اللهِ، أَوْ لِنَائِبَةٍ تَنُوبُهُ.

فَقالَ الرَّجُلُ: اللهُ يَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالاتِهِ.

۱۲ ـ وَ عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿لِلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ﴾.

قالَ: الْمَحْرُومُ: الْمُحَارَفُ الَّذِي قَدْ حُرِمَ كَدَّ يَدِهِ فِي الشِّرَاءِ وَ الْبَيْعِ.

وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليهما السلام أَنَّهُمَا قَالا:

الْمَحْرُومُ الرَّجُلُ الَّذِي لَيْسَ بِعَقْلِهِ بَأْسٌ، وَ لَمْ يُبْسَطْ لَهُ فِي الرِّزْقِ وَ هُوَ مُحَارَفٌ.

۱۳ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ قالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فَسَأَلَهُ رَجُلٌ فِي كَمْ تَجِبُ الزَّكَاةُ مِنَ الْمَالِ؟

فَقالَ لَهُ: الزَّكَاةُ الظَّاهِرَةُ أَمِ الْبَاطِنَةُ تُرِيدُ؟

آن مرد پرسید: مَصرف این حق، در چه راهی است؟

فرمود: صِلهٔ رَحم، پذیرایی از مهمان، برداشتن بار ناتوان و غرامت از دوش مردم ناتوان، رسیدگی به حال برادران دینی و رفع گرفتاری‌ها و پیش‌آمدهای ناگوار.

آن مرد گفت: خدا خوب می‌داند که مقام رسالات خود را در کدام خانواده قرار دهد.

۱۲ ـ صفوان جمّال گوید: امام صادق عليه السلام در تفسیر «سائل و محروم» فرمود:

محروم: صاحب حرفه است که تلاش او در خرید و فروش بی‌نتیجه می‌ماند.

در روایت دیگری آمده است: امام باقر و امام صادق عليهما السلام فرمودند:

محروم صاحب حرفه خردمندی است که روزی او وسعت ندارد.

۱۳ ـ مفضّل گوید: در حضور امام صادق عليه السلام بودم که شخصی پرسید: به چه میزان از دارایی زکات تعلّق می‌گیرد؟

فرمود: منظور تو زکات ظاهری است یا باطنی؟

فَقالَ: أُرِيدُهُمَا جَمِيعاً.

فَقالَ: أَمَّا الظَّاهِرَةُ، فَفِي كُلِّ أَلْفٍ خَمْسَةٌ وَ عِشْرُونَ، وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَلا تَسْتَأْثِرْ عَلَى أَخِيكَ بِمَا هُوَ أَحْوَجُ إِلَيْهِ مِنْكَ.

١٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ عَامِرِ بْنِ جُذَاعَةَ قالَ:

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فَقالَ لَهُ: يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ! قَرْضٌ إِلَى مَيْسَرَةٍ.

فَقالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام: إِلَى غَلَّةٍ تُدْرَكُ؟

فَقالَ الرَّجُلُ: لا، وَ اللهِ؟

قَالَ: فَإِلَى تِجَارَةٍ تُؤَبُّ؟

قالَ: لا، وَ اللهِ.

قَالَ: فَإِلَى عُقْدَةٍ تُبَاعُ؟

عرض کرد: هر دو مورد را می‌خواهم بدانم.

فرمود: زکات ظاهری در هر بیست و پنج هزار تعلّق می‌گیرد، ولی زکات باطنی آن است که برای برادر دینی خود آن‌چه را که نیازش از تو بیشتر است دریغ نورزی.

۱۴ ـ عامربن جذاعه گوید: مردی خدمت امام صادق عليه السلام شرف‌یاب شد و گفت: ای اباعبدالله! به من قرض بدهید. هرگاه مالی به دست آوردم قرض خود را می‌پردازم.

حضرت فرمود: یعنی تا محصولت را جمع آوری کنی؟

آن مرد گفت: نه به خدا سوگند! محصولی ندارم.

حضرت فرمود: تا مال التجاره‌ات برسد؟

آن مرد گفت: نه به خدا سوگند! مال التجاره ندارم.

حضرتش فرمود: تا مِلک خود را بفروشی؟

فَقالَ: لا، وَ اللهِ.

فَقالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام: فَأَنْتَ مِمَّنْ جَعَلَ اللهُ لَهُ فِي أَمْوَالِنَا حَقّاً.

ثُمَّ دَعَا بِكِيسٍ فِيهِ دَرَاهِمُ، فَأَدْخَلَ يَدَهُ فِيهِ فَنَاوَلَهُ مِنْهُ قَبْضَةً ثُمَّ قالَ لَهُ: اتَّقِ اللهَ وَ لا تُسْرِفْ وَ لا تَقْتُرْ، وَ لَكِنْ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَاماً، إِنَّ التَّبْذِيرَ مِنَ الْإِسْرَافِ قالَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿وَ لا تُبَذِّرْ تَبْذِيراً﴾.

الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام مِثْلَ ذَلِكَ.

۱۵ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللهِ وَ غَيْرُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ سَابَاطَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام لِعَمَّارٍ السَّابَاطِيِّ: يَا عَمَّارُ! أَنْتَ رَبُّ مَالٍ كَثِيرٍ؟

قالَ: نَعَمْ، جُعِلْتُ فِدَاكَ.

قالَ: فَتُؤَدِّي مَا افْتَرَضَ اللهُ عَلَيْكَ مِنَ الزَّكَاةِ؟

آن مرد گفت: نه، به خدا سوگند! ملکی ندارم.

حضرتش فرمود: پس تو از افرادی هستی که خداوند برای آنان حقّی در اموال ما مقرّر کرده است.

بعد کیسهٔ پولی خواست، آوردند، و یک مشت سکّه به آن مرد داد و فرمود: ای مرد! تقوا پیشه کن! اسراف مکن و خسّت مورز وحدّ وسط را از دست مده تا کارت قوام بگیرد. ریخت و پاش هم مکن که ریخت و پاش، عین اسراف است. خداوند عزّوجلّ می‌فرماید: «ریخت و پاش مکن».

۱۵ ـ یکی از اهالی ساباط گوید: امام صادق علیه السلام به عمّار ساباطی فرمود: ای عمّار! آیا دارایی تو بسیار است؟

عرض کرد: آری، قربانت گردم!

فرمود: آیا زکاتی را که خداوند بر تو واجب نموده، می‌پردازی؟

فَقالَ: نَعَمْ.

قالَ: فَتُخْرِجُ الْحَقَّ الْمَعْلُومَ مِنْ مَالِكَ؟

قالَ: نَعَمْ.

قالَ: فَتَصِلُ قَرَابَتَكَ؟

قالَ: نَعَمْ.

قالَ: وَ تَصِلُ إِخْوَانَكَ؟

قالَ: نَعَمْ.

فَقالَ: يَا عَمَّارُ! إِنَّ الْمَالَ يَفْنَى وَ الْبَدَنَ يَبْلَى وَ الْعَمَلَ يَبْقَى، وَ الدَّيَّانَ حَيٌّ لا يَمُوتُ. يَا عَمَّارُ! إِنَّهُ مَا قَدَّمْتَ فَلَنْ يَسْبِقَكَ وَ مَا أَخَّرْتَ فَلَنْ يَلْحَقَكَ.

١٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: قَوْلُ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ﴾.

عرض کرد: آری.

فرمود: آیا حق معیّنی را از دارایی خود خارج می‌نمایی؟

عرض کرد: آری.

فرمود: آیا صله رحم و پیوند خویشاوندی داری؟

عرض کرد: آری.

فرمود: آیا به برادران دینی خود نیز صله می‌دهی؟

عرض کرد: آری.

فرمود: ای عمّار! به راستی که مال و دارایی فنا می‌یابد، بدن می‌پوسد و عمل و کردار می‌ماند و خداوند حسابگر زنده‌ای است که هرگز نمی‌میرد. ای عمّار! آن‌چه را که پیشتر فرستاده‌ای هرگز از تو پیشی نخواهد گرفت و آن‌چه به تأخیر انداختی هرگز به تو نخواهد پیوست.

۱۶ ـ ابوبصیر گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: معنای فقیر و مسکین در این آیه چیست که خداوند عزّوجلّ می‌فرماید: «زکات فریضه، ویژهٔ فقرا و مساکین است.».

قالَ: الْفَقِيرُ الَّذِي لا يَسْأَلُ النَّاسَ وَ الْمِسْكِينُ أَجْهَدُ مِنْهُ وَ الْبَائِسُ أَجْهَدُهُمْ، فَكُلُّ مَا فَرَضَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْكَ فَإِعْلانُهُ أَفْضَلُ مِنْ إِسْرَارِهِ، وَ كُلُّ مَا كَانَ تَطَوُّعاً فَإِسْرَارُهُ أَفْضَلُ مِنْ إِعْلانِهِ، وَ لَوْ أَنَّ رَجُلاً يَحْمِلُ زَكَاةَ مَالِهِ عَلَى عَاتِقِهِ، فَقَسَمَهَا عَلانِيَةً كَانَ ذَلِكَ حَسَناً جَمِيلاً.

۱۷ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿وَ إِنْ تُخْفُوها وَ تُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ﴾.

فَقالَ: هِيَ سِوَى الزَّكَاةِ، إِنَّ الزَّكَاةَ عَلانِيَةٌ غَيْرُ سِرٍّ.

۱۸ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنِ الْفَقِيرِ وَ الْمِسْكِينِ.

فَقالَ: الْفَقِيرُ الَّذِي لا يَسْأَلُ، وَ الْمِسْكِينُ الَّذِي هُوَ أَجْهَدُ مِنْهُ الَّذِي يَسْأَلُ.

فرمود: فقیر، یعنی مستمندی که کار می‌کند و به دریوزگی نمی‌رود. مسکین، یعنی بی‌کار است و فقیر بی‌نواتر است. وفقیر بائس، از آنها بی‌نواتر است که هرچه داشته از دست داده. هر فریضه‌ای که خداوند واجب می‌کند، آشکار آن بهتر از پنهان است و هر طاعتی که مردم با اختیار پیش قدم شوند، پنهان آن بهتر از آشکار است. اگر کسی زکات خود را بر دوش بگذارد و آشکارا میان حاجتمندان تقسیم کند، کار بسیار شایسته و خوبی کرده است.

۱۷ ـ اسحاق بن عمّار گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد این آیه پرسیدم که خداوند عزّوجلّ می‌فرماید: «و اگر پنهان کنید و به فقرا و بی‌نوایان برسانید، برای شما بهتر است».

فرمود: این آیه، شامل زکات فریضه نیست. زکات فریضه را باید آشکارا پرداخت شود.

۱۸ ـ محمّدبن مسلم گوید: از امام (باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام) پرسیدم: فرق فقیر و مسکین چیست؟

فرمود: فقیر مستمندی که در حدّ ضرورت برگ و نوایی دارد و اجباری به دریوزگی ندارد. مسکین از بی‌نوایی چاره‌ای جز دریوزگی ندارد.

۱۹ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ: ذَكَرْتُ لِلرِّضَا عليه السلام شَيْئاً.

فَقالَ: اصْبِرْ، فَإِنِّي أَرْجُو أَنْ يَصْنَعَ اللهُ لَكَ إِنْ شَاءَ اللهُ.

ثُمَّ قالَ: فَوَ اللهِ! مَا أَخَّرَ اللهُ عَنِ الْمُؤْمِنِ مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا خَيْرٌ لَهُ مِمَّا عَجَّلَ لَهُ فِيهَا ثُمَّ صَغَّرَ الدُّنْيَا وَ قالَ: أَيُّ شَيْءٍ هِيَ؟

ثُمَّ قالَ: إِنَّ صَاحِبَ النِّعْمَةِ عَلَى خَطَرٍ، إِنَّهُ يَجِبُ عَلَيْهِ حُقُوقُ اللهِ فِيهَا وَ اللهِ! إِنَّهُ لَتَكُونُ عَلَيَّ النِّعَمُ مِنَ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَمَا أَزَالُ مِنْهَا عَلَى وَجَلٍ ـ وَ حَرَّكَ يَدَهُ ـ حَتَّى أَخْرُجَ مِنَ الْحُقُوقِ الَّتِي تَجِبُ لِلّٰهِ عَلَيَّ فِيهَا.

فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَنْتَ فِي قَدْرِكَ تَخَافُ هَذَا؟

قَالَ: نَعَمْ، فَأَحْمَدُ رَبِّي عَلَى مَا مَنَّ بِهِ عَلَيَّ.

---

۱۹ ـ احمدبن محمّدبن ابی‌نصر گوید: به امام رضا عليه السلام گفتم: دیر هنگامی است که از خداوند عزّوجلّ حاجتی خواسته‌ام و هنوز دعایم به اجابت نرسیده است.

فرمود: صبر کن! من امیدوارم که خداوند ـ ان شاء اللّه ـ حاجت تو را برآورده سازد.

آن‌گاه حضرتش فرمود: به خدا سوگند! نعمتی که خداوند دریغ می‌کند و برای آخرت انسان ذخیره می‌نماید، از نعمتی که در دنیا به او می‌دهد، بهتر است. مگر دنیا چه ارزشی دارد؟

سپس فرمود: صاحبان نعمت بر لب پرتگاه قرار می‌گیرند، زیرا در اثر نعمت، حقوقی بر انسان واجب می‌شود، که بسا در پرداخت آن کوتاهی شود. به خدا سوگند! من نسبت به نعمت‌های الهی همواره در هول و هراسم ـ حضرت دستش را تکان داد ـ تا موقعی که فرصت بیابم و حقوق الهی را بپردازم.

گفتم: قربانت شوم! تو با این مقام و منزلت، تا حقوق الهی را نپردازی، در هول و هراسی؟

فرمود: آری. من باید خدا را سپاس بگویم که بر من منّت نهاد و نعمت ارزانی داشت.

(۲)
بَابُ مَنْعِ الزَّكَاةِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾.

فَقالَ: يَا مُحَمَّدُ! مَا مِنْ أَحَدٍ يَمْنَعُ مِنْ زَكَاةِ مَالِهِ شَيْئاً إِلّا جَعَلَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ ذَلِكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُعْبَاناً مِنْ نَارٍ مُطَوَّقاً فِي عُنُقِهِ يَنْهَشُ مِنْ لَحْمِهِ حَتَّى يَفْرُغَ مِنَ الْحِسَابِ.

ثُمَّ قَالَ: هُوَ قَوْلُ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ يَعْنِي مَا بَخِلُوا بِهِ مِنَ الزَّكَاةِ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ يَرْفَعُهُ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

بخش دوم
عدم پرداخت زکات

۱ ـ محمّدبن مسلم گوید: از امام صادق عليه السلام دربارهٔ گفتار خداوند عزّوجلّ پرسیدم که می‌فرماید: «به زودی آن‌چه را که در پرداخت آن بخل می‌ورزند در روز رستاخیز به گردن آن‌ها خواهند پیچید».

فرمود: ای محمّد! هرکه چیزی از زکات دارایی خود را نپردازد، خداوند عزّوجلّ آن را در روز رستاخیز اژدهایی آتشین قرار خواهد داد که بر گردن او می‌پیچد و از گوشت او نیش زند، تا از حساب رسی فارغ شود.

آن‌گاه فرمود: و این معنای گفتار خداوند عزّوجلّ است که «به زودی آن‌چه را که در پرداخت آن بخل می‌ورزند در روز رستاخیز به گردن آن‌ها خواهند پیچید». یعنی از پرداخت زکات بخل می‌ورزیدند.

۲ ـ راوی گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

بَيْنَا رَسُولُ اللهِ ﷺ فِي الْمَسْجِدِ، إِذْ قَالَ: قُمْ يَا فُلَانُ! قُمْ يَا فُلَانُ، قُمْ يَا فُلَانُ! حَتَّى أَخْرَجَ خَمْسَةَ نَفَرٍ.

فَقَالَ: اخْرُجُوا مِنْ مَسْجِدِنَا لا تُصَلُّوا فِيهِ وَ أَنْتُمْ لا تُزَكُّونَ.

۳ ـ يُونُسُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ ؑ قَالَ: مَنْ مَنَعَ قِيرَاطاً مِنَ الزَّكَاةِ فَلَيْسَ بِمُؤْمِنٍ وَ لا مُسْلِمٍ وَ هُوَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿رَبِّ ارْجِعُونِ * لَعَلِّي أَعْمَلُ صالِحاً فِيما تَرَكْتُ﴾.

وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: وَ لا تُقْبَلُ لَهُ صَلاةٌ.

٤ ـ يُونُسُ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ ؑ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: مَا مِنْ ذِي زَكَاةِ مَالٍ نَخْلٍ أَوْ زَرْعٍ أَوْ كَرْمٍ يَمْنَعُ زَكَاةَ مَالِهِ إِلَّا قَلَّدَهُ اللهُ تُرْبَةَ أَرْضِهِ يُطَوَّقُ بِهَا مِنْ سَبْعِ أَرَضِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

۵ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُّونٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمانِ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللهِ ؑ:

پیامبر خدا ﷺ در مسجد حضور داشت، به ناگاه فرمود: فلانی برخیز! فلانی برخیز! فلانی برخیز! حضرتش پنج تن را نام برد و فرمود: از مسجد ما بیرون روید، در آن نماز نگزارید، چرا که شما زکات اموالتان را نمی‌پردازید.

۳ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق ؑ فرمود:

هر که قیراطی از پرداخت زکات خودداری کند، نه مؤمن است نه مسلمان. و معنای گفتار خداوند ﷻ همان است که می‌فرماید: «پروردگارا! مرا باز گردان. شاید عمل شایسته‌ای انجام دهم چنانچه ترک کرده‌ام».

در روایت دیگری آمده است: نماز چنین فردی پذیرفته نمی‌شود.

۴ ـ عبداللّه بن سنان گوید: امام صادق ؑ می‌فرماید:

پیامبر خدا ﷺ فرمود: هر صاحب نخلستانی یا کشاورز یا باغبانی که انگور دارد و زکات مال خود را نمی‌پردازد، خداوند در روز رستاخیز خاک زمینش را از طبقه هفتم آن بر گردنش آویزان خواهد کرد.

۵ ـ ابان بن تغلب گوید: امام صادق ؑ به من فرمود:

دَمَانِ فِي الْإِسْلامِ حَلالٌ مِنَ اللهِ لا يَقْضِي فِيهِمَا أَحَدٌ حَتَّى يَبْعَثَ اللهُ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، فَإِذَا بَعَثَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ حَكَمَ فِيهِمَا بِحُكْمِ اللهِ لا يُرِيدُ عَلَيْهِمَا بَيِّنَةً الزَّانِي الْمُحْصَنُ يَرْجُمُهُ وَ مَانِعُ الزَّكَاةِ يَضْرِبُ عُنُقَهُ.

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام نَحْوَهُ.

٦ ـ حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْخَشَّابِ عَنِ ابْنِ بَقَّاحٍ عَنْ مُعَاذِ بْنِ ثَابِتٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ جُمَيْعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

مَا مِنْ رَجُلٍ أَدَّى الزَّكَاةَ فَنَقَصَتْ مِنْ مَالِهِ وَ لا مَنَعَهَا أَحَدٌ فَزَادَتْ فِي مَالِهِ.

٧ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يَقُولُ:

در اسلام دو نوع خون است که از جانب خداوند حلال است. کسی نمی‌تواند در آن دو مورد حکم کند تا آن خداوند قائم ما اهل بیت را بر انگیزد، آن‌گاه که خداوند قائم با اهل بیت بر انگیخت، در آن دو مورد بدون بیّنه به حکم خدا داوری خواهد کرد: (یکی) زناکار همسرداری است که سنگسار خواهد شد. دیگری نپردازندهٔ زکات است که گردنش زده خواهد شد.

۶ ـ عمرو بن جمیع گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هر انسانی که زکات مال و دارایی خود را بپردازد و از پرداخت حق کسی خودداری نکند و از ثروتش کاسته شود؛ به ثروت و دارایی او افزوده خواهد شد.

۷ ـ زراره گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

مَا مِنْ عَبْدٍ يَمْنَعُ دِرْهَماً فِي حَقِّهِ إِلّا أَنْفَقَ اثْنَيْنِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ، وَ مَا رَجُلٌ يَمْنَعُ حَقّاً مِنْ مَالِهِ إِلّا طَوَّقَهُ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ حَيَّةً مِنْ نَارٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

٨ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله:

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَالٌ لا يُزَكَّى.

٩ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام ـ يَعْنِي الْأَوَّلَ ـ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

مَنْ أَخْرَجَ زَكَاةَ مَالِهِ تَامَّةً فَوَضَعَهَا فِي مَوْضِعِهَا لَمْ يُسْأَلْ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَ مَالَهُ.

١٠ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مِهْرَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿**سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ**﴾.

هر کس یک درهم از حقّ زکات را نپردازد، دو درهم در راه ناحق تلف خواهد کرد. کسی که زکات فریضه را نپردازد، خداوند عزّوجلّ در روز قیامت حلقهٔ آتشینی چون مار، بر گردن او می‌پیچد.

۸ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام می‌فرماید: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

مال و دارایی که زکات آن پرداخت نشود، مورد لعنت است، مورد لعنت است.

۹ ـ علی بن عقبه گوید: از امام کاظم علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

هر که زکات مال و دارایی خود را به طور کامل بپردازد و در موارد آن مصرف کند،(روز رستاخیز) مورد بازجویی قرار نمی‌گیرد که از کجا مال و دارایی خود را به دست آورده است.

۱۰ ـ محمّدبن مسلم گوید: از امام صادق علیه السلام دربارهٔ گفتار خداوند عزّوجلّ پرسیدم که می‌فرماید: «به زودی آن‌چه را که در پرداخت آن بخل می‌ورزند در روز رستاخیز به گردن آن‌ها خواهد پیچید».

قَالَ: مَا مِنْ عَبْدٍ مَنَعَ مِنْ زَكَاةِ مَالِهِ شَيْئاً إِلّا جعَلَ اللهُ لَهُ ذَلِكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُعْبَاناً مِنْ نَارٍ، يُطَوَّقُ فِي عُنُقِهِ يَنْهَشُ مِنْ لَحْمِهِ حَتَّى يَفْرُغَ مِنَ الْحِسَابِ، وَ هُوَ قَوْلُ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿سَيُطَوَّقُونَ مٰا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيٰامَةِ﴾.

قالَ: مَا بَخِلُوا بِهِ مِنَ الزَّكَاةِ.

۱۱ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ وُهَيْبِ بْنِ حَفْصٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام يَقُولُ:

مَنْ مَنَعَ الزَّكَاةَ سَأَلَ الرَّجْعَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ، وَ هُوَ قَوْلُ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿رَبِّ ارْجِعُونِ * لَعَلِّي أَعْمَلُ صٰالِحاً فِيمٰا تَرَكْتُ﴾.

۱۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ:

فرمود: هرکه چیزی از زکات دارایی خود را نپردازد، خداوند عزوجل آن را در روز رستاخیز اژدهایی آتشین قرار خواهد داد که بر گردن او می‌پیچد و از گوشت او نیش زند، تا از حساب رسی فارغ شود. و این معنای گفتار خداوند عزوجل است که «به زودی آن‌چه را که در پرداخت آن بخل می‌ورزند در روز رستاخیز به گردن آن‌ها خواهد پیچید».

فرمود: یعنی از پرداخت زکات بخل ورزیدند.

۱۱ ـ ابو بصیر گوید: از امام صادق عليه‌السلام شنیدم که می‌فرمود:

هر کس زکات فریضه را نپردازد، به هنگام مرگ، آرزو می‌کند که او را باز گردانند تا خود را از عذاب دوزخ برهاند، دلیل آن، کلام خداوند متعال است که می‌فرماید: «پروردگارا مرا بازگردانید تا عمل صالحی را که ترک کرده‌ام به جا آورم».

۱۲ ـ راوی گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

صَلاةٌ مَكْتُوبَةٌ خَيْرٌ مِنْ عِشْرِينَ حَجَّةً، وَ حَجَّةٌ خَيْرٌ مِنْ بَيْتٍ مَمْلُوءٍ ذَهَباً يُنْفِقُهُ فِي بِرٍّ حَتَّى يَنْفَدَ.

قالَ: ثُمَّ قَالَ: وَ لا أَفْلَحَ مَنْ ضَيَّعَ عِشْرِينَ بَيْتاً مِنْ ذَهَبٍ بِخَمْسَةٍ وَ عِشْرِينَ دِرْهَماً.

فَقُلْتُ: وَ مَا مَعْنَى خَمْسَةٍ وَ عِشْرِينَ دِرْهَماً؟

قالَ: مَنْ مَنَعَ الزَّكَاةَ وُقِفَتْ صَلاتُهُ حَتَّى يُزَكِّيَ.

١٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ: قَالَ:

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَالٌ لا يُزَكَّى.

١٤ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ حَفْصِ بْنِ عُمَرَ عَنْ سَالِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ:

مَنْ مَنَعَ قِيرَاطاً مِنَ الزَّكَاةِ فَلْيَمُتْ إِنْ شَاءَ يَهُودِيّاً أَوْ نَصْرَانِيّاً.

انجام نماز واجب بهتر از بیست حج است و انجام یک حج بهتر از خانهٔ مملو از طلایی است که در راه نیکوکاری انفاق کنی تا پایان یابد.

آن‌گاه حضرتش فرمود: کسی که بیست خانه از طلا را به بیست‌وپنج درهم تباه ساخت، رستگار نگشت.

عرض کردم: منظور از بیست و پنج درهم چیست؟

فرمود: هر که زکات مال خود را نپردازد، نمازش بازداشت می‌شود (و پذیرفته نمی‌شود) تا زکات مالش را بپردازد.

۱۳ ـ مسعدة بن صدقه گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود: مال و دارایی که زکاتش پرداخت نشود مورد لعن است، مورد لعن است.

۱۴ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

هر که قیراطی از زکات مالش را نپردازد، یهودی یا نصرانی خواهد مرد.

۱۵ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ إِسْحَاقَ قَالَ: حَدَّثَنِي مَنْ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام يَقُولُ:

مَا ضَاعَ مَالٌ فِي بَرٍّ وَ لا بَحْرٍ إِلّا بِتَضْيِيعِ الزَّكَاةِ، وَ لا يُصَادُ مِنَ الطَّيْرِ إِلّا مَا ضَيَّعَ تَسْبِيحَهُ.

۱۶ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام يَقُولُ:

مَانِعُ الزَّكَاةِ يُطَوَّقُ بِحَيَّةٍ قَرْعَاءَ وَ تَأْكُلُ مِنْ دِمَاغِهِ، وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾.

۱۷ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام قَالَ: وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيٍّ عليه‌السلام قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله:

إِذَا مُنِعَتِ الزَّكَاةُ مَنَعَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا.

---

۱۵ ـ اسحاق گوید: راوی از امام صادق عليه‌السلام شنید که حضرتش می‌فرمود:

هیچ مال و دارایی در خشکی و دریا تباه نشد، مگر به تباه ساختن و نپرداختن زکات و هیچ پرنده‌ای شکار نمی‌شود، مگر پرنده‌ای که تسبیح خود را تباه سازد.

۱۶ ـ ابو حمزه گوید: ایّوب بن راشد گوید: از امام صادق عليه‌السلام شنیدم که می‌فرمود:

کسی که زکات مالش را نپردازد مار سمّی مهلکی به گردن او خواهد پیچید که از مغز سرش تغذیه کند، و این معنای آیه شریفه است که می‌فرماید: «به زودی آن‌چه را که در پرداخت آن بخل می‌ورزند در روز رستاخیز به گردنشان خواهد پیچید».

۱۷ ـ ابو حمزه گوید: امام باقر عليه‌السلام فرمود:

ما در کتاب حضرت علی عليه‌السلام یافتیم که آمده است: پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: هر گاه زکات پرداخت نشود زمین برکاتش را باز خواهد داشت.

۱۸ ـ أَبُو عَبْدِ اللهِ الْعَاصِمِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ الْمِيثَمِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ أَبِيهِ أَسْبَاطِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ سَالِمٍ مَوْلَى أَبَانٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يَقُولُ:

مَا مِنْ طَيْرٍ يُصَادُ إِلّا بِتَرْكِهِ التَّسْبِيحَ، وَ مَا مِنْ مَالٍ يُصَابُ إِلّا بِتَرْكِ الزَّكَاةِ.

۱۹ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ خَلَفِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

مَا مِنْ ذِي مَالٍ ذَهَبٍ أَوْ فِضَّةٍ يَمْنَعُ زَكَاةَ مَالِهِ إِلّا حَبَسَهُ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِقَاعٍ قَرْقَرٍ، وَ سَلَّطَ عَلَيْهِ شُجَاعاً أَقْرَعَ يُرِيدُهُ وَ هُوَ يَحِيدُ عَنْهُ، فَإِذَا رَأَى أَنَّهُ لا مَخْلَصَ لَهُ مِنْهُ أَمْكَنَهُ مِنْ يَدِهِ فَقَضِمَهَا كَمَا يُقْضَمُ الْفُجْلُ ثُمَّ يَصِيرُ طَوْقاً فِي عُنُقِهِ، وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿سَيُطَوَّقُونَ ما بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيامَةِ﴾.

---

۱۸ ـ سالم گوید: از مام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

هیچ پرنده‌ای به دام صیّاد نمی‌افتد، جز با غفلت کردن از تسبیح خدا و هیچ مالی دچار آفت نمی‌شود، جز در اثر عدم پرداخت زکات.

۱۹ ـ حریز گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر صاحب طلا و نقره‌ای که زکات مالش را نپردازد، خداوند متعال در روز رستاخیز او را در زمین هموار باز داشت خواهد کرد و ماری را بر او مسلّط خواهد نمود که از او فرار می‌کند، چون گریزی از دست او نیابد، او را همانند ترب به دست گرفته و به دندان خواهد گرفت، آن‌گاه گردنبندی به او خواهد بود و این همان گفتار خداوند عزّوجلّ است که «به زودی به جهت بخل‌ورزی آن‌ها در روز رستاخیز از گردن‌های آن‌ها خواهد پیچید».

وَ مَا مِنْ ذِي مَالٍ إِبِلٍ أَوْ غَنَمٍ أَوْ بَقَرٍ يَمْنَعُ زَكَاةَ مَالِهِ إِلَّا حَبَسَهُ اللهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِقَاعٍ قَرْقَرٍ يَطَؤُهُ كُلُّ ذَاتِ ظِلْفٍ بِظِلْفِهَا وَ يَنْهَشُهُ كُلُّ ذَاتِ نَابٍ بِنَابِهَا، وَ مَا مِنْ ذِي مَالٍ نَخْلٍ أَوْ كَرْمٍ أَوْ زَرْعٍ يَمْنَعُ زَكَاتَهَا إِلَّا طَوَّقَهُ اللهُ رَيْعَةَ أَرْضِهِ إِلَى سَبْعِ أَرَضِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

۲۰ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله:

مَا حَبَسَ عَبْدٌ زَكَاةً فَزَادَتْ فِي مَالِهِ.

۲۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ مَنَعَ حَقّاً لِلّٰهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْفَقَ فِي بَاطِلٍ مِثْلَيْهِ.

۲۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

و هر شتردار یا گوسفنددار یا گاوداری که زکات مالش را نپردازد، خداوند در روز رستاخیز او را در زمین هموار بازداشت خواهد کرد که هر حیوان سم‌داری او را لگدمال نماید و هر خزندهٔ نیشداری او را نیش بزند، و هر صاحب نخلستان، تاکستان و کشت زاری که زکاتش را نپردازد خداوند از اصل زمین آن تا زمین هفتم تا روز رستاخیز به گردن او خواهد پیچید.

۲۰ ـ سکونی گوید: امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش عليه السلام نقل می‌کند که حضرتش فرمود: پیامبر خدا صلى الله عليه و آله فرمود:

هر بنده‌ای که از پرداخت زکات خودداری کند، در مالش افزوده شود.

۲۱ ـ هشام بن حکم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر کس از پرداخت حق خدا دریغ کند، دو برابر آن را در راه باطل خرج خواهد کرد.

۲۲ ـ ابو جارود گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

إِنَّ اللهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَبْعَثُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَاساً مِنْ قُبُورِهِمْ مَشْدُودَةً أَيْدِيهِمْ إِلَى أَعْنَاقِهِمْ لا يَسْتَطِيعُونَ أَنْ يَتَنَاوَلُوا بِهَا قِيسَ أَنْمُلَةٍ مَعَهُمْ مَلائِكَةٌ يُعَيِّرُونَهُمْ تَعْيِيراً شَدِيداً يَقُولُونَ: هَؤُلاءِ الَّذِينَ مَنَعُوا خَيْراً قَلِيلاً مِنْ خَيْرٍ كَثِيرٍ، هَؤُلاءِ الَّذِينَ أَعْطَاهُمُ اللهُ فَمَنَعُوا حَقَّ اللهِ فِي أَمْوَالِهِمْ.

۲۳ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ جُمْهُورٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ عُثْمانَ بْنِ رُشَيْدٍ عَنْ مَعْرُوفِ بْنِ خَرَّبُوذَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَرَنَ الزَّكَاةَ بِالصَّلاةِ. فَقالَ: ﴿أَقِيمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّكاةَ﴾ فَمَنْ أَقَامَ الصَّلاةَ وَ لَمْ يُؤْتِ الزَّكَاةَ لَمْ يُقِمِ الصَّلاةَ.

(۳)
بَابُ الْعِلَّةِ فِي وَضْعِ الزَّكَاةِ عَلَى مَا هِيَ لَمْ تُزَدْ وَ لَمْ تُنْقَصْ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

به راستی در روز رستاخیز خداوند متعال گروهی از مردم را در حالی از قبرهایشان محشور می‌نماید که دستان آن‌ها به گردن‌هایشان بسته شده است. آنان توان برداشتن به اندازهٔ مورچه را ندارند، فرشتگانی آن‌ها را همراهی می‌کنند که به شدّت به آن‌ها عیب و خرده می‌گیرند و می‌گویند: اینان همان مانعان خیر اندک از خیر بسیار بودند، اینان افرادی بودند که خداوند به آن‌ها عطا فرمود، ولی آن‌ها از پرداخت حق خود در اموالشان خودداری کردند.

۲۳ ـ معروف خرّ بوذ گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

خداوند متعال (در قرآن) زکات را قرین و همراه نماز قرار داد و فرمود: «نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید».

پس هر که نماز را برپا دارد و زکات را نپردازد، به واقع نماز را برپا نکرده است.

بخش سوم
علّت وضع زکات بدون کم و زیادی

۱ ـ حسن بن علی وشّاء گوید: امام رضا عليه السلام فرمود:

قِيلَ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام: لِأَيِّ شَيْءٍ جَعَلَ اللهُ الزَّكَاةَ خَمْسَةً وَ عِشْرِينَ فِي كُلِّ أَلْفٍ وَ لَمْ يَجْعَلْهَا ثَلَاثِينَ؟

فَقَالَ: إِنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَهَا خَمْسَةً وَ عِشْرِينَ أَخْرَجَ مِنْ أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ بِقَدْرِ مَا يَكْتَفِي بِهِ الْفُقَرَاءُ، وَ لَوْ أَخْرَجَ النَّاسُ زَكَاةَ أَمْوَالِهِمْ مَا احْتَاجَ أَحَدٌ.

٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْمِيثَمِيِّ عَنْ حَبِيبٍ الْخَثْعَمِيِّ قَالَ:

كَتَبَ أَبُو جَعْفَرٍ الْمَنْصُورُ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَ كَانَ عَامِلَهُ عَلَى الْمَدِينَةِ أَنْ يَسْأَلَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ عَنِ الْخَمْسَةِ فِي الزَّكَاةِ مِنَ الْمِائَتَيْنِ كَيْفَ صَارَتْ وَزْنَ سَبْعَةٍ وَ لَمْ يَكُنْ هَذَا عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله وَ أَمَرَهُ أَنْ يَسْأَلَ فِيمَنْ يَسْأَلُ عَبْدَ اللهِ بْنَ الْحَسَنِ وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عليه‌السلام.

از امام صادق عليه‌السلام پرسیدند: چرا خداوند زکات را در هر هزار بیست و پنج قرار داد نه در سی؟

فرمود: خداوند متعال بیست و پنج قرار داد و از اموال ثروتمندان به اندازهٔ نیاز فقرا بیرون آورد، اگر مردم زکات دارایی خود را بپردازند، حتّی یک نیازمند پیدا نمی‌شود.

۲ ـ حبیب خثعمی گوید: ابو جعفر منصور توسط والی خود در مدینه محمّد بن خالد خواست که از مردم مدینه دربارهٔ پنج در دویست زکات بپرسد که چگونه بر وزن هفت شد در حالی که در زمان پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله چنین نبود، او دستور داد این سؤال را از عبدالله بن حسن و امام صادق عليه‌السلام نیز بپرسد.

قَالَ: فَسَأَلَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ، فَقالوا: أَدْرَكْنَا مَنْ كَانَ قَبْلَنَا عَلَى هَذَا.
فَبَعَثَ إِلَى عَبْدِ اللهِ بْنِ الْحَسَنِ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه‌السلام.
فَسَأَلَ عَبْدَ اللهِ بْنَ الْحَسَنِ، فَقَالَ كَمَا قَالَ الْمُسْتَفْتَوْنَ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ.
قالَ: فَقَالَ: مَا تَقُولُ يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ؟
فَقالَ: إِنَّ رَسُولَ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله جَعَلَ فِي كُلِّ أَرْبَعِينَ أُوقِيَّةً أُوقِيَّةً، فَإِذَا حَسَبْتَ ذَلِكَ كَانَ عَلَى وَزْنِ سَبْعَةٍ وَ قَدْ كَانَتْ وَزْنَ سِتَّةٍ وَ كَانَتِ الدَّرَاهِمُ خَمْسَةَ دَوَانِيقَ.
قالَ حَبِيبٌ: فَحَسَبْنَاهُ فَوَجَدْنَاهُ كَمَا قَالَ، فَأَقْبَلَ عَلَيْهِ عَبْدُ اللهِ بْنُ الْحَسَنِ.
فَقالَ: مِنْ أَيْنَ أَخَذْتَ هَذَا؟
قالَ: قَرَأْتُ فِي كِتَابِ أُمِّكَ فَاطِمَةَ عليها‌السلام.
قالَ: ثُمَّ انْصَرَفَ فَبَعَثَ إِلَيْهِ مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدٍ: ابْعَثْ إِلَيَّ بِكِتَابِ فَاطِمَةَ عليها‌السلام.
فَأَرْسَلَ إِلَيْهِ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام: إِنِّي إِنَّمَا أَخْبَرْتُكَ أَنِّي قَرَأْتُهُ وَ لَمْ أُخْبِرْكَ أَنَّهُ عِنْدِي.
قالَ حَبِيبٌ: فَجَعَلَ مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدٍ يَقُولُ لِي: مَا رَأَيْتُ مِثْلَ هَذَا قَطُّ.

راوی گوید: حاکم از مردم مدینه پرسید، پاسخ دادند: پیش از ما نیز چنین بود. حاکم شخصی را نزد عبدالله بن حسن و امام صادق عليه‌السلام فرستاد تا از آن‌ها نیز این سؤال را بپرسد.
عبدالله بن حسن پاسخ داد، حکم همان است که اهل مدینه گفته‌اند.
مأمور به امام صادق عليه‌السلام عرض کرد: نظر شما چیست؟ ای اباعبدالله!
امام صادق عليه‌السلام فرمود: پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله در هر چهل اوقیه، یک اوقیه زکات قرار داد، وقتی آن را محاسبه کردند به وزن هفت درهم بود، البتّه پیشتر به وزن شش درهم بود و هر درهم پنج دانق بود.
حبیب گوید: ما محاسبه کردیم و همان گونه که حضرتش فرموده بود، یافتیم.
راوی گوید: عبدالله بن حسن نزد امام صادق عليه‌السلام آمد و گفت: این حکم را از کجا می‌گویی؟
فرمود: در کتاب مادرت حضرت فاطمه عليها‌السلام خواندم.
وقتی مأمور حاکم برگشت، محمّد بن خالد شخصی را فرستاد که کتاب فاطمه عليها‌السلام را به ما بدهید.
امام صادق عليه‌السلام پاسخ داد: من گفتم: این حکم را در کتاب فاطمه عليها‌السلام خوانده‌ام، نگفتم که آن کتاب نزد من است.
حبیب گوید: محمّد بن خالد همواره به من می‌گفت: هرگز چنین حکمی ندیده‌ام.

٣ ـ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ وَ غَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَفْصٍ عَنْ صَبَّاحٍ الْحَذَّاءِ عَنْ قُثَمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَخْبِرْنِي عَنِ الزَّكَاةِ كَيْفَ صَارَتْ مِنْ كُلِّ أَلْفٍ خَمْسَةً وَ عِشْرِينَ لَمْ تَكُنْ أَقَلَّ أَوْ أَكْثَرَ مَا وَجْهُهَا؟

فَقَالَ: إِنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَ الْخَلْقَ كُلَّهُمْ، فَعَلِمَ صَغِيرَهُمْ وَ كَبِيرَهُمْ وَ غَنِيَّهُمْ وَفَقِيرَهُمْ، فَجَعَلَ مِنْ كُلِّ أَلْفِ إِنْسَانٍ خَمْسَةً وَ عِشْرِينَ مِسْكِيناً، وَ لَوْ عَلِمَ أَنَّ ذَلِكَ لا يَسَعُهُمْ لَزَادَهُمْ، لِأَنَّهُ خَالِقُهُمْ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِهِمْ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْأَحْوَلِ قَالَ:

سَأَلَنِي رَجُلٌ مِنَ الزَّنَادِقَةِ فَقَالَ: كَيْفَ صَارَتِ الزَّكَاةُ مِنْ كُلِّ أَلْفٍ خَمْسَةً وَ عِشْرِينَ دِرْهَماً؟

فَقُلْتُ لَهُ: إِنَّمَا ذَلِكَ مِثْلُ الصَّلاةِ ثَلاثٌ وَ ثِنْتَانِ وَ أَرْبَعٌ.

---

۳ ـ قثم گوید: به امام صادق عليه‌السلام عرض کردم: قربانت گردم! چگونه زکات از هر هزار، بیست و پنج مقرّر شد، نه کمتر و نه زیادتر؟ دلیلش چیست؟

فرمود: خداوند عزّوجلّ همهٔ مردم را آفرید و از کوچک و بزرگ و ثروتمند و فقیر آنان آگاهی داشت. از این رو برای هر هزار انسانی بیست و پنج مسکین قرار داد. اگر می‌دانست که این اندازه زکات کفایت نمی‌کند، به آن می‌افزود، چرا که او آفریدگار آن‌ها بود و از آنان آگاهی داشت.

۴ ـ ابو جعفر احول گوید: یکی از زنادقه از من پرسید: چگونه زکات از هر هزار درهم، بیست و پنج درهم مقرّر شد؟

گفتم: این حکم به سان حکم نماز است که سه، دو و چهار رکعت است.

قالَ: فَقَبِلَ مِنِّي، ثُمَّ لَقِيتُ بَعْدَ ذٰلِكَ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام فَسَأَلْتُهُ عَنْ ذٰلِكَ.

فَقالَ: إِنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ حَسَبَ الْأَمْوَالَ وَ الْمَسَاكِينَ، فَوَجَدَ مَا يَكْفِيهِمْ مِنْ كُلِّ أَلْفٍ خَمْسَةً وَ عِشْرِينَ، وَ لَوْ لَمْ يَكْفِهِمْ لَزَادَهُمْ.

قالَ: فَرَجَعْتُ إِلَيْهِ فَأَخْبَرْتُهُ.

فَقالَ: جَاءَتْ هٰذِهِ الْمَسْأَلَةُ عَلَى الْإِبِلِ مِنَ الْحِجَازِ.

ثُمَّ قالَ: لَوْ أَنِّي أَعْطَيْتُ أَحَداً طَاعَةً، لَأَعْطَيْتُ صَاحِبَ هٰذَا الْكَلَامِ.

(٤)

بَابُ مَا وَضَعَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الزَّكَاةَ عَلَيْهِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ أَبِي بَصِيرٍ وَ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْعِجْلِيِّ وَ فُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليهما السلام قَالا:

او از من پذیرفت. بعد از آن حضور امام صادق عليه السلام شرف‌یاب شدم و این سؤال را پرسیدم.

حضرتش فرمود: خداوند عزّوجلّ اموال و بی‌نوایان را محاسبه فرمود، و این‌گونه یافت که از هر هزار درهم بیست و پنج درهم کافی است و اگر کفایت نمی‌کرد، می‌افزود.

من نزد او رفتم و این پاسخ را دادم.

گفت: این پاسخ به وسیله شتر از حجاز آمده است.

آن‌گاه گفت: اگر من از کسی فرمان ببرم، از صاحب این سخن فرمان خواهم برد.

بخش چهارم
آن چه پیامبر خدا صلّی الله علیه و آله به عنوان زکات مقرّر کرده‌اند

١ ـ زراره، محمّد بن مسلم، ابوبصیر، برید عجلی و فضیل بن یسار گویند: امام باقر عليه السلام و امام صادق عليه السلام فرمودند:

فَرَضَ اللهُ الزَّكَاةَ مَعَ الصَّلاةِ فِي الْأَمْوَالِ، وَ سَنَّهَا رَسُولُ اللهِ ﷺ فِي تِسْعَةِ أَشْيَاءَ، وَ عَفَا رَسُولُ اللهِ ﷺ عَمَّا سِوَاهُنَّ فِي الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْإِبِلِ وَ الْبَقَرِ وَ الْغَنَمِ وَ الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّبِيبِ، وَ عَفَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

وَضَعَ رَسُولُ اللهِ ﷺ الزَّكَاةَ عَلَى تِسْعَةِ أَشْيَاءَ الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّبِيبِ وَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْإِبِلِ وَ الْبَقَرِ وَ الْغَنَمِ، وَ عَفَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ.

قالَ يُونُسُ: مَعْنَى قَوْلِهِ: «إِنَّ الزَّكَاةَ فِي تِسْعَةِ أَشْيَاءَ وَ عَفَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ»، إِنَّمَا كَانَ ذَلِكَ فِي أَوَّلِ النُّبُوَّةِ كَمَا كَانَتِ الصَّلاةُ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ زَادَ رَسُولُ اللهِ ﷺ فِيهَا سَبْعَ رَكَعَاتٍ، وَ كَذَلِكَ الزَّكَاةُ وَضَعَهَا وَ سَنَّهَا فِي أَوَّلِ نُبُوَّتِهِ عَلَى تِسْعَةِ أَشْيَاءَ، ثُمَّ وَضَعَهَا عَلَى جَمِيعِ الْحُبُوبِ.

خداوند زکات اموال را در کنار نماز، فرض و واجب کرد و رسول خدا ﷺ زکات را در نه ماده سنّت نهاد و از سایر مواد صرف نظر کرد. از این رو، زکات فریضه به طلا و نقره، شتر، گاو و گوسفند، گندم، جو، خرما و کشمش اختصاص یافت و سایر اموال از پرداخت زکات معاف گردید.

۲ ـ ابوبکر حضرمی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

رسول خدا ﷺ زکات را در نه ماده مقرّر کرد: گندم، جو، خرما، کشمش، طلا، نقره، شتر، گاو، گوسفند، و سایر مواد را معاف داشت.

یونس گوید: این که در نه چیز زکات مقرّر شده و سایر مواد معاف شده‌اند؛ این امر در آغاز نبوّت بود، آن سان که نماز دو رکعت بود. سپس پیامبر خدا ﷺ هفت رکعت به آن افزود، زکات نیز همین‌گونه بود که در آغاز نبوّت در نه چیز مقرّر شده بود، آن‌گاه حضرتش در همهٔ حبوبات قرار داد.

(۵)

بَابُ مَا يُزَكَّى مِنَ الْحُبُوبِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِبْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِبْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عليه‌السلام عَنِ الْحُبُوبِ مَا يُزَكَّى مِنْهَا.

قَالَ: الْبُرُّ وَ الشَّعِيرُ وَ الذُّرَةُ وَ الدُّخْنُ وَ الْأَرُزُّ وَ السُّلْتُ وَ الْعَدَسُ وَ السِّمْسِمُ، كُلُّ هَذَا يُزَكَّى وَ أَشْبَاهُهُ.

۲ ـ حَرِيزٌ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام مِثْلَهُ. وَ قَالَ: كُلُّ مَا كِيلَ بِالصَّاعِ فَبَلَغَ الْأَوْسَاقَ فَعَلَيْهِ الزَّكَاةُ.

وَ قَالَ: جَعَلَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله الصَّدَقَةَ فِي كُلِّ شَيْءٍ أَنْبَتَتِ الْأَرْضُ إِلَّا مَا كَانَ فِي الْخُضَرِ وَ الْبُقُولِ وَ كُلَّ شَيْءٍ يَفْسُدُ مِنْ يَوْمِهِ.

بخش پنجم
زكات حبوبات و غلّات

۱ ـ محمّد بن مسلم گويد: از امام عليه‌السلام دربارهٔ زكات حبوبات و غلّات پرسيدم.

فرمود: گندم، جو، ذرّت، ارزن، برنج، سلت (گونه‌ای از جو)، عدس و كنجد؛ زكات همهٔ اين‌ها و مانند اين‌ها پرداخت مى‌شود.

۲ ـ نظير اين روايت را زراره از امام صادق عليه‌السلام را نقل كرده و مى‌افزايد كه حضرتش فرمود: هر چيزى كه با صاع [۱] پيمانه شود و به اندازهٔ دوهزار و هفتصد رطل عراقى برسد، زكات دارد.

و فرمود: رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله در هر چيزى كه از زمين مى‌رويد مگر آن كه از سبزى‌جات و تره‌بار و هر چيزى كه در همان روز و به سرعت فاسد مى‌شود، زكات قرار داد.

---

۱ ـ پيمانه‌ای معادل چهار مد.

۳ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ قَالَ:

قَرَأْتُ فِي كِتَابِ عَبْدِ اللهِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه‌السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! رُوِيَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام أَنَّهُ قَالَ:

وَضَعَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله الزَّكَاةَ عَلَى تِسْعَةِ أَشْيَاءَ الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّبِيبِ وَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْغَنَمِ وَ الْبَقَرِ وَ الْإِبِلِ، وَ عَفَا رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله عَمَّا سِوَى ذَلِكَ.

فَقَالَ لَهُ الْقَائِلُ: عِنْدَنَا شَيْءٌ كَثِيرٌ يَكُونُ أَضْعَافَ ذَلِكَ.

فَقَالَ: وَ مَا هُوَ؟

فَقَالَ لَهُ: الْأَرُزُّ.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام: أَقُولُ لَكَ: إِنَّ رَسُولَ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله وَضَعَ الزَّكَاةَ عَلَى تِسْعَةِ أَشْيَاءَ، وَ عَفَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ وَ تَقُولُ: عِنْدَنَا أَرُزٌّ وَ عِنْدَنَا ذُرَةٌ وَ قَدْ كَانَتِ الذُّرَةُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله.

۳ـ علی بن مهزیار گوید: در نوشتهٔ عبدالله بن محمّد برای ابوالحسن عليه‌السلام خواندم این گونه آمده بود: فدایت شوم! از امام صادق عليه‌السلام روایت شده که فرمود: پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله بر نه چیز زکات قرار داد: گندم، جو، خرما، کشمش، طلا، نقره، گوسفند، گاو و شتر، و حضرتش دیگر چیزها را مشمول حکم زکات قرار نداد. شخصی به پدر بزرگوارتان امام صادق عليه‌السلام گفت: مواردی نزد ما هست که خیلی بیشتر از چیزهایی است که نام بردید.

امام عليه‌السلام فرمود: چه چیزی؟

گفت: برنج.

امام عليه‌السلام فرمود: من به تو می‌گویم که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله بر نه چیز زکات قرار داد و چیزها دیگر را بخشید، آن گاه تو می‌گویی: ما برنج داریم، ما ذرّت داریم، به راستی که در زمان رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نیز ذرّت بود (حال آن که پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله بر ذرّت زکات قرار نداد)

فَوَقَّعَ عليه السلام : كَذَلِكَ هُوَ وَ الزَّكَاةُ عَلَى كُلِّ مَا كِيلَ بِالصَّاعِ .

وَ كَتَبَ عَبْدُ اللهِ: وَ رَوَى غَيْرُ هَذَا الرَّجُلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنِ الْحُبُوبِ.

فَقالَ: وَ مَا هِيَ؟

فَقالَ: السِّمْسِمُ وَ الْأَرُزُّ وَ الدُّخْنُ، وَ كُلُّ هَذَا غَلَّةٌ كَالْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ.

فَقالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام: فِي الْحُبُوبِ كُلِّهَا زَكَاةٌ.

٤ ـ وَ رَوَى أَيْضاً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:

كُلُّ مَا دَخَلَ الْقَفِيزَ فَهُوَ يَجْرِي مَجْرَى الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ الَّتمْرِ وَ الزَّبِيبِ.

قالَ: فَأَخْبِرْنِي جُعِلْتُ فِدَاكَ! هَلْ عَلَى هَذَا الْأَرُزِّ وَ مَا أَشْبَهَهُ مِنَ الْحُبُوبِ الْحِمِّصِ وَ الْعَدَسِ زَكَاةٌ؟

فَوَقَّعَ: صَدَقُوا الزَّكَاةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ كِيلَ.

٥ ـ وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: إِنَّ لَنَا رَطْبَةً وَ أَرُزّاً فَمَا الَّذِي عَلَيْنَا فِيهَا؟

پس امام عليه السلام سخن پدرشان را تأیید کرده و نوشته را امضاء فرمودند و در ادامه نوشتند: زکات بر هر چیزی که با صاع، پیمانه شود واجب است.

عبدالله نوشت: شخصی غیر از این مرد روایت کرد که از امام صادق عليه السلام دربارهٔ حبوبات غلات پرسید.

فرمود: حبوبات غلّات چیست؟

گفت: کنجد، برنج، و ارزن؛ همهٔ این‌ها مانند گندم و جو از غلّات هستند.

امام صادق عليه السلام فرمود: در همهٔ حبوبات غلّات زکات واجب است.

۴ ـ هم چنین از امام صادق عليه السلام روایت شده که حضرتش فرمود:

هر چیزی که با قفیز(نوعی پیمانهٔ عراقی است) پیمانه شود، داخل در حکم گندم، جو، خرما وکشمش است.

راوی گفت: فدایت شوم! به من خبر ده که آیا برنج و مانند آن مثل نخود و عدس نیز زکات دارد؟

امام عليه السلام مرقوم فرمود: راست گفته‌اند، زکات در هر چیزی که پیمانه می‌شود واجب است.

۵ ـ محمّد بن اسماعیل گوید: به امام ابوالحسن عليه السلام گفتم: ما یونجه و برنج داریم. پس چیزی در آن‌ها برعهدهٔ ماست؟

فَقالَ: عليه السلام أَمَّا الرَّطْبَةُ، فَلَيْسَ عَلَيْكَ فِيهَا شَيْءٌ، وَ أَمَّا الْأَرُزُّ فَمَا سَقَتِ السَّمَاءُ بِالْعُشْرِ وَ مَا سُقِيَ بِالدَّلْوِ فَنِصْفُ الْعُشْرِ مِنْ كُلِّ مَا كِلْتَ بِالصَّاعِ، أَوْ قَالَ: وَ كِيلَ بِالْمِكْيَالِ.

٦ ـ حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ سَمَاعَةَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبَانٍ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْحَرْثِ مَا يُزَكَّى مِنْهُ؟

فَقَالَ: الْبُرُّ وَ الشَّعِيرُ وَ الذُّرَةُ وَ الْأَرُزُّ وَ السُّلْتُ وَ الْعَدَسُ، كُلُّ هَذَا مِمَّا يُزَكَّى.

وَ قَالَ: كُلُّ مَا كِيلَ بِالصَّاعِ، فَبَلَغَ الْأَوْسَاقَ فَعَلَيْهِ الزَّكَاةُ.

(٦)
بَابُ مَا لا يَجِبُ فِيهِ الزَّكَاةُ مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنَ الْخُضَرِ وَ غَيْرِهَا

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

امام عليه السلام فرمود: امّا در یونجه چیزی بر عهدهٔ شما نیست؛ ولی در برنج، آن‌چه که آسمان آن را آب داده (کشت دیمی) یک دهم هر پیمانه‌ای، که با صاع پیمانه و آن‌چه با سطل و به صورت دستی آب خورده، نصف یک دهم، زکات دارد.

یا این که فرمود: و هر چیزی که با پیمانه، پیمانه شود.

۶ ـ ابو مریم گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: چه چیزی از کشت زکات دارد؟

فرمود: گندم، جو، ذرّت، برنج، سلت (نوعی جو) و عدس همه این‌ها زکاتشان داده می‌شود.

و فرمود: هر چیزی که با صاع پیمانه شود و به او ساق (۲۷۰۰ رطل عراقی) برسد، زکات دارد.

بخش ششم
سبزیجات و گیاهانی که زکات واجب ندارند

۱ ـ سماعه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

لَيْسَ عَلَى الْبُقُولِ وَ لا عَلَى الْبِطِّيخِ وَ أَشْبَاهِهِ زَكَاةٌ إِلّا مَا اجْتَمَعَ عِنْدَكَ مِنْ غَلَّتِهِ فَبَقِيَ عِنْدَكَ سَنَةً.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْخُضَرِ فِيهَا زَكَاةٌ وَ إِنْ بِيعَتْ بِالْمَالِ الْعَظِيمِ؟

فَقَالَ: لا، حَتَّى يَحُولَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: مَا فِي الْخُضَرِ؟

قَالَ: وَ مَا هِيَ؟

قُلْتُ: الْقَضْبُ وَ الْبِطِّيخُ وَ مِثْلُهُ مِنَ الْخُضَرِ.

قالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ إِلّا أَنْ يُبَاعَ مِثْلُهُ بِمَالٍ، وَ يَحُولَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ، فَفِيهِ الصَّدَقَةُ.

وَ عَنِ الْغَضَاةِ مِنَ الْفِرْسِكِ وَ أَشْبَاهِهِ فِيهِ زَكَاةٌ؟

محصول سبزی و خربزه و امثال آن زكات ندارد. اگر سبزيجات و تره‌بار فروخته شود و در آمد آن (طلا و نقره) یک سال ذخيره شود، در پايان سال، زكات آن واجب می‌گردد.

۲ ـ محمّد بن مسلم گويد: از امام باقر عليه السلام پرسيدند: اگر ميوهٔ تازه فراوان باشد و به مبلغ گزافی فروخته شود، زكات دارد؟

فرمود: نه. (اگر تبديل به طلا و نقره‌ای گردد و) و یک سال ذخيره شود، زكات خواهد داشت.

۳ ـ حلبی می‌گويد: به امام صادق عليه السلام گفتم: حكم زكات در سبزيجات (صيفی‌جات) چيست؟

فرمود: مانند چه؟

گفتم: چيزهايی كه بريده می‌شوند و به صورت تازه و آب‌دار خورده می‌شوند (چيدنی‌ها، مثل سيب) و خربزه و مانند آن از سبزی جات (صيفی جات).

فرمود: اين‌ها زكات ندارند، مگر آن كه به مالی فروخته شوند و یک سال از آن بگذرد كه در آن صورت زكات دارند.

از حضرتش درباره چيزهای تازه و آب دار مانند هلو و مانند آن پرسيدم كه آيا آن‌ها زكات دارند؟

قالَ: لا.

قُلْتُ: فَثَمَنُهُ؟

قالَ: مَا حَالَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ مِنْ ثَمَنِهِ فَزَكِّهِ.

٤ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ وَ غَيْرِهِ عَنْ يُونُسَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الْأُشْنَانِ فِيهِ زَكَاةٌ؟

فَقالَ: لا.

٥ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ الْمُهْتَدِي قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الْقُطْنِ وَ الزَّعْفَرَانِ عَلَيْهِمَا زَكَاةٌ؟

قَالَ: لا.

٦ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليهما السلام فِي الْبُسْتَانِ تَكُونُ فِيهِ مِنَ الثِّمَارِ مَا لَوْ بِيعَ كَانَ مَالاً هَلْ فِيهِ صَدَقَةٌ؟

قالَ: لا.

فرمود: نه.

گفتم: اگر تبدیل به پول شد چه؟

فرمود: از پولش آن‌چه که سال به آن گذشته زکات بده.

۴ـ یونس گوید: از امام رضا عليه السلام پرسیدم: محصول چوبک زکات دارد؟

فرمود: نه.

۵ـ عبدالعزیز گوید: از امام رضا عليه السلام پرسیدم: محصول پنبه و زعفران زکات دارد؟

فرمود: نه.

۶ـ محمّد بن مسلم گوید: از امام باقر و امام صادق عليهما السلام پرسیدم: محصول میوه اگر به قیمت زیادی فروخته شود، آیا زکات دارد؟

فرمودند: نه، زکات ندارد.

(۷)
بَابُ أَقَلِّ مَا يَجِبُ فِيهِ الزَّكَاةُ مِنَ الْحَرْثِ

۱ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الزَّكَاةِ فِي الزَّبِيبِ وَ التَّمْرِ.

فَقَالَ: فِي كُلِّ خَمْسَةِ أَوْسَاقٍ وَسْقٌ، وَ الْوَسْقُ سِتُّونَ صَاعاً، وَ الزَّكَاةُ فِيهِمَا سَوَاءٌ، فَأَمَّا الطَّعَامُ فَالْعُشْرُ فِيما سَقَتِ السَّمَاءُ، وَ أَمَّا مَا سُقِيَ بِالْغَرْبِ وَ الدَّوَالِي، فَإِنَّمَا عَلَيْهِ نِصْفُ الْعُشْرِ.

۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَشْيَمَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالا: ذَكَرْنَا لَهُ الْكُوفَةَ وَ مَا وُضِعَ عَلَيْهَا مِنَ الْخَرَاجِ وَ مَا سَارَ فِيهَا أَهْلُ بَيْتِهِ.

بخش هفتم
کمترین نصاب زکات محصولات

۱ ـ سماعه گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: زکاتِ کشمش و خرما از چه قرار است؟

فرمود: از پنج بار شتر، یک بار آن حق زکات است ـ یک بار شتر را برابر با شصت من می‌باشد ـ زکات کشمش و خرما از یک قرار است؛ اما گندم و جو، اگر با آب آسمان آبیاری شود، ده یک آن، حق زکات است و اگر با گردونه و سطل، آبیاری شود، بیست یک آن حقِّ زکات است.

۲ ـ صفوان بن یحیی و احمد بن محمّد بن ابی‌نصر گویند: به حضرتش در مورد مالیات کوفه و مردم آن سخن گفتیم.

فَقالَ: مَنْ أَسْلَمَ طَوْعاً تُرِكَتْ أَرْضُهُ فِي يَدِهِ، وَ أُخِذَ مِنْهُ الْعُشْرُ مِمَّا سَقَتِ السَّمَاءُ وَ الْأَنْهَارُ وَ نِصْفُ الْعُشْرِ مِمَّا كَانَ بِالرِّشَاءِ فِيما عَمَرُوهُ مِنْهَا، وَ مَا لَمْ يَعْمُرُوهُ مِنْهَا أَخَذَهُ الْإِمَامُ فَقَبَّلَهُ مِمَّنْ يَعْمُرُهُ وَ كَانَ لِلْمُسْلِمِينَ، وَ عَلَى الْمُتَقَبِّلِينَ فِي حِصَصِهِمُ الْعُشْرُ وَ نِصْفُ الْعُشْرِ، وَ لَيْسَ فِي أَقَلَّ مِنْ خَمْسَةِ أَوْسَاقٍ شَيْءٌ مِنَ الزَّكَاةِ.

وَ مَا أُخِذَ بِالسَّيْفِ فَذَلِكَ إِلَى الْإِمَامِ يُقَبِّلُهُ بِالَّذِي يَرَى، كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللهِ ﷺ بِخَيْبَرَ، قَبَّلَ سَوَادَهَا وَ بَيَاضَهَا ـ يَعْنِي أَرْضَهَا وَ نَخْلَهَا ـ وَ النَّاسُ يَقُولُونَ: لا يَصْلُحُ قَبَالَةُ الْأَرْضِ وَ النَّخْلِ.

وَ قَدْ قَبَّلَ رَسُولُ اللهِ ﷺ خَيْبَرَ، وَ عَلَى الْمُتَقَبِّلِينَ سِوَى قَبَالَةِ الْأَرْضِ الْعُشْرُ وَ نِصْفُ الْعُشْرِ فِي حِصَصِهِمْ.

وَ قَالَ: إِنَّ أَهْلَ الطَّائِفِ أَسْلَمُوا وَ جَعَلُوا عَلَيْهِمُ الْعُشْرَ وَ نِصْفَ الْعُشْرِ، وَ إِنَّ أَهْلَ مَكَّةَ دَخَلَهَا رَسُولُ اللهِ ﷺ عَنْوَةً، فَكَانُوا أُسَرَاءَ فِي يَدِهِ فَأَعْتَقَهُمْ وَ قَالَ: اذْهَبُوا فَأَنْتُمُ الطُّلَقَاءُ.

فرمود: هر که با میل خود مسلمان شده، زمینش از آنِ خود اوست که اگر به صورت دیمی آبیاری می‌شود، یک دهم به عنوان مالیات گرفته می‌شود و اگر با سطل آبیاری می‌شود، نصف یک دهم. و این در صورتی است که زمین آباد باشد و اگر آباد نباشد، زمین از آن امام است و آن را از آبادگران می‌پذیرد و از آن مسلمانان است و پذیرندگان در سهم، یک دهم و نصف یک دهم خواهد بود. و زمانی که کمتر از پنج اوساق باشد، زکات ندارد.

و زمین‌هایی که با شمشیر گرفته شده از آنِ امام است. به هر که صلاح دانست می‌دهد. آن سان که پیامبر خدا ﷺ در جنگ خیبر چنین کرد که سرزمین و نخلستان آنها را پذیرفت و مردم می‌گفتند: پذیرفتن از زمین نخلستان شایسته نیست.

ولی پیامبر خدا ﷺ از خیبر پذیرفت و و بر پذیرندگان علاوه بر پذیرش زمین، یک دهم و نصف یک دهم در اموال آنهاست.

حضرتش فرمود: هنگامی که مردم طائف مسلمان شدند، یک دهم و نصف یک دهم را به عنوان خراج قرار دادند.

و آن‌گاه که پیامبر خدا ﷺ با قدرت وارد مکّه شد، مردم مکّه در دست حضرتش اسیر شدند، پیامبر خدا ﷺ آنها را آزاد کرد و فرمود: بروید که شما آزاد شدگانید.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام فِي الصَّدَقَةِ فِيما سَقَتِ السَّمَاءُ وَ الْأَنْهَارُ:

إِذَا كَانَ سَيْحاً أَوْ كَانَ بَعْلاً الْعُشْرُ وَ مَا سَقَتِ السَّوَانِي وَ الدَّوَالِي أَوْ سُقِيَ بِالْغَرْبِ فَنِصْفُ الْعُشْرِ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُمَا قَالا لَهُ:

هَذِهِ الْأَرْضُ الَّتِي يُزَارِعُ أَهْلُهَا مَا تَرَى فِيهَا.

فَقَالَ: كُلُّ أَرْضٍ دَفَعَهَا إِلَيْكَ السُّلْطَانُ فَمَا حَرَثْتَهُ فِيهَا، فَعَلَيْكَ فِيما أَخْرَجَ اللهُ مِنْهَا الَّذِي قَاطَعَكَ عَلَيْهِ، وَ لَيْسَ عَلَى جَمِيعِ مَا أَخْرَجَ اللهُ مِنْهَا الْعُشْرُ إِنَّمَا عَلَيْكَ الْعُشْرُ فِيما يَحْصُلُ فِي يَدِكَ بَعْدَ مُقَاسَمَتِهِ لَكَ.

---

۳ ـ حلبی گوید: امام صادق عليه السلام دربارهٔ زکات زمین کشاورزی فرمود:

آن‌چه را که آسمان و نهرهای جاری آبیاری می‌کند، یا خودش از زمین آب می‌گیرد و احتیاجی به آبیاری ندارد یک دهم آن زکات دارد؛ و آن‌چه که با شتر و ظرف آبکشی یا با سطل بزرگ آبیاری می‌شود، نصف یک بیستم آن زکات دارد.

۴ ـ ابو بصیر و محمّد بن مسلم گویند: به امام باقر عليه السلام گفتیم: در زمین‌های واگذاری، حقّ زکات از چه قرار است؟

فرمود: هر زمینی که از جانب حکومت به تو واگذار شود، بعد از آن که حق حکومت را بدهی، یک دهم آن حقِّ زکات است. این یک دهم پس از تقسیم آن از محصولی خارج می‌شود که به طور خالص به دست تو می‌آید.

۵ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ الْأَشْعَرِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ أَقَلِّ مَا يَجِبُ فِيهِ الزَّكَاةُ مِنَ الْبُرِّ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّبِيبِ.

فَقَالَ: خَمْسَةُ أَوْسَاقٍ بِوَسْقِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله.

فَقُلْتُ: كَمِ الْوَسْقُ؟

قَالَ: سِتُّونَ صَاعاً.

قُلْتُ: فَهَلْ عَلَى الْعِنَبِ زَكَاةٌ، أَوْ إِنَّمَا تَجِبُ عَلَيْهِ إِذَا صَيَّرَهُ زَبِيباً؟

قالَ: نَعَمْ، إِذَا خَرَصَهُ أَخْرَجَ زَكَاتَهُ.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ شُرَيْحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

فِيما سَقَتِ السَّمَاءُ وَ الْأَنْهَارُ، أَوْ كَانَ بَعْلاً الْعُشْرُ، وَ أَمَّا مَا سَقَتِ السَّوَانِي وَ الدَّوَالِي فَنِصْفُ الْعُشْرِ.

---

۵ ـ سعد بن سعد اشعری گوید: به امام کاظم عليه السلام گفتم: کمترین محصول گندم، جو، کشمش و خرما که زکات دارند، چه مقدار است؟

فرمود: کمترین نصاب آن با معیاری که رسول خدا صلى الله عليه و آله مقرّر کرده بود، پنج بار شتر است.

پرسیدم: با معیار رسول خدا صلى الله عليه و آله یک بار شتر، چقدر می‌شود؟

فرمود: شصت صاع.

گفتم: وقتی که محصول انگور به دست آید، باید زکات آن را بدهند؟ یا بعد از آن که به صورت کشمش درآید؟

فرمود: آری، موقعی که تخمین بزنند، می‌توانند زکات آن را بپردازند.

۶ ـ معاویة بن شریح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

محصولی که با آب باران و رودخانه، یا به صورت دِیْم به دست آید، ده یک آن حقّ زکات است، و محصولی که با شتر، یاگاو آبکش آبیاری شود، بیست یک آن حق زکات است.

فَقُلْتُ لَهُ: فَالْأَرْضُ تَكُونُ عِنْدَنَا تُسْقَى بِالدَّوَالِي، ثُمَّ يَزِيدُ الْمَاءُ فَتُسْقَى سَيْحاً.
فَقَالَ: وَ إِنَّ ذَا لَيَكُونُ عِنْدَكُمْ كَذَلِكَ؟
قُلْتُ: نَعَمْ.
قَالَ: النِّصْفُ وَ النِّصْفُ نِصْفٌ بِنِصْفِ الْعُشْرِ وَ نِصْفٌ بِالْعُشْرِ.
فَقُلْتُ: الْأَرْضُ تُسْقَى بِالدَّوَالِي، ثُمَّ يَزِيدُ الْمَاءُ فَتُسْقَى السَّقْيَةَ وَ السَّقْيَتَيْنِ سَيْحاً.
قَالَ: وَ فِي كَمْ تُسْقَى السَّقْيَةَ وَ السَّقْيَتَيْنِ سَيْحاً؟
قُلْتُ: فِي ثَلاثِينَ لَيْلَةً أَوْ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَ قَدْ مَضَتْ قَبْلَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ سِتَّةَ أَشْهُرٍ سَبْعَةَ أَشْهُرٍ.
قَالَ: نِصْفُ الْعُشْرِ.
۷ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ التَّمْرِ وَ الزَّبِيبِ مَا أَقَلُّ مَا تَجِبُ فِيهِ الزَّكَاةُ.

گفتم: زمینی که در اوائل کشت، با گاو آبکش آبیاری می‌شود و در پایان کشت با آب جاری آبیاری می‌گردد، حق زکات آن چگونه است؟
فرمود: در بلاد شما چنین اتّفاقی رخ می‌دهد؟
گفتم: آری.
فرمود: حقّ زکات آن نصف و نصف است. از نصف محصول، یک دهم؛ و از نصف دیگر بیست دهم بپردازند.
گفتم: زمینی که با گاو آبکش آبیاری می‌شود، اگر با زیاد شدن آب، فرصتی پیش آید و یک نوبت یا دو نوبت با آب جاری آبیاری شود. حقّ زکات آن از چه قرار است؟
فرمود: این یک نوبت و دو نوبت در چه فاصله زمانی صورت می‌گیرد؟
گفتم: با فاصلهٔ سی شب یا چهل شب، در حالی که شش ـیا هفت‌ـ ماه با گاو آبکش آبیاری شده است.
فرمود: زکاتش همان بیست یک می‌باشد.
۷ـ محمّد بن مسلم گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کمترین محصول خرما و کشمش که حقِّ زکات به آن تعلّق بگیرد، چه مقدار است؟

فَقالَ: خَمْسَةُ أَوْسَاقٍ وَ يُتْرَكُ مِعَى فَأْرَةٍ وَ أُمُّ جُعْرُورٍ لا يُزَكَّيَانِ وَ إِنْ كَثُرَا وَ يُتْرَكُ لِلْحَارِسِ الْعَذْقُ وَ الْعَذْقَانِ وَ الْحَارِسُ يَكُونُ فِي النَّخْلِ يَنْظُرُهُ فَيُتْرَكُ ذَلِكَ لِعِيَالِهِ.

(۸)
بَابُ أَنَّ الصَّدَقَةَ فِي الَّتمْرِ مَرَّةٌ وَاحِدَةٌ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِبْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ وَ عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ علیه السلام قَالَ:

أَيُّمَا رَجُلٍ كَانَ لَهُ حَرْثٌ أَوْ تَمْرَةٌ فَصدَّقَهَا فَلَيْسَ عَلَيْهِ فِيهِ شَيْءٌ، وَ إِنْ حَالَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ عِنْدَهُ إِلّا أَنْ يُحَوِّلَهُ مَالاً، فَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَحَالَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ عِنْدَهُ فَعَلَيْهِ أَنْ يُزَكِّيَهُ وَ إِلّا فَلا شَيْءَ عَلَيْهِ وَ إِنْ ثَبَتَ ذَلِكَ أَلْفَ عَامٍ إِذَا كَانَ بِعَيْنِهِ، فَإِنَّمَا عَلَيْهِ فِيهِ صَدَقَةُ الْعُشْرِ، فَإِذَا أَدَّاهَا مَرَّةً وَاحِدَةً فَلا شَيْءَ عَلَيْهِ فِيهَا حَتَّى يُحَوِّلَهُ مَالاً وَ يَحُولَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ وَ هُوَ عِنْدَهُ.

فرمود: پنج بار شتر. البتّه خرمای آفت‌زده (روده‌موشی) و خرمای پشکلی را به حساب نمی‌آورند. گرچه فراوان باشد. برای نگهبان باغ هم باید یک شاخه و دو شاخه جدا شود که حق نظاره دارد تا برای عیالش ببرد.

بخش هشتم
زکات خرما در یک سال یک مرتبه است

۱ ـ زراره و عبید گویند: امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس صاحب کِشت و زراعت باشد، یا صاحب خرما باشد و زکات محصول خود را بپردازد، دیگر هیچ گونه حَقّی بر عهدهٔ او نیست، گرچه محصول او تا یک سال دیگر باقی بماند. فقط در صورتی که گندم و یا خرمای خود را بفروشد و طلا و نقرهٔ آن، دست نخورده، یک سال ذخیره بماند، باید زکات آن نقره و طلا را بپردازد، وگرنه زکاتی بر عهدهٔ او نیست، گرچه هزار سال بتواند محصول خود را سالم نگهدارد. حقّ زکاتِ محصول، فقط برای یک نوبت است که باید ده یک آن پرداخته شود، و اگر یک نوبت بپردازند، دیگر حقّی به آن محصول تعلّق نخواهد گرفت، مگر آن که محصول را بفروشد و طلا و نقرهٔ آن یک سال، دست نخورده، ذخیره بماند.

(۹)
بَابُ زَكَاةِ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ:

فِي كُلِّ مِائَتَيْ دِرْهَمٍ خَمْسَةُ دَرَاهِمَ مِنَ الْفِضَّةِ وَ إِنْ نَقَصَ فَلَيْسَ عَلَيْكَ زَكَاةٌ وَ مِنَ الذَّهَبِ مِنْ كُلِّ عِشْرِينَ دِينَاراً نِصْفُ دِينَارٍ وَ إِنْ نَقَصَ فَلَيْسَ عَلَيْكَ شَيْءٌ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رِفَاعَةَ النَّخَّاسِ قَالَ:

سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام فَقَالَ: إِنِّي رَجُلٌ صَائِغٌ أَعْمَلُ بِيَدِي، وَ إِنَّهُ يَجْتَمِعُ عِنْدِيَ الْخَمْسَةُ وَ الْعَشَرَةُ فَفِيهَا زَكَاةٌ؟

فَقَالَ: إِذَا اجْتَمَعَ مِائَتَا دِرْهَمٍ فَحَالَ عَلَيْهَا الْحَوْلُ فَإِنَّ عَلَيْهَا الزَّكَاةَ.

بخش نهم
زکات طلا و نقره

۱ ـ سماعه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر دویست درهم نقره، پنج درهم آن حق زکات است. کمتر از دویست درهم زکات ندارد. و هر بیست دینار طلا، نیم دینار آن حق زکات است، کمتر از آن زکات ندارد.

۲ ـ رفاعه گوید: شخصی از امام صادق عليه السلام پرسید: من زرگر و طلاساز هستم، گاهی موجودی نقره‌ام به پنج و یا ده درهم می‌رسد، آیا باید از این مبلغ زکات بپردازم؟

فرمود: هر گاه دویست درهم جمع شود و یک سال، دست نخورده، ذخیره بماند، حق زکات به آن تعلّق می‌گیرد.

٣ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ وَ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليهما السلام قَالا:

لَيْسَ فِيمَا دُونَ الْعِشْرِينَ مِثْقَالاً مِنَ الذَّهَبِ شَيْءٌ، فَإِذَا كَمَلَتْ عِشْرِينَ مِثْقَالاً فَفِيهَا نِصْفُ مِثْقَالٍ إِلَى أَرْبَعَةٍ وَ عِشْرِينَ فَإِذَا كَمَلَتْ أَرْبَعَةً وَ عِشْرِينَ فَفِيهَا ثَلاثَةُ أَخْمَاسِ دِينَارٍ إِلَى ثَمَانِيَةٍ وَ عِشْرِينَ، فَعَلَى هَذَا الْحِسَابِ كُلَّمَا زَادَ أَرْبَعَةً.

٤ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنِ ابْنِ عُيَيْنَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا جَازَتِ الزَّكَاةُ الْعِشْرِينَ دِينَاراً فَفِي كُلِّ أَرْبَعَةِ دَنَانِيرَ عُشْرُ دِينَارٍ.

٥ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الذَّهَبِ كَمْ فِيهِ مِنَ الزَّكَاةِ؟

فَقَالَ: إِذَا بَلَغَ قِيمَتُهُ مِائَتَيْ دِرْهَمٍ فَعَلَيْهِ الزَّكَاةُ.

۳ـ عدّه‌ای از اصحاب ما گویند: امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند:

کمتر از بیست مثقال طلا زکات ندارد؛ بیست مثقال کامل، نیم مثقال آن حقّ زکات است تا برسد به بیست و چهار مثقال؛ بیست و چهار مثقال کامل سه پنجم آن حق زکات است تا برسد به بیست و هشت مثقال. و بر طبق همین حساب، هر گاه چهار دینار اضافه شود، حق زکات آن بر اساس یک چهلم بالا می‌رود.

۴ـ ابن عیینه گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

اگر زکات مال از ۲۰ دینار طلا گذشت، پس در هر ۴ دینار، یک دهم دینار، زکات است.

۵ـ محمّد بن مسلم گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: در طلا چقدر زکات است؟

فرمود: اگر قیمت طلا ۲۰۰ درهم شود، زکات دارد.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَشَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام فِي كَمْ وَضَعَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله الزَّكَاةَ؟

فَقَالَ: فِي كُلِّ مِائَتَيْ دِرْهَمٍ خَمْسَةَ دَرَاهِمَ، فَإِنْ نَقَصَتْ فَلا زَكَاةَ فِيهَا، وَ فِي الذَّهَبِ فَفِي كُلِّ عِشْرِينَ دِينَاراً نِصْفُ دِينَارٍ، فَإِنْ نَقَصَتْ فَلا زَكَاةَ فِيهَا.

٧ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ:

سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ مَا أَقَلُّ مَا يَكُونُ فِيهِ الزَّكَاةُ؟

قالَ: مِائَتَا دِرْهَمٍ وَ عِدْلُهَا مِنَ الذَّهَبِ .

قالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ النَّيِّفِ وَ الْخَمْسَةِ وَ الْعَشَرَةِ .

قالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ حَتَّى يَبْلُغَ أَرْبَعِينَ فَيُعْطَى مِنْ كُلِّ أَرْبَعِينَ دِرْهَماً دِرْهَمٌ.

---

۶ ـ حسین بن بشّار گوید: از ابوالحسن عليه السلام پرسیدم: رسول خدا صلى الله عليه وآله نصاب زکات را بر چه میزانی مقرّر نمود؟

فرمود: هر دویست درهم نقره، پنج درهم آن حق زکات است، اگر کمتر باشد از پرداخت زکات معاف است. و در هر بیست دینار طلا، نیم دینار آن حق زکات است، اگر کمتر باشد، از پرداخت زکات معاف است.

۷ ـ حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام دربارهٔ کمترین مقدار از طلا و نقره که زکات آن واجب می‌شود، سؤال شد؟

فرمود: ۲۰۰ درهم نقره و معادل آن ۲۰ دینار طلا

گوید: از امام عليه السلام پرسیدم: اگر مقدار نقره به پنج و ده درهم و اندی برسد چه؟

فرمود: چیزی از زکات به آن تعلّق نمی‌گیرد تا این که به چهل درهم برسد که در این صورت از هر چهل درهم، یک درهم می‌پردازد.

۸ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: تِسْعُونَ وَ مِائَةُ دِرْهَمٍ وَ تِسْعَةَ عَشَرَ دِينَاراً أَ عَلَيْهَا فِي الزَّكَاةِ شَيْ‌ءٌ؟

فَقالَ: إِذَا اجْتَمَعَ الذَّهَبُ وَ الْفِضَّةُ فَبَلَغَ ذَلِكَ مِائَتَيْ دِرْهَمٍ، فَفِيهَا الزَّكَاةُ، لِأَنَّ عَيْنَ الْمَالِ الدَّرَاهِمُ، وَ كُلُّ مَا خَلا الدَّرَاهِمَ مِنْ ذَهَبٍ أَوْ مَتَاعٍ فَهُوَ عَرْضٌ مَرْدُودٌ ذَلِكَ إِلَى الدَّرَاهِمِ فِي الزَّكَاةِ وَ الدِّيَاتِ.

۹ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللهِ بْنِ هِلالٍ عَنِ الْعَلاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ زَيْدٍ الصَّائِغِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: إِنِّي كُنْتُ فِي قَرْيَةٍ مِنْ قُرَى خُرَاسَانَ يُقَالُ لَهَا: بُخَارَى، فَرَأَيْتُ فِيهَا دَرَاهِمَ تُعْمَلُ ثُلُثٌ فِضَّةٌ وَ ثُلُثٌ مِسٌّ وَ ثُلُثٌ رَصَاصٌ، وَ كَانَتْ تَجُوزُ عِنْدَهُمْ وَ كُنْتُ أَعْمَلُهَا وَ أُنْفِقُهَا.

قَالَ: فقالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام: لا بَأْسَ بِذَلِكَ إِذَا كَانَتْ تَجُوزُ عِنْدَهُمْ.

---

۸ ـ اسحاق بن عمّار گوید: به امام کاظم عليه السلام گفتم: آیا ۱۹۰ درهم نقره و ۱۹ دینار طلا، زکات دارد؟

فرمود: اگر طلا و نقره جمع شدند و به مقدار ۲۰۰ درهم نقره رسیدند، زکات دارد؛ زیرا عین مال درهم‌ها هستند. و هر گاه درهم‌های نقره از طلا یا کالایی خالی شدند، حکم آن در زکات و دیات به درهم‌های خالی از طلا و کالا برمی‌گردد.

۹ ـ زید صائغ گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: من در روستایی از روستاهای خراسان بودم که به آن «بخارا» می‌گفتند، در آنجا سکّه‌های درهمی را دیدم که از یک سوم نقره، یک سوم مس و یک سوم سرب می‌سازند و آن درهم‌ها نزد آن‌ها رایج بود و من هم با آن درهم‌ها داد و ستد می‌کردم و انفاق هم می‌نمودم، حکم آن چیست؟

امام صادق عليه السلام فرمود: اگر آن سکّه‌ها نزد آن‌ها رایج بوده، اشکالی ندارد.

فَقُلتُ: أرَأَيْتَ إنْ حَالَ عَلَيْهَا الْحَوْلُ وَ هِيَ عِنْدِي وَ فِيهَا مَا يَجِبُ عَلَيَّ فِيهِ الزَّكَاةُ أُزَكِّيهَا؟

قالَ: نَعَمْ، إِنَّمَا هُوَ مَالُكَ.

قُلْتُ: فَإِنْ أَخْرَجْتُهَا إِلَى بَلْدَةٍ لا يُنْفَقُ فِيهَا مِثْلُهَا فَبَقِيَتْ عِنْدِي حَتَّى يَحُولَ عَلَيْهَا الْحَوْلُ أُزَكِّيهَا .

قالَ: إِنْ كُنْتَ تَعْرِفُ أَنَّ فِيهَا مِنَ الْفِضَّةِ الْخَالِصَةِ مَا يَجِبُ عَلَيْكَ فِيهَا الزَّكَاةُ فَزَكِّ مَا كَانَ لَكَ فِيهَا مِنَ الْفِضَّةِ الْخَالِصَةِ وَ دَعْ مَا سِوَى ذَلِكَ مِنَ الْخَبِيثِ.

قُلْتُ: وَ إِنْ كُنْتُ لا أَعْلَمُ مَا فِيهَا مِنَ الْفِضَّةِ الْخَالِصَةِ إِلّا أَنِّي أَعْلَمُ أَنَّ فِيهَا مَا يَجِبُ فِيهِ الزَّكَاةُ.

قالَ: فَاسْبِكْهَا حَتَّى تَخْلُصَ الْفِضَّةُ وَ يَحْتَرِقَ الْخَبِيثُ، ثُمَّ يُزَكَّى مَا خَلَصَ مِنَ الْفِضَّةِ لِسَنَةٍ وَاحِدَةٍ.

گفتم: اگر از آن دو سکّه‌ها نزد من باشد و یک سال از آن گذشته باشد و در آن درهم‌ها درهمی باشد که زکات آن واجب شود، آیا باید زکات آن را بدهم؟

فرمودند: آری، زیرا مال توست.

گفتم: اگر آن درهم‌ها را به شهری دیگر ببرم که با آن‌ها در آن شهر داد وستد نمی‌شود و رایج نیست و نزد من بماند و سال بر آن بگذرد، آیا باید زکاتش را بدهم؟

فرمود: اگر می‌دانی که در آن‌ها نقرهٔ خالصی است که به حدّ زکات می‌رسد، زکات نقره خالص آن درهم را بده و ناخالصی‌های آن را رها کن.

گفتم: اگر من نمی‌دانم چقدر در آن‌ها نقره به کار رفته، امّا می‌دانم که در آن چیزی به کار رفته که زکات در آن واجب است، در این صورت وظیفهٔ من چیست؟

فرمود: آن درهم‌ها را ذوب کن تا نقرهٔ آن خالص شود و از ناخالصی‌ها جدا شود، و نقرهٔ خالصی که یک سال بر آن گذشته، زکات بده.

(۱۰)
بَابُ أَنَّهُ لَيْسَ عَلَى الْحُلِيِّ وَ سَبَائِكِ الذَّهَبِ وَ نُقَرِ الْفِضَّةِ وَ الْجَوْهَرِ زَكَاةٌ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدٍ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْحُلِيِّ فِيهِ زَكَاةٌ؟
قالَ: لا.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدٍ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْحُلِيِّ فِيهِ زَكَاةٌ؟
قالَ: لا.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الْحُلِيِّ أَ يُزَكَّى؟
فَقالَ: إِذاً لا يَبْقَى مِنْهُ شَيْءٌ.

بخش دهم
زیور آلات، سکّه‌های غیر رایج طلا، نقره و جواهرات زکات ندارند

۱ ـ محمّد حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: زیور آلات زکات دارند؟
فرمود: نه.

۲ ـ محمّد حلبی نظیر این روایت را دوباره با سند دیگر از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند.

۳ ـ یعقوب بن شعیب گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا آلات زینتی زکات دارند؟
فرمود: اگر از وسایل زینتی زکات بدهند، زینتی نمی‌ماند.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رِفَاعَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام وَ سَأَلَهُ بَعْضُهُمْ عَنِ الْحُلِيِّ فِيهِ زَكَاةٌ؟

فَقَالَ: لا، وَ لَوْ بَلَغَ مِائَةَ أَلْفٍ.

٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَخِيهِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الْمَالِ الَّذِي لا يُعْمَلُ بِهِ وَ لا يُقَلَّبُ.

قالَ: يَلْزَمُهُ الزَّكَاةُ فِي كُلِّ سَنَةٍ إِلّا أَنْ يُسْبَكَ.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

زَكَاةُ الْحُلِيِّ عَارِيَتُهُ.

٧ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ:

---

۴ ـ رفاعه گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که فردی از حضرتش پرسید: آیا زیور آلات طلا و نقره زکات دارند؟

فرمود: نه، گرچه معادل صد هزار درهم باشد، زکات ندارد.

۵ ـ علی بن یقطین گوید: به امام کاظم عليه السلام گفتم: اگر سکّهٔ طلا و نقره از مبادلهٔ بازار خارج شود و دست نخورده بماند، زکات دارد؟

فرمود: هر ساله زکات دارد، مگر این که سکّه را آب کنند و به صورت شمش درآورند.

۶ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

زکات زیور آلات، همان عاریه دادن آن‌هاست.

۷ ـ هارون بن خارجه گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم:

إِنَّ أَخِي يُوسُفَ وُلِّيَ لِهَؤُلاءِ الْقَوْمِ أَعْمَالاً أَصَابَ فِيهَا أَمْوَالاً كَثِيرَةً، وَ إِنَّهُ جَعَلَ تِلْكَ الْأَمْوَالَ حُلِيّاً أَرَادَ أَنْ يَفِرَّ بِهَا مِنَ الزَّكَاةِ أَ عَلَيْهِ الزَّكَاةُ؟

قَالَ: لَيْسَ عَلَى الْحُلِيِّ زَكَاةٌ وَ مَا أَدْخَلَ عَلَى نَفْسِهِ مِنَ النُّقْصَانِ فِي وَضْعِهِ وَ مَنْعِهِ نَفْسَهُ فَضْلَهُ أَكْثَرُ مِمَّا يَخَافُ مِنَ الزَّكَاةِ.

۸ـ حَمَّادُ بْنُ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: إِنَّهُ يَجْتَمِعُ عِنْدِي الشَّيْءُ فَيَبْقَى نَحْواً مِنْ سَنَةٍ أَ نُزَكِّيهِ؟

قَالَ: لا، كُلُّ مَا لَمْ يَحُلْ عَلَيْهِ عِنْدَكَ الْحَوْلُ فَلَيْسَ عَلَيْهِ فِيهِ زَكَاةٌ، وَ كُلُّ مَا لَمْ يَكُنْ رِكَازاً فَلَيْسَ عَلَيْكَ فِيهِ شَيْءٌ.

قَالَ: قُلْتُ: وَ مَا الرِّكَازُ؟

قَالَ: الصَّامِتُ الْمَنْقُوشُ.

ثُمَّ قَالَ: إِذَا أَرَدْتَ ذَلِكَ فَاسْبِكْهُ، فَإِنَّهُ لَيْسَ فِي سَبَائِكِ الذَّهَبِ وَ نِقَارِ الْفِضَّةِ شَيْءٌ مِنَ الزَّكَاةِ.

برادرم یوسف به سرپرستی کارهای حکومتی این گروه پرداخت و طلا و نقرهٔ زیادی به دست آورد و برای فرار از پرداخت زکات سکّه‌های خود را به صورت آلات زینتی درآورده است. آیا باید زکات آنها را بپردازد؟

فرمود: آلات زینتی زکات ندارد. ولی برادرت با خارج کردن سکّه‌ها از بازار تجارت و محروم ماندن از سود کلان آن، به خسارتی دچار شده است که از خسارتی که از بیم زکات فریضه دچار شده به مراتب بیشتر است.

۸ ـ علی بن یقطین گوید: به امام کاظم عليه السلام گفتم: گاهی مقداری نقدینه نزد من جمع می‌شود و در حدود یک سال، دست نخورده بر جا می‌ماند، آیا زکات دارد؟

فرمود: نه. آن نقدینه‌ای که یک سال نزد تو بر جا نمانده باشد، زکات ندارد. وهر چه رکاز نباشد زکات ندارد.

گفتم: رکاز چیست؟

فرمود: مسکوک رایج.

آن‌گاه فرمود: اگر خواستی از پرداخت زکات معاف بمانی، نقدینه‌ات را آب کن، زیرا شمش طلا و نقره زکات ندارد.

۹ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا أَنَّهُ قَالَ:

لَيْسَ فِي التِّبْرِ زَكَاةٌ، إِنَّمَا هِيَ عَلَى الدَّنَانِيرِ وَ الدَّرَاهِمِ.

۱۰ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ وَ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

لَيْسَ فِي الْجَوْهَرِ وَ أَشْبَاهِهِ زَكَاةٌ وَ إِنْ كَثُرَ.

(۱۱)

بَابُ زَكَاةِ الْمَالِ الْغَائِبِ وَ الدَّيْنِ وَ الْوَدِيعَةِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ سَدِيرٍ الصَّيْرَفِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام:

---

۹ ـ یکی از اصحاب ما گوید: حضرتش فرمود:

کاه زکات ندارد، زکات فقط بر دینار و درهم تعلّق می‌گیرد.

۱۰ ـ زراره و بکیر گویند: امام باقر عليه السلام فرمود:

جواهر قیمتی و سنگ‌های گرانبها زکات ندارند، گر چه مقدار آن بسیار باشد.

بخش یازدهم

زکات مال غایب، قرض و ودیعه

۱ ـ سدیر صیرفی می‌گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم:

مَا تَقُولُ فِي رَجُلٍ كَانَ لَهُ مَالٌ فَانْطَلَقَ بِهِ فَدَفَنَهُ فِي مَوْضِعٍ فَلَمَّا حَالَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ ذَهَبَ لِيُخْرِجَهُ مِنْ مَوْضِعِهِ فَاحْتَفَرَ الْمَوْضِعَ الَّذِي ظَنَّ أَنَّ الْمَالَ فِيهِ مَدْفُونٌ، فَلَمْ يُصِبْهُ فَمَكَثَ بَعْدَ ذَلِكَ ثَلاثَ سِنِينَ، ثُمَّ إِنَّهُ احْتَفَرَ الْمَوْضِعَ الَّذِي مِنْ جَوَانِبِهِ كُلِّهِ فَوَقَعَ عَلَى الْمَالِ بِعَيْنِهِ كَيْفَ يُزَكِّيهِ؟

قالَ: يُزَكِّيهِ لِسَنَةٍ وَاحِدَةٍ، لِأَنَّهُ كَانَ غَائِباً عَنْهُ، وَ إِنْ كَانَ احْتَبَسَهُ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَغِيبُ عَنْهُ مَالُهُ خَمْسَ سِنِينَ، ثُمَّ يَأْتِيهِ فَلا يُرَدُّ رَأْسُ الْمَالِ كَمْ يُزَكِّيهِ؟

قالَ: سَنَةً وَاحِدَةً.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ دُرُسْتَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

نظر شما در مورد شخصی که نقدینهٔ خود را در محلی دفن می‌کند و بعد از یک سال به سراغ آن می‌رود، امّا هر چه می‌جوید، دفینه را پیدا نمی‌کند و بعد از سه سال که به فکر می‌افتد و جوانب آن محل را می‌کاود، دفینهٔ خود می‌یابد، زکات این دفینه از چه قرار خواهد بود؟

فرمود: فقط زکات سال اول را می‌پردازد، زیرا دفینه از دسترس او خارج بوده است، گرچه در جایی دفن شده بود.

۲ ـ رفاعة بن موسی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی پنج سال است که مالش را گم کرده و به آن دسترسی نداشته، سپس به آن دست یافته و از سرمایه سودی نبرده و زیان دیده، چقدر باید زکات بدهد؟

فرمود: باید زکات یک سال را بپردازد.

۳ ـ عمربن یزید گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

لَيْسَ فِي الدَّيْنِ زَكَاةٌ إِلّا أَنْ يَكُونَ صَاحِبُ الدَّيْنِ هُوَ الَّذِي يُؤَخِّرُهُ، فَإِذَا كَانَ لا يَقْدِرُ عَلَى أَخْذِهِ فَلَيْسَ عَلَيْهِ زَكَاةٌ حَتَّى يَقْبِضَهُ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ لَهُ الدَّيْنُ عَلَى النَّاسِ يَحْتَبِسُ فِيهِ الزَّكَاةَ؟

قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ فِيهِ زَكَاةٌ حَتَّى يَقْبِضَهُ، فَإِذَا قَبَضَهُ فَعَلَيْهِ الزَّكَاةُ، وَ إِنْ هُوَ طَالَ حَبْسُهُ عَلَى النَّاسِ حَتَّى يَتِمَّ لِذَلِكَ سِنُونَ، فَلَيْسَ عَلَيْهِ زَكَاةٌ حَتَّى يَخْرُجَ، فَإِذَا هُوَ خَرَجَ زَكَّاهُ لِعَامِهِ ذَلِكَ وَ إِنْ هُوَ كَانَ يَأْخُذُ مِنْهُ قَلِيلاً قَلِيلاً فَلْيُزَكِّ مَا خَرَجَ مِنْهُ أَوَّلاً فَأَوَّلاً، فَإِنْ كَانَ مَتَاعُهُ وَ دَيْنُهُ وَ مَالُهُ فِي تِجَارَتِهِ الَّتِي يَتَقَلَّبُ فِيهَا يَوْماً بِيَوْمٍ يَأْخُذُ وَ يُعْطِي وَ يَبِيعُ وَ يَشْتَرِي، فَهُوَ يُشْبِهُ الْعَيْنَ فِي يَدِهِ فَعَلَيْهِ الزَّكَاةُ، وَ لا يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يُغَيِّرَ ذَلِكَ إِذَا كَانَ حَالُ مَتَاعِهِ وَ مَالِهِ عَلَى مَا وَصَفْتُ لَكَ فَيُؤَخِّرَ الزَّكَاةَ.

در قرض و بدهکاری زکاتی نیست؛ مگر آن که طلبکار خودش باعث تأخیر پرداخت بدهی شود، ولی اگر نتواند بدهی را پس بگیرد، زکاتی بر او نیست تا قرض خود را بستاند.

۴ ـ سماعه گوید: از حضرتش پرسیدم: مردی که به مردم بدهکار است در عین حال از پرداخت زکات آن خودداری می‌کند چه حکمی دارد؟

فرمود: در آن مال بر عهده او زکاتی نیست تا این که آن مال را به دست آورد، وقتی به دست آورد، بایستی زکات آن را بپردازد. و اگر مدّت طولانی در دست مردم باشد و چند سال بگذرد، زکاتی بر او نیست تا این که به دست آورد، وقتی به دست آورد برای همان سال زکات آن را می‌پردازد و اگر اندک اندک از مردم بگیرد، بایستی همان اندازه که به دست می‌آورد، زکاتش را بپردازد و اگر کالا، بدهی و دارایی او سرمایهٔ تجارتی باشد که روز به روز در گردش است که روزانه می‌گیرد، می‌فروشد و می‌خرد، این همانند عین مالی است که در اختیار دارد، بایستی زکات آن را بپردازد و شایسته نیست این کالا و مال را از حالی که ذکر شد، تغییر دهد تا زکاتش را به تأخیر اندازد.

۵ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

فِي رَجُلٍ اسْتَقْرَضَ مَالاً فَحَالَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ وَ هُوَ عِنْدَهُ.

قالَ: إِنْ كَانَ الَّذِي أَقْرَضَهُ يُؤَدِّي زَكَاتَهُ، فَلا زَكَاةَ عَلَيْهِ، وَ إِنْ كَانَ لا يُؤَدِّي أَدَّى الْمُسْتَقْرِضُ.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

رَجُلٌ دَفَعَ إِلَى رَجُلٍ مَالاً قَرْضاً عَلَى مَنْ زَكَاتُهُ عَلَى الْمُقْرِضِ أَوْ عَلَى الْمُقْتَرِضِ؟

قالَ: لا، بَلْ زَكَاتُهَا إِنْ كَانَتْ مَوْضُوعَةً عِنْدَهُ حَوْلاً عَلَى الْمُقْتَرِضِ.

قالَ: قُلْتُ: فَلَيْسَ عَلَى الْمُقْرِضِ زَكَاتُهَا؟

---

۵ ـ منصور بن حازم گوید: امام صادق عليه السلام دربارهٔ مردی که پول و مالی را قرض گرفته و سال بر آن گذشته و آن مال نزد اوست، فرمود:

اگر بدهکار زکات آن مال را ادا می‌کند، دیگر بر او زکاتی نیست و اگر قرض دهنده ادا نمی‌کند بر عهدهٔ قرض گیرنده است.

۶ ـ زراره گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: فردی به فرد دیگر قرض داده است، زکات مال بر عهدهٔ کیست؟ قرض دهنده یا قرض گیرنده؟

فرمود: نه، اگر مال یک سال نزد قرض گیرنده باشد، زکاتش بر عهده اوست.

عرض کردم: بر عهده قرض دهنده، زکات تعلّق نمی‌گیرد؟

قالَ: لا، يُزَكَّى الْمَالُ مِنْ وَجْهَيْنِ فِي عَامٍ وَاحِدٍ، وَ لَيْسَ عَلَى الدَّافِعِ شَيْءٌ، لِأَنَّهُ لَيْسَ فِي يَدِهِ شَيْءٌ، إِنَّمَا الْمَالُ فِي يَدِ الآخِذِ فَمَنْ كَانَ الْمَالُ فِي يَدِهِ زَكَّاهُ.

قالَ: قُلْتُ: أَ فَيُزَكِّي مَالَ غَيْرِهِ مِنْ مَالِهِ؟

فَقالَ: إِنَّهُ مَالُهُ مَا دَامَ فِي يَدِهِ، وَ لَيْسَ ذَلِكَ الْمَالُ لِأَحَدٍ غَيْرِهِ.

ثُمَّ قالَ: يَا زُرَارَةُ! أَ رَأَيْتَ وَضِيعَةَ ذَلِكَ الْمَالِ وَ رِبْحَهُ لِمَنْ هُوَ؟ وَ عَلَى مَنْ؟

قُلْتُ: لِلْمُقْتَرِضِ.

قالَ: فَلَهُ الْفَضْلُ وَ عَلَيْهِ النُّقْصَانُ، وَ لَهُ أَنْ يَنْكِحَ وَ يَلْبَسَ مِنْهُ وَ يَأْكُلَ مِنْهُ، وَ لا يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يُزَكِّيَهُ بَلْ يُزَكِّيهِ، فَإِنَّهُ عَلَيْهِ.

۷ ـ حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمانِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ عَلَيْهِ دَيْنٌ وَ فِي يَدِهِ مَالٌ لِغَيْرِهِ هَلْ عَلَيْهِ زَكَاةٌ.

فَقالَ: إِذَا كَانَ قَرْضاً فَحَالَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ فَزَكَّاهُ.

فرمود: مال از دو جهت در یک سال زکات داده نمی‌شود و آن که مال را داده چیزی بر عهدهٔ او نیست، چون در دست او چیزی نیست، بلکه مال فقط در دست گیرنده است. پس مال دست هر که باشد باید زکات آن را بپردازد.

گفتم: آیا می‌تواند زکات مال دیگری را از مال خودش بپردازد؟

فرمود: تا آن مال در اختیار اوست، زکات آن فقط بر عهدهٔ اوست.

آن‌گاه فرمود: ای زراره! آیا می‌دانی که ضرر و زیان این مال از آنِ کیست؟

گفتم: بر عهده قرض گیرنده.

فرمود: فزونی وکاستی از آن اوست، او می‌تواند با آن ازدواج کند، از آن لباس بپوشد و از آن بخورد، ولی شایسته نیست زکاتش را بدهد بلکه زکاتش را می‌دهد، چراکه بر عهده اوست.

۷ ـ عبدالرحمان بن ابوعبدالله گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: انسان مقداری قرض دارد، و مقداری هم از دیگران طلب دارد، آیا باید زکات بپردازد؟

فرمود: اگر مال دیگران به صورت قرض در اختیار او باشد و یک سال دست نخورده بماند باید زکات آن بپردازد.

۸ـ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ سَعْدٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه‌السلام عَنْ رَجُلٍ بَاعَ بَيْعاً إِلَى ثَلاثِ سِنِينَ مِنْ رَجُلٍ مَلِيٍّ بِحَقِّهِ وَمَالِهِ فِي ثِقَةٍ يُزَكِّي ذَلِكَ الْمَالَ فِي كُلِّ سَنَةٍ تَمُرُّ بِهِ أَوْ يُزَكِّيهِ إِذَا أَخَذَهُ؟

فَقَالَ: لا، بَلْ يُزَكِّيهِ إِذَا أَخَذَهُ.

قُلْتُ لَهُ: لِكَمْ يُزَكِّيهِ؟

قالَ: قَالَ: لِثَلاثِ سِنِينَ.

۹ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمانَ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ قَالَ:

سَأَلْتُ أَحَدَهُمَا عليهما‌السلام عَنْ رَجُلٍ عَلَيْهِ دَيْنٌ وَ فِي يَدِهِ مَالٌ وَفَى بِدَيْنِهِ وَ الْمَالُ لِغَيْرِهِ هَلْ عَلَيْهِ زَكَاةٌ.

فَقالَ: إِذَا اسْتَقْرَضَ فَحَالَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ فَزَكَاتُهُ عَلَيْهِ إِذَا كَانَ فِيهِ فَضْلٌ

۸ـ عبدالحمید بن سعد می‌گوید: از امام کاظم علیه‌السلام دربارهٔ مردی که کالایی را سه ساله به مرد مورد اعتماد ثروتمندی که به حق خود قانع است فروخته، آیا هر سالی که به آن مال می‌گذرد باید زکات آن را بدهد یا این که هر وقت آن را گرفت زکات آن را بدهد؟

فرمود: نه، بلکه هر وقت آن مال را گرفت زکات آن را پرداخت می‌کند.

گفتم: برای چند سال (به قیمت چند سال) پرداخت کند؟

فرمود: برای سه سال.

۹ـ راوی گوید: از یکی از آن دو بزرگوار (امام باقر یا امام صادق علیهما‌السلام) پرسیدم: مردی که به عهده‌اش قرضی است و مالی که برای دیگری است در اختیار دارد و دینش را از آن مال ادا کرده، آیا به او زکاتی تعلّق می‌گیرد؟

فرمود: اگر قرض کرده و یک سال بر آن گذشته، زکاتش بر عهده اوست. اگر در آن زیادی باشد.

۱۰ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:
إِنْ كَانَ عِنْدَكَ وَدِيعَةٌ تُحَرِّكُهَا فَعَلَيْكَ الزَّكَاةُ، فَإِنْ لَمْ تُحَرِّكْهَا فَلَيْسَ عَلَيْكَ شَيْءٌ.

۱۱ ـ غَيْرُ وَاحِدٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ قَالَ:
كَتَبْتُ إِلَيْهِ أَسْأَلُهُ عَنْ رَجُلٍ عَلَيْهِ مَهْرُ امْرَأَتِهِ لا تَطْلُبُهُ مِنْهُ إِمَّا لِرِفْقٍ بِزَوْجِهَا وَ إِمَّا حَيَاءً، فَمَكَثَ بِذَلِكَ عَلَى الرَّجُلِ عُمُرَهُ وَ عُمُرَهَا يَجِبُ عَلَيْهِ زَكَاةُ ذَلِكَ الْمَهْرِ أَمْ لا؟
فَكَتَبَ: لا يَجِبُ عَلَيْهِ الزَّكَاةُ إِلّا فِي مَالِهِ.

۱۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام:
فِي الرَّجُلِ يَنْسَى أَوْ يُعِينُ فَلا يَزَالُ مَالُهُ دَيْناً كَيْفَ يَصْنَعُ فِي زَكَاتِهِ؟
قالَ: يُزَكِّيهِ وَ لا يُزَكِّي مَا عَلَيْهِ مِنَ الدَّيْنِ، إِنَّمَا الزَّكَاةُ عَلَى صَاحِبِ الْمَالِ.

---

۱۰ ـ علی بن ابی حمزه گوید امام صادق عليه السلام فرمود:
اگر نزد تو ودیعه‌ای است و آن را به کار زدی، زکات آن با توست و اگر از آن استفاده نکردی چیزی از زکات بر تو نیست.

۱۱ ـ علی بن مهزیار گوید: طی نامه‌ای به امام عليه السلام نوشتم و از مردی که بر عهده او مهر زنش است، پرسیدم که آن زن یا برای مراعات حال شوهرش و یا از شرم و حیایش مهر خود را طلب نکرده است و سال‌ها این چنین گذشته، آیا به مرد زکات آن مهر واجب است یا نه؟
حضرتش نوشت: به او زکاتی واجب نیست مگر در اموال خودش.

۱۲ ـ ابو صباح کنانی گوید: امام صادق عليه السلام درباره مردی که کالایی را نسیه یا به صورت عینه (نوعی داد وستد) می‌فروشد و از این جهت همیشه مالش به صورت دین است، دربارهٔ زکات این گونه مال چه کند؟
فرمود: زکات آن مال را می‌دهد و آن‌چه را که به صورت قرض بر عهدهٔ اوست، زکاتی ندارد. همانا زکات بر عهدهٔ صاحب مال است.

۱۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام وَ ضُرَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام أَنَّهُمَا قَالا:

أَيُّمَا رَجُلٍ كَانَ لَهُ مَالٌ مَوْضُوعٌ حَتَّى يَحُولَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ، فَإِنَّهُ يُزَكِّيهِ وَ إِنْ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الدَّيْنِ مِثْلُهُ وَ أَكْثَرُ مِنْهُ فَلْيُزَكِّ مَا فِي يَدِهِ.

(۱۲)
بَابُ أَوْقَاتِ الزَّكَاةِ

۱ ـ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ خَالِدِ بْنِ الْحَجَّاجِ الْكَرْخِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام عَنِ الزَّكَاةِ.

فَقالَ: انْظُرْ شَهْراً مِنَ السَّنَةِ فَانْوِ أَنْ تُؤَدِّيَ زَكَاتَكَ فِيهِ فَإِذَا دَخَلَ ذَلِكَ الشَّهْرُ فَانْظُرْ مَا نَضَّ ـ يَعْنِي مَا حَصَلَ ـ فِي يَدِكَ مِنْ مَالِكَ فَزَكِّهِ، فَإِذَا حَالَ الْحَوْلُ مِنَ الشَّهْرِ الَّذِي زَكَّيْتَ فِيهِ فَاسْتَقْبِلْ بِمِثْلِ مَا صَنَعْتَ لَيْسَ عَلَيْكَ أَكْثَرُ مِنْهُ.

---

۱۳ ـ زراره گوید: امام باقر عليه‌السلام و ضریس گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

هر کس نقدینه‌ای داشته باشد و یک سال دست نخورده بماند، باید زکات آن را بپردازد، گر چه به همان مقدار و یا بیشتر از آن، بدهکار باشد. دارد، باید زکاتش را بپردازد.

بخش دوازدهم
زمان پرداخت زکات

۱ ـ خالد بن حجّاج کرخی گوید: از امام صادق عليه‌السلام دربارهٔ زکات پرسیدم.

فرمود: یک ماه را در سال در نظر بگیر و نیّت کن که زکاتت را در آن ماه بدهی؛ پس زمانی که آن ماه فرا رسید، ببین چه چیزی از اموال را در دست داری و به دست آورده‌ای، پس زکات آن را بپرداز. پس هر گاه که یک سال از ماهی که در آن ماه زکات داده‌ای گذشت، دوباره همان کار را در سال جدید انجام بده، و بیش از این چیزی بر عهدهٔ تو نیست.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: هَلْ لِلزَّكَاةِ وَقْتٌ مَعْلُومٌ تُعْطَى فِيهِ؟

فَقَالَ: إِنَّ ذَلِكَ لَيَخْتَلِفُ فِي إِصَابَةِ الرَّجُلِ الْمَالَ، وَ أَمَّا الْفِطْرَةُ فَإِنَّهَا مَعْلُومَةٌ.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

زَكَاتِي تَحِلُّ عَلَيَّ فِي شَهْرٍ أَ يَصْلُحُ لِي أَنْ أَحْبِسَ مِنْهَا شَيْئاً مَخَافَةَ أَنْ يَجِيئَنِي مَنْ يَسْأَلُنِي؟

فَقَالَ: إِذَا حَالَ الْحَوْلُ فَأَخْرِجْهَا مِنْ مَالِكَ لا تَخْلُطْهَا بِشَيْءٍ، ثُمَّ أَعْطِهَا كَيْفَ شِئْتَ.

قالَ: قُلْتُ: فَإِنْ أَنَا كَتَبْتُهَا وَ أَثْبَتُّهَا يَسْتَقِيمُ لِي؟

قالَ: لا يَضُرُّكَ.

---

۲ ـ ابوبصیر گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: آیا برای پرداخت زکات زمان معیّنی وجود دارد که در آن زمان پرداخت می‌شود؟

فرمود: زمان پرداخت زکات بستگی به زمان بـه دست آوردن مـال دارد؛ ولی زمـان پرداخت زکات فطره معلوم است.

۳ ـ یونس بن یعقوب گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: زکات اموال من، در ماه معیّنی واجب و تسجیل می‌شود که باید بپردازم. آیا می‌توانـم بـخشی را نـپردازم و نـزد خـودم نگهدارم تا اگر بعدها صاحبان حاجت به سراغ من بیایند و مطالبه کنند، دست خالی نباشم؟

فرمود: موقعی که یک سال از مال تو بگذرد و وقت زکات برسد، زکات مالت را جداکن و مجزّا نگهدار، بعد از آن به هر صورت یک جا و یا پراکنده به هر کس بخواهی پرداخت کن.

گفتم: اگر عوض این زکات را محاسبه کنم و در دفتری بنویسم، کار درستی کرده‌ام؟

فرمود: اشکالی ندارد.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ الْبَرْقِيِّ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُ عَنِ الرَّجُلِ تَحِلُّ عَلَيْهِ الزَّكَاةُ فِي السَّنَةِ فِي ثَلاثِ أَوْقَاتٍ أَ يُؤَخِّرُهَا حَتَّى يَدْفَعَهَا فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ؟

فَقالَ: مَتَى حَلَّتْ أَخْرَجَهَا.

وَ عَنِ الزَّكَاةِ فِي الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ الَّتمْرِ وَ الزَّبِيبِ مَتَى تَجِبُ عَلَى صَاحِبِهَا؟

قالَ: إِذَا مَا صَرَمَ، وَ إِذَا مَا خَرَصَ.

٥ ـ وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَمْزَةَ عَنِ الْأَصْفَهَانِيِّ قالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

يَكُونُ لِي عَلَى الرَّجُلِ مَالٌ فَأَقْبِضُهُ مِنْهُ مَتَى أُزَكِّيهِ؟

قالَ: إِذَا قَبَضْتَهُ فَزَكِّهِ.

قُلْتُ: فَإِنِّي أَقْبِضُ بَعْضَهُ فِي صَدْرِ السَّنَةِ وَ بَعْضَهُ بَعْدَ ذَلِكَ.

قالَ: فَتَبَسَّمَ. ثُمَّ قالَ: مَا أَحْسَنَ مَا دَخَلْتَ فِيهَا؟

---

۴ ـ سعد بن سعد اشعری گوید: به امام رضا عليه السلام گفتم: کسی که زکات اموالش در سه نوبت واجب و تسجیل می‌شود، آیا می‌تواند پرداخت اول و دوم را تأخیر بیندازد و همه را در نوبت سوم بپردازد؟

فرمود: هر موقعی که حق زکات تسجیل شود، باید بپردازد.

گفتم: زکات گندم، جو، خرما و کشمش در چه وقتی تسجیل می‌شود؟

فرمود: موقعی که محصول را بچینند و تخمین بزنند.

۵ ـ اصفهانی گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: پولی را از کسی می‌خواهم، وقتی به دستم رسید چه وقت زکات آن را بدهم؟

فرمود: وقتی به دستت رسید، زکات آن را بده.

گفتم: مقداری از آن را در ابتدای سال و مقداری دیگر را بعد از آن می‌گیرم؟

حضرتش تبسّمی کرد و فرمود: چه خوب سؤالی کردی؟!

ثُمَّ قالَ: مَا قَبَضْتَهُ مِنْهُ فِي السِّتَّةِ الْأَشْهُرِ الْأُولَى فَزَكِّهِ لِسَنَتِهِ، وَ مَا قَبَضْتَهُ بَعْدُ فِي السِّتَّةِ الْأَشْهُرِ الْأَخِيرَةِ فَاسْتَقْبِلْ بِهِ فِي السَّنَةِ الْمُسْتَقْبَلَةِ، وَ كَذَلِكَ إِذَا اسْتَفَدْتَ مَالاً مُنْقَطِعاً فِي السَّنَةِ كُلِّهَا، فَمَا اسْتَفَدْتَ مِنْهُ فِي أَوَّلِ السَّنَةِ إِلَى سِتَّةِ أَشْهُرٍ فَزَكِّهِ فِي عَامِكَ ذَلِكَ كُلِّهِ، وَ مَا اسْتَفَدْتَ بَعْدَ ذَلِكَ فَاسْتَقْبِلْ بِهِ السَّنَةَ الْمُسْتَقْبَلَةَ.

٦ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ يَكُونُ نِصْفُ مَالِهِ عَيْناً وَ نِصْفُهُ دَيْناً فَتَحِلُّ عَلَيْهِ الزَّكَاةُ؟

قالَ: يُزَكِّي الْعَيْنَ وَ يَدَعُ الدَّيْنَ.

قُلْتُ: فَإِنَّهُ اقْتَضَاهُ بَعْدَ سِتَّةِ أَشْهُرٍ.

قالَ: يُزَكِّيهِ حِينَ اقْتَضَاهُ.

قُلْتُ: فَإِنْ هُوَ حَالَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ وَ حَلَّ الشَّهْرُ الَّذِي كَانَ يُزَكِّي فِيهِ وَ قَدْ أَتَى لِنِصْفِ مَالِهِ سَنَةٌ وَ لِنِصْفِهِ الآخَرِ سِتَّةُ أَشْهُرٍ.

آن‌گاه فرمود: آن‌چه را در شش ماه اوّل گرفتی زکات آن را برای سالی که آن شش ماه در آن است بده، و آن‌چه را در شش ماه آخر گرفتی آن را به سال آینده ملحق کن.

هم چنین اگر مالی را خرده خرده به دست آوردی، آن مقدار را که در شش ماههٔ اوّل سال استفاده برده‌ای در همان سال تمام زکاتش را پرداخت‌کن و آن‌چه را که پس از آن پس از ۶ ماه نخست سال به دست آوردی به سال بعد ملحق کن. یعنی کسری سال را با سال بعد جبران کن.

۶ ـ ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام سؤال کردم: شخصی نیمی از مالش عین نقدی است و نیمی دیگر از آن را قرض داده، آیا زکات به آن تعلّق می‌گیرد؟

فرمود: زکات مال عین نقدی را می‌پردازد و بدهی را وامی‌گذارد.

گفتم: پس از شش ماه طلب قرض می‌کند و آن را در اختیار می‌گیرد، آن وقت چه؟

فرمود: هر گاه بدهیش را دریافت کرد، زکات آن را می‌دهد.

گفتم: اگر به آن مال یک سال گذشت و ماهی که در آن زکات پرداخت می‌کند، سر رسید چه؟ به این صورت که بر نیمی از مالش که عین نقدی است یک سال گذشت و بر نیمی دیگر که بدهی است شش ماه؟

قالَ: يُزَكِّي الَّذِي مَرَّتْ عَلَيْهِ سَنَةٌ وَ يَدَعُ الآخَرَ حَتَّى تَمُرَّ عَلَيْهِ سَنَتُهُ.
قُلْتُ: فَإِنِ اشْتَهَى أَنْ يُزَكِّيَ ذَلِكَ.
قالَ: مَا أَحْسَنَ ذَلِكَ.

۷ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:
فِي الرَّجُلِ يُخْرِجُ زَكَاتَهُ فَيَقْسِمُ بَعْضَهَا وَ يُبْقِي بَعْضَهَا يَلْتَمِسُ بِهَا الْمَوْضِعَ، فَيَكُونُ مِنْ أَوَّلِهِ إِلَى آخِرِهِ ثَلاثَةُ أَشْهُرٍ.
قالَ: لا بَأْسَ.

۸ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: الرَّجُلُ يَكُونُ عِنْدَهُ الْمَالُ أَ يُزَكِّيهِ إِذَا مَضَى نِصْفُ السَّنَةِ؟
قالَ: لا، وَ لَكِنْ حَتَّى يَحُولَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ، وَ يَحِلَّ عَلَيْهِ إِنَّهُ لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يُصَلِّيَ صَلاةً إِلّا لِوَقْتِهَا وَ كَذَلِكَ الزَّكَاةُ وَ لا يَصُومُ أَحَدٌ شَهْرَ رَمَضَانَ إِلّا فِي شَهْرِهِ إِلّا قَضَاءً، وَ كُلُّ فَرِيضَةٍ إِنَّمَا تُؤَدَّى إِذَا حَلَّتْ.

فرمود: آن مالی را که یک سال بر آن گذشت، زکاتش را می‌پردازد و نیمی دیگر را وامی‌گذارد تا به آن نیز سال بگذرد و زکاتش را می‌دهد.
گفتم: حال اگر دوست داشت زکات آن را هم بدهد چه؟
فرمود: این کار چه کار خوبی است!

۷ـ عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام در مورد کسی که زکات اموالش را جدا کند. قسمتی را بپردازد و قسمتی را نگه بدارد تا مستحق آن را بجوید و روی هم رفته پرداخت همهٔ زکات تا سه ماه به طول انجامد، فرمود: اشکالی ندارد.

۸ـ عمربن یزید گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: اگر کسی صاحب مال باشد، می‌تواند در نیمهٔ سال مالی، زکات آن را بپردازد؟
فرمود: نه. بلکه باید صبر کند تا سال مالی بگذرد و حق زکات مسجّل شود، آن‌گاه زکات را بپردازد. هیچ کس نمی‌تواند نماز فریضه بخواند مگر موقعی که وقت ادای آن برسد. زکات هم مانند نماز است. هیچ کس نمی‌تواند روزهٔ ماه رمضان را پیش از وقت بگیرد، مگر این که روزهٔ قضایی باشد. هر فریضه‌ای باید بعد از فرا رسیدن وقت آن ادا گردد.

۹ ـ حَمَّادُ بْنُ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: أَ يُزَكِّي الرَّجُلُ مَالَهُ إِذَا مَضَى ثُلُثُ السَّنَةِ؟

قالَ: لا، أَ يُصَلِّي الْأُولَى قَبْلَ الزَّوَالِ؟

وَ قَدْ رُوِيَ أَيْضاً: أَنَّهُ يَجُوزُ إِذَا أَتَاهُ مَنْ يَصْلُحُ لَهُ الزَّكَاةُ أَنْ يُعَجِّلَ لَهُ قَبْلَ وَقْتِ الزَّكَاةِ إِلّا أَنَّهُ يَضْمَنُهَا إِذَا جَاءَ وَقْتُ الزَّكَاةِ، وَ قَدْ أَيْسَرَ الْمُعْطَى أَوِ ارْتَدَّ أَعَادَ الزَّكَاةَ.

(۱۳)

بَابٌ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

بَاعَ أَبِي أَرْضاً مِنْ سُلَيْمانَ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ بِمَالٍ فَاشْتَرَطَ فِي بَيْعِهِ أَنْ يُزَكِّيَ هَذَا الْمَالَ مِنْ عِنْدِهِ لِسِتِّ سِنِينَ.

---

۹ ـ زراره گوید: به امام باقر عليه السلام گفتم: بعد از آن که چهار ماه از اوّل سال مالی بگذرد، انسان می‌تواند زکات مالش را بدهد؟

فرمود: نه. آیا انسان می‌تواند نماز ظهر را پیش از ظهر بخواند؟

هم چنین روایت شده است: هرگاه کسی که شایستگی دریافت زکات را دارد پیش از وقت پرداخت زکات بیاید، جایز است به او زکات داده شود با این شرط که او تا هنگام پرداخت زکات آن را ضمانت کند که اگر ثروتمند شود یا مرتد گردد زکات را باز پس دهد.

بخش سیزدهم
[شرط پرداخت زکات در ضمن معامله]

۱ ـ حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام فرمود:

پدرم امام باقر عليه السلام زمینی را از سلیمان بن عبدالملک خرید و در ضمن معامله شرط کرد که به مدّت شش سال زکات آن مال را پرداخت کند.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يَقُولُ:

بَاعَ أَبِي مِنْ هِشَامِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ أَرْضاً لَهُ بِكَذَا وَ كَذَا أَلْفَ دِينَارٍ وَ اشْتَرَطَ عَلَيْهِ زَكَاةَ ذَلِكَ الْمَالِ عَشْرَ سِنِينَ، وَ إِنَّمَا فَعَلَ ذَلِكَ، لِأَنَّ هِشَاماً كَانَ هُوَ الْوَالِيَ.

(١٤)

بَابُ الْمَالِ الَّذِي لا يَحُولُ عَلَيْهِ الْحَوْلُ فِي يَدِ صَاحِبِهِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ ابْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ لَهُ الْوُلْدُ فَيَغِيبُ بَعْضُ وُلْدِهِ فَلا يَدْرِي أَيْنَ هُوَ، وَ مَاتَ الرَّجُلُ فَكَيْفَ يُصْنَعُ بِمِيرَاثِ الْغَائِبِ مِنْ أَبِيهِ؟

قَالَ: يُعْزَلُ حَتَّى يَجِيءَ.

---

۲ ـ عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

پدرم امام باقر عليه السلام زمینی را از هشام بن عبدالملک به هزار دینار طلا خرید و شرط کرد که هشام به مدّت ۱۰ سال زکات آن مال را بپردازد و ایشان این کار را به این جهت انجام داد که هشام والی بود.

بخش چهاردهم

حکم مالی که در دست صاحبش یک سال دست نخورده می‌ماند

۱ ـ اسحاق بن عمّار گوید: به امام کاظم عليه السلام گفتم: پدری صاحب چند فرزند است. یکی از فرزندانش ناپدید می‌شود و از مکان او بی‌خبر می‌مانند، بعد پدر فوت می‌کند. با میراث آن فرزند غایب چه باید کرد؟

فرمود: میراث او را جدا می‌کنند و به کناری می‌گذارند تا باز گردد.

قُلْتُ: فَعَلَى مَالِهِ زَكَاةٌ؟
فَقالَ: لا، حَتَّى يَجِيءَ.
قُلْتُ: فَإِذَا هُوَ جَاءَ أَ يُزَكِّيهِ؟
فَقَالَ: لا، حَتَّى يَحُولَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ فِي يَدِهِ.

۲ ـ وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدٍ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يُفِيدُ الْمَالَ؟
قالَ: لا يُزَكِّيهِ حَتَّى يَحُولَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ كَانَ لَهُ مَالٌ مَوْضُوعٌ حَتَّى إِذَا كَانَ قَرِيباً مِنْ رَأْسِ الْحَوْلِ أَنْفَقَهُ قَبْلَ أَنْ يَحُولَ عَلَيْهِ أَ عَلَيْهِ صَدَقَةٌ؟
قالَ: لا.

گفتم: به میراث او حق زکات تعلّق می‌گیرد؟
فرمود: نه، زکاتی به میراث او تعلّق نمی‌گیرد، مگر بعد از مراجعت.
فرمود: بعد از مراجعت باید زکات نقدینه‌اش را بدهد؟
گفتم: نه، بعد از آن که یک سال در اختیار خودش بماند، باید زکات بدهد.

۲ ـ محمّد حلبی گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: اگر انسان نقدینه‌ای به دست آورد، باید زکات آن را بدهد؟
فرمود: نه، بعد از آن که یک سال در دست او بماند، باید زکات آن را بپردازد.

۳ ـ عبدالله بن سنان گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: اگر کسی نقدینهٔ خود راکنار بگذارد و چون به آخر سال نزدیک شود، آن را به کار اندازد، باز هم باید زکات آن را بدهد؟
فرمود: نه.

٤ ـ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللهِ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام:

رَجُلٌ كَانَ عِنْدَهُ مِائَتَا دِرْهَم غَيْرَ دِرْهَم أَحَدَ عَشَرَ شَهْراً ثُمَّ أَصَابَ دِرْهَماً بَعْدَ ذَلِكَ فِي الشَّهْرِ الثَّانِي عَشَرَ، فَكَمَلَتْ عِنْدَهُ مِائَتَا دِرْهَم أَعَلَيْهِ زَكَاتُهَا؟

قالَ: لا، حَتَّى يَحُولَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ، وَ هِيَ مِائَتَا دِرْهَمٍ، فَإِنْ كَانَتْ مِائَةً وَ خَمْسِينَ دِرْهَماً فَأَصَابَ خَمْسِينَ بَعْدَ أَنْ يَمْضِيَ شَهْرٌ فَلا زَكَاةَ عَلَيْهِ حَتَّى يَحُولَ عَلَى الْمِائَتَيْنِ الْحَوْلُ.

قُلْتُ: فَإِنْ كَانَتْ عِنْدَهُ مِائَتَا دِرْهَم غَيْرَ دِرْهَم فَمَضَى عَلَيْهَا أَيَّامٌ قَبْلَ أَنْ يَنْقَضِيَ الشَّهْرُ ثُمَّ أَصَابَ دِرْهَماً، فَأَتَى عَلَى الدَّرَاهِم مَعَ الدِّرْهَم حَوْلٌ أَعَلَيْهِ زَكَاةٌ؟

قالَ: نَعَمْ، وَ إِنْ لَمْ يَمْضِ عَلَيْهَا جَمِيعاً الْحَوْلُ فَلا شَيْءَ عَلَيْهِ فِيهَا .

قالَ: وَ قال زُرَارَةُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِم: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام:

أَيُّمَا رَجُلٍ كَانَ لَهُ مَالٌ وَ حَالَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ، فَإِنَّهُ يُزَكِّيهِ.

---

۴ ـ زراره گويد: به امام باقر عليه‌السلام گفتم: اگر كسى صد و نود و نه درهم داشته باشد و يازده ماه، در دست او بماند و بعد، در ماه دوازدهم، يک درهم به دست آورد و نصاب دويست درهم نقره كامل شود، آيا بايد زكات آن را بپردازد؟

فرمود: نه، بعد از آن كه يک سال بر آن بگذرد و آن دويست درهم بشود، بايد زكات آن را بپردازد، چنان كه اگر صد و پنجاه درهم داشته باشد و پس از يک ماه پنجاه درهم ديگر به دست آورد، زكاتى به آن تعلّق نمى‌گيرد، مگر بعد از آن كه يک سال بر اين دويست درهم بگذرد.

گفتم: اگر صد و نود و نه درهم داشته باشد و بعد از چند روز كه هنوز ماه اوّل تمام نشده، يک درهم ديگر نيز به دست آورد و بعد، بر مجموع اين دويست درهم يک سال بگذرد، آيا بايد زكات آن را بپردازد؟

فرمود: آرى، اگر بر تمام دويست درهم، يک سال نگذرد، زكات ندارد.

راوى گويد: زراره و محمّد بن مسلم گويند: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

هر كس صاحب نقدينه باشد، و بر نقدينهٔ او يک سال شرعى بگذرد، بايد زكات آن را بپردازد.

قُلْتُ لَهُ: فَإِنْ هُوَ وَهَبَهُ قَبْلَ حَلِّهِ بِشَهْرٍ أَوْ بِيَوْمٍ .

قالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ أَبَداً .

قالَ: وَ قالَ زُرَارَةُ: عَنْهُ عليه‌السلام أَنَّهُ قَالَ:

إِنَّمَا هَذَا بِمَنْزِلَةِ رَجُلٍ أَفْطَرَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ يَوْماً فِي إِقَامَتِهِ ثُمَّ خَرَجَ فِي آخِرِ النَّهَارِ فِي سَفَرٍ فَأَرَادَ بِسَفَرِهِ ذَلِكَ إِبْطَالَ الْكَفَّارَةِ الَّتِي وَجَبَتْ عَلَيْهِ.

وَ قَالَ: إِنَّهُ حِينَ رَأَى الْهِلالَ الثَّانِيَ عَشَرَ وَجَبَتْ عَلَيْهِ الزَّكَاةُ وَ لَكِنَّهُ لَوْ كَانَ وَهَبَهَا قَبْلَ ذَلِكَ لَجَازَ وَ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ شَيْءٌ بِمَنْزِلَةِ مَنْ خَرَجَ ثُمَّ أَفْطَرَ، إِنَّمَا لا يَمْنَعُ مَا حَالَ عَلَيْهِ، فَأَمَّا مَا لَمْ يَحُلْ فَلَهُ مَنْعُهُ وَ لا يَحِلُّ لَهُ مَنْعُ مَالِ غَيْرِهِ فِيما قَدْ حَلَّ عَلَيْهِ .

گفتم: اگر نقدینهٔ خود را یک ماه پیش از آخر سال، یا یک روز پیش آخر سال به دیگران ببخشد، باز هم زکات دارد؟

فرمود: نه. ابداً زکات ندارد.

زراره گوید: حضرتش فرمود:

این مانند کسی است که صبح ماه مبارک رمضان روزهٔ خود را افطار کند و در پایان روز به عزم سفر از شهر خارج شود تا کفارهٔ روزه خواری خود را ابطال کند.

حضرتش فرمود: موقعی که صاحب نقدینه، هلال ماه دوازدهم را مشاهده کند، حق زکات در نقدینهٔ او مسجّل می‌شود، و اگر پس از هلال ماه دوازدهم نقدینهٔ خود را بخشیده باشد، اشکالی ندارد و زکاتی بر عهدهٔ او مسجّل نمی‌گردد، مانند کسی که در ماه مبارک رمضان به قصد سفر از شهر خارج شود و بعد افطار کند. هیچ کس نمی‌تواند از زکات تسجیل شده فرار کند، امّا از زکات تسجیل نشده می‌تواند فرار کند.

قالَ زُرَارَةُ: وَ قُلْتُ لَهُ: رَجُلٌ كَانَتْ لَهُ مِائَتَا دِرْهَم فَوَهَبَهَا لِبَعْضِ إِخْوَانِهِ أَوْ وُلْدِهِ أَوْ أَهْلِهِ فِرَاراً بِهَا مِنَ الزَّكَاةِ فَعَلَ ذَلِكَ قَبْلَ حَلِّهَا بِشَهْرٍ.

فَقالَ: إِذَا دَخَلَ الشَّهْرُ الثَّانِيَ عَشَرَ فَقَدْ حَالَ عَلَيْهَا الْحَوْلُ وَ وَجَبَتْ عَلَيْهِ فِيهَا الزَّكَاةُ.

قُلْتُ لَهُ: فَإِنْ أَحْدَثَ فِيهَا قَبْلَ الْحَوْلِ.

قالَ: جَائِزٌ ذَلِكَ لَهُ.

قُلْتُ: إِنَّهُ فَرَّ بِهَا مِنَ الزَّكَاةِ.

قالَ: مَا أَدْخَلَ عَلَى نَفْسِهِ أَعْظَمُ مِمَّا مَنَعَ مِنْ زَكَاتِهَا.

فَقُلْتُ لَهُ: إِنَّهُ يَقْدِرُ عَلَيْهَا .

فَقالَ: وَ مَا عِلْمُهُ أَنَّهُ يَقْدِرُ عَلَيْهَا وَ قَدْ خَرَجَتْ مِنْ مِلْكِهِ؟

قُلْتُ: فَإِنَّهُ دَفَعَهَا إِلَيْهِ عَلَى شَرْطٍ.

زراره گوید: به حضرتش گفتم: اگر کسی دویست درهم داشته باشد و یک ماه پیش از پایان سال، این دویست درهم را به یکی از برادران یا فرزندان یا خاندان خود ببخشاید، بدین منظور که از پرداخت زکات فرار کند، آیا از پرداخت زکات معاف می‌شود؟

فرمود: بعد از آن که ماه دوازدهم فرا رسد، سال زکات به آخر می‌رسد و حق زکات تسجیل می‌شود.

گفتم: پس اگر پیش از ماه دوازدهم، نقدینهٔ خود را مبادله کند، اشکالی ندارد؟

فرمود: نه، این جایز است.

گفتم: اگر منظور او فرار از زکات باشد، باز هم اشکالی ندارد؟

فرمود: خسارتی که در اثر مبادله و بخشش به او وارد می‌شود، بیش از خسارتی است که از پرداخت زکات متحمّل می‌شود. پس منظور او فرار از زکات نخواهد بود.

گفتم: خسارتی به او وارد نمی‌شود، زیرا می‌تواند هبهٔ خود را پس بگیرد.

حضرتش فرمود: از کجا می‌تواند چنین اطمینانی داشته باشد با آن که نقدینه را بخشیده است؟

گفتم: موقع هبه و بخشش شرط می‌کند که هرگاه بخواهد، هبه را فسخ کند و نقدینه‌اش را پس بگیرد.

فَقَالَ: إِنَّهُ إِذَا سَمَّاهَا هِبَةً جَازَتِ الْهِبَةُ وَ سَقَطَ الشَّرْطُ وَ ضَمِنَ الزَّكَاةَ.

قُلْتُ لَهُ: وَ كَيْفَ يَسْقُطُ الشَّرْطُ وَ تَمْضِي الْهِبَةُ وَ يَضْمَنُ الزَّكَاةَ.

فَقَالَ: هَذَا شَرْطٌ فَاسِدٌ، وَ الْهِبَةُ الْمَضْمُونَةُ مَاضِيَةٌ، وَ الزَّكَاةُ لَهُ لازِمَةٌ عُقُوبَةً لَهُ.

ثُمَّ قالَ: إِنَّمَا ذَلِكَ لَهُ إِذَا اشْتَرَى بِهَا دَاراً أَوْ أَرْضاً أَوْ مَتَاعاً.

ثُمَّ قالَ زُرَارَةُ: قُلْتُ لَهُ: إِنَّ أَبَاكَ قالَ لِي: مَنْ فَرَّ بِهَا مِنَ الزَّكَاةِ فَعَلَيْهِ أَنْ يُؤَدِّيَهَا.

قالَ: صَدَقَ أَبِي، عَلَيْهِ أَنْ يُؤَدِّيَ مَا وَجَبَ عَلَيْهِ، وَ مَا لَمْ يَجِبْ عَلَيْهِ فَلا شَيْءَ عَلَيْهِ فِيهِ.

ثُمَّ قالَ: أَ رَأَيْتَ لَوْ أَنَّ رَجُلاً أُغْمِيَ عَلَيْهِ يَوْماً ثُمَّ مَاتَ فَذَهَبَتْ صَلاتُهُ أَ كَانَ عَلَيْهِ وَ قَدْ مَاتَ أَنْ يُؤَدِّيَهَا؟

قُلْتُ: لا، إِلَّا أَنْ يَكُونَ أَفَاقَ مِنْ يَوْمِهِ.

فرمود: اگر نقدینه را بخشش کرده باشد، فسخ نمی‌شود، بلکه شرط فسخ فاسد و ساقط می‌گردد و حق زکات هم تسجیل می‌شود.

گفتم: چگونه شرط فسخ، ساقط می‌شود و هبه قطعی می‌گردد و حق زکات تسجیل می‌شود؟

فرمود: شرط پس گرفتن هبه، فاسد است، زیرا هبه برگشت ندارد. و پرداخت حق زکات به جهت عقوبت بر او لازم است.

آن‌گاه فرمود: اگر نقدینه را بدهد و در برابر آن، خانه، یا عرصه، یا متاعی بخرد، مبادله جایز و قطعی می‌شود و از زکات فریضه معاف می‌گردد.

آن‌گاه زراره گوید: من به حضرتش گفتم: پدر بزرگوارت امام باقر عليه السلام به من فرمود: هر کس به منظور فرار از زکات، نقدینهٔ خود را مبادله کند، باید زکاتش را بپردازد.

فرمود: پدرم راست گفته است، باید زکاتش را بپردازد، ولی موقعی که تسجیل نشود، زکاتی وجود ندارد.

آن‌گاه حضرتش فرمود: مگر نمی‌دانی اگر کسی یک روز تمام بی‌هوش بیفتد و شبانگاه بمیرد، آیا باید نمازهای آن روزش را که نخوانده، قضا کنند؟

گفتم: نه، موقعی باید قضای نماز مرده را بخوانند که در آخر روز به هوش آمده باشد.

ثُمَّ قالَ: لَوْ أَنَّ رَجُلاً مَرِضَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ ثُمَّ مَاتَ فِيهِ أَ كَانَ يُصَامُ عَنْهُ؟

قُلْتُ: لا.

قالَ: فَكَذَلِكَ الرَّجُلُ لا يُؤَدِّي عَنْ مَالِهِ إِلّا مَا حَالَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ.

۵ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه‌السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ وَرِثَ مَالاً وَ الرَّجُلُ غَائِبٌ هَلْ عَلَيْهِ زَكَاةٌ؟

قالَ: لا، حَتَّى يَقْدَمَ.

قُلْتُ: أَ يُزَكِّيهِ حِينَ يَقْدَمُ؟

قالَ: لا، حَتَّى يَحُولَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ وَ هُوَ عِنْدَهُ.

فرمود: اگر کسی در ماه مبارک رمضان بیمار شود و در آخر همان ماه بمیرد، آیا باید قضای روزه‌اش را بگیرند؟

گفتم: نه.

فرمود: تکلیف این مرد هم، از این قرار است: زکات آن مالی را می‌پردازد که سال شرعی آن گذشته باشد و وجوب آن تسجیل شده باشد.

۵ ـ اسحاق بن عمّار گوید: از امام کاظم عليه‌السلام پرسیدم: اگر کسی در سفر باشد و از پدرش میراث ببرد، آیا به نقدینهٔ میراثش حق زکات تعلّق می‌گیرد؟

فرمود: نه. تا از سفر باز نیاید، نقدینهٔ او زکات ندارد.

گفتم: موقع مراجعت زکات آن را بپردازد؟

فرمود: نه. تا نقدینه را تحویل نگیرد و یک سال، دست نخورده بر آن نگذرد، زکات ندارد.

(۱۵)

بَابُ مَا يَسْتَفِيدُ الرَّجُلُ مِنَ الْمَالِ بَعْدَ أَنْ يُزَكِّيَ مَا عِنْدَهُ مِنَ الْمَالِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبَانٍ عَنْ شُعَيْبٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام:

كُلُّ شَيْءٍ جَرَّ عَلَيْكَ الْمَالَ فَزَكِّهِ، وَ كُلُّ شَيْءٍ وَرِثْتَهُ أَوْ وُهِبَ لَكَ فَاسْتَقْبِلْ بِهِ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ جُمْهُورٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ عَوَّاضٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ:

فِي الرَّجُلِ يَكُونُ عِنْدَهُ الْمَالُ فَيَحُولُ عَلَيْهِ الْحَوْلُ ثُمَّ يُصِيبُ مَالاً آخَرَ قَبْلَ أَنْ يَحُولَ عَلَى الْمَالِ الْحَوْلُ.

قَالَ: إِذَا حَالَ عَلَى الْمَالِ الْأَوَّلِ الْحَوْلُ زَكَّاهُمَا جَمِيعاً.

بخش پانزدهم

مالی را انسان پس از پرداخت زکات آن استفاده می‌کند

۱ ـ شعیب گوید: از امام صادق عليه‌السلام فرمود:

هر چیزی که مالی را عاید تو کند، زکاتش را بده و هر چیزی راکه به تو ارث رسید یا این که به تو بخشیده شد (هبه) مصرف کن (و زکاتی ندارد).

۲ ـ عبدالحمید بن عوّاض گوید: امام صادق عليه‌السلام دربارهٔ کسی که مالی دارد و سال به آن می‌گذرد، پس قبل از این که به آن مال اوّل سال بگذرد، مال دیگری را به دست می‌آورد؛ فرمود:

اگر به آن مال اوّلی سال گذشت، باید زکات هر دو مال را بدهد.

(١٦)
بَابُ الرَّجُلِ يَشْتَرِي الْمَتَاعَ فَيَكْسُدُ عَلَيْهِ وَ الْمُضَارَبَةِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ الشَّامِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام.

فِي رَجُلٍ اشْتَرَى مَتَاعاً فَكَسَدَ عَلَيْهِ مَتَاعُهُ وَ قَدْ كَانَ زَكَّى مَالَهُ قَبْلَ أَنْ يَشْتَرِيَ بِهِ هَلْ عَلَيْهِ زَكَاةٌ أَوْ حَتَّى يَبِيعَهُ.

فَقَالَ: إِنْ كَانَ أَمْسَكَهُ لِيَلْتَمِسَ الْفَضْلَ عَلَى رَأْسِ الْمَالِ فَعَلَيْهِ الزَّكَاةُ.

٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ اشْتَرَى مَتَاعاً وَ كَسَدَ عَلَيْهِ وَ قَدْ كَانَ زَكَّى مَالَهُ قَبْلَ أَنْ يَشْتَرِيَ الْمَتَاعَ مَتَى يُزَكِّيهِ؟

بخش شانزدهم
حکم کسی که کالایی را می‌خرد و ضرر می‌کند و حکم مضاربه

١ ـ ابو ربیع شامی می‌گوید: امام صادق عليه السلام دربارهٔ شخصی که کالایی را می‌خرد، ولی کالایش به فروش نمی‌رسد، حال آن که قبل از آن که آن کالا بخرد زکات مالش را پرداخت کرده، آیا لازم است زکات کالای کساد شده‌اش را پرداخت کند، یا این که صبر کند و پس از فروش کالا، زکات آن را بدهد؟

فرمود: اگر آن کالا به خاطر سودش خوب است، بر آن زکات تعلّق می‌گیرد.

٢ ـ محمّد بن مسلم گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی کالایی را می‌خرد، ولی کالایش به زودی به فروش نمی‌رسد ـ البّته زکات مالی را که با آن کالا خریده، قبلاً پرداخت کرده است ـ اکنون زکات چنین کالایی را کی پرداخت کند؟

فَقالَ: إِنْ كَانَ أَمْسَكَ مَتَاعَهُ يَبْتَغِي بِهِ رَأْسَ مَالِهِ فَلَيْسَ عَلَيْهِ زَكَاةٌ، وَ إِنْ كَانَ حَبَسَهُ بَعْدَ مَا يَجِدُ رَأْسَ مَالِهِ فَعَلَيْهِ الزَّكَاةُ بَعْدَ مَا أَمْسَكَهُ بَعْدَ رَأْسِ الْمَالِ.

قالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُوضَعُ عِنْدَهُ الْأَمْوَالُ يَعْمَلُ بِهَا.

فَقالَ: إِذَا حَالَ الْحَوْلُ فَلْيُزَكِّهَا.

۳ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ عِنْدَهُ الْمَتَاعُ مَوْضُوعاً فَيَمْكُثُ عِنْدَهُ السَّنَةَ وَ السَّنَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ.

قالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ زَكَاةٌ حَتَّى يَبِيعَهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ أُعْطِيَ بِهِ رَأْسَ مَالِهِ فَيَمْنَعَهُ مِنْ ذَلِكَ الْتِمَاسُ الْفَضْلِ، فَإِذَا هُوَ فَعَلَ ذَلِكَ وَجَبَتْ فِيهِ الزَّكَاةُ، وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ أُعْطِيَ بِهِ رَأْسَ مَالِهِ فَلَيْسَ عَلَيْهِ زَكَاةٌ حَتَّى يَبِيعَهُ وَ إِنْ حَبَسَهُ بِمَا حَبَسَهُ فَإِذَا هُوَ بَاعَهُ فَإِنَّمَا عَلَيْهِ زَكَاةُ سَنَةٍ وَاحِدَةٍ.

فرمود: اگر کالا را خریده که فقط به اندازه سرمایه به او برگردد، زکاتی به آن نیست و اگر چیزی فراتر از سرمایه‌اش کسب کرد و آن را نگه داشت، آن چیزی را که بیشتر از سرمایه به دست آورده باید زکاتش را پرداخت کند.

محمّد بن مسلم گوید: هم چنین از امام علیه‌السلام پرسیدم: اموالی در اختیار کسی قرار می‌گیرد تا با آن کار کند، (زکات آن چه می‌شود)؟

فرمود: اگر سال به آن گذشت، باید زکاتش را بپردازد.

۳ـ سماعه گوید: از حضرتش سؤال کردم: شخصی کالایی دارد که آن را کنار گذاشته به گونه‌ای که یک یا دو سال به آن می‌گذرد.

فرمود: زکاتی به آن تعلّق نمی‌گیرد تا این که آن را بفروشد، مگر آن که بتواند به وسیلهٔ آن سرمایه اولیّه خود را زنده کند؛ ولی برای این که قیمت آن بیشتر شود از فروش آن خودداری کند که در این صورت زکات به آن واجب می‌شود و امّا اگر چنین نباشد و سرمایه را برنگرداند، زکاتی به آن نیست و در هر صورت اگر آن را به هر دلیلی نگه داشت، هر گاه آن را فروخت فقط زکات یک سال بر آن خواهد بود.

٤ ـ سَمَاعَةُ قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ مَعَهُ الْمَالُ مُضَارَبَةً هَلْ عَلَيْهِ فِي ذَلِكَ الْمَالِ زَكَاةٌ إِذَا كَانَ يَتَّجِرُ بِهِ؟

فَقَالَ: يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَقُولَ لِأَصْحَابِ الْمَالِ زَكُّوهُ، فَإِنْ قَالُوا: إِنَّا نُزَكِّيهِ، فَلَيْسَ عَلَيْهِ غَيْرُ ذَلِكَ، وَ إِنْ هُمْ أَمَرُوهُ أَنْ يُزَكِّيَهُ فَلْيَفْعَلْ.

قُلْتُ: أَ رَأَيْتَ لَوْ قَالُوا: إِنَّا نُزَكِّيهِ وَ الرَّجُلُ يَعْلَمُ أَنَّهُمْ لا يُزَكُّونَهُ.

فَقَالَ: إِذَا هُمْ أَقَرُّوا بِأَنَّهُمْ يُزَكُّونَهُ فَلَيْسَ عَلَيْهِ غَيْرُ ذَلِكَ، وَ إِنْ هُمْ قَالُوا: إِنَّا لا نُزَكِّيهِ فَلا يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَقْبَلَ ذَلِكَ الْمَالَ، وَ لا يَعْمَلَ بِهِ حَتَّى يُزَكُّوهُ

وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى عَنْهُ: إِلّا أَنْ تَطِيبَ نَفْسُكَ أَنْ تُزَكِّيَهُ مِنْ رِبْحِكَ .

قالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَرْبَحُ فِي السَّنَةِ خَمْسَمِائَةِ دِرْهَمٍ وَ سِتَّمائَةٍ وَ سَبْعَمِائَةٍ هِيَ نَفَقَتُهُ وَ أَصْلُ الْمَالِ مُضَارَبَةٌ .

---

۴ ـ سماعه می‌گوید: از حضرتش سؤال کردم: شخصی مال مضاربه‌ای در اختیار دارد، آیا اگر با آن مال، تجارت کرد، زکاتی به آن مال تعلّق می‌گیرد؟

فرمود: شایسته است که به صاحبان آن مال بگوید که زکات آن را بدهند.

اگر صاحبان مال گفتند: ما زکات آن را می‌دهیم، دیگر چیزی بر عهدهٔ او نیست، و اگر صاحبان مال به او گفتند: تو خود زکات آن را بده؛ باید بدهد.

سماعة گوید: گفتم: اگر صاحبان مال گفتند: ما زکات آن را می‌دهیم؛ ولی آن شخص می‌داند که آن‌ها زکات را نخواهند داد، چه؟

فرمود: اگر صاحبان مال اقرار کنند که زکاتش را خواهند داد، چیزی دیگر بر عهده او نیست، ولی اگر صاحبان مال گفتند: ما زکاتش را نمی‌دهیم، شایسته نیست بر او که آن مال را برای مضاربه قبول کند و با آن کار کند، تا این که زکات آن را صاحبان مال بپردازند.

و در روایت دیگر، سماعه گوید: حضرتش فرمود: مگر راضی شوی که خودت از سودی که می‌بری، زکات پول خود را بدهی.

سماعه گوید: و از حضرتش پرسیدم: مردی در سال پانصد درهم نقره سود می‌کند و حال این که ۶۰۰ و ۷۰۰ درهم نقره هزینهٔ زندگی اوست و اصل پولی را هم که با آن سود کرده، مضاربه‌ای بوده است (زکات آن چه می‌شود؟)

قالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ فِي الرِّبْحِ زَكَاةٌ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ أَنَّهُ قَالَ:

كُلُّ مَالٍ عَمِلْتَ بِهِ فَعَلَيْكَ فِيهِ الزَّكَاةُ إِذَا حَالَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ.

قالَ يُونُسُ: تَفْسِيرُ ذَلِكَ أَنَّهُ كُلُّ مَا عُمِلَ لِلتِّجَارَةِ مِنْ حَيَوَانٍ وَ غَيْرِهِ فَعَلَيْهِ فِيهِ الزَّكَاةُ.

٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه‌السلام:

الرَّجُلُ يَشْتَرِي الْوَصِيفَةَ يُثَبِّتُهَا عِنْدَهُ لِتَزِيدَ وَ هُوَ يُرِيدُ بَيْعَهَا أَ عَلَى ثَمَنِهَا زَكَاةٌ؟

قالَ: لا، حَتَّى يَبِيعَهَا.

قُلْتُ: فَإِذَا بَاعَهَا يُزَكِّي ثَمَنَهَا؟

قالَ: لا، حَتَّى يَحُولَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ وَ هُوَ فِي يَدِهِ

فرمود: در سودی که کرده است زکاتی نیست.

۵ ـ محمّد بن مسلم گوید: حضرتش فرمود:

هر مالی را که به کار زده‌ای، اگر سال به آن بگذرد، زکات دارد.

یونس گوید: منظور این است که هر گاه کسی با حیوان یا غیر آن تجارت کرد، پس بر عهدهٔ او در آن، زکات است.

۶ ـ اسحاق بن عمّار گوید: به امام کاظم عليه‌السلام گفتم: شخصی کنیزی می‌خرد و آن را نگه می‌دارد تا رشد کند و بعد او را بفروشد، آیا به پولی که از فروش آن کنیز عایدش می‌شود، زکات است؟

فرمود: نه، تا این که او را بفروشد.

گفتم: همین که او را فروخت باید زکاتش را بدهد؟

فرمود: نه، تا این که یک سال به آن بگذرد و آن پول هنوز در دست او باشد.

۷ـ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ خَالِدِ بْنِ الْحَجَّاجِ الْكَرْخِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام عَنِ الزَّكَاةِ.

فَقَالَ: مَا كَانَ مِنْ تِجَارَةٍ فِي يَدِكَ فِيهَا فَضْلٌ لَيْسَ يَمْنَعُكَ مِنْ بَيْعِهَا إِلَّا لِتَزْدَادَ فَضْلاً عَلَى فَضْلِكَ فَزَكِّهِ، وَ مَا كَانَتْ مِنْ تِجَارَةٍ فِي يَدِكَ فِيهَا نُقْصَانٌ، فَذَلِكَ شَيْءٌ آخَرُ.

۸ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ:

لا تَأْخُذَنَّ مَالاً مُضَارَبَةً إِلَّا مَالاً تُزَكِّيهِ أَوْ يُزَكِّيهِ صَاحِبُهُ.

وَ قَالَ: إِنْ كَانَ عِنْدَكَ مَتَاعٌ فِي الْبَيْتِ مَوْضُوعٌ فَأُعْطِيتَ بِهِ رَأْسَ مَالِكَ فَرَغِبْتَ عَنْهُ، فَعَلَيْكَ زَكَاتُهُ.

۷ـ خالد بن حجّاج کرخی گوید: از امام صادق عليه‌السلام دربارۀ زکات پرسیدم؟

فرمود: آن‌چه از تجارت در دست توست و در آن سود است، و چیزی تو را از فروختن آن باز نمی‌دارد مگر این که گران‌تر شود و سود بیشتری ببری، زکات آن را بده؛ امّا آن‌چه که از تجارت در اختیار داری و در آن ضرر و نقصان است، آن چیز دیگر است و حکمش فرق می‌کند.

۸ـ ابوبصیر گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

مالی را برای مضاربه قبول مکن مگر این که یا خودت زکاتش را بدهی، یا صاحب آن مال زکاتش را بدهد.

فرمود: اگر در خانه کالایی داری که نگاه داشته‌ای. پس اگر به وسیلۀ آن کالا سرمایه‌ات را دادی و دیگر از آن کالا روی گردان شده‌ای، پس زکات آن بر عهدۀ توست.

۹ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْخَالِقِ قَالَ: سَأَلَهُ سَعِيدٌ الْأَعْرَجُ وَ أَنَا أَسْمَعُ فَقَالَ:

إِنَّا نَكْبِسُ الزَّيْتَ وَ السَّمْنَ نَطْلُبُ بِهِ التِّجَارَةَ، فَرُبَّمَا مَكَثَ عِنْدَنَا السَّنَةَ وَ السَّنَتَيْنِ هَلْ عَلَيْهِ زَكَاةٌ؟

قالَ: فَقالَ: إِنْ كُنْتَ تَرْبَحُ فِيهِ شَيْئاً أَوْ تَجِدُ رَأْسَ مَالِكَ فَعَلَيْكَ زَكَاتُهُ، وَ إِنْ كُنْتَ إِنَّمَا تَرَبَّصُ بِهِ لِأَنَّكَ لا تَجِدُ إِلّا وَضِيعَةً، فَلَيْسَ عَلَيْكَ زَكَاتُهُ حَتَّى يَصِيرَ ذَهَباً أَوْ فِضَّةً، فَإِذَا صَارَ ذَهَباً أَوْ فِضَّةً فَزَكِّهِ لِلسَّنَةِ الَّتِي اتَّجَرْتَ فِيهَا.

(۱۷)

بَابُ مَا يَجِبُ عَلَيْهِ الصَّدَقَةُ مِنَ الْحَيَوَانِ وَ مَا لا يَجِبُ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ زُرَارَةَ عَنْهُمَا جَمِيعاً عليهما السلام قَالا:

۹ـ اسماعیل بن عبدالخالق گوید: من در حضور امام علیه السلام بود، شنیدم که عبدالحمید اعرج از حضرتش امام صادق علیه السلام پرسید: ما روغن گیاهی و حیوانی را برای تجارت ذخیره می‌کنیم، و گاهی ممکن است آن روغن یک یا دوسال نزد ما بماند؛ آیا به آن زکاتی تعلّق می‌گیرد؟

فرمود: اگر از آن سودی می‌رسد یا این که سرمایه‌ای به تو برمی‌گردد، زکات آن بر عهدهٔ توست، و امّا اگر تو آن را به این خاطر ذخیره کرده‌ای که جز خسارت و ضرر در آن نیست از این رو در انتظار هستی که در زمان مناسب آن را بفروشی، زکات آن بر تو واجب نیست تا این که به طلا و نقره تبدیل شود، پس اگر به طلا و نقره تبدیل شد، زکات آن سالی را که در آن سال تجارت کرده‌ای، پرداخت کن.

بخش هفدهم
حیواناتی که زکات واجب بر آنها تعلّق می‌گیرد

۱ ـ محمّد بن مسلم و زراره گویند: امام صادق و باقر علیهما السلام فرمودند:

وَضَعَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام عَلَى الْخَيْلِ الْعِتَاقِ الرَّاعِيَةِ فِي كُلِّ فَرَسٍ فِي كُلِّ عَامٍ دِينَارَيْنِ، وَ جَعَلَ عَلَى الْبَرَاذِينِ دِينَاراً.

۲ ـ حَمَّادُ بْنُ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: هَلْ فِي الْبِغَالِ شَيْءٌ؟

فَقالَ: لا.

فَقُلْتُ:فَكَيْفَ صَارَ عَلَى الْخَيْلِ وَ لَمْ يَصِرْ عَلَى الْبِغَالِ؟

فَقالَ: لِأَنَّ الْبِغَالَ لا تَلْقَحُ، وَ الْخَيْلُ الْإِنَاثُ يُنْتَجْنَ، وَ لَيْسَ عَلَى الْخَيْلِ الذُّكُورِ شَيْءٌ.

قالَ: فَقُلْتُ:فَمَا فِي الْحَمِيرِ؟

فَقالَ: لَيْسَ فِيهَا شَيْءٌ.

قالَ: قُلْتُ: هَلْ عَلَى الْفَرَسِ أَوِ الْبَعِيرِ يَكُونُ لِلرَّجُلِ يَرْكَبُهُمَا شَيْءٌ؟

امیرمؤمنان علی صلوات الله علیه بر گلّه اسب‌های اصیل و نجیب، بر هر اسبی در هر سال دو دینار طلا و بر غیر اصیل (اسب عجمی یا اسب تاتاری یا گونه‌ای که از اسب پایین‌تر که از الاغ قوی‌تر است) یک دینار طلا زکات قرار داد.

۲ ـ زراره گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: آیا بر استر زکاتی است؟

فرمود: نه.

گفتم: چگونه بر گلهٔ اسب‌ها زکات معیّن شد، ولی بر استر نه؟

فرمود: زیرا استرها آبستن نمی‌شوند، ولی اسب‌های ماده کرّه به دنیا می‌آورند و تکثیر می‌شوند، و بر این اساس بر اسب‌های نر زکاتی نیست.

گفتم: در الاغ چه؟

فرمود: در آن زکاتی نیست.

گفتم: آیا اسب یا شتری که انسان به آن سوار می‌شود، زکاتی هست؟

فَقالَ: لا، لَيْسَ عَلَى مَا يُعْلَفُ شَيْءٌ، إِنَّمَا الصَّدَقَةُ عَلَى السَّائِمَةِ الْمُرْسَلَةِ فِي مَرْجِهَا عَامَهَا الَّذِي يَقْتَنِيهَا فِيهِ الرَّجُلُ، فَأَمَّا مَا سِوَى ذَلِكَ فَلَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

لَيْسَ عَلَى الرَّقِيقِ زَكَاةٌ إِلَّا رَقِيقٌ يُبْتَغَى بِهِ التِّجَارَةَ، فَإِنَّهُ مِنَ الْمَالِ الَّذِي يُزَكَّى.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام وَ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام أَنَّهُمَا سُئِلا عَمَّا فِي الرَّقِيقِ.

فَقَالَ: أَلَيْسَ فِي الرَّأْسِ شَيْءٌ أَكْثَرُ مِنْ صَاعٍ مِنْ تَمْرٍ إِذَا حَالَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ وَ لَيْسَ فِي ثَمَنِهِ شَيْءٌ حَتَّى يَحُولَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ.

٥ ـ حَمَّادُ بْنُ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمانِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللهِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: رَجُلٌ لَمْ يُزَكِّ إِبِلَهُ أَوْ شَاتَهُ عَامَيْنِ فَبَاعَهَا عَلَى مَنِ اشْتَرَاهَا أَنْ يُزَكِّيَهَا لِمَا مَضَى؟

فرمود: نه، بر حیوانی که علف خوار است که صاحبش به او علف می‌دهد، زکاتی نیست. همانا زکات بر اسب و شتری است که در چراگاهش می‌چرد، در آغل علف داده نمی‌شود و انسان آن را به خود ذخیره می‌کند (تا از آن استفاده کند، نه تجارت نماید) ولی غیر این مواردی که ذکر شد، زکاتی نیست.

۳ ـ سماعه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

برای برده (غلام یا کنیز) زکاتی نیست، مگر برده‌ای که برای تجارت باشد که در آن صورت مال به حساب می‌آید و زکات آن پرداخت می‌شود.

۴ ـ زراره و محمّد بن مسلم گویند: از امام باقر عليه السلام و امام صادق عليه السلام پرسیدیم: آیا برده زکات دارد؟

فرمود: برده زکات ندارد، جز زکات فطره، و اگر برده را بفروشند و در برابر آن نقدینهٔ طلا و نقره دریافت کنند، این نقدینه هم زکات ندارد، مگر آن که یک سال نزد صاحب آن بماند.

۵ ـ عبدالرحمان ابی عبدالله گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: اگر کسی دو سال زکات شتران یا گوسفندانش را نپرداخته باشد و بعد از دو سال آن‌ها را بفروشد، آیا زکات عقب افتاده بر عهدهٔ خریدار است؟

قالَ: نَعَمْ، تُؤْخَذُ مِنْهُ زَكَاتُهَا وَ يَتْبَعُ بِهَا الْبَائِعَ، أَوْ يُؤَدِّيَ زَكَاتَهَا الْبَائِعُ.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام:

فِي الرَّجُلِ يَكُونُ لَهُ إِبِلٌ أَوْ بَقَرٌ أَوْ غَنَمٌ أَوْ مَتَاعٌ فَيَحُولُ عَلَيْهَا الْحَوْلُ فَيَمُوتُ الْإِبِلُ وَ الْبَقَرُ وَ الْغَنَمُ وَ يَحْتَرِقُ الْمَتَاعُ.

قالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.

٧ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ قَالَ:

كَانَ عَلِيٌّ عليه‌السلام لا يَأْخُذُ مِنْ صِغَارِ الْإِبِلِ شَيْئاً حَتَّى يَحُولَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ وَ لا يَأْخُذُ مِنْ جِمَالِ الْعَمَلِ صَدَقَةً، وَ كَأَنَّهُ لَمْ يَجِبْ أَنْ يُؤْخَذَ مِنَ الذُّكُورِ شَيْءٌ، لِأَنَّهُ ظَهْرٌ يُحْمَلُ عَلَيْهَا.

فرمود: آری. زکات رمه را از خریدار می‌گیرند و خریدار می‌تواند فروشنده را تعقیب کند و مبلغ پرداختی را مطالبه نماید یا خود خریدار حاضر شود و زکات رمه را بپردازد.

۶ـابن ابی عمیر از برخی از اصحاب ما نقل می‌کند وگوید: امام صادق عليه‌السلام دربارهٔ کسی که شتر،گاو و گوسفند یا کالایی دیگر دارد و یک سال می‌گذرد. امّا آن شتر یاگاو یا گوسفند می‌میرند و آن کالا می‌سوزد و از بین می‌رود، فرمود:

به چنین اموالی زکات تعلّق نمی‌گیرد.

۷ـابن ابی عمیر گوید:

علی عليه‌السلام از بچّه شترها زکات نمی‌گرفت تا این سال به آن‌ها می‌گذشت و از شترهای نر کاری صدقه زکات نمی‌گرفت، و گویا ایشان واجب نمی‌دیدند که از شترهای نر چیزی گرفته شود، زیرا که آنها پشتی بودند که به آن‌ها بار حمل می‌شد.

(۱۸)

بَابُ صَدَقَةِ الْإِبِلِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِبْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ أَبِي بَصِيرٍ وَ بُرَيْدٍ الْعِجْلِيِّ وَ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليهما السلام قَالا فِي صَدَقَةِ الْإِبِلِ:

فِي كُلِّ خَمْسٍ شَاةٌ إِلَى أَنْ تَبْلُغَ خَمْساً وَ عِشْرِينَ، فَإِذَا بَلَغَتْ ذَلِكَ فَفِيهَا ابْنَةُ مَخَاضٍ، ثُمَّ لَيْسَ فِيهَا شَيْءٌ حَتَّى تَبْلُغَ خَمْساً وَ ثَلاثِينَ، فَإِذَا بَلَغَتْ خَمْساً وَ ثَلاثِينَ فَفِيهَا ابْنَةُ لَبُونٍ، ثُمَّ لَيْسَ فِيهَا شَيْءٌ حَتَّى تَبْلُغَ خَمْساً وَ أَرْبَعِينَ، فَإِذَا بَلَغَتْ خَمْساً وَ أَرْبَعِينَ فَفِيهَا حِقَّةٌ طَرُوقَةُ الْفَحْلِ ثُمَّ لَيْسَ فِيهَا شَيْءٌ حَتَّى تَبْلُغَ سِتِّينَ، فَإِذَا بَلَغَتْ سِتِّينَ فَفِيهَا جَذَعَةٌ.

بخش هیجدهم

زکات شتر

۱ـ زراره، محمّد بن مسلم، ابوبصیر، برید عجلی و فضیل گویند: امام باقر عليه السلام و امام صادق عليه السلام در مورد زکات شتر فرمودند:

در هر پنج شتر، باید یک گوسفند به عنوان زکات پرداخت شود تا برسد به بیست و پنج شتر که زکات آن پنج گوسفند است و بعد از بیست و پنج شتر تا سی و پنج شتر، یک ماده شتر دو ساله، و بعد از سی و پنج شتر تا چهل و پنج شتر، یک ماده شتر دو ساله، و بعد از سی و پنج شتر تا چهل و پنج شتر، یک ماده شتر سه ساله. و بعد از چهل و پنج شتر تا شصت شتر یک ماده شتر چهار ساله؛ و بعد از شصت شتر تا هفتاد و پنج شتر، یک ماده شتر پنج ساله به عنوان زکات پرداخت شود.

ثُمَّ لَيْسَ فِيهَا شَيْءٌ حَتَّى تَبْلُغَ خَمْساً وَ سَبْعِينَ، فَإِذَا بَلَغَتْ خَمْساً وَ سَبْعِينَ، فَفِيهَا ابْنَتَا لَبُونٍ ثُمَّ لَيْسَ فِيهَا شَيْءٌ حَتَّى تَبْلُغَ تِسْعِينَ، فَإِذَا بَلَغَتْ تِسْعِينَ فَفِيهَا حِقَّتَانِ طَرُوقَتَا الْفَحْلِ، ثُمَّ لَيْسَ فِيهَا شَيْءٌ حَتَّى تَبْلُغَ عِشْرِينَ وَ مِائَةً فَإِذَا بَلَغَتْ عِشْرِينَ وَ مِائَةً فَفِيهَا حِقَّتَانِ طَرُوقَتَا الْفَحْلِ، فَإِذَا زَادَتْ وَاحِدَةٌ عَلَى عِشْرِينَ وَ مِائَةٍ فَفِي كُلِّ خَمْسِينَ حِقَّةٌ وَ فِي كُلِّ أَرْبَعِينَ ابْنَةُ لَبُونٍ.

ثُمَّ تَرْجِعُ الْإِبِلُ عَلَى أَسْنَانِهَا، وَ لَيْسَ عَلَى النَّيِّفِ شَيْءٌ وَ لا عَلَى الْكُسُورِ شَيْءٌ وَ لَيْسَ عَلَى الْعَوَامِلِ شَيْءٌ إِنَّمَا ذَلِكَ عَلَى السَّائِمَةِ الرَّاعِيَةِ.

قالَ: قُلْتُ: مَا فِي الْبُخْتِ السَّائِمَةِ شَيْءٌ؟

قالَ: مِثْلُ مَا فِي الْإِبِلِ الْعَرَبِيَّةِ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمانِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قالَ:

و بعد از هفتاد و پنج شتر، دو ماده شتر سه ساله و بعد از نود شتر تا صد و بیست شتر، دو ماده شتر چهار سالهٔ آبستن؛ و بعد از صد و بیست شتر، هر چند که نفرات آن‌ها زیاد شود. بر اساس هر پنجاه شتر، یک ماده، شتر چهار ساله، و هر چهل شتر یک ماده شتر سه ساله بپردازند و در صورت لزوم، سن شترها را به قیاس بگیرند و کم و زیاد آن را باز گردانند، چند نفر بالاتر از نصاب و چند نفر کمتر از نصاب، زکات ندارد. شتر بارکش و شتر آبکش زکات ندارد. فقط شتری زکات دارد که در مرتع به چرا می‌رود.

گفتم: اگر شتر خراسانی در صحرا بچرد، زکات دارد؟

فرمود: شتر خراسانی هم مانند شتر عربی است.

۲ ـ عبدالرحمان بن حجّاج گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

فِي خَمْسٍ قَلائِصَ شَاةٌ وَ لَيْسَ فِيما دُونَ الْخَمْسِ شَيْءٌ وَ فِي عَشْرٍ شَاتَانِ وَ فِي خَمْسَ عَشْرَةَ ثَلاثُ شِيَاهٍ، وَ فِي عِشْرِينَ أَرْبَعٌ وَ فِي خَمْسٍ وَ عِشْرِينَ خَمْسٌ وَ فِي سِتَّةٍ وَ عِشْرِينَ بِنْتُ مَخَاضٍ إِلَى خَمْسٍ وَ ثَلاثِينَ.

وَ قَالَ عَبْدُ الرَّحْمانِ: هَذَا فَرْقٌ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ النَّاسِ، فَإِذَا زَادَتْ وَاحِدَةٌ فَفِيهَا بِنْتُ لَبُونٍ إِلَى خَمْسٍ وَ أَرْبَعِينَ، فَإِذَا زَادَتْ وَاحِدَةٌ فَفِيهَا حِقَّةٌ إِلَى سِتِّينَ، فَإِذَا زَادَتْ وَاحِدَةٌ فَفِيهَا جَذَعَةٌ إِلَى خَمْسٍ وَ سَبْعِينَ، فَإِذَا زَادَتْ وَاحِدَةٌ فَفِيهَا بِنْتَا لَبُونٍ إِلَى تِسْعِينَ، فَإِذَا كَثُرَتِ الْإِبِلُ فَفِي كُلِّ خَمْسِينَ حِقَّةٌ.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

لَيْسَ فِي صِغَارِ الْإِبِلِ شَيْءٌ حَتَّى يَحُولَ عَلَيْهَا الْحَوْلُ مِنْ يَوْمِ تُنْتَجُ.

زکات پنج شتر، یک گوسفند است. کمتر از پنج شتر، زکات ندارد. ده شتر، دو گوسفند، پانزده شتر، سه گوسفند؛ بیست و پنج شتر، پنج گوسفند. از بیست و شش تا سی و پنج شتر، یک ماده شتر دو ساله، از سی و شش تا چهل و پنج شتر، یک ماده شتر سه ساله، از چهل و شش تا شصت شتر، یک ماده شتر چهار ساله.

و از شصت و یک تا هفتاد و پنج شتر، یک ماده شتر پنج ساله شتر، و از هفتاد و شش تا نود شتر، دو ماده شتر سه ساله. و موقعی که شمار شتر افزون شود، بابت هر پنجاه شتر یک ماده شتر چهار ساله به عنوان زکات بپردازند.

۳ ـ زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

بچهٔ شتر زکات ندارد، مگر موقعی که یک سال از ولادت آن بگذرد.

(۱۹)

بَابُ [أسنانِ الإبِلِ]

أَسْنَانُ الْإِبِلِ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ تَطْرَحُهُ أُمُّهُ إِلَى تَمَامِ السَّنَةِ حُوَارٌ، فَإِذَا دَخَلَ فِي الثَّانِيَةِ سُمِّيَ ابْنَ مَخَاضٍ، لِأَنَّ أُمَّهُ قَدْ حَمَلَتْ، فَإِذَا دَخَلَتْ فِي السَّنَةِ الثَّالِثَةِ يُسَمَّى ابْنَ لَبُونٍ، وَ ذَلِكَ أَنَّ أُمَّهُ قَدْ وَضَعَتْ وَ صَارَ لَهَا لَبَنٌ.

فَإِذَا دَخَلَ فِي السَّنَةِ الرَّابِعَةِ يُسَمَّى الذَّكَرُ حِقّاً وَ الْأُنْثَى حِقَّةً، لِأَنَّهُ قَدِ اسْتَحَقَّ أَنْ يُحْمَلَ عَلَيْهِ، فَإِذَا دَخَلَ فِي السَّنَةِ الْخَامِسَةِ يُسَمَّى جَذَعاً، فَإِذَا دَخَلَ فِي السَّادِسَةِ يُسَمَّى ثَنِيّاً، لِأَنَّهُ قَدْ أَلْقَى ثَنِيَّتَهُ.

فَإِذَا دَخَلَ فِي السَّابِعَةِ أَلْقَى رَبَاعِيَتَهُ وَ يُسَمَّى رَبَاعِياً.

بخش نوزدهم [۱]
[نامگذاری شتر از روی دندان‌هایش]

شتر را از روزی که مادرش او را به دنیا می‌آورد تا یک سال تمام «حُوار» گویند. پس زمانی که وارد سال دوم زندگی شد نامش «ابن فحاض» می‌شود، زیرا مادرش باردار شده است (محاض درد زایمان است)، و زمانی که وارد سال سوم زندگی شد، نامش «ابن لبون» (فرزند ناقه شیرده) می‌شود، زیرا مادرش وضع حمل کرده و دارای شیر شده است.

و زمانی وارد سال چهارم شد، شتر نر را «حقّ» و ماده را «حقّه» گویند، زیرا استحقاق پیدا کرده که به او بار بنهند. وقتی وارد سال پنجم شد «جذع» نامیده می‌شود. وقتی وارد سال ششم شود «ثنیّ» نامیده می‌شود، زیرا دندان‌های پیش خود را انداخته است.

زمانی که وارد سال هفتم می‌شود دندان‌های رباعی خود را انداخته لذا «رباعیّ» نامیده می‌شود (هر یک از دندان‌هاکه میان دندان‌های پیش و نیش است).

---

۱ ـ نام این باب در کتاب ارزشمند «مرآة العقول» «أسنان الابل» (یعنی نامگذاری شتر برای هر سن و سال از طریق رشد دندانهایش) آمده است.

فَإِذَا دَخَلَ فِي الثَّامِنَةِ أَلْقَى السِّنَّ الَّذِي بَعْدَ الرَّبَاعِيَةِ وَ سُمِّيَ سَدِيساً.

فَإِذَا دَخَلَ فِي التَّاسِعَةِ وَ طَرَحَ نَابَهُ سُمِّيَ بَازِلاً.

فَإِذَا دَخَلَ فِي الْعَاشِرَةِ فَهُوَ مُخْلِفٌ وَ لَيْسَ لَهُ بَعْدَ هَذَا اسْمٌ، وَ الْأَسْنَانُ الَّتِي تُؤْخَذُ مِنْهَا فِي الصَّدَقَةِ مِنْ بِنْتِ مَخَاضٍ إِلَى الْجَذَعِ.

(۲۰)

بَابُ صَدَقَةِ الْبَقَرِ

۱ـعَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِبْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ وَ مُحَمَّدِبْنِ مُسْلِمٍ وَ أَبِي بَصِيرٍ وَ بُرَيْدٍ الْعِجْلِيِّ وَ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليهما السلام قَالا فِي الْبَقَرِ:

زمانی که وارد هشت سالگی می‌شود دندان بعد از رباعی را می‌اندازد و «سدیس» نامیده می‌شود. (سدیس، نام دندان هشت سالگی شتر است).

زمانی که وارد نه سالگی می‌شود ودندان نیش را می‌اندازد «بازل» نامیده می‌شود.

پس هر گاه که وارد ده سالگی شد آن را «مخلف» گویند و پس از آن دیگر اسمی ندارد. و سال‌هایی که در آن سن و سال زکات شتر گرفته می‌شود از سالی است که «بنت محاض» ۲ سالگی تا «جذع» ۵ سالگی است.

بخش بیستم
زکات گاو

۱ـزراره، محمّد بن مسلم، ابوبصیر، برید عجلی و فضیل گویند: امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام در مورد زکات گاو فرمودند:

فِي كُلِّ ثَلاثِينَ بَقَرَةً تَبِيعٌ حَوْلِيٌّ وَ لَيْسَ فِي أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ وَ فِي أَرْبَعِينَ بَقَرَةً بَقَرَةٌ مُسِنَّةٌ، وَ لَيْسَ فِيما بَيْنَ الثَّلاثِينَ إِلَى الْأَرْبَعِينَ شَيْءٌ حَتَّى تَبْلُغَ أَرْبَعِينَ، فَإِذَا بَلَغَتْ أَرْبَعِينَ فَفِيهَا مُسِنَّةٌ وَ لَيْسَ فِيما بَيْنَ الْأَرْبَعِينَ إِلَى السِّتِّينَ شَيْءٌ، فَإِذَا بَلَغَتِ السِّتِّينَ فَفِيهَا تَبِيعَانِ إِلَى سَبْعِينَ فَإِذَا بَلَغَتْ سَبْعِينَ، فَفِيهَا تَبِيعٌ وَ مُسِنَّةٌ إِلَى ثَمَانِينَ فَإِذَا بَلَغَتْ ثَمَانِينَ.

فَفِي كُلِّ أَرْبَعِينَ مُسِنَّةٌ إِلَى تِسْعِينَ، فَإِذَا بَلَغَتْ تِسْعِينَ فَفِيهَا ثَلاثُ تَبَائِعَ حَوْلِيَّاتٍ، فَإِذَا بَلَغَتْ عِشْرِينَ وَ مِائَةً، فَفِي كُلِّ أَرْبَعِينَ مُسِنَّةٌ.

ثُمَّ تَرْجِعُ الْبَقَرُ عَلَى أَسْنَانِهَا وَ لَيْسَ عَلَى النَّيِّفِ شَيْءٌ، وَ لا عَلَى الْكُسُورِ شَيْءٌ وَ لا عَلَى الْعَوَامِلِ شَيْءٌ، إِنَّمَا الصَّدَقَةُ عَلَى السَّائِمَةِ الرَّاعِيَةِ.

وَ كُلُّ مَا لَمْ يَحُلْ عَلَيْهِ الْحَوْلُ عِنْدَ رَبِّهِ فَلا شَيْءَ عَلَيْهِ حَتَّى يَحُولَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ فَإِذَا حَالَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ وَجَبَ عَلَيْهِ.

در هر سی رأس گاو، یک گوسالهٔ سیزده ماهه به عنوان زکات پرداخت می‌شود و کمتر از سی رأس گاو، زکات ندارد. چهل رأس گاو، یک گوسالهٔ سه ساله زکات دارد. از سی رأس گاو تا سی و نه رأس گاو، همان گوسالهٔ سیزده ماهه و از چهل رأس گاو تا پنجاه و نه رأس گاو، همان یک گوسالهٔ سه ساله کافی است.

از رقم شصت تا شصت و نه، دو گوسالهٔ سیزده ماهه و از رقم هفتاد تا هفتاد و نه، یک گوسالهٔ سیزده ماهه و یک گوسالهٔ سه ساله. و از رقم هشتاد تا هشتاد و نه، دو گوسالهٔ سه ساله. و از رقم نود تا نود و نه، سه گوسالهٔ سیزده ماهه. و از رقم صد تا صدو نه، دو گوسالهٔ سیزده ماهه و یک گوساله سه ساله. و از رقم صدوده تا صد و نوزده، یک گوسالهٔ سیزده ماهه و دو گوسالهٔ سه ساله. و از رقم صدو بیست تا صدو بیست و نه، چهار گوسالهٔ سه ساله.

هر چهل رأس گاو، یک گوسالهٔ سه ساله و هر سی رأس گاو یک گوسالهٔ سیزده ماهه، زکات دارد. و در صورت لزوم، سن گوساله‌ها را قیاس بگیرند و کم و زیاد آن را باز گردانند، چند رأس بالاتر از نصاب و چند رأس زیر نصاب زکات ندارد.

گاو بارکش و گاو آبکش و گاو شخمی زکات ندارد. فقط گاوی زکات دارد که در مراتع به چرا می‌رود. هر گاوی که یک سال در ملک صاحبش نماند، زکات ندارد، هر گاوی که یک سال در ملک صاحبش بماند، زکات دارد.

۲ ـ زُرَارَةُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: فِي الْجَوَامِيسِ شَيْءٌ؟ قالَ: مِثْلُ مَا فِي الْبَقَرِ.

(۲۱)
بَابُ صَدَقَةِ الْغَنَمِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِبْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ وَ مُحَمَّدِبْنِ مُسْلِمٍ وَ أَبِي بَصِيرٍ وَ بُرَيْدٍ وَ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللهِ علیهما السلام فِي الشَّاةِ.
فِي كُلِّ أَرْبَعِينَ شَاةً شَاةٌ، وَ لَيْسَ فِيما دُونَ الْأَرْبَعِينَ شَيْءٌ، ثُمَّ لَيْسَ فِيهَا شَيْءٌ حَتَّى تَبْلُغَ عِشْرِينَ وَ مِائَةً فَإِذَا بَلَغَتْ عِشْرِينَ وَ مِائَةً فَفِيهَا مِثْلُ ذَلِكَ شَاةٌ وَاحِدَةٌ، فَإِذَا زَادَتْ عَلَى مِائَةٍ وَ عِشْرِينَ فَفِيهَا شَاتَانِ، وَ لَيْسَ فِيهَا أَكْثَرُ مِنْ شَاتَيْنِ حَتَّى تَبْلُغَ مِائَتَيْنِ.

---

۲ ـ زراره گوید: به امام باقر علیه السلام گفتم: گاومیش، زکات دارد؟
فرمود: گاومیش همانند گاو زکات دارد.

بخش بیست و یکم
زکات گوسفند

۱ ـ زراره، محمّد بن مسلم، ابوبصیر و برید و فضیل گویند: امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام در مورد زکات گوسفند فرمودند:
در هر چهل رأس گوسفند، باید یک گوسفند به عنوان زکات بپردازند. کمتر از چهل رأس گوسفند، زکات ندارد، و بیشتر از چهل رأس گوسفند تا برسد به صدو بیست رأس گوسفند، همان یک گوسفند کافی است. از صد و بیست و یک تا دویست رأس گوسفند، فقط دو رأس گوسفند به عنوان زکات می‌پردازند.

فَإِذَا بَلَغَتِ الْمِائَتَيْنِ فَفِيهَا مِثْلُ ذَلِكَ فَإِذَا زَادَتْ عَلَى الْمِائَتَيْنِ شَاةٌ وَاحِدَةٌ فَفِيهَا ثَلاثُ شِيَاهٍ، ثُمَّ لَيْسَ فِيهَا شَيْءٌ أَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ حَتَّى تَبْلُغَ ثَلاثَمِائَةٍ، فَإِذَا بَلَغَتْ ثَلاثَمِائَةٍ فَفِيهَا مِثْلُ ذَلِكَ ثَلاثُ شِيَاهٍ، فَإِذَا زَادَتْ وَاحِدَةٌ فَفِيهَا أَرْبَعُ شِيَاهٍ حَتَّى تَبْلُغَ أَرْبَعَمِائَةٍ فَإِذَا تَمَّتْ أَرْبَعُمِائَةٍ كَانَ عَلَى كُلِّ مِائَةٍ شَاةٌ وَ سَقَطَ الْأَمْرُ الْأَوَّلُ.

وَ لَيْسَ عَلَى مَا دُونَ الْمِائَةِ بَعْدَ ذَلِكَ شَيْءٌ، وَ لَيْسَ فِي النَّيِّفِ شَيْءٌ.

وَ قَالا: كُلُّ مَا لَمْ يَحُلْ عَلَيْهِ الْحَوْلُ عِنْدَ رَبِّهِ، فَلا شَيْءَ عَلَيْهِ، فَإِذَا حَالَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ وَجَبَ عَلَيْهِ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ وَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمانِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ:

لَيْسَ فِي الْأَكِيلَةِ وَ لا فِي الرُّبَّى، وَ الرُّبَّى الَّتِي تُرَبَّى اثْنَيْنِ، وَ لا شَاةِ لَبَنٍ، وَ لا فَحْلِ الْغَنَمِ صَدَقَةٌ.

و از دویست و یک رأس گوسفند تا سیصد رأس گوسفند، فقط سه رأس گوسفند و از سیصد و یک رأس گوسفند تا چهار صد رأس گوسفند، فقط چهار رأس گوسفند و بعد به ترتیب، زکات هر صد رأس گوسفند، یک گوسفند است و دیگر به نصاب اوّل باز نمی‌گردد. ارقام کمتر از صد و بیشتر از صد، زکات ندارد.

فرمودند: هر گوسفندی که یک سال در ملک صاحبش نماند، زکات ندارد. گوسفندی زکات دارد که یک سال در ملک صاحبش بماند.

۲ ـ عبدالرحمان بن حجّاج گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

حق زکات، از نژاد تک و نمونه، مادر برّه، میش شیرده، قوچ تخم کشی پرداخت نمی‌شود.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

لا تُؤْخَذُ أَكُولَةٌ، وَ الْأَكُولَةُ الْكَبِيرَةُ مِنَ الشَّاةِ تَكُونُ فِي الْغَنَمِ، وَ لا وَالِدَةٌ وَ لا الْكَبْشُ الْفَحْلُ.

٤ ـ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

السَّخْلُ مَتَى تَجِبُ فِيهِ الصَّدَقَةُ؟

قالَ: إِذَا أَجْذَعَ.

(۲۲)

بَابُ أَدَبِ الْمُصَدِّقِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يَقُولُ:

---

۳ ـ سماعه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

گوسفند درشت اندام، گوسفند زائو، قوچ گلّه را به عنوان زکات نمی‌گیرند.

۴ ـ اسحاق بن عمّار گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: برّهٔ گوسفند، زکات دارد؟

فرمود: بعد از آن که یک ساله شود، زکات دارد.

بخش بیست و دوم

آدابی که مأمور دریافت زکات باید مراعات کند

۱ ـ برید بن معاویه گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

بَعَثَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام مُصَدِّقاً مِنَ الْكُوفَةِ إِلَى بَادِيَتِهَا.

فَقَالَ لَهُ: يَا عَبْدَ اللهِ! انْطَلِقْ، وَ عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللهِ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، وَ لا تُؤْثِرَنَّ دُنْيَاكَ عَلَى آخِرَتِكَ، وَ كُنْ حَافِظاً لِمَا ائْتَمَنْتُكَ عَلَيْهِ رَاعِياً لِحَقِّ اللهِ فِيهِ حَتَّى تَأْتِيَ نَادِيَ بَنِي فُلانٍ، فَإِذَا قَدِمْتَ فَانْزِلْ بِمَائِهِمْ مِنْ غَيْرِ أَنْ تُخَالِطَ أَبْيَاتَهُمْ.

ثُمَّ امْضِ إِلَيْهِمْ بِسَكِينَةٍ وَ وَقَارٍ حَتَّى تَقُومَ بَيْنَهُمْ وَ تُسَلِّمَ عَلَيْهِمْ ثُمَّ قُلْ لَهُمْ: يَا عِبَادَ اللهِ! أَرْسَلَنِي إِلَيْكُمْ وَلِيُّ اللهِ لآخُذَ مِنْكُمْ حَقَّ اللهِ فِي أَمْوَالِكُمْ، فَهَلْ للهِ فِي أَمْوَالِكُمْ مِنْ حَقٍّ فَتُؤَدُّونَ إِلَى وَلِيِّهِ؟

فَإِنْ قَالَ لَكَ قَائِلٌ: لا، فَلا تُرَاجِعْهُ، وَ إِنْ أَنْعَمَ لَكَ مِنْهُمْ مُنْعِمٌ فَانْطَلِقْ مَعَهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ تُخِيفَهُ أَوْ تَعِدَهُ إِلّا خَيْراً.

امیرمؤمنان علی عليه السلام مأمور زکاتی را از کوفه به بادیه‌ها و روستاهای اطراف کوفه گسیل داشت و به او فرمود:

ای بنده خدا! حرکت‌کن و بر تو باد به تقوای الهی، خدایی که یکتاست و شریکی برای او نیست، و دنیای خود را به جهان آخرتت ترجیح مده و آن چیزی راکه تو را امین به آن قرار دادم، محافظت‌کن و نگاهبان باش. و حق خداوند را در آن رعایت بنما، تا به قبیلهٔ فلانی برسی، وقتی که به آن‌ها رسیدی درکنار چاه و آبگیری آن‌ها فرود آی، بدون این‌که در میان خانه‌های آن‌ها گشت بزنی. آن‌گاه با آرامش و وقار به سوی آن‌ها رو، تا در میان آن‌ها قرار بگیری، به آن‌ها سلام‌کن.

آن‌گاه به آن‌ها بگو: ای بندگان خدا! دوست و ولی خداوند مرا به سوی شما گسیل داشته تا حق خداوند در دارایی‌هایتان را از شما اخذ کنم، آیا در اموال شما حقّی از خداوند هست تا آن را به ولیّ او بپردازید و ادا کنید؟

اگر کسی از آن‌ها گفت: نه، دوباره سخن خود را برای او تکرار مکن (و منصرف شو)، و اگر کسی از آن‌ها پاسخ داد: آری، پس با او برو، بی‌آن که او را بترسانی یا او را جز به خیر وعده دهی.

فَإِذَا أَتَيْتَ مَالَهُ فَلا تَدْخُلْهُ إِلّا بِإِذْنِهِ، فَإِنَّ أَكْثَرَهُ لَهُ فَقُلْ: يَا عَبْدَ اللهِ! أَ تَأْذَنُ لِي فِي دُخُولِ مَالِكَ.

فَإِنْ أَذِنَ لَكَ فَلا تَدْخُلْهُ دُخُولَ مُتَسَلِّطٍ عَلَيْهِ فِيهِ، وَ لا عُنْفٍ بِهِ فَاصْدَعِ الْمَالَ صَدْعَيْنِ، ثُمَّ خَيِّرْهُ، أَيَّ الصَّدْعَيْنِ شَاءَ، فَأَيَّهُمَا اخْتَارَ فَلا تَعْرِضْ لَهُ، ثُمَّ اصْدَعِ الْبَاقِيَ صَدْعَيْنِ، ثُمَّ خَيِّرْهُ فَأَيَّهُمَا اخْتَارَ فَلا تَعْرِضْ لَهُ، وَ لا تَزَالُ كَذَلِكَ حَتَّى يَبْقَى مَا فِيهِ وَفَاءٌ لِحَقِّ اللهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مِنْ مَالِهِ.

فَإِذَا بَقِيَ ذَلِكَ فَاقْبِضْ حَقَّ اللهِ مِنْهُ، وَ إِنِ اسْتَقَالَكَ فَأَقِلْهُ. ثُمَّ اخْلِطْهَا وَ اصْنَعْ مِثْلَ الَّذِي صَنَعْتَ أَوَّلاً حَتَّى تَأْخُذَ حَقَّ اللهِ فِي مَالِهِ.

فَإِذَا قَبَضْتَهُ فَلا تُوَكِّلْ بِهِ إِلّا نَاصِحاً شَفِيقاً أَمِيناً حَفِيظاً غَيْرَ مُعْنِفٍ لِشَيْءٍ مِنْهَا.

هنگامی که به اموال و دارایی او وارد شدی به آن‌ها دست مزن مگر به اذن و اجازهٔ او، زیرا بیشتر آن مال، برای اوست. به او بگو: ای بندهٔ خدا! آیا اجازه می‌دهی که به دارایی تو دست بزنم؟

اگر به تو اجازه داد، مانند انسانی که به او سلطهٔ و قدرت دارد، وارد مشو، و با عنف و زور به او وارد مشو، پس مال او را به دو قسمت تقسیم کن، آن‌گاه به او اختیار بده که هر کدام از دو بخش را که خواست برگزیند و بردارد، و باقی مال را نیز دو قسم کن و دوباره اختیار را به او بده، پس هر بخش را که او برداشت متعرّض او مشو، و همین کار را ادامه بده تا آن‌جا که از مال او آن‌چه که در آن وفای به عهد حق الهی است (زکات دارد) بماند.

هنگامی که آن مقدار ماند، حق خداوند را از آن بردار و اگر خواست چیزی را از تو پس بگیرد، به او بازگردان، آن اموال و زکات را که از او گرفتی با هم درآمیز و همان کاری را که دربار اوّل انجام دادی، انجام بده (یعنی دوباره اموالش را به دو قسمت تقسیم‌کن..) تا حق خداوند را که در مال اوست بگیری.

پس وقتی گرفتی، کسی را بر آن وکیل قرار مده، مگر انسان خیرخواه، دلسوز، امین و نگاهبان را که به چیزی از آن دست درازی نکند و آن را از بین نبرد.

ثُمَّ احْدُرْ كُلَّ مَا اجْتَمَعَ عِنْدَكَ مِنْ كُلِّ نَادٍ إِلَيْنَا نُصَيِّرْهُ حَيْثُ أَمَرَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ.

فَإِذَا انْحَدَرَ بِهَا رَسُولُكَ فَأَوْعِزْ إِلَيْهِ أَنْ لا يَحُولَ بَيْنَ نَاقَةٍ وَ بَيْنَ فَصِيلِهَا وَ لا يُفَرِّقَ بَيْنَهُمَا وَ لا يَمْصُرَنَّ لَبَنَهَا فَيُضِرَّ ذَلِكَ بِفَصِيلِهَا وَ لا يَجْهَدَ بِهَا رُكُوباً وَ لْيَعْدِلْ بَيْنَهُنَّ فِي ذَلِكَ وَ لْيُورِدْهُنَّ كُلَّ مَاءٍ يَمُرُّ بِهِ وَ لا يَعْدِلْ بِهِنَّ عَنْ نَبْتِ الْأَرْضِ إِلَى جَوَادِّ الطَّرِيقِ فِي السَّاعَةِ الَّتِي فِيهَا تُرِيحُ وَ تَغْبُقُ وَ لْيَرْفُقْ بِهِنَّ جُهْدَهُ حَتَّى يَأْتِيَنَا بِإِذْنِ اللهِ سِحَاحاً سِمَاناً غَيْرَ مُتْعَبَاتٍ وَ لا مُجْهَدَاتٍ.

فَيُقْسَمْنَ بِإِذْنِ اللهِ عَلَى كِتَابِ اللهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ عَلَى أَوْلِيَاءِ اللهِ، فَإِنَّ ذَلِكَ أَعْظَمُ لِأَجْرِكَ وَ أَقْرَبُ لِرُشْدِكَ يَنْظُرُ اللهُ إِلَيْهَا وَ إِلَيْكَ وَ إِلَى جُهْدِكَ وَ نَصِيحَتِكَ لِمَنْ بَعَثَكَ وَ بُعِثْتَ فِي حَاجَتِهِ.

فَإِنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ قَالَ: مَا يَنْظُرُ اللهُ إِلَى وَلِيٍّ لَهُ يَجْهَدُ نَفْسَهُ بِالطَّاعَةِ وَ النَّصِيحَةِ لَهُ وَ لِإِمَامِهِ إِلَّا كَانَ مَعَنَا فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى.

سپس اموال را از هر مکانی که نزد تو جمع شده است، به سوی ما بفرست تا ما نیز آن را به آن‌جایی که خداوند ﷻ امر فرموده بفرستیم.

و به فرستاده‌ات سفارش کن که بین بچه شتر و مادرش جدایی نیفکند و شیر ماده شتر را بیش از حد نگیرد که به بچه شتر شیرخوار ضرر برسد. و زیادی به آن‌ها بار ننهد و در این کار عدالت را بین آن‌ها رعایت کند و از هر آب گاهی که گذشتند آب را به آن‌ها عرضه کند (تا آب بیاشامند). و در ساعاتی که در آن استراحت می‌شود، از چریدن آن‌ها و استفاده آن‌ها از گیاهان زمین جلوگیری نشود، به این صورت که آن‌ها را به میان راه و شاهراه بیاورند که گیاهی ندارد.

و تا آنجا که می‌تواند با آن حیوان‌ها به مدارا رفتار کند تا این که چاق و فربه به ما برسند، نه خسته و کوفته. تا این که به اذن پروردگار و به طبق کتاب خداوند و سنت پیامبرش ﷺ بین اولیای خداوند تقسیم شوند. چرا که انجام این سفارش‌ها موجب زیاد شدن اجر و پاداش تو خواهد شد و به هدایت تو نزدیکتر است، در این صورت خداوند به تو و آن‌ها و به سعی و تلاش که کردی و خیرخواهی تو نسبت به کسی که تو را فرستاد و کسی که برای رفع حاجت او فرستاده شدی، نظر رحمت خواهد نمود. چرا که پیامبر خدا ﷺ فرمود:

خداوند به دوستش که با اطاعت و خیرخواهی برای خداوند و امامش، تلاش می‌کند، نگاه رحمت نمی‌کند مگر آن که در رفیق اعلا با ما خواهد بود.

قالَ: ثُمَّ بَكَى أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام .

ثُمَّ قالَ: يَا بُرَيْدُ! لا وَ اللهِ، مَا بَقِيَتْ لِلّهِ حُرْمَةٌ إِلّا انْتُهِكَتْ، وَ لا عُمِلَ بِكِتَابِ اللهِ وَ لا سُنَّةِ نَبِيِّهِ فِي هَذَا الْعَالَمِ، وَ لا أُقِيمَ فِي هَذَا الْخَلْقِ حَدٌّ مُنْذُ قَبَضَ اللهُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللهِ وَ سَلامُهُ عَلَيْهِ، وَ لا عُمِلَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ إِلَى يَوْمِ النَّاسِ هَذَا .

ثُمَّ قالَ: أَمَا وَ اللهِ، لا تَذْهَبُ الْأَيَّامُ وَ اللَّيَالِي حَتَّى يُحْيِيَ اللهُ الْمَوْتَى، وَ يُمِيتَ الْأَحْيَاءَ، وَ يَرُدَّ اللهُ الْحَقَّ إِلَى أَهْلِهِ، وَ يُقِيمَ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَاهُ لِنَفْسِهِ وَ نَبِيِّهِ، فَأَبْشِرُوا ثُمَّ أَبْشِرُوا ثُمَّ أَبْشِرُوا فَوَ اللهِ، مَا الْحَقُّ إِلّا فِي أَيْدِيكُمْ.

۲ ـ حَمَّادُ بْنُ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ أَيَجْمَعُ النَّاسَ الْمُصَدِّقُ أَمْ يَأْتِيهِمْ عَلَى مَنَاهِلِهِمْ؟

قالَ: لا، بَلْ يَأْتِيهِمْ عَلَى مَنَاهِلِهِمْ فَيُصَدِّقُهُمْ.

برید بن معاویه گوید: سپس امام صادق عليه السلام گریست، آن‌گاه فرمود:

ای برید! نه به خدا! حرمت و حریمی برای خداوند باقی نماند مگر آن‌که شکسته شد و به کتاب خداوند و سنّت پیامبرش در این عالم عمل نشد و حدّی از حدود الهی به این مردم جاری نشد از زمانی که آن امیرمؤمنان علی صلوات الله علیه به شهادت رسید. و تا به امروز به حق عمل نشد.

آن‌گاه فرمود: به خدا سوگند! دنیا به پایان نمی‌رسد مگر آن‌که خداوند مردگان را زنده کند و زندگان را بمیراند و خداوند حق را به اهلش باز گرداند و آن آیینی راکه مورد رضایت اوست و آن را برای خود و پیامبرش پسندیده، اقامه کند، پس بشارت باد، بشارت باد و بشارت باد شما را، به خدا قسم که حق، همان چیزی است که در دست شماست.

۲ ـ محمّد بن مسلم گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدند: مأمور زکات می‌تواند صاحبان دام را دعوت کند، یا باید به آبشخور دام‌ها برود؟

فرمود: نه، بلکه باید به آبشخور دام‌ها برود و زکات فریضه را دریافت کند.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ عليهم السلام أَنَّهُ قَالَ.

لا تُبَاعُ الصَّدَقَةُ حَتَّى تُعْقَلَ.

۴ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ عَلِيٌّ عليه السلام إِذَا بَعَثَ مُصَدِّقَهُ قَالَ لَهُ: إِذَا أَتَيْتَ عَلَى رَبِّ الْمَالِ فَقُلْ لَهُ: تَصَدَّقْ ـ رَحِمَكَ اللهُ ـ مِمَّا أَعْطَاكَ اللهُ، فَإِنْ وَلَّى عَنْكَ فَلا تُرَاجِعْهُ.

۵ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الصَّدَقَةِ.

فَقالَ: إِنَّ ذَلِكَ لا يُقْبَلُ مِنْكَ.

فَقالَ: إِنِّي أُحَمِّلُ ذَلِكَ فِي مَالِي.

---

۳ ـ غياث بن ابراهيم گويد: امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش عليه السلام از على عليه السلام نقل كرد كه حضرتش فرمود:

مأمور زكات نمى‌تواند، شتر صدقه را بفروشد، مگر بعد از آن كه زانوى شتر را ببندد.

۴ ـ غياث بن ابراهيم گويد: امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش عليه السلام نقل كرد كه حضرتش فرمود:

على عليه السلام همواره به مأمور زكات سفارش مى‌كرد: هر گاه بر صاحب دام وارد شدى، بگو: خدايت رحمت كند! زكات دام‌هايت را اداكن. اگر صاحب دام، به راه خود رفت و چيزى نگفت؛ متعرّض مشو.

۵ ـ عبدالرحمان بن حجّاج گويد: محمّد بن خالد از امام صادق عليه السلام دربارهٔ صدقه زكات پرسيد؟

فرمود: آن از تو پذيرفته نمى‌شود.

محمّد بن خالد گفت: من آن را از مال خودم مى‌پردازم؟

فَقالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام: مُرْ مُصَدِّقَكَ أَنْ لا يَحْشُرَ مِنْ مَاءٍ إِلَى مَاءٍ وَ لا يَجْمَعَ بَيْنَ الْمُتَفَرِّقِ وَ لا يُفَرِّقَ بَيْنَ الْمُجْتَمِعِ، وَ إِذَا دَخَلَ الْمَالَ فَلْيَقْسِمِ الْغَنَمَ نِصْفَيْنِ، ثُمَّ يُخَيِّرُ صَاحِبَهَا أَيَّ الْقِسْمَيْنِ شَاءَ، فَإِذَا اخْتَارَ فَلْيَدْفَعْهُ إِلَيْهِ.

فَإِنْ تَتَبَّعَتْ نَفْسُ صَاحِبِ الْغَنَمِ مِنَ النِّصْفِ الآخَرِ مِنْهَا شَاةً أَوْ شَاتَيْنِ أَوْ ثَلاثاً فَلْيَدْفَعْهَا إِلَيْهِ ثُمَّ لْيَأْخُذْ صَدَقَتَهُ، فَإِذَا أَخْرَجَهَا فَلْيَقْسِمْهَا فِيمَنْ يُرِيدُ، فَإِذَا قَامَتْ عَلَى ثَمَنٍ فَإِنْ أَرَادَهَا صَاحِبُهَا فَهُوَ أَحَقُّ بِهَا وَ إِنْ لَمْ يُرِدْهَا فَلْيَبِعْهَا.

٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَخِيهِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه‌السلام عَمَّنْ يَلِي صَدَقَةَ الْعُشْرِ عَلَى مَنْ لا بَأْسَ بِهِ.

امام صادق عليه‌السلام فرمود: به مأمور زکاتت دستور بده که از منزلگاهی به منزلگاه دیگر سرزده نرود و مردم پراکنده را جمع نکند و آن‌هایی راکه جمع هستند، پراکنده نسازد و از کارو زندگی بازشان ندارد [1] و اگر داخل مالی شد برای دریافت زکات آن دارایی را به دو بخش مساوی تقسیم کند و به صاحب آن مال اختیار دهد تا هر کدام از دو بخش را که خواست بپردازد، اگر قسمتی را انتخاب کرد، آن قسمت را به او بدهد، و اگر صاحب مال، در نصف دیگری که تو می‌خواهی برداری، چیزی را دید و خواست ـ مثلاً یک یا دو سه گوسفند را ـ زکات گیرنده آن گوسفندها را به او بدهد آن‌گاه زکات آن را بگیرد، وقتی که زکات آن مال‌ها را بیرون آورد، در بین کسانی که می‌خواهد و مستحق زکات هستند، تقسیم کند.

و اگر مأمور زکات بر کالایی نفیس و گرانبها دست یافت، اگر صاحبش آن را خواست، او به آن کالا سزاوارتر است، و اگر آن را نخواست، مأمور زکات آن را بفروشد و زکاتش را بردارد.

۶ ـ علی بن یقطین گوید: از امام کاظم عليه‌السلام پرسیدم: کسی که در مناطقی مأمور زکات می‌شود، چه تکلیفی دارد؟

۱ ـ در «مرآة العقول» احتمال دیگری نیز داده که مراد این است که بین زکات پراکنده را جمع نکند و آن‌ها را قاطی ننمایند تا مشخص شود چه مقدار زکات از چه کسی جمع شده است و زکاتی راکه جمع شده از هم تمایز نکند؟

فَقالَ: إِنْ كَانَ ثِقَةً فَمُرْهُ يَضَعُهَا فِي مَوَاضِعِهَا وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ ثِقَةً فَخُذْهَا مِنْهُ وَ ضَعْهَا فِي مَوَاضِعِهَا.

۷ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُقَرِّنِ بْنِ عَبْدِ اللهِ بْنِ زَمْعَةَ بْنِ سُبَيْعٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ جَدِّ أَبِيهِ:

أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام كَتَبَ لَهُ فِي كِتَابِهِ الَّذِي كَتَبَ لَهُ بِخَطِّهِ حِينَ بَعَثَهُ عَلَى الصَّدَقَاتِ:

مَنْ بَلَغَتْ عِنْدَهُ مِنَ الْإِبِلِ صَدَقَةُ الْجَذَعَةِ وَ لَيْسَتْ عِنْدَهُ جَذَعَةٌ وَ عِنْدَهُ حِقَّةٌ، فَإِنَّهُ تُقْبَلُ مِنْهُ الْحِقَّةُ وَ يَجْعَلُ مَعَهَا شَاتَيْنِ أَوْ عِشْرِينَ دِرْهَماً، وَ مَنْ بَلَغَتْ عِنْدَهُ صَدَقَةُ الْحِقَّةِ وَ لَيْسَتْ عِنْدَهُ حِقَّةٌ وَ عِنْدَهُ جَذَعَةٌ، فَإِنَّهُ تُقْبَلُ مِنْهُ الْجَذَعَةُ وَ يُعْطِيهِ الْمُصَدِّقُ شَاتَيْنِ أَوْ عِشْرِينَ دِرْهَماً، وَ مَنْ بَلَغَتْ صَدَقَتُهُ حِقَّةً وَ لَيْسَتْ عِنْدَهُ حِقَّةٌ وَ عِنْدَهُ ابْنَةُ لَبُونٍ، فَإِنَّهُ يُقْبَلُ مِنْهُ ابْنَةُ لَبُونٍ وَ يُعْطِي مَعَهَا شَاتَيْنِ أَوْ عِشْرِينَ دِرْهَماً.

فرمود: اگر مورد وثوق و اطمینان است، بگو زکات وصولی را به مستحق آن برساند و اگر مورد وثوق و اطمینان نیست، زکات وصولی را تحویل بگیر و شخصاً به مستحق آن برسان.

۷ـ محمّد بن مقرن از اجدادش نقل می‌کند: امیرمؤمنان علی عليه‌السلام به هنگام فرستادن جد پدری او برای جمع آوری زکات به دست خط خودش نامه‌ای این‌گونه مرقوم فرمود:

اگر به صاحب شترانی زکات جذعه (ماده شتری که چهار سالش تمام شده و وارد سال پنجم شده) واجب شد، ولی جذعه نداشت، و حقّة (ماده شتری که وارد سال چهارم زندگی شده) داشت، عامل دریافت زکات، حقّه را قبول می‌کند و کسی که باید زکات بدهد ما به التفاوت را ۲ گوسفند یا ۲۰ درهم را می‌دهد. و اگر کسی باید زکات حقّه را بدهد، ولی حقّه ندارد و جذعه دارد، جذعه را می‌دهد، و عامل زکات نیز بـه جـای آن، دو رأس گوسفند یا ۲۰ درهم به او می‌دهد. و اگر کسی باید یک حقّه زکات بدهد، ولی حقّه ندارد و «ابنةلبون» (ماده شتری که وارد سال سوم زندگی شده) دارد، آن را می‌دهد و باید به عامل زکات دو رأس گوسفند یا ۲۰ درهم ما به التفاوت بدهد.

وَ مَنْ بَلَغَتْ صَدَقَتُهُ ابْنَةَ لَبُونٍ وَ لَيْسَتْ عِنْدَهُ ابْنَةُ لَبُونٍ وَ عِنْدَهُ حِقَّةٌ، فَإِنَّهُ تُقْبَلُ مِنْهُ الْحِقَّةُ، وَ يُعْطِيهِ الْمُصَدِّقُ شَاتَيْنِ أَوْ عِشْرِينَ دِرْهَماً، وَ مَنْ بَلَغَتْ صَدَقَتُهُ ابْنَةَ لَبُونٍ وَ لَيْسَتْ عِنْدَهُ ابْنَةُ لَبُونٍ وَ عِنْدَهُ ابْنَةُ مَخَاضٍ، فَإِنَّهُ تُقْبَلُ مِنْهُ ابْنَةُ مَخَاضٍ وَ يُعْطِي مَعَهَا شَاتَيْنِ أَوْ عِشْرِينَ دِرْهَماً، وَ مَنْ بَلَغَتْ صَدَقَتُهُ ابْنَةَ مَخَاضٍ وَ لَيْسَتْ عِنْدَهُ ابْنَةُ مَخَاضٍ وَ عِنْدَهُ ابْنَةُ لَبُونٍ، فَإِنَّهُ تُقْبَلُ مِنْهُ ابْنَةُ لَبُونٍ وَ يُعْطِيهِ الْمُصَدِّقُ شَاتَيْنِ أَوْ عِشْرِينَ دِرْهَماً، وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ ابْنَةُ مَخَاضٍ عَلَى وَجْهِهَا وَ عِنْدَهُ ابْنُ لَبُونٍ ذَكَرٌ، فَإِنَّهُ تُقْبَلُ مِنْهُ ابْنُ لَبُونٍ، وَ لَيْسَ مَعَهُ شَيْءٌ وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ مَعَهُ شَيْءٌ إِلَّا أَرْبَعَةٌ مِنَ الْإِبِلِ وَ لَيْسَ لَهُ مَالٌ غَيْرُهَا فَلَيْسَ فِيهَا شَيْءٌ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ رَبُّهَا، فَإِذَا بَلَغَ مَالُهُ خَمْساً مِنَ الْإِبِلِ فَفِيهَا شَاةٌ.

٨ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مَعْمَرٍ قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ الْعُرَنِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي إِسْمَاعِيلُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُهَاجِرٍ عَنْ رَجُلٍ مِنْ ثَقِيفٍ قَالَ:

و اگر کسی زکات ابنةلبون به عهدهٔ اوست، ولی ابنةلبون ندارد و حقّه دارد، حقّه را می‌دهد و عامل زکات نیز باید ۲ رأس گوسفند یا ۲۰ درهم به او ما به التفاوت بدهد. و کسی که زکاتش به حدّ ابنةلبون رسید، ولی «ابنة مخاض»؛ (ماده شتری که وارد ۲ سالگی شده) دارد، همان از او پذیرفته می‌شود و باید به عامل زکات ۲ رأس گوسفند یا ۲۰ درهم مابه التفاوت بدهد. و کسی که باید ابنة مخاض صدقه دهد، ولی ندارد و ابنةلبون دارد، همان را بدهد و به جای آن عامل زکات به او ۲ رأس گوسفند یا ۲۰ درهم نقره می‌دهد.

و کسی که باید ابنةلبون زکات بدهد، ولی ابنة لبون ندارد و به جای آن ابن لبون (شتر نری که وارد ۳ سالگی شده) دارد، همان ابن لبون (نر) از او پذیرفته می‌شود و دیگر نباید چیزی به عامل زکات بدهد.

و کسی که جز ۴ نفر شتر چیز دیگر ندارد و مال دیگری هم ندارد، چیزی از زکات بر عهدهٔ او نیست وهرگاه شترانش به ۵ نفر برسند، در آن صورت یک رأس گوسفند به عنوان زکات می‌پردازد.

۸ ـ مردی از تیرهٔ ثقیف گوید:

اسْتَعْمَلَنِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام عَلَى بَانِقْيَا وَ سَوَادٍ مِنْ سَوَادِ الْكُوفَةِ فَقَالَ لِي وَ النَّاسُ حُضُورٌ:

انْظُرْ خَرَاجَكَ فَجِدَّ فِيهِ وَ لا تَتْرُكْ مِنْهُ دِرْهَماً، فَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَتَوَجَّهَ إِلَى عَمَلِكَ فَمُرَّ بِي.

قَالَ: فَأَتَيْتُهُ فَقَالَ لِي: إِنَّ الَّذِي سَمِعْتَ مِنِّي خُدْعَةٌ، إِيَّاكَ أَنْ تَضْرِبَ مُسْلِماً أَوْ يَهُودِيّاً أَوْ نَصْرَانِيّاً فِي دِرْهَمِ خَرَاجٍ، أَوْ تَبِيعَ دَابَّةَ عَمَلٍ فِي دِرْهَمٍ، فَإِنَّمَا أُمِرْنَا أَنْ نَأْخُذَ مِنْهُمُ الْعَفْوَ.

(۲۳)
بَابُ زَكَاةِ مَالِ الْيَتِيمِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فِي مَالِ الْيَتِيمِ عَلَيْهِ زَكَاةٌ؟

علی بن ابی‌طالب علیه السلام مرا مأمور دریافت زکات از منطقه «بانقیا» و باغستان‌های اطراف کوفه نمود و به من در حضور مردم فرمود:

خراج (زکات) را خوب زیر نظر بگیر و در دریافت آن جدّیت به خرج بده و درهمی از آن را ترک مکن، و زمانی که خواستی راهی مأموریّت خود شوی به نزد من آی.

راوی گوید: وقتی خدمت حضرتش شرف‌یاب شدم به من فرمود:

آن‌چه که از من شنیدی بر سبیل خدعه و تقیّه بود (برای این که مردم اهمیّت زکات را بدانند و آن را ادا کنند) پس مبادا برای دریافت درهمی از زکات، مسلمان یا یهودی و یا مسیحی را بزنی و یا این که حیوانی را که برای کار در نظر گرفته شده بفروشی (و زکات آن را خارج کنی) ما فقط مأموریم که با گذشت و مهربانی، حد وسط زکات را از آنان بگیریم.

بخش بیست و سوّم
زکات مال یتیمان

۱ ـ حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام دربارهٔ مال یتیم سؤال شد که آیا بر آن زکاتی تعلّق می‌گیرد؟

فَقالَ: إِذا كَانَ مَوْضُوعاً فَلَيْسَ عَلَيْهِ زَكَاةٌ، وَ إِذَا عَمِلْتَ بِهِ فَأَنْتَ لَهُ ضَامِنٌ وَ الرِّبْحُ لِلْيَتِيمِ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ وَ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي الْعُطَارِدِ الْخَيَّاطِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: مَالُ الْيَتِيمِ يَكُونُ عِنْدِي فَأَتَّجِرُ بِهِ.

فَقالَ: إِذَا حَرَّكْتَهُ فَعَلَيْكَ زَكَاتُهُ.

قالَ: قُلْتُ: فَإِنِّي أُحَرِّكُهُ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ وَ أَدَعُهُ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ.

قالَ: عَلَيْكَ زَكَاتُهُ.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: هَلْ عَلَى مَالِ الْيَتِيمِ زَكَاةٌ؟

قالَ: لا، إِلَّا أَنْ يُتَّجَرَ بِهِ أَوْ يُعْمَلَ بِهِ.

فرمود: اگر مال یتیم کنار گذاشته شده و با آن کار نمی‌شود، زکاتی بر آن نیست؛ ولی اگر با آن کار می‌کنی تو ضامن زکات آن هستی و سودش نیز از آنِ یتیم است.

۲ ـ ابوالعطارد خیّاط گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: اموال کودکی یتیم نزد من است (آیا زکات دارد؟)

فرمود: اگر آن را به کار ببندی زکاتش بر عهدهٔ توست.

گفتم: هشت ماه با آن کار می‌کنم و چهار ماه کار نمی‌کنم؟

فرمود: زکاتش بر عهدهٔ توست.

۳ ـ محمّد بن مسلم گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: آیا بر مال یتیم زکاتی تعلّق می‌گیرد؟

فرمود: نه مگر آن که با آن تجارت یا کار شود.

٤ ـ حَمَّادُ بْنُ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يَقُولُ:
لَيْسَ عَلَى مَالِ الْيَتِيمِ زَكَاةٌ، وَ إِنْ بَلَغَ الْيَتِيمُ فَلَيْسَ عَلَيْهِ لِمَا مَضَى زَكَاةٌ، وَ لا عَلَيْهِ فِيما بَقِيَ حَتَّى يُدْرِكَ، فَإِذَا أَدْرَكَ فَإِنَّمَا عَلَيْهِ زَكَاةٌ وَاحِدَةٌ، ثُمَّ كَانَ عَلَيْهِ مِثْلُ مَا عَلَى غَيْرِهِ مِنَ النَّاسِ.

٥ ـ حَمَّادُ بْنُ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ أَنَّهُمَا عليهما السلام قَالا:
لَيْسَ عَلَى مَالِ الْيَتِيمِ فِي الدِّينِ وَ الْمَالِ الصَّامِتِ شَيْءٌ، فَأَمَّا الْغَلّاتُ فَعَلَيْهَا الصَّدَقَةُ وَاجِبَةٌ.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ سَعِيدٍ السَّمَّانِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يَقُولُ:
لَيْسَ فِي مَالِ الْيَتِيمِ زَكَاةٌ إِلّا أَنْ يُتَّجَرَ بِهِ، فَإِنِ اتُّجِرَ بِهِ فَالرِّبْحُ لِلْيَتِيمِ، فَإِنْ وُضِعَ فَعَلَى الَّذِي يَتَّجِرُ بِهِ.

---

۴ ـ ابو بصیر گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:
بر مال یتیم زکاتی نیست و اگر زمانی یتیم به سن بلوغ رسید و از یتیم بودن خارج شد، نسبت به آن‌چه که گذشته زکاتی بر عهدهٔ او نیست و نسبت به آنچه که باقی مانده نیز چیزی بر او نیست تا این که درک کند (یعنی صاحب کشاورزی و میوه و کشت شود) پس زمانی که درک کرد، یک زکات بیشتر به او نیست، سپس حکمش (در زکات دادن) مانند افراد دیگر است.

۵ ـ زراره و محمّد بن مسلم گویند: آن دو بزرگوار (امام باقر و امام صادق عليهما السلام) فرمودند:
اموال یتیم، خواه به صورت قرض در اختیار کسی باشد و خواه در صندوق ذخیره باشد، زکات ندارد. ولی اگر مال یتیم، غلّات باشد، زکات دارد.

۶ ـ سعید سمّان گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:
در مال یتیم زکاتی نیست مگر آن که با آن تجارت شود، پس اگر با آن تجارت شد و سود داد، سود آن برای یتیم است و اگر ضرر داد بر عهدهٔ کسی است که با آن مال تجارت کرده است.

۷ـأَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ:

أَرْسَلْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: أَنَّ لِي إِخْوَةً صِغَاراً فَمَتَى تَجِبُ عَلَى أَمْوَالِهِمُ الزَّكَاةُ؟

قالَ: إِذَا وَجَبَتْ عَلَيْهِمُ الصَّلاةُ وَجَبَتِ الزَّكَاةُ.

قُلْتُ: فَمَا لَمْ تَجِبْ عَلَيْهِمُ الصَّلاةُ؟

قالَ: إِذَا اتُّجِرَ بِهِ فَزَكِّهِ.

۸ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ بْنِ الْفُضَيْلِ قَالَ:

كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام أَسْأَلُهُ عَنِ الْوَصِيِّ أَ يُزَكِّي زَكَاةَ الْفِطْرَةِ عَنِ الْيَتَامَى إِذَا كَانَ لَهُمْ مَالٌ؟

قالَ: فَكَتَبَ عليه السلام: لا زَكَاةَ عَلَى يَتِيمٍ.

---

۷ ـ یونس بن یعقوب گوید: برای امام صادق عليه السلام نوشتم: برادران صغیر دارم، کی بر دارایی آنان زکات واجب می‌شود؟

فرمود: هر گاه نماز به آنان واجب شد، زکات نیز واجب می‌شود.

گفتم: تا زمانی که نماز به آن‌ها واجب نشده چه؟

فرمود: اگر با آن اموال تجارت شده، زکات آن را بده.

۸ ـ محمّد بن قاسم بن فضیل گوید: طی نامه‌ای به امام رضا عليه السلام نوشتم: سرپرست ایتام، باید زکات فطرهٔ آنان را بپردازد؟

در پاسخ من نوشت: بر یتیم، زکات واجب نیست.

(۲٤)

بَابُ زَكَاةِ مَالِ الْمَمْلُوكِ وَ الْمُكَاتَبِ وَ الْمَجْنُونِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ:

لَيْسَ فِي مَالِ الْمَمْلُوكِ شَيْءٌ، وَ لَوْ كَانَ لَهُ أَلْفُ أَلْفٍ، وَ لَوِ احْتَاجَ لَمْ يُعْطَ مِنَ الزَّكَاةِ شَيْئاً.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام: امْرَأَةٌ مِنْ أَهْلِنَا مُخْتَلِطَةٌ أَ عَلَيْهَا زَكَاةٌ؟

فَقَالَ: إِنْ كَانَ عُمِلَ بِهِ فَعَلَيْهَا زَكَاةٌ، وَ إِنْ لَمْ يُعْمَلْ بِهِ فَلا.

بخش بیست و چهارم

زکات اموال برده، مکاتب [1] و دیوانه

۱ ـ عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

در اموال برده، زکاتی مقرّر نیست، گرچه یک میلیون داشته باشد، و اگر نیازمند و فقیر گردد، از حق زکات، چیزی به او پرداخت نمی‌شود.

۲ ـ عبدالرحمان بن حجّاج گوید: به امام صادق عليه‌السلام گفتم: زنی از فامیل ما دیوانه شده، آیا بر او زکات است؟

فرمود: اگر با اموال آن زن کار می‌شود، پس بر عهدهٔ آن زن زکات است و گرنه، نه.

---

۱ ـ مکاتب: بنده‌ای است که با مولای خود شرط می‌کند که پولی به او بدهد و خودش را آزاد کند و اگر کم آورد از زکات به مولای او می‌دهند تا او را آزاد کند.

٣ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه‌السلام عَنِ امْرَأَةٍ مُصَابَةٍ وَ لَهَا مَالٌ فِي يَدِ أَخِيهَا هَلْ عَلَيْهِ زَكَاةٌ؟

فَقَالَ: إِنْ كَانَ أَخُوهَا يَتَّجِرُ بِهِ فَعَلَيْهِ زَكَاةٌ.

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ عَنْ عَبْدٍ صَالِحٍ عليه‌السلام مِثْلَهُ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ:

لَيْسَ فِي مَالِ الْمُكَاتَبِ زَكَاةٌ.

٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْخَشَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام مَمْلُوكٌ فِي يَدِهِ مَالٌ أَ عَلَيْهِ زَكَاةٌ؟

---

۳ ـ موسی بن بکر گوید: از اباالحسن عليه‌السلام دربارهٔ زنی که دیوانه شده و اموالش در دست برادرش است سؤال کردم که آیا به آن زکاتی تعلّق می‌گیرد؟

فرمود: اگر برادرش با آن مال تجارت می‌کند، آری.

۴ ـ ابو البختری گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود: در مال مکاتب زکاتی نیست.

۵ ـ عبدالله بن سنان گوید: به امام صادق عليه‌السلام عرض کردم: بنده‌ای مالی در دست دارد؛ آیا به آن زکاتی تعلّق می‌گیرد؟

قالَ: لا.
قُلْتُ: وَ لا عَلَی سَیِّدِهِ؟
قالَ: لا، إِنَّهُ لَمْ یَصِلْ إِلَی سَیِّدِهِ، وَ لَیْسَ هُوَ لِلْمَمْلُوكِ.

(۲۵)
بَابٌ فِیمَا یَأْخُذُ السُّلْطَانُ مِنَ الْخَرَاجِ

۱ ـ عَلِیُّ بْنُ إِبْرَاهِیمَ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَیْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ سُلَیْمانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ علیه السلام یَقُولُ:
إِنَّ أَصْحَابَ أَبِي أَتَوْهُ فَسَأَلُوهُ عَمَّا یَأْخُذُ السُّلْطَانُ، فَرَقَّ لَهُمْ وَ إِنَّهُ لَیَعْلَمُ أَنَّ الزَّکَاةَ لا تَحِلُّ إِلّا لِأَهْلِهَا، فَأَمَرَهُمْ أَنْ یَحْتَسِبُوا بِهِ.
فَجَالَ فِكْرِي ـ وَ اللهِ ـ لَهُمْ فَقُلْتُ لَهُ: یَا أَبَةِ! إِنَّهُمْ إِنْ سَمِعُوا إِذاً لَمْ یُزَكِّ أَحَدٌ.
فَقَالَ: یَا بُنَيَّ! حَقٌّ أَحَبَّ اللهُ أَنْ یُظْهِرَهُ.

فرمود: نه.
گفتم: حتّی بر مولای او نیز زکاتی نیست؟
فرمود: نه. زیرا آن مال به دست آقای آن بنده نرسیده و از طرفی از آنِ بنده نیز نیست.

بخش بیست و پنجم
حکم آن چه که سلطان به عنوان خراج می‌گیرد

۱ ـ سلیمان بن خالد گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:
یاران پدرم امام باقر علیه السلام خدمت حضرتش شرف‌یاب شده و دربارهٔ آن‌چه که سلطان از آن‌ها به عنوان خراج می‌گیرد سؤال کردند.
پدرم با آنان همدردی کرده و دلش به حالشان سوخت، زیرا می‌دانست که زکات جز برای اهلش حلال نیست. پس به آن‌ها دستور داد که به همان بسنده کنند (یعنی همان را به عنوان زکات حساب کنند و دیگر زکاتی به اهلش ندهند).
به خدا سوگند! این حکم فکر مرا مشغول کرد، به پدرم گفتم: پدر جان! اگر آن‌ها (سایر اصحاب) این حکم را بشنوند، دیگر احدی زکات نخواهد داد؟!
فرمود: پسرم! این حقی بود که خداوند دوست داشت که ظاهرش کند.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الْعُشُورِ الَّتِي تُؤْخَذُ مِنَ الرَّجُلِ أَ يَحْتَسِبُ بِهَا مِنْ زَكَاتِهِ؟

قالَ: نَعَمْ، إِنْ شَاءَ.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَرِثُ الْأَرْضَ أَوْ يَشْتَرِيهَا فَيُؤَدِّي خَرَاجَهَا إِلَى السُّلْطَانِ هَلْ عَلَيْهِ عُشْرٌ؟

قالَ: لا.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فِي الزَّكَاةِ فَقال:

---

۲ ـ یعقوب بن شعیب گوید: از امام صادق عليه السلام دربارهٔ عشور (یک دهم اموال که سلطان به عنوان خراج و مالیات از رعیّت می‌گیرد و بیشتر از محصولات کشاورزی است) که از شخصی گرفته می‌شود سؤال کردم که آیا می‌تواند آن را به عنوان زکات حساب کند؟

فرمود: اگر بخواهد، آری.

۳ ـ رفاعة بن موسی گوید: از امام صادق عليه السلام دربارهٔ شخصی که زمینی را به ارث می‌برد یا می‌خرد و خراج و مالیات آن را به سلطان می‌دهد، سؤال کردم که آیا یک دهم زکات برگردن اوست؟

فرمود: نه.

۴ ـ عیص بن قاسم گوید: امام صادق عليه السلام در مورد زکات فرمود:

مَا أَخَذَ مِنْكُمْ بَنُو أُمَيَّةَ فَاحْتَسِبُوا بِهِ، وَ لا تُعْطُوهُمْ شَيْئاً مَا اسْتَطَعْتُمْ، فَإِنَّ الْمَالَ لا يَبْقَى عَلَى هَذَا أَنْ تُزَكِّيَهُ مَرَّتَيْنِ.

٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ مَالِكٍ عَنْ أَبِي قَتَادَةَ عَنْ سَهْلِ بْنِ الْيَسَعِ أَنَّهُ حَيْثُ أَنْشَأَ سَهْلَ آبَادَ وَ سَأَلَ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام عَمَّا يُخْرِجُ مِنْهَا مَا عَلَيْهِ.

فَقَالَ: إِنْ كَانَ السُّلْطَانُ يَأْخُذُ خَرَاجَهَا فَلَيْسَ عَلَيْكَ شَيْءٌ، وَ إِنْ لَمْ يَأْخُذِ السُّلْطَانُ مِنْهَا شَيْئاً فَعَلَيْكَ إِخْرَاجُ عُشْرِ مَا يَكُونُ فِيهَا.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ: مَا أَخَذَهُ مِنْكَ الْعَاشِرُ فَطَرَحَهُ فِي كُوزَةٍ فَهُوَ مِنْ زَكَاتِكَ، وَ مَا لَمْ يَطْرَحْ فِي الْكُوزِ فَلا تَحْتَسِبْهُ مِنْ زَكَاتِكَ.

آن‌چه را که بنوامیّه از شما (به عنوان خراج و مالیات) گرفته‌اند، به همان بسنده کنید (به عنوان زکات حساب کنید) و دیگر تا آن‌جا که می‌توانید چیزی (به عنوان زکات) به آن‌ها ندهید، چرا که اگر زکات مال دو بار داده شود، (چیزی ته آن) باقی نمی‌ماند.

۵ ـ سهل بن یسع ـ زمانی که داشت دهات سهل آباد را بنا می‌کرد ـ از امام کاظم علیه السلام درباره خراج آن سؤال کرد که آیا چه چیزی (از زکات) به آن تعلّق می‌گیرد؟

فرمود: اگر سلطان خراج آن را از تو گرفته، چیزی به عهده تو نیست واگر (به عنوان مالیات) از تو نگرفته، پس بر توست که ده یک آن را بدهی.

۶ ـ سکونی گوید: امام صادق از پدران بزرگوارش علیهم السلام روایت می‌کند که حضرتش فرمود: آن‌چه را که خراج گیرنده از تو می‌گیرد و در کوزه می‌ریزد، پس همان را زکات حساب کن و اگر در کوزه نمی‌ریزد آن را از زکات حساب مکن.

(۲٦)

بَابُ الرَّجُلِ يُخَلِّفُ عِنْدَ أَهْلِهِ مِنَ النَّفَقَةِ مَا يَكُونُ فِي مِثْلِهَا الزَّكَاةُ

۱ ـ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: رَجُلٌ خَلَّفَ عِنْدَ أَهْلِهِ نَفَقَةً أَلْفَيْنِ لِسَنَتَيْنِ عَلَيْهَا زَكَاةٌ؟

قالَ: إِنْ كَانَ شَاهِداً فَعَلَيْهِ زَكَاةٌ، وَ إِنْ كَانَ غَائِباً فَلَيْسَ عَلَيْهِ زَكَاةٌ.

۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

فِي رَجُلٍ وَضَعَ لِعِيَالِهِ أَلْفَ دِرْهَم نَفَقَةً فَحَالَ عَلَيْهَا الْحَوْلُ.

قالَ: إِنْ كَانَ مُقِيماً زَكَّاهُ، وَ إِنْ كَانَ غَائِباً لَمْ يُزَكِّهِ.

بخش بیست و ششم

حکم کسی‌که مخارج خانواده برعهدهٔ اوست و همان مقدار نزد او زکات است

۱ ـ اسحاق بن عمّار گوید: به امام کاظم عليه السلام گفتم: اگر کسی دو هزار درهم برای هزینهٔ دو سال زندگی، به خانواده‌اش بسپارد، بعد از گذشت یک سال زکات دارد؟

فرمود: اگر او در کنار خانواده‌اش حاضر باشد، زکات دارد، اگر در سفر باشد، زکات ندارد.

۲ ـ ابن ابی عمیر از یکی از اصحابش نقل می‌کند که امام صادق عليه السلام دربارهٔ مردی که ۱۰۰۰ درهم نقره برای نفقه خانواده‌اش قرار می‌دهد و سال بر آن می‌گذرد، فرمود:

اگر آن مرد مقیم است (وبا خانواده‌اش زندگی می‌کند وبه مسافرت نرفته) زکات آن را می‌دهد و اگر غایب است، زکات آن را نمی‌دهد.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: الرَّجُلُ يُخَلِّفُ لِأَهْلِهِ ثَلاثَةَ آلافِ دِرْهَمٍ نَفَقَةَ سَنَتَيْنِ عَلَيْهِ زَكَاةٌ؟

قالَ: إِنْ كَانَ شَاهِداً فَعَلَيْهَا زَكَاةٌ، وَ إِنْ كَانَ غَائِباً فَلَيْسَ فِيهَا شَيْءٌ.

(۲۷)

بَابُ الرَّجُلِ يُعْطِي مِنْ زَكَاةٍ مَنْ يَظُنُّ أَنَّهُ مُعْسِرٌ ثُمَّ يَجِدُهُ مُوسِراً

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمانَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

فِي رَجُلٍ يُعْطِي زَكَاةَ مَالِهِ رَجُلاً وَ هُوَ يَرَى أَنَّهُ مُعْسِرٌ فَوَجَدَهُ مُوسِراً.

قالَ: لا يُجْزِئُ عَنْهُ.

---

۳ ـ ابوبصیر گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: اگر کسی سه هزار درهم برای هزینهٔ دو سال زندگی خانواده‌اش کنار بگذارد، آیا باید زکات آن را بپردازد؟

فرمود: اگر در وطن بماند و با خانواده‌اش زندگی کند، زکات دارد، و اگر به سفر برود، زکات ندارد.

بخش بیست و هفتم
حکم شخصی که به گمان خود به تنگدستی زکات می‌پردازد، آن‌گاه معلوم می‌شود که ثروتمند بود

۱ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام دربارهٔ شخصی که زکات مالش را به فردی که به پندارش تنگدست است می‌دهد، ولی بعداً می‌فهمد که ثروتمند بوده، فرمود:

از زکات کفایت نمی‌کند (باید زکات آن مال را به مستمند و فقیر مستحقّ زکات بدهد).

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْأَحْوَلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

فِي رَجُلٍ عَجَّلَ زَكَاةَ مَالِهِ ثُمَّ أَيْسَرَ الْمُعْطَى قَبْلَ رَأْسِ السَّنَةِ.

قالَ: يُعِيدُ الْمُعْطِي الزَّكَاةَ.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ اللهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَشْرَكَ بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ وَ الْفُقَرَاءِ فِي الْأَمْوَالِ، فَلَيْسَ لَهُمْ أَنْ يَصْرِفُوا إِلَى غَيْرِ شُرَكَائِهِمْ.

---

۲ ـ احول گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: اگر کسی زکات اموالش را پیش از وقت، به مستحق فقیری بپردازد تا در پایان سال و موعد تسجیل، بابت زکات فریضه محسوب کند، ولی در آخر سال ببیند که آن فقیر، مستغنی و بی‌نیاز گشته تکلیف او چیست؟

فرمود: باید زکات اموالش را از سر بپردازد.

۳ ـ ابی المغرا گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

خداوند تبارک و تعالی با مقررات زکات، بین ثروتمندان و مستمندان شرکتی مقرر کرده است، از این رو، ثروتمندان نمی‌توانند حق شرکت را به سوی دیگران سوق دهند.

(۲۸)
بَابُ الزَّكَاةِ لا تُعْطَى غَيْرَ أَهْلِ الْوَلايَةِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ وَ بُكَيْرٍ وَ الْفُضَيْلِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ بُرَيْدٍ الْعِجْلِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليهما السلام أَنَّهُمَا قَالا: فِي الرَّجُلِ يَكُونُ فِي بَعْضِ هَذِهِ الْأَهْوَاءِ الْحَرُورِيَّةِ وَ الْمُرْجِئَةِ وَ الْعُثْمَانِيَّةِ وَ الْقَدَرِيَّةِ، ثُمَّ يَتُوبُ وَ يَعْرِفُ هَذَا الْأَمْرَ وَ يُحْسِنُ رَأْيَهُ أَيُعِيدُ كُلَّ صَلاةٍ صَلّاهَا أَوْ صَوْمٍ أَوْ زَكَاةٍ أَوْ حَجٍّ أَوْ لَيْسَ عَلَيْهِ إِعَادَةُ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ؟

قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ إِعَادَةُ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ غَيْرِ الزَّكَاةِ لا بُدَّ أَنْ يُؤَدِّيَهَا، لِأَنَّهُ وَضَعَ الزَّكَاةَ فِي غَيْرِ مَوْضِعِهَا وَ إِنَّمَا مَوْضِعُهَا، أَهْلُ الْوَلايَةِ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يَقُولُ:

بخش بیست و هشتم
زکات را فقط باید به اهل ولایت پرداخت

۱ ـ زراره، بکیر، فضیل، محمّدبن مسلم و برید عجلی گویند: به امام باقر و امام صادق علیهما السلام گفتیم: اگر کسی به مذهب خوارج، مرجئه، عثمانیه، قدریّه ملحق شود و بعد توبه کند و امر امامت را با اعتقاد کامل بشناسد، آیا بعد از پذیرش ولایت، باید نمازها، روزه‌ها، زکات و حجّی که به جا آورده، همه را تجدید کند؟

فرمودند: هیچ یک از عبادت‌های گذشته را تجدید نمی‌کند مگر زکات فریضه که باید مجدداً پرداخت کند، زیرا زکات را به کسی پرداخته که اهلیّت آن را نداشته است. زکات فریضه فقط به اهل ولایت پرداخت می‌شود.

۲ ـ عبیدبن زراره گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

مَا مِنْ رَجُلٍ يَمْنَعُ دِرْهَماً مِنْ حَقٍّ إِلّا أَنْفَقَ اثْنَيْنِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ وَ مَا مِنْ رَجُلٍ مَنَعَ حَقّاً فِي مَالِهِ إِلّا طَوَّقَهُ اللهُ بِهِ حَيَّةً مِنْ نَارٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

قَالَ: قُلْتُ لَهُ: رَجُلٌ عَارِفٌ أَدَّى زَكَاتَهُ إِلَى غَيْرِ أَهْلِهَا زَمَاناً هَلْ عَلَيْهِ أَنْ يُؤَدِّيَهَا ثَانِياً إِلَى أَهْلِهَا إِذَا عَلِمَهُمْ؟

قالَ: نَعَمْ.

قالَ: قُلْتُ: فَإِنْ لَمْ يَعْرِفْ لَهَا أَهْلاً فَلَمْ يُؤَدِّهَا أَوْ لَمْ يَعْلَمْ أَنَّهَا عَلَيْهِ فَعَلِمَ بَعْدَ ذَلِكَ.

قالَ: يُؤَدِّيهَا إِلَى أَهْلِهَا لِمَا مَضَى.

قالَ: قُلْتُ لَهُ: فَإِنَّهُ لَمْ يَعْلَمْ أَهْلَهَا فَدَفَعَهَا إِلَى مَنْ لَيْسَ هُوَ لَهَا بِأَهْلٍ، وَ قَدْ كَانَ طَلَبَ وَ اجْتَهَدَ ثُمَّ عَلِمَ بَعْدَ ذَلِكَ سُوءَ مَا صَنَعَ.

قالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ أَنْ يُؤَدِّيَهَا مَرَّةً أُخْرَى.

وَ عَنْ زُرَارَةَ مِثْلَهُ غَيْرَ أَنَّهُ قَالَ: إِنِ اجْتَهَدَ فَقَدْ بَرِئَ، وَ إِنْ قَصَّرَ فِي الاِجْتِهَادِ فِي الطَّلَبِ فَلا.

هر کس یک درهم از حق زکات را نپردازد، دو درهم را در راه ناحق تلف خواهد کرد. کسی که زکات فریضه را نپردازد، خداوندﷻ در روز رستاخیز حلقهٔ آتشینی چـون مـار، برگردن او می‌پیچد.

گفتم: اگر کسی از شیعیان و عارفان به شما، مدت‌ها زکات اموالش را به سایرین پرداخته باشد، آیا باید زکات پرداخته را تجدید کند و به اهل ولایت بپردازد؟

فرمود: آری.

گفتم: اگر افراد ولایت را نشناخته باشد و در نتیجه زکات اموالش را نگه داشته باشد و یا از تعلّق زکات بی‌خبر بوده و اینک متوجّه شده باشد، تکلیف او چیست؟

فرمود: هم اینک زکات عقب افتاده را به افراد ولایی بپردازد.

گفتم: اگر به جست وجوی افراد ولایی برخـاسته بـاشد، ولی چـون افـراد ولایـی را نمی‌شناخته از روی اشتباه زکات خود را به سایرین پرداخته باشد، تکلیف او چیست؟

فرمود: اگر در جست وجوی افراد ولایی تلاش کرده لازم نیست که یک نوبت دیگر زکات بدهد، و اگر تلاش نکرده باید زکات اموالش را مجدداً بپردازد.

زراره نظیر این روایت را نقل می‌کند و می‌افزاید: حضرتش فرمود: اگر تلاش کرده، لازم نیست و اگر در تلاش در جست وجو کوتاهی کرده باید زکات را بپردازد.

۳ ـ حَمَّادُ بْنُ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ الصَّدَقَةَ وَ الزَّكَاةَ لا يُحَابَى بِهَا قَرِيبٌ وَ لَمْ يُمْنَعْهَا بَعِيدٌ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ قَالَ:

قَالَ لِي شِهَابُ بْنُ عَبْدِ رَبِّهِ: أَقْرِئْ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِّي السَّلامَ وَ أَعْلِمْهُ أَنَّهُ يُصِيبُنِي فَزَعٌ فِي مَنَامِي.

قالَ: فَقُلْتُ لَهُ: إِنَّ شِهَاباً يُقْرِئُكَ السَّلامَ وَ يَقُولُ لَكَ: إِنَّهُ يُصِيبُنِي فَزَعٌ فِي مَنَامِي.

قالَ: قُلْ لَهُ: فَلْيُزَكِّ مَالَهُ.

قالَ: فَأَبْلَغْتُ شِهَاباً ذَلِكَ.

فَقالَ لِي: فَتُبْلِغُهُ عَنِّي؟

فَقُلْتُ: نَعَمْ.

---

۳ ـ محمّد بن مسلم گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

در پرداخت زکات، نبايد به انتظار خويشان و نزديکان نشست و از بيگانگان دريغ کرد.

۴ ـ وليد بن صبيح گويد: شهاب بن عبدربّه به من گفت: سلام مرا به امام صادق عليه السلام برسان و به ايشان بگو که من دچار پريشان خوابی و آشفته خوابی شده‌ام (و در خواب کابوس می‌بينم).

وليد گويد: به امام عليه السلام پيام شهاب را رساندم.

امام عليه السلام فرمود: به شهاب بگو که زکات مالش را بدهد.

وليد گويد: پيام امام عليه السلام را به شهاب رساندم.

شهاب گفت: آيا جواب مرا به امام عليه السلام می‌رسانی؟

گفتم: آری.

فَقالَ: قُلْ لَهُ: إِنَّ الصِّبْيَانَ ـ فَضْلاً عَنِ الرِّجَالِ ـ لَيَعْلَمُونَ أَنِّي أُزَكِّي مَالِي.

قالَ: فَأَبْلَغْتُهُ.

فَقالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام: قُلْ لَهُ: إِنَّكَ تُخْرِجُهَا وَ لا تَضَعُهَا فِي مَوَاضِعِهَا.

۵ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ قَالَ: كَتَبَ إِلَيَّ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

أَنَّ كُلَّ عَمَلٍ عَمِلَهُ النَّاصِبُ فِي حَالِ ضَلالِهِ أَوْ حَالِ نَصْبِهِ ثُمَّ مَنَّ اللهُ عَلَيْهِ وَ عَرَّفَهُ هَذَا الْأَمْرَ، فَإِنَّهُ يُؤْجَرُ عَلَيْهِ وَ يُكْتَبُ لَهُ إِلّا الزَّكَاةَ، فَإِنَّهُ يُعِيدُهَا، لِأَنَّهُ وَضَعَهَا فِي غَيْرِ مَوْضِعِهَا، وَ إِنَّمَا مَوْضِعُهَا أَهْلُ الْوَلايَةِ، وَ أَمَّا الصَّلاةُ وَ الصَّوْمُ فَلَيْسَ عَلَيْهِ قَضَاؤُهُمَا.

٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ سَعْدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الزَّكَاةِ هَلْ تُوضَعُ فِيمَنْ لا يَعْرِفُ؟

قالَ: لا، وَ لا زَكَاةُ الْفِطْرَةِ.

گفت: پس به امام عليه السلام بگو: بچّه‌ها ـ چه رسد به مردها ـ می‌دانند که من زکات مالم را می‌دهم.

ولید گوید: من پیام شهاب را به امام عليه السلام رساندم.

امام عليه السلام فرمود: به شهاب بگو: درست است که تو زکات مالت را می‌پردازی، ولی آن را به اهلش نمی‌پردازی.

۵ ـ ابن اذینه گوید: امام صادق عليه السلام طی نامه‌ای به من نوشت:

هر عبادتی را ناصبی در حال ضلالت و گمراهی یا در حال عناد با مکتب حق به جا آورده باشند، بعد از شناخت و معرفت، به اجر و پاداش آن می‌رسد، جز زکات فریضه که باید مجدداً بپردازد، زیرا زکات فریضه را به نااهلان پرداخته است. اهل زکات، فقط عارفان به مقام ولایت می‌باشند. ولی نماز و روزه قضا ندارند.

۶ ـ اسماعیل بن سعد اشعری گوید: به امام رضا عليه السلام گفتم: از زکات فریضه می‌توانم به افراد غیر ولایی بپردازم؟

فرمود: نه و نه از زکات فطره.

(۲۹)
بَابُ قَضَاءِ الزَّكَاةِ عَنِ الْمَيِّتِ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبَّادِ بْنِ صُهَيْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

فِي رَجُلٍ فَرَّطَ فِي إِخْرَاجِ زَكَاتِهِ فِي حَيَاتِهِ، فَلَمَّا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ حَسَبَ جَمِيعَ مَا كَانَ فَرَّطَ فِيهِ مِمَّا لَزِمَهُ مِنَ الزَّكَاةِ، ثُمَّ أَوْصَى بِهِ أَنْ يُخْرَجَ ذَلِكَ فَيُدْفَعَ إِلَى مَنْ يَجِبُ لَهُ.

قَالَ: جَائِزٌ يُخْرَجُ ذَلِكَ مِنْ جَمِيعِ الْمَالِ، إِنَّمَا هُوَ بِمَنْزِلَةِ دَيْنٍ لَوْ كَانَ عَلَيْهِ لَيْسَ لِلْوَرَثَةِ شَيْءٌ حَتَّى يُؤَدُّوا مَا أَوْصَى بِهِ مِنَ الزَّكَاةِ.

۲ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: رَجُلٌ لَمْ يُزَكِّ مَالَهُ فَأَخْرَجَ زَكَاتَهُ عِنْدَ مَوْتِهِ، فَأَدَّاهَا كَانَ ذَلِكَ يُجْزِئُ عَنْهُ؟

بخش بیست و نهم
پرداخت زکات از جانب مرده

۱ ـ عبادبن صهیب گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: اگر کسی در پرداخت زکات فریضه کوتاهی کرده باشد، آیا می‌تواند به هنگام مرگ، زکات عقب افتاده را محاسبه کند و به وصیّ خود دستور بدهد تا بدهی زکات را از ماترک او جدا کنند و به اهل آن برسانند؟

فرمود: آری، جایز است؛ زکات‌های عقب افتاده از مجموع اموال او خارج می‌گردد. زکات فریضه مانند قرض است که اگر مقروض باشد، باید از مجموع اموال او پرداخته شود. ورثه به اموال او حقّی ندارند، مگر موقعی که حق زکات را از ماترک او پرداخته باشند.

۲ ـ زراره گوید: به امام باقر عليه السلام گفتم: کسی که در پرداخت زکات کوتاهی کرده باشد و در هنگام مرگ، مقدار زکات را محاسبه کند و بپردازد، کفایت خواهد کرد؟

قالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: فَإِنْ أَوْصى بِوَصِيَّةٍ مِنْ ثُلُثِهِ وَ لَمْ يَكُنْ زَكَّى أَيُجْزِئُ عَنْهُ مِنْ زَكَاتِهِ؟

قالَ: نَعَمْ، يُحْسَبُ لَهُ زَكَاةٌ وَ لا تَكُونُ لَهُ نَافِلَةٌ وَ عَلَيْهِ فَرِيضَةٌ.

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ شُعَيْبٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: إِنَّ عَلَى أَخِي زَكَاةً كَثِيرَةً فَأَقْضِيهَا أَوْ أُؤَدِّيهَا عَنْهُ.

فَقالَ لِي: وَ كَيْفَ لَكَ بِذَلِكَ؟

قُلْتُ: أَحْتَاطُ.

قالَ: نَعَمْ، إِذاً تُفَرِّجَ عَنْهُ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: رَجُلٌ يَمُوتُ وَ عَلَيْهِ خَمْسُ مِائَةِ دِرْهَمٍ مِنَ الزَّكَاةِ وَ عَلَيْهِ حَجَّةُ الْإِسْلامِ وَ تَرَكَ ثَلاثَمِائَةِ دِرْهَمٍ فَأَوْصى بِحَجَّةِ الْإِسْلامِ وَ أَنْ يُقْضَى عَنْهُ دَيْنُ الزَّكَاةِ.

قالَ: يُحَجُّ عَنْهُ مِنْ أَقْرَبِ مَا يَكُونُ وَ يُخْرَجُ الْبَقِيَّةُ فِي الزَّكَاةِ.

فرمود: آری، کفایت خواهد کرد.

گفتم: اگر وصیّت کند که قسمتی از ثلث اموالش را به فقرا بدهند، آیا در عوض زکات او محسوب خواهد شد؟

فرمود: آری، برای او زکات محسوب می‌شود وبا وجود بدهکاری زکات واجب، پرداختی او را به حساب مستحبی نمی‌گذارند.

۳ ـ شعیب گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: مقدار زیادی زکات فریضه بر عهدهٔ برادرم باقی است. آیا می‌توانم بدهی او را بپردازم؟

فرمود: چه گونه مقدار آن را مشخص می‌کنی؟

گفتم: احتیاط می‌کنم.

فرمود: آری. این کار را بکن که او را از گرفتاری عذاب رها خواهی ساخت.

۴ ـ معاویة بن عمّار گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: اگر کسی بمیرد و پانصد درهم زکات فریضه بر گردن او باشد و حج فریضه را هم به جا نیاورده باشد و با این که ماترک او سیصد درهم می‌شود، وصیّت کرده باشد تا به نیابت او حج بروند و بدهی زکات او را بپردازند. تکلیف چه خواهد بود؟

فرمود: از نزدیک‌ترین میقات، برای او نایب بگیرند وبقیهٔ ماترک را بابت زکات به مصرف برسانند.

۵ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام:

رَجُلٌ مَاتَ وَ عَلَيْهِ زَكَاةٌ وَ أَوْصَى أَنْ تُقْضَى عَنْهُ الزَّكَاةُ وَ وُلْدُهُ مَحَاوِيجُ إِنْ دَفَعُوهَا أَضَرَّ ذَلِكَ بِهِمْ ضَرَراً شَدِيداً.

فَقَالَ: يُخْرِجُونَهَا فَيَعُودُونَ بِهَا عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ يُخْرِجُونَ مِنْهَا شَيْئاً فَيُدْفَعُ إِلَى غَيْرِهِمْ.

(۳۰)
بَابُ أَقَلِّ مَا يُعْطَى مِنَ الزَّكَاةِ وَ أَكْثَرَ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي وَلَّادٍ الْحَنَّاطِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

---

۵ ـ علی بن یقطین گوید: به امام کاظم عليه السلام گفتم: پدر خانواده می‌میرد و مقداری حق زکات بر گردن او باقی است، وصیّت می‌کند که حق زکات را از اموال او بپردازند. امّا فرزندان او فقیر و محتاجند و اگر حق زکات را از ماترک پدر بپردازند، از نظر زندگی تحت فشار واقع می‌شوند، تکلیف آنان چیست؟

فرمود: حق زکات را از مال او خارج می‌کنند و به عنوان زکات بین خود تقسیم می‌کنند و قسمتی را به سایر فقرا می‌دهند.

بخش سی‌ام
کمترین و بیشترین مبلغ پرداختی از زکات

۱ ـ ابو ولّاد حنّاد گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

لا يُعْطَى أَحَدٌ مِنَ الزَّكَاةِ أَقَلَّ مِنْ خَمْسَةِ دَرَاهِمَ وَ هُوَ أَقَلُّ مَا فَرَضَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ الزَّكَاةِ فِي أَمْوَالِ الْمُسْلِمِينَ، فَلا يُعْطُوا أَحَداً مِنَ الزَّكَاةِ أَقَلَّ مِنْ خَمْسَةِ دَرَاهِمَ فَصَاعِداً.

۲ ـ وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عُتْبَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه‌السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: أُعْطِي الرَّجُلَ مِنَ الزَّكَاةِ ثَمَانِينَ دِرْهَماً؟

قالَ: نَعَمْ وَ زِدْهُ.

قُلْتُ: أُعْطِيهِ مِائَةً؟

قالَ: نَعَمْ، وَ أَغْنِهِ إِنْ قَدَرْتَ أَنْ تُغْنِيَهُ.

۳ ـ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام أَنَّهُ سُئِلَ كَمْ يُعْطَى الرَّجُلُ مِنَ الزَّكَاةِ؟

از بابت زکات فریضه به هیچ فقیری نباید کمتر از پنج درهم پرداخت شود. پنج درهم، کمترین مبلغی است که خداوند عزّوجلّ به عنوان زکات فریضه مقرّر کرده است. از این رو به هیچ مستمندی کمتر از پنج درهم بابت زکات فریضه ندهید، بیشتر از پنج درهم مانعی ندارد.

۲ ـ اسحاق بن عمّار گوید: به امام کاظم علیه‌السلام گفتم: بابت زکات می‌توانم، به یک نفر هشتاد درهم بدهم؟

فرمود: آری، و زیادتر بده.

گفتم: صددرهم بدهم؟

فرمود: آری و اگر می‌توانی چندان بده که او را بی‌نیاز کنی.

۳ ـ عمّار بن موسی گوید: از امام صادق علیه‌السلام سؤال شد: انسان چقدر زکات بدهد؟

قالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: إِذَا أَعْطَيْتَ فَأَغْنِه.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ غَزْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

تُعْطِيهِ مِنَ الزَّكَاةِ حَتَّى تُغْنِيَهُ.

(٣١)

بَابُ أَنَّهُ يُعْطَى عِيَالُ الْمُؤْمِنِ مِنَ الزَّكَاةِ إِذَا كَانُوا صِغَاراً وَ يُقْضَى عَنِ الْمُؤْمِنِينَ الدُّيُونُ مِنَ الزَّكَاةِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: الرَّجُلُ يَمُوتُ وَ يَتْرُكُ الْعِيَالَ أَ يُعْطَوْنَ مِنَ الزَّكَاةِ؟ قالَ: نَعَمْ، حَتَّى يَنْشَؤا وَ يَبْلُغُوا وَ يَسْأَلُوا مِنْ أَيْنَ كَانُوا يَعِيشُونَ إِذَا قُطِعَ ذَلِكَ عَنْهُمْ. فَقُلتُ: إِنَّهُمْ لا يَعْرِفُونَ.

امام باقر عليه السلام فرمود: زمانی که زکات به فقیر می‌دهی، آنقدر بده که او را بی‌نیاز سازی.

۴ ـ سعید بن غزوان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

از بابت زکات می‌توانی چندان بدهی که فقیر مستمند را مستغنی و بی‌نیاز کنی.

بخش سی و یکم

پرداخت هزینه خانواده صغیر مؤمن و بدهی مؤمنان از زکات

۱ ـ ابو بصیر گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: اگر یکی از شیعیان بمیرد و فرزندانی فقیر و مستمند باقی بگذارد، آیا می‌توان از زکات به آنان چیزی داد؟

فرمود: آری، تا موقعی که فرزندانش رشد کنند و به حدّ بلوغ برسند و بپرسند: تاکنون از چه راهی مخارج آنان تأمین بوده است؟

گفتم: فرزندان او شیعه نیستند که مقام امامت را بشناسند.

قالَ: يُحْفَظُ فِيهِمْ مَيِّتُهُمْ وَ يُحَبَّبُ إِلَيْهِمْ دِينُ أَبِيهِمْ فَلا يَلْبَثُوا أَنْ يَهْتَمُّوا بِدِينِ أَبِيهِمْ، فَإِذَا بَلَغُوا وَ عَدَلُوا إِلَى غَيْرِكُمْ فَلا تُعْطُوهُمْ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمانِ بْنِ الْحَجَّاجِ قالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ عَارِفٍ فَاضِلٍ تُوُفِّيَ وَ تَرَكَ عَلَيْهِ دَيْناً قَدِ ابْتُلِيَ بِهِ لَمْ يَكُنْ بِمُفْسِدٍ وَ لا بِمُسْرِفٍ وَ لا مَعْرُوفٍ بِالْمَسْأَلَةِ، هَلْ يُقْضَى عَنْهُ مِنَ الزَّكَاةِ الْأَلْفُ وَ الْأَلْفَانِ؟

قالَ: نَعَمْ.

۳ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِذٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ

ذُرِّيَّةُ الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ إِذَا مَاتَ يُعْطَوْنَ مِنَ الزَّكَاةِ وَ الْفِطْرَةِ كَمَا كَانَ يُعْطَى أَبُوهُمْ حَتَّى يَبْلُغُوا، فَإِذَا بَلَغُوا وَ عَرَفُوا مَا كَانَ أَبُوهُمْ يَعْرِفُ أُعْطُوا، وَ إِنْ نَصَبُوا لَمْ يُعْطَوْا.

فرمود: با تأمین مخارج آنان، حق پدرشان رعایت می‌شود و مذهب پدرشان محبوب و متین جلوه‌گر می‌شود، و چه بسا دیری نپایند که به مذهب پدر اهتمام ورزند. اگر بعد از بلوغ شرعی به سایر مذاهب گرویدند، دیگر از بابت زکات به آنان چیزی مدهید.

۲ ـ عبدالرحمان بن حجّاج گوید: به ابوالحسن امام کاظم علیه السلام گفتم: مردی شیعه و عارف و فاضل به رحمت خدا پیوسته و قرض کلانی به گردن او مانده؛ او اهل فساد و اسراف نبوده و گدایی نمی‌کرده، آیا می‌توانیم یک هزار و دو هزار، قرض او را از بابت زکات بپردازیم؟

فرمود: آری .

۳ ـ ابو خدیجه گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

اگر مرد مسلمان (شیعه و موالی اهل بیت علیهم السلام) بمیرد، به فرزندانش از زکات و فطره پرداخت می‌شود؛ همان‌گونه که به پدرشان پرداخت می‌شد، تا این که بالغ شوند و بفهمند و بدانند آن‌چه را که پدرشان می‌دانست (از ولایت اهل بیت علیهم السلام) که باز پرداخت می‌شود، ولی اگر ناصبی شدند (ولایت اهل بیت علیهم السلام را نپذیرفتند و دشمن اهل بیت و یاران ایشان شدند) دیگر زکات و فطره به آن‌ها تعلق نمی‌گیرد و پرداخت نمی‌شود.

(۳۲)

بَابُ تَفْضِيلِ أَهْلِ الزَّكَاةِ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ عُتَيْبَةَ بْنِ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَجْلانَ السَّكُونِيِّ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: إِنِّي رُبَّمَا قَسَمْتُ الشَّيْءَ بَيْنَ أَصْحَابِي أَصِلُهُمْ بِهِ فَكَيْفَ أُعْطِيهِمْ؟

فَقَالَ: أَعْطِهِمْ عَلَى الْهِجْرَةِ فِي الدِّينِ وَ الْعَقْلِ وَ الْفِقْهِ.

۲ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ جَمِيعاً عَنْ عَبْدِ الرَّحْمانِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الزَّكَاةِ أَيُفَضَّلُ بَعْضُ مَنْ يُعْطَى مِمَّنْ لا يَسْأَلُ عَلَى غَيْرِهِ؟ قالَ: نَعَمْ، يُفَضَّلُ الَّذِي لا يَسْأَلُ عَلَى الَّذِي يَسْأَلُ.

بخش سی و دوم

اولويّت برخی از زکات دريافت كنندگان بر ديگران

۱ ـ عبدالله بن عجلان سکونی گوید: به امام باقر عليه السلام گفتم: گاهی من چیزی (پول، جنس، طعام) را بین دوستان تقسیم می‌کنم و با این کار به آن‌ها رسیدگی می‌نمایم، بفرمایید طبق چه ملاکی این را تقسیم بکنم؟

فرمود: به ایشان بر اساس هجرت در راه دین خداوند و نیز بر اساس عقل و فقه (علم حلال و حرام) عطا کن.

۲ ـ عبدالرحمان بن حجّاج گوید: از ابوالحسن امام کاظم عليه السلام دربارهٔ زکات سؤال کردم که آیا (هنگام تقسیم و پرداخت آن) کسانی که درخواست دریافت زکات نکرده‌اند بر دیگران مقدم هستند؟

فرمود: آری، کسی که درخواست نکرده بر کسی که درخواست کرده مقدم است.

۳ـ عَلِيُّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمانَ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

إِنَّ صَدَقَةَ الْخُفِّ وَ الظِّلْفِ تُدْفَعُ إِلَى الْمُتَجَمِّلِينَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، فَأَمَّا صَدَقَةُ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ مَا كِيلَ بِالْقَفِيزِ مِمَّا أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ فَلِلْفُقَرَاءِ الْمُدْقِعِينَ.

قالَ ابْنُ سِنَانٍ: قُلْتُ: وَ كَيْفَ صَارَ هَذَا كَذَا؟

فَقالَ: لِأَنَّ هَؤُلاءِ مُتَجَمِّلُونَ يَسْتَحْيُونَ مِنَ النَّاسِ فَيُدْفَعُ إِلَيْهِمْ أَجْمَلُ الْأَمْرَيْنِ عِنْدَ النَّاسِ وَ كُلٌّ صَدَقَةٌ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: الرَّجُلُ يُعْطِي الْأَلْفَ الدِّرْهَمِ مِنَ الزَّكَاةِ فَيَقْسِمُهَا فَيُحَدِّثُ نَفْسَهُ أَنْ يُعْطِيَ الرَّجُلَ مِنْهَا ثُمَّ يَبْدُو لَهُ وَ يَعْزِلُهُ وَ يُعْطِي غَيْرَهُ؟

قالَ: لا بَأْسَ بِهِ.

---

۳ ـ عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

صدقهٔ (زکات) شتر و گاو (چهارپایان) به آراستگان از مسلمانان پرداخت می‌شود و صدقه زکات طلا و نقره و هر آن‌چه که از زمین می‌روید وآن‌چه با قفیز (نوعی پیمانهٔ عراقی) پیمانه می‌شود برای مستمندان و بیچارگان که دچار فقر شدید هستند در نظر گرفته می‌شود.

عبدالله گوید: گفتم: چگونه و به چه علّت این چنین می‌شود؟

فرمود: زیرا آراستگان آبرومندان از مردم خجالت و شرم دارند. پس زیباترین آن دو (زکات چهارپایان و زکات طلا و نقره و محصولات کشاورزی) در نزد مردم به آن‌ها پرداخت می‌شود، حال آن همه این‌ها صدقه (زکات) هستند.

۴ ـ علی ابن ابی حمزه گوید: به امام کاظم عليه السلام عرض کردم: به شخصی ۱۰۰۰ درهم زکات داده می‌شود تا آن‌ها را تقسیم کند، او در دل خود می‌گوید که مقداری از آن را به فلان شخصی بدهم، پس برای او روشن می‌شود که او مستحق زکات نیست. از دادن زکات به او منصرف شده و به کسی دیگر می‌دهد (حکم این مسئله چیست؟)

فرمود: اشکالی در آن نیست.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ عَنْبَسَةَ بْنِ مُصْعَبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

أُتِيَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله بِشَيْءٍ فَقَسَمَهُ فَلَمْ يَسَعْ أَهْلَ الصُّفَّةِ جَمِيعاً فَخَصَّ بِهِ أُنَاساً مِنْهُمْ، فَخَافَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله أَنْ يَكُونَ قَدْ دَخَلَ قُلُوبَ الآخَرِينَ شَيْءٌ فَخَرَجَ إِلَيْهِمْ.

فَقَالَ: مَعْذِرَةً إِلَى اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِلَيْكُمْ ـ يَا أَهْلَ الصُّفَّةِ! ـ إِنَّا أُوتِينَا بِشَيْءٍ فَأَرَدْنَا أَنْ نَقْسِمَهُ بَيْنَكُمْ، فَلَمْ يَسَعْكُمْ فَخَصَصْتُ بِهِ أُنَاساً مِنْكُمْ خَشِينَا جَزَعَهُمْ وَ هَلَعَهُمْ.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام ـ أَوْ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام ـ.

فِي الرَّجُلِ يَأْخُذُ الشَّيْءَ لِلرَّجُلِ ثُمَّ يَبْدُو لَهُ فَيَجْعَلُهُ لِغَيْرِهِ.

قَالَ: لا بَأْسَ.

---

۵ ـ عنبسة بن مصعب گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

چیزی (مال، طعام، لباس...) برای پیامبر صلى الله عليه وآله آورده شد، حضرتش آن‌ها را تقسیم کرد و به همهٔ اهل صفه نرسید، بلکه به برخی از آن‌ها عنایت فرمود، پس نگران شد که دیگران به دل بگیرند و ناراحت شوند، از این رو به صفه رفت و به آنان فرمود: ای اهل صفّه! از خدا و شما عذر می‌خواهم، چیزی برای ما آوردند که باید تقسیم می‌شد، ولی به همه شما نمی‌رسید، از این رو به برخی از شما از آن دادم، زیرا از جزع، فزع و ناشکیبایی آن‌ها بیمناک بودیم.

۶ ـ راوی گوید: امام صادق ـ یا امام کاظم عليهما السلام ـ درباره شخصی که چیزی (از زکات) را برای شخصی در نظر می‌گیرد، ولی پس از آن برای او آشکار می‌شود (که به جهت فقیر نبودن، عدم ولایت و یا نصب عداوت و...) مستحق زکات نیست و آن چیز را برای شخصی دیگر قرار می‌دهد، فرمود:

اشکالی ندارد.

(۳۳)
بَابُ تَفْضِيلِ الْقَرَابَةِ فِي الزَّكَاةِ وَ مَنْ لا يَجُوزُ مِنْهُمْ أَنْ يُعْطَوْا مِنَ الزَّكَاةِ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عُتْبَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: لِي قَرَابَةٌ أُنْفِقُ عَلَى بَعْضِهِمْ وَ أُفَضِّلُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ، فَيَأْتِينِي إِبَّانُ الزَّكَاةِ أَ فَأُعْطِيهِمْ مِنْهَا؟

قالَ: مُسْتَحِقُّونَ لَهَا؟

قُلْتُ: نَعَمْ.

قالَ: هُمْ أَفْضَلُ مِنْ غَيْرِهِمْ أَعْطِهِمْ.

قُلْتُ: فَمَنْ ذَا الَّذِي يَلْزَمُنِي مِنْ ذَوِي قَرَابَتِي حَتَّى لا أَحْسُبَ الزَّكَاةَ عَلَيْهِمْ.

فَقالَ: أَبُوكَ وَ أُمُّكَ؟

قُلْتُ: أَبِي وَ أُمِّي.

قالَ: الْوَالِدَانِ وَ الْوُلْدُ.

بخش سی و سوم
رجحان خویشاوندان در پرداخت زکات و...

۱ ـ اسحاق بن عمّار گوید: به امام کاظم علیه السلام گفتم: خویشانی دارم که به آنان کمک می‌کنم و برخی را بیشتر مورد توجّه قرار می‌دهم؛ اگر وقت زکات برسد، می‌توانم از بابت زکات به آنان بپردازم؟

فرمود: آیا مستحق زکات هستند؟

گفتم: آری.

فرمود: از بابت زکات به آنان نیز عطا کن. آنان از دیگران اولی‌ترند.

گفتم: پس کسانی هستند که خرجی آنان بر من واجب است و نمی‌توانم از بابت زکات چیزی به آنان بدهم؟

فرمود: پدرت و مادرت؟

گفتم: فقط پدرم و مادرم؟

فرمود: پدر و مادر و فرزندان.

۲ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُثَنًّى عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلَهُ رَجُلٌ وَ أَنَا أَسْمَعُ قَالَ: أُعْطِي قَرَابَتِي زَكَاةَ مَالِي وَ هُمْ لا يَعْرِفُونَ.

قالَ: فَقالَ: لا تُعْطِ الزَّكَاةَ إِلّا مُسْلِماً وَ أَعْطِهِمْ مِنْ غَيْرِ ذَلِكَ.

ثُمَّ قالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام: أَ تَرَوْنَ أَنَّمَا فِي الْمَالِ الزَّكَاةُ وَحْدَهَا مَا فَرَضَ اللهُ فِي الْمَالِ مِنْ غَيْرِ الزَّكَاةِ أَكْثَرُ تُعْطِي مِنْهُ الْقَرَابَةَ وَ الْمُعْتَرِضَ لَكَ مِمَّنْ يَسْأَلُكَ فَتُعْطِيهِ مَا لَمْ تَعْرِفْهُ بِالنَّصْبِ، فَإِذَا عَرَفْتَهُ بِالنَّصْبِ فَلا تُعْطِهِ إِلّا أَنْ تَخَافَ لِسَانَهُ فَتَشْتَرِيَ دِينَكَ وَ عِرْضَكَ مِنْهُ.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ:

سَأَلْتُ الرِّضَا عليه السلام: عَنِ الرَّجُلِ لَهُ قَرَابَةٌ وَ مَوَالِي وَ أَتْبَاعٌ يُحِبُّونَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ لَيْسَ يَعْرِفُونَ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ أَيُعْطَوْنَ مِنَ الزَّكَاةِ؟

قالَ: لا.

---

۲ ـ ابوبصیر گوید: شخصی از حضرتش سؤال کرد ـ در حالی که من می‌شنیدم ـ و گفت: زکات مالم را به بستگانم می‌دهم، حال آن که آن‌ها نسبت به ولایت شما معرفت ندارند.

فرمود: زکات مالت را جز به مسلمان (که ولایت ما را پذیرفته) مده و به بستگانت چیز دیگری غیر از زکات بده.

سپس امام صادق عليه السلام فرمود: مگر نمی‌بینید که فرض در مال فقط زکات است، بیشترین مورد را به خویشان و درخواست کنندگان پرداخت می‌شود پس به او تا زمانی که دشمنی با ما را از او نفهمیدی می‌دهی، پس اگر دشمنی او با ما را فهمیدی دیگر به او مده، مگر آن که از زبانش بترسی، که در آن صورت با آن (با مال زکات) دین و عرض و آبروی خود را می‌خری.

۳ ـ احمد بن محمّد بن ابی‌نصر گوید: به امام رضا عليه السلام گفتم: ممکن است که خویشان، وابستگان و خدمتکاران ما از دوستان امیر المؤمنین عليه السلام باشند، ولی امام زمان خود را نشناسند، آیا زکات فریضه به آنان می‌رسد؟

فرمود: نه.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ زُرْعَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام:

الرَّجُلُ يَكُونُ لَهُ الزَّكَاةُ وَ لَهُ قَرَابَةٌ مُحْتَاجُونَ غَيْرُ عَارِفِينَ أَ يُعْطِيهِمْ مِنَ الزَّكَاةِ؟ فَقالَ: لا، وَ لا كَرَامَةَ، لا يَجْعَلُ الزَّكَاةَ وِقَايَةً لِمَالِهِ يُعْطِيهِمْ مِنْ غَيْرِ الزَّكَاةِ إِنْ أَرَادَ.

٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ:

خَمْسَةٌ لا يُعْطَوْنَ مِنَ الزَّكَاةِ شَيْئاً: الْأَبُ وَ الْأُمُّ وَ الْوَلَدُ وَ الْمَمْلُوكُ وَ الْمَرْأَةُ، وَ ذَلِكَ أَنَّهُمْ عِيَالُهُ لازِمُونَ لَهُ.

٦ ـ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ وَ غَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ زَيْدٍ الشَّحَّامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ:

فِي الزَّكَاةِ يُعْطَى مِنْهَا الْأَخُ وَ الْأُخْتُ وَ الْعَمُّ وَ الْعَمَّةُ وَ الْخَالُ وَ الْخَالَةُ وَ لا يُعْطَى الْجَدُّ وَ لا الْجَدَّةُ.

---

۴ ـ ابو بصیر گوید: به امام صادق عليه‌السلام گفتم: کسی که زکات فریضه برعهده دارد و خویشان فقیری دارد که امام خود را نمی‌شناسند، آیا می‌تواند از بابت زکات فریضه چیزی به آنان بدهد؟

فرمود: نه. و هیچ کرامتی ندارند. نمی‌تواند زکات فریضه را سپر اموال خود قرار دهد. اگر دلش می‌خواهد از بابت دیگری به آنان انفاق کند.

۵ ـ عبدالرحمان بن حجّاج گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

پنج طایفه از زکات انسان سهمی نمی‌برند: پدر، مادر، فرزند، برده، همسر. اینان در زمرهٔ عیال انسانند و واجب النفقه محسوب می‌شوند.

۶ ـ زید شحّام گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

از زکات به برادر، خواهر، عمو، دایی و خاله داده می‌شود، ولی به پدر بزرگ ومادربزرگ داده نمی‌شود.

۷ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللهِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ حَمْزَةَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه‌السلام: رَجُلٌ مِنْ مَوَالِيكَ لَهُ قَرَابَةٌ كُلُّهُمْ يَقُولُ بِكَ وَ لَهُ زَكَاةٌ أَ يَجُوزُ لَهُ أَنْ يُعْطِيَهُمْ جَمِيعَ زَكَاتِهِ؟

قَالَ: نَعَمْ.

۸ ـ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللهِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه‌السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَضَعُ زَكَاتَهُ كُلَّهَا فِي أَهْلِ بَيْتِهِ وَ هُمْ يَتَوَلَّوْنَكَ؟

فَقَالَ: نَعَمْ.

۹ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عِمْرَانَ الْقُمِّيِّ قَالَ:

كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ عليه‌السلام: أَنَّ لِي وُلْداً رِجَالاً وَ نِسَاءً أَ فَيَجُوزُ لِي أَنْ أُعْطِيَهُمْ مِنَ الزَّكَاةِ شَيْئاً؟

فَكَتَبَ عليه‌السلام: أَنَّ ذَلِكَ جَائِزٌ لَكُمْ.

---

۷ ـ احمد بن حمزه گوید: به ابوالحسن الرضا عليه‌السلام گفتم: مردی از وابستگان شما، زکاتی بر عهده دارد، آیا می‌تواند به خویشان خود ـ که همه از شیعیان شما هستند ـ بپردازد؟

فرمود: آری.

۸ ـ علی بن مهزیار گوید: از ابوالحسن عليه‌السلام سؤال کردم: شخصی زکات دارایی خود را برای خانواده‌اش که همگی از موالیان شما هستند قرار می‌دهد (می‌تواند؟)

فرمود: آری (اشکالی ندارد).

۹ ـ اسماعیل بن عمران قمی گوید: برای امام هادی عليه‌السلام طی نامه‌ای نوشتم: من فرزندان دختر و پسر دارم، آیا جایز است از زکات مقداری به آن‌ها بدهم؟

مرقوم فرمود: همانا این کار برای شما جایز است.

۱۰ ـ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ وَ غَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَزَّكٍ قَالَ:

سَأَلْتُ الصَّادِقَ عليه السلام أَدْفَعُ عُشْرَ مَالِي إِلَى وُلْدِ ابْنَتِي ؟

قالَ: نَعَمْ، لا بَأْسَ.

(٣٤)

بَابٌ نَادِرٌ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْوَابِشِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلَهُ بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ رَجُلٍ اشْتَرَى أَبَاهُ مِنَ الزَّكَاةِ زَكَاةِ مَالِهِ .

قالَ: اشْتَرَى خَيْرَ رَقَبَةٍ، لا بَأْسَ بِذَلِكَ.

۲ ـ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

---

۱۰ ـ محمّد بن جزک گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا می‌توانم یک دهم مالم را (زکات) به فرزندان دخترم پرداخت کنم؟

فرمود: آری، اشکالی ندارد.

بخش سی و چهارم

چند حدیث نکته‌دار

۱ ـ ابو محمّد وابشی گوید: یکی از اصحاب ما از امام صادق عليه السلام پرسید: شخصی از زکات اموال خود، پدرش را خریده است تا از قید بردگی رها شود، آیا این عمل صحیح است؟

فرمود: این مرد بهترین برده‌ای که ممکن بوده، خریداری کرده است، اشکالی ندارد.

۲ ـ اسحاق بن عمّار گوید:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام عَنْ رَجُلٍ عَلَى أَبِيهِ دَيْنٌ وَ لِأَبِيهِ مَئُونَةٌ أَ يُعْطِي أَبَاهُ مِنْ زَكَاتِهِ يَقْضِي دَيْنَهُ؟

قالَ: نَعَمْ، وَ مَنْ أَحَقُّ مِنْ أَبِيهِ؟!

۳ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام: رَجُلٌ حَلَّتْ عَلَيْهِ الزَّكَاةُ وَ مَاتَ أَبُوهُ وَ عَلَيْهِ دَيْنٌ أَ يُؤَدِّي زَكَاتَهُ فِي دَيْنِ أَبِيهِ وَ لِلْإِبْنِ مَالٌ كَثِيرٌ؟

فَقالَ: إِنْ كَانَ أَبُوهُ أَوْرَثَهُ مَالاً ثُمَّ ظَهَرَ عَلَيْهِ دَيْنٌ لَمْ يَعْلَمْ بِهِ يَوْمَئِذٍ، فَيَقْضِيَهُ عَنْهُ قَضَاهُ مِنْ جَمِيعِ الْمِيرَاثِ وَ لَمْ يَقْضِهِ مِنْ زَكَاتِهِ، وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ أَوْرَثَهُ مَالاً لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ أَحَقَّ بِزَكَاتِهِ مِنْ دَيْنِ أَبِيهِ، فَإِذَا أَدَّاهَا فِي دَيْنِ أَبِيهِ عَلَى هَذِهِ الْحَالِ أَجْزَأَتْ عَنْهُ.

از امام صادق عليه‌السلام پرسیدم: پدری قرض دارد و هزینهٔ زندگی او به حدّی است که نمی‌تواند قرض خود را بپردازد. آیا پسرش می‌تواند قرض او را از زکات ادا کند؟

فرمود: آری می‌تواند، و چه کسی از پدر انسان شایسته‌تر است؟!

۳ـزراره گوید: به امام صادق عليه‌السلام گفتم: مردی زکات فریضه بر عهده دارد، و پدرش که مرحوم شده، قرضدار بوده، آیا می‌تواند زکات خود را بابت قرض پدر بپردازد با این که ثروت زیادی دارد؟

فرمود: اگر پدرش میراثی به جا نهاده و بعداً قرض او آشکار شده، نمی‌تواند از بابت زکات فریضه قرض او را بپردازد، بلکه باید قرض او را از مجموعهٔ میراث او بپردازند. ولی اگر از پدرش میراثی به جا نمانده باشد، هیچ‌کس به زکات او شایسته‌تر از پدر نخواهد بود. اگر از راه زکات، قرض پدر را بپردازد، کفایت خواهد کرد.

(۳۵)

بَابُ الزَّكَاةِ تُبْعَثُ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ أَوْ تُدْفَعُ إِلَى مَنْ يَقْسِمُهَا فَتَضِيعُ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

رَجُلٌ بَعَثَ بِزَكَاةِ مَالِهِ لِتُقْسَمَ فَضَاعَتْ هَلْ عَلَيْهِ ضَمَانُهَا حَتَّى تُقْسَمَ؟

فَقَالَ: إِذَا وَجَدَ لَهَا مَوْضِعاً فَلَمْ يَدْفَعْهَا فَهُوَ لَهَا ضَامِنٌ حَتَّى يَدْفَعَهَا، وَ إِنْ لَمْ يَجِدْ لَهَا مَنْ يَدْفَعُهَا إِلَيْهِ فَبَعَثَ بِهَا إِلَى أَهْلِهَا فَلَيْسَ عَلَيْهِ ضَمَانٌ، لِأَنَّهَا قَدْ خَرَجَتْ مِنْ يَدِهِ. وَ كَذَلِكَ الْوَصِيُّ الَّذِي يُوصَى إِلَيْهِ يَكُونُ ضَامِناً لِمَا دُفِعَ إِلَيْهِ إِذَا وَجَدَ رَبَّهُ الَّذِي أُمِرَ بِدَفْعِهِ إِلَيْهِ، فَإِنْ لَمْ يَجِدْ فَلَيْسَ عَلَيْهِ ضَمَانٌ.

بخش سی و پنجم
حکم زکاتی که از شهری به شهر دیگر ارسال می‌شود یا فردی تقسیم می‌کند و ضایع می‌گردد

۱ ـ محمّد بن مسلم گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: اگر کسی زکات اموالش را به محلّ دیگری بفرستد تا به اشخاص معیّنی برسانند. ولی وجه زکات، در نیمهٔ راه تلف شود، آیا ضمانت آن بر عهدهٔ صاحب مال باقی است که باید مجدداً بپردازد؟

فرمود: اگر در محل خودش مستحقی بوده و زکات را به او نپرداخته، صاحب زکات ضمانت دارد و مجدداً باید بپردازد، ولی اگر مستحقی نبوده و از این جهت به محل دیگری فرستاده، ضمانت ندارد، زیرا صاحب مال، طبق وظیفهٔ شرعی زکات خود را به محل دیگری فرستاده است؛ و آن کسی که از طرف صاحب زکات مأمور شده تا زکات را به اهل آن برساند، اگر اشخاص مستحق را دیده و در پرداخت آن تأخیر کرده، ضمانت پرداخت زکات به عهدهٔ او خواهد بود و اگر آن اشخاص را ندیده و در اثنای جست وجو، وجه زکات تلف شده، ضمانتی نخواهد داشت.

۲ ـ حَمَّادُ بْنُ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
إِذَا أَخْرَجَ الرَّجُلُ الزَّكَاةَ مِنْ مَالِهِ ثُمَّ سَمَّاهَا لِقَوْمٍ فَضَاعَتْ، أَوْ أَرْسَلَ بِهَا إِلَيْهِمْ فَضَاعَتْ فَلا شَيْءَ عَلَيْهِ.

۳ ـ حَرِيزٌ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:
إِذَا أَخْرَجَهَا مِنْ مَالِهِ فَذَهَبَتْ وَ لَمْ يُسَمِّهَا لِأَحَدٍ فَقَدْ بَرِئَ مِنْهَا.

٤ ـ حَرِيزٌ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ:
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ بَعَثَ إِلَيْهِ أَخٌ لَهُ زَكَاتَهُ لِيَقْسِمَهَا فَضَاعَتْ.
فَقَالَ: لَيْسَ عَلَى الرَّسُولِ وَ لا عَلَى الْمُؤَدِّي ضَمَانٌ.
قُلْتُ: فَإِنَّهُ لَمْ يَجِدْ لَهَا أَهْلاً فَفَسَدَتْ وَ تَغَيَّرَتْ أَ يَضْمَنُهَا؟
قالَ: لا، وَ لَكِنْ إِنْ عَرَفَ لَهَا أَهْلاً فَعَطِبَتْ، أَوْ فَسَدَتْ فَهُوَ لَهَا ضَامِنٌ حَتَّى يُخْرِجَهَا.

---

۲ ـ ابوبصیر گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:
اگر کسی حق زکات را از اموالش جدا کند و به نام اشخاص معیّنی کنار بگذارد و یا برای آنان ارسال کند، و بعداً تلف شود، ضمانتی بر عهدهٔ صاحب مال نخواهد بود.

۳ ـ عبید بن زراره گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: بعد از آن که صاحب مال، حق زکات را جدا کند و کنار بگذارد، گرچه اشخاص معیّنی را نامزد نکند، باز هم از عهدهٔ پرداخت زکات خارج شده و ضمانتی ندارد.

۴ ـ زراره گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: اگر کسی از جانب صاحب مال، مأمور شود که زکات او را تقسیم کند، ولی وجه زکات در دست او تلف گردد، تکلیف او چیست؟
فرمود: مأمور و صاحب زکات، هیچ یک ضمانت ندارند.
گفتم اگر مستحقی نیابد و با گذشت زمان، گندم‌ها فاسد شوند، آیا ضمانت دارد؟
فرمود: نه. ولی اگر مستحق زکات را بشناسد و در پرداخت آن تأخیر کند و بعداً گوسفندان بمیرند و گندم‌ها فاسد بشوند، ضمانت دارد تا این که از عهدهٔ آن برآید.

۵ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ بُكَيْرِ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَبْعَثُ بِزَكَاتِهِ فَتُسْرَقُ أَوْ تَضِيعُ.

قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ دُرُسْتَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ فِي الزَّكَاةِ يَبْعَثُ بِهَا الرَّجُلُ إِلَى بَلَدٍ غَيْرِ بَلَدِهِ.

قَالَ: لا بَأْسَ أَنْ يَبْعَثَ الثُّلُثَ، أَوِ الرُّبُعَ ـ شَكَّ أَبُو أَحْمَدَ ـ.

٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ وَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

فِي الرَّجُلِ يُعْطَى الزَّكَاةَ يَقْسِمُهَا أَ لَهُ أَنْ يُخْرِجَ الشَّيْءَ مِنْهَا مِنَ الْبَلْدَةِ الَّتِي هُوَ فِيهَا إِلَى غَيْرِهَا.

قَالَ: لا بَأْسَ.

---

۵ ـ بکیر گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم: اگر انسان زکات اموالش را برای کسی بفرستد و در نیمهٔ راه سرقت شود، یا گم شود، تکلیف او چیست؟

فرمود: چیزی بر عهده اوست.

۶ ـ راوی گوید: امام صادق عليه السلام در مورد مردی که زکات را می‌پردازد که تقسیم شود آیا می‌تواند بخشی از آن را از شهر خود به شهر دیگری ببرد؟

فرمود: اشکالی ندارد که یک سوم یا یک چهارم آن را ـ تردید از ابو احمد است ـ (به شهر دیگری) ببرد.

۷ ـ هشام بن حکم گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: شخصی مأمور می‌شود که زکات دیگران را تقسیم کند، آیا می‌تواند قسمتی را به شهر دیگری ارسال کند؟

فرمود: مانعی ندارد.

۸ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عُتْبَةَ الْهَاشِمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله يَقْسِمُ صَدَقَةَ أَهْلِ الْبَوَادِي فِي أَهْلِ الْبَوَادِي، وَ صَدَقَةَ أَهْلِ الْحَضَرِ فِي أَهْلِ الْحَضَرِ، وَ لا يَقْسِمُهَا بَيْنَهُمْ بِالسَّوِيَّةِ، إِنَّمَا يَقْسِمُهَا عَلَى قَدْرِ مَا يَحْضُرُهُ مِنْهُمْ، وَ مَا يَرَى لَيْسَ فِي ذَلِكَ شَيْءٌ مُوَقَّتٌ.

۹ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ وُهَيْبِ بْنِ حَفْصٍ قَالَ:

كُنَّا مَعَ أَبِي بَصِيرٍ فَأَتَاهُ عَمْرُو بْنُ إِلْيَاسَ فَقَالَ لَهُ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! إِنَّ أَخِي بِحَلَبَ بَعَثَ إِلَيَّ بِمَالٍ مِنَ الزَّكَاةِ أَقْسِمُهُ بِالْكُوفَةِ، فَقُطِعَ عَلَيْهِ الطَّرِيقُ فَهَلْ عِنْدَكَ فِيهِ رِوَايَةٌ؟

فَقَالَ: نَعَمْ، سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ هَذِهِ الْمَسْأَلَةِ وَ لَمْ أَظُنَّ أَنَّ أَحَداً يَسْأَلُنِي عَنْهَا أَبَداً.

---

۸ ـ عبدالکریم هاشمی گوید: امام صادق عليه السلام می‌فرماید: رسول خدا صلى الله عليه وآله زکات بادیه نشینان را میان فقرای بادیه نشین تقسیم می‌کرد و زکات شهرنشینان را میان فقرای شهرنشین تقسیم می‌کرد. رسول خدا صلى الله عليه وآله، زکات را به سهام مساوی تقسیم نمی‌کرد، آن چه صلاح می‌دانست به هر طبقه‌ای که حاضر بودند می‌پرداخت؛ در تقسیم زکات، سهام ویژه‌ای برای طبقات مختلف مقرر نشده است.

۹ ـ وهیب بن حفص گوید: در خدمت ابوبصیر بودیم، عمرو بن الیاس آمد و گفت: برادر من که در شهر حلب تجارت می‌کند، مبلغی را از بابت زکات برای من فرستاده تا در شهر کوفه میان شیعیان تقسیم کنم، ولی راهزنان وجه زکات را ربوده‌اند، آیا نزد تو راجع به این مسأله روایتی هست؟

گفت: آری. من این مسأله را از امام باقر عليه السلام پرسیده‌ام، و گمان نمی‌کردم کسی مبتلا شود و از این مقوله سؤالی مطرح کند.

فَقُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! الرَّجُلُ يَبْعَثُ بِزَكَاتِهِ مِنْ أَرْضٍ إِلَى أَرْضٍ فَيُقْطَعُ عَلَيْهِ الطَّرِيقُ.

فَقالَ: قَدْ أَجْزَأَتْ عَنْهُ، وَ لَوْ كُنْتُ أَنَا لَأَعَدْتُهَا.

۱۰ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

لا تَحِلُّ صَدَقَةُ الْمُهَاجِرِينَ لِلْأَعْرَابِ، وَ لا صَدَقَةُ الْأَعْرَابِ لِلْمُهَاجِرِينَ.

۱۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ ضُرَيْسٍ قَالَ:

سَأَلَ الْمَدَائِنِيُّ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِنَّ لَنَا زَكَاةً نُخْرِجُهَا مِنْ أَمْوَالِنَا فَفِي مَنْ نَضَعُهَا؟

فَقالَ: فِي أَهْلِ وَلايَتِكَ.

فَقَالَ: إِنِّي فِي بِلادٍ لَيْسَ فِيهَا أَحَدٌ مِنْ أَوْلِيَائِكَ.

فَقَالَ: ابْعَثْ بِهَا إِلَى بَلَدِهِمْ تُدْفَعُ إِلَيْهِمْ، وَ لا تَدْفَعْهَا إِلَى قَوْمٍ إِنْ دَعَوْتَهُمْ غَداً إِلَى أَمْرِكَ لَمْ يُجِيبُوكَ وَ كَانَ ـ وَ اللهِ ـ الذَّبْحُ.

من به امام باقر عليه السلام گفتم: قربانت شوم! اگر کسی زکات اموالش ر ا از شهری به شهر دیگری بفرستد و ر اهزنان راه را بر فرستاده بگیرند و مال زکات را ببرند، تکلیف صاحب زکات چه خواهد بود؟

فرمود: تکلیف زکات از عهدهٔ او ساقط است. اگر من باشم، زکات اموالم را مجدداً می‌پردازم.

۱۰ ـ حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

زکات مهاجرین شهرنشین برای مردم بادیه نشین روا نیست و زکات مردم بادیه نشین برای مهاجرین شهرنشین روا نخواهد بود.

۱۱ ـ ضریس گوید: یک نفر از اهل مدائن به امام باقر عليه السلام گفت: مقداری زکات به اموال ما تعلّق می‌گیرد، موقعی که آن را جدا می‌کنیم، به چه افرادی تسلیم کنیم؟

فرمود: در میان شیعیانی که مانند خودت به ولایت معتقد باشند تقسیم کن.

آن مرد گفت: من در سرزمینی زندگی می‌کنم که غیر از ما، یک تن از اولیای شما زندگی نمی‌کند؟

فرمود: زکات اموالت را به شهر شیعیان ارسال کن تا در آنجا میان مستمندان شیعه تقسیم شود. زکات اموالت را به کسانی مده که اگر فردای آن روز، آنان را به مذهب خود، فر اخوانی، اجابت نمی‌کنند، بلکه ـ به خدا سوگند! ـ چون از مذهبت باخبر شوند، سرت را نیز از تنت جدا می‌کنند.

(٣٦)
بَابُ الرَّجُلِ يُدْفَعُ إِلَيْهِ الشَّيْءُ يُفَرِّقُهُ وَ هُوَ مُحْتَاجٌ إِلَيْهِ يَأْخُذُ لِنَفْسِهِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ:
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: الرَّجُلُ يُعْطَى الزَّكَاةَ يَقْسِمُهَا فِي أَصْحَابِهِ أَيَأْخُذُ مِنْهَا شَيْئاً؟
قَالَ: نَعَمْ.

٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام:
فِي رَجُلٍ أُعْطِيَ مَالاً يُفَرِّقُهُ فِيمَنْ يَحِلُّ لَهُ أَ لَهُ أَنْ يَأْخُذَ مِنْهُ شَيْئاً لِنَفْسِهِ وَ إِنْ لَمْ يُسَمَّ لَهُ؟
قَالَ: يَأْخُذُ مِنْهُ لِنَفْسِهِ مِثْلَ مَا يُعْطِي غَيْرَهُ.

بخش سی و ششم
حکم مأمور پخش زکاتی که مستحق است،
و برای خود برمی‌دارد

١ ـ سعید بن یسار گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: اگر کسی را مأمور کنند تا وجه زکات را در میان یاران فقیرش تقسیم کند، آیا می‌تواند سهمی برای خودش بردارد؟
فرمود: آری.

٢ ـ حسین بن عثمان گوید: به امام کاظم عليه السلام گفتم: اگر وجه زکات را به کسی تسلیم کنند تا به افراد مستحق برساند، آیا می‌تواند سهمی برای خودش بردارد، با آن که نام خودش در میان نبوده است؟
فرمود: می‌تواند به اندازهٔ سهم یک نفر برای خودش بردارد.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمانِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يُعْطِي الرَّجُلَ الدَّرَاهِمَ يَقْسِمُهَا وَ يَضَعُهَا فِي مَوَاضِعِهَا وَ هُوَ مِمَّنْ يَحِلُّ لَهُ الصَّدَقَةُ.

قالَ: لا بَأْسَ أَنْ يَأْخُذَ لِنَفْسِهِ كَمَا يُعْطِي غَيْرَهُ.

قالَ: وَ لا يَجُوزُ لَهُ أَنْ يَأْخُذَ إِذَا أَمَرَهُ أَنْ يَضَعَهَا فِي مَوَاضِعَ مُسَمَّاةٍ إِلّا بِإِذْنِهِ.

(۳۷)

بَابُ الرَّجُلُ إِذَا وَصَلَتْ إِلَيْهِ الزَّكَاةُ فَهِيَ كَسَبِيلِ مَالِهِ يَفْعَلُ بِهَا مَا يَشَاءُ

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا أَخَذَ الرَّجُلُ الزَّكَاةَ فَهِيَ كَمَالِهِ يَصْنَعُ بِهَا مَا يَشَاءُ.

---

۳ ـ عبدالرحمان بن حجّاج گوید: از امام کاظم عليه السلام سؤال کردم: شخصی به شخص دیگری مقداری درهم می‌دهد تا آن‌ها را در جای خود تقسیم کند و خود مقسّم، مستحق زکات است (آیا می‌تواند برای خودش بردارد؟)

فرمود: مانعی ندارد به همان نسبت که به دیگران می‌دهد برای خودش نیز بردارد.

و نیز فرمود: و جایز نیست مقسّم از آن‌ها بردارد، اگر صاحب درهم‌ها به اوامر کرده باشد که آن‌ها را در محل و مورد مخصوصی که با اسم مشخص کرده، تقسیم کند، مگر به اجازه صاحب درهم‌ها (که در آن صورت می‌تواند بردارد).

بخش سی و هفتم

وقتی به کسی زکات پرداخت شد می‌تواند مثل مال خودش هر طور خواهد مصرف کند

۱ ـ سماعه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

بعد از آن که فقیر و مستمند، از بابت زکات فریضه، وجهی دریافت کند، آن زکات، ملک و مال او خواهد بود و می‌تواند مطابق میل و دلخواهش خرج کند.

قَالَ: وَ قَالَ: إِنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَرَضَ لِلْفُقَرَاءِ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ فَرِيضَةً لايُحْمَدُونَ إِلّا بِأَدَائِهَا وَ هِيَ الزَّكَاةُ، فَإِذَا هِيَ وَصَلَتْ إِلَى الْفَقِيرِ فَهِيَ بِمَنْزِلَةِ مَالِهِ يَصْنَعُ بِهَا مَا يَشَاءُ.

فَقُلْتُ: يَتَزَوَّجُ بِهَا وَ يَحُجُّ مِنْهَا؟

قالَ: نَعَمْ، هِيَ مَالُهُ.

قُلْتُ: فَهَلْ يُؤْجَرُ الْفَقِيرُ إِذَا حَجَّ مِنَ الزَّكَاةِ كَمَا يُؤْجَرُ الْغَنِيُّ صَاحِبُ الْمَالِ؟

قالَ: نَعَمْ.

۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: إِنَّ شَيْخاً مِنْ أَصْحَابِنَا يُقَالُ لَهُ: عُمَرُ، سَأَلَ عِيسَى بْنَ أَعْيَنَ وَ هُوَ مُحْتَاجٌ.

فَقالَ لَهُ عِيسَى بْنُ أَعْيَنَ: أَمَا إِنَّ عِنْدِي مِنَ الزَّكَاةِ، وَ لَكِنْ لا أُعْطِيكَ مِنْهَا.

فَقالَ لَهُ: وَ لِمَ؟

حضرتش فرمود: خداوند عزّوجلّ در اموال ثروتمندان برای مستمندان فرض و واجب کرده است. اگر ثروتمندان این حق مالی را که همان زکات است، به مستمندان نپردازند، مورد ستایش واقع نخواهند شد، و موقعی که حق زکات به دست مستمندان برسد، ملک و مال آنان خواهد بود و می‌توانند مانند ثروتمندان به میل خود خرج کنند.

گفتم: می‌تواند از راه زکات، زن بگیرد و به مکّه برود؟

فرمود: آری، مال خود اوست.

گفتم: اگر به حج برود، مثل ثروتمندان که به حج می‌روند، اجر و پاداش اخروی خواهد داشت؟

فرمود: آری.

۲ ـ ابوبصیر گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: پیرمردی از اصحاب ما که محتاج است به نام عمر از عیسی بن اعین درخواست کمک کرد.

گفت: اتّفاقاً وجهی از بابت زکات نزد من حاضر است، امّا به تو نخواهم داد.

پیرمرد پرسید: چرا؟

فَقالَ: لِأَنِّي رَأَيْتُكَ اشْتَرَيْتَ لَحْماً وَ تَمْراً.

فَقالَ: إِنَّمَا رَبِحْتُ دِرْهَماً فَاشْتَرَيْتُ بِدَانِقَيْنِ لَحْماً وَ بِدَانِقَيْنِ تَمْراً ثُمَّ وَ رَجَعْتُ بِدَانِقَيْنِ لِحَاجَةٍ.

قالَ: فَوَضَعَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام يَدَهُ عَلَى جَبْهَتِهِ سَاعَةً ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ. ثُمَّ قالَ: إِنَّ اللهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى نَظَرَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ ثُمَّ نَظَرَ فِي الْفُقَرَاءِ، فَجَعَلَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ مَا يَكْتَفُونَ بِهِ وَ لَوْ لَمْ يَكْفِهِمْ لَزَادَهُمْ بَلْ يُعْطِيهِ مَا يَأْكُلُ وَ يَشْرَبُ وَ يَكْتَسِي وَ يَتَزَوَّجُ وَ يَتَصَدَّقُ وَ يَحُجُّ.

۳ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ:

سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام وَ أَنَا جَالِسٌ فَقالَ: إِنِّي أُعْطَى مِنَ الزَّكَاةِ فَأَجْمَعُهُ حَتَّى أَحُجَّ بِهِ؟

قالَ: نَعَمْ، يَأْجُرُ اللهُ مَنْ يُعْطِيكَ.

گفت: زیرا من دیدم که تو هم گوشت خریدی و هم خرما خریدی

پیرمرد گفت: من یک درهم سود برده بودم، با دو دانگ آن گوشت خریدم و با دو دانگ دیگرش خرما خریدم و دو دانگ آن را برای حاجت دیگری به خانه بردم.

موقعی که من این گزارش را خدمت امام صادق عليه‌السلام عرض کردم، حضرتش دست خود را بر پیشانی نهاد و بعد از چند لحظه سر خود را بلند کرد و فرمود: خداوند تبارک و تعالی به اموال ثروتمندان نظری افکند، سپس به جمع فقرا و نیازمندان نظر کرد، و به اندازهٔ حاجت نیازمندان در مال ثروتمندان حقّی معیّن نمود، این حق مالی، تمام حوائج نیازمندان را کفایت خواهد کرد، اگر در حدّ کفایت نبود، بر میزان زکات می‌افزود. باید به مستحق زکات، چندان بدهد که بخورد، بیاشامد، پوشاک خود را تهیّه کند، زن بگیرد، صدقه بدهد و حج برود.

۳ـ محمّد بن مسلم گوید: من در خدمت امام صادق عليه‌السلام نشسته بودم، مردی پرسید که من از بابت زکات، وجوهی دریافت می‌کنم، می‌توانم آن را جمع کنم و به حج بروم؟

فرمود: آری. خداوند به کسانی که زکات می‌دهند و تو را به فریضهٔ حج موفق می‌کنند، اجر و پاداش بدهد.

(۳۸)
بَابُ الرَّجُلِ يَحُجُّ مِنَ الزَّكَاةِ أَوْ يُعْتِقُ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ الشَّعِيرِيِّ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ عُتَيْبَةَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: رَجُلٌ يُعْطِي الرَّجُلَ مِنْ زَكَاةِ مَالِهِ يَحُجُّ بِهَا؟

قالَ: مَالُ الزَّكَاةِ يُحَجُّ بِهِ.

فَقُلْتُ لَهُ: إِنَّهُ رَجُلٌ مُسْلِمٌ أَعْطَى رَجُلاً مُسْلِماً.

فَقالَ: إِنْ كَانَ مُحْتَاجاً فَلْيُعْطِهِ لِحَاجَتِهِ وَ فَقْرِهِ وَ لا يَقُولُ لَهُ: حُجَّ بِهَا يَصْنَعُ بِهَا بَعْدُ مَا يَشَاءُ.

۲ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَمْرٍو عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَجْتَمِعُ عِنْدَهُ مِنَ الزَّكَاةِ الْخَمْسُمِائَةِ وَ السِّتُّمِائَةِ يَشْتَرِي بِهَا نَسَمَةً وَ يُعْتِقُهَا.

بخش سی و هشتم
انسان از زکات حج انجام می‌دهد یا برده آزاد می‌کند

۱ ـ حکیم بن عتیبه گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: اگر انسان زکات اموالش را در اختیار کسی بگذارد و بگوید: با این نقدینه به حج برو، اشکالی دارد؟

فرمود: با زکات فریضه می‌توان به حج رفت؟

گفتم: زکات دهنده و گیرنده هر دو مسلمانند.

فرمود: اگر گیرندهٔ وجه، نیازمند باشد، باید از بابت سهم فقرا و نیازمندان به او بپردازد و نگوید: با این نقدینه به حج برو. گیرنده می‌تواند مال زکات را به دلخواه خود خرج کند.

۲ ـ ابوبصیر گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: اگر انسان زکات اموالش را جمع کند تا پانصد درهم و یا ششصد درهم فراهم شود و با آن مبلغ یک برده بخرد و آزاد کند، چه صورت دارد؟

فَقالَ: إِذاً يَظْلِمَ قَوْماً آخَرِينَ حُقُوقَهُمْ.

ثُمَّ مَكَثَ مَلِيّاً. ثُمَّ قالَ: إِلّا أَنْ يَكُونَ عَبْداً مُسْلِماً فِي ضَرُورَةٍ فَيَشْتَرِيَهُ وَ يُعْتِقَهُ.

٣ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ مَرْوَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ أَخْرَجَ زَكَاةَ مَالِهِ أَلْفَ دِرْهَمٍ فَلَمْ يَجِدْ مَوْضِعاً يَدْفَعُ ذَلِكَ إِلَيْهِ فَنَظَرَ إِلَى مَمْلُوكٍ يُبَاعُ فِيمَنْ يُرِيدُهُ فَاشْتَرَاهُ بِتِلْكَ الْأَلْفِ الدِّرْهَمِ الَّتِي أَخْرَجَهَا مِنْ زَكَاتِهِ فَأَعْتَقَهُ هَلْ يَجُوزُ لَهُ ذَلِكَ؟

قالَ: نَعَمْ، لا بَأْسَ بِذَلِكَ.

قُلْتُ: فَإِنَّهُ لَمَّا أَنْ أُعْتِقَ وَ صَارَ حُرّاً اتَّجَرَ وَ احْتَرَفَ وَ أَصَابَ مَالاً ثُمَّ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ وَارِثٌ فَمَنْ يَرِثُهُ إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ وَارِثٌ؟

قالَ: يَرِثُهُ الْفُقَرَاءُ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ يَسْتَحِقُّونَ الزَّكَاةَ، لِأَنَّهُ إِنَّمَا اشْتُرِيَ بِمَالِهِمْ.

فرمود: در این صورت به فقرا و بیکاران ستم کرده است.

حضرتش قدری تأمّل کرد، سپس فرمود: اگر بردهٔ مسلمانی در فشار و سختی باشد، مانعی ندارد که از بابت زکات فریضه او را بخرند و آزاد کنند.

۳ـ عبید بن زراره گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: شخصی محاسبه می‌کند و هزار درهم زکات اموالش را جدا می‌کند، ولی مستحقی پیدا نمی‌کند که وجه زکات را در اختیار او بگذارد، بعداً برده‌ای را می‌بیند که در بازار مزایده می‌فروشند. با همان هزار درهم آن برده را می‌خرد و آزاد می‌کند. آیا کار او صحیح است؟

فرمود: آری، مانعی ندارد.

گفتم: آن بردهٔ آزاد شده به کار و تجارت می‌پردازد و ثروتی به دست می‌آورد، و بعد می‌میرد، در حالی که وارث رسمی ندارد، چه کسی می‌تواند ارث او را تصاحب کند؟

فرمود: ارث او به فقرای مؤمن می‌رسد که مستحق زکات می‌باشند، زیرا این برده از مال فقرا خریداری شده است.

(۳۹)
بَابُ الْقَرْضِ أَنَّهُ حِمَى الزَّكَاةِ

۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ وَ الْحَجَّالِ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ السِّنْدِيِّ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يَقُولُ:
قَرْضُ الْمُؤْمِنِ غَنِيمَةٌ وَ تَعْجِيلُ أَجْرٍ، إِنْ أَيْسَرَ قَضَاكَ، وَ إِنْ مَاتَ قَبْلَ ذَلِكَ احْتَسَبْتَ بِهِ مِنَ الزَّكَاةِ.

۲ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ فُضَيْلٍ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:
كَانَ عَلِيٌّ عليه السلام يَقُولُ: قَرْضُ الْمَالِ حِمَى الزَّكَاةِ.

۳ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
مَنْ أَقْرَضَ رَجُلاً قَرْضاً إِلَى مَيْسَرَةٍ كَانَ مَالُهُ فِي زَكَاةٍ وَ كَانَ هُوَ فِي الصَّلاةِ مَعَ الْمَلائِكَةِ حَتَّى يَقْضِيَهُ.

بخش سی و نهم
قرض، به جای زکات

۱ ـ یونس بن عمّار گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:
قرض دادن به افراد مؤمن، غنیمتی است کامل با اجر و پاداش شتابان، اگر گیرندهٔ قرض به ثروت برسد، قرض تو را می‌پردازد، و اگر بمیرد، مبلغ قرض را از بابت زکات فریضه محسوب می‌کنی.

۲ ـ موسی بن بکر گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود: علی عليه السلام همواره می‌فرمود:
قرض دادن اموال، باعث می‌شود که از پرداخت زکات آن اموال جلوگیری نشود.

۳ ـ جابر گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:
کسی که به شخص قرض دهد و آسان بگیرد، مالش در زکات است و خودش در حال نمازگزاردن با فرشتگان است تا این که قرض گیرنده قرضش را ادا کند.

(٤٠)

بَابُ قِصَاصِ الزَّكَاةِ بِالدَّيْنِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمانِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:
سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ عليه السلام: عَنْ دَيْنٍ لِي عَلَى قَوْمٍ قَدْ طَالَ حَبْسُهُ عِنْدَهُمْ لا يَقْدِرُونَ عَلَى قَضَائِهِ وَ هُمْ مُسْتَوْجِبُونَ لِلزَّكَاةِ هَلْ لِي أَنْ أَدَعَهُ وَ أَحْتَسِبَ بِهِ عَلَيْهِمْ مِنَ الزَّكَاةِ؟
قالَ: نَعَمْ.

٢ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَخِيهِ الْحَسَنِ عَنْ زُرْعَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ لَهُ الدَّيْنُ عَلَى رَجُلٍ فَقِيرٍ يُرِيدُ أَنْ يُعْطِيَهُ مِنَ الزَّكَاةِ؟

بخش چهلم

قصاص زکات با قرض

۱ ـ عبدالرحمان بن حجّاج گوید: به ابوالحسن امام کاظم عليه السلام گفتم: بدهکاران من مدّت‌ها است که از پرداخت دین خود ناتوان مانده‌اند. در صورتی که مستحق زکات باشند، آیا می‌توانم بدهی خود را به آنان واگذار کنم و بابت زکات اموالم به حساب آورم؟
فرمود: آری.

۲ ـ سماعه گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: اگر انسان از مرد فقیری طلبکار باشد و بخواهد از بابت زکات فریضه، مبلغی به او بپردازد، و بدهی خود را وصول کند؟

فَقالَ: إِنْ كَانَ الْفَقِيرُ عِنْدَهُ وَفَاءٌ بِمَا كَانَ عَلَيْهِ مِنْ دَيْنٍ مِنْ عَرْضٍ مِنْ دَارٍ أَوْ مَتَاعٍ مِنْ مَتَاعِ الْبَيْتِ، أَوْ يُعَالِجُ عَمَلاً يَتَقَلَّبُ فِيهَا بِوَجْهِهِ فَهُوَ يَرْجُو أَنْ يَأْخُذَ مِنْهُ مَالَهُ عِنْدَهُ مِنْ دَيْنِهِ فَلا بَأْسَ أَنْ يُقَاصَّهُ بِمَا أَرَادَ أَنْ يُعْطِيَهُ مِنَ الزَّكَاةِ أَوْ يَحْتَسِبَ بِهَا، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ عِنْدَ الْفَقِيرِ وَفَاءٌ وَ لا يَرْجُو أَنْ يَأْخُذَ مِنْهُ شَيْئاً فَلْيُعْطِهِ مِنْ زَكَاتِهِ وَ لا يُقَاصَّهُ بِشَيْءٍ مِنَ الزَّكَاةِ.

(٤١)
بَابُ مَنْ فَرَّ بِمَالِهِ مِنَ الزَّكَاةِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: رَجُلٌ فَرَّ بِمَالِهِ مِنَ الزَّكَاةِ فَاشْتَرَى بِهِ أَرْضاً أَوْ دَاراً أَ عَلَيْهِ فِيهِ شَيْءٌ؟

فَقالَ: لا، وَ لَوْ جَعَلَهُ حُلِيّاً أَوْ نُقَراً فَلا شَيْءَ عَلَيْهِ فِيهِ، وَ مَا مَنَعَ نَفْسَهُ مِنْ فَضْلِهِ أَكْثَرُ مِمَّا مَنَعَ مِنْ حَقِّ اللهِ بِأَنْ يَكُونَ فِيهِ.

فرمود: اگر مرد فقیر به اندازهٔ بدهی که بر عهده دارد، از مال دنیا بهره‌مند باشد که اجناسی برای فروش دارد، خانه و اثاث منزل دارد یا صنعتی دارد که مشغول کار است امید می‌برد که بتواند طلب خود را وصول کند، در این صورت مانعی ندارد که بدهی خود را از حق زکاتی که همین مرد، در اموال او دارد، قصاص کند، بدهی خود را به او واگذار کند و از بابت زکات اموالش به حساب آورد. اما اگر مرد فقیر، از مال دنیا بی‌بهره است و امید نمی‌برد که بتواند بدهی خود را وصول کند، باید از زکات اموالش به او سهمی بدهد و از بابت زکات فریضه به حساب نیاورد.

بخش چهل و یکم
حکم کسی که از پرداخت زکات فرار می‌کند

۱ ـ عمر بن یزید گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: شخصی به منظور فرار از زکات، نقدینهٔ خود را داده و زمینی یا خانه‌ای خریداری کرده است. آیا حق زکات بر عهدهٔ او می‌ماند؟

فرمود: نه. حتّی اگر نقدینه را به صورت زیورآلات و یا شمش درآورد، باز هم زکات ندارد. امّا خسارتی که این مرد، از بابت تبدیل طلا و نقره متحمّل می‌شود، بیشتر از حق زکاتی است که به اموال او تعلّق می‌گیرد.

(٤٢)
بَابُ الرَّجُلِ يُعْطِي عَنْ زَكَاتِهِ الْعِوَضَ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ الْبَرْقِيِّ قَالَ:
كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي عليه السلام: هَلْ يَجُوزُ أَنْ يُخْرَجَ عَمَّا يَجِبُ فِي الْحَرْثِ مِنَ الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ مَا يَجِبُ عَلَى الذَّهَبِ دَرَاهِمُ بِقِيمَةِ مَا يَسْوَى أَمْ لا يَجُوزُ إِلّا أَنْ يُخْرَجَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَا فِيهِ؟
فَأَجَابَ عليه السلام: أَيُّمَا تَيَسَّرَ يُخْرَجُ.
٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ الْعَمْرَكِيِّ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ:
سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يُعْطِي عَنْ زَكَاتِهِ مِنَ الدَّرَاهِمِ دَنَانِيرَ وَ عَنِ الدَّنَانِيرِ دَرَاهِمَ بِالْقِيمَةِ أَ يَحِلُّ ذَلِكَ؟
قَالَ: لا بَأْسَ بِهِ.

بخش چهل و دوم
کسی که از قیمت زکاتش می‌پردازد

۱ ـ محمّد بن خالد برقی گوید: طی نامه‌ای به امام جواد عليه السلام نوشتم: در محصول گندم و جو و یا در نقدینهٔ طلا می‌توانیم حق زکات را قیمت بگذاریم و در برابر آن درهم بپردازیم؟ یا این که باید سهم زکات را از خود آن محصول و عین طلا خارج کنیم؟

حضرتش در پاسخ من نوشت: هر نوع که آسانتر باشد، حق زکات را خارج کنید.

۲ ـ علی بن جعفر گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: کسی به جای درهم معادل آن را دینار طلا زکات می‌دهد و به جای دینار طلا معادل آن و به قیمت آن درهم نقره زکات می‌دهد آیا این کار حلال است؟

فرمودند: اشکالی در آن نیست.

۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللهِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: يَشْتَرِي الرَّجُلُ مِنَ الزَّكَاةِ الثِّيَابَ وَ السَّوِيقَ وَ الدَّقِيقَ وَ الْبِطِّيخَ وَ الْعِنَبَ فَيَقْسِمُهُ.

قالَ: لا يُعْطِيهِمْ إِلّا الدَّرَاهِمَ، كَمَا أَمَرَ اللهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى.

(٤٣)

بَابُ مَنْ يَحِلُّ لَهُ أَنْ يَأْخُذَ الزَّكَاةَ وَ مَنْ لا يَحِلُّ لَهُ وَ مَنْ لَهُ الْمَالُ الْقَلِيلُ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يَقُولُ:

يَأْخُذُ الزَّكَاةَ صَاحِبُ السَّبْعِمِائَةِ إِذَا لَمْ يَجِدْ غَيْرَهُ.

قُلْتُ: فَإِنَّ صَاحِبَ السَّبْعِمِائَةِ تَجِبُ عَلَيْهِ الزَّكَاةُ؟

---

۳ ـ سعید بن عمرو گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: فردی با پول زکات، لباس و سویق (آرد سفید و الک شده گندم و جو)، آرد، خربزه و انگور می‌خرد و آن را بین مستحقین زکات تقسیم می‌کند (حکمش چیست؟)

فرمود: آن گونه که خداوند تبارک و تعالی امر کرده، جز درهم به آن‌ها ندهد.

بخش چهل و سوم
کسی که اخذ زکات بر او حلال است و کسی که اخذ زکات بر او حلال نیست و کسی مال کمی دارد

۱ ـ ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

انسان با موجودی هفتصد درهم می‌تواند زکات بگیرد؛ در صورتی که نتواند مال دیگری بدست آورد.

گفتم: با موجودی هفتصد درهم خودش باید زکات بدهد؟ چه گونه می‌تواند زکات بگیرد؟

قالَ: زَكَاتُهُ صَدَقَةٌ عَلَى عِيَالِهِ، وَ لا يَأْخُذُهَا إِلّا أَنْ يَكُونَ إِذَا اعْتَمَدَ عَلَى السَّبْعِمِائَةِ أَنْفَدَهَا فِي أَقَلَّ مِنْ سَنَةٍ، فَهَذَا يَأْخُذُهَا وَ لا تَحِلُّ الزَّكَاةُ لِمَنْ كَانَ مُحْتَرِفاً وَ عِنْدَهُ مَا يَجِبُ فِيهِ الزَّكَاةُ.

۲ ـ حَمَّادُ بْنُ عِيسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللهِ عَنْ زُرَارَةَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

إِنَّ الصَّدَقَةَ لا تَحِلُّ لِمُحْتَرِفٍ وَ لا لِذِي مِرَّةٍ سَوِيٍّ قَوِيٍّ فَتَنَزَّهُوا عَنْهَا.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا لَهُ ثَمَانُمِائَةِ دِرْهَمٍ وَ هُوَ رَجُلٌ خَفَّافٌ، وَ لَهُ عِيَالٌ كَثِيرَةٌ أَ لَهُ أَنْ يَأْخُذَ مِنَ الزَّكَاةِ؟

فَقَالَ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! أَيَرْبَحُ فِي دَرَاهِمِهِ مَا يَقُوتُ بِهِ عِيَالَهُ وَ يَفْضُلُ؟

قُلْتُ: نَعَمْ.

فرمود: با چنین موجودی ناچیز، اگر قرار باشد که زکات بدهد، باید زکات خود را به أهل و عیال منزل بدهد با هفتصد درهم، موقعی می‌تواند زکات بگیرد که اگر از پا بنشیند و موجودی خود را به مصرف برساند، پیش از گذشت یک سال، همه را تمام کند. ولی اگر کار و پیشه دارد که مخارج او را تأمین می‌کند و به اندازهٔ نصاب زکات، موجودی دارد، نمی‌تواند زکات بگیرد.

۲ ـ زراره گوید: از امام باقر عليه‌السلام شنیدم که می‌فرمود:

پیشه‌وران و کارگران قوی بنیه، نمی‌توانند از بابت زکات فریضه حقّی دریافت کنند پس با داشتن پیشه و کار، قداست و عفّت خود را حفظ کنید و ازگرفتن زکات خودداری نمایید.

۳ ـ ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه‌السلام پرسیدم: مردی از یاران و دوستان ما ۸۰۰ درهم (نقره) دارد، در حالی که مردی بی‌چیز و تنگدست است و عیال زیادی دارد، آیا حق دارد که از زکات چیزی بگیرد؟

فرمودند: ای ابامحمّد! آیا از درهم‌هایی که دارد سودی می‌برد که به وسیلهٔ آن، قوت عیالش را بدهد و چیزی هم زیاد بیاید؟

گفتم: آری.

قالَ: كَمْ يَفْضُلُ؟

قُلْتُ: لا أَدْرِي.

قالَ: إِنْ كَانَ يَفْضُلُ عَنِ الْقُوتِ مِقْدَارُ نِصْفِ الْقُوتِ فَلا يَأْخُذِ الزَّكَاةَ، وَ إِنْ كَانَ أَقَلَّ مِنْ نِصْفِ الْقُوتِ أَخَذَ الزَّكَاةَ.

قُلْتُ: فَعَلَيْهِ فِي مَالِهِ زَكَاةٌ تَلْزَمُهُ؟

قالَ: بَلَى.

قُلْتُ: كَيْفَ يَصْنَعُ؟

قالَ: يُوَسِّعُ بِهَا عَلَى عِيَالِهِ فِي طَعَامِهِمْ وَ شَرَابِهِمْ وَ كِسْوَتِهِمْ، وَ إِنْ بَقِيَ مِنْهَا شَيْءٌ يُنَاوِلُهُ غَيْرَهُمْ، وَ مَا أَخَذَ مِنَ الزَّكَاةِ فَضَّهُ عَلَى عِيَالِهِ حَتَّى يُلْحِقَهُمْ بِالنَّاسِ.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَخِيهِ الْحَسَنِ عَنْ زُرْعَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سَمَاعَةَ قالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الزَّكَاةِ هَلْ تَصْلُحُ لِصَاحِبِ الدَّارِ وَ الْخَادِمِ؟

فرمود: چقدر زیاد می‌آید؟

گفتم: نمی‌دانم.

فرمود: اگر از مقدار نصف قوت زیادی می‌آید، زکات نگیرد و اگر از نصف قوت کمتر است می‌تواند زکات بگیرد.

گفتم: آیا در اموالش زکاتی است که شما او را ملزم به پرداخت آن می‌کنید؟

فرمود: آری.

گفتم: چگونه زکاتش را پرداخت کند؟

فرمود: این گونه که در غذا و نوشیدنی و لباس زن و بچّه‌اش توسعه دهد و اگر چیزی زیاد آمد به دیگران بدهد و آن‌چه را که از زکات می‌گیرد به عیالش توزیع کند تا آن‌ها را به مردم ملحق کند.

۴ ـ سماعه گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که خانه وبردهٔ خدمتکار دارد، می‌تواند زکات بگیرد؟

فَقالَ: نَعَمْ، إِلّا أَنْ تَكُونَ دَارُهُ دَارَ غَلَّةٍ فَيَخْرُجَ لَهُ مِنْ غَلَّتِهَا دَرَاهِمُ مَا يَكْفِيهِ لِنَفْسِهِ وَ عِيَالِهِ، فَإِنْ لَمْ تَكُنِ الْغَلَّةُ تَكْفِيهِ لِنَفْسِهِ وَ عِيَالِهِ فِي طَعَامِهِمْ وَ كِسْوَتِهِمْ وَ حَاجَتِهِمْ مِنْ غَيْرِ إِسْرَافٍ، فَقَدْ حَلَّتْ لَهُ الزَّكَاةُ، فَإِنْ كَانَتْ غَلَّتُهَا تَكْفِيهِمْ فَلا.

٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمانِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ أَبُوهُ أَوْ عَمُّهُ أَوْ أَخُوهُ يَكْفِيهِ مُؤْنَتَهُ أَيَأْخُذُ مِنَ الزَّكَاةِ فَيَتَوَسَّعَ بِهِ إِنْ كَانُوا لا يُوَسِّعُونَ عَلَيْهِ فِي كُلِّ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ؟

فَقالَ: لا بَأْسَ.

٦ ـ صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ لَهُ ثَلاثُمِائَةِ دِرْهَمٍ أَوْ أَرْبَعُمِائَةِ دِرْهَمٍ وَ لَهُ عِيَالٌ، وَ هُوَ يَحْتَرِفُ فَلا يُصِيبُ نَفَقَتَهُ فِيهَا أَيُكِبُّ فَيَأْكُلَهَا وَ لَا يَأْخُذَ الزَّكَاةَ أَوْ يَأْخُذُ الزَّكَاةَ؟

فرمود: آری، می‌تواند جز موقعی که خانهٔ او در اجاره باشد و بتواند با مال‌الاجاره، زندگی خود و خانواده‌اش را تأمین کند. اگر درآمد خانه، نتواند نیاز او و خانواده‌اش را در حدّ اعتدال و بدون اسراف از حیث غذا و لباس و سایر حوائج زندگی اداره کند، زکات فریضه بر او حلال است و اگر درآمد خانه، بتواند همهٔ نیازمندی‌های آنان را کفایت کند، زکات فریضه بر آنان حلال نیست.

۵ ـ عبدالرحمان بن حجّاج گوید: از ابوالحسن امام کاظم علیه السلام پرسیدم: اگر کسی تحت کفایت پدر یا عمو یا برادر خود باشد که حداقل مخارج او را تأمین کنند، آیا می‌تواند زکات بگیرد و به زندگی خود وسعت بدهد و به همهٔ نیازمندی‌های زندگی برسد؟

فرمود: مانعی ندارد.

۶ ـ معاویة بن وهب گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کسی که سیصد و یا چهارصد درهم سرمایه دارد و با آن کار می‌کند، ولی نمی‌تواند مخارج خود و خانواده‌اش را تأمین کند. آیا باید کسری هزینه را از سرمایهٔ خود برداشت کند، یا این که زکات بگیرد و کسری هزینه را تکمیل کند؟

قالَ: لا، بَلْ يَنْظُرُ إِلَى فَضْلِهَا فَيَقُوتُ بِهَا نَفْسَهُ، وَ مَنْ وَسِعَهُ ذَلِكَ مِنْ عِيَالِهِ وَ يَأْخُذُ الْبَقِيَّةَ مِنَ الزَّكَاةِ وَ يَتَصَرَّفُ بِهَذِهِ لا يُنْفِقُهَا.

۷ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليهما السلام:

أَنَّهُمَا سُئِلا عَنِ الرَّجُلِ لَهُ دَارٌ وَ خَادِمٌ أَوْ عَبْدٌ أَيَقْبَلُ الزَّكَاةَ؟

قالَ: نَعَمْ، إِنَّ الدَّارَ وَ الْخَادِمَ لَيْسَتَا بِمَالٍ.

۸ ـ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: رَجُلٌ لَهُ ثَمَانُمِائَةِ دِرْهَمٍ وَ لِابْنٍ لَهُ مِائَتَا دِرْهَمٍ وَ لَهُ عَشْرٌ مِنَ الْعِيَالِ وَ هُوَ يَقُوتُهُمْ فِيهَا قُوتاً شَدِيداً وَ لَيْسَ لَهُ حِرْفَةٌ بِيَدِهِ، وَ إِنَّمَا يَسْتَبْضِعُهَا فَتَغِيبُ عَنْهُ الْأَشْهُرَ ثُمَّ يَأْكُلُ مِنْ فَضْلِهَا أَ تَرَى لَهُ إِذَا حَضَرَتِ الزَّكَاةُ أَنْ يُخْرِجَهَا مِنْ مَالِهِ فَيَعُودَ بِهَا عَلَى عِيَالِهِ يُسْبِغُ عَلَيْهِمْ بِهَا النَّفَقَةَ؟

قالَ: نَعَمْ، وَ لَكِنْ يُخْرِجُ مِنْهَا الشَّيْءَ الدِّرْهَمَ.

فرمود: نه. بلكه مخارج خود و برخى اعضاى خانواده‌اش را از درآمد شخصى خود اداره كند و مخارج بقيّه عائله را از راه زكات تأمين كند؛ و با سرمايهٔ خود، هر چه باشد، به كسب و كار خود بپردازد.

۷ـ راوى گويد: از امام باقر و امام صادق عليهما السلام پرسيدند: كسى كه خانه، نوكر و برده دارد، آيا مى‌تواند زكات بگيرد؟

فرمودند: آرى. خانه و نوكر كه سرمايهٔ زندگى نمى‌باشند.

۸ـ اسحاق بن عمّار گويد: به امام صادق عليه السلام عرض كردم: مردى ۸۰۰ درهم نقره دارد و پسرى هم دارد كه ۲۰۰ درهم نقره دارد و آن مرد ده نفر عيال دارد و به وسيلهٔ آن ۸۰۰ درهم به سختى خوراك آن‌ها را مى‌دهد، و كارى هم ندارد كه انجام دهد، بلكه آن ۸۰۰ درهم را سرمايه مى‌كند، به اين صورت كه چندين ماه آن ۸۰۰ درهم را در اختيار ندارد و از زيادى سود آن مى‌خورد، آيا درست است كه اگر زكاتى به او تعلّق گرفت كه بپردازد، از مالش خارج كند و به عيالش برگرداند و اين گونه به نفقه و خرج زندگى زن و بچه‌اش توسعه دهد؟

فرمود: آرى، ولى بايد چيزى كه خارج مى‌كند درهم باشد.

۹ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَخِيهِ الْحَسَنِ عَنْ زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

قَدْ تَحِلُّ الزَّكَاةُ لِصَاحِبِ السَّبْعِمِائَةِ وَ تَحْرُمُ عَلَى صَاحِبِ الْخَمْسِينَ دِرْهَماً.

فَقُلْتُ لَهُ: وَ كَيْفَ يَكُونُ هَذَا؟

فَقَالَ: إِذَا كَانَ صَاحِبُ السَّبْعِمِائَةِ لَهُ عِيَالٌ كَثِيرٌ، فَلَوْ قَسَمَهَا بَيْنَهُمْ لَمْ تَكْفِهِ فَلْيُعِفَّ عَنْهَا نَفْسَهُ وَ لْيَأْخُذْهَا لِعِيَالِهِ. وَ أَمَّا صَاحِبُ الْخَمْسِينَ، فَإِنَّهُ يَحْرُمُ عَلَيْهِ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ وَ هُوَ مُحْتَرِفٌ يَعْمَلُ بِهَا وَ هُوَ يُصِيبُ مِنْهَا مَا يَكْفِيهِ إِنْ شَاءَ اللهُ.

۱۰ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَ أَبُو بَصِيرٍ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فَقَالَ لَهُ أَبُو بَصِيرٍ: إِنَّ لَنَا صَدِيقاً وَ هُوَ رَجُلٌ صَدُوقٌ يَدِينُ اللهَ بِمَا نَدِينُ بِهِ.

فَقَالَ: مَنْ هَذَا يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الَّذِي تُزَكِّيهِ؟

فَقَالَ: الْعَبَّاسُ بْنُ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ.

---

۹ ـ سماعه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: ممکن است با سرمایهٔ هفتصد درهم، گرفتن زکات حلال باشد و با سرمایهٔ پنجاه درهم گرفتن زکات حرام باشد.

گفتم: چه گونه ممکن است؟

فرمود: در صورتی که صاحب هفتصد درهم عائله زیادی داشته باشد، تا آن حدّ که اگر عایدی خود را بین عائله تقسیم کند، هزینهٔ آنان را کفایت نکند. چنین شخصی برای مخارج شخص خودش از وجه زکات مصرف نکند، ولی برای عائله سنگین خود زکات بگیرد. ولی صاحب پنجاه درهم، در صورتی که تنها و بی‌عائله باشد و با کسب و کاری که دارد، بتواند مخارج خود را تأمین کند، نمی‌تواند زکات بگیرد.

۱۰ ـ عبدالعزیز گوید: من و ابوبصیر خدمت امام صادق عليه السلام شرف‌یاب شدیم، ابوبصیر به امام عليه السلام عرض کرد: ما را دوستی است راستگو که به آن‌چه ما به آن متدین هستیم، متدیّن است.

امام عليه السلام فرمود: ای ابا محمّد! این کسی که از او تعریف می‌کنی کیست؟

ابوبصیر گفت: عبّاس بن ولید بن صبیح است.

فَقالَ: رَحِمَ اللهُ الْوَلِيدَ بْنَ صَبِيحٍ، مَا لَهُ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ!

قَالَ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! لَهُ دَارٌ تَسْوَى أَرْبَعَةَ آلافِ دِرْهَمٍ، وَ لَهُ جَارِيَةٌ وَ لَهُ غُلامٌ يَسْتَقِي عَلَى الْجَمَلِ كُلَّ يَوْمٍ مَا بَيْنَ الدِّرْهَمَيْنِ إِلَى الْأَرْبَعَةِ سِوَى عَلَفِ الْجَمَلِ، وَ لَهُ عِيَالٌ أَ لَهُ أَنْ يَأْخُذَ مِنَ الزَّكَاةِ؟

قالَ: نَعَمْ.

قالَ: وَ لَهُ هَذِهِ الْعُرُوضُ؟

فَقالَ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! فَتَأْمُرُنِي أَنْ آمُرَهُ أَنْ يَبِيعَ دَارَهُ وَ هِيَ عِزُّهُ وَ مَسْقَطُ رَأْسِهِ، أَوْ يَبِيعَ جَارِيَتَهُ الَّتِي تَقِيهِ الْحَرَّ وَ الْبَرْدَ وَ تَصُونُ وَجْهَهُ وَ وَجْهَ عِيَالِهِ، أَوْ آمُرَهُ أَنْ يَبِيعَ غُلامَهُ وَ جَمَلَهُ وَ هُوَ مَعِيشَتُهُ وَ قُوتُهُ، بَلْ يَأْخُذُ الزَّكَاةَ وَ هِيَ لَهُ حَلالٌ وَ لا يَبِيعُ دَارَهُ وَ لا غُلامَهُ وَ لا جَمَلَهُ.

امام علیه السلام فرمود: ای ابا محمد! خداوند پدر ولید بن صبیح را رحمت کند، چه مطلبی دربارهٔ او می‌خواهی بگویی؟

ابوبصیر گفت: فدایت شوم! او، خانه‌ای دارد که به ۴۰۰۰ درهم می‌ارزد،کنیزی نیز دارد، غلامی هم دارد که روزی بین ۲ تا ۴ درهم به شترش آب می‌دهد و این تازه به غیر از علف شتر است، و هم چنین عیال هم دارد، آیا حق دارد که از زکات چیزی بگیرد؟

فرمود: آری.

ابوبصیر گفت: با این که همهٔ این چیزها را دارد؟

حضرت فرمود: ای ابا محمد! آیا توقّع داری که به او امر کنم که خانه‌اش را که عزّت و محل تولدش هست بفروشد؟ یا این که کنیزش را که او را از سرما و گرما محافظت می‌کند و آبروی خودش و زن و بچه‌اش را نگه می‌دارد بفروشد، یا این که امر کنم که غلامش و شترش را که محل درآمد و قوت اوست بفروشد،(من چنین نمی‌کنم) بلکه او حق دارد که زکات بگیرد و زکات برای او حلال است، نباید خانه و غلام و شترش را بفروشد.

۱۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَخِيهِ الْحَسَنِ عَنْ زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ لَهُ الدَّرَاهِمُ يَعْمَلُ بِهَا وَ قَدْ وَجَبَ عَلَيْهِ فِيهَا الزَّكَاةُ، وَ يَكُونُ فَضْلُهُ الَّذِي يَكْسِبُ بِمَالِهِ كَفَافَ عِيَالِهِ لِطَعَامِهِمْ وَ كِسْوَتِهِمْ لا يَسَعُهُ لِأُدُمِهِمْ، وَ إِنَّمَا هُوَ مَا يَقُوتُهُمْ فِي الطَّعَامِ وَ الْكِسْوَةِ.

قَالَ: فَلْيَنْظُرْ إِلَى زَكَاةِ مَالِهِ ذَلِكَ فَلْيُخْرِجْ مِنْهَا شَيْئاً قَلَّ أَوْ كَثُرَ، فَيُعْطِيهِ بَعْضَ مَنْ تَحِلُّ لَهُ الزَّكَاةُ وَ لْيَعُدْ بِمَا بَقِيَ مِنَ الزَّكَاةِ عَلَى عِيَالِهِ وَ لْيَشْتَرِ بِذَلِكَ آدَامَهُمْ وَ مَا يُصْلِحُهُمْ مِنْ طَعَامِهِمْ مِنْ غَيْرِ إِسْرَافٍ، وَ لا يَأْكُلْ هُوَ مِنْهُ، فَإِنَّهُ رُبَّ فَقِيرٍ أَسْرَفُ مِنْ غَنِيٍّ.

فَقُلْتُ: كَيْفَ يَكُونُ الْفَقِيرُ أَسْرَفَ مِنَ الْغَنِيِّ؟

فَقَالَ: إِنَّ الْغَنِيَّ يُنْفِقُ مِمَّا أُوتِيَ، وَ الْفَقِيرَ يُنْفِقُ مِنْ غَيْرِ مَا أُوتِيَ.

---

۱۱ ـ سماعه گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم:

مردی مقداری درهم نقره دارد که با آن‌ها کار می‌کند در حالی که در آن درهم‌ها زکات بر عهده دارد، و درآمدی به وسیله اموالش درمی‌آورد برای غذا و لباس زن و بچه‌اش کفایت می‌کند، ولی برای خودش غذای چرب و نرم کفایت نمی‌کند، بلکه از آن درآمد برای غذا و لباس معمولی آن‌ها خرج می‌کند (حکم او چیست؟)

فرمود: نظر کنید به زکات مالش و مقداری از آن را ـ کم باشد یا زیاد ـ خارج کند و به برخی افراد که زکات برای آن‌ها حلال است بدهد و بقیّهٔ زکات مالش را برای زن و بچّه‌اش خرج کند و با آن برای آن‌ها خورش و غذای خوب بخرد و در این راه اسراف و زیاده روی نکند و خودش از آن خورش نخورد، زیرا که چه بسا فقیری که اسراف‌کارتر از غنی است.

گفتم: چگونه می‌شود که فقیری اسراف‌کارتر از غنی باشد؟

فرمود: همانا غنی، از آن‌چه که به او می‌رسد و مال اوست انفاق می‌کند و فقیر از آن‌چه که به او نمی‌رسد و مال او نیست، انفاق می‌کند.

١٢ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام: يَرْوُونَ عَنِ النَّبِيِّ صلى‌الله‌عليه‌وآله: أَنَّ الصَّدَقَةَ لا تَحِلُّ لِغَنِيٍّ وَ لا لِذِي مِرَّةٍ سَوِيٍّ.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام: لا تَصْلُحُ لِغَنِيٍّ.

١٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: مَا يُعْطَى الْمُصَدِّقُ؟

قالَ: مَا يَرَى الْإِمَامُ، وَ لا يُقَدَّرُ لَهُ شَيْءٌ.

١٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه‌السلام: رَجُلٌ مُسْلِمٌ مَمْلُوكٌ وَ مَوْلاهُ رَجُلٌ مُسْلِمٌ وَ لَهُ مَالٌ يُزَكِّيهِ وَ لِلْمَمْلُوكِ وَلَدٌ صَغِيرٌ حُرٌّ أَ يُجْزِئُ مَوْلاهُ أَنْ يُعْطِيَ ابْنَ عَبْدِهِ مِنَ الزَّكَاةِ؟

فَقَالَ: لا بَأْسَ بِهِ.

---

۱۲ ـ معاویة بن وهب گوید: به امام صادق عليه‌السلام گفتم: روایت می‌کنند که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرموده است: «زکات فریضه برای ثروتمندان روا نیست و نه برای نیرومندان سالم» آیا این روایت صحیح است؟

فرمود: پرداخت زکات به ثروتمندان روا نیست.

۱۳ ـ حلبی گوید: به امام صادق عليه‌السلام عرض کردم: به مصدّق (کسی که مأمور دریافت زکات است) چقدر باید پرداخته شود؟

فرمود: آن مقدار که امام برای او در نظر بگیرد و مقدار مشخص معیّنی ندارد.

۱۴ ـ عبدالرحمان بن حجّاج گوید: به ابوالحسن امام کاظم عليه‌السلام گفتم: مرد ثروتمندی که بردهٔ مسلمانی دارد و آن بردهٔ مسلمان فرزند خردسالی دارد که آزاد است. آیا این مرد می‌تواند از بابت زکات به آن کودک خردسال، خرجی بدهد؟

فرمود: مانعی ندارد.

۱۵ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ دَاوُدَ الصَّرْمِيِّ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ شَارِبِ الْخَمْرِ يُعْطَى مِنَ الزَّكَاةِ شَيْئاً؟

قالَ: لا.

(٤٤)
بَابُ مَنْ تَحِلُّ لَهُ الزَّكَاةُ فَيَمْتَنِعُ مِنْ أَخْذِهَا

۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ أَبِي مَسْرُوقٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مَرْوَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ هِلالِ بْنِ خَاقَانَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يَقُولُ:

تَارِكُ الزَّكَاةِ وَ قَدْ وَجَبَتْ لَهُ مِثْلُ مَانِعِهَا وَ قَدْ وَجَبَتْ عَلَيْهِ.

۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللهِ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللهِ الْعَلَوِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

تَارِكُ الزَّكَاةِ وَ قَدْ وَجَبَتْ لَهُ كَمَانِعِهَا وَ قَدْ وَجَبَتْ عَلَيْهِ.

---

۱۵ ـ داوود صرمى گويد: از امام عليه السلام پرسيدم: آيا به شراب خوار چيزى از زكات داده مى‌شود؟ فرمود: نه.

بخش چهل و چهارم
كسى كه زكات بر او حلال است، ولى از گرفتن آن خوددارى مى‌كند

۱ ـ عبدالله بن هلال بن خاقان گويد: از امام صادق عليه السلام شنيدم كه مى‌فرمود:

كسى كه دريافت زكات براى او واجب (ومستحق دريافت زكات) است ونمى‌گيرد مانند كسى است كه پرداخت زكات بر او واجب است و نمى‌دهد.

۲ ـ يكى از اصحاب ما گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

كسى كه زكات حق اوست و نمى‌گيرد مانند كسى است كه زكات بر او واجب است و نمى‌دهد (يعنى هر دو گنهكارند).

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام:

الرَّجُلُ مِنْ أَصْحَابِنَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَأْخُذَ مِنَ الزَّكَاةِ، فَأُعْطِيهِ مِنَ الزَّكَاةِ وَ لا أُسَمِّي لَهُ أَنَّهَا مِنَ الزَّكَاةِ.

فَقالَ: أَعْطِهِ، وَ لا تُسَمِّ لَهُ وَ لا تُذِلَّ الْمُؤْمِنَ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام: الرَّجُلُ يَكُونُ مُحْتَاجاً فَيُبْعَثُ إِلَيْهِ بِالصَّدَقَةِ فَلَا يَقْبَلُهَا عَلَى وَجْهِ الصَّدَقَةِ يَأْخُذُهُ مِنْ ذَلِكَ ذِمَامٌ وَ اسْتِحْيَاءٌ وَ انْقِبَاضٌ أَ فَيُعْطِيهَا إِيَّاهُ عَلَى غَيْرِ ذَلِكَ الْوَجْهِ وَ هِيَ مِنَّا صَدَقَةٌ؟

فَقالَ: لا، إِذَا كَانَتْ زَكَاةً فَلَهُ أَنْ يَقْبَلَهَا فَإِنْ لَمْ يَقْبَلْهَا عَلَى وَجْهِ الزَّكَاةِ، فَلا تُعْطِهَا إِيَّاهُ وَ مَا يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَسْتَحْيِيَ مِمَّا فَرَضَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ، إِنَّمَا هِيَ فَرِيضَةُ اللهِ لَهُ فَلا يَسْتَحْيِي مِنْهَا.

---

۳ ـ ابوبصیر گوید: به امام باقر عليه‌السلام عرض کردم: کسی از یاران ما که ولایت شما را قبول دارد به خاطر تعفّف شرم دارد که زکات بگیرد، من به او زکات می‌دهم، ولی به او نمی‌گویم که این زکات است (آیا اشکالی دارد؟)

فرمود: به او زکات بده و نگو که زکات است و مؤمن را ذلیل و خوار مکن.

۴ ـ محمّد بن مسلم گوید: به امام باقر عليه‌السلام گفتم: مردی نیازمند و محتاج است، موقعی که از بابت زکات وجهی برای او می‌فرستند، با حالت استنکاف و شرمزدگی، چهره‌اش درهم می‌رود که او را تحقیر کرده‌اند. آیا صاحب زکات، می‌تواند با نام و عنوان دیگری وجه زکات را به او برساند؟

فرمود: نه. در صورتی که زکات باشد باید بپذیرد. اگر به عنوان زکات نپذیرد، از بابت زکات چیزی به او مده. شایسته نیست که انسان از فریضهٔ خدای عزوجل حیا کند. زکات فریضه، حقّی است که خدا برای او مقرّر کرده است، پس نباید از پذیرفتن حق مقرر الهی خودداری کنند.

(٤٥)

بَابُ الْحَصَادِ وَ الْجَدَادِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ شُرَيْحٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يَقُولُ:

فِي الزَّرْعِ حَقَّانِ: حَقٌّ تُؤْخَذُ بِهِ، وَ حَقٌّ تُعْطِيهِ.

قُلْتُ: وَ مَا الَّذِي أُوخَذُ بِهِ؟ وَ مَا الَّذِي أُعْطِيهِ؟

قالَ: أَمَّا الَّذِي تُؤْخَذُ بِهِ؛ فَالْعُشْرُ وَ نِصْفُ الْعُشْرِ. وَ أَمَّا الَّذِي تُعْطِيهِ فَقَوْلُ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿وَ آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ﴾ يَعْنِي مِنْ حَصْدِكَ الشَّيْءَ بَعْدَ الشَّيْءِ، وَ لا أَعْلَمُهُ إِلّا قَالَ: الضِّغْثَ، ثُمَّ الضِّغْثَ حَتَّى يَفْرُغَ.

٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي قَوْلِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿وَ آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ﴾. فَقالواْ جَمِيعاً: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:

بخش چهل و پنجم
خوشه چینی و برداشت محصول

۱ ـ معاویة بن شریح گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

در مزرعه و کشتزار، دو حق بر عهدهٔ توست: حقّی که از تو می‌گیرند، حقّی که خود عطا خواهی کرد.

پرسیدم: کدام حق است که باید بگیرند؟ و کدام حقی است که خود باید بدهم؟

فرمود: حقّی که از تو می‌گیرند، ضریب ده یک و بیست یک محصول است. حقی که تو خواهی پرداخت، گفتار خدای عزّ و جلّ است که می‌فرماید: «حق برداشت را در روز چیدن محصول بپردازید» یعنی از خوشه‌های گندم و جو، یک مشت یک مشت به فقیران حاضر بدهید تا از برداشت محصول فارغ شوید.

۲ ـ زراره، محمّد بن مسلم و ابوبصیر گویند: امام باقر عليه السلام در مورد معنای آیه شریفهٔ «حق برداشت را در روز چیدن محصول بپردازید» فرمود:

هَذَا مِنَ الصَّدَقَةِ يُعْطِي الْمِسْكِينَ الْقَبْضَةَ بَعْدَ الْقَبْضَةِ، وَ مِنَ الْجَدَادِ الْحَفْنَةَ بَعْدَ الْحَفْنَةِ حَتَّى يَفْرُغَ وَ يُعْطِي الْحَارِسَ أَجْراً مَعْلُوماً، وَ يَتْرُكُ مِنَ النَّخْلِ مِعَى فَأْرَةٍ وَ أُمَّ جُعْرُورٍ وَ يُتْرَكُ لِلْحَارِسِ يَكُونُ فِي الْحَائِطِ الْعَذْقُ وَ الْعَذْقَانِ وَ الثَّلاثَةُ لِحِفْظِهِ إِيَّاهُ.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

لا تَصْرِمْ بِاللَّيْلِ وَ لا تَحْصُدْ بِاللَّيْلِ وَ لا تُضَحِّ بِاللَّيْلِ وَ لا تَبْذُرْ بِاللَّيْلِ، فَإِنَّكَ إِنْ تَفْعَلْ لَمْ يَأْتِكَ الْقَانِعُ وَ الْمُعْتَرُّ.

فَقُلْتُ: مَا الْقَانِعُ وَ الْمُعْتَرُّ؟

این حق مالی نیز، جزو صدقات است که روز برداشت محصول، یک مشت یک مشت از خوشه‌های گندم و جو به فقرا و مساکین بدهند و از محصول میوه یک مشت یک مشت، تا موقعی که از جمع آوری آن فارغ شوند. برای نگهبان باغ و مزرعه همان حقّی که معیّن شده می‌پردازند، از میوه‌های فاسد و آفت زده چیزی نمی‌دهند برای باغبان، علاوه بر حق مقرر، یک شاخه، دو شاخه و سه شاخه جداکن تا برای خود بچیند، زیرا میوهٔ باغ را از گزند آفات نگهبانی کرده است.

۳ ـ ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

میوهٔ باغت را شبانه مچین. کشت خود را شبانه جمع مکن، قربانیت را نیز شبانه مکش و شبانه بذر افشانی نکن وگرنه قانع و معترّی نخواهی یافت که فرمان خدا را اطاعت کنی.

پرسیدم: قانع و معترّ کدام است؟

قالَ: الْقانِعُ الَّذِي يَقْنَعُ بِمَا أَعْطَيْتَهُ، وَ الْمُعْتَرُّ الَّذِي يَمُرُّ بِكَ فَيَسْأَلُكَ، وَ إِنْ حَصَدْتَ بِاللَّيْلِ لَمْ يَأْتِكَ السُّؤَّالُ وَ هُوَ قَوْلُ اللهِ تَعَالَى: ﴿آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ﴾ عِنْدَ الْحَصَادِ يَعْنِي الْقَبْضَةَ بَعْدَ الْقَبْضَةِ إِذَا حَصَدْتَهُ، وَ إِذَا خَرَجَ فَالْحَفْنَةَ بَعْدَ الْحَفْنَةِ، وَ كَذَلِكَ عِنْدَ الصِّرَامِ وَ كَذَلِكَ عِنْدَ الْبَذْرِ وَ لا تَبْذُرْ بِاللَّيْلِ، لِأَنَّكَ تُعْطِي مِنَ الْبَذْرِ كَمَا تُعْطِي مِنَ الْحَصَادِ.

٤ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبَانٍ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿وَ آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ﴾.

قالَ: تُعْطِي الْمِسْكِينَ يَوْمَ حَصَادِكَ الضِّغْثَ، ثُمَّ إِذَا وَقَعَ فِي الْبَيْدَرِ ثُمَّ إِذَا وَقَعَ فِي الصَّاعِ الْعُشْرُ وَ نِصْفُ الْعُشْرِ.

٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ مُرَازِمٍ عَنْ مُصَادِفٍ قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام فِي أَرْضٍ لَهُ، وَ هُمْ يَصْرِمُونَ فَجَاءَ سَائِلٌ يَسْأَلُ، فَقُلْتُ: اللهُ يَرْزُقُكَ.

فرمود: قانع کسی است که هر چه دریافت کند، تشکّر می‌کند. معترّ کسی است که به عنوان رهگذر می‌آید و با زبان حال، درخواست و مسألت دارد. اگر کشت خود را شبانه جمع کنی، سائلی نخواهی یافت که فرمان خدا را دربارهٔ او اطاعت کنی، آنجا که می‌فرماید: «حقّ برداشت را در روز چیدن محصول بپردازید»

یعنی در روز درو، یک مشت یک مشت از خوشه‌ها و چون از پوست جدا شود، یک مشت یک مشت از دانه‌ها به فقیران و مساکین بدهید، و به همین کیفیّت، موقع میوه چینی. تخم افشانی و زراعت را نیز شبانه انجام مده، چراکه باید یک مشت یک مشت از بذر زمین به گدایان و سائلان تقدیم کنی، همان طور که روز برداشت، از حاصل زمین می‌پردازی.

۴ ـ ابو مریم گوید: امام صادق عليه السلام دربارهٔ گفتار خدا که می‌فرماید: «حق برداشت را در روز چیدن محصول بپردازید» فرمود:

در روز چیدن به مسکین یک خوشه می‌دهی. آن‌گاه که در خرمنگاه باشد و اگر هنگام پیمانه باشد یک دهم و نصف یک دهم را می‌دهی.

۵ ـ مصادف گوید: به همراه امام صادق عليه السلام در باغ حضرتش بودم که کارگران مشغول چیدن میوه‌ها بودند، ناگاه سائلی آمد و درخواست کرد. من گفتم: خدا روزیت کند.

فَقالَ عليه السلام: مَهْ! لَيْسَ ذَلِكَ لَكُمْ حَتَّى تُعْطُوا ثَلاثَةً، فَإِذَا أَعْطَيْتُمْ ثَلاثَةً فَإِنْ أَعْطَيْتُمْ فَلَكُمْ، وَ إِنْ أَمْسَكْتُمْ فَلَكُمْ.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿وَ آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَ لا تُسْرِفُوا﴾.

قالَ: كَانَ أَبِي عليه السلام يَقُولُ: مِنَ الْإِسْرَافِ فِي الْحَصَادِ وَ الْجَدَادِ أَنْ يَصَّدَّقَ الرَّجُلُ بِكَفَّيْهِ جَمِيعاً، وَ كَانَ أَبِي إِذَا حَضَرَ شَيْئاً مِنْ هَذَا فَرَأَى أَحَداً مِنْ غِلْمَانِهِ يَتَصَدَّقُ بِكَفَّيْهِ صَاحَ بِهِ: أَعْطِ بِيَدٍ وَاحِدَةٍ الْقَبْضَةَ بَعْدَ الْقَبْضَةِ، وَ الضِّغْثَ بَعْدَ الضِّغْثِ مِنَ السُّنْبُلِ.

حضرتش فرمود: آرام باش! این برعهده شما نیست تا این که سه مرتبه به او میوه دهید، اگر چنین کردید، بقیّه از آن شماست و اگر دیگر ندادید باز از آن شماست.

۶ ـ ابن ابی نصر گوید: از امام ابوالحسن عليه السلام دربارهٔ آیه شریفه «حق برداشت را در روز چیدن محصول بپردازید» پرسیدم.

فرمود: پدر بزرگوارم همواره می‌فرمود: اسراف در هنگام برداشت آن است که انسان با دو دستش گندم و میوه بدهد. پدر بزرگوارم همواره به هنگام برداشت گندم وقتی می‌دید یکی از غلامانش با دو دستش گندم می‌داد، فریاد می‌زد: با یک دست یک مشت یک مشت بده و خوشه‌ای بعد از خوشه‌ای دیگر بده.

(٤٦)
بَابُ صَدَقَةِ أَهْلِ الْجِزْيَةِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: مَا حَدُّ الْجِزْيَةِ عَلَى أَهْلِ الْكِتَابِ؟ وَ هَلْ عَلَيْهِمْ فِي ذَلِكَ شَيْءٌ مُوَظَّفٌ لا يَنْبَغِي أَنْ يَجُوزُوا إِلَى غَيْرِهِ؟

فَقالَ: ذَاكَ إِلَى الْإِمَامِ أَنْ يَأْخُذَ مِنْ كُلِّ إِنْسَانٍ مِنْهُمْ مَا شَاءَ عَلَى قَدْرِ مَالِهِ بِمَا يُطِيقُ، إِنَّمَا هُمْ قَوْمٌ فَدَوْا أَنْفُسَهُمْ مِنْ أَنْ يُسْتَعْبَدُوا أَوْ يُقْتَلُوا، فَالْجِزْيَةُ تُؤْخَذُ مِنْهُمْ عَلَى قَدْرِ مَا يُطِيقُونَ لَهُ أَنْ يَأْخُذَهُمْ بِهِ حَتَّى يُسْلِمُوا، فَإِنَّ اللهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَالَ: «حَتَّىٰ يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَ هُمْ صٰاغِرُونَ» وَ كَيْفَ يَكُونُ صَاغِراً وَ هُوَ لا يَكْتَرِثُ لِمَا يُؤْخَذُ مِنْهُ حَتَّى يَجِدَ ذُلّاً لِمَا أُخِذَ مِنْهُ، فَيَأْلَمَ لِذَلِكَ فَيُسْلِمَ.

بخش چهل و ششم
زکات کسانی که باید جزیه دهند

۱ ـ زراره گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: اهل کتاب چقدر باید جزیه (مالیاتی که بر اهل کتاب است) بدهند و آیا مقدار معینی مشخص شده که نباید از آن تجاوز بشود؟

فرمود: مقدار آن به نظر امام بستگی دارد، به این صورت که با توجّه به مقدار دارایی و توان آن‌ها هر چقدر را که صلاح بداند بگیرد، چرا که آن‌ها جان‌هایشان را فدا کردند تا به بردگی (غلامی و کنیزی) کشیده نشوند و نیز کشته نگردند، پس جزیه هم به اندازه وسعت و دارایی آن‌ها (که طاقت فرسا نباشد) از آن‌ها اخذ می‌شود تا این که مسلمان شوند (یا به صلح و آشتی با مسلمانان زندگی کنند) همانا که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «تا به دست خود جزیه دهند و کوچک باشند» پس چگونه می‌تواند کوچک (و در مقابل جامعه مسلمان ذلیل) باشد در حالی که او ابایی ندارد تا آن‌چه را که از او گرفته می‌شود، بپردازد و در خود هم به جهت دادن جزیه احساس ذلت هم نمی‌کند و دردمند نمی‌شود (یعنی برای او مهم نیست که دارد جزیه می‌دهد و اصلاً احساس کوچکی نمی‌کند) تا این که مسلمان شود (یعنی بر همان یهودیت و نصرانیتش می‌ماند و جزیه می‌دهد).

قالَ: وَقال ابْنُ مُسْلِمٍ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام: أَ رَأَيْتَ مَا يَأْخُذُ هَؤُلاءِ مِنْ هَـذَا الْخُمُسِ مِنْ أَرْضِ الْجِزْيَةِ وَ يَأْخُذُ مِنَ الدَّهَاقِينِ جِزْيَةَ رُؤوسِهِمْ أَمَا عَـلَيْهِمْ فِـي ذَلِكَ شَيْءٌ مُوَظَّفٌ؟

فَقالَ: كَانَ عَلَيْهِمْ مَا أَجَازُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ، وَ لَيْسَ لِلْإِمَامِ أَكْثَرُ مِنَ الْـجِزْيَةِ، إِنْ شَاءَ الْإِمَامُ وَضَعَ ذَلِكَ عَلَى رُؤوسِهِمْ، وَ لَيْسَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ شَيْءٌ، وَ إِنْ شَاءَ فَعَلَى أَمْوَالِهِمْ وَ لَيْسَ عَلَى رُؤوسِهِمْ شَيْءٌ.

فَقُلْتُ: فَهَذَا الْخُمُسُ؟

فَقالَ: إِنَّمَا هَذَا شَيْءٌ كَانَ صَالَحَهُمْ عَلَيْهِ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله.

راوی گوید: و (محمّد) بن مسلم گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آن‌چه که این‌ها (نصارا)از این خمس زمین جزیه می‌گیرند، و جزیه‌ای که از مرکب‌های دهاقین گرفته می‌شود، آیا برای آن‌ها چیزی مشخص و مقرّری هست؟

فرمود: آن‌چه را که برای خود پسندیدند برای آن‌هاست، و به امام نیست که چیزی بیشتر از جزیه بگیرد، اگر امام بخواهد جزیه را به چهارپایان آن‌ها می‌بندد و دیگر بر اموالشان چیزی (جزیه‌ای) نیست و اگر بخواهد جزیه را به اموالشان می‌بندد و دیگر بر چهارپایانشان جزیه‌ای نیست.

گفتم: خمس چه می‌شود؟

فرمود: این چیزی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با آن‌ها مصالحه کرده است (آن‌ها دیگر خمس ندارند و فقط باید جزیه دهند).

۲ ـ حَرِيزٌ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ أَهْلِ الذِّمَّةِ مَا ذَا عَلَيْهِمْ مِمَّا يَحْقُنُونَ بِهِ دِمَاءَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ؟

قالَ: الْخَرَاجُ، فَإِنْ أُخِذَ مِنْ رُؤُوسِهِمُ الْجِزْيَةُ فَلا سَبِيلَ عَلَى أَرْضِهِمْ، وَ إِنْ أُخِذَ مِنْ أَرْضِهِمْ فَلا سَبِيلَ عَلَى رُؤُوسِهِمْ.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى جَمِيعاً عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

جَرَتِ السُّنَّةُ أَنْ لا تُؤْخَذَ الْجِزْيَةُ مِنَ الْمَعْتُوهِ، وَ لا مِنَ الْمَغْلُوبِ عَلَى عَقْلِهِ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي يَحْيَى الْوَاسِطِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنِ الْمَجُوسِ أَكَانَ لَهُمْ نَبِيٌّ؟

---

۲ ـ محمّد بن مسلم گوید: از حضرتش پرسیدم: چه چیزی به اهل ذمّه (از جزیه) است که با آن خود ودارایی خود را حفظ کنند؟

فرمود: بر آن‌ها خراج (مالیات و جزیه) است که اگر از حیواناتشان گرفته شد، دیگر از زمین‌هایشان گرفته نمی‌شود واگر از زمین‌هایشان خراج گرفته شد، دیگراز حیواناتشان گرفته نمی‌شود.

۳ ـ طلحة بن زید گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

سنّت این چنین جاری شده است که از کسی که دچار نقص در عقل (سبک مغز وکودن) شده و کسی که دیوانه شده جزیه گرفته نشود.

۴ ـ یکی از اصحاب ما گوید: از امام صادق عليه السلام دربارهٔ مجوس (زرتشتیان) سؤال شد، که آیا آن‌ها پیامبری داشتند؟

فَقالَ: نَعَمْ، أَمَا بَلَغَكَ كِتَابُ رَسُولِ اللهِ ﷺ إِلَى أَهْلِ مَكَّةَ أَنْ أَسْلِمُوا وَ إِلّا نَابَذْتُكُمْ بِحَرْبٍ، فَكَتَبُوا إِلَى رَسُولِ اللهِ ﷺ أَنْ خُذْ مِنَّا الْجِزْيَةَ وَ دَعْنَا عَلَى عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ.

فَكَتَبَ إِلَيْهِمُ النَّبِيُّ ﷺ: أَنِّي لَسْتُ آخُذُ الْجِزْيَةَ إِلّا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ.

فَكَتَبُوا إِلَيْهِ يُرِيدُونَ بِذَلِكَ تَكْذِيبَهُ: زَعَمْتَ أَنَّكَ لا تَأْخُذُ الْجِزْيَةَ إِلّا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ، ثُمَّ أَخَذْتَ الْجِزْيَةَ مِنْ مَجُوسِ هَجَرَ.

فَكَتَبَ إِلَيْهِمُ النَّبِيُّ ﷺ: أَنَّ الْمَجُوسَ كَانَ لَهُمْ نَبِيٌّ فَقَتَلُوهُ وَ كِتَابٌ أَحْرَقُوهُ، أَتَاهُمْ نَبِيُّهُمْ بِكِتَابِهِمْ فِي اثْنَيْ عَشَرَ أَلْفَ جِلْدِ ثَوْرٍ.

امام علیه‌السلام فرمود: آری، مگر داستان نامه‌ای را که پیامبر خدا ﷺ برای اهل مکّه نوشت نمی‌دانی؟ پیامبر خدا ﷺ در آن نامه نوشت: ای اهل مکّه! یا مسلمان شوید و یا این که آماده جنگ باشید.

سران مکّه برای پیامبر خدا ﷺ نوشتند: از ما (مانند اهل کتاب) جزیه بگیر و ما را با بتهایمان رها کن (که آن‌ها را بپرستیم).

پیامبر ﷺ به آن‌ها نوشت: من جز از اهل کتاب جزیه نمی‌گیرم.

کافران مکّه برای پیامبر خدا ﷺ نوشتند ـ و می‌خواستند با این کار پیامبر را دروغگو معرفی کنند ـ: تو خودت می‌گویی که جز از اهل کتاب جزیه نمی‌گیری، آن وقت از مجوس «هجر» [1] جزیه می‌گیری؟ (مگر آن‌ها کافر نیستند؟)

پیامبر خدا ﷺ برای آن‌ها نوشت: مجوس (زرتشتیان) را پیامبری بود که او را کشتند و کتابی داشت که آن را سوزاندند، پیامبرشان کتابشان را در دوازده هزار پوست گاو نر برای آن‌ها آورد.

---

۱ ـ شهری است نزدیک مدینه.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام عَنْ صَدَقَاتِ أَهْلِ الْجِزْيَةِ وَ مَا يُؤْخَذُ مِنْهُمْ مِنْ ثَمَنِ خُمُورِهِمْ وَ لَحْمِ خَنَازِيرِهِمْ وَ مَيْتَتِهِمْ.

قالَ: عَلَيْهِمُ الْجِزْيَةُ فِي أَمْوَالِهِمْ، يُؤْخَذُ مِنْهُمْ مِنْ ثَمَنِ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ أَوْ خَمْرٍ وَ كُلُّ مَا أُخِذُوا مِنْهُمْ مِنْ ذَلِكَ فَوِزْرُ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ وَ ثَمَنُهُ لِلْمُسْلِمِينَ حَلالٌ يَأْخُذُونَهُ فِي جِزْيَتِهِمْ.

٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ:

إِنَّ أَرْضَ الْجِزْيَةِ لا تُرْفَعُ عَنْهَا الْجِزْيَةُ، وَ إِنَّمَا الْجِزْيَةُ عَطَاءُ الْمُهَاجِرِينَ وَ الصَّدَقَةُ لِأَهْلِهَا الَّذِينَ سَمَّى اللهُ فِي كِتَابِهِ وَ لَيْسَ لَهُمْ مِنَ الْجِزْيَةِ شَيْءٌ.

---

۵ ـ محمّد بن مسلم گوید: از امام صادق عليه‌السلام دربارهٔ آن‌چه که از اهل جزیه از درآمد خمر و گوشت خوک و مردارهایشان گرفته می‌شود سؤال کردم (که آیا این‌ها حلال‌اند)؟

فرمود: آن‌ها باید از اموالشان جزیه بدهند و این جزیه از پول گوشت خوک یا خمر و هر آن‌چه که از آن‌ها گرفته می‌شود، دریافت می‌شود. گناه این کارهایشان بر عهدهٔ خودشان است و بهاء و بهره و پول آن برای مسلمانان است که حلال است و به عنوان جزیه گرفته می‌شود.

۶ ـ ابن ابی یعفور گوید: امام صادق عليه‌السلام فرمود:

زمینی که باید جزیهٔ آن از طرف اهل کتاب پرداخت شود، جزیه‌اش هرگز رفع نمی‌شود (و باید جزیهٔ آن را داد) و این بخششی برای مهاجران و صدقه برای اهل آن (اهل آن زمین) همان کسانی که خداوند از آن‌ها در قرآن کریم یاد کرده و چیزی از جزیه برای آن‌ها نیست.

ثُمَّ قالَ:مَا أَوْسَعَ اللهُ الْعَدْلَ !

ثُمَّ قالَ: إِنَّ النَّاسَ يَسْتَغْنُونَ إِذَا عُدِلَ بَيْنَهُمْ وَ تُنْزِلُ السَّمَاءُ رِزْقَهَا وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا بِإِذْنِ اللهِ تَعَالَى.

٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام.

فِي أَهْلِ الْجِزْيَةِ يُؤْخَذُ مِنْ أَمْوَالِهِمْ وَ مَوَاشِيهِمْ شَيْءٌ سِوَى الْجِزْيَةِ؟

قالَ: لا.

(٤٧)

بَابٌ نَادِرٌ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

آن‌گاه امام عليه السلام فرمود: چقدر عدل الهی گسترده است!

سپس فرمود: اگر عدل و داد در بین مردم رواج یابد، بی‌نیاز می‌شوند، به اذن خداوند آسمان روزیش را فرود می‌آورد و زمین برکاتش را بیرون می‌ریزد.

۷ ـ محمّد بن مسلم گوید: از امام باقر عليه السلام سؤال شد که آیا از اموال و چهارپایان اهل جزیه، چیزی جز به عنوان جزیه گرفته می‌شود؟

فرمود: نه.

بخش چهل و هفتم
چند روایت نکته‌دار

۱ ـ عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

لا بَأْسَ بِالرَّجُلِ يَمُرُّ عَلَى الَّثمَرَةِ وَ يَأْكُلُ مِنْهَا وَ لا يُفْسِدُ قَدْ نَهَى رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله أَنْ تُبْنَى الْحِيطَانُ بِالْمَدِينَةِ لِمَكَانِ الْمَارَّةِ.

قالَ: وَ كَانَ إِذَا بَلَغَ نَخْلَةٌ أَمَرَ بِالْحِيطَانِ فَخُرِقَتْ لِمَكَانِ الْمَارَّةِ.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ خَالِدِ بْنِ جَرِيرٍ عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ الشَّامِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام نَحْوَهُ إِلّا أَنَّهُ قالَ: وَ لا يُفْسِدُ وَ لا يَحْمِلُ.

۲ـ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ وَ غَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الرَّيَّانِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يُونُسَ أَوْ غَيْرِهِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

اشکالی ندارد که شخص، از کنار درختان میوه بگذرد و از آن بخورد و از بین نبرد، زیاده روی نکند و به راستی پیامبر خدا صلى الله عليه وآله نهی فرمود که در مدینه دیوارها را در سر راه مردم بسازند.

حضرتش فرمود: پیامبر صلى الله عليه وآله اگر هر گاه به یک درخت خرما می‌رسید امر می‌فرمود تا دیوارها را برای گذر مردم، سوراخ کنند که بتوانند از میوه‌ها استفاده کنند.

در روایت دیگری آمده است: از بین نبرند و با خود نبرند.

۲ـ راوی گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم:

قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! بَلَغَنِي أَنَّكَ كُنْتَ تَفْعَلُ فِي غَلَّةِ عَيْنِ زِيَادٍ شَيْئاً وَ أَنَا أُحِبُّ أَنْ أَسْمَعَهُ مِنْكَ.

فَقالَ لِي: نَعَمْ، كُنْتُ آمُرُ إِذَا أَدْرَكَتِ الثَّمَرَةُ أَنْ يُثْلَمَ فِي حِيطَانِهَا الثُّلَمُ لِيَدْخُلَ النَّاسُ وَ يَأْكُلُوا، وَ كُنْتُ آمُرُ فِي كُلِّ يَوْمٍ أَنْ يُوضَعَ عَشْرُ بُنَيَّاتٍ يَقْعُدُ عَلَى كُلِّ بُنَيَّةٍ عَشَرَةٌ كُلَّمَا أَكَلَ عَشَرَةٌ جَاءَ عَشَرَةٌ أُخْرَى يُلْقَى لِكُلِّ نَفْسٍ مِنْهُمْ مُدٌّ مِنْ رُطَبٍ.

وَ كُنْتُ آمُرُ لِجِيرَانِ الضَّيْعَةِ كُلِّهِمُ الشَّيْخِ وَ الْعَجُوزِ وَ الصَّبِيِّ وَ الْمَرِيضِ وَ الْمَرْأَةِ وَ مَنْ لا يَقْدِرُ أَنْ يَجِيءَ فَيَأْكُلَ مِنْهَا لِكُلِّ إِنْسَانٍ مِنْهُمْ مُدٌّ.

فدایت شوم! شنیده‌ام که شما با درآمد و عایدی و محصول زمین کشاورزی خود که در «عین زیاد» قرار داشت کارهایی می‌کردید و من دوست دارم از خود شما بشنوم.

امام علیه‌السلام به من فرمود: آری، زمانی که میوه‌ها می‌رسیدند به غلامانم امر می‌کردم که نردبان‌هایی را در دیوار باغ جاسازی کنند تا مردم بتوانند وارد باغ شده و از میوه‌های آن بخورند. و امر می‌کردم هر روز تخت‌هایی (بناهای کوچکی را برای نشستن) را ـ که هر تخت ظرفیّت نشستن ده نفر را داشت ـ در باغ قرار دهند، مردم ده نفر، ده نفر می‌آمدند و می‌نشستند و می‌خوردند.

و هر کسی که می‌آمد امر می‌کردم همسایگان باغستان ـ از پیرمرد و پیرزن و کودک و مریض و زن و حتّی کسی که قادر به آمدن نبود ـ به جای هر یک از آن‌ها یک مد خرما توسّط کسانی که آمده بودند، داده شود.

فَإِذا كَانَ الْجَذاذُ أَوْفَيْتُ الْقُوَّامَ وَ الْوُكَلاءَ وَ الرِّجَالَ أُجْرَتَهُمْ وَ أَحْمِلُ الْبَاقِيَ إِلَى الْمَدِينَةِ فَفَرَّقْتُ فِي أَهْلِ الْبُيُوتَاتِ وَ الْمُسْتَحِقِّينَ الرَّاحِلَتَيْنِ وَ الثَّلاثَةَ وَ الْأَقَلَّ وَ الْأَكْثَرَ عَلَى قَدْرِ اسْتِحْقَاقِهِمْ، وَ حَصَلَ لِي بَعْدَ ذَلِكَ أَرْبَعُمِائَةِ دِينَارٍ، وَ كَانَ غَلَّتُهَا أَرْبَعَةَ آلافِ دِينَارٍ.

۳ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ:

كَانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله إِذَا بَلَغَتِ الثِّمَارُ أَمَرَ بِالْحِيطَانِ فَثُلِمَتْ.

تَمَّ الْمُجَلَّدُ الثَّالِثُ مِنْ هَذَا الطَّبْعِ، وَ يَلِيهِ الْمُجَلَّدُ الرَّابِعُ أَوَّلُهُ: أَبْوَابُ الصَّدَقَةِ.

و وقتی که وقت چیدن خرما می‌شد، اجرت دست اندرکاران و وکیلان و کارگران باغ را به طور کامل می‌دادم و آن‌چه که می‌ماند به مدینه می‌بردم و در میان خانواده‌های مستحق به اندازهٔ ۲، ۳، کمتر و بیشتر ـ به اندازهٔ استحقاقشان ـ خرما تقسیم می‌کردم.

و بعد از همهٔ این‌ها چهارصد دینار طلا عاید خودم می‌شد و این در حالی بود که درآمد کلی آن چهارهزار دینار طلا بود.

۳ ـ قاسم جعفری گوید:

زمانی که میوه‌ها می‌رسیدند، همواره پیامبر خدا صلى الله عليه وآله امر می‌کرد تا دیوارهای باغ را سوراخ کنند. (تا مردم بیایند و استفاده کنند.)

پایان جلد سوم (متن عربی) از این چاپ، جلد چهارم (متن عربی) با «ابواب صدقه» آغاز می‌شود.